



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الرحمن  
علیهما صلوات

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الدرجات الرفيعة في وقايع الشيعة: در ذكر تاريخ و سرگذشت ايمه معصومين (عليهم السلام)

نويسنده:

رفيع الدين سيد جعفر رفيعى

ناشر چاپي:

موسسه فرهنگي و تحقيقاتي ياران قائم (ع)

ناشر ديجيتالي:

مرکز تحقيقات رایانه‌اي قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۳۴	الدرجات الرفیعه فیالدرجات الرفیعه فی وقایع الشیعه: در ذکر تاریخ و سرگذشت ایمه معصومین (ع) و گزارش از حوادث حساس اصحاب و یاران ...
۳۴	مشخصات کتاب
۳۵	اشاره
۳۹	مقدمه
۴۱	مبدأ تاریخ اسلام
۴۱	اشاره
۴۶	چرا هجرت؟! ...
۴۸	چرا اسلام ماه های قمری را تعیین نموده نه ماه های شمسی را؟! ...
۵۰	نام ماه های قمری
۵۲	عام الفیل چیست؟
۵۴	ماه ربیع الاول
۵۴	اشاره
۵۵	۱ ربیع الاول
۵۵	مبدأ سال هجری
۵۵	شادی و سرور مؤمنان به جهت ابتدای سال دینی و قمری
۵۵	لیله المبیت
۵۶	بیماری امام حسن عسکری علیه السلام در اثر سم
۵۶	۲ ربیع الاول
۵۶	وفات سید شفتی رحمه الله
۵۸	تشرف سید شفتی رحمه الله به جزیره خضراء
۵۹	۳ ربیع الاول
۵۹	آتش کشیدن مکه به امر یزید بن معاویه
۶۰	۴ ربیع الاول

- ۶۰ ..... خروج پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم از غار ثور و حرکت به سوی یثرب (مدینه)
- ۶۰ ..... مصاحب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در غار
- ۶۱ ..... وفات محدث جلیل القدر شیخ یوسف بحرانی رحمه الله
- ۶۲ ..... ۵ ربیع الاول
- ۶۲ ..... خروج امیرالمؤمنین علیه السلام از خانه بعد از جمع آوری قرآن کریم
- ۶۲ ..... رحلت حضرت سکینه خاتون علیها السلام
- ۶۳ ..... شهادت شهید ثانی رحمه الله
- ۶۴ ..... ۸ ربیع الاول
- ۶۴ ..... ولادت یا شهادت امام حسن عسکری علیه السلام!!!
- ۶۵ ..... ۹ ربیع الاول
- ۶۵ ..... عید بقر
- ۶۶ ..... کشته شدن عمر بن الخطاب
- ۶۶ ..... کشته شدن عمر بن سعد
- ۶۸ ..... ۱۰ ربیع الاول
- ۶۸ ..... تزویج پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم با حضرت خدیجه امالمؤمنین علیها السلام
- ۶۹ ..... مرگ داوود بن علی حاکم ظالم مدینه
- ۷۰ ..... ۱۱ ربیع الاول
- ۷۰ ..... مرگ مالک بن انس
- ۷۰ ..... ولادت جناب نفیسه خاتون
- ۷۰ ..... ۱۲ ربیع الاول
- ۷۰ ..... ولادت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم بنا بر قولی ضعیف
- ۷۰ ..... ورود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به قریه قبا
- ۷۲ ..... مرگ احمد بن حنبل
- ۷۲ ..... ۱۳ ربیع الاول
- ۷۲ ..... به حکومت رسیدن سقّاح، اولین خلیفه عباسی
- ۷۳ ..... ۱۴ ربیع الاول

۷۳	به درک واصل شدن یزید بن معاویه
۷۳	وفات آیةالله حاج آقا حسین قمی رحمه الله
۷۴	رحلت آیت الله شیخ محمد کوهستانی رحمه الله
۷۵	۱۵ ربیع الاول
۷۵	بنای مسجد قُبا، اولین مسجد در اسلام
۷۵	مرگ ولید بن عبدالملک بن مروان، قاتل امام زین العابدین علیه السلام
۷۵	مرگ موسی خلیفه عباسی، قاتل شهدای فَخّ (فرزندان امام حسن مجتبی علیه السلام)
۷۷	فوت عبیدالله مهدی، اولین خلیفه فاطمیون در شمال آفریقا
۷۸	۱۶ ربیع الاول
۷۸	اولین نماز جمعه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم
۷۸	۱۷ ربیع الاول
۷۸	ولادت با سعادت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم
۸۱	ولادت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
۸۴	۱۸ ربیع الاول
۸۴	به درک واصل شدن معتصم عباسی، قاتل امام جواد علیه السلام
۸۵	تأسیس مسجد النبی صلی الله علیه و آله و سلم و روز ساخت و احیای مساجد
۸۵	۲۰ ربیع الاول
۸۵	صدور فتوای تاریخی میرزا محمد تقی شیرازی در راستای مبارزه با اشغالگری انگلستان و آزادسازی عراق
۸۶	۲۲ ربیع الاول
۸۶	غصب فدک از فاطمه زهرا علیها السلام
۸۸	غزوه بنی النضیر
۸۹	۲۳ ربیع الاول
۸۹	تشریف فرمایی حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به قم
۸۹	وفات آیةالله میرزا جواد تهرانی رحمه الله
۸۹	۲۵ ربیع الاول
۸۹	غزوه دومةالجندل

- ٩٠ ..... وفات سيد مرتضى علم الهدى رحمه الله
- ٩٠ ..... ٢٦ ربيع الاول
- ٩٠ ..... صلح امام حسن مجتبي عليه السلام با معاويه
- ٩٠ ..... علت صلح و مواد صلحنامه
- ٩٥ ..... ٢٧ ربيع الاول
- ٩٥ ..... وفات آية الله سيد محسن حكيم رحمه الله
- ٩٦ ..... ٢٨ ربيع الاول
- ٩٦ ..... فتح شهر بغداد توسط شاه عباس صفوى
- ٩٦ ..... ٢٩ ربيع الاول
- ٩٦ ..... شهادت طفلان مسلم عليهما السلام
- ٩٨ ..... ماه ربيع الثانى
- ٩٨ ..... اشاره
- ٩٩ ..... ١ ربيع الثانى
- ٩٩ ..... قيام توابين در كوفه بر ضد حكومت بنى أمية
- ٩٩ ..... ٣ ربيع الثانى
- ٩٩ ..... سفر امام حسن عسكرى عليه السلام به جرجان
- ١٠١ ..... ٤ ربيع الثانى
- ١٠١ ..... ولادت حضرت شاه عبدالعظيم حسنى عليه السلام
- ١٠٢ ..... ٥ ربيع الثانى
- ١٠٢ ..... فوت منتصر بالله عباسى
- ١٠٢ ..... ٦ ربيع الثانى
- ١٠٢ ..... هلاكت هشام بن عبدالملك (قاتل امام محمد باقر عليه السلام)
- ١٠٣ ..... ٨ ربيع الثانى
- ١٠٣ ..... شهادت يا ولادت امام حسن عسكرى عليه السلام!!!
- ١٠٦ ..... ٩ ربيع الثانى
- ١٠٦ ..... شهادت حضرت زهرا عليها السلام به روايت ٤٠ روز



- ۱۰۸ ----- وفات شاعر گران قدر شیعه، سید حیدر حلی
- ۱۱۰ ----- وفات هلاکوخان خاتمه دهنده حکومت بنی العباس
- ۱۱۰ ----- ۱۰ ربیع الثانی
- ۱۱۰ ----- شهادت جانگداز حضرت فاطمه معصومه علیها السلام
- ۱۱۱ ----- ۱۱ ربیع الثانی
- ۱۱۱ ----- حمله روس به حریم سلطان طوس علیه السلام
- ۱۱۴ ----- ۱۲ ربیع الثانی
- ۱۱۴ ----- واجب شدن نماز
- ۱۱۵ ----- ۱۴ ربیع الثانی
- ۱۱۵ ----- قیام مختار ثقفی رحمه الله
- ۱۱۵ ----- ۱۷ ربیع الثانی
- ۱۱۵ ----- وفات معز الدوله از سلاطین دیالمه
- ۱۱۶ ----- ۱۸ ربیع الثانی
- ۱۱۶ ----- هجوم به بیت فاطمه زهرا علیها السلام
- ۱۱۷ ----- شهادت حضرت محسن علیه السلام
- ۱۱۸ ----- ۱۹ ربیع الثانی
- ۱۱۸ ----- ورود حضرت امام رضا علیه السلام به استان یزد
- ۱۱۸ ----- ۲۰ ربیع الثانی
- ۱۱۸ ----- ساخت مسجد الأقصى
- ۱۱۹ ----- ۲۲ ربیع الثانی
- ۱۱۹ ----- رحلت جناب موسی مُبرِّق علیه السلام
- ۱۱۹ ----- وفات مولوی قندهاری رحمه الله
- ۱۲۱ ----- ۲۳ ربیع الثانی
- ۱۲۱ ----- بزرگداشت جناب جعفر طاهر (پاک) فرزند امام هادی علیه السلام
- ۱۲۸ ----- ۲۵ ربیع الثانی
- ۱۲۸ ----- کناره گیری معاویه بن یزید از خلافت و انتقال سلطنت از آل ابوسفیان به آل مروان

- ۲۷ ربیع الثانی - ۱۲۹
- وفات آیةالله سید احمد خوانساری رحمه الله - ۱۲۹
- ۲۸ ربیع الثانی - ۱۲۹
- رحلت علامه امینی رحمه الله - ۱۲۹
- مرگ ابن عربی - ۱۲۹
- ۳۰ ربیع الثانی - ۱۳۰
- به درک رفتن خالد بن ولید - ۱۳۰
- ماه جمادی الاول - ۱۳۱
- اشاره - ۱۳۱
- ۱ جمادی الاول - ۱۳۲
- صدور حکم تحریم تنباکو توسط میرزای بزرگ شیرازی - ۱۳۲
- ۲ جمادی الاول - ۱۳۳
- وفات علامه نهبوندی رحمه الله - ۱۳۳
- ۵ جمادی الاول - ۱۳۴
- ولادت حضرت زینب علیها السلام به قولی - ۱۳۴
- ۶ جمادی الاول - ۱۳۴
- جنگ موته و شهادت جناب جعفر، برادر امیرالمؤمنین علیه السلام - ۱۳۴
- ۷ جمادی الاول - ۱۳۶
- ورود امام رضا علیه السلام به نیشابور - ۱۳۶
- ۹ جمادی الاول - ۱۳۹
- شهادت «شهید اول» - ۱۳۹
- ۱۰ جمادی الاول - ۱۳۹
- حضرت زهرا علیها السلام، پیراهن ابراهیم علیه السلام را به حضرت زینب علیها السلام دادند - ۱۳۹
- جنگ جمل با ناکثین - ۱۳۹
- شهادت زید بن صوحان - ۱۴۰
- ۱۱ جمادی الاول - ۱۴۰

- ولادت خواجه نصیر الدین طوسی رحمه الله - ۱۴۰
- ۱۳ جمادی الاول - ۱۴۱
- شهادت جانسوز فاطمه زهرا علیها السلام - ۱۴۱
- ۱۴ جمادی الاول - ۱۴۱
- شهادت ابراهیم، فرزند مالک اشتر - ۱۴۱
- ۱۵ جمادی الاول - ۱۴۴
- فتح بصره توسط امیرالمؤمنین علیه السلام - ۱۴۴
- قتل مصعب بن زبیر - ۱۴۴
- ۱۶ جمادی الاول - ۱۴۴
- غزوه ذات الرقاع - ۱۴۴
- درگذشت علی عمادالدوله، مؤسس آل بویه - ۱۴۴
- ۱۷ جمادی الاول - ۱۴۶
- رحلت حضرت عبدالله بن عبدالمطلب علیهما السلام - ۱۴۶
- ۱۸ جمادی الاول - ۱۴۷
- هجوم به بیت فاطمه زهرا علیها السلام - ۱۴۷
- ولادت جناب ذوالقرنین - ۱۴۷
- ۲۲ جمادی الاول - ۱۵۰
- تزیج حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام با امامه - ۱۵۰
- رحلت جناب قاسم بن الإمام موسی بن جعفر علیه السلام - ۱۵۱
- ۲۳ جمادی الاول - ۱۵۱
- شهادت جناب مالک اشتر - ۱۵۱
- ۲۴ جمادی الاول - ۱۵۲
- وفات شاه عباس اول صفوی - ۱۵۲
- ۲۷ جمادی الاول - ۱۵۲
- رحلت حضرت عبد المطلب علیه السلام - ۱۵۲
- شهادت ابوسلمه اسدی - ۱۵۴

- ٢٨ جمادى الاول - ١٥٤
- ١٥٤ - روز حديث كساء و نزول آيه تطهير
- ١٥٤ - كيفيت نزول آيه تطهير و حديث كساء
- ١٥٥ - آخر جمادى الاول
- ١٥٥ - رحلت دومين سفير خاص امام زمان عليه السلام
- ١٥٧ - ماه جمادى الثانى
- ١٥٧ - اشاره
- ١٥٨ - ١ جمادى الثانى
- ١٥٨ - هلاكت هارون الرشيد، قاتل حضرت موسى بن جعفر عليه السلام
- ١٥٨ - ٣ جمادى الثانى
- ١٥٨ - شهادت حضرت زهرا عليها السلام
- ١٦٠ - ٥ جمادى الثانى
- ١٦٠ - مرگ ملای رومی معروف به مولوی
- ١٦٢ - ٨ جمادى الثانى
- ١٦٢ - رحلت علامه سيد عبدالحسين شرف الدين موسى عاملی
- ١٦٢ - ١٠ جمادى الثانى
- ١٦٢ - ورود سر مبارك زيد بن على عليهما السلام به مصر
- ١٦٣ - مرگ فرید الدین عطار نیشابوری
- ١٦٣ - ١٣ جمادى الثانى
- ١٦٣ - شهادت جناب ام البنين عليها السلام
- ١٦٥ - ١٥ جمادى الثانى
- ١٦٥ - وفات بی بی شهربانو عليها السلام
- ١٦٧ - ١٨ جمادى الثانى
- ١٦٧ - مرگ عبدالله بن زبير
- ١٦٨ - ١٨ جمادى الثانى
- ١٦٨ - تزويج جناب عبدالله عليه السلام با آمنه بنت وَهَب عليها السلام

- ۱۶۸ ..... جمادى الثانى ۱۹
- ۱۶۸ ..... روز غبارروبی حرم امام زادگان
- ۱۶۸ ..... «روز کوثر» و تجلیل از ذریه فاطمه زهرا علیها السلام
- ۱۶۹ ..... جمادى الثانى ۲۰
- ۱۶۹ ..... ولادت با سعادت بانوی بانوان، سرور جهانیان، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و روز مادر
- ۱۶۹ ..... شب یلدا، شب ولادت فاطمه زهرا علیها السلام
- ۱۷۰ ..... کیفیت خلقت فاطمه زهرا علیها السلام
- ۱۷۱ ..... کیفیت حمل خدیجه علیها السلام
- ۱۷۳ ..... کیفیت ولادت فاطمه زهرا علیها السلام
- ۱۷۵ ..... جمادى الثانى ۲۱
- ۱۷۵ ..... روز دوم ولادت فاطمه زهرا علیها السلام، روز زن
- ۱۷۶ ..... جمادى الثانى ۲۲
- ۱۷۶ ..... روز سوم ولادت فاطمه زهرا علیها السلام، روز حجاب و کرامت زن
- ۱۷۶ ..... حقیقت حجاب
- ۱۷۶ ..... اهمیت حجاب
- ۱۷۸ ..... مردن ابوبکر پسر ابوقحافه
- ۱۸۰ ..... جمادى الثانى ۲۳
- ۱۸۰ ..... وفات جناب محقق جلی رحمه الله
- ۱۸۰ ..... جمادى الثانى ۲۷
- ۱۸۰ ..... شهادت امام هادی علیه السلام
- ۱۸۱ ..... شهادت سلطان علی بن محمد الباقر علیه السلام
- ۱۸۲ ..... وفات میرزا حسین نوری رحمه الله
- ۱۸۲ ..... جمادى الثانى ۲۸
- ۱۸۲ ..... به درک رفتن ولید بن یزید
- ۱۸۳ ..... قیام محمد نفس زکیه
- ۱۸۳ ..... جمادى الثانى ۲۹

۱۸۳	شهادت حضرت أمّ کلثوم، دخت امیرالمؤمنین علیهما السلام
۱۸۵	آخر جمادی الثانی
۱۸۵	شهادت جناب سید محمد فرزند امام هادی علیه السلام
۱۸۶	وفات سیف الدوله
۱۸۷	ماه رجب المرجب
۱۸۷	اشاره
۱۸۸	۱ رجب المرجب
۱۸۸	ولادت با سعادت امام محمد باقر علیه السلام
۱۸۹	فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام و حضرت امام رضا علیه السلام
۱۹۱	سوار شدن حضرت نوح علیه السلام بر کشتی
۱۹۱	۳ رجب المرجب
۱۹۱	ولادت با سعادت امام هادی علیه السلام
۱۹۴	۵ رجب المرجب
۱۹۴	ولادت با سعادت امام موسی بن جعفر علیه السلام
۱۹۸	یک خاطره
۲۰۰	شهادت ابن سکیت رحمه الله
۲۰۰	۸ رجب المرجب
۲۰۰	هلاکت مأمون عباسی، قاتل امام رضا علیه السلام
۲۰۱	۹ رجب المرجب
۲۰۱	ولادت با سعادت حضرت علی اصغر علیه السلام
۲۰۲	۱۰ رجب المرجب
۲۰۲	ولادت با سعادت امام محمد جواد علیه السلام
۲۰۳	۱۱ رجب المرجب
۲۰۳	ولادت مرجع عالیقدر شیعه، آیت الله وحید خراسانی
۲۰۴	۱۲ رجب المرجب
۲۰۴	شکافته شدن دیوار کعبه برای فاطمه بنت أسد علیها السلام

- ۱۳ رجب المرجب ..... ۲۰۵
- روز اول: ولادت با سعادت امیرالمؤمنین علیه السلام ..... ۲۰۵
- ۱۴ رجب المرجب ..... ۲۰۵
- روز دوم: ولادت با سعادت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام ..... ۲۰۵
- ۱۵ رجب المرجب ..... ۲۰۶
- اشاره ..... ۲۰۶
- روز سوم: ولادت با سعادت امیرالمؤمنین علیه السلام از کعبه ..... ۲۰۶
- شهادت حضرت زینب کبری علیها السلام دهم ماه مبارک رمضان است ..... ۲۰۹
- تغییر قبله مسلمین ..... ۲۱۰
- ۱۸ رجب المرجب ..... ۲۱۱
- رحلت جناب ابراهیم، فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ..... ۲۱۱
- ۱۹ رجب المرجب ..... ۲۱۲
- به درک واصل شدن معتمد عباسی، قاتل امام حسن عسکری علیه السلام ..... ۲۱۲
- وفات شاه اسماعیل صفوی ..... ۲۱۲
- ۲۰ رجب المرجب ..... ۲۱۴
- رحلت عارف و سالک الی الله حاج محمود عتیق، معروف به حاج ملا آقا جان زنجانی ..... ۲۱۴
- ۲۲ رجب المرجب ..... ۲۱۵
- به درک رفتن معاویة بن ابوسفیان ..... ۲۱۵
- ۲۳ رجب المرجب ..... ۲۱۶
- مجروح شدن امام حسن مجتبی علیه السلام ..... ۲۱۶
- مسموم شدن امام موسی بن جعفر علیه السلام ..... ۲۱۶
- ابتدای «هفته کاظمیه» ..... ۲۱۷
- ۲۴ رجب المرجب ..... ۲۱۷
- فتح خیبر به دست امیرالمؤمنین علیه السلام ..... ۲۱۷
- وفات سید محمد مهدی بحرالعلوم رحمه الله ..... ۲۱۹
- ۲۵ رجب المرجب ..... ۲۲۰

۲۲۰	شهادت امام موسی بن جعفر علیهما السلام
۲۲۰	۲۶ رجب المرجب
۲۲۰	شهادت حضرت ابوطالب علیه السلام
۲۲۲	۲۷ رجب المرجب
۲۲۲	عید مبعث
۲۲۲	۲۸ رجب المرجب
۲۲۲	روز سوم شهادت امام موسی بن جعفر علیه السلام
۲۲۲	وفات جناب ام ایمن
۲۲۴	۲۹ رجب المرجب
۲۲۴	شهادت حضرت خدیجه کبری علیها السلام
۲۲۶	مختصری از شرح حال حضرت خدیجه علیها السلام
۲۲۷	حرکت امام حسین علیه السلام به سوی کربلا
۲۲۷	مرگ شافعی
۲۲۸	ماه شعبان المعظم
۲۲۸	اشاره
۲۲۹	۱ شعبان المعظم
۲۲۹	تولد حضرت زینب کبری علیها السلام
۲۳۲	۲ شعبان المعظم
۲۳۲	به هلاکت رسیدن معتزّ عباسی، قاتل امام هادی علیه السلام
۲۳۲	۳ شعبان المعظم
۲۳۲	ولادت با سعادت امام حسین علیه السلام
۲۳۳	۴ شعبان المعظم
۲۳۳	ولادت با سعادت حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام
۲۳۴	۵ شعبان المعظم
۲۳۴	ولادت با سعادت امام زین العابدین علیه السلام
۲۳۶	۶ شعبان المعظم



- وفات ثقة الواعظین حاج شیخ عبدالله یزدی رحمه الله ..... ۲۳۶
- ۸ شعبان المعظم ..... ۲۳۷
- شروع غیبت صغری ..... ۲۳۷
- ۱۰ شعبان المعظم ..... ۲۳۹
- صدور آخرین توقیع از ناحیه مقدس امام زمان علیه السلام و خبر از وقوع غیبت کبری ..... ۲۳۹
- ۱۱ شعبان المعظم ..... ۲۴۰
- ولادت با سعادت حضرت علی اکبر علیه السلام ..... ۲۴۰
- ۱۵ شعبان المعظم ..... ۲۴۱
- ولادت با سعادت یکتا منجی عالم بشریت حضرت بقیة الله ارواحنا فداه ..... ۲۴۱
- احیاء شب نیمه شعبان ..... ۲۴۳
- رحلت آخرین وکیل و سفیر خاص امام زمان علیه السلام جناب علی بن محمد سمری رحمه الله ..... ۲۴۴
- ۱۷ شعبان المعظم ..... ۲۴۵
- وفات زاهد عالم، مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی مشهور به نخودکی ..... ۲۴۵
- ۱۸ شعبان المعظم ..... ۲۴۶
- رحلت سومین وکیل و سفیر خاص امام زمان علیه السلام، جناب حسین بن روح رحمه الله ..... ۲۴۶
- ۱۹ شعبان المعظم ..... ۲۴۷
- رحلت آیت الله حاج شیخ حسنعلی مروارید رحمه الله ..... ۲۴۷
- ۲۰ شعبان المعظم ..... ۲۴۷
- وفات آية الله الاکبر، جناب آقای سلطان الواعظین شیرازی رحمه الله ..... ۲۴۷
- ۲۲ شعبان المعظم ..... ۲۴۷
- ولادت رقیه خاتون علیها السلام ..... ۲۴۷
- سفره حضرت رقیه علیها السلام ..... ۲۴۸
- ۲۳ شعبان المعظم ..... ۲۵۰
- وفات جناب ناصر کبیر ..... ۲۵۰
- ۲۴ شعبان المعظم ..... ۲۵۱
- وفات میرزا محمد حسن شیرازی رحمه الله ..... ۲۵۱

۲۵۱	.....	۲۵ شعبان المعظم
۲۵۱	.....	هلاکت ابومسلم خراسانی
۲۵۳	.....	۲۷ شعبان المعظم
۲۵۳	.....	شهادت سعید بن جبیر از اصحاب خاص امیرالمؤمنین علیه السلام
۲۵۴	.....	۲۸ شعبان المعظم
۲۵۴	.....	به درک واصل شدن علی محمد باب
۲۵۵	.....	آخر شعبان المعظم
۲۵۵	.....	واجب شدن روزه ماه مبارک رمضان
۲۵۶	.....	ماه مبارک رمضان
۲۵۶	.....	اشاره
۲۵۷	.....	۱ ماه مبارک رمضان
۲۵۷	.....	نزول صحف ابراهیم
۲۵۷	.....	غزوه تبوک
۲۵۷	.....	وفات جناب نفیسه خاتون علیها السلام
۲۵۹	.....	۳ ماه مبارک رمضان
۲۵۹	.....	رحلت جناب شیخ مفید رحمه الله
۲۶۰	.....	۴ ماه مبارک رمضان
۲۶۰	.....	به درک واصل شدن زیاد بن أبیه
۲۶۱	.....	۵ ماه مبارک رمضان
۲۶۱	.....	وفات سفیر اول امام زمان علیه السلام، جناب عثمان بن سعید رحمه الله
۲۶۲	.....	۶ ماه مبارک رمضان
۲۶۲	.....	بیعت مأمون با امام رضا علیه السلام
۲۶۳	.....	نزول تورات
۲۶۳	.....	۱۰ ماه مبارک رمضان
۲۶۳	.....	رحلت و شهادت حضرت خدیجه کبری علیها السلام در ۲۹ رجب می باشد
۲۶۴	.....	رحلت و شهادت حضرت زینب علیها السلام

- ۲۶۵ ..... رسیدن دعوتنامهٔ اهل کوفه به امام حسین علیه السلام
- ۲۶۵ ..... ۱۲ ماه مبارک رمضان
- ۲۶۵ ..... عقد اخوت بین اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم
- ۲۶۶ ..... ۱۳ ماه مبارک رمضان
- ۲۶۶ ..... هلاکت حجاج ثقفی قاتل سفاک و بیرحم شیعیان
- ۲۶۸ ..... نزول انجیل
- ۲۶۸ ..... ۱۴ ماه مبارک رمضان
- ۲۶۸ ..... شهادت سید جلال الدین اشرف، فرزند امام کاظم علیه السلام
- ۲۶۹ ..... شهادت جناب مختار ثقفی رحمه الله
- ۲۷۴ ..... کیفیت شهادت مختار رحمه الله
- ۲۷۵ ..... ۱۵ ماه مبارک رمضان
- ۲۷۵ ..... ولادت با سعادت امام حسن مجتبیٰ علیه السلام
- ۲۷۵ ..... حرکت جناب مسلم بن عقیل علیه السلام به سوی کوفه
- ۲۷۵ ..... ۱۶ ماه مبارک رمضان
- ۲۷۵ ..... رحلت آیت الله سید محمود مجتهدی سیستانی رحمه الله
- ۲۷۶ ..... ۱۷ ماه مبارک رمضان
- ۲۷۶ ..... معراج پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم
- ۲۷۷ ..... جنگ بدر
- ۲۷۷ ..... مرگ ابوجهل
- ۲۷۷ ..... فرمان امام زمان علیه السلام بر ساختن مسجد مقدس جمکران
- ۲۸۱ ..... ۱۸ ماه مبارک رمضان
- ۲۸۱ ..... نزول زبور
- ۲۸۱ ..... ۱۹ ماه مبارک رمضان
- ۲۸۱ ..... لیلۃ القدر، ضربت خوردن حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام
- ۲۸۲ ..... نزول آیه خمس
- ۲۸۳ ..... ۲۰ ماه مبارک رمضان

- ۲۸۳ ----- شدت بیماری امیرالمؤمنین علیه السلام
- ۲۸۴ ----- فتح مکه و شکستن بت های کعبه توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علیه السلام
- ۲۸۴ ----- ۲۱ ماه مبارک رمضان
- ۲۸۴ ----- لیلۃ القدر
- ۲۸۴ ----- شهادت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام
- ۲۸۶ ----- بیعت مسلمانان با امام حسن مجتبی علیه السلام به جهت خلافت
- ۲۸۶ ----- رحلت حضرت موسی کلیم الله علیه السلام
- ۲۸۶ ----- شهادت یوشع بن نون علیه السلام
- ۲۸۷ ----- عروج حضرت عیسی علیه السلام به آسمان
- ۲۸۷ ----- وفات شیخ حر عاملی رحمه الله
- ۲۸۸ ----- ۲۳ ماه مبارک رمضان
- ۲۸۸ ----- لیلۃ القدر، شب سوم شهادت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام
- ۲۸۸ ----- نزول دفعی قرآن
- ۲۸۹ ----- ۲۵ ماه مبارک رمضان
- ۲۸۹ ----- شهادت میرزا محمد تقی موسوی اصفهانی، صاحب «مکیال المکارم»
- ۲۹۰ ----- ۲۶ ماه مبارک رمضان
- ۲۹۰ ----- میلاد مسعود علیا مخدره، زینب صغری، ام کلثوم علیها السلام
- ۲۹۲ ----- ۲۷ ماه مبارک رمضان
- ۲۹۲ ----- شب قدر نزد عامه
- ۲۹۲ ----- به درک واصل شدن ابن ملجم، قاتل امیرالمؤمنین علیه السلام
- ۲۹۳ ----- رحلت علامه مجلسی رحمه الله
- ۲۹۳ ----- ۳۰ ماه مبارک رمضان
- ۲۹۳ ----- وفات الجایتو سلطان محمد خدابنده
- ۲۹۴ ----- تشییع محمد خدابنده
- ۲۹۶ ----- ماه شوال المکرم
- ۲۹۶ ----- اشاره

- ۱ شوال المکرم - ..... ۲۹۷
- روز عید فطر ..... ۲۹۷
- به درک واصل شدن عمرو بن العاص ..... ۲۹۷
- ۳ شوال المکرم - ..... ۲۹۸
- به درک واصل شدن متوکل عباسی ..... ۲۹۸
- ۵ شوال المکرم - ..... ۳۰۰
- ورود مسلم بن عقیل علیه السلام به کوفه ..... ۳۰۰
- ۶ شوال المکرم - ..... ۳۰۱
- معجزه ردّ الشمس برای بار دوم ..... ۳۰۱
- صدور اولین توقیع از امام زمان علیه السلام در تأیید جناب حسین بن روح رحمه الله ..... ۳۰۱
- ۷ شوال المکرم - ..... ۳۰۱
- شهادت جناب فاطمه معروف به «خواهر امام» ..... ۳۰۱
- ۸ شوال المکرم - ..... ۳۰۲
- روز مصیبت بقیع ..... ۳۰۲
- درگذشت عضدالدوله دیلمی ..... ۳۰۳
- ۱۳ شوال المکرم ..... ۳۰۳
- رحلت آیه‌الله سید حسین بروجردی رحمه الله ..... ۳۰۳
- ۱۴ شوال المکرم ..... ۳۰۵
- به درک واصل شدن عبدالملک مروان ..... ۳۰۵
- ۱۵ شوال المکرم ..... ۳۰۵
- روز بازگشت خورشید برای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام ..... ۳۰۵
- غزوة اُحد ..... ۳۰۷
- شهادت حمزه سیدالشهداء علیه السلام ..... ۳۰۷
- بانویی در جنگ احد ..... ۳۰۹
- شهادت جناب عبدالعظیم حسنی رحمه الله ..... ۳۰۹
- ۱۸ شوال المکرم ..... ۳۱۰

- وفات فخر الملة و شيخ الفقهاء، جناب محمد بن احمد ادريس حلى ..... ۳۱۰
- ۲۰ شوال المكرم ..... ۳۱۰
- تبعيد امام كاظم عليه السلام توسط هارون الرشيد عباسى ..... ۳۱۰
- ۲۲ شوال المكرم ..... ۳۱۰
- شهادت حضرت يحيى بن زكريا عليه السلام و وفات يعقوب نبى عليه السلام ..... ۳۱۰
- ۲۳ شوال المكرم ..... ۳۱۱
- شهادت جناب حمزه، فرزند امام موسى بن جعفر عليهم السلام ..... ۳۱۱
- ۲۴ شوال المكرم ..... ۳۱۲
- وفات اباصلت هروى رحمه الله ..... ۳۱۲
- ۲۵ شوال المكرم ..... ۳۱۳
- شهادت جانگداز امام جعفر صادق عليه السلام ..... ۳۱۳
- ۲۸ شوال المكرم ..... ۳۱۴
- رحلت آية الله روح الله الموسوى الخمينى رحمه الله ..... ۳۱۴
- ماه ذى القعدة الحرام ..... ۳۱۵
- اشاره ..... ۳۱۵
- ۱ ذى القعدة الحرام ..... ۳۱۶
- ولادت با سعادت حضرت فاطمه معصومه عليها السلام ..... ۳۱۶
- مرگ اشعث بن قيس ..... ۳۱۷
- اخراج حضرت آدم عليه السلام از بهشت ..... ۳۱۷
- ۲ ذى القعدة الحرام ..... ۳۱۸
- تزيوج پيامبر اكرم صلى الله عليه و آله و سلم با زينب بنت جحش ..... ۳۱۸
- ۵ ذى القعدة الحرام ..... ۳۲۰
- رحلت سيد بن طاووس رحمه الله ..... ۳۲۰
- ۶ ذى القعدة الحرام ..... ۳۲۰
- ولادت احمد بن موسى عليه السلام (شاه چراغ) ..... ۳۲۰
- ۸ ذى القعدة الحرام ..... ۳۲۱

- ۳۲۱ ----- غزوة خندق(احزاب) و کشته شدن عمرو بن عبدود
- ۳۲۲ ----- ۱۱ ذی القعدة الحرام
- ۳۲۲ ----- ولادت با سعادت سلطان دين و دنيا، امام رضا عليه السلام
- ۳۲۳ ----- ۱۵ ذی القعدة الحرام
- ۳۲۳ ----- ۲۳ ذی القعدة الحرام
- ۳۲۳ ----- روز زیارتی امام رضا عليه السلام
- ۳۲۳ ----- شهادت ارمیا پیامبر
- ۳۲۵ ----- ۲۴ ذی القعدة الحرام
- ۳۲۵ ----- قتل منصور حلاج
- ۳۲۷ ----- ۲۵ ذی القعدة الحرام
- ۳۲۷ ----- روز ذحو الأرض
- ۳۲۹ ----- خروج امام رضا عليه السلام به سوی مرو
- ۳۲۹ ----- ساختن کعبه برای اولین بار
- ۳۲۹ ----- ۲۶ ذی القعدة الحرام
- ۳۲۹ ----- خروج حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، برای حجّة الوداع و غدیر خم
- ۳۳۰ ----- ۲۷ ذی القعدة الحرام
- ۳۳۰ ----- رحلت و شهادت ابوذر غفاری
- ۳۳۱ ----- ۲۸ ذی القعدة الحرام
- ۳۳۱ ----- شهادت حضرت احمد بن موسی، شاهچراغ عليه السلام
- ۳۳۲ ----- سفر حضرت به شیراز
- ۳۳۳ ----- شهادت حضرت
- ۳۳۳ ----- یافتن بدن شریف حضرت
- ۳۳۵ ----- چرا شاهچراغ؟
- ۳۳۶ ----- ۲۹ ذی القعدة الحرام
- ۳۳۶ ----- شهادت سیّد علاء الدین حسین عليه السلام
- ۳۳۶ ----- آخر ذی القعدة الحرام

- ۳۳۶ ..... شهادت حضرت امام جواد علیه السلام
- ۳۳۸ ..... ماه ذی الحجّه الحرام
- ۳۳۸ ..... اشاره
- ۳۳۹ ..... ۱ ذی الحجّه الحرام
- ۳۳۹ ..... عزل ابوبکر از ابلاغ برائت (سوره توبه) و فرستادن امیرالمؤمنین علیه السلام
- ۳۴۱ ..... ۲ ذی الحجّه الحرام
- ۳۴۱ ..... درگذشت آیةالله نمازی شاهرودی رحمه الله
- ۳۴۱ ..... ۴ ذی الحجّه الحرام
- ۳۴۱ ..... «یوم الزّینة»، غلبه حضرت موسی علیه السلام بر ساحران
- ۳۴۱ ..... ۶ ذی الحجّه الحرام
- ۳۴۱ ..... مرگ منصور دوانیقی، قاتل امام جعفر صادق علیه السلام
- ۳۴۲ ..... ۷ ذی الحجّه الحرام
- ۳۴۲ ..... شهادت امام محمد باقر علیه السلام
- ۳۴۴ ..... ۸ ذی الحجّه الحرام
- ۳۴۴ ..... روز ترویبه
- ۳۴۴ ..... روز خروج امام حسین علیه السلام از مکه
- ۳۴۴ ..... خطبه تاریخی حضرت عباس علیه السلام
- ۳۴۶ ..... خروج مسلم بن عقیل علیه السلام در کوفه
- ۳۴۶ ..... ۹ ذی الحجّه الحرام
- ۳۴۶ ..... روز عرفه
- ۳۴۷ ..... شهادت مسلم بن عقیل و هانی بن عروه
- ۳۴۸ ..... روز سدّ ابواب در مسجد مدینه
- ۳۴۸ ..... رحلت سید ابوالحسن اصفهانی رحمه الله
- ۳۴۹ ..... ۱۰ ذی الحجّه الحرام
- ۳۴۹ ..... عید سعید قربان
- ۳۴۹ ..... شهادت عبدالله بن حسن مثنی علیه السلام



- ۳۵۱ ..... ذی الحجۃ الحرام - ۱۳
- ۳۵۱ ..... معجزه شقّ القمر
- ۳۵۱ ..... ذی الحجۃ الحرام - ۱۴
- ۳۵۱ ..... بخشش فدک به فاطمه زهرا علیها السلام
- ۳۵۲ ..... افشاء سرّ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم توسط عایشه و حفصه
- ۳۵۳ ..... ذی الحجۃ الحرام - ۱۵
- ۳۵۳ ..... محاصره خانه عثمان بن عفان
- ۳۵۳ ..... ولادت امام هادی علیه السلام بنا بر نقلی
- ۳۵۳ ..... ذی الحجۃ الحرام - ۱۶
- ۳۵۳ ..... ولادت با سعادت ابراهیم، فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم
- ۳۵۵ ..... ذی الحجۃ الحرام - ۱۷
- ۳۵۵ ..... نازل شدن جبرئیل و آوردن لقب «میرالمؤمنین» برای علی بن ابیطالب علیه السلام
- ۳۵۵ ..... قتل عثمان بن عفان
- ۳۵۸ ..... چگونگی خلافت عثمان
- ۳۵۹ ..... ذی الحجۃ الحرام - ۱۸
- ۳۵۹ ..... عید بزرگ غدیر خم و عید با شرافت جهان اسلام
- ۳۶۱ ..... اعمال این روز شریف
- ۳۶۱ ..... نماز عید غدیر با جماعت خوانده می شود!!!
- ۳۶۲ ..... کتاب فقهی «اللمعة الدمشقیة» و نماز جماعت عید غدیر
- ۳۶۴ ..... شیخ مفید رحمه الله و نماز جماعت عید غدیر
- ۳۶۶ ..... کیفیت نماز عید غدیر که همانند بیعت با امیرالمؤمنین علیه السلام می باشد
- ۳۶۶ ..... تذکر مهم
- ۳۶۸ ..... بیعت بر خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام پس از ۲۵ سال خانه نشینی
- ۳۶۹ ..... ذی الحجۃ الحرام - ۱۹
- ۳۶۹ ..... عید غدیر خم بزرگداشت امامت و ولایت امام حسن مجتبی علیه السلام
- ۳۷۰ ..... وفات دانشمند بزرگ جهان تشیع و مؤسس مکتب تفکیک آیة الله میرزا مهدی اصفهانی رحمه الله

- ۳۷۱ ..... ذی الحجۃ الحرام - ۲۰
- ۳۷۱ ..... عید غدیر خم و بزرگداشت خلافت و امامت امام حسین، حضرت سیدالشهدا علیه السلام
- ۳۷۲ ..... ولادت امام کاظم علیه السلام
- ۳۷۲ ..... ذی الحجۃ الحرام - ۲۱
- ۳۷۲ ..... عید غدیر خم، بزرگداشت امامت و خلافت امام زین العابدین علیه السلام
- ۳۷۴ ..... روز مباحله
- ۳۷۵ ..... ذی الحجۃ الحرام - ۲۲
- ۳۷۵ ..... عید غدیر خم، بزرگداشت امامت و ولایت امام محمد باقر علیه السلام
- ۳۷۷ ..... شهادت جناب میثم تمار رحمه الله
- ۳۷۷ ..... خروج ابراهیم بن مالک اشتر برای جنگ با ابن زیاد
- ۳۷۸ ..... ذی الحجۃ الحرام - ۲۳
- ۳۷۸ ..... عید غدیر خم، بزرگداشت امامت و ولایت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
- ۳۷۹ ..... شرف صدور توقیع به افتخار شیخ مفید رحمه الله
- ۳۸۰ ..... رحلت محدث جلیل القدر، حاج شیخ عباس قمی رحمه الله
- ۳۸۰ ..... ذی الحجۃ الحرام - ۲۴
- ۳۸۰ ..... عید غدیر، بزرگداشت ولایت و امامت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام
- ۳۸۱ ..... خاتم بخشى امیرالمؤمنین علیه السلام
- ۳۸۲ ..... ذی الحجۃ الحرام - ۲۵
- ۳۸۲ ..... عید غدیر، بزرگداشت ولایت و امامت حضرت رضا علیه السلام
- ۳۸۴ ..... تزویج حضرت زهرا علیها السلام با حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام
- ۳۸۵ ..... نزول سوره «هل أتى»
- ۳۸۵ ..... ذی الحجۃ الحرام - ۲۶
- ۳۸۵ ..... عید غدیر خم، بزرگداشت ولایت و امامت حضرت امام جواد علیه السلام
- ۳۸۷ ..... دومین روز عروسی فاطمه زهرا علیها السلام با امیرالمؤمنین علیه السلام
- ۳۸۷ ..... زخم برداشتن عمر بن الخطاب
- ۳۸۸ ..... ذی الحجۃ الحرام - ۲۷

- ۳۸۸ ----- عید غدیر خم، بزرگداشت ولایت و امامت حضرت امام هادی علیه السلام -
- ۳۸۹ ----- روز سوم عروسی فاطمه زهرا علیها السلام و ولیمه عروسی آن حضرت
- ۳۹۰ ----- نزول آیه اطاعت از اولوا الأمر
- ۳۹۰ ----- به درک واصل شدن مروان
- ۳۹۰ ----- ۲۸ ذی الحجة الحرام
- ۳۹۰ ----- عید غدیر خم، بزرگداشت ولایت و امامت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام
- ۳۹۲ ----- واقعه خَزه
- ۳۹۳ ----- ۲۹ ذی الحجة الحرام
- ۳۹۳ ----- عید غدیر خم، بزرگداشت ولایت و امامت حضرت بقیةالله ارواحنا فداه
- ۳۹۵ ----- آخر ذی الحجة الحرام
- ۳۹۵ ----- مرگ هند جگر خوار
- ۳۹۶ ----- مردن عایشه
- ۳۹۸ ----- کیفیت مردن عایشه
- ۳۹۸ ----- مرگ سهروردی، شیخ اشراق
- ۴۰۰ ----- ماه محرم الحرام
- ۴۰۰ ----- اشاره
- ۴۰۱ ----- ۱ محرم الحرام
- ۴۰۱ ----- آغاز دهه عاشورای حسینی
- ۴۰۱ ----- اقامه مجالس ماتم برای سید شباب اهل الجنة حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام
- ۴۰۱ ----- آغاز محاصره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و همراهانش در شعب اُبی طالب، چهار سال قبل از هجرت
- ۴۰۲ ----- وفات جناب محمد بن حنفیه، فرزند برومند امیرالمؤمنین علیه السلام
- ۴۰۴ ----- ۲ محرم الحرام
- ۴۰۴ ----- ورود امام حسین علیه السلام به صحرای کربلا
- ۴۰۵ ----- ۳ محرم الحرام
- ۴۰۵ ----- ورود عمر سعد ملعون به کربلا
- ۴۰۵ ----- خریداری زمین کربلا توسط امام حسین علیه السلام

- ۴ محرم الحرام ..... ۴۰۵
- خطبه ابن زیاد ..... ۴۰۵
- رحلت جناب عبدالله افطح فرزند امام صادق علیه السلام ..... ۴۰۶
- الكلام یجز الکلام، بایزید بسطامی ..... ۴۰۹
- ۵ محرم الحرام ..... ۴۰۹
- فرستادن شبث بن ربعی به کربلا، توسط ابن زیاد ..... ۴۰۹
- ۶ محرم الحرام ..... ۴۱۰
- بزرگداشت مظلومیت و مصائب جناب قاسم بن الحسن المجتبی علیه السلام ..... ۴۱۰
- یاری طلبیدن حبیب بن مظاهر از بنی اسد ..... ۴۱۱
- رحلت امامزاده جعفر یزد ..... ۴۱۱
- ۷ محرم الحرام ..... ۴۱۱
- بزرگداشت مظلومیت حضرت علی اصغر علیه السلام ..... ۴۱۱
- بستن شریعه فرات بر امام حسین علیه السلام ..... ۴۱۲
- ملاقات امام حسین علیه السلام با عمر سعد ..... ۴۱۲
- ۸ محرم الحرام ..... ۴۱۴
- بزرگداشت مصائب حضرت علی اکبر علیه السلام ..... ۴۱۴
- آوردن آب توسط حضرت علی اکبر علیه السلام ..... ۴۱۵
- ۹ محرم الحرام ..... ۴۱۵
- بزرگداشت دلآوری ها و مصائب حضرت عباس علیه السلام ..... ۴۱۵
- آوردن امان نامه از طرف ابن زیاد برای حضرت عباس علیه السلام ..... ۴۱۶
- قطعی شدن جنگ علیه امام حسین علیه السلام و شدت یافتن ترس بر اطفال ایشان ..... ۴۱۶
- درخواست حضرت عباس علیه السلام از عمر سعد برای تأخیر در جنگ ..... ۴۱۷
- ۱۰ محرم الحرام ..... ۴۱۷
- روز عاشورا، روز شهادت امام حسین علیه السلام و اصحاب باوفایش ..... ۴۱۷
- آخرین نماز جماعت امام حسین علیه السلام ..... ۴۱۷
- روز ظهور امام زمان علیه السلام ..... ۴۱۸

- ۴۱۸ ----- ۱۱ محرم الحرام
- ۴۱۸ ----- به اسارت بردن اهل بیت امام حسین علیه السلام
- ۴۱۹ ----- وفات ابوالبشر حضرت آدم علی نبینا و آله و علیه السلام
- ۴۱۹ ----- ۱۲ محرم الحرام
- ۴۱۹ ----- بنا بر قولی شهادت امام زین العابدین علیه السلام
- ۴۲۱ ----- ۱۲ محرم الحرام
- ۴۲۱ ----- ورود اسیران از اهل بیت علیهم السلام به کوفه و مجلس ابن زیاد
- ۴۲۱ ----- خطبه غزاء حضرت زینب علیها السلام
- ۴۲۱ ----- شهادت عبدالله عقیف
- ۴۲۲ ----- ۱۳ محرم الحرام
- ۴۲۲ ----- خاکسپاری شهدای کربلا
- ۴۲۲ ----- ۱۴ محرم الحرام
- ۴۲۲ ----- حرکت کاروان اسرای اهل بیت علیهم السلام به امر ابن زیاد از کوفه به شام
- ۴۲۲ ----- ۱۷ محرم الحرام
- ۴۲۲ ----- نزول عذاب الهی بر اصحاب فیل
- ۴۲۴ ----- ۲۰ محرم الحرام
- ۴۲۴ ----- خاکسپاری بدن «جون»، غلام ابی ذر غفاری رحمه الله
- ۴۲۶ ----- ۲۱ محرم الحرام
- ۴۲۶ ----- وفات علامه حلی رحمه الله
- ۴۲۶ ----- ۲۲ محرم الحرام
- ۴۲۶ ----- وفات شیخ طوسی رحمه الله
- ۴۲۷ ----- ۲۳ محرم الحرام
- ۴۲۷ ----- خروج جناب زید بن علی بن الحسین علیه السلام
- ۴۲۸ ----- ۲۵ محرم الحرام
- ۴۲۸ ----- شهادت امام زین العابدین علیه السلام
- ۴۲۹ ----- ۲۶ محرم الحرام

- رحلت حضرت حوّا، مادر بشریت ..... ۴۲۹
- شهادت علی بن الحسن المثلث علیهم السلام ..... ۴۲۹
- ۲۸ محرم الحرام ..... ۴۳۰
- ورود اسرای کربلا به بعلبک ..... ۴۳۰
- تبعید امام جواد علیه السلام ..... ۴۳۰
- رحلت حذیفه بن یمان ..... ۴۳۰
- انقراض دولت عباسیان به دست هلاکوخان به ملازمت علمای شیعه از جمله خواجه نصیرالدین طوسی ..... ۴۳۲
- ماه صفر المظفر - ..... ۴۳۳
- اشاره ..... ۴۳۳
- ۱ صفر المظفر ..... ۴۳۴
- ورود اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و سرهای شهدای کربلا به شام ..... ۴۳۴
- جنگ صفین ..... ۴۳۴
- ۲ صفر المظفر ..... ۴۳۴
- ورود اهل بیت علیهم السلام به مجلس منحوس یزید ..... ۴۳۴
- ۳ صفر المظفر ..... ۴۳۵
- شهادت جناب زید بن علی بن الحسین علیه السلام ..... ۴۳۵
- ۵ صفر المظفر ..... ۴۳۶
- شهادت حضرت رقیه بنت الحسین علیها السلام ..... ۴۳۶
- ۷ صفر المظفر ..... ۴۳۷
- شهادت امام حسن مجتبی علیه السلام ..... ۴۳۷
- فوت پدر مؤلف ..... ۴۳۸
- ۸ صفر المظفر ..... ۴۳۹
- رحلت جناب سلمان فارسی رحمه الله ..... ۴۳۹
- وفات آیه الله سید ابوالقاسم خوبی رحمه الله ..... ۴۴۱
- ۹ صفر المظفر ..... ۴۴۲
- جنگ نهروان ..... ۴۴۲

- شهادت عمار یاسر ، خذیمه بن ثابت و اویس قرنی در جنگ صفین ..... ۴۴۳
- ۱۰ صفر المظفر ..... ۴۴۳
- فوت مادر مؤلف ..... ۴۴۳
- ۱۳ صفر المظفر ..... ۴۴۴
- وفات میرزا حبیب الله خویی رحمه الله ..... ۴۴۴
- ۱۴ صفر المظفر ..... ۴۴۴
- شهادت جناب محمد بن ابی بکر ..... ۴۴۴
- ۱۵ صفر المظفر ..... ۴۴۵
- بیمار شدن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در اثر خوردن سم ..... ۴۴۵
- ۲۰ صفر المظفر ..... ۴۴۶
- اربعین حسینی علیه السلام ..... ۴۴۶
- ۲۳ صفر المظفر ..... ۴۴۷
- وفات فاطمه بنت أسد، مادر امیرالمؤمنین علیهما السلام ..... ۴۴۷
- ۲۴ صفر المظفر ..... ۴۴۹
- درگذشت صاحب بن عباد ..... ۴۴۹
- ۲۴ صفر المظفر ..... ۴۴۹
- کاغذ و قلم طلب نمودن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای نوشتن وصیت مهم ..... ۴۴۹
- ۲۶ صفر المظفر ..... ۴۵۰
- امر نمودن مکرر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم به ملحق شدن به سپاه اسامه ..... ۴۵۰
- ۲۷ صفر المظفر ..... ۴۵۱
- شدت بیماری رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و وصیت مکرر به امیرالمؤمنین علیه السلام ..... ۴۵۱
- مسمومیت امام رضا علیه السلام توسط مأمون عباسی ..... ۴۵۱
- ۲۸ صفر المظفر ..... ۴۵۱
- شهادت مظلومانه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم ..... ۴۵۱
- تجمع در سقیفه بنی ساعده ..... ۴۵۲
- به نقلی شهادت مظلومانه امام حسن مجتبی علیه السلام ..... ۴۵۲

- آخر صفرالمظفر ..... ۴۵۵
- دفن بدن مطهر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ..... ۴۵۵
- شهادت مظلومانه امام رضا علیه السلام ..... ۴۵۶
- نوروز ..... ۴۵۷
- اشاره ..... ۴۵۷
- ریشه نوروز قبل از اسلام ..... ۴۵۸
- اشاره ..... ۴۵۸
- نوروز در روایات ..... ۴۵۹
- نوروز و عید غدیر شمسی ..... ۴۶۲
- مصادف بودن نوروز با هجدهم ذیحجه الحرام و عید غدیر خم ..... ۴۶۲
- یک مکاشفه ..... ۴۶۵
- یک خاطره ..... ۴۶۷
- خرافه پردازی هایی از جاهلیت قبل از اسلام ..... ۴۶۸
- یک پیشنهاد ..... ۴۶۹
- اول فروردین، عید سعید غدیر خم شمسی ..... ۴۷۱
- اشاره ..... ۴۷۱
- بزرگداشت خلافت و امامت امیرالمؤمنین، علی بن ابیطالب علیه السلام ..... ۴۷۱
- دوم فروردین، عید سعید غدیر خم شمسی ..... ۴۷۵
- بزرگداشت خلافت و امامت حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام ..... ۴۷۵
- سوم فروردین، عید سعید غدیر خم شمسی ..... ۴۷۷
- بزرگداشت ولایت و امامت حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام ..... ۴۷۷
- چهارم فروردین، عید سعید غدیر خم شمسی ..... ۴۷۸
- بزرگداشت ولایت و امامت حضرت امام زین العابدین علیه السلام ..... ۴۷۸
- پنجم فروردین، عید سعید غدیر خم شمسی ..... ۴۷۸
- بزرگداشت ولایت و امامت حضرت امام محمد باقر علیه السلام ..... ۴۷۸
- ششم فروردین، عید سعید غدیر خم شمسی ..... ۴۷۹



۴۷۹	بزرگداشت ولایت و امامت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
۴۸۰	روز علم و گفتگوی تمدن ها
۴۸۰	هفتم فروردین، عید سعید غدیر خم شمسی
۴۸۰	بزرگداشت ولایت و امامت حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام
۴۸۱	هشتم فروردین، عید سعید غدیر خم شمسی
۴۸۱	بزرگداشت ولایت و امامت حضرت امام رضا علیه السلام
۴۸۱	نهم فروردین، عید سعید غدیر خم شمسی
۴۸۱	بزرگداشت ولایت و امامت حضرت امام محمد الجواد علیه السلام
۴۸۲	دهم فروردین، عید سعید غدیر خم شمسی
۴۸۲	بزرگداشت ولایت و امامت حضرت امام هادی علیه السلام
۴۸۳	یازدهم فروردین، عید سعید غدیر خم شمسی
۴۸۳	بزرگداشت ولایت و امامت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام
۴۸۳	دوازدهم فروردین، عید سعید غدیر خم شمسی
۴۸۳	بزرگداشت ولایت و امامت امام زمان علیه السلام
۴۸۴	سیزدهم فروردین، عید سعید غدیر خم شمسی
۴۸۴	روز برائت از کفار و مشرکین
۴۸۴	سال ولایت شمسی
۴۸۶	عدد ۱۲ نماد دوازده شخصیت والا مقام در نزد زرتشتیان
۴۹۰	اعمال عید غدیر شمسی
۴۹۲	اصحاب الزس
۴۹۷	فهرست مطالب
۵۳۶	درباره مرکز

## الدرجات الرفیعة فیالدرجات الرفیعة فی وقایع الشیعة: در ذکر تاریخ و سرگذشت ایمة معصومین (ع) و گزارش از حوادث حساس اصحاب و یاران ...

### مشخصات کتاب

سرشناسه : رفیعی، رفیع الدین سیدجعفر، 1349 -

عنوان و نام پدیدآور : الدرجات الرفیعة فی وقایع الشیعة: در ذکر تاریخ و سرگذشت ایمة معصومین (ع) و گزارش از حوادث حساس اصحاب و یاران ... / نویسنده رفیع الدین سیدجعفر رفیعی.

مشخصات نشر : قم: یاران قائم علیه السلام، 1395.

مشخصات ظاهری : 414ص.

شابک : 2-03-8895-964-978

وضعیت فهرست نویسی : فیا

یادداشت : چاپ قبلی: محض یار مهربان، 1392.

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر : در ذکر تاریخ و سرگذشت ایمة معصومین (ع) و گزارش از حوادث حساس اصحاب و یاران ...

موضوع : شیعه -- تاریخ -- گاهشماری

Shi' ah -- History -- Chronolgy

اسلام -- تاریخ -- گاهشماری

Islam -- History -- Chronology

رده بندی کنگره : 1395 4د64/ BP14

رده بندی دیویی : 297/912

شماره کتابشناسی ملی : 4587131

اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیا

مرکز پخش:

جمکران/مقابل درب 6/ مجتمع 15 شعبان/ طبقه همکف

نمایشگاه کتاب خورشید آل یاسین

فروش تلفنی: 09121535099

تقویم قمری شیعیان

با تکیه بر اسناد و منابع معتبر تاریخی و روایی

ص: 1

## اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَرَّفَنِي نَفْسَهُ وَ لَمْ يَتْرُكْنِي

عَمِيَانِ الْقَلْبِ • الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِنْ

أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ لَمْ يَجْعَلْنِي

مِنْ سَائِرِ الْأُمَّمِ • الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ رِزْقِي

عَلَى يَدِهِ وَ لَمْ يَجْعَلْهُ فِي أَيْدِ النَّاسِ • الْحَمْدُ

لِلَّهِ الَّذِي سَتَرَ ذُنُوبِي وَ لَمْ يَفْضَحْنِي بَيْنَ النَّاسِ

اللَّهُمَّ عَجِّلْ لِي لَوْلِيكَ الْفَرَجَ

اللَّهُمَّ الْعَنِ الْجَبْتَ وَ الطَّاغُوتَ



در ذكر تاريخ و سرگذشت ائمه معصومين عليهم السلام

و گزارشی از حوادث حساس اصحاب و ياران

و همچنين فرجام دشمنان و قاتلان ائمه دين

مؤلف: رفيع الدين سيد جعفر رفيعي

ص: 3

اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِيْ شَفَاعَةَ الْحُسَيْنِ يَوْمَ الْوُرُوْدِ

تقديم به:

حضرت اباعبدالله الحسين عليه السلام و اصحاب و ياران باوفائشان

ص: 4

بسم الله الرحمن الرحيم

اهمیت «وقایع تاریخی» در بنا و ساختار فرد و جامعه اثر بسزایی دارد، بدین جهت افراد بشر از هر قوم و مذهبی که باشند به تاریخ گذشتگان خود اهمیت می دهند و به آن می بالند و آن را برای خود یک سرمایه بزرگ می شمارند، لذا در حفظ آن می کوشند و به شکل اقامه محافل و مجالس در هر سال، آن را بزرگ می شمارند.

در اسلام نیز به «تاریخ» اهمیت خاصی داده شده به طوری که در طول هر سال که واقعه ای بزرگ رخ داده، برنامه و عبادتی مقرر نموده تا مسلمانان با تذکر و یاد آن واقعه درس های لازم زندگی خود را بگیرند و بر روحیه تعالی و رشد معنوی خود بیفزایند و بدین جهت است که اسلام برای بعضی از شبها و روزهای سال برنامه های عبادی خاصی دستور داده که بعضاً مستحب، و برخی واجب می باشند.

و از طرفی به علت های گوناگون اختلاف و اضطرابی در نقل تاریخ وقایع دینی یافت می شود که باعث سردرگمی مؤمنین گردیده، بالأخص در روز ولادت یا شهادت ائمه معصومین علیهم السلام. چنانکه بعضاً چند قول در روز ولادت و شهادت آن بزرگواران نقل شده است، لذا مؤمنان نمی دانند کدام یک از اقوال را در تاریخ ولادت یا شهادت آن بزرگواران اخذ کنند و با اقامه مجالس و محافل، آن را بزرگ شمارند. این تداخل و اختلاف، در تعیین تاریخ مولید و شهادت ائمه اطهار علیهم السلام باعث شده بعضی اهمیت نداده و در احیاء آن سست گردند و از اقامه آن صرف نظر کنند و یا اینکه بعضی مجالس جشن بگیرند و برخی مجالس عزاداری، مثل روز هفتم صفر که طبق بعضی نقلها روز ولادت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام است و در بلاد فارس مجالس جشن برپا می کنند و بنابر نقل دیگر روز شهادت امام حسن مجتبی علیه السلام است که در بلاد عرب و عراق مجالس سوگواری برای آن امام مظلوم برپا می کنند.

و یا اینکه روز پانزدهم ماه مبارک رجب که روز اعجاز بزرگ و شگفت انگیز «ولادت امیرالمؤمنین علیه السلام از کعبه» است و بنا بر نقل قول دیگری حضرت زینب علیها السلام دخت گرانقدر آن

حضرت در روز پانزدهم ماه رجب به شهادت رسیده، این دو نقل تاریخی تداخل کرده و در بعضی از بلاد در این روز به مجالس سوگواری و عزا می پردازند و معجزه بزرگ الهی یعنی «ولادت امیرالمؤمنین علیه السلام از کعبه» را به فراموشی می سپارند.

و یا مثل عیدغدیر خم شمسی که کاملاً به فراموشی سپرده شده و جای خود را به یک سری عقائد خرافی مثل چهارشنبه سوری و تحول طبیعی زمین که در اثر آن فصلها به وجود می آید مثل جشن نوروز و یا سیزده بدر رفتن در سیزدهم فروردین و غیره داده که بعضی در حفظ این آیین از خود تعصبات شدیدی نشان می دهند و از واقعه ای که در اول فروردین رخ داده و از حقیقت عید نوروز که همان انتصاب امیرالمؤمنین علیه السلام توسط پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می باشد، غافل شده اند.

لذا این حقیر بر آن شدم که با یک سری مطالعه و دقت در زمانها و تاریخ دقیق وقایع مهم تاریخی، این تناقض و یا تداخل را حل نموده و از هم جدا گردانم، تا مؤمنان با نظم و اتحاد و یکپارچگی بیشتر در اقامه مجالس و محافل دینی هماهنگ گردند و بهتر و پربارتر و به دور از تعصبات بیجا، این ایام را احیا بدارند و از فیوضات این زمانها در مجالس خود بهره ببرند. لذا این نوشته که پیش روی شماست تحقیقی پیرامون وقایع مهم تاریخی است که سعی شده از متون صحیح تاریخی استخراج شود. به امید اینکه این کتاب مورد قبول و الطاف خاصه ائمه اطهار علیهم السلام واقع گردد و مؤمنان از آن بهره کامل ببرند. ان شاء الله تعالی.

قم - رفیع الدین سید جعفر رفیعی

ص: 6





سال هجرت که در اول ماه ربیع الاول بوده، مبدأ تاریخ مسلمانان می باشد.

چنانکه در مقدمه گفتیم پر واضح است که هر ملت اصیلی برای خود مبدای در تاریخ دارد که تمام حوادث را با آن می سنجد، برای ملت مسیح مبدأ تاریخ میلاد حضرت مسیح و برای عرب قبل از اسلام «عام الفیل» مبدأ در تاریخ به شمار می رفت، و همچنین ملت های دیگر برای خود مبدأ تاریخ همگانی دارند و گاهی برخی از حوادث را با حادثه چشمگیری می سنجد مانند سال قحطی، سال جنگ و سال وبا.

مردم جزیره العرب قبل از ظهور اسلام طبق سنه «عام الفیل» محاسبات تاریخی خود را انجام می دادند؛ «عام الفیل» سالی بوده که ابرهه با سپاهسانی با فیل به خانه خدا حمله کرد و قصد ویران کردن آن را داشت که دچار عذاب الهی گردید، قرآن کریم از این واقعه در سوره فیل یاد کرده است.

در ابتدای ظهور اسلام مسلمانان دچار تشتت شده بودند و لذا بعضی محاسبات تاریخی خود را بر سنه «عام الفیل» و برخی بر روز «بعثت» پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم قرار می دادند، تا اینکه به امر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و تثبیت امیرالمؤمنین علیه السلام روز هجرت پیامبر اسلام از مکه به مدینه مبدأ تاریخ اسلام قرار گرفت، چنانکه بعضی تاریخ نگاران بر این امر تصریح کرده و می نویسند: بنیانگذار تاریخ هجری پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم بوده است، مانند تاریخ طبری که می نویسد: «لما قدم رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم المدینه امر بالتاریخ» (1) همچنانکه بعضی از نامه های پیامبر نیز به سال هجری تاریخ خورده است. (2)

بعضی دیگر واضع تاریخ هجری را، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می دانند و می نویسند: در سال 16 هجری در زمان عمر بن الخطاب در آن سال نامه ها را تاریخگذاری کردند و اصحاب تصمیم گرفتند که سال بعثت مبدأ تاریخ باشد، برخی دیگر گفتند: سالروز تولد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مبدأ تاریخ باشد، ولی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام پیشنهاد کردند آغاز هجرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم باشد، (3) که مورد موافقت همه اصحاب قرار گرفت.

تاریخ طبری می نویسد: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هنگام ورود به مدینه امر نمودند به ثبت تاریخ

ص: 8

---

1- تاریخ الطبری، ج 2، ص 110.

2- برای مثال رجوع شود به: فتوح البلدان، ص 72؛ تاریخ اصفهان، ابی نعیم، ج 1، ص 52.

3- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 145.

هجری با مبدأ همان زمان، یعنی ابتدای ربیع الاول که هجرت صورت گرفته است. (1)

زهری می گوید: هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به عنوان مهاجر وارد مدینه شد دستور داد که تاریخ بگذارند و بر این اساس، تاریخ را از ماه ربیع الاول آغاز کردند. (2)

حاکم نیشابوری روایتی از عبدالله بن عباس نقل می کند و آن را صحیح می داند، بر اساس این روایت ابن عباس چنین گفته است: تاریخ از سالی بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به مدینه آمدند، در این سال عبدالله بن زبیر به دنیا آمد. (3)

همچنین حاکم نیشابوری در کتاب «المستدرک» می نویسد:

«جمع عمر الناس فسئلهم من ای یوم یکتب التاریخ؟! فقال علی بن ابیطالب علیه السلام: من یوم هاجر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و ترک أرض الشریک، ففعل عمر». (4)

یعنی: «عمر مردم را جمع کرد و پرسید از چه روزی تاریخ نوشته شود؟ امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: از روزی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هجرت کرد و سرزمین شریک را ترک فرمود (یعنی اول ربیع الاول) و عمر آن را پذیرفت».

برخی تاریخنگاران - که بیشتر شیعه هستند - معتقدند در زمان خود رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و به دستور شخص شخیص آن حضرت، هجرت مبدأ تاریخ قرار گرفته است مانند صاحب بن عباد (5)، سهل بن سعد (6)، و علامه مجلسی رحمه الله که می گوید: «أن جعل مبدأ التاریخ من الهجرة مأخوذ من جبرائیل علیه السلام و مستند إلى الوحی السماوی، و منسوب إلى الخبر النبوی صلی الله علیه و آله و سلم». (7)

البته آنهایی که با توجه به قرینه ها و شواهد تاریخی، نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را بنیانگذار تقویم هجری می دانند، در برخورد با تاریخنگارانی که خلیفه دوم را وضع کننده هجرت به عنوان مبدأ تاریخ معرفی می کنند، می گویند آن چه در زمان عمر روی داد تغییر دادن مبدأ سال از ربیع الاول به محرم بوده است، مانند: ابن حجر عسقلانی در «فتح الباری»، سخاوی در «الإعلان بالتوبیخ»، قلقشندی در «مآثر الإنافة» و ... (8)

ابن کثیر دمشقی می نویسد: مسلمانان نزد عمر جمع بودند و گفتند: مبدأ تاریخی وضع کنیم، آنگاه جمعی گفتند: تاریخ فارس، گروهی گفتند: تاریخ روم، و جمعی گفتند: تاریخ ولادت پیامبر، و عده ای گفتند: مبعث پیامبر، و بعضی وفات پیامبر را پیشنهاد دادند.

ص: 9

1- تاریخ الطبری، ج 2، ص 110.

2- تاریخ مدینه دمشق، ج 1، ص 37.

3- المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 15.

4- المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 15.

5- عنوان المعارف و ذکر الخلائف، ص 11.

6- الخطط للمقریزی، ج 1، ص 184.

7- بحار الأنوار، ج 55، ص 351.

8- فتح الباري، ج 7، ص 209؛ الإعلان بالتوبيخ، ص 79؛ مآثر الإنافة، ج 3، ص 337.

مسلمین هیچ یک را نپذیرفتند و در مذاکره بودند که حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام وارد شدند و فرمودند: مبدأ تاریخ را از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قرار دهید، زیرا مظاهر این هجرت از مولود و بعثت آن حضرت مهمتر و روشنتر است. عمر و اصحاب، نظر آن حضرت را پذیرفتند و از آن پس مبدأ تاریخ اسلام را از هجرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم گرفتند (1) و چند سالی، اول سال قمری ماه ربیع الاول بود، ولی پس از آن اختلافاتی رخ داد و دو ماه به عقب برگشتند و همانند زمان جاهلیت، اول محرم را مبدأ تاریخ قمری قرار دادند.

علامه مجلسی رحمه الله در کتاب «مرآت العقول»، قسمت میلاد امام حسن مجتبی علیه السلام می فرماید: «... برخی ابتدای تاریخ قمری را ربیع الاول دانسته اند و یاران پیامبر نیز تا سال 60 هجری به این شیوه بوده اند و بنای کلام مصنف نیز بر همین اساس است». (2)

صرف نظر از آنچه تاریخنگاران نقل کرده اند دلیل بسیار محکم دیگری که اثبات می کند ابتدای سال هجری، «ماه ربیع الاول» است دعاهای ماه رجب در شب و روز مبعث می باشد، چنانچه شیخ کفعمی رحمه الله در «بلد الامین» فرموده: در شب مبعث این دعا را بخوان:

«اللهم انی أسئلك ... و هذا رجب المکرم الذی أکرمتنا به أول أشهر الحُرْم ...». (3)

یعنی: «خدایا از تو مسئلت می کنم ... و این است ماه رجب با عظمت که اکرام نمودی ما را به آن و نخستین ماه های حرام می باشد».

و سید بن طاووس رحمه الله در «اقبال» می فرماید: مستحب است در این روز (مبعث) این دعا را بخوانند:

«یا من أمر بالعفو ... و هذا رجب المرجب المکرم الذی أکرمتنا به أول أشهر الحُرْم ...». (4)

پر واضح است که در صورتی «ماه رجب» اولین ماه های حرام می باشد که ابتدای سال هجری «ماه ربیع الاول» باشد، چون اگر می خواست ابتدای سال هجری «ماه محرم» باشد، خود ماه محرم اولین ماه های حرام می بود، نه ماه رجب.

پس این دو دعایی که «مرحوم کفعمی» و «سید بن طاووس» نقل کرده اند، تأیید دیگری است بر اینکه ابتدای سال هجری قمری ماه ربیع الاول است که معصومین علیهم السلام در آنها ماه رجب را به اولین ماه های حرام معرفی می کنند.

در روایتی آمده است که ماه رمضان اول سال است: «عن ابی عبدالله علیه السلام قال: شهر رمضان رأس

ص: 10

1- البداية و النهایة، ج 3، ص 206 و ج 7، ص 74.

2- مرآة العقول، ج 5، ص 350.

3- بلد الامین، ص 184.

4- اقبال الاعمال، ج 2، ص 678.

السنة» (1) علامه مجلسی رحمه الله در این مورد می فرماید: «شاید مراد افضل و اکمل ماه ها باشد و یا معنا چنین باشد که آشکارتر است از ماه های دیگر، چون مسلمانان در این ماه روزه می گیرند و این اولیت اعتباری است مثل اینکه عربها اول سال عرفی را محرم می گیرند و اول سال که تقدیرات الهی می شود در ماه رمضان است و اول ماهی که جایز است اکل و شرب ماه شوال می باشد» (2).

تفسیر و توجیحات سید بن طاووس رحمه الله و علامه مجلسی رحمه الله در معنای این روایت به صواب نزدیکتر می باشد و همچنین امکان دارد از این باب باشد که تقدیرات موجودات در این ماه مشخص و معین می شود، لذا اول سال گفته اند. سید بن طاووس رحمه الله می فرماید: «شاید منظور اول سال در عبادت است و محرم اول سال در تاریخ و شمارش وقایع عرب» (3).

چون همانطور که نقل نمودیم روایات اول سال تقویم اسلامی را ماه ربیع الاول که سال روز هجرت نبوی صلی الله علیه و آله و سلم است قرار داده اند، این روایت بر فرض صحت سندش اشاره به ابتدای سال عبادت و نیایش مسلمانان دارد، نه ابتدای سال شمارش تاریخ، پس اول سال قمری همان «اول ربیع الاول» می باشد.

### چرا هجرت؟!

شاید بپرسید چرا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علیه السلام روز «هجرت» را مبدأ تاریخ مسلمانان قرار دادند؟ در جواب باید بگوییم به چند انگیزه و علت روز هجرت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم بهترین گزینه برای مبدأ تاریخ اسلام بوده است:

اول اینکه اگر مثل زمان جاهلیت عرب، اول محرم را مبدأ تاریخ اسلام قرار می دادند تناسبی با اسلام نداشت، چون در آن زمان واقعه مهمی در اسلام هنوز رخ نداده بود که عظمت آن روز را مبدأ تاریخ مسلمانان قرار دهند، و اگر بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم را مبدأ تاریخ قرار می دادند باز تناسب نداشت، چون 27 رجب که روز بعثت است با ابتدائیت و اولیت هر ماه و سال، ناهماهنگ بود و اگر میلاد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم را مبدأ قرار می دادند، این کار تقلید از مسیحیان بود.

و از طرفی اگر 17 ربیع الاول که تقریباً وسط ماه است مبدأ قرار می گرفت، باز با ابتدائیت و اولیت هر ماه ناهماهنگ بود، لذا بهترین گزینه «روز هجرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم» بوده که در شب اول ماه ربیع الاول اتفاق افتاده و محاسبات برای هر ماه با روز اول ماه ربیع الاول آسان و هماهنگ می باشد، و از طرفی «هجرت» رخداد بسیار بزرگی است که باعث اعتلای اسلام و گسترش آن در سراسر جهان شد

ص: 11

1- بحار الأنوار، ج 58، ص 36.

2- بحار الأنوار، ج 58، ص 36.

3- إقبال الأعمال، ج 1، ص 5.

و قبل از آن اسلام درخشش چشمگیری نداشت، ولی پس از آن، روز به روز بر عزت اسلام و مسلمانان افزوده شد تا جایی که قدرت اسلام آشکار شد و بر کفر پیروز گردید و برای مسلمانان وطن اسلامی پدید آمد، پس «روز هجرت» باعث ظهور و آشکار شدن قدرت اسلام و زمینه پیریزی حکومت جهان اسلام گردیده است.

— دیگر اینکه هجرت باعث حفظ جان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم گردید.

— مسلمانان نیز با هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وطنی پیدا کردند که به سوی آن کوچ کنند، و جان و ناموس خود را در پناه آن از گزند کافران به امنیت برسانند.

— آشکار شدن عظمت حضرت ابوطالب علیه السلام است چون تا حضرت ابوطالب علیه السلام زنده بود هیچ یک از کفار جرأت تعرض به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را نداشتند، ولی با رحلت آن پدر مهربان، کفار جرأت بر قتل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم یافتند، لذا جبرئیل نازل شد و به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: بعد از ابوطالب علیه السلام در مکه امنیت ندارید و جانتان در خطر است و امر به هجرت نمود. (1)

— فضیلت امیرالمؤمنین علیه السلام به جهانیان آشکار گردید، که شب اول ماه ربیع الاول در فراش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خوابیدند. چون هجرت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم مرهون فداکاری های امیرالمؤمنین علیه السلام است که حاضر به فدا کردن جان خود برای حفظ جان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم گردید و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم موفق به هجرت شدند، لذا خداوند به حضرت علی علیه السلام مباحث کرده و آیه «لیلة المبيت» را در حق آن امام عزیز نازل فرمود، (2) آنجا که می فرماید:

«و من الناس من یشری نفسه ابتغاء مرضات الله والله رثوف بالعباد». (3)

ولی با تأسف شدید، مسلمانان حتی شیعیان به دستور مولای خود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علیه السلام عمل نکردند و ابتدای سال قمری خود را روز هجرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم یعنی «اول ربیع الاول» قرار ندادند و در تقویمها و محاسبات تاریخی و اداری خود اول محرم را - که قبل از فرمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و تثبیت امیرالمؤمنین علیه السلام مبدأ تاریخ عرب جاهلی بوده - مبدأ تاریخی خود قرار داده و می دهند و حال آنکه با این امر و فرمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علیه السلام که ابتدای ربیع الاول را اول سال قمری قرار دادند، می فهمیم که:

ص: 12

1- الکافی، ج 2، ص 341.

2- تفسیر عیاشی، ج 1، ص 101 - تفسیر نورالثقلین، ج 1، ص 204.

3- سوره بقره، آیه 207.

اولاً: در واقع و حقیقت اول سال قمری اول ربیع الاول بوده است.

ثانیاً: این روز مرضی پروردگار می باشد. (نه اول محرم)

ثالثاً: در اول محرم حادثه مهمی در اسلام رخ نداده بود که محاسبات تاریخی و اداری را با آن بسنجند.

رابعاً: آن بزرگواران به علم غیب می دانستند که ماه محرم در آینده به واسطه شهادت فرزند دلبدشان حضرت سیدالشهداء علیه السلام ابتدای ماه حزن و غم و اندوه اهللبیت و مسلمانان واقعخواهد شد و آنان نمی توانند آن را محل تجدید سال خود قرار دهند و با تحویل آن سرور و خرسندی به همراه داشته باشند و به اصطلاح عید بگیرند، به این جهت ابتدای سال قمری را اول ماه ربیع الاول قرار دادند.

خامساً: ماه محرم ابتدای سال در زمان جاهلیت بوده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علیه السلام این رسم جاهلیت را برداشتند و ربیع الاول را که حادثه بزرگ اسلامی (هجرت) در آن رخ داده، ابتدای سال مسلمانان قرار دادند.

پس با این تفسیر و تحقیق که بیان کردیم بهترین گزینه برای مبدأ تاریخ اسلام که با ابتدای ماه قمری تطابق داشته و همچنین با واقعه مهم تاریخی نیز تناسب داشته باشد «اول ماه ربیع الاول» است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آن را تعیین و امیرالمؤمنین علیه السلام آن را تثبیت کردند، ولی متأسفانه مسلمانان پس از گذشت چند سالی که سنه هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را به عنوان مبدأ تاریخ خود قرار داده بودند ابتدای آن را تغییر داده و به همان رسم جاهلی قبل از اسلام، «اول محرم» را ابتدای آن قرار دادند که هیچ تناسبی با هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ندارد و آن روز، یعنی «اول محرم» را به عنوان اول سال جشن گرفته و عید قرار دادند و ده روز تا روز عاشورا شادی و سرور کرده و می کنند.

### چرا اسلام ماه های قمری را تعیین نموده نه ماه های شمسی را؟!

تقویم هجری قمری که تقویم شایع بین مسلمانان است، به پیروی قرآن می باشد که در سوره توبه آیه 36 می فرماید:

«إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حَرَمٌ...» ؛

یعنی: «یقیناً شماره ماه ها نزد خدا از روزی که آسمانها و زمین را آفریده در کتاب خدا دوازده ماه است، از آنها چهار ماهش حرام است...»

بر اساس این آیه هر دوازده ماه، یک سال را تشکیل می دهند، اما چگونه می توان مدت زمان یک ماه را تشخیص داد؟ قرآن جواب داده و در سوره یونس آیه 5 می فرماید:



«هو الَّذی جعل الشَّمس ضیاءً و القمر نورا و قدره منازل لتعلموا عدد السِّنین و الحساب ...» ؛

یعنی: «اوست خدایی که مقرر کرد خورشید را درخشان و ماه را روشن، و معین کرد (برای ماه) منزل هایی را تا شما بدانید شمار سالها و حساب (روز و هفته و ماه) را».

و نیز در سوره فرقان آیه 61 می فرماید:

«تبارک الَّذی جعل فی السَّماء بروجاً و جعل فیها سراجاً و قمراً منیراً ...» ؛

یعنی: «بزرگوار است خدایی که مقرر کرد در آسمان برجها را و مقرر کرد در آن چراغی (نور بخش چون خورشید) و ماه را نورانی».

بر اساس این آیات قرآن هر ماه مدت زمانی است که قمر منازل بیست و هشتگانه و یا برج های دوازدهگانه سماوی را سیر می کند. در سوره بقره آیه 189 می فرماید:

«یسئلونک عن الأهلّة قل هی مواقیت للنّاس و الحجّ ...» ؛

یعنی: «ای پیامبر از تو می پرسند که اهله (هلال ماه) چیست؟ بگو این هلالها وسیل های است برای مردم تا اوقات و زمان حج گزاردن را تشخیص دهند ...»

لذا ماه های قمری اهمیت خاصی در اسلام دارند، بدین جهت بسیاری از تکالیف فردی و اجتماعی نظیر روزه ماه مبارک رمضان، عید فطر، وقوف در عرفات، وقوف در مشعر، بیتوته در سرزمین منا، اعمال عید قربان، مدت شیردهی کودکان، بلوغ شرعی پسر و دختر، زمان تعلق گرفتن زکات و خمس، آغاز ماه های حرام به منظور پرداخت دیه ها و مسائل مربوط به آن، جنگ و دفاع و ایام و لیالی که عبادت های مستحبی در آن ذکر شده، همه بر اساس تاریخ قمری مقرر شده که این خود یکی از مزایای بارز اسلام می باشد که تعیین تکالیف را بر اساس ماه های قمری قرار داده است، زیرا ماه های قمری با گردشی که در فصلها دارند تنوعی در عبادات و تکالیف دینی به وجود می آورند که در نشاط عبادت و تربیت روحی اثر بسزایی دارد.

ولی ماه های شمسی ثابت و یکنواخت هستند و این ثبات در مرور زمان برای انجام تکالیف و عبادات خسته کننده است و باعث می شود نشاط در عبادات گرفته شود، مثلاً برای همیشه تمام مردم و مکلفین باید ماه رمضان را در فصل تابستان یا فصل زمستان یا ... قرار می دادند و گرفتن روزه در تابستان برای همیشه خسته کننده بود و اگر در زمستان واقع می شد در تحمل مشقت و تربیت نفس چندان اثر مطلوبی نداشت و همینگونه است سایر تکالیف واجب و مستحب.

لذا اسلام ماه های قمری را برای انجام تکالیف واجب و مستحب مقرر نمود تا بشر در این تحولات از منه و امکانه در هواهای مختلف بهره مند شود و از یکنواخت بودن زمان و مکان خسته و کسل و تنگ حوصله نشود و چنانکه گفتیم اگر ماه رمضان یا حج خانه خدا همیشه در روزهای گرم تابستان ثابت می بود موجب انزجار و خستگی روح می شد. لذا اوقات ماه های قمری اینگونه نیست چون در طول سال در فصل های مختلف در گردش است و در ادای فرائض و سنن دینی و مذهبی تأثیر بسزایی در روح دارد.

و از طرف دیگر دستیابی به ماه های قمری سهل الوصول است، به عبارت دیگر از گردش منظم ماه به دور زمین تقویم روشنی بدست می آید که حتی افراد بیسواد و بیابان گرد به آن می رسند، بر خلاف ماه های شمسی که تنها دانشمندان نجوم از طریق رصدخانه های نجومی و محاسبات ریاضی می توانند موقعیت خورشید را در فلان برج تشخیص دهند و عامه مردم از رسیدن به آن محرومند، بلکه مجبورند به تقویم هایی که به وسیله منجمان تنظیم می شود مراجعه کنند که از قدیم الایام مراجعه به منجمان در مکانها و زمان های متعدد بسیار دشوار یا محال بوده و حال آنکه بهترین تقویم و زمان بندی آن است که: سهل الوصول، طبیعی و همگانی باشد و ماه های قمری این سه ویژگی را دارند.

لذا حرکت ماه به دور زمین برای همگان امری آشکار و سهل الوصول می باشد، بدین جهت اسلام ماه های قمری را برای انجام واجبات و مستحبات قرار داده و نیز در صورت تشخیص ندادن فرموده اگر دو نفر عادل از رؤیت آن خبر دهند دیگران می توانند به خبر آن دو عادل عمل کنند و تکالیف و وظایف شرعی خود را بجای آورند.

## نام ماه های قمری

در خصوص نام ماه های قمری در تقویم هجری باید گفت که: این اسامی از دوره های قبل به اسلام رسیده اند و ماه های فعلی یعنی: ربیع الاول، ربیع الثانی، جمادی الاول، جمادی الثانی، رجب، رمضان، شوال، ذی القعدة، ذی الحجة، محرم و صفر قدمت تاریخی و سابقه طولانی دارند و به زمان حضرت ابراهیم علیه السلام و به دین حنیف ابراهیمی مربوط و منسوبند و اسلام آنها را امضا نموده است. در این تقویم دینی، چهار ماه (رجب، ذی القعدة، ذی الحجة و محرم) حرام شناخته شده اند که در قرآن کریم نیز به رعایت حرمت آنها تأکید شده است. (1)

پس از حضرت ابراهیم علیه السلام دقیقاً معلوم نیست، این نامها چگونه و به چه انگیزه ای عوض شده اند،

ص: 15

که نام های اولیه آنها عبارت بوده از: خوان(ربیع الاول)، وبصان(ربیع الثانی)، الحنین(جمادی الاول)، ربی(جمادی الثانی)، الأصب(رجب)، عاذل(شعبان)، ناتیق(رمضان)، وعل(شوال)، ورنه(ذی القعدة)، برک(ذی الحجة)، المؤتمر(محرم)، ناجر(صفر).<sup>(1)</sup>

این نامها تا زمان جاهلیت قبل از اسلام بوده تا اینکه بعدها به نام های دوازدهگانه: ربیع الاول، ربیع الثانی، جمادی الاول، جمادی الثانی، رجب، شعبان، رمضان، شوال، ذی القعدة، ذی الحجة، محرم و صفر جابجا شده؛ برخی از نویسندگان این جابجایی را تقریباً دو قرن قبل از مبدأ تاریخ هجری قمری می دانند که توسط جناب کلاب بن مّرة علیه السلام که یکی از اجداد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم بوده، انجام شده است.<sup>(2)</sup>

شایان ذکر است که اجداد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم همگی موحد بوده و وصی انبیاء پیشین بوده اند،<sup>(3)</sup> لذا می توان گفت جناب «کلاب بن مّرة» جدّ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم این جابجایی را بدون اذن وحی انجام نداده است.

مسعودی در «مروج الذهب» می نویسد: محرم را محرم نامیدند به جهت اینکه در اثنای آن جنگ و غارت حرام بوده؛ و صفر گویند به جهت اینکه بازارهایی در یمن به پا می شده که آن را «صفری» می گفتند و نیز گویند به جهت اینکه در اثنای این ماه شهرها از مردم خالی می شده برای جنگ و این نام را از «صفر» به معنای خالی گرفتند.

ماه ربیع الاول و ربیع الثانی: به سبب اینکه مردم و چهارپایان بهار خوری می کردند و ممکن است این نامها در آن موقع مقارن بهار بوده و بعدها استمرار یافته.

ماه جمادی الاول و جمادی الثانی: وقت تسمیه این دو ماه آب یخ می بسته است.

ماه رجب: به معنای بیم داشتن است.

ماه شعبان: که در این ماه منشعب می شدند بر سر آبهایشان.

ماه رمضان: در وقت تسمیه آن از شدت گرما زمین تقطیده بوده و رمضان به معنای گرماست.

ماه شوال: در اثنای آن شتر دُم خود را از شدت شهوت بلند می کرده است و شوال به معنای بلند کردن است.

ماه ذی القعدة: به مناسبت آنکه در اثنای آن از جنگ و غارت فرو می نشستند و قعود به معنای

ص: 16

1- تاریخ آداب العرب، ص 134.

2- رجوع شود به: دانشنامه جهان اسلام، ج 7، ص 808-857.

3- بحار الانوار، ج 15، ص 117.

ماه ذی الحجة: به مناسبت آنکه مراسم حج در اثنای آن بوده. (1)

در اسلام چهار ماه وجود دارد که از حرمت خاصی برخوردارند مثل اینکه جنگ در این چهار ماه حرام می باشد، این ماه های حرام عبارتند از: رجب، ذی القعدة، ذی الحجة و محرم.

بعضی از مفسرین فرموده اند: تحریم جنگ در این چهار ماه از زمان حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام بوده است که در عصر جاهلیت عرب نیز به عنوان یک سنت به قوت خود باقی بوده. (2)

ذکر این نکته لازم است که تحریم جنگ در این چهار ماه در صورتی است که جنگ از ناحیه دشمن به مسلمانان تحمیل نشود که در این صورت دفاع واجب می گردد.

و آیه 36 سوره توبه برای تأکید می فرماید: این آیین ثابت و پایرجا و تغییر ناپذیر است «ذلک الدین القیم». از پاره ای از روایات استفاده می شود که تحریم جنگ، در این چهار ماه علاوه بر آیین ابراهیم، در آیین یهود، مسیح و سایر آیین های آسمانی نیز بوده است و جمله «ذلک الدین القیم» ممکن است اشاره به این نکته نیز بوده باشد، یعنی از نخست در همه آیین ها به صورت یک قانون ثابت وجود داشته است. (3)

### عام الفیل چیست؟

همانطور که قبلاً متذکر شدیم، مردم جزیره العرب قبل از هجرت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، تاریخ خود را طبق «عام الفیل» محاسبه می کردند و عام الفیل سالی است که ابرهه با سپاه فیل به مکه آمد و خواست کعبه را خراب کند که به امر پروردگار پرنده گانی از سمت دریا ظاهر شدند و هر کدام با منقار و پاهاى خود سنگریزه هایی را بر سر ابرهه و لشکریانش انداختند و آنان را سنگ باران کردند، به طوری که سرهای آنها شکست و گوشت های بدنشان از هم پاشید.

قرآن کریم این داستان را در «سوره فیل» اینگونه بیان می کند: «آیا ندیدی که پروردگار تو با اصحاب فیل چه کرد؟ آیا مکرشان را در گمراهی و تباهی قرار نداد؟ دسته هایی از پرنده گان را به سوی آنها فرستاد تا سنگ هایی از گل پخته بر سر آنها انداخته و اجساد آنها را مانند برگ های خورده شده قرار داد».

پس از ظهور اسلام تا قبل از هجرت، مردم و مسلمانان برای تاریخ از «عام الفیل» استفاده می کردند تا اینکه روز هجرت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم یعنی «اول ربیع الاول» سرآغاز تاریخ مسلمانان قرار گرفت و تمام حوادث و وقایع را با آن سنجیده و تاریخ گذاردند.

1- تلخیص از مروج الذهب، ج 2، ص 188-189.

2- مجمع البیان، ج 3، ص 382 و ج 5، ص 45.



ماه ربیع الاول

اشاره

ابتدای سال هجری قمری

ص: 18

شب اول این ماه در سال سیزدهم بعثت، مبدأ هجرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بوده است. (1) بعد از رحلت حضرت ابوطالب علیه السلام، حامی بزرگ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، آن حضرت متوجه شدند کفار قریش تصمیم دارند شبانه به خانه آن حضرت هجوم آورند و حضرتش را به قتل رسانند، لذا به امر خدایتعالی تصمیم به هجرت گرفتند و امیرالمؤمنین علیه السلام را به جای خود خوابانیدند و شبانه به کوه ثور رفتند و در غار ثور پنهان شدند. بدین صورت هجرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که مبدأ تاریخ اسلام گردید از اول ماه ربيع الاول انجام شد.

محدث قمی رحمه الله می فرماید: «چون حق تعالی آن دو جان مقدس را از کید کافران حفظ کرد، گفته اند که روزش را که روز اول ماه است، مستحب است که برای شکر سلامتی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علیه السلام روزه بدارند و هر چند علما در این روز، زیارتی ذکر نکرده اند، اما زیارت این دو بزرگوار در این روز مناسب است و سید بن طاووس در کتاب اقبال الأعمال (2) برای این روز، دعایی نقل فرموده است.» (3)

### شادی و سرور مؤمنان به جهت ابتدای سال دینی و قمری

مؤمنان در این روز به شادی و سرور می پردازند و خدایتعالی را به جهت الطاف و تفضلاتی که در این ماه نموده (مثل: ابتدای سال قمری، تولد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و تولد امام صادق علیه السلام و نهم ربيع) شکرگزاری نموده و سپاس می گویند و اول سال خود را گرامی می دارند.

### ليلة المبيت

ليلة المبيت، شب اول ربيع الاول است و آن شبی است که کفار مکه به خانه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای کشتن آن حضرت هجوم آوردند و آن جناب به امر پروردگار به طرف یثرب هجرت نمود و برادر خود یعنی امیرالمؤمنین علیه السلام را به جای خود خوابانید و از مکه شبانه هجرت کرده و به سوی کوه ثور حرکت کردند و به غار ثور تشریف بردند.

صبح آن روز کفار تا درب غار آمدند، دیدند عنکبوت درب غار را تار گرفته و کبوتری روی تخم هایش

ص: 19

1- مصباح المتعجد، ص 791.

2- اقبال الأعمال، ج 3، ص 111.

3- وقایع الأيام، ص 303.

خواهییده است، گفتند: اگر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم داخل غار می رفت باید تار عنکبوت پاره می شد و این پرنده نیز پرواز کرده بود، لذا از تعقیب آن حضرت منصرف شدند و به سوی مکه بازگشتند. (1)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سه شبانه روز در غار ثور ماندند، سپس راهی یثرب شدند و تاریخ مسلمانان از این شب به امر آن حضرت شکل گرفت.

پس از خوابیدن امیرالمؤمنین علیه السلام به جای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، کفار می خواستند علی علیه السلام را مورد ضرب و شتم قرار دهند و ایشان را بکشند که گروهی از آنان گفتند در کشتن او فایده ای نخواهیم برد مگر بی جهت بنی هاشم را با خود دشمن نماییم، لذا از کشتن آن حضرت صرف نظر کردند و همان شب آیه 207 سوره بقره در شأن امیرالمؤمنین علیه السلام نازل شد:

«و من الناس من یشری نفسه ابتغاء مرضات الله و الله رثوف بالعباد». (2)

### بیماری امام حسن عسکری علیه السلام در اثر سم

در چنین روزی بنا بر قول شیخ طوسی و کفعمی امام حسن عسکری علیه السلام به شهادت می رسند (3) و لیکن آن دو در کتب دیگرشان ذکر کرده اند که در هشتم ماه ربیع الاول آن حضرت به شهادت رسیدند؛ (4) این دو قولشان با یکدیگر تعارض دارد و چنانکه خواهیم گفت اشعری و مسعودی که در زمان غیبت صغری بوده و شهادت امام حسن عسکری علیه السلام را درک کرده اند، قولشان یعنی هشتم ربیع الثانی، اقوی می باشد. (5) لذا آنچه با جمع بین این اقوال احتمال داده می شود این است که در چنین روزی (اول ربیع الاول) آن حضرت را معتمد عباسی با سم جفا مسموم نموده و ابتدای بیماری آن حضرت بوده باشد.

## 2 ربیع الاول

### وفات سید شفتی رحمه الله

محدث قمی رحمه الله می فرماید: «در این روز سنه 1260 هجری قمری، سید سند و فقیه نبیه و عالم جلیل، جناب آقای سید محمد باقر شفتی معروف به «حجة الاسلام» در اصفهان وفات یافت. جلالت شأنش زیاده از آن است که ذکر شود و آن جناب را مؤلفات نفیسه است، در فقه و غیره». (6)

از آثار و ابنیه تاریخی که از وی به یادگار مانده است، مسجدی است بسیار بزرگ و مجلل در خیابان

ص: 20

1- الطبقات الكبرى، ج 1، ص 229؛ السيرة النبوية، ابن كثير، ج 2، ص 239.

2- تفسير عياشي، ج 1، ص 101؛ تفسير نور الثقلين، ج 1، ص 204.

3- مصباح المتعجب، ص 791؛ المصباح للكفعمي، ص 510.

4- تهذيب الاحكام، ج 6، ص 92 - المصباح، ص 523 (بخش الجدول).

5- به روز هشتم ربیع الثانی رجوع شود.





مسجد سید اصفهان. کنار درب ورودی، مقبره کوچکی است که مرحوم سید برای مدفن خود آماده کرده بود و به وصیتش در آن مقبره به خاک سپرده شد و اکنون زیارتگاهی برای مؤمنان گردیده است.

### تشریف سید شفتی رحمه الله به جزیره خضراء

سعادت تشریف به جزیره خضراء بر ایشان حاصل شده که این حقیر در کتاب «جزیره خضراء» آن را ذکر نموده ام:

حضرت حجة الاسلام حاج شیخ محمد باقر شفتی رشتی رحمه الله در پشت کتاب «تحفة الابرار» (رساله عملیه خودشان) و به خط خود، این جریان را نوشته بودند: من همیشه از حضرت بقیة الله ارواحنا فداه می خواستم که مرا به مشاهده جزیره خضراء و بحر ابیض و شهرهایی که اولاد آن حضرت در آنجا بر خلق زیادی که در نهایت عظمت هستند حکومت دارند، موفق گرداند و خدا را به حق ولی خود عجل الله فرجه قسم دادم که صحت این امر بر من معلوم شود.

تا اینکه شب عید غدیر که شب جمعه بود، ثلث آخر شب کنار باغچه ای که در خانه ما در بیدآباد اصفهان است، راه می رفتم، ناگاه سید مجللی را دیدم که به سیمای علماء بود، ایشان مرا به تمام آنچه در دل داشتم خبر داد و همچنین از صحت آن شهرها و بلادی که در جزیره خضراء است، آگاه نمود و گفت: آیا می خواهی به چشم خود ببینی، تا برای تو و سایر اولیاءالبصار (صاحبان بصیرت) عبرتی باشد؟ گفتم: بلی، آقای من! و در این صورت منت بزرگی بر من می گذارید. فرمود: بیا دو چشمت را برهم بگذار و هفت مرتبه بر جدت محمد و آل او صلی الله علیه و آله و سلم صلوات بفرست.

آنچه دستور داد انجام دادم، بعد فرمود: دو چشمت را باز کن و نظر کن بین آیات و نشانه های او چه می بینی؟ چشمها را گشودم، شهری را دیدم که خانه هایش از دور نمایان بود و طرف راست و چپ آن از درخت و گل، سبز و خرم بود ... «کانه جئات تجری من تحتها الانهار» مانند بهشت هایی که نهرهایی در آن جاری است.

بعد فرمودند: به آخر آن درخت ها نگاه کن و به آنجا برو، مسجد و امامی را می بینی که نماز صبح را بجا می آورد، پشت سر او جماعت و صف هایی است که نهایت ندارد، نماز خود را به آن امام اقتدا کن که او از طبقه هفتم اولاد صاحب الزمان علیه السلام و نامش عبدالرحمن است، بعد از نماز مرا آنجا می بینی.

حسب الامر به راه افتادم و دیدم زمین خود به خود زیر پای من طی می شود تا به آن مسجد و همان کیفیتی که گفته بود، رسیدم. آن امام مثل شب چهارده نورانی و در محراب ایستاده بود، ایشان مرا دید و

من او را زیارت کردم، فرمود: مرحباً بک (خوش آمدی) به درستی که خدا بر تو منت گذارد.

مسائلی که در رابطه با احکام مشکل بود، از ایشان سؤال کردم و جواب گرفتم، بعد هم مرا اکرام و انعام نمود، آنگاه نماز فجر را بجا آورد، به او اقتدا نمودم و مشغول به تعقیباتی که داشتم شدم تا آنکه نزدیک طلوع آفتاب شد، اینجا از ذهنم گذشت که در چنین وقتی من با مردم نماز می خوانده ام و آنها لابد به عادت هر روز منتظر می باشند، اما امروز گذشت و به آنها نمی رسم، در این وقت شنیدم آن سید و امام که در محراب نشسته بود، می گوید: مترس و محزون مباش که به زودی تو را به جای خود می رسانیم و با آنها نماز می خوانی. ناگاه دیدم آن سید اولی نزد من است، دست مرا گرفت و گفت: به برکت امام زمان خود برویم، فوراً خود را در مسجد بیدآباد دیدم، با جماعت نماز خواندم و آن سید را هم ندیدم. (1)

### 3 ربیع الاول

#### آتش کشیدن مکه به امر یزید بن معاویه

در این روز به سال 64 هجری قمری واقعه سوزاندن مکه مکرمه به امر یزید بن معاویه رخ داد. (2)

«مسلم بن عقبه» به امر یزید با لشکری انبوه قصد مدینه کرد و در آن شهر قتل عام نمود و خانه ها را سوزاند و به مرقد مطهر رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم جسارت ها نمود که در روز 28 ذی الحجة ذکر خواهد شد.

پس از آن آهنگ مکه مکرمه نمود به قصد دفع «عبدالله بن زبیر» که با یزید بیعت نکرد و خود داعی خلافت شده بود و در میان راه فوت کرد و به درک جحیم شتافت. پس از او «حُصَین بن نُمَیر» امیر لشکر شد و مکه را محاصره کرد و با منجنیق، سنگ و آتش بر مکه افکند تا اینکه مسجدالحرام را منهدم ساخت، چون خبر مرگ یزید را شنید دست از جنگ با «ابن زبیر» کشید و به سوی شام بازگشت. (3)

سپس مسلمانان به تعمیر و بنای مکه از جمله کعبه پرداختند تا اینکه در حمله دیگر، حجاج بن یوسف ثقفی به مکه حمله نمود و شهر را ویران کرده و کعبه را تخریب نمود. پس از آن مسلمانان برای تعمیر و تجدید بنای کعبه جمع شدند و آن را مرمت کردند ولی سنگ حجرالاسود بر جای خود قرار نمی گرفت و هر عالم و یا قاضی و یا زاهدی که آن را نصب می نمود متزلزل می شد و برقرار نمی ماند، هر چه تلاش کردند نتوانستند حجرالاسود را در جای خود ثابت نگه دارند. تا اینکه امام سجاد علیه السلام پیش آمدند و حجرالاسود را از دست آنها گرفتند و با نام خدا آن را در جایش گذاشتند و مردم تکبیر گفتند. (4)

ص: 22

1- جزیره خضراء، ص 210 برگرفته از عبقری الحسان، ج 2، ص 579.

2- تاریخ الطبری، ج 4، ص 383.

3- تاریخ الطبری، ج 4، ص 383؛ تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 253.

4- الخرائج و الجرائح، ج 1، ص 268.

فَرَزْدَق نیز در شعرش به همین اشاره دارد که می گوید:

یکاد یمسکه عرفان راحتہ

رکن الحطیم اذا ما جاء یتلم

#### 4 ربع الاول

### خروج پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم از غار ثور و حرکت به سوی یثرب (مدینه)

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم که در غار ثور پناه گرفته بودند، کفار قریش به دنبال آن حضرت می گشتند تا حضرتش را به قتل برسانند، لذا کفار با راهنمایی شخصی به نام «أبو کرز» رد پای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم را گرفتند و از کوه ثور بالا رفتند، راهنما آنها را تا درب غار آورد و گفت: مطلوب شما تا اینجا آمده است، اما دیگر جای پای او پیدا نیست! نمی دانم به آسمان یا به زمین رفته یا داخل غار شده است، چون درب غار رسیدند، دیدند کبوتران آنجا لانه کرده و تخم گذاشته اند و بر روی آن خوابیده اند و عنکبوت درب غار را تار تابانده است، یکی از کفار قریش با ناراحتی به راهنما گفت: تو چه مرد خرفتی هستی! زیرا اگر کسی در غار می رفت خانه کبوتران ویران می شد و کبوتران پرواز کرده بودند و تار عنکبوت نیز پاره می گشت، در این هنگام شخصی که با پیامبر بود و ترسیده بود، نزدیک بود مشرکین را مطلع سازد که خداوند پیامبرش را یاری کرد و این آیه نازل شد:

«إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِي اثْنِينَ إِذْ هَمَّ فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا». (1)

چون کفار قریش برگشتند پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به طرف یثرب مهاجرت نمودند.

### مصاحب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در غار

آنچه مشهور نزد ابناء عامه هست این است که «آیه غار» (2) در شأن ابوبکر نازل شده و آن را فضیلت بسیار بزرگی برای او بر می شمارند و حال آنکه مضمون آن هیچ فضیلتی را ثابت نمی کند، چنانکه شیخ مفید رحمه الله در مناظره ای زیبا با عمر بن خطاب در عالم رؤیا عدم فضیلت را از این آیه شریفه ثابت می کند که ما در کتاب «امام زمان علیه السلام و شیخ مفید» آورده ایم، طالبین به آن کتاب مراجعه کنند.

این آیه شریفه طبق روایات ابناء عامه هیچ ربطی با ابوبکر ندارد که ما به جهت تطویل نیافتن کتاب مختصراً نقل می کنیم:

- در کتاب «بخاری» که نزد ابناء عامه بعد از قرآن صحیح ترین کتاب می باشد، می نویسد: «ابوبکر و عمر و سالم غلام ابی حذیفه و ابوسلمه و زید و عامر بن ربیع از مکه به مدینه مهاجرت کردند و در راه

ص: 23

1- سوره توبه، آیه 40؛ مجمع البیان، ج 5، ص 57.

2- سوره توبه، آیه 40.

نماز جماعت را به امامت «سالم» خواندند» (1).

- عایشه در روایتی تصریح می کند که هیچ فضیلتی برای خاندانش در قرآن نیامده است: «هرگز در مورد ما (خانواده ابوبکر) چیزی از قرآن نازل نشده است» (2).

- هیچ روایتی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم وجود ندارد که حضرتش تصریح کرده باشند ابوبکر با حضرتش در غار بوده.

- خود ابوبکر هیچگاه برای فضیلت خودش در طول حیاتش پس از اسلام آوردنش به این آیه شریفه «غار» تمسک نجسته است.

- فرزندان ابوبکر هیچگاه درباره آیه «غار» در فضیلت پدرشان چیزی نگفته اند.

- ابوبکر در هجوم به خانه فاطمه زهرا علیها السلام و بحث و مناظره حضرت فاطمه علیها السلام که منجر به شکست ابوبکر می شود، هیچگاه به این آیه شریفه تمسک نمی جوید و حال آنکه باید در تأیید و برتری خودش به این آیه شریفه تمسک می شد.

با توجه به پژوهش بالا چنین به دست می آید که ابوبکر با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در غار نبوده و شخص دیگری می باشد و آن شخص «عبدالله بن اریقظ بن بکر» بوده که چوپان بوده و گوسفندهایش را در کوه ثور برای چوپانی به چرا می برده، و ابن بکر چون اسلامش را کتمان کرده بود و از طرفی به کوه ثور برای چوپانی تردد داشته، کسی به او شک نمی کرده، لذا بدون اینکه مشرکان متوجه شوند می توانسته کنار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم - که سه روز در کوه ثور بوده - باشد و آذوقه برای حضرتش ببرد و از اخبار مکه برای حضرتش خبر بیاورد (3).

این شخص که میان مردم به «ابن بکر» شهرت داشته باعث شده که بعدها حدیث سازان از تشابه نامش برای «ابوبکر» جعل حدیث کنند و آیه غار را به «ابوبکر» نسبت دهند.

### وفات محدث جلیل القدر شیخ یوسف بحرانی رحمه الله

در چنین روزی به سال 1186 قمری فقیه و محدث جلیل القدر صاحب کتاب گرانقدر فقهی «الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة» که در بیست و چهار مجلد می باشد وفات یافت.

جناب حاج شیخ یوسف بن شیخ احمد آل عصفور بحرانی دارای تألیفات گرانسنگی است از جمله:

ص: 24

1- صحیح بخاری، ج 9، ص 71.

2- صحیح بخاری، ج 6، ص 42؛ البدایة و النهایة، ج 8، ص 96؛ تاریخ ابی اثیر، ج 3، ص 199.

3- برای اطلاعات بیشتر در این موضوع به کتاب «صاحب الغار ابوبکر أم رجل آخر؟» نوشته نجاح الطائی مراجعه شود.

کتاب «در النجفیه»، «لؤلؤ البحرین»، «کشکول»، «سلاسل الحدید فی تقیید ابن ابی الحدید» و «النفحات الملکوتیه فی الرد علی الصوفیه» و ... قبر شریف ایشان در کربلا در رواق پایین پای شهدا می باشد.

## 5 ربيع الاول

### خروج امیرالمؤمنین علیه السلام از خانه بعد از جمع آوری قرآن کریم

امیرالمؤمنین علیه السلام به وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که به او فرمودند: علی جان از خانه خارج نشو تا اینکه قرآن را جمع آوری کنی تا شیطان و شیطان صفتان به آن دستبرد نزنند، در خانه نشستند و قرآن را جمع نمودند. طبق گزارش های نقل شده، جمع آوری قرآن توسط حضرت امیر علیه السلام سه روز، (1) هفت روز، (2) یا نه روز (3) طول کشید، ولی به نظر ما، طبق گزارش امام محمد باقر علیه السلام که می فرماید: جدم امیرالمؤمنین علیه السلام بعد از هفت روز که در خانه نشسته و قرآن را جمع آوری کردند، خارج شدند و خطبه ای را ایراد نمودند، هفت روز اقوی است.

### رحلت حضرت سکینه خاتون علیها السلام

در این روز به سال 117 هجری قمری دختر گرانقدر امام حسین علیه السلام، حضرت سکینه خاتون علیها السلام در مدینه منوره وفات نمود. (4)

مادرش جناب رباب علیها السلام بنت امرء القیس بوده و آن حضرت پس از تحمل مصائب بسیار سخت کربلا همراه اسیران به مدینه برگردانده شد و به گزارش برخی از مورخان بعدها به همسری پسر عموی خویش جناب عبدالله بن الحسن علیه السلام درآمد (5) و برخی دیگر نقل کرده اند با پسر عمه خود جناب عبدالله پسر مسلم بن عقیل ازدواج نمود. (6)

اینکه گفته اند آن حضرت ازدواج های متعددی با مخالفان اهل بیت علیهم السلام داشته و از جمله با مصعب بن زبیر ازدواج نموده صحیح نمی باشد، زیرا راویان این وصلت ها از ابناء عامه بوده و به گزارش آنها اعتمادی نیست. نهایتاً وی در این روز با قلبی پر از غم و درد و داغ پدر و برادران وفات نمود.

ابوالفرج گفته: «جناب سکینه در شب وفات نمود و جناب محمد بن عبدالله معروف به نفس زکیه چهارصد دینار به عطاری داد تا عطر و عود پیرامون سریر و نعش آن حضرت بگذارد و با تجلیل به

ص: 25

1- تفسیر فرات الکوفی، ص 398.

2- التوحید للصدوق، ص 73.

3- الأمالی للطوسی، ج 1، ص 163.

4- تاریخ مدینه دمشق، ج 69، ص 218؛ وفيات الأعیان، ج 2، ص 396؛ انساب الأشراف، ج 2، ص 197.

5- انساب الأشراف، ج 2، ص 195؛ الأغانی (اصفهانی)، ج 16، ص 366.

6- ریاحین الشریعه، ج 4، ص 255.

خاک سپرده شد و مادرش رباب دختر امرء القیس بود که مادر طفل رضیع، حضرت علیاصغر علیه السلام نیز بوده که در کربلا به تیر حرمله ملعون به شهادت رسید» (1).

جناب رباب بعد از شهادت همسرش امام حسین علیه السلام در حالی که اشراف و بزرگان قریش به خواستگاریش آمده بودند، همسر دیگری انتخاب نکرد و به همه آنان جواب رد داد و می فرمود: من بعد از وصلت با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم با کس دیگری ازدواج نخواهم کرد و بعد از واقعه کربلا بیشتر از یکسال زنده نماند و بقیه عمر خود را در سوگ و عزاداری گذراند تا اینکه به دیار آخرت شتافت.

جناب سکینه خاتون علیها السلام در جلالت و بزرگواری مادرش از پدر بزرگوارش امام حسین علیه السلام نقل نموده که فرمود:

لعمرك اننى لاحب داراً \*\*\* تكون بها سکینه و الرباب

احبهما وابدل جلاً مالی \*\*\* ولىس لعاتب عندى عتاب (2)

یعنی: «قسم به جانت همانا دوست دارم خانه ای را که باشد در آن سکینه و رباب؛ و دوستشان دارم و بذل می کنم همه مالم را (برایشان) و عتابی برایم نیست هنگامی که عتابم کنند».

ابن اثیر در کتاب «کامل» گفته: قولی است که جناب هایریاب یکسال سر قبر شریف امام حسین علیه السلام اقامت گزید سپس به مدینه برگشت تا اینکه از غصه و حزن امام حسین علیه السلام وفات یافت. (3)

### شهادت شهید ثانی رحمه الله

در این روز در سنه 965 هجری قمری، زین الدین بن نورالدین علی بن احمد عاملی جبعی به شهادت رسید. وی دارای تألیفات بسیاری می باشد، از جمله کتاب «روضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة» که از متون درسی حوزه های علمیه شیعه است. او به جرم تشیع و تبلیغ فرهنگ اهل بیت علیهم السلام توسط حکام دولت عثمانی دستگیر شده و به شهادت می رسد.

شیخ حسین بن عبدالصمد حارثی، پدر شیخ بهایی می گوید: روزی بر شهید ثانی وارد شدم و او را متفکر یافتم. او در خویشتن فرو رفته بود. علت این حالت را از او جو یا شدم. به من گفت: برادرم! چنین می پندارم که من دومین شهید باشم، زیرا در عالم رؤیا سید مرتضی علم الهدی را دیدم که مجلس ضیافتی تشکیل داده و علماء و دانشمندان امامیه و شیعه در آن شرکت داشتند. وقتی من وارد مجلس شدم، سید مرتضی از جا برخاست و به من تهنیت گفت و دستور داد که در کنار شهید اول بنشینم. (4)

ص: 26

1- الأغانی، ج16، ص 366.

2- تاریخ الأمم و الملوك، ج 11، ص 520؛ مقاتل الطالبيين، ص 94.

3- الكامل فی التاريخ، ج4، ص 88.

4- أعيان الشیعه، ج7، ص 157.

## ولادت يا شهادت امام حسن عسکری عليه السلام!!!

طبق گزارش «حسن بن محمد قمی» (1) و سایر مورخین که در ذیل از آنها یاد می شود، امام حسن عسکری علیه السلام در هشتم ربيع الاول به سال 232 قمری به دنیا آمدند، گرچه بنا بر نقل و گزارش دیگر مورخین، شهادت آن حضرت در هشتم ربيع الاول ذکر شده است.

چنانکه قبلاً ذکر کردیم در تاریخ ماه ربيع الاول جناب «حسن بن محمد قمی» (که در غیبت صغری می زیسته است) در کتاب «تاریخ قم» با صراحت کامل نوشته اند آن حضرت در هشتم از ماه ربيع الاول به دنیا آمدند. برخی دیگر از منابع که این تاریخ را تأیید می کنند، عبارتند از: ابن خلکان در کتاب «وفیات الأعیان»، (2) سید عباس مکی در کتاب «نزهة الجلیس»، (3) ابن طولون در کتاب «الائمة الإثنی عشر»، (4) قاضی نورالله شوشتری در کتاب «احقاق الحق»، (5) طبرسی در کتاب «تاج الموالید»، (6) علامه مجلسی در کتاب «بحار الأنوار» (7) و شیخ مفید در کتاب «الإرشاد» (8) که ماه ربيع الاول را ذکر کرده اند.

و اگر در گزارش این تاریخ نگاران نوساناتی هست به جهت اشتباه نسخه برداران بوده که ربيع الثانی را به جای ربيع الاول ثبت کرده اند و دلیل متقن ما گزارش «حسن بن محمد قمی» است که هشتم ربيع الاول را روز میلاد امام حسن عسکری علیه السلام ذکر کرده و در زمان حیات امام حسن عسکری علیه السلام و غیبت صغری می زیسته است.

به نظر ما این اختلاف به جهت تشابه روز و ماه (هشتم ربيع الاول و هشتم ربيع الثانی)، نشأت گرفته از اشتباه نسخه برداران می باشد و انطباق این است که هشتم ربيع الاول را روز ولادت امام حسن عسکری علیه السلام و هشتم ربيع الثانی را روز شهادت آن حضرت بدانیم، زیرا مناسبت روز ولادت که مصادف می شود با شادی و سرور شیعیان در نهم ربيع به جهت به درک واصل شدن عمر بن سعد، قاتل امام حسین علیه السلام و سایر دشمنان اهل بیت علیهم السلام و نیز هشتم ربيع الثانی، شهادت امام حسن عسکری علیه السلام مصادف می شود با شهادت مادر گرامیش، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام (بنا بر روایتی

ص: 27

1- تاریخ قم، ص 203.

2- وفیات الأعیان، ج 2، ص 94.

3- نزهة الجلیس، ج 2، ص 184.

4- الائمة الإثنی عشر، ص 113.

5- إحقاق الحق، ج 12، ص 460.

6- تاج الموالید، ص 105.

7- بحار الأنوار، ج 50، ص 235.

8- در نسخه الإرشاد که در دست علامه مجلسی بوده ماه ربيع الاول ذکر شده است، و در نزد ما این تاریخ مورد تأیید است، زیرا علامه مجلسی در نقل تاریخ (روز، ماه، سال) دقت بسیاری داشته است و اگر در الإرشاد چاپی ربيع الثانی ذکر شده می توان گفت به اشتباه نسخه برداران بر می گردد.



که آن حضرت 40 روز بعد از شهادت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به شهادت رسیدند) و نیز مصادف می شود با روز چهلم شهادت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم.

امام حسن عسکری علیه السلام در چنین روزی به سال 232 در مدینه منوره ولادت یافت، مادر گرامیشان کنیزی سعادت‌مند به نام «حدیثه، سلیل، سوسن» بوده و در حقیقت روایت شده: «کانت من العارفات الصالحات»<sup>(1)</sup>، همچنین امام هادی علیه السلام در حقیقت فرمودند: «سلیل مسلوله من الآفات و العاهات و الأرجاس و الأنجاس»<sup>(2)</sup> یعنی: «سلیل منزّه است از آفات، مرضها، پلیدی ها و ناپاکی ها».

زیارت آن حضرت و سایر اعمال خیر در این روز با برکت مناسب است، محل ولادت آن جناب مدینه منوره و مشهورترین القابش «زکّی، نقی، عسکری» و کنیه اش «ابو محمد» است، حکام بنی العباس آن حضرت را برای زیر نظر داشتن و کنترل رفت و آمدها در میان «معسکر» یعنی لشکرگاه مسکن داده بودند و به همین جهت است که به حضرتش لقب «عسکری» دادند.

در کتاب «الخرائج» روایت شده است که امام حسن عسکری علیه السلام در دوران کودکی در چاه آب افتاد، این در حالی بود که امام هادی علیه السلام مشغول نماز بود، زن ها فریاد می زدند، وقتی امام علیه السلام نمازش را سلام داد فرمود: باکی نیست!!! در آن حال دیدند که آب تالاب چاه بالا آمده و حضرت امام حسن عسکری علیه السلام روی آب نشسته است و با آب بازی می کند.<sup>(3)</sup>

## 9 ربیع الاول

### عید بقر

بنابر نقل محدث قمی رحمه الله، شیخ مفید رحمه الله در «مسار الشیعه» آورده است که: «این روز، عید بزرگی است و روز عید (بقر) یعنی شکافتن است و از برای این روز شرح بزرگی است».<sup>(4)</sup>

علامه مجلسی رحمه الله در «زاد المعاد» برای این روز شرح مبسوطی نقل نموده برای درک مطلب به آنجا رجوع شود،<sup>(5)</sup> و محدث قمی رحمه الله می فرماید: «آنچه مناسب این مقام است حقیر در کتاب مستقلی که مسمی است به «ذخیره العقبی فی مثالب اعداء الزهراء علیها السلام» ایراد نمودم طالبین به آنجا رجوع کنند و از غیر اهلش پنهان نمایند».

ص: 28

1- بحار الأنوار، ج 50، ص 238.

2- اعلام الوری ج 2 ص 132 و فیض العلام ص 229.

3- الخرائج و الجرائح، ج 1، ص 422.

4- وقایع الأيام، ص 315.

5- زاد المعاد، ص 253.

عمر بن الخطاب در روز نهم ربیع الاول به سال 23 هجری قمری به دست ابو لؤلؤ که نامش فیروز و غلام مغیره بن شعبه بوده به هلاکت رسید. (1)

در قتل او نقل نموده اند که: «ابو لؤلؤ هنگام طلوع فجر وارد مسجد شد و قبل از تکبیر نماز صبح با خنجرى که در دست داشت ضربه ای بر کتف و شکم عمر وارد ساخت». (2)

و برخی دیگر نقل کرده اند: ابو لؤلؤ از عمر درخواست نمود بعد از نماز صبح به آسیاب آبی که درست کرده بود، آید و آن را دیده و متبرک گرداند، وقتی که عمر وارد آسیاب شد ابو لؤلؤ با شمشیر از پشت بر او زد و او را نقش بر زمین کرد، جماعتی از مردم با خبر شده و جلو رفتند و ابو لؤلؤ از تسلیم شدن مقاومت می کرد تا اینکه موفق به فرار شد. (3) و در «تاریخ یعقوبی» آمده است که بعد از کشته شدن «عمر» فرزندش «عبیدالله» به انتقام خون پدر حمله کرد و «ابو لؤلؤ» و دختر خردسال و همسرش، هر سه را به قتل رساند. (4)

هنگامی که عمر را به خانه بردند برایش طیب حاضر کردند، طیب از عمر پرسید: چه شرابی برای تو دوست داشتنتیر است؟ عمر گفت: «نیبذ»، لذا مقداری نیبذ تهیه کردند که وقتی آن را خورد از قسمت های ضربت خورده خارج شد، از آنجا که شراب با خون هم رنگ بود مشخص نشد که این مایع «خون» است یا «نیبذ»، لذا دوباره مقداری شیر به وی دادند، شیر را خورد و از محلی که ضربه های ابو لؤلؤ بر بدنش وارد شده بود، خارج شد. طیب به عمر گفت: دیگر امیدی به زنده ماندن نیست، هر کاری که داری انجام بده، (5) سرانجام عمر طی یک شورای فرمایشی «عثمان» را به جانشینی خود انتخاب کرد، سپس مرد و در کنار ابوبکر در خانه شخصی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دفن گردید.

مدت اخذ منصب خلافتش ده سال و شش ماه بود و اولین کسی بود که خود را امیرالمؤمنین نامید! (6) و نخستین کسی که او را با این لقب در منبر خطاب کرد ابو موسی اشعری بود. (7)

## کشته شدن عمر بن سعد

در نهم ماه ربیع الاول سال 67 هجری قمری عمر بن سعد فرمانده ظالم یزید بن معاویه در کربلا، به دستور مختار ثقفی به درک واصل شد. (8)

ص: 29

1- بحار الأنوار، ج 29، ص 530 و ج 31، ص 120-132.

2- کامل ابن اثیر، ج 3، ص 49.

3- تاریخ حبیب السیر، ج 1، ص 167؛ شاخه طوبی، ص 107.

4- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 160.

5- تاریخ الخلفاء، ص 108.

6- تاریخ الطبری، ج 4، ص 208؛ مروج الذهب، ج 2، ص 305.

7- مروج الذهب، ج 2، ص 305.

8- زاد المعاد، ص 258.

حکایت قتل او چنین است که: عمر سعد با شفاعت خواهر مختار با این شرط که از خانه اش خارج نشود امان نامه گرفت، ولی مختار در پی بهانه ای بود تا انتقام خون های کربلا را از او بگیرد تا اینکه روزی به مختار خبر دادند که عمر بن سعد شب گذشته در مکانی خارج از کوفه به نام «حمام» حضور داشته است، مختار که دنبال چنین فرصتی بود فوراً به یکی از فرماندهانش به نام «ابوعمره» دستور داد تا وی را دستگیر نموده و به قتل برساند، ابوعمره نیز با دوازده نفر از یارانش به خانه عمر سعد رفت، عمر برخاست و لباس پوشید تا به همراه او به دارالاماره برود، اما سُر خورد و به زمین افتاد، پس ابوعمره فرصت را غنیمت شمرد و سر از بدنش جدا کرد و به گزارش دیگری عمر سعد مقاومت نمود و در اثر یک درگیری ابوعمره او را به هلاکت رساند و سرش را نزد مختار آورد، مختار نیز دستور داد سر منحوسش را به حضور امام زین العابدین علیه السلام و جناب محمد بن حنفیه و اهل بیت امام حسین علیه السلام در مدینه بفرستند. (1)

برای این روز نام هایی نقل شده، از جمله آنها عیدالله الاکبر، غدیر ثانی، روز دوستی مؤمنین، روز پرهیز از کبائر، روز نابودی ضلالت و گمراهی، روز شکرگزاری و ... (2) و مستحب است در این روز اظهار تبری جستن از دشمنان قرآن و عترت و خواندن دعای صَدَمَی قریش و لعن بر دشمنان و ظالمین و غاصبین حق ائمه اطهار علیهم السلام.

## 10 ربیع الاول

### ترویج پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم با حضرت خدیجه امالمؤمنین علیها السلام

در این روز (3) 15 سال قبل از بعثت، (4) پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم که 25 ساله بودند حضرت خدیجه کبری علیها السلام را که نیز 25 تا 28 ساله (5) و نیز دوشیزه بودند (6) به ترویج خود درآوردند و اینکه گزارش شده آن بانوی بزرگوار 40 ساله بودند در کمال ضعف می باشد و همچنین اینکه در بعضی از گزارش ها آمده است قبلاً ترویج نموده بوده صحیح نمی باشد و با تحقیق و بررسی که نمودیم آن بی بی بزرگوار هنگام ترویج با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دوشیزه بودند و بنابراین دخترانی که به آن حضرت نسبت می دهند فرزندان بطنی حضرت خدیجه علیها السلام نمی باشند و طبق دقت و بررسی گزارش های ذکر شده این دختران به نام های زینب، رقیه و ام کلثوم فرزندان «هاله» خواهر حضرت خدیجه علیها السلام

ص: 30

1- اخبار الطوال، ص 301؛ تاریخ الطبری، ج 6، ص 61.

2- بحار الأنوار، ج 31، ص 127.

3- مسار الشیعه، ص 29.

4- دلائل النبوة بیهقی، ج 2، ص 72؛ البداية و النهایة، ج 3، ص 475.

5- مستدرک حاکم نیشابوری، ج 3، ص 200؛ دلائل النبوة، ج 2، ص 72؛ البداية و النهایة، ج 3، ص 466.

6- الإستغاثة فی بدع الثلاثة، ابوالقاسم کوفی، ج 1، ص 64-76؛ الهدایة الکبری، ص 40؛ دلائل النبوة، الإصبهانی، ج 1، ص 178؛

مناقب آل أیطالب، ج 1، ص 159؛ تبصرة العوام، ص 245.

بوده اند و چون هاله در تنگدستی به سر می برد حضرت خدیجه علیها السلام که بزرگ ثروتمند حجاز بوده این دختران خواهرش را به منزل خود برده و سرپرستی آنها را به عهده گرفته است، چنانکه محدث گرامی ابوالقاسم کوفی که در قرن چهارم می زیسته است همین نظر و اعتقاد را داشته است، (1) لذا با گذشت زمان بعضی تصور کرده اند این دختران، فرزندان بطنی حضرت خدیجه علیها السلام می باشند.

ام المؤمنین، حضرت خدیجه کبری علیها السلام بنت خویلد اول و افضل زوجات پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است و تا آن مخدّر در قید حیات بودند آن حضرت همسر دیگری اختیار نمودند و تمام فرزندان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم از این بانو بوده به غیر از جناب ابراهیم، که از کنیزی به نام ماریه قبطیه بوده است.

این بانوی بزرگوار در حالی با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ازدواج نمود که بزرگترین ثروتمند حجاز بوده و خواستگاران بیشماری داشته و به همین جهت مورد سرزنش زنان مکه قرار گرفت، ولی ایشان چنان ایمان آورده بود و شیفته رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شده بود که نه فقط جان خودش را فدایی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم کرده بود، بلکه تمام ثروتش را برای پیروزی و اعتلای اسلام در اختیار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قرار داد. چنانکه بنا بر روایات متواتری که به دست صاحب «تنقیح المقال» رسیده، می فرماید: شرافت فوق شرافت از آن خدیجه علیها السلام است که اسلام بر پا نشد مگر به ثروت و مال او و شجاعت امیرالمؤمنین علیه السلام (2) و خلق پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم. لذا بنا بر آنچه صاحب «تنقیح المقال» نقل نموده، تمامی مسلمانان تا روز قیامت مرهون ایشار و ثروت حضرت خدیجه علیها السلام هستند و خدای تعالی نیز با سلام رساندن به این بانو (3) بهترین گوهر عالم وجود یعنی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را به وی عنایت کرد و فقط اوست که در میان تمامی زنان لیاقت مادری برای فاطمه زهرا علیها السلام را دارا بود.

سید بن طاووس رحمه الله فرموده: «مستحب است روزه این روز به جهت شکرانه این نعمت». (4)

### مرگ داوود بن علی حاکم ظالم مدینه

بنا بر نقل «قلاند النحور»، داوود بن علی عموی سفاح در مدینه در دهم ربیع الاول به دعای امام صادق علیه السلام هلاک شد، (5) چه اینکه داوود بن علی فرمان داد معلی بن خنیس را که از اصحاب امام صادق علیه السلام بود، شهید کردند. (6)

ص: 31

1- الإستغاثة فی بدع الثلاثة، ج 1، ص 64-76.

2- تنقیح المقال، فضل النساء، ج 3، ص 77.

3- الأمالی للطوسی، ص 175؛ الخرائج و الجرائح، ج 2، ص 529.

4- إقبال الأعمال، ج 2، ص 599.

5- قلاند النحور، ج ربیع الاول، ص 6.

6- کافی، ج 2، ص 513.

و بنا بر گزارش کتاب «تاریخ خلیفة بن خیاط»، مرگ داوود بن علی عباسی در اول ماه ربیع الاول رخ داده است(1) و بلاذری در «انساب الأشراف» مرگ وی را در روز 13 ماه صفر به سال 133 هجری قمری نقل نموده است.(2)

## 11 ربیع الاول

### مرگ مالک بن انس

در این روز در سال 179 هجری مالک بن انس اصبحی رئیس فرقه مالکی از مذاهب اربعه ابناء عامه مُرد و در بقیع دفن شد.(3) از خصوصیات او اینکه سه سال بعد از مرگ پدرش در شکم مادرش بوده و بعد از سه سال به دنیا آمد.(4)

در اینجا سؤالی است که چرا اهل سنت به این چهار نفر اقتدا کرده اند و دیگر علما و فقها را رها کرده اند در حالی که هیچ دلیل روایی یا عقلی بر انحصار پیروی و تقلید از آنها وجود ندارد؟!!

### ولادت جناب نفیسه خاتون

در چنین روزی به سال 145 هجری جناب نفیسه خاتون دختر حسن بن زید بن امام مجتبی علیه السلام در مکه متولد شد.(5) ایشان در مصر مدفون است و دارای کرامات بیشماری می باشد.

## 12 ربیع الاول

### ولادت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم بنا بر قولی ضعیف

بنا بر بعضی اقوال و بعضی از ابناء عامه،(6) ولادت با سعادت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در این روز می باشد، ولی اقوی هفدهم این ماه است.

### ورود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به قریه قبا

در این روز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بعد از هجرت از مکه به سوی مدینه آمدند و در قبا نزول اجلال فرمودند(7) و در آنجا چند روزی توقف نمودند تا حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به حضرتش ملحق شود.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نیز پس از انجام دستورات و سفارشات پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در مکه به همراه فواطم (فاطمه ها) یعنی: فاطمه زهرا علیها السلام، فاطمه بنت اسد، فاطمه بنت

ص: 32

1- تاریخ خلیفة بن خیاط، ج 1، ص 331.

2- أنساب الأشراف، ج 3، ص 83.

3- تذكرة الحفاظ، ج 1، ص 157؛ ترتیب المدارک و تقریب المسالک، ج 1، ص 120.

4- سیر أعلام النبلاء، ج 8، ص 55؛ وفيات الأعیان، ج 4، ص 137؛ العبر فی خبر من غیر، ج 1، ص 210.

5- السيدة نفيسة، توفيق ابوعلم، ص 11.

6- السيرة النبوية، ج 1، ص 167؛ تاريخ الطبري، ج 1، ص 571.

7- الطبقات الكبرى، ج 1، ص 179؛ السيرة النبوية، ج 1، ص 167؛ الكافي، ج 8، ص 339.

زبیر بن عبدالمطلب و ائمن و مادرش و ابو واقد فرستاده رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم وارد بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در قریه قبا شدند(1) و پس از آن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم همراه آنان وارد مدینه شدند.

### مرگ احمد بن حنبل

در این روز در سال 241 هجری احمد بن حنبل رئیس فرقه حنبلی ها که از چهار مذهبِ ابناء عامه است، در بغداد مُرد و در همان شهر دفن شد.(2)

جدّ او «ذوالثدیّه» رئیس خوارج است که به دست امیرالمؤمنین علیه السلام به درک فرستاده شد.(3) محدث قمی رحمه الله می فرماید: «لهذا به شهرت پیوسته، انحراف او از شاه مردان، فإن الحب و البغض یتوارثان».(4)

### 13 ربیع الاول

#### به حکومت رسیدن سفاح، اولین خلیفه عباسی

در این روز سنه 132 هجری قمری عبدالله سفاح لباس خلافت پوشید و مردم با وی بیعت کردند(5) و آن روز جمعه بود، پس سوار شد و به جانب مسجد رفت و بر منبر صعود کرد و ایستاده خطبه جمعه خواند،(6) صدای مردم بلند شد که سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را احیاء کردی و از این سخن کنایتی به «بنی امیه» بود، چون آنان نشستند خطبه می خواندند.

در «أخبار الدّول» است که در بیعت گرفتن سفاح بسیاری از بنی امیه کشته شدند که به شمار نیاید، سفاح امر کرد قبرهای بنی امیه را شکافتند و مردگانشان را از گورها درآوردند و سوزانیدند(7) و چون سر مروان را برای سفاح بردند و در نزد او نهادند، سفاح سجده ای طولانی کرد و گفت: «خدا را شکر که در مقابل (شهادت) حسین علیه السلام و اهل بیت او دوست تن از بنی امیه را کشتم و در ازای زید بن علی، استخوان های هشام را سوزاندم»(8) و بدین صورت مردم را با خود برای قیام علیه بنی امیه و تثبیت حکومتش همراه کرد.

عباسیان با شعار دعوت به آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم و گرفتن انتقام خون سید الشهداء علیه السلام آغاز کردند، اما خود عامل شهادت دیگر ائمه علیهم السلام بودند، عدد خلفای بنی عباس سی و هفت نفر و

ص: 33

1- الأمالی للطوسی، ص 470.

2- روضات الجنات، ج 1، ص 180؛ وفيات الأعیان، ج 1، ص 64.

3- مرقاة المعارف ج 1 ص 123.

4- وقایع الأيام، ص 319.

5- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 349؛ المعارف، دینوری، ج 1، ص 372؛ تاریخ خلیفه بن خیاط، ج 1، ص 409.

6- تاریخ خلیفه بن خیاط، ج 1، ص 409؛ الکامل فی التاریخ، ج 5، ص 411.

7- اخبار الدول، ج 2، ص 73.

8- مروج الذهب، ج 3، ص 257.



مدت خلافتشان پانصد و بیست و چهار سال بوده و با قتل مستعصم منقرض شدند.

## 14 ربيع الاول

### به درک واصل شدن یزید بن معاویه

در این روز به سال 64 هجری قمری یزید بن معاویه به درک واصل شد. (1) بنا بر گزارش «أخبار الدّول» یزید با مرض ذات الجنب در حوران از دنیا رفت، جنازه اش را به دمشق آوردند و در باب صغیر، او را دفن کردند و قبرش اینک مزبله می باشد. (2)

و به گزارش «کامل الزیارات»، یزید شب با حالت مستی خوابید و صبح کرد درحالیکه بدنش چون قیر سیاه شده بود، همچنین احدی از آنان که در کشتن سیدالشهداء علیه السلام از او تبعیت کرده یا در محاربه و جنگ با آن سرور مقابل شدند، باقی نماندند مگر آنکه مبتلا به دیوانگی یا جزام یا برص گردیدند و این امراض در نسل ایشان باقی ماند، خداوند همه آنها را لعنت و از رحمت واسعه اش دور نماید. (3)

محدث قمی رحمه الله می نویسد: «کفر و زندقه و الحاد یزید و اشعار کفرآمیزش و لعنت کردن ابوالفرج بن جوزی از علمای ابناء عامه، او را در منبر بغداد مشهور است، جماعتی از ابناء عامه اعتقاد به کفر او کرده اند و احمد بن حنبل و جماعت بسیاری تجویز لعن او را نموده اند، بلکه ابن جوزی در این باب کتابی نوشته: «الرّد علی المتعصب العنید المانع عن اللعن الیزید». (4)

و بس است در کفر او، امر نمودنش به شهادت رساندن سید الشبّاب اهل الجتّه امام حسین علیه السلام و هتاکی کردن به ساحت مقدس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و به منجنیق بستن کعبه مکرمه و هتک حرم مدینه منوره و واقعه حرّه که بسیاری از صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم کشته شدند و خانه ای نبود که متعرض آن نشده باشند، مگر خانه امام زین العابدین علیه السلام که به صورت معجزه مصون ماند. (5)

### وفات آیه الله حاج آقا حسین قمی رحمه الله

آیه الله حاج آقا حسین قمی رحمه الله از علمای بزرگ مشهد مقدس بود و با 28 واسطه به امام حسن مجتبی علیه السلام می رسید. ایشان تحصیلات ابتدایی خود را در یکی از مکتبخانه های قم شروع کرد و پس از درس های مقدماتی، در 22 سالگی راهی سامراء شد و در جلسه درس میرزا محمد حسن شیرازی شرکت کرد و پس از دو سال اقامت به ایران بازگشت و پس از حدود 5 سال به نجف اشرف هجرت

ص: 34

1- مسار الشیعه، ص 50؛ تاریخ الطبری، ج 5، ص 499.

2- أخبار الدول، ج 2، ص 14.

3- کامل الزیارات، ص 61.

4- وقایع الأیام، ص 323.

5- الإرشاد، ج 2، ص 151 - 152.

نمود و از محضر میرزا حبیب الله رشتی، آخوند خراسانی، سید محمد کاظم یزدی و سید احمد کربلایی بهره‌هایی برد، سپس به مشهد مقدس رفته و زعامت حوزه علمیه مشهد را به عهده گرفت و در سال 1354 قمری توسط حکام وقت به جهت مخالفت با اقدامات ضد مذهبی رضاخان به عراق تبعید شد.

پس از رحلت سید ابوالحسن اصفهانی، زعامت و مرجعیت شیعه به وی رسید و پس از بیماری سختی روز پنجشنبه 14 ربیع الاول 1366 قمری در سن 84 سالگی به دیار باقی شتافت و جنازه وی به نجف اشرف منتقل شد و در حرم امیرالمؤمنین علیه السلام در مقبره شیخ الشریعة اصفهانی به خاک سپرده شد.

از مرحوم آیه الله حاج شیخ محمد کوهستانی نقل شده که می فرمود: در مشهد مقدس درس حاج آقا حسین قمی می رفتم، خیلی ساده و روان مطالب را بیان می فرمود، با خود گفتم: ایشان که درس خصوصی برای ما نمی گذارند، پس خوب است که دیگر درسش را ادامه ندهم! شب در عالم رؤیا دیدم، سید جلیل القدری به من فرمود: «دین جدّ ما را این چنین (روان و ساده) باید گفت»!!!<sup>(1)</sup>

### رحلت آیت الله شیخ محمد کوهستانی رحمه الله

در این روز آیت الله شیخ محمد کوهستانی که از فقها و علمای اهل معنا بوده وفات می یابد و جنازه شریفش را از کوهستان به مشهد مقدس حمل می کنند و در جوار مرقد امام رضا علیه السلام در دارالسیادة به خاک سپرده می شود.

آیت الله شیخ محمد کوهستانی چند شب قبل از وفاتشان، در عالم رؤیا می بینند که می خواهند وارد اتاقی شوند که تمام معصومین علیهم السلام دور اتاق نشسته اند و جایی برای دیگری که وارد شود و بنشینند نیست، ناگهان متوجه می شوند که حضرت علی بن موسی الرضا علیهما السلام کنار خودشان جایی باز می کنند و می فرمایند: «بیا کنار من بنشین». لذا پس از آنکه بیدار می شوند، می گویند: مرا به مشهد ببرید و در آنجا دفن کنید.

در جلالت قدر ایشان همین بس که فرزندشان شیخ اسماعیل کوهستانی می گوید: یکی از علمای مشهد به خدمت پدرم رسید و عرض کرد: حاج آقا من در عالم رؤیا دیدم که در اتاقی علمای بزرگ نشسته اند و حضرت بقیه الله روحی له الفداء در وسط اتاق هستند و علما را نصیحت می کنند، موعظه می کنند، و این جمله را می فرمایند: «سرباز ما باید مثل شیخ محمد کوهستانی باشد».<sup>(2)</sup>

ص: 35

1- برقله پارسایی، ص 20.

2- پرواز روح، ص 171.

## بنای مسجد قبا، اولین مسجد در اسلام

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در روز دوازدهم این ماه وارد قریه «قبا» شدند و در آنجا اقامت کردند تا پانزدهم این ماه که امیرالمؤمنین علیه السلام به حضرتش ملحق شد (1) و در چنین روزی اولین مسجد را در قریه قبا بنا نهادند. (2)

چنانکه نقل شده، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به اولی فرمودند سوار شتر بشو و آن را حرکت بده تا بر میزان حرکت شتر مسجدی تأسیس شود. وی سوار شد ولی شتر حرکت نکرد. سپس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به دومی فرمودند: بنشین، باز شتر حرکت نکرد. تا اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم امر نمودند به امیرالمؤمنین علیه السلام که بر شتر بنشیند، تا آن حضرت بر شتر نشستند شتر حرکت کرد و به چرخش درآمد. آنجایی که شتر به چرخش درآمد بود مکان مسجد تعیین شد و اولین مسجد پایه گذاری گردید. سپس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «شتر مأمور الهی بود». (3)

## مرگ ولید بن عبدالملک بن مروان، قاتل امام زین العابدین علیه السلام

طبق نقل کتاب «تاریخ خلیفه بن خیاط» ولید بن عبدالملک مروان در روز شنبه نیمه ربیع الاول سال 96 هجری قمری در شام و در سن چهل و چهار سالگی به درک واصل شد. (4)

در «أخبار الدّول» است که از عمر بن عبد العزیز نقل نموده که گفت: «چون ولید را در لحد نهادم دیدم که پاهایش را بر زمین می کوبد و دست هایش را دیدم که به گردش غل کرده بودند». (5)

بعضی به درک واصل شدن آن ملعون را 15 ربیع الثانی و 14 جمادی الثانی نیز نقل کرده اند. (6)

## مرگ موسی خلیفه عباسی، قاتل شهدای فحّ (فرزندان امام حسن مجتبی علیه السلام)

در نیمه ماه ربیع الاول به سال 170 هجری قمری، موسی الهادی فرزند مهدی عباسی در 25 سالگی در شهر بغداد به جهنم واصل شد و در همان شب هارون خلیفه شد و مأمون نیز به دنیا آمد. (7) وی به قساوت قلب، بیرحمی، خشونت طبع و شرارت نفس مشهور بوده (8) و خلافت او یک سال و سه ماه طول کشید. (9)

سید بن طاووس رحمه الله روایت می کند که: موسی الهادی لشکری فرستاد و جناب حسین بن علی بن

ص: 36

1- الطبقات الکبری، ج 3، ص 16؛ إمتاع الأسماع، ج 1، ص 68.

2- سیره ابن هشام، ج 2، ص 100.

3- وفاء الوفاء، ج 1، ص 195؛ تاریخ الخمیس، ج 1، ص 338.

4- تاریخ خلیفه بن خیاط، ج 1، ص 309.

5- اخبار الدول، ج 2، ص 33.

- 6- تاريخ مدينة دمشق، ج 63، ص 185.
- 7- تاريخ الطبرى، ج 8، ص 212؛ الكامل فى التاريخ، ج 6، ص 101.
- 8- مروج الذهب، ج 3، ص 325.
- 9- الكامل فى التاريخ، ج 6، ص 101.

الحسن المثنی فرزند امام حسن مجتبی علیه السلام را که به صاحب فحّ معروف است (در هشتم ذیحجه سال 169 هجری قمری) (1) با اصحابش کشته و شهید نمود. سپس سر مبارک جناب حسین را با اسیران به نزد او آوردند، هنگامی که نظرش بر آن سر مطهر افتاد اشعاری خواند، سپس اسیران را یکی پس از دیگری می آوردند و او بعد از سرزنش و توبیخ، دستور قتل آنها را صادر می کرد. خلاصه اینکه در یک روز جمع کثیری از اولاد امیرالمؤمنین علیه السلام را به قتل رسانید. بعد از آن شروع به بدگویی و ناسزا نسبت به اولاد ابوطالب نموده هر یک از ایشان را مذکور می ساخت و ناسزا می گفت تا آنکه نوبت سخن به حضرت امام موسی بن جعفر علیهما السلام رسید.

نسبت به آن حضرت نیز بدگفت و فریاد کشید که حسین صاحب فحّ خروج نکرد مگر به امر موسی بن جعفر علیهما السلام، چون اوست که در این روز وصیت و جانشینی پیغمبر را در این خانواده دعوی می کند؛ به خدا قسم او را به قتل می رسانم، خدا بکشد مرا اگر او را زنده بگذارم و خدا بکشد مرا اگر او را عفو کنم و اگر نبود که سفاح و پدرم مهدی فضائل بسیار در حق جعفر بن محمد علیهما السلام از کثرت علم و دین و فضلش برایم نقل کرده اند، هر آینه قبر او را می شکافتم و بدن او را به آتش می سوزانیدم.

علی بن یقظین نامه ای از بغداد برای حضرت کاظم علیه السلام فرستاد و صورت حال را شرح داد. چون نامه به حضرت رسید، اهل بیت و شیعیان خود را خبر کرد و فرمود: رأی شما در این باب چیست؟

عرض کردند: صلاح این است که شما خود را از این جبار ظالم پنهان دارید.

حضرت فرمود: اول نامه ای که از عراق بیاید متضمن خبر مرگ موسی الهادی است و چنان شد که آن حضرت خبر دادند. (2)

### فوت عبیدالله مهدی، اولین خلیفه فاطمیون در شمال آفریقا

در چنین روزی به سال 323 هجری قمری اولین خلیفه فاطمیون وفات یافت. (3) وی اولین خلیفه فاطمیون است که در زمان دولت بنی عباس در دیار مغرب و مصر خلیفه شد و مدت خلافت این فرقه دویست و هفتاد و چهار سال شد و عدد ایشان چهارده نفر است.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در اخبار غیبیه خود اشاره به ایشان نموده است، آنجا که فرمودند:

«ثم یظهر صاحب القیروان... (الی قوله) من سلالة ذی البداء المسجی بالرداء» (4)؛

یعنی: «سپس ظاهر می شود صاحب (حکومت) قیروان (تا اینکه فرمود) از سلاله و فرزندان آنکه بداء برایش می شود

ص: 37

1- تاریخ الطبری، ج 8، ص 195 - 196.

2- مهج الدعوات، ص 218.

3- وفيات الأعیان، ج 3، ص 119.

4- شرح نهج البلاغه ج 7 ص 48.

و به رداء پوشیده می گردد». (یعنی جناب اسماعیل فرزند امام جعفر صادق علیه السلام که به رداء خویش کفن شد).

«قیروان» همان جایی است که عیدالله مهدی در حدود آن قلعه ای بنا کرد و موسوم به «مهدیه» شد و مراد از «ذی البداء» (1) و «مسجی بالرداء» (2) همان اسماعیل فرزند امام جعفر صادق علیه السلام است.

خواجه نصیرالدین طوسی نسب عیدالله را اینگونه نگاشته:

«هو ابن محمد بن عبدالله بن احمد بن محمد بن اسماعیل بن الامام جعفر الصادق علیه السلام». (3)

## 16 ربیع الاول

### اولین نماز جمعه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم

شماری از مورخان نخستین اقامه کننده نماز جمعه را شخص پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم دانسته و گفته اند این نماز در نخستین جمعه پس از هجرت به مدینه در محل قبیله سالم بن عوف برپا شد. (4) بعدها در محل برپایی اولین نماز جمعه پیامبر، مسجدی ساخته شد که هم اکنون نیز موجود است.

بد نیست به این نکته متذکر شویم که نماز جمعه از مختصات حضور معصوم علیه السلام است، بدین جهت فتوای اکثر فقها بر این است که با اقامه نماز جمعه، نماز ظهر ساقط نمی شود.

## 17 ربیع الاول

### ولادت با سعادت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم

در این روز ولادت با سعادت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در سال «عام الفیل» و 53 سال قبل از هجرت بوده، (5) مادر گرامیشان جناب آمنه بنت وهب علیها السلام و پدر گرامیشان جناب عبدالله بن عبدالمطلب علیه السلام است. در چنین روزی هنگام فجر روز جمعه در مکه معظمه، حضرت سید المرسلین محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم به دنیا آمدند.

ولادت آن حضرت مصادف بود با سلطنت انوشیروان عادل (6) و در آن سال اصحاب فیل نیز که برای تخریب کعبه به مکه آمده بودند به هلاکت رسیدند و هر تختی که در هر جای عالم بود سرنگون شد و کنگره های ایوان کسری فرو ریخت و دریاچه ساوه که آن را می پرستیدند، خشکید و نمکزار شد، آتشکده فارس که هزار سال خاموش نشده بود، خاموش شد و طاق کسری از میان دو نیم شد (7) که تا

ص: 38

1- رجوع شود به: التوحید للصدوق، ص 336.

2- رجوع شود به: من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 161.

3- وقایع الأيام، ص 326.

4- تاریخ الطبری، ج 2، ص 394؛ دلائل النبوة، ج 2، ص 504.

5- مسار الشيعة، ص 50 ؛ تهذيب الأحكام، ج 6، ص 3.

6- تاريخ الطبري، ج 1، ص 452.

7- الأموال للصدوق، ص 286.

امروز این شکاف و معجزه الهی باقی می باشد و حقیر مؤلف این کتاب آن را از نزدیک دیده ام.

و همچنین ندایی در آن شب از آسمان شنیده شد که فرمود:

«جاء الحقّ و زهق الباطل إنّ الباطل كان زهوقاً» (1).

عمر و بن قَمِئَة لیشی می گوید: از پدرم که از صاحبان علم بود، شنیدم که می گفت: هنگامیکه زمان وضع حمل آمنه دختر وهب، مادر گرامی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرارسید، درهای آسمان گشوده شد و فرشتگان فرود آمدند و فرشته ای در زمین نماند جز آنکه در موقع ولادت آن حضرت حاضر گشت، آنان گرداگرد وجود نازنین او را فرا گرفتند، موقعی که آمنه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را زایمان نمود، دنیا را نوری فرا گرفت، فرشتگان در آسمان یکدیگر را به آن بشارت می گفتند، و همه بت ها بر رو و ازگون شدند، و او می گفت: وای بر قریش! امین، راستگو و هدایتگر بر آنها آمد، و کسی از منظور او چیزی نفهمید.

از طرفی، از خانه خدا صدایی شنیده شد که می گفت: هم اینک نورم بر من بازگشت، هم اینک زوّار من می آیند، و هم اینک از پلیدی ها پاک گردیدند؛ آنگاه مردم شاهد سه شبانه روز زلزله بودند، و این اولین نشانه ای بود که قریش در هنگام ولادت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم مشاهده می نمودند. (2).

ابن عباس می گوید: از پدرم در مورد ولادت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که می گفت: هنگامی که عبدالله متولد شد، در چهره او نوری دیدیم که مانند نور آفتاب می درخشید، پدرم عبدالمطلب گفت: این نوزاد دارای شأن و مقام بزرگی است، در خواب دیدم گویا از بینی او پرنده ای سفید به پرواز درآمد و به سمت مشرق و مغرب پرواز کرد، آنگاه بازگشت و در بام کعبه قرار گرفت، همه قریش به جهت کرنش او به سجده افتادند، در این میان که مردم در عظمت و بزرگی او فکر می کردند ناگاه آن پرنده تبدیل به نوری گشته و میان آسمان و زمین قرار گرفت، آنگاه نورش میان مشرق و مغرب را فرا گرفت. نخستین کسی که وارد این نور گردید نوجوانی از فرزندان ابوطالب علیه السلام به نام علی علیه السلام بود، او را دیدم که با آن نور اوج می گیرد و نورش افزایش پیدا می کند، و مردم را دیدم که به دنبال این نور هستند.

از خواب بیدار شدم، از کاهنی از طایفه بنی مخزوم تعبیر این خواب را پرسیدم، گفت: ای عباس! اگر راست گفته باشی، هر آینه از او (عبدالله) فرزندی به عمل خواهد آمد که مردم مشرق و غرب زمین پیرو او خواهند شد و پسر عمویش در این پیروی سبقت را از همگان خواهد ربود. (3).

در حدیثی مشهور که از وجود نازنین پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده، حضرتش فرمودند:

ص: 39

1- سوره اسراء آیه 81، مناقب آل ابیطالب، ج 1، ص 31.

2- مناقب ابي الأئمة الأطهار، ص 216.

3- مناقب ابي الأئمة الأطهار، ص 217؛ کمال الدین ج 1 ص 175.



«اول ما خلق الله نوري، ثم فتق منه نور على عليه السلام، فلم نزل نتردد في النور حتى وصلنا حجاب العظمة في ثمانين ألف سنة، ثم خلق الخلاق من نورنا، فنحن صنائع الله و الخلق من بعد صنائع لنا».(1)

یعنی: «نخستین آفریده ای که خدای متعال آفرید نور من بود، سپس از نور من، نور علی علیه السلام را جدا ساخت، ما همواره در میان انوار در رفت و آمد بودیم تا اینکه پس از هشتاد هزار سال به حجاب عظمت الهی رسیدیم، آنگاه خدای متعال موجودات دیگر را از نور ما آفرید، بنابراین ما آفریده و پرداخته خدا هستیم و موجودات پس از ما، ساخته و پرداخته ما هستند».

از این روایت دو مفهوم به دست می آید: اول اینکه نور پیامبر و امیرالمؤمنین صلی الله علیهما و آلهما واسطه خلقت می باشد و مفهوم دوم اینکه مخلوقات همه به جهت آنان خلق شده اند، چنانچه نویسنده کتاب «القطرة» می گوید:

اینکه می فرماید: «مخلوقات پس از ما، ساخته و پرداخته ما هستند» منظور این است که علت غایی و نهایی آفرینش موجودات، آنها (اهل بیت علیهم السلام) هستند. گواه بر این امر، روایت زیبایی است که خداوند متعال خطاب به پیامبر گرامی خویش صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: «لولاک لما خلقت الأفلاک...» یعنی: «اگر تو نبودی افلاک را نمی آفریدم».(2)

- از اعمال مهم این روز زیارت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است.(3)

### ولادت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

در چنین روزی که مزید شرف آن گردیده ولادت با سعادت امام جعفر صادق علیه السلام در سال 83 هجری واقع شده است.(4)

مادر گرامیشان جناب «أمّ قروه» دختر قاسم بن محمد بن ابی سمره یا قاسم بن محمد بن ابی بکر است. جناب قاسم از فقهای مدینه و از شاگردان امام زین العابدین علیه السلام بوده و بعضی گفته اند نوه یزدجرد پادشاه فارس بوده و با حضرت امام زین العابدین علیه السلام پسرخاله بوده است.(5)

بکیر بن اعین گوید: امام صادق علیه السلام بازوی مبارک خویش را گرفت و فرمود:

«یا بکیر! هذا و الله جلد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و هذه و الله عروق رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و هذا و الله لحمه و هذا عظمه و اِنی لأعلم ما فی السماوات و أعلم ما فی الأرض و أعلم ما فی الدنيا و أعلم ما فی الآخرة».

ص: 40

1- مشارق أنوار الیقین، ص 60.

2- القطرة، ج 2، ص 58.

3- اقبال الأعمال، ج 3، ص 130.

4- روضة الواعظین، ص 212؛ إعلام الوری، ج 1، ص 512؛ الدروس، ج 2، ص 12.

5- وفيات الأعیان، ج 4، ص 59.

یعنی: «ای بکیر! سوگند به خدا! این پوست رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است و این رگ های آن حضرت است، و به خدا قسم! این گوشت و این استخوان اوست، به راستی که من به آنچه در آسمانها و زمین است و آنچه در دنیا و آخرت است، آگاه هستم».

در این هنگام حضرت متوجه شد که چهره گروهی از شنیدن این سخنان دگرگون شد، بنابراین فرمود: ای بکیر! من این دانش را از کتاب خدای متعال می دانم، آنجا که می فرماید: «و نزلنا عليك الكتاب تبيانا لكل شيء» (1) یعنی: «و ما این کتاب را بر تو فرود آوردیم که بیانگر همه چیز می باشد» (2).

ابوحنیفه امام حنفی ها در شأن و عظمت آن حضرت می گوید: «لولا سستان لهلك نعمان» (3) یعنی: «اگر نبود آن دو سال تلمذ و شاگردیم نزد امام صادق علیه السلام، قطعاً هلاک شده بودم».

و مالک بن انس، امام مالکی ها، می گوید: «ما رأيت عين ولا سمعت أذن سمعت ولا خطر على قلب بشر أفضل من جعفر الصادق عليه السلام فضلاً و علماً و عبادةً و ورعاً» (4) یعنی: «هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده و برهیچ دلی خطور نکرده، (شخصیتی) برتر از امام جعفر صادق علیه السلام در فضیلت و علم و عبادت و پرهیزکاری».

و نیز می گوید: «من نزد امام جعفر صادق علیه السلام بسیار می رفتم، او مردی پرتبسم بود، هنگامی که در محضرش نام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برده می شد، رنگش دگرگون می شد، هرگز او را از سه حالت خارج ندیدم: یا نماز می خواند، یا روزه بود، یا به قرائت قرآن مشغول بود، هرگز بدون وضو از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم حدیث نقل نمی کرد و سخن بیهوده بر زبان جاری نمی کرد، از بزرگانی بود که خوف خداوند سرتاسر وجودش را فرا گرفته بود» (5).

چنانکه قبلاً ذکر کردیم مادر گرامی امام جعفر صادق علیه السلام نامش «فاطمه» و کنیه اش «أُمّ فَرَوَه» است که بنا بر گزارشی دختر جناب قاسم پسر محمد پسر ابی سمرة است، این نسب را کتاب «ناسخ التواریخ» و کتاب «أخبار الدول و آثار الأول» ذکر کرده اند (6).

بعضی دیگر از مورخین فریقین نوشته اند «أُمّ فَرَوَه» نبیره ابوبکر بوده است و این نقل در حقیقت از ابناء عامه می باشد (7) و سپس بعضی افزوده اند که امام صادق علیه السلام فرمود: «ولدنی ابوبکر مرتین» یعنی: «ابوبکر مرا دو مرتبه به دنیا آورده است» و سپس فرموده: «من امید شفاعت از ابوبکر دارم همانگونه که از

ص: 41

1- سوره نحل، آیه 89.

2- مناقب آل ائمه الطالبيين، ج 4، ص 250.

3- تحفة الإثنی عشریة، آلوسی، ص 143.

4- مناقب آل ائمه الطالبيين، ج 4، ص 248.

5- الشفا بتعريف حقوق المصطفى، قاضی عیاض، ج 2، ص 42؛ سبل الهدی و الرشاد، صالحی شامی، ج 11، ص 440.

6- ناسخ التواریخ، زندگانی امام جعفر صادق علیه السلام، ج 1، ص 10؛ اخبار الدول و آثار الأول، ج 1، ص 334.

7- الطبقات الكبرى، ج 5، ص 567؛ تاریخ دمشق، ج 54، ص 285؛ سیر أعلام النبلاء، ج 6، ص 255.

بعضی از ابناء عامه به استناد همین روایت قائل به فضل ابوبکر شده اند و حال آنکه در کتب رجالی اهل سنت سلسله سند این روایت تضعیف و رد گردیده شده است، لذا این روایت از نظر سند در نزد علمای اهل سنت نیز مخدوش و مطرود است و شایان ذکر است که این روایت از طریق شیعیان نمی باشد و اگر در بعضی از کتب شیعیان ذکر شده آنان نیز از راویان عامه گرفته اند؛ چنانچه تحقیق و بررسی نمودیم از شیعیان تنها مرحوم اربلی در «کشف الغمّة» این روایت را از شخصی به نام «الجنابذی» نقل کرده است (2) که در تضعیف و ردّ روایت الجنابذی باید بگوییم اولاً الجنابذی از ابناء عامه است و بعض روایاتش مرسل بوده بالاخص این روایت که کشف الغمّة آن را نقل کرده، مقطوع السند است و در علم الحدیث اینگونه روایات ارزشی ندارد، پس روایت «ولدنّی أبوبکر مرتین» در نزد علمای شیعه بیارزش است، ثانیاً با نقلی که گزارش می کند «أمّ فرّوه» دختر قاسم پسر محمد پسر ابی سمره است تعارض دارد و نتیجتاً این روایت از اعتبار ساقط می گردد و چه بسا به همین جهت بوده که جناب شهید در ذکر نسب امام صادق علیه السلام فرموده: «ام فرّوه بنت قاسم بن محمد» (3) و به همین قدر اکتفا نموده و ذکر از پدر محمد نموده است.

ثالثاً در دنباله این حدیث جعلی آمده است که امام صادق علیه السلام فرموده: مرا ابوبکر دو مرتبه به دنیا آورده است (و همچنین ابناء عامه نقل نموده اند) امید به شفاعت ابوبکر دارم. معنا و مضمون این حدیث گواه بر جعلی بودن آن است. چون بر فرض، امام صادق علیه السلام دو پشتشان به ابوبکر برسد این چه امتیازی است؟! و همچنین نسب امام صادق علیه السلام از طریق امام حسن و امام حسینعلیهما السلام به امیرالمؤمنین علیه السلام و فاطمه زهرا علیهما السلام می رسد، پس چرا اینجا نفرمودند چند مرتبه امیرالمؤمنین علیه السلام مرا به دنیا آورده است؟! و دیگر اینکه امام صادق علیه السلام معصوم است و احتیاجی به شفاعت غیر معصوم ندارد!!! آن هم ابوبکر که سابقه اش از نظر نسب و از نظر شرک معلوم الحال است!!!

بعضی دیگر اینگونه استدلال کرده اند که امام صادق علیه السلام در روایت صحیحی ای فرموده اند: «ما پیوسته از صلب پاک به رحم پاک و مطهر منتقل می شدیم»؛ (4) و همچنین در زیارت امام حسین علیه السلام آمده است: «كنت نوراً فی الأضلاب الشّامخة و الأرحام المطهّرة»، (5) پس ابوبکر نسبش پاک بوده!!!

ص: 42

- 1- سیر أعلام النبلاء، ج 6، ص 255 و 259؛ تهذیب الکمال، ج 5، ص 81؛ تاریخ مدینه دمشق، ج 44، ص 453.
- 2- کشف الغمّة، ج 2، ص 161.
- 3- الدروس، ص 154.
- 4- «فلما خلق الله آدم فرغنا فی صلبه فلم یزل ینقلنا من صلب طاهر إلی رحم مطهر»؛ تفسیر فرات، ص 552.
- 5- تهذیب الأحکام، ج 6، ص 114.

در جواب می گوئیم بر فرض که نسب امام صادق علیه السلام به ابوبکر برسد این روایت «أرحام المطهّرة» هیچگونه تطهیری برای ابوبکر نمی آورد چون روایت «أرحام المطهّرة» ناظر بر خود (رَحِم) مادر است نه نَسَبِ مادر، برخلاف جمله «أصلاب الشّامخة» که ناظر بر نسب است، به عبارت دیگر جمله «أصلاب الشّامخة» می فرماید نور امام علیه السلام از صلب های پاک پدری به صلب پاک پدر دیگری منتقل شده اند، سپس در رحم هایی که «خود» پاک و ظرف بوده، قرار گرفته تا اینکه به دنیا آمدند، لذا مادران ائمه معصومین علیهم السلام خودشان موضوعیت داشته اند نه پدرانشان، چنانکه بعضی از مادران ائمه معصومین علیهم السلام در دامان پدر و مادر غیرمسلمان پرورش یافته بودند ولی خودشان تا به دامان اسلام می رسند، به جهت استعدادی که داشتند چنان متحول و منقلب می گردیدند که از بهترین و باکمالترین زنان زمان خودشان می شدند و به طهارتی می رسیدند که لیاقت ظرف بودن و مادر بودن برای معصوم علیه السلام پیدا می کردند.

لذا این روایت «أرحام المطهّرة» هیچ ناظر بر پاکی «آباء و اجداد» مادری ائمه ندارد، پس بر فرض که «ام فروه» از نوادگان ابوبکر باشد! خودش موضوعیت داشته که ایمان راسخ و کامل به ولایت آورده که در اثر آن لیاقت مادری امام صادق علیه السلام را پیدا کرده است، نه به جهت اینکه از نوادگان ابوبکر بوده و سپس لیاقت مادری امام صادق علیه السلام را پیدا کرده باشد!!! (خواهشاً خوب دقت کنید).

## 18 ربیع الاول

### به درک واصل شدن معتصم عباسی، قاتل امام جواد علیه السلام

معتصم برادر مأمون یکی از خلفای جنایتکار بنی عباس بوده که بسیار دست به ظلم و قتل زده است، از جمله در سنه 220 در آخر ماه ذی القعدة الحرام با همکاری امّ الفضل دختر مأمون عباسی امام محمد تقی علیه السلام را مسموم و به شهادت رساند (1) که پشت سر جدّ امجدش حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام به خاک سپرده شد.

معتصم عباسی در سنه 218 هجری به خلافت رسید، وی ساختن و عمارت را بسیار دوست می داشت، لذا شهر «سامرا» را بنا نهاد و آنجا را پایتخت خود قرار داد؛ نقل کرده اند معتصم به جهت تغییر مکان پایتخت از بغداد خارج شد تا اینکه به سرزمین «سامرا» رسید و در آنجه سه روز اقامت گزید و مشغول صید شد، وی در این ایام اشتهای خود را به طعام زیادتد دید؛ به وی گفتند: این از تأثیر آب و هوای این مکان است و این زمین ملک نصاری و دیر عادی بوده است.

ص: 43

معتصم از اهل دیر پرسید که این سرزمین چه نام دارد؟ گفتند: «سامرا». سپس پرسید: سامرا! یعنی چه؟ گفتند: ما در کتاب های خود خوانده ایم که این بلد سام بن نوح است. (و در معنای «سامرا» نیز گفته اند: هر کس به آنجا رود با دیدن آن سرزمین مسرور شود «سُرَّ مَنْ رَأَاهُ»)) سپس معتصم آن سرزمین را از ایشان به چهار هزار دینار خرید و در موضعی از آن برای خود قصری بنا کرد که آن مکان معروف به «وزیریه» گشت و از بغداد به سامرا منتقل شد و آنجا را پایتخت خود قرار داد. (1)

معتصم مردی ظلوم و بطّاش بود و از علم و ادب بهره ای نداشت (2) تا اینکه در سنه 227 روز اول محرم حجامت کرد، پس از آن تب شدیدی کرد و به سبب همان تب که شدت پیدا کرده بود در 18 ربیع الاول به درک واصل شد. (3)

### تأسیس مسجد النبی صلی الله علیه و آله و سلم و روز ساخت و احیای مساجد

بنا بر گزارش «سیره ابن هشام»، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روز دوازدهم ربیع الاول وارد قبا شدند و دوشنبه، سه شنبه، چهارشنبه و پنج شنبه توقف نمودند تا امیرالمؤمنین علیه السلام (با فاطمیات) به حضرتش ملحق شدند و مسجد قبا را تأسیس نمودند، سپس به سوی قبیله بنی سالم حرکت کردند و روز جمعه اولین نماز جمعه را با بنی سالم اقامه نمودند و پس از آن راهی یثرب می شوند (4) که تخمیناً می توان گفت حدوداً پس از دو روز یعنی چنین روزی مسجد پربرکت و پرفیض مدینه را تأسیس نمودند.

بنابراین در چنین روزی هنگامیکه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم وارد مدینه شدند در همان مکانی که شتر آن حضرت زانو زد، فرمان ساختن مسجدی را که بعدها به مسجد النبی موسوم شد، صادر فرمودند، (5) و مسلمانان و اصحاب آن حضرت گرداگرد این مسجد خانه هایی برای خود ساختند که درب آنها داخل مسجد باز می شد، پس از مدتی به امر پروردگار، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم تمام درها را بستند حتی درب خانه عباس عموی خود را، مگر درب خانه امیرالمؤمنین و فاطمه زهرا علیهما السلام را که به امر خداوند باز گذاشتند، که خود یکی از فضائل بلند آن دو بزرگوار است. (6)

### 20 ربیع الاول

### صدور فتوای تاریخی میرزا محمد تقی شیرازی در راستای مبارزه با اشغالگری انگلستان و آزادسازی عراق

در این روز فتوای جهاد و تاریخی میرزا محمد تقی شیرازی با اشغالگران انگلیس صادر شد که منجر

ص: 44

1- مروج الذهب، ج 3، ص 466.

2- تاریخ الخلفاء، ص 243.

3- تاریخ الطبری، ج 7، ص 314؛ الکامل فی التاریخ، ج 6، ص 75.

4- السیره النبویه، ابن هشام، ج 2، ص 493 - 494.

5- أخبار المدینه، ابن زبالة، ص 72؛ السیره النبویه، ج 2، ص 495.

6- مناقب آل أبیطالب، ج 2، ص 190؛ الطرائف، ج 2، ص 413.

به «انقلاب بیست» گردید و رهبری آن را میرزای شیرازی به عهده داشت.

میرزا محمد تقی شیرازی از فقها و مراجع بنام حوزه علمیه نجف اشرف به سال 1256 قمری در شیراز به دنیا آمد. وی علیه اشغال عراق توسط نیروهای انگلیسی قیام نمود و در این روز فتوای تاریخی خود را صادر کرد و در تاریخ 13 ذی الحجة 1338 قمری در کربلا درگذشت و در یکی از حجره های حرم امام حسین علیه السلام به خاک سپرده شد.

## 22 ربیع الاول

### غصب فدک از فاطمه زهرا علیها السلام

ابن ابی الحدید تاریخ غصب فدک را ده روز پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ذکر کرده است، (1) لذا با توجه به اینکه اکثر منابع ابناء عامه تاریخ رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را در روز دوازدهم ربیع الاول ذکر کرده اند، (2) تاریخ غصب فدک در چنین روزی (22 ربیع الاول) می باشد.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فدک را به فاطمه زهرا علیها السلام در چهاردهم ذی الحجة بخشیدند، (3) ولی عمر و ابوبکر آن را از حضرت فاطمه زهرا علیها السلام غصب نمودند و طبق سندهای متعدد، فاطمه زهرا علیها السلام برای مالکیت خود بر فدک، پس از سند مکتوب امیرالمؤمنین علیه السلام، (4) شاهدانی را آوردند که فدک بخشش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به حضرتش می باشد؛ به نقل برخی منابع امیرالمؤمنین علیه السلام و امایمن شهادت دادند (5) و بنا بر برخی دیگر، ام ایمن و رباح (یکی از موالی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم) (6) و بنا بر برخی دیگر امیرالمؤمنین علیه السلام و امایمن و حسنین علیهما السلام (7) و بنا بر برخی دیگر امیرالمؤمنین علیه السلام، ام ایمن و أسماء بنت عمیس گواه شدند. (8)

عمر و ابوبکر شهادت شاهدان را نپذیرفتند و با کمال وقاحت فدک را پس از چهار سال که در دست حضرت زهرا علیها السلام بود، غصب نمودند و از درآمد آن - که سالیانه بیست و چهار هزار سکه طلا تا هفتاد هزار هم نقل کرده اند (9) - برای پیشبرد اهداف شوم خود صرف کردند، و حال آنکه حضرت فاطمه علیها السلام این درآمد را خرج نیازمندان و اسلام می کردند.

ص: 45

1- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج 16، ص 263.

2- الطبقات الکبری، ج 2، ص 273؛ المعارف، ص 72؛ تاریخ الطبری، ج 3، ص 200؛ الوفاء بأحوال المصطفی صلی الله علیه و آله، ص 804، الکامل فی التاریخ، ج 2، ص 333؛ المختصر فی أخبار البشر، ج 1، ص 152.

3- به روز چهاردهم ذی الحجة رجوع شود.

4- إعلام الوری، ص 100.

5- الکافی، ج 1، ص 543.

6- فتوح البلدان، ج 1، ص 35؛ شواهد التنزیل، ج 1، ص 442.

7- تقریب المعارف، ص 338؛ مرآت العقول، ج 5، ص 331.

8- الطرائف، ج 1، ص 248؛ نهج الحق و کشف الصدق، ص 357.



بعد از غضب فدک، حضرت فاطمه علیها السلام همراه جمعی از زنان بنی هاشم به مسجد تشریف بردند و خطبه ای ایراد فرمودند که بعدها به «خطبه فدکیه» معروف شد که در آن خطبه دریایی از معارف و حقایق خلقت نهفته شده و از حیث فصاحت و بلاغت بینظیر است و در آن حقّ خود را نسبت به فدک اثبات فرموده اند. (1)

پس از غضب فدک وقایعی رخ داد که موارد زیر از جمله آنهاست:

1. پاره کردن سند فدک توسط عمر بن الخطاب؛
2. ایراد خطبه عبادی سیاسی فدکیه توسط حضرت فاطمه زهرا علیها السلام؛
3. نارضایتی و خشم فاطمه زهرا علیها السلام تا پایان عمر از آن دو نفر و گروهی از مردم؛
4. هجوم به بیت فاطمه زهرا علیها السلام؛
5. شهادت حضرت محسن علیه السلام فرزند امیرالمؤمنین علیه السلام؛
6. شهادت فاطمه زهرا علیها السلام؛
7. خانه نشینی امیرالمؤمنین علیه السلام.

## غزوه بنی النضیر

در چنین روزی در سال چهارم هجری قمری غزوه بنی النضیر واقع شد و یهودیان از مدینه بیرون رانده شدند. (2)

پس از واقعه اُحُد و شکست اسلام در برابر بت پرستان و مشرکان قریش، فرصتی برای یهودیان مقیم مدینه به دست آمد تا علیه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و مسلمانان مدینه توطئه نمایند، از جمله اینکه آنان می خواستند با ترفندهایی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم را به داخل قلعه های بنی نضیر بکشند و به آن حضرت آسیب برسانند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از طریق وحی از نیرنگ آنان آگاه شد و لذا مسلمانان جهت تأدیب آنان و خفه کردن نطفه نفاق به قلعه آنان هجوم آوردند و پس از 6 روز محاصره، یهودیان بنی نضیر تسلیم شدند و با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مصالحه نموده و جلای وطن کردند. (3)

ص: 46

1- بلاغات النساء، ص 21؛ مختصر بصائر الدرجات، ص 456؛ دلائل الإمامة، ص 109.

2- توضیح المقاصد، ص 9.

3- المغازی للواقدی، ج 1، ص 372؛ السیرة النبویة، ابن هشام، ج 2، ص 190.



## تشریف فرمایی حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به قم

حضرت فاطمه معصومه علیها السلام دختر حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام و با امام رضا علیه السلام از یک مادر به نام «أمة مارسیه» (یعنی بانویی که از مارسه فرانسه بوده) می باشند.

حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به جهت دیدار برادر خود، امام رضا علیه السلام، در سال 201 هجری قمری راهی خراسان شده و در شهر ساوه بنا بر نقلی مسموم و بیمار شدند، (1) سپس حضرتش امر نمود که کاروانش را به شهر قم حرکت دهند و در چنین روزی به شهر قم رسیدند و در منزل موسی بن خزرج پسر سعد اشعری اقامت گزیدند و پس از 17 روز از دنیا رحلت نمودند (2) و آن خانه به «بیت التور» معروف گردیده که عبادتگاه آن بانو بوده است.

هم اکنون این خانه (بیت التور) زیارتگاه دوستداران اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام می باشد و در میدان میر، خیابان عمار یاسر قم واقع شده است.

## وفات آیه الله میرزا جواد نهرانی رحمه الله

ایشان از شاگردان مبرز میرزا مهدی اصفهانی صاحب مکتب تفکیک در سال 1410 هجری قمری در سن 85 سالگی در مشهد مقدس وفات یافت و به وصیت خود در بهشت رضا به خاک سپرده شد. وی صاحب تألیفات گرانسنگی است از جمله: «عارف و صوفی چه می گویند؟»، «میزان المطالب» و ... وی ارادت خاصی به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام داشت و در روز عاشورا به سقایی عزاداران می پرداخت و بسیار زاهدانه می زیست (حقیر محضر مبارکش را درک کرده ام).

## 25 ربیع الاول

## غزوه دومة الجندل

در منطقه دومة الجندل گروهی از اشرار و دزدان همدست شده و به کاروانها حمله می کردند، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در چنین روزی با هزار رزمجو بیرون شدند تا به منطقه دومة الجندل رسیدند، راهزنان چون متوجه آمدن آن حضرت شدند فرار کردند و مسلمانان اموال آنها را برداشته و به مدینه برگشتند. (3)

دومة الجندل همان مکانیست که در جریان حکمیت، عمرو عاص، ابوموسی اشعری را فریب داد و علیه امیرالمؤمنین علیه السلام حکم دادند. عبدالرحمن بن ابی لیلی می گوید: من با ابوموسی اشعری

ص: 47

1- منتهی الآمال، ج 2، ص 273.

2- تاریخ قم، ص 213.

3- المغازی، واقدی، ج 1، ص 402.

از دومة الجندل عبور می کردم، ابوموسی به من گفت: زمانی که با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به دومة الجندل رسیدیم آن حضرت به من فرمودند: در این مکان دو نفر از بنی اسرائیل حکم به جور (و ظلم) کردند و به زودی در میان امت من دو تن در این مکان به جور (و ظلم) حکم می نمایند.

راوی می گوید: ابوموسی و عمروعاص برای حکمیت در جنگ صفین به دومة الجندل رفتند و میان علی بن ابیطالب علیه السلام و معاویه بن ابی سفیان حکم کردند، بعد از ماجرا ابوموسی را ملاقات کردم و به او گفتم: مگر تو نبودی که از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چنین حدیثی را نقل کردی؟! گفت: والله المستعان. (1)

### وفات سید مرتضی علم الهدی رحمه الله

در چنین روزی به سال 436 هجری قمری سید مرتضی که نام اصلیش علی و ملقب به «علم الهدی» و از شاگردان مبرز شیخ مفید رحمه الله بوده، وفات کرد. (2) قبر مطهر وی و برادرش سید رضی، خارج از صحن شریف کاظمین علیهما السلام معروف و مشهور می باشد و مؤمنین به زیارتشان مشرف می شوند.

### 26 ربیع الاول

#### صلح امام حسن مجتبی علیه السلام با معاویه

در روز 26 ربیع الاول سال 41 قمری صلح امام حسن مجتبی علیه السلام با معاویه واقع شد. (3)

#### علت صلح و مواد صلحنامه

امام حسن مجتبی علیه السلام به جهت بیوفایی اهل کوفه و نامهنگاری آنان با معاویه مبنی بر یاری کردن وی و همچنین گریختن بسیاری از فرماندهان از جمله عبید الله بن عباس، آن حضرت حاضر به صلح شدند تا بدین وسیله شیعیان راستین و سادات از بنی هاشم جان سالم به در برند و از ریخته شدن خون و غارت اموال و تعرض به ناموسشان در امان باشند و حقیقت اسلام حفظ گردد و به آیندگان برسد.

طبق گزارش های پراکنده که نقل شده است مواد صلحنامه در یک دسته بندی از این قرار بوده:

1. معاویه به کتاب خدا و سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم عمل کند.
2. بعد از معاویه، خلافت از آن حسن بن علی علیهما السلام خواهد بود و اگر برای او حادثه ای پیش آمد، حسین بن علی علیهما السلام زمام امور مسلمانان را در دست می گیرد.
3. متعرض جان امام حسن مجتبی علیه السلام و امام حسین علیه السلام نگردد.

ص: 48

- 2- تقريب المعارف، ص 29 ؛ وفيات الأعيان، ج 3، ص 316.
- 3- تاريخ الطبرى، ج 4، ص 124 ؛ الكامل فى التاريخ، ج 3، ص 405.

4. سادات و بنی هاشم در امان باشند.

5. بعد از خود جانشینی نصب نکند و خود را امیرالمؤمنین نخواند.

6. معاویه تعهد می کند که تمام مردم، اعم از سکنه شام و عراق و حجاز، از هر نژادی که باشند، از تعقیب و آزار وی در امان باشند و از گذشته آنها صرف نظر کند، احدی از آنها را به سبب فعالیت های گذشته شان بر ضد حکومت معاویه، تحت تعقیب قرار ندهد و مخصوصاً اهل عراق را به خاطر کینه های گذشته آزار ندهد.

7. اصحاب و یاران راستین امام حسن مجتبی علیه السلام در امن و امان باشند و به جانشان و مالشان و زنانشان و اولادشان آسیبی نرساند.

8. معاویه هیچ مکر و حيله ای علیه امام مجتبی علیه السلام به کار نبرد.

9. بدعت ناسزاگویی و اهانت نسبت به امیر مؤمنان علیه السلام و لعن آن حضرت در حال نماز باید متوقف گردد و از ایشان جز به نیکی یاد نشود.

10. مبلغ یک میلیون درهم در میان بازماندگان شهدای جنگ جمل و صفین که در رکاب امیر مؤمنان علیه السلام کشته شدند، تقسیم کند. (1)

حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام فرمودند: به خدا سوگند آنچه کردم (از صلح با معاویه) بهتر است برای شیعیانم، از آنچه آفتاب بر آن طلوع کرده یا غروب می کند، آیا نمی دانید که من امام شما و واجب الاطاعة شمایم؟! (2)

با وجود سفارش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که فرمودند: «الحسن و الحسین امامان این قاعه» (3) برخی به «صلح» آن حضرت اعتراض می کردند که آن حضرت در پاسخ دلایل متعددی را بیان می فرمودند که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

1. برای حفظ خون مسلمانان صلح کردم و اگر چنین نمی کردم یک نفر از شیعیان ما روی زمین باقی نمی ماند. (4)

2. صلح من همانند صلح پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با کفار بنی ضمیره و بنی اشجع و مشرکان مکه در صلح حدیبیه بود و حال آنکه آنان به تنزیل و ظاهر قرآن کافر بودند و من با معاویه و یارانش صلح کردم

ص: 49

1- رجوع شود به: صلح الحسن علیه السلام، شیخ راضی آل یاسین، ص 259-261.

2- الإحتجاج للطبرسی، ج 2، ص 289.

3- فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام، ابن عقده کوفی، ص 168؛ کفایة الأثر، ص 38.

4- علل الشرایع، ج 1، ص 211.

در حالی که آنان به تأویل و باطن قرآن کافر هستند. (1)

3. به خداوند سوگند صلح من برای شیعیانم بهتر است از آنچه خورشید بر آن می تابد و غروب می کند. (2)

4. اراده خداوند هر روز به شکل خاصی ظهور می یابد (اکنون شکل مبارزه باید اینگونه باشد). (3)

5. یار و یآوری نداشتیم و آنان که به ظاهر با من بودند، مرا تنها گذاشتند. (4)

6. از عقل و خرد دور است که جنگی را بر شما تحمیل کنم که آماده آن نیستید. (5)

7. صلح من همچون داستان حضرت خضر علیه السلام و حضرت موسی علیه السلام است که خضر نبی کشتی را سوراخ کرد تا به دست صاحبانش برساند و گرنه طاغوتیان آن را تصرف می کردند، از آنجا که حضرت موسی علیه السلام از راز و حکمت این موضوع بیخبر بود از عمل حضرت خضر علیه السلام خشمگین شد ولی آن هنگام که به راز آن پی برد آن را پسندید، پس شما نیز به دلیل آگاه نبودن از راز صلح بر من خشمگین شده اید، اگر راز آن را می دانستید آن را می پسندیدید. (6)

جابر بن عبد الله انصاری گوید: سوگند به حق خدا و رسول او! من از امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام فضیلتی بیشتر و شگفت انگیزتر دیدم، شگفتی که از امام حسن علیه السلام دیدم چنین است:

پس از آنکه یاران امام حسن علیه السلام پیمان شکنی کرده و آن حضرت را مجبور به مصالحه با معاویه نمودند، حضرتش به ناچار با او صلح نمود و این رفتار بر یاران ویژه آن حضرت گران آمد، من نیز یکی از آنها بودم و زبان به اعتراض گشودم! امام حسن علیه السلام فرمودند:

جابر! اعتراض نکن! رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را در گفتارش تصدیق کن که فرمود: «إِنَّ إِبْنِي هَذَا سَيِّدٌ، وَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَصْلِحُ بِهِ بَيْنَ فِتْنَتَيْنِ عَظِيمَتَيْنِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ» یعنی: «به راستی که این فرزندم آقا و سرور است، خداوند متعال به وسیله او در میان دو گروه بزرگ از مسلمانان صلح و آشتی برقرار می کند».

گویا این سخن مرا آرام ننمود و سینه ام را شفا نداد؛ در دلم گفتم: شاید این واقعه ای که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده، بعداً اتفاق خواهد افتاد و منظور آن حضرت، صلح با معاویه نبوده است، چرا که در این صلح مؤمنان هلاک گردیده و خوار شدند.

وقتی این سخن از ذهنم عبور کرد و من مردّد شدم، امام حسن علیه السلام دست مبارکش را روی سینه ام

ص: 50

1- علل الشرایع، ج 1، ص 211.

2- الإحتجاج للطبرسی، ج 2، ص 289.

3- مناقب آل ابیطالب، ج 4، ص 35.

4- الکامل فی التاریخ، ج 3، ص 407؛ الإحتجاج للطبرسی، ج 2، ص 291.

5- اخبار الطوال، ص 216.

6- علل الشرايع، ج 1، ص 211.

گذاشت و فرمود: در سخن پیامبر تردید نموده و چنین و چنان گفتم؟! آنگاه فرمود: آیا میل داری هم اکنون پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم را مشاهده کرده و این سخن را از آن حضرت بشنوی؟

من از سخن او در شگفت شدم! ناگاه صدای غرّشی شنیدم که زمین زیر پای ما شکافته شد و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، علی مرتضی علیه السلام، جعفر و حمزه علیهما السلام را دیدم که بیرون آمدند و من از ترس و وحشت به گوشه ای خزیدم.

امام حسن علیه السلام فرمود: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم این جابر است که مرا در مورد آنچه شما می دانید، ملامت می نماید، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رو به من کرد و فرمود:

«یا جابر! إنک لا تكون مؤمناً حتى تكون لأئمتک مسلماً، ولا تكون علیهم برأیک معترضاً، سلّم لابنی الحسن ما فعل، فإنّ الحق فیهِ، إنّه دفع عن حیاة المسلمین الإصطلام بما فعل، و ما کان ما فعله إلا عن أمرالله و أمری».

یعنی: «ای جابر! تو هرگز مؤمن نخواهی بود تا اینکه تسلیم پیشوایان گردی، و با رأی و نظر خود بر آنان اعتراض ننمایی، بر آنچه فرزندم حسن علیه السلام انجام داده تسلیم شو؛ چرا که حق در همان است، او با آن عملش زندگی مسلمانان را از هم پاشیدگی نجات داد، او این کار را جز به فرمان خداوند و من انجام نداده است».

جابر گوید: من گفتم: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم! پذیرفتم. سپس آن بزرگوار به همراه علی علیه السلام و حمزه و جعفر علیهما السلام به سوی آسمان پرواز نمودند، من دیدم که درهای آسمان به روی آن بزرگواران باز می شد و آنان وارد می شدند تا اینکه به آسمان هفتم رسیدند و در همه این موارد آقا و مولای ما حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم پیشاپیش آن بزرگواران بود. (1)

## 27 ربیع الاول

### وفات آیه الله سید محسن حکیم رحمه الله

در چنین روزی به سال 1390 هجری قمری، حضرت آیه الله سید محسن حکیم رحمه الله از مراجع بزرگ شیعه و صاحب کتاب «مستمسک عروة الوثقی» به سن 84 سالگی در نجف اشرف وفات یافت و در کتابخانه شخصی خود به خاک سپرده شد.

نقل شده است که وقتی ایشان شرح و حاشیه «عروة الوثقی» را به اتمام می رسانند، راجع به اینکه اسم کتاب را چه بگذارند در تردید بودند، از این رو به قرآن مجید تقالی می زنند که این آیه آشکار می شود: «و من یسلم وجهه إلى الله و هو محسن فقد استمسک بالعروة الوثقی و إلى الله عاقبة الأمور» (2) یعنی: «کسی که

ص: 51

1- الثاقب فی المناقب، ص 306 و 322.

2- سوره لقمان، آیه 22.

روی خود را تسلیم خدا کند در حالی که نیکوکار باشد، به دستگیره محکمی چنگ زده و عاقبت همه کارها به سوی خداست)؛ لذا به محض دیدن این آیه، نام کتاب خود را «مستمسک» می گذارند.

## 28 ربیع الاول

### فتح شهر بغداد توسط شاه عباس صفوی

بین سال های 1032 و 1034 هجری قمری جنگ هایی بین شاه عباس صفوی و عثمانی ها رخ داد و در این جنگها شاه عباس صفوی پیروز شد و بغداد را به تصرف خود در آورد و خود نیز به زیارت عتبات عالیات عراق مشرف شد و به تعمیر و بازسازی و گسترش حرم و قبور مطهر ائمه علیهم السلام در عراق پرداخت.

## 29 ربیع الاول

### شهادت طفلان مسلم علیهما السلام

پیرامون روز شهادت طفلان مسلم علیهما السلام به سه تاریخ برخورد کردیم: 29 ربیع الاول، 26 صفر المظفر و 23 ذی الحجة الحرام در سال های 61 یا 62 هجری، ولی به منبعی معتبر برخورد نکردیم مگر اینکه در کتاب «دائرة المعارف مراقد و امامزادگان»، جناب شیخ علی فلسفی رحمه الله می نویسد: «در 29 ربیع الاول به سال 61 هجری طفلان مسلم به دست حارث بن عروة به شهادت رسیدند».

پس از شهادت جناب مسلم بن عقیل دو فرزندش محمد و ابراهیم که به همراه پدر به کوفه آمده بودند متواری شدند، ابن زیاد امر کرد در شهر ندا دهند که هر کس دو طفل مسلم را نزد من بیاورد جایزه سنگینی دارد تا اینکه پس از مدتی که این دو کودک خود را پنهان کرده بودند به کنیز حارث برخورد می کنند، آن کنیز آن دو طفل را نزد بانوی خود که زنی مؤمنه و محب اهل بیت علیهم السلام بود آورد، آن زن این دو کودک را پنهان کرد و پذیرایی نمود.

شکر لله که شب محنت آمد به سحر \*\*\* نخل امید من از لطف خدا داد ثمر

روز وصل است خورشید ز مشرق بدمید \*\*\* حمد، یا رب که رسیده است شب هجر بسر

گر گذرد فلک از کینه، خوشا احوالم \*\*\* داخل منزل عقرب شده، خورشید و قمر

این سعادت به من از طالع میمون آمد \*\*\* ابدا ای خدا، چرخ ستمگر نشدی کاش خبر

در نیمه های شب محمد از خواب بیدار شد و به برادر کوچکترش ابراهیم گفت: الآن خوابی دیدم، گمان می کنم ما امروز کشته می شویم، ابراهیم گفت بگو چه خوابی دیده ای؟ محمد گفت: در لحظه ای که به خواب رفتم خواب دیدم حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و علی و فاطمه و حسن و حسین و



پدرمان علیهم السلام در بهشت هستند، یک وقت جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رو کرد به طرف پدرمان و فرمود: فرزندان  
در میان دشمنان چه حالی دارند؟ پدرم گفت: فرزندانم فردا به من ملحق می شوند و از خواب بیدار شدم!

ابراهیم گفت: من نیز مثل همین خواب را دیدم، پس آن دو طفل یکدیگر را در آغوش گرفتند و بنا کردند به گریه و زاری که حارث از خواب  
بیدار شد و از حضور آن دو طفل در خانه خود باخبر شد. صبح که شد آن دو طفل را که یکی ده ساله و دیگری هشت ساله بود با ریسمان  
بست و در کنار شط فرات سر از بدن آنها جدا نمود و برای گرفتن جایزه نزد ابن زیاد برد. ابن زیاد تا چشمش به سر بریده دو طفل افتاد  
منقلب شد و گفت چرا این دو طفل را کشتی؟! سپس دستور داد حارث را همانگونه که این دو طفل را به شهادت رسانده به قتل  
برسانند. (1)

هم اکنون در شهر مسیب عراق مرقد این دو طفل مورد توجه شیعیان بوده و به زیارتشان می شتابند.

ص: 53

---

1- ناسخ التواریخ، زندگانی امام حسین علیه السلام، ج 2، ص 304؛ معالی السبطين، ص 491.

ماه ربيع الثاني

اشاره

ص: 54

## 1 ربيع الثاني

### قيام توأبين در كوفه بر ضد حكومت بنی أمیه

بعد از واقعه جانسوز كربلا و شهادت امام حسين عليه السلام و يارانش، گروه بسياری از مردم كوفه از اينكه آن حضرت را ياری نكردند، اندوهناك و بسيار پشيمان شده بودند، آنان در اول ربيع الثاني سال 65 هجري قمری به فرماندهی «سليمان بن صُرد خزاعي» كه خود یکی از شيعيان شاخص و معروف بود برای خونخواهی امام حسين عليه السلام قيام كردند و به «توأبين» معروف گشتند. (1)

توأبين در ابتدا نزد قبر مطهر امام حسين عليه السلام رفته و سه شبانه روز در كربلا ماندند و به توبه و انابه و گريه پرداختند و خود را برای انتقام از سپاه شام آماده كردند.

حكومت اموی از قيام آنان آگاهی يافت، لذا لشكري بزرگ از شام برای تقويت عبیدالله بن زياد فرستاد تا اينكه در منطقه «عين الورد» در شمال بغداد وارد جنگ شدند، در ابتدا سپاه توأبين شكست سختی به سپاه شام وارد نمود و به پیروزی هایی رسيد ولی با ارسال نيروهایی از شام و نيرنگ های «ابن زياد» جنگ مغلوبه گرديد و فرمانده توأبين «سليمان صُرد» به شهادت رسيد و سپاه توأبين شكست سختی خورد و تعداد بيشماری به شهادت رسيدند و تعداد کمی كه باقی مانده بودند به جناب مختار ثقفی ملحق شدند.

## 3 ربيع الثاني

### سفر امام حسن عسکری عليه السلام به جرجان

در چنين روزی امام حسن عسکری عليه السلام به جرجان (گرگان امروزی) با طي الارض جهت وفا به وعده ايشان آمدند و معجزاتی از آن حضرت آشكار شد. (2)

جعفر بن شريف می گوید: سالی قصد حج کردم و قبل از حج به زیارت امام حسن عسکری عليه السلام در سامراء رفتم، اموالی از شيعيان همراهم بود كه بايد به آن حضرت می رساندم، خواستم از آن حضرت بپرسم اموال را به چه کسی بدهم؟ ولی پيش از آنكه من صحبت کنم، حضرت فرمودند: «به مبارك، خادمم بده».

جعفر بن شريف می گوید: دستور آن حضرت را انجام دادم، به آن حضرت گفتم: «شيعيان شما در جرجان به شما سلام می رسانند».

امام عليه السلام فرمودند: مگر بعد از مراسم حج به جرجان بر نمی گردی؟ عرض کردم: برمیگردم؛

ص: 55

1- تاريخ الطبری، ج 5، ص 583؛ الكامل فی التاريخ، ج 4، ص 175.

2- الثاقب فی المناقب، ص 215؛ كشف الغمة، ج 2، ص 427.

فرمودند: 190 روز دیگر اول روز جمعه، سوم ربیع الثانی به جرجان وارد می شوی، آن وقت به مردم اعلام کن که من در آخر همان روز به جرجان می آیم، برو به سلامت، خداوند متعال تو را و آنچه با توست به سلامت به اهل و اولادت خواهد رسانید، پسری برای پسر متولد می شود، نام او را «صَلت» بگذار که خداوند به زودی او را به حدّ کمال می رساند و او از اولیاء ما خواهد بود».

من گفتم: یابن رسول الله، ابراهیم بن اسماعیل جرجانی از شیعیان است و به دوستان شما هر سال بیش از صد هزار درهم احسان می کند و در جرجان از اشخاصی است که منتعم به نعمت های الهی است.

امام علیه السلام فرمودند: «خداوند به ابواسحاق ابراهیم بن اسماعیل در مقابل احسانی که به شیعیان ما می کند جزای خیر بدهد و گناهان او را بیامرزد و او را پسری صحیح الاعضاء روزی فرماید که قائل به حق ما باشد، به ابراهیم بگو: حسن بن علی می گوید: نام پسر خود را «احمد» بگذار».

راوی می گوید: از خدمت حضرت مرخص شدم و حج رفتم و بازگشتم، و در روزی که حضرت معین فرموده بودند به سلامت وارد جرجان شدم، هنگامی که اصحاب ما برای تهنیت آمدند، به ایشان گفتم: امام علیه السلام مرا وعده داده که در آخر امروز به اینجا تشریف می آورند، پس مهیا شوید و مسائل و حوائج خود را آماده کنید. شیعیان چون نماز ظهر و عصر را بجا آوردند، در خانه من جمع شدند. ناگاه حسن عسکری علیه السلام در همان ساعتی که فرموده بودند وارد شدند، هنگام ورود بر ما سلام کردند و ما به استقبال حضرتش شتافتیم و دست آن حضرت را بوسیدیم، آنگاه حضرت فرمودند: من به جعفر بن شریف وعده کرده بودم که در آخر این روز نزد شما بیایم. من نماز ظهر و عصر را در سامراء بجا آوردم و نزد شما آمدم تا با شما تجدید عهد نمایم، اکنون شما حوائج و مسائل خود را بیاورید.

اول کسی که ابتدا به سؤال کرد، نصر بن جابر بود، او گفت: یابن رسول الله پسر من از هر دو چشم نابیناست، دعا بفرمایید تا خداوند دیده هایش را به او برگرداند.

حضرت فرمودند: او را حاضر کن، او را حاضر کرد و حضرت دست مبارک بر چشم او کشید و چشمانش روشن شد، پس از او یک به یک آمدند و حاجت خود را بیان کردند و حضرت حاجت های آنان را برآورده می نمودند تا اینکه حوائج همه را برآوردند و مسائل آنها را جواب فرمودند و همان روز به سامراء مراجعت نمودند. (1)

ص: 56

## ولادت حضرت شاه عبدالعظیم حسنی علیه السلام

در چنین روزی ولادت حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام در سال 173 هجری قمری واقع شده است. (1)

شاه عبدالعظیم حسنی رحمه الله از نوادگان امام حسن مجتبی علیه السلام است که با چهار واسطه به آن حضرت می رسد، وی مردی پارسا و مورد اعتماد و احترام اهل بیت علیهم السلام بوده و از شاگردان امام هادی علیه السلام نیز بوده که آن حضرت در شأنش فرموده اند: «اگر قبر عبدالعظیم حسنی را زیارت کنید گویا قبر حسین بن علی علیه السلام را زیارت کرده اید». (2)

از ابو حماد راضی نقل شده که گفت: نزد امام هادی علیه السلام رفتم درباره احکام شرعی از حضرتش مسائلی را پرسیدم، حضرت به تمام آنها پاسخ فرمودند؛ سپس هنگامی که خواستم از محضرشان مرخص شوم به من فرمودند: «هر گاه دچار مشکلی در کار دینت شدی، از عبدالعظیم حسنی بپرس و سلام مرا نیز به او برسان». (3)

از خصائص برجسته جناب عبدالعظیم علیه السلام عرضه داشتن اعتقاداتش به امام زمان خود، امام هادی علیه السلام است که اگر کژی یا نارسایی وجود دارد حضرتش آن را برطرف سازد.

ایشان می گوید: نزد مولایم امام هادی علیه السلام رفتم، وقتی مرا دید خوش آمد گفت و فرمود: به درستی که تو دوست ما هستی؛ عرض کردم: مولای من! می خواهم دینم را به شما عرضه کنم که اگر مورد پسند شماست تصدیق کنید تا خدای را در حالی ملاقات کنم که دینم را پذیرفته باشد.

من عقیده دارم پروردگارم یکتاست و ماندی ندارد و از حد ابطال و تشبیه بیرون است، او جسم و صورت و عرض و جوهر نیست، بلکه آفریننده اجسام و صورت دهنده شکلها و آفریننده عرضهاست و پروردگار هر چیزی است و مالک و ایجاد کننده و آشکار کننده همه اشیاء است.

همانا محمد صلی الله علیه و آله و سلم بنده و فرستاده اوست و خاتم پیامبران است، پس از او تا روز قیامت پیامبری نیست و آیین او خاتم آیین ها و شریعت هاست و شریعتی پس از آن تا روز قیامت نیست، جانشین او امیر مؤمنان، علی بن ابیطالب علیه السلام است و پس از آن امام حسن علیه السلام و ... .

امام هادی علیه السلام فرمود: و پس از من حسن، فرزندانم، جانشین من است و مردم با فرزند او چگونه

ص: 57

1- مستدرکات علم رجال الحدیث، ج 4، ص 450.

2- کامل الزیارات، باب 107، ص 324.

3- مستدرک الوسائل، ج 17، ص 321.

خواهند بود؟! گفتیم: چه خواهد شد؟! فرمود: کسی او را نمی بیند و حلال نمی باشد ذکر نامش تا ظهور کند، پس زمین را از عدل پر می سازد همچنانکه پر از جور و ستم می شود.

جناب عبدالعظیم، دیگر اعتقاداتش را عرض کرد، مبنی بر اینکه معراج، سؤال در قبر، بهشت و جهنم، صراط و میزان حق است.

امام علیه السلام فرمود: «ای ابوالقاسم! به خدا این دین خداست که برای بندگانش راضی گشته است، پس بر آن ثابت قدم و پایدار باش، خداوند تو را بر قول ثابت در زندگی دنیا و آخرت ثابت بدارد».(1)

عبدالعظیم حسنی رحمه الله در روزگار عباسیان که شکنجه و جنایات خود را به اوج رسانیده بودند از دیار خود هجرت کرد و به شهر ری رفت و در آنجا به روشن گری و هدایت مردم به سوی ولایت اهل بیت علیهم السلام پرداخت و در همان شهر بدرود حیات گفت.

## 5 ربیع الثانی

### فوت منتصر بالله عباسی

در روز پنجم ربیع الثانی 248 هجری قمری منتصر بالله یکی از خلفای بنی العباس درگذشت.(2)

مسعودی در احوالات او می نویسد: منتصر مردی بود که نسبت به اهل بیت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم مهربان و نرمش نشان می داد و برعکس پدر خویش در مدت خلافتش با خاندان امیرالمؤمنین علیه السلام احسان و نیکی نمود و به هیچ وجه متعرض ایشان نشد و دستور داد فدک را به فرزندان امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام برگردانند، در زمان خلافت وی کسی متعرض شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام نشد و او برای علوین اموالی فرستاد تا بین آنها تقسیم کنند و همچنین از زیارت مرقد امام حسین علیه السلام جلوگیری نمی کرد.(3)

## 6 ربیع الثانی

### هلاکت هشام بن عبدالملک (قاتل امام محمد باقر علیه السلام)

در این روز هشام بن عبد الملک قاتل امام محمد باقر علیه السلام و زید بن علی بن الحسین علیه السلام به هلاکت رسید.(4) هشام که بسیار سفاک بود و از دشمنان خاندان وحی به شمار می رفت، دستور به شهادت رساندن جناب زید علیه السلام را صادر کرد و همچنین امام محمد باقر علیه السلام را مسموماً به شهادت رساند، از

ص: 58

1- التوحید للصدوق، ص 81.

2- تاریخ الطبری، ج 7، ص 414؛ الکامل فی التاریخ، ج 7، ص 114.

3- مروج الذهب، ج 4، ص 51.

4- تاریخ الطبری، ج 7، ص 200؛ الکامل فی التاریخ، ج 5، ص 261.

جرم های دیگر او احضار امام محمد باقر علیه السلام و امام جعفر صادق علیه السلام به شام بود.

وی پنجاه و سه سال عمر کرد و در سال 125 هجری قمری در رصافه به درک واصل شد و در زمان خلافت سفاح عباسی، عبدالله بن علی عباسی والی او در شام، قبر هشام را شکافت و او را از گورش بیرون آورد، هنوز بدنش کاملاً متلاشی نشده بود، هشتاد تازیانه بر او زد و سپس او را به آتش سوزانید. (1)

## 8 ربيع الثاني

### شهادت یا ولادت امام حسن عسکری علیه السلام!!!

در تاریخ شهادت امام حسن عسکری علیه السلام اقوال مختلفی نقل شده است از جمله: اول ربيع الاول، (2) چهارم ربيع الاول، (3) هشتم ربيع الاول، (4) هشتم ربيع الثاني (5) و سیزدهم محرم الحرام. (6)

با توجه به اینکه اکثر مورخین، علمای بزرگوار و ثقه می باشند، نزد ما آنچه مناسبت بیشتری دارد و بهتر است، هشتم ربيع الثاني است، زیرا:

اولاً نقل کنندگان شهادت امام حسن عسکری علیه السلام در هشتم ربيع الثاني عبارتند از: سعد بن عبدالله اشعری (وی در قرن سوم می زیسته و دوران امامت امام حسن عسکری علیه السلام و دوران غیبت صغری و حضرت صاحب الزمان علیه السلام را درک کرده است) (7) و علی بن حسین مسعودی (285 - 345 قمری) که از علما و محدثان بنام می باشند.

و ثانیاً چنانکه در هشتم ربيع الاول ذکر شد، این روز مصادف است با شهادت حضرت زهرا علیها السلام بنا بر روایتی که 40 روز بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به شهادت رسیدند و همچنین این روز مصادف است با چهلمین روز شهادت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم.

در چنین روزی به سال 260 هجری قمری امام حسن عسکری علیه السلام به شهادت رسیدند. سن شریف آن حضرت، بیست و هشت سال بوده و حضرتش را در همان خانه که پدر بزرگوارشان امام هادی علیه السلام مدفون بودند به خاک سپردند.

قاتل آن حضرت، معتمد عباسی پسر متوکل پسر هارون الرشید بوده، چنان که کفعمی نیز در جدول «المصباح» نوشته و در «شرح کافی»، ملا صالح طبری از شیخ صدوق رحمه الله نقل کرده: «قتله المعتمد لعنة

ص: 59

1- مروج الذهب، ج 3، ص 207.

2- مصباح المتجهج، ص 791؛ المصباح للكفعمی، ص 510.

3- مسار الشیعه، ص 49.

4- الکافی، ج 1، ص 503؛ کمال الدین، ج 2، ص 474.

5- المقالات و الفرق، اشعری، ص 102؛ اثبات الوصیة، مسعودی، ص 218.

6- رجال نجاشی، شماره 250.

7- رجال شیخ طوسی، ص 431.



جناب صدوق از «احمد بن عبدالله خاقان» که از جانب خلفای عباسی متولی اوقاف و صدقات در قم بوده، نقل می کند که گفت:

به خدا سوگند در هنگام رحلت حضرت امام حسن بن علی علیهما السلام حالتی بر خلیفه و دیگران عارض شد که گمان ندارم برای وفات کس دیگری چنین حالتی از آنان عارض شده باشد. این واقعه چنان بود که روزی برای پدرم که وزیر خلیفه بود خبر آوردند که ابن الرضا علیه السلام رنجور شده، پدرم به سرعت تمام به نزد خلیفه رفت و خبر را به خلیفه رساند. خلیفه پنج نفر از معتمدان و مخصوصان خود را با او همراه کرد که یکی از ایشان «نحیر خادم»، از محرمان خاص خلیفه بود و امر کرد ایشان را که پیوسته ملازم خانه آن حضرت باشند و بر احوال آن حضرت مطلع گردند و چند نفر طبیب را مقرر کرد که هر صبح و شام نزد آن حضرت بروند و از احوال او با خبر باشند تا اینکه حضرتش پس از مدتی وفات یافت، چون خبر وفات آن حضرت در شهر سامراء منتشر شد قیامتی در آن شهر برپا شد و از جمیع مردم ناله و شیون بلند گردید.

خلیفه در صدد جستجوی فرزند (سعادت‌مند) آن حضرت بر آمد، جمعی را فرستاد که بر دور خانه آن حضرت حراست کنند و جمیع حجره ها را بگردند که شاید آن حضرت را بیابند، زنان قابله را فرستاد تا کنیزان آن حضرت را معاینه کنند، تا مبادا حملی در ایشان باشد؛ زیرا خلیفه شنیده بود که فرزند آن جناب بر عالم مستولی خواهد شد و اهل باطل را منقرض خواهد کرد، چون تفحص کردند خبری از آن حضرت نیافتند و کنیزی را که احتمال حمل در او می دادند در طول سال تحت نظر گرفتند ولی اثری از او ظاهر نشد تا اینکه دست از او کشیدند.

هنگامی که امام حسن عسکری علیه السلام رحلت نمود، خلیفه در تجهیز جنازه آن حضرت برآمد و پدرم با سایر وزراء و امراء و اتباع خلیفه و بنی هاشم و علویان و عباسیان کنار بدن (آن امام مظلوم) جمع شدند. (2)

سامراء از کثرت ناله و شیون و گریه مانند صحرای قیامت شده بود، چون از غسل و کفن آن جناب فارغ شدند (موافق روایت ابوالادیان) برادرش جناب جعفر طاهر پیش ایستاد تا بر آن حضرت نماز بخواند، چون خواست تکبیر بگوید، طفلی گندمگون، پیچیده موی، گشاده دندان و مانند پاره ماه بیرون آمد و ردای «جعفر» را کشید و فرمود: عمو! من سزاوارترم به نماز خواندن تا شما! و جعفر کنار

ص: 60

1- المصباح للكفعمی، ص 692؛ شرح کافی، ج 7، ص 310؛ اعتقادات الإمامیة، ص 99.

2- کمال الدین، ج 1، ص 42.

رفت و نماز میت را خواند و رفت. در این وقت حاجز و شا (که از درباریان خلیفه عباسی بوده) به جعفر گفت: این طفل چه کسی بود؟! جعفر (از روی تقیه) گفت: والله! من او را ندیده و نمی شناسم. (1)

در روایتی دیگر آمده است: شبی که امام حسن عسکری علیه السلام رحلت نمودند، نامه های بسیاری با دست مبارکشان به اهل مدینه نوشتند و آن شب کسی نزد آن حضرت حاضر نبود، جز جاریه حضرتش «صیقل» و «عقید» و فرزندشان حضرت مهدی علیه السلام، عقید گفت که آن حضرت آبی طلبید که با مصطکی جوشانیده بودند و خواست که بیاشامد. چون آن (دارو) را حاضر کردیم، فرمود: اول آبی بیاورید که نماز بخوانم، چون آب آوردیم دستمالی در دامن خود پهن کردند و وضو گرفتند و نماز بامداد را ادا نمودند و قدح آب مصطکی را گرفتند که بیاشامند که از غایت ضعف و شدت مریضی، دست مبارکشان می لرزید و قدح بر دندان های شریفشان می خورد، چون آب را آشامیدند، در حالی که فرزندشان حضور داشتند، روح مقدسشان به عالم قدس پرواز کرد. «صلوات الله علیه»

## 9 ربیع الثانی

### شهادت حضرت زهرا علیها السلام به روایت 40 روز

بی بی دو عالم، حضرت صدیقه کبری، فاطمه زهرا علیها السلام بنا بر روایت 40 روز که بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به شهادت رسیدند (2) - به احتمال اینکه ماه صفر و ربیع الاول 29 روز یا 30 روز بوده - در روز هشتم، نهم یا دهم این ماه، روحشان به ریاض قدس پرواز می کند و مناسب است شیعیان آن حضرت این ایام را نیز برای اقامه ماتم بر آن حضرت مجالسی بر پا کنند.

لازم به ذکر است که تاریخ شهادت حضرت صدیقه کبری علیها السلام روزهای متعددی بعد از شهادت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم گزارش شده است:

- 24 روز بعد از شهادت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم (3)؛

- 29 روز بعد از شهادت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم (4)؛

- 30 روز بعد از شهادت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم (5)؛

- 35 روز بعد از شهادت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم (6)؛

ص: 61

1- کمال الدین، ج 2، ص 476.

2- تاریخ یعقوبی، ج 1، ص 445؛ مروج الذهب، ج 2، ص 282؛ تاریخ موالید الاثمه، مجموعه نفیسه، ص 166؛ مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ج 3، ص 406؛ کشف الغمّة، ج 1، ص 500.

3- تاریخ حبیب السیر، ج 1، ص 432.

4- تاریخ حبیب السیر، ج 1، ص 432.

5- تاریخ یعقوبی، ج 1، ص 445.



- 40 روز بعد از شهادت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم (1)؛
- دو ماه بعد از شهادت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم (2)؛
- 70 روز بعد از شهادت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم (3)؛
- 72 روز بعد از شهادت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم (4)؛
- 75 روز بعد از شهادت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم (5)؛
- 85 روز بعد از شهادت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم (6)؛
- 95 روز بعد از شهادت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم (7)؛
- چهار ماه بعد از شهادت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم (8).

آنچه بین محبین و شیعیان آن حضرت شهرت تامّ دارد، 40 روز، 75 روز و 95 روز است که بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، آن حضرت به شهادت رسیدند.

### وفات شاعر گران قدر شیعه، سید حیدر حلّی

سید حیدر حلّی شاعر و مرثیه سرای شیعی اهل حلّه در قرن سیزدهم و اوایل چهاردهم قمری و از نوادگان زید بن علی علیهما السلام بود. به گفته محدث جلیل القدر شیخ عباس قمی رحمه الله و آیت الله سید حسن صدر رحمه الله، او در مرثی جدهش امام حسین علیه السلام بر شعرای متقدم و متأخر خود برتری داشته است. (9) وی در رؤیایی صادقه امام زمان ارواحنا فداه را زیارت کرده بود و آن حضرت رضایت خود را از اشعارش بیان فرموده اند.

از جمله حکایات او این است که قصیده ای سرود و در ضمن آن از گرفتاری های شیعیان و درد، رنج، شکنجه و مصائب آنها به پیشگاه امام عصر عجل الله فرجه شکایت کرده و این قصیده را در چندین مجلس خوانده بود. «فرأی واحد من صلحاء المجاورین فی النجف الأشرف الحجة المنتظر علیہ السلام فقال له (ما

ص: 62

- 
- 1- تاریخ یعقوبی، ج 1، ص 445؛ مروج الذهب، ج 2، ص 282؛ تاریخ موالید الاثمه، مجموعه نفیسه، ص 166؛ مناقب آل ابیطالب، ج 3، ص 406؛ کشف الغمة، ج 1، ص 500.
  - 2- المستدرک، حاکم نیشابوری، ج 3، ص 163؛ تاریخ مدینه دمشق، ج 3، ص 158؛ صفة الصفوة، ج 2، ص 9.
  - 3- تاریخ المدینه المنوره، ج 1، ص 107؛ تاریخ یعقوبی، ج 1، ص 445؛ مروج الذهب، ج 2، ص 282؛ دعائم الإسلام، ج 1، ص 232؛ تذکره الخواص، ص 288؛ تاریخ مدینه دمشق، ج 3، ص 158؛ أسد الغابه، ج 7، ص 225.
  - 4- مناقب آل ابیطالب، ج 3، ص 406؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج 16، ص 214.

5- الكافي، ج 1، ص 458 وج 3، ص 229 وج 4، ص 561. دلائل الإمامة، صص 79 و 134.

6- دلائل الإمامة، ص 136

7- الذرية الطاهرة، دولابي، ص 152؛ مسار الشيعة، ص 54؛ مصباح المتهجد، ص 793.

8- تيسير المطالب، يحيى بن الحسين، ص 87؛ إعلام الوري، ج 1، ص 300؛ مناقب آل أيطالب، ج 3، ص 406؛ الإصابة، ج 8، ص 159.

9- الفوائد الرضويه، ج 1، ص 283؛ تكملة أمل الآمل، ج 2، ص 555.

معناه) قد أفلقني السيد حيدر قل له لا يؤذيني فإن الأمر ليس بیدی» یعنی: شخصی از صلحا از مجاورین مرقد شریف نجف اشرف، حضرت حجت منتظر علیه السلام را دید که به او به این مضمون فرمودند: سید حیدر دل مرا به درد آورده، برو به او بگو اینقدر مرا با اشعارت آزار مده، بدرستی که امر در دست من نیست... (از خدا بخواهید فرج حضرتش را برساند)؛ پس از آن خداوند در همان ایام آن ستم حاکم ظالم را تا چندین سال از شیعیان برداشت. (1)

### وفات هلاکوخان خاتمه دهنده حکومت بنی العباس

در این روز به سال 663 هلاکوخان وفات کرد، وی کسی است که دولت بنی العباس را سرنگون و خاتمه داد و کشتار سختی در بغداد نمود و ریشه بنی العباس را خشکاند. (2)

### 10 ربیع الثانی

### شهادت جانگداز حضرت فاطمه معصومه علیها السلام

حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در سال 201 هجری قمری به امید دیدار برادرش حضرت رضا علیه السلام راهی خراسان شد و وارد شهر ساوه گردید. به امر مأمون قافله آن حضرت مورد هجوم لشکریان عباسیان قرار گرفت و آن حضرت را مسموم نمودند و به درخواست آن بی بی حضرتش در 23 ربیع الاول وارد شهر قم شد و پس از هفده روز که وارد قم شدند، مسموماً به شهادت رسیدند. (3)

جسد مبارکش را به طرف باغ موسی بن خزرج مکان فعلی حرم مطهر آن حضرت آوردند، دو نفر سوار نقابدار از بیرون شهر آمدند و بر بدن آن حضرت نماز خواندند آنگاه در میان سردابی به خاک سپردند و رفتند و کسی آنها را نشناخت. موسی بن خزرج آن باغ را وقف حضرت معصومه علیها السلام کرد و سقفی از بوریاء و حصیر بر آن نهاد تا اینکه جناب زینب دختر امام جواد علیه السلام، بر روی آن قبه ای بنا نهاد (4) و بعدها که زینب و میمونه خواهرش و امّ محمد (دختر موسی بن محمد بن علی الجواد علیه السلام) وفات نمودند به همراه دو کنیز با سعادت آن بانوان، در آن مکان مقدس دفن شدند. (5)

در زمان ناصرالدین شاه قاجار در هنگام مرمت، روزنه ای به سرداب مقدس پیدا می شود و چند زن مؤمنه و صالحه وارد سرداب می شوند که پیکر پاک میمونه و دو تن از کنیزان وی را پس از هزار سال تر و تازه مشاهده می کنند. (6)

ص: 63

- 1- جنة المأوی، ص 173.
- 2- مستدرک سفینة البحار، ج 5، ص 249.
- 3- منتهی الآمال، ج 2، ص 273.
- 4- تاریخ قم، محمد بن حسن قمی، ص 213.
- 5- بحار الأنوار، ج 57، ص 219.
- 6- إقامة البرهان فی أصول الدین، میرزا موسی فراهانی، ص 479.

حضرت امام صادق علیه السلام می فرمایند: «... قم کوفه صغیره است و بهشت دارای هشت درب است که سه درب آن از قم است، در شهر قم بانویی از اولاد من رحلت می کند که اسمش فاطمه است و او دختر موسی بن جعفر علیهما السلام است که به شفاعتش تمام شیعیان وارد بهشت می شوند» (1).

## 11 ربیع الثانی

### حمله روس به حریم سلطان طوس علیه السلام

در عصر روز یازدهم ربیع الثانی 1330 هجری قمری گنبد حرم حضرت رضا علیه السلام توسط روس ها به توپ بسته شد که در این حمله 17 گلوله توپ به گنبد مطهر اصابت کرد و بیش از 45 گلوله دیگر به ایوان طلا و مسجد جامع و مطبخ خدام و غیر آن اصابت کرد؛ در این حمله جمعیت زیادی حتی در اطراف ضریح مبارکه رضویه به شهادت رسیدند.

بعد از این جنایت هتاکانه در مدت کوتاهی عوامل جنایتکار روس دچار قهر و انتقام الهی گردیده و نابود شدند؛ بدین ترتیب که در همان سال بلشویکها در شهر «اکاترین بورک» تمام اعضای خانواده سلطنتی تزار و خود تزار را قتل عام کرده و از بین بردند و همچنین تمامی 700 نفر نظامی روسی که در حمله به حرم منور رضوی شرکت داشتند دچار قهر آن حجت الهی گردیده و در همان ایام در جنگ جهانی اول توسط نیروهای آلمان و متحدانش نابود گردیدند. (2)

بدین جهت مرحوم سید شرف الدین قزوینی صاحب امتیاز روزنامه نسیم شمال، شعری بسیار زیبا سروده است:

دیشب به سرم باز هوای دگر افتاد \*\*\* در خواب مرا سوی خراسان گذر افتاد

چشمم به ضریح شه والا گهر افتاد \*\*\* این شعر همان لحظه مرا در نظر افتاد

با آل علی هر که در افتاد بر افتاد!

این قبر غریب الغربا خسرو طوس است \*\*\* این قبر مغیث الضعفا شمس شمس است

خاک در او، مرجع ارواح و نفوس است \*\*\* باید ز ره صدق، بر این خاک در افتاد

با آل علی هر که در افتاد بر افتاد!

این روضه پر نور، به جنت زده پهلو \*\*\* مغز ملک از عطر نسیمش شده خوشبو

بشنید نسیم سحری رایحه او \*\*\* کز بوی بهشتیش، چنین بی خبر افتاد

ص: 64

1- مجالس المؤمنین، ج 1، ص 83؛ بحار الأنوار، ج 57، ص 228.

2- خصائص الرضویة، ص 139.

با آل علی هر که در افتاد بر افتاد!

حوران بهشتی زده اند، در حرمش صف \*\*\* خیل ملک از نور، طبقها همه بر کف  
شاهان به ادب در حرمش گشته مشرف \*\*\* اینجاست که تاج از سر هر تاجور افتاد

با آل علی هر که در افتاد بر افتاد!

اولاد علی شافع یوم عرصاتند \*\*\* دارای مقامات رفیع الدرجاتند

در روز قیامت همه اسباب نجاتند \*\*\* ای وای بر آن کس که به این درّه در افتاد  
با آل علی هر که در افتاد بر افتاد!

کام و دهن از نام علی یافت حلاوت \*\*\* گل در چمن از نام علی یافت طراوت  
هر کس که به این سلسله بنمود عداوت \*\*\* در روز جزا، جایگهش در سقر افتاد

با آل علی هر که در افتاد بر افتاد!

هر کس که به این سلسله پاک جفا کرد \*\*\* بد کرد، نفهمید، غلط کرد، خطا کرد  
دیدي که یزید از ستم و کینه چه ها کرد \*\*\* آخر به درک رفت و به روحش شرر افتاد

با آل علی هر که در افتاد بر افتاد!

اولاد امیه چو در کینه گشودند \*\*\* بر عترت اطهار بسی ظلم نمودند

آخر همگی بیدقی از لعن ربودند \*\*\* دیدیم که از نام و نشانشان، اثر افتاد  
با آل علی هر که در افتاد بر افتاد!

حجاج که شد منکر هر خارق عادات \*\*\* می کشت به هر روز، بسی شیعه و سادات  
امروز به او لعن کنند اهل سعادات \*\*\* آوازه ظلمش به همه بحر و بر افتاد

با آل علی هر که در افتاد بر افتاد!

کردند جفاها بنی عباس ستمگر \*\*\* مسموم شد از ظلم و جفا موسی جعفر  
بر قلب غریب الغریبا، زهر زد آخگر \*\*\* ظلم بنی عباس، به گیتی سمر افتاد



با آل علی هر که در افتاد بر افتاد!

بست آب به قبر شهدا چون متوکل \*\*\* در اوج فلک روح ملک شد متزلزل

دریا به فغان، موج زنان نعره زد از دل \*\*\* در سطح زمین، غلغله در خشک و تر افتاد

با آل علی هر که در افتاد بر افتاد!

ص: 65

جیش متوکل، به لب شط بنشستند \*\*\* بر زائر شاه شهدا، راه بیستند

از کین، دل زوار حسین را بشکستند \*\*\* از قافله عشق، بسی دست و سر افتاد

با آل علی هر که در افتاد بر افتاد!

یارب به حق منزلت شاه شهیدان \*\*\* امسال نما لطف، به مرد و زن تهران

ما غرق گناهیم، تویی غافر عصیان \*\*\* این شعر، مرا بار دگر در نظر افتاد

با آل علی هر که در افتاد بر افتاد!

## 12 ربیع الثانی

### واجب شدن نماز

در چنین روزی به سال اول هجری قمری، فریضه نماز بر مسافر و موطن واجب شد. (1)

در اصل در همان لحظه آغاز بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نماز نازل شد و جبرئیل امین از جانب پروردگار نماز را به آن حضرت تعلیم داد، هنگامی که هنوز هیچ یک از فرائض دینی، به عنوان فریضه و وظیفه واجب نشده بود.

نخستین نمازی که آن حضرت خواندند نماز ظهر بوده، موقعی که در دامنه کوهی از کوه های مکه با پسرعموی خود، حضرت علی علیه السلام می رفت و سیر در آفاق می نمودند و همچنین برای اولین بار نماز را به جماعت خواندند، رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم امام و علی بن ابیطالب علیه السلام مأموم بودند، چون به خانه آمدند، نماز عصر را نیز به جماعت خواندند و حضرت خدیجه علیها السلام در این نماز با ایشان شرکت کرد، به همین طریق از روزهای نخستین اسلام نماز پیا شد. (2)

با توجه به بعضی از گزارش ها، در این روز یک سال بعد از هجرت، رکعات نماز زیاد شد و آن چنان بود که نمازهای پنجگانه هر کدام دو رکعت دو رکعت واجب بود و در سفر و حضر همانها را واجب می شمردند و سفر را با حضر فرقی نمی گذاشتند، تا اینکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به فرمان خداوند متعال هفت رکعت در هنگام حضر بر این رکعات افزودند. (3)

نماز ظهر و عصر و عشاء چهار رکعت گردید و طبق بعضی از روایات نماز مغرب به شکرانه نوید «نزول فاطمه زهرا علیها السلام» به عالم ملک، یک رکعت اضافه شد و از جانب حق تعالی به پیامبر

ص: 66

1- مسار الشیعه، ص 52؛ مصباح المتهجد، ص 792.

2- مناقب آل ابیطالب، ج 1، ص 46.

3- تاریخ الطبری، ج 2، ص 119.

اکرم صلی الله علیه و آله و سلم امر شد که مسلمانان باید این رکعت شکرانه را در سفر و حضر بجا آورند(1) و نماز صبح به جهت آسانی در عبادت بر دو رکعت خود باقی ماند.

## 14 ربیع الثانی

### قیام مختار ثقفی رحمه الله

مختار ثقفی در سال 66 هجری پس از آزادی از زندان، در این روز به جهت خونخواهی امام حسین علیه السلام همراه ابراهیم بن مالک اشتر قیام نمود.(2)

جمعی از شیعیان برای کسب تکلیف نزد محمد بن حنفیه برادر امام حسین علیه السلام رفتند، جناب محمد حنفیه علیه السلام فرمود: امام من و شما حضرت سجاد زین العابدین علیه السلام است، برویم از آن حضرت کسب تکلیف کنیم.

امام زین العابدین علیه السلام فرمودند: «ولو عبد زنگی به جهت نصرت ما قیام نماید واجب است مردم او را یاری کنند، و عموجان! من شما را بر این امر منصوب کردم هر چه صلاح می دانید انجام دهید».

پس از آن شیعیان به کوفه برگشتند و با مختار بیعت کردند و گفتند: ابراهیم بن مالک اشتر همانند پدرش صاحب جلالت و شجاعت می باشد، اگر با ما موافقت نماید، بر دشمنان پیروز می شویم، جناب مختار و جمعی از بزرگان به منزل ابراهیم رفتند و از وی استدعای کمک و یاری کردند.

ابراهیم گفت: قبول می کنم به شرطی که زمام امر و نهی و امارت با من باشد، مختار سکوت کرد، در این حال نامه ای از جناب محمد حنفیه فرزند امیرالمؤمنین علیه السلام آمد که ابراهیم را امر نموده بود به مساعدت مختار، لذا ابراهیم با مختار بیعت نمود و روز چهاردهم ربیع الثانی، شب پنج شنبه قیام نمودند و تمام قاتلان امام حسین علیه السلام را هلاک کرده و به جهنم فرستادند.(3)

## 17 ربیع الثانی

### وفات معزّ الدوله از سلاطین دیالمه

در چنین روزی به سال 356 هجری قمری احمد معزّ الدوله از سلاطین دیالمه وفات نمود.(4)

وی وقتی به سلطنت رسید به شیعیان بغداد اذن داد به جهت امام حسین علیه السلام عزاداری کنند

ص: 67

1- من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 454.

2- تاریخ الطبری، ج 6، ص 18؛ الکامل فی التاریخ، ج 4، ص 211؛ بحار الأنوار، ج 45، ص 386.

3- بحار الأنوار، ج 45، ص 365 به نقل از کتاب «شرح الثار فی أحوال المختار» تألیف جعفر بن محمد بن نما حلی.

4- وفیات الأعیان، ج 1، ص 176؛ النجوم الزاهرة، ج 4، ص 14.

و مغازه های خود را ببندند و مویه کنان در میان خیابان ها و بازارها نوحه سرایی کنند(1) و همچنین عید غدیر را عید مفصل و با شکوهی بگیرند.(2)

محدث قمی رحمه الله می نویسد: «در این روز سنه 365 معزالدوله احمد بن بویه وفات کرد و در مقابر قریش به خاک سپرده شد، وی قریب بیست و دو سال سلطنت کرد و او عموی عضد الدوله دیلمی است و معزالدوله را اقطع می گفتند، به جهت آنکه اکراد در ناحیه کرمان بر او ریختند و زخمها بر او زدند و دست چپ با بعضی از انگشتان دست راستش قطع شد. معز الدوله امیر امرای بغداد بود، و بسیار ترویج مذهب شیعه نمود و او همان است که امر کرد که بر دیوارهای مساجد بغداد و سایر عمارات آنها لعن معاویه و ظالمین به آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم را نوشتند، و سیف الدوله همدانی امیر حلب نیز اقتدا به او کرد و امر نمود که در حلب نیز همان کار را انجام دهند».(3)

## 18 ربیع الثانی

### هجوم به بیت فاطمه زهرا علیها السلام

تاریخ دقیق هجوم به بیت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام که منجر به شهادت حضرت زهرا علیها السلام و حضرت محسن علیه السلام شده است، در تاریخ نیامده و دقیقاً مشخص نیست؛ اما با یک تحقیق و پژوهش که می خوانید این روز (18 ربیع الثانی) با روز هجوم به بیت وحی تناسب بیشتری دارد، زیرا با تفحص در تاریخ در می یابیم که به خانه آن بی بی چند مرتبه هجوم صورت گرفته است و بر اساس گزارش های تاریخی می توان نتیجه گرفت، این هجوم اخیر پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با فاصله پنجاه روز یا بیشتر صورت گرفته است:

بعد از شهادت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و استقرار غصب خلافت برای ابوبکر، او لشکر اسامه را به طرف موته (جایگاه شهادت جعفر طیار علیه السلام) حرکت داد. لشکر پس از رسیدن به موته، یک روز درگیری جزئی داشته و سپس به طرف مدینه باز می گردد. این رفت و برگشت بنابر نقل طبری و ابن کثیر، با احتساب فاصله بین موته و مدینه 40 یا 70 روز طول کشیده است.(4)

بریده بن حصیب اسلمی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پرچم اسامه را به دست ایشان داد و ابوبکر بعد از درگذشت پیامبر نیز این پرچم را به دست او سپرد، بعد از برگشت از موته پرچم را برده و در میان

ص: 68

1- تاریخ ابن خلدون، ج 3، ص 527.

2- الکامل فی التاریخ، ج 8، ص 549.

3- وقایع الأيام، ص 350.

4- تاریخ الأمم و الملوک، ج 3، ص 241؛ الکامل فی التاریخ، ج 6، ص 304.

قوم خود، بنی اسلم، زد و مردم را دعوت به حمایت از امیرالمؤمنین علیه السلام کرد. دو گونه شعار از آنها نقل شده است: یکی اینکه بریده گفت: «لا-أبايع حتى يبایع علی بن ابی طالب؛ بیعت نمیکنم مگر آنکه علین ابی طالب بیعت کند» و شعار دیگر اینکه گفتند: «لأبایع حتى يبایع بریده؛ بیعت نمیکنیم، مگر آنکه بریده بیعت نماید».<sup>(1)</sup> از این گزارشات معلوم می شود که تا آن زمان هنوز امیرالمؤمنین علیه السلام مجبور به بیعت نشده بودند.

به هر حال، پس از اقدام بریده، هشتاد نفر از قومه از او تبعیت کرده و او با هشتاد نفر وارد مدینه شد و اینها شعار می دادند، و بدین جهت عمر و ابوبکر تصمیم گرفتند برای گرفتن بیعت از امیرالمؤمنین علیه السلام بر ایشان فشار بیشتری بیاورند و برای خاموش کردن غائله به خانه فاطمه زهرا علیها السلام هجوم آوردند و افراد داخل خانه را با زور بیرون کشیدند و آنها را مجبور به بیعت کردند.

بنابراین می توان با احتساب گذشتن چند روز از رحلت رسولخدا صلی الله علیه و آله و سلم و سپس اعزام سپاه اسامه، و نیز چند روز پس از بازگشت اسامه - که بنا بر نقل طبری رفت و برگشت لشکر حداقل 40 روز بوده - و رفتن بریده به قبیله اش و آمدن آنان به مدینه، مدعی شد که حمله به خانه حضرت فاطمه علیها السلام پس از حدود 50 روز از رحلت رسولخدا صلی الله علیه و آله و سلم بوده است. در این صورت هجوم به بیت فاطمه زهرا علیها السلام در این روز بوده و شهادت آن بی بی با گزارش 75 روز بعد از رحلت پیامبر تناسب پیدا می کند.

اما بنا بر احتساب دیگر طبری که رفت و برگشت لشکر 70 روز بوده، می توان گفت هجوم آخر به بیت فاطمه زهرا علیها السلام با توجه به رفت و برگشت بریده به قبیله اش، حدود 80 روز پس از رحلت رسولخدا صلی الله علیه و آله و سلم صورت گرفته که تقریباً روز هجده جمادی الاول می شود و این گزارش با شهادت آن حضرت، 95 روز پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تناسب پیدا می کند؛ به این معنا که بعد از هجوم اخیر به بیت فاطمه زهرا علیها السلام آن حضرت حدوداً پانزده روز بیمار می گردند و سپس به شهادت می رسند.

### شهادت حضرت محسن علیه السلام

حضرت محسن علیه السلام که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نام او را انتخاب نموده بودند،<sup>(2)</sup> در هجوم آخر به بیت فاطمه زهرا علیها السلام با صدماتی که بی بی دو عالم می بینند به شهادت می رسند.

بنا بر آنچه ذکر کردیم آنچه مشهور است که هجوم به خانه حضرت علی علیه السلام با فاصله چند

ص: 69

1- تلخیص الشافی، شیخ طوسی، ج 3، ص 50 و ص 78 به نقل از ابراهیم ثقفی.

2- الکافی، ج 6، ص 18.

روزه از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اتفاق افتاده، صحیح نیست. این اشتباه از آنجا ناشی شده که طبق گزارش های تاریخی، هجوم به بیت حضرت فاطمه علیها السلام چند بار اتفاق افتاده است و در هجوم های اول درگیری صورت نگرفته تا منجر به شهادت حضرت محسن علیه السلام شود، لذا بعضی با تصور اینکه در هجوم اول، جریان آتش زدن درب خانه اتفاق افتاده، شهادت حضرت محسن علیه السلام را چند روز پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ذکر کرده اند که صحیح نمی باشد. بنابراین اقوی این است که شهادت حضرت محسن علیه السلام در این روز اتفاق افتاده است.

## 19 ربیع الثانی

### ورود حضرت امام رضا علیه السلام به استان یزد

یکی از گذرگاه های هشتمین امام شیعیان، حضرت امام رضا علیه السلام، شهرستان یزد و حومه آن می باشد که به محاسبه تقریبی از روز هفدهم تا سیم آبان ماه سال 195 شمسی برابر با نهم لغایت بیست و دوم ربیع الثانی 201 هجری قمری وارد این استان شدند (1) و هم اکنون به یادبود قدمگاه مبارک آن حضرت مکان های مقدسی معروف و مشهور است که شیعیان در سالروز ورود آن حضرت به استان یزد این مکانها را بزرگ می شمارند از جمله: مسجد فُردُ یزد و قدمگاه ابرکوه، دهشیر، توران پشت، فراشاه، تفت و خرائق. (2)

## 20 ربیع الثانی

### ساخت مسجد الأقصی

#### ساخت مسجد الأقصی (3)

بعضی از مورخین بنای مسجد بیت المقدس را به حضرت داوود نسبت می دهند که به دست فرزندش حضرت سلیمان پایان یافته است، بیت المقدس را «اورشلیم» نیز می گویند که در لغت عرب به معنای «بیت المقدس» است، بیت المقدس همواره مکان شریف و قبله اهل کتاب و امت داوود و اقوام دیگر بود که هنگام عبادت به آن جهت توجه می کردند. (4)

در بیت المقدس قبر شریف حضرت داوود و حضرت سلیمان و حضرت مریم مادر عیسی علیه السلام و قبر جناب آسیه زوجه فرعون می باشد. نزدیک بیت المقدس قبر حضرت عَزِیر و جناب راحیل، مادر حضرت یوسف، و در یک منزلی بیت المقدس شهر قدس الخلیل و قبر حضرت ابراهیم خلیل و حضرت اسحاق و حضرت یعقوب و حضرت یوسف و جناب ساره علیهم السلام می باشد و در شش

ص: 70

1- گاهشمار تقریبی حرکت امام رضا علیه السلام مطابق با مطالعات بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.

2- جغرافیای تاریخ هجرت امام رضا علیه السلام از مدینه تا مرو، جلیل عرفان منش.

3- وقایع الشهور، ص 89.

4- رجوع شود به: تاریخ اورشلیم، سید جعفر حمیدی، ص 76-78.

## 22 ربیع الثانی

### رحلت جناب موسی مبرقع علیه السلام

موسی مبرقع، فرزند امام جواد علیه السلام است که در سال 296 هجری قمری وفات نمود، آن جناب از مدینه به کوفه منتقل شد و سپس در سال 256 که سن شریفش حدود چهل سال بود از کوفه به قم هجرت نمود و بسیار مورد احترام و اکرام مردم قرار گرفت، و چون بسیار زیبا و ملیح بود به حضرتش یوسف عصر می گفتند، لذا وقتی از منزل خارج می شد برقع بر صورت خود می انداخت. بعدها خواهرانش جناب زینب و امّ محمد و میمونه به وی ملحق شدند و آنها در قم بودند تا اینکه از دنیا رفتند و در نزد قبر فاطمه معصومه علیها السلام دفن شدند، خود جناب موسی مبرقع در شب چهارشنبه، بیست و دوم ربیع الثانی در سال 296 از دنیا رحلت نمود. (2)

قبر شریف وی و نوه اش احمد در یک ضریح می باشد و دارای کرامات بسیاری است، همچنین خاندانش در کنار مرقد وی که به چهل اختران معروف است، مدفون می باشند.

لازم به ذکر است که دشمنان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در صدد تخریب چهره این خاندان برآمدند و به جناب موسی مبرقع همانند جناب جعفر فرزند امام هادی علیه السلام تهمت های ناروایی زدند مثل اینکه برای منفور نشان دادن چهره این امامزاده لازم التعظیم، جعل خبر نموده و گفته اند دنیا طلب و (العیاذ بالله) شارب خمر بوده و داستانی در این زمینه جعل نموده اند که راوی آن یعقوب بن یاسر، ساقی میخانه متوکل عباسی می باشد. (3) برای انسان مؤمن و بصیر چگونه ممکن است که این حکایت را از چنین شخص فاسقی که ساقی میخانه متوکل عباسی است بپذیرد، این نیست مگر اینکه در جهت تخریب خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام تهمت های ناروایی به فرزندان امامان معصوم وارد می کردند تا بتوانند مسلمانان را از درب خانه اهل بیت علیهم السلام دور سازند.

### وفات مولوی قندهاری رحمه الله

محمد حسن مولوی قندهاری از اساتید حقیر در حوزه علمیه مشهد مقدس بود که سالیانی از فیض

ص: 71

1- منتخب التواریخ، ص 216.

2- تاریخ قم، ص 215.

3- مرحوم محدث نوری رحمه الله می فرماید: «در هیچ یک از کتب رجالی نامی از یعقوب بن یاسر برده نشده و از مفاد خبر بر می آید که وی از خواص ندیمان متوکل بوده است که در مجلس عیش و نوش وی شرکت داشته و بر قبایح کردار و رفتار و حتی بر اسرار وی واقف بوده است، و چه بسا که پدرش یاسر همان یاسر خادم مخصوص مأمون بوده باشد و لذا استناد به خبر چنین شخص فاسقی هیچ اعتبار ندارد»؛ بدر مشعشع در حال ذریه موسی مبرقع علیه السلام، محدث نوری، ص 34-36.

حضور در کلاس های اخلاقی معظم له و شرح تفسیر بعضی از ادعیه و زیارات ائمه اطهار علیهم السلام استفاده نمودم و در زمان حیات آن استاد بزرگوار کتابی در شرح حالاتشان تألیف نمودم به نام «نفحة البار فی مدینة القندهار»، آن جناب کتاب را مطالعه نمودند و در بعضی از مطالب و ذکر تاریخها تصحیحی به عمل آوردند، سپس این کتاب را یکی از دوستانشان برای مطالعه از آن مرحوم می گیرد و دیگر آن را برنمی گرداند، لذا از مطالعه کنندگان این کتاب درخواست می کنیم چنانچه به این کتاب دسترسی پیدا کردند آن را به ما برسانند تا با تجدید نظر دوباره آن را در دسترس علاقه مندان قرار دهیم.

مرحوم محمد حسن مولوی قندهاری در هفدهم ربیع الاول به سال 1319 قمری در خانواده ای مذهبی در قندهار دیده به جهان گشود، پدرش میرزا محمد اکبر و پدر بزرگش آقا یوسفعلی اصالتاً اهل شیراز بودند و سالها بعد به افغانستان مهاجرت کردند.

معظم له پس از گذراندن مقدمات علوم دینی در زادگاهش، به سنین بیست سالگی به مشهد مقدس و سپس به نجف اشرف هجرت می کند و از محضر آیات عظام میرزا محمد حسین نائینی، آقاضیاء عراقی، سید علی قاضی، شیخ محمد حسین کاشف الغطاء و سید ابوالحسن اصفهانی بهره های علمی می برد و پس از مدتی به عنوان وکیل تام الاختیار سید ابوالحسن اصفهانی راهی کشورهای هند، پاکستان، افغانستان و ایران می شود و به مدت چهل سال اقامت در این کشورها خدمات شایانی به جهان تشیع می نماید و در کنار وعظ و ارشاد مردم موفق به ساختن حسینیه ها و مساجد متعددی می شود.

معظم له پس از چهل سال به حوزه علمیه نجف اشرف بر میگردد و در سال 1391 با سر کار آمدن دولت بعث عراق به ایران تسفیر می شود و در جوار امام هشتم حضرت امام رضا علیه السلام اقامت می گزیند و تا آخر عمر به وظایف دینی و ارشاد مردم می پردازد و شب های جمعه در منزل خود واقع در جوار امامزاده گنبد خشتی با ذکر فضائل و مصائب اهل بیت علیهم السلام جلساتی اقامه می کند و مردم از برکات انفاس قدسی معظم له بهره مند می گردند و همچنین آن مرحوم علاقه وافری به دست گیری و رسیدگی به امور فقرا داشتند.

معظم له تألیفاتی از خود به یادگار گذاشته اند که نمونه هایی از آن تألیفات را ذکر می کنیم:

1. «غبار نجف» در حقیقت معاد جسمانی؛ معظم له می فرمود: شبی وارد حرم مطهر امیرالمؤمنین علیه السلام شدم، دیدم خدام مشغول جاروب کردن هستند و گرد و غباری بلند شده و مردم در بینی و دهانشان را گرفته و عبور می کنند تا گرد و غبار وارد حلقشان نشود، ولی من به جهت این که این



گرد و غبار از مرقد منور آن امام همام و از خاک پای زائرانشان می باشد، به جهت تیمن و تبرک استنشاق عمیق می کردم که ناگهان در وجودم احساس انقلابی کردم که به وصف نمی آید، به خانه آمدم و از آن نشئه لذت می بردم و در همان حال قلم برداشتم و مشغول سرودن شدم که در خاتمه به یاد آن عنایت علوی نام سروده هایم را «غبار نجف» گذاشتم؛

2. «بیست و ششم رجب» قصیده ای در اثبات ایمان حضرت ابوطالب علیه السلام؛

3. «جوانمرد پرنده» در شرح حال حضرت جعفر طیار علیه السلام؛

4. «فهرست مراقد مقدسه شام و حلب و اردن»؛

5. «کوه یاقوت» درباره تاریخ و عظمت کعبه شریفه و منظومه ای از مناسک و اعمال حج و عمره؛

6. «طاووس أهل الجنة فی آیات التّائزلة بالإمام الحجّة علیه السلام»؛

7. «آب سناباد» در مدایح اهل البیت علیه السلام؛

8. «روضات الفردوس فی مزارات العراق»؛

9. «گلزار قندهار» درباره مزارات متبرکه قندهار و مناطق مجاور آن؛

10. «رسالة السبع المثانی» در تفسیر سوره حمد؛

11. «مناسک منظوم».

معظم له پس از یک قرن زندگی در 22 ربیع الثانی 1419 مطابق با 24 مرداد 1377 شمسی در مشهد مقدس چشم از جهان فرو بست و پیکر پاکش پس از تشییع باشکوه و اقامه نماز توسط آیه الله محمد تقی بهجت در صحن مطهر آزادی در کفشداری شماره 7 به خاک سپرده شد. خدایش رحمت کند.

## 23 ربیع الثانی

### بزرگداشت جناب جعفر طاهر (پاک) فرزند امام هادی علیه السلام

از تاریخ ولادت و وفات جناب جعفر علیه السلام مدرک تاریخی در دست نیست، ولی ما این روز را که در ایام شهادت جناب امام حسن عسکری علیه السلام است و جناب جعفر علیه السلام بین شیعیان از روی تقیه به عنوان امام و جانشین مطرح می شود به نام آن سید بزرگوار نامگذاری نمودیم.

جناب جعفر عمر کوتاهی داشت و در 45 سالگی به سال 271 هجری قمری در سامرا دار فانی را وداع گفت و در بیت پدری کنار پدر و برادر خود به خاک سپرده شد (1) و هم اکنون قبر مطهرش داخل

---

1- المجدى فى أنساب الطالبين، العمري، ص 330.

ضریح مطهر امام هادی و امام حسن عسکری علیهما السلام می باشد.

بعد از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام وقایع مهمی رخ داد که لازم است بر آنها دقت و تأمل بیشتری شود، از جمله آنها اتهاماتی است که به جناب جعفر فرزند امام هادی علیه السلام نسبت داده شده، چون بعد از شهادت امام عسکری علیه السلام دستگاه تبلیغاتی حکام آن زمان برای خرد کردن شخصیت جناب جعفر و ضربه زدن به «بیت امامت و ولایت» تبلیغات مسموم را به اوج خود رساند که مفصلاً در کتاب «طهر مطهر در تبرئه جناب جعفر، عموی امام زمان علیه السلام» تحقیق و بررسی نموده ایم و در اینجا به نحو اختصار به بررسی موقعیت جناب جعفر علیه السلام می پردازیم:

پر واضح است که امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام به شهر سامراء تبعید شدند و در میان لشکر (پادگان نظامی) که به آن «مُعسکر» می گفتند زندانی شده بودند تا از رفت و آمد مردم با آن دو امام همام جلوگیری به عمل آورند، لذا دشمنان آن دو امام علیهما السلام برای ضربه زدن به شخصیت آن دو امام علیهما السلام هر نیرنگ و حيله ای را بکار بردند تا مقام و منزلت آن دو بزرگوار را در انظار مردم پایین آورند و کوچک نشان دهند، از جمله آن نیرنگها، اتهاماتی است که متوجه جناب جعفر فرزند امام هادی علیه السلام نمودند.

دستگاه تبلیغاتی سعی داشت جناب جعفر را به عنوان امام و جانشین امام عسکری علیه السلام معرفی کند تا مردم را از توجه به «مهدی» و آخرین حجت الهی منصرف کند، چون آنان به واسطه روایات متعددی که به دستشان رسیده بود می دانستند «مهدی» از فرزندان امام حسن عسکری علیه السلام می باشد و اوست که بساط سلاطین و خلفای جور را بر می چیند.

لذا چند مرتبه بعد از شهادت امام عسکری علیه السلام به خانه آن حضرت هجوم بردند تا شاید «مهدی» را بیابند و حضرتش را نیست و نابود سازند، ولی این نقشه آنها عملی نشد و خداوند متعال آن حضرت را از هر گزندی حفظ نمود.

دستگاه خلفای عباسی دست به تبلیغات وسیعی زدند که امام عسکری علیه السلام فرزندی ندارد و جانشین آن حضرت برادرش جناب جعفر است، جناب جعفر نیز برای حفظ جان فرزند برادر و امام زمانش، هنگامی که نسبت جانشینی به او دادند، سکوت کرد و به ظاهر این مقام را پذیرفته بود ولی با حرکات و بیانات زیرکانه به دیگران می فهمانید که من امام نیستم.

- چنانکه نقل شده شیعیان هنگامی که بر آن جناب وارد شدند و تقاضای علم غیب نمودند، آن

جناب به آنها پرخاش می کند و می گوید من دارای علم غیب نیستم. (1)

- یا اینکه آن جناب نزد خلیفه عباسی رفته و تقاضای صدور حکم «امامت» برای خود می کند که خلیفه و درباریان به غضب آمده و به او می گویند: تو خیال می کنی ما پدر و برادرت را به مقام امامت و جانشینی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نصب کرده بودیم؟! و حال آن که هرکس به امامت آن دو اعتقاد می داشت گردنش را از لبه شمشیر می گذراندیم و به این صورت جناب جعفر را طرد می کردند، این رفتار جناب جعفر برای نشان دادن حقیقت بوده که به دیگران برساند: «من از جانب خدای تعالی امام نیستم». (2)

- جناب جعفر از افرادی است که به کرات فرزند برادرش امام حسن عسکری علیه السلام را دیده و به شرف ملاقاتش نائل آمده است و هیچ گاه از اختلاف و رویارویی با آن حضرت مطلبی نقل نشده، بلکه برعکس هنگامی که جناب جعفر می خواهد بر پیکر پاک برادرش نماز بخواند، ناگاه نور دیده برادرش آشکار می گردد و می فرماید: عمو جان! من به نماز خواندن بر پدرم از شما سزاوارترم، و جناب جعفر بدون هیچ اعتراض و درگیری لفظی به کنار می رود و اطاعت می کند و خواندن نماز را به آن حضرت واگذار می نماید، سپس از روی تقیّه می گوید: من این طفل را نمی شناسم! (اگر جناب جعفر این طفل را نمی شناخته است چگونه امامت را در نماز به او واگذار می کند و خود نیز به او اقتدا می نماید؟! (3)

- بعد از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام بستگان امام هادی علیه السلام در امر معاش به مضیقه و تنگی می افتند که از جمله آنها جناب جعفر بوده در این اثناء جناب «سوسن خاتون» همسر امام هادی علیه السلام و مادر امام حسن عسکری علیه السلام از ما ترک همسر و فرزندش به خاندان بنی هاشم کمک و یاری می رساند و تمام هزینه زندگی جناب جعفر را تأمین می کند و حال آنکه اگر اتهامات فاحشی که نسبت به جناب جعفر داده شده صحت می داشت، می بایست آن بانوی بزرگوار هیچگونه توجه و لطفی به جعفر ننماید. (4)

- در تاریخ نقل شده که به دفعات جناب جعفر را همراه برادر گرامیش امام حسن عسکری علیه السلام به زندان انداختند، (5) اگر جناب جعفر العیاض بالله شخص فاسقی می بود دستگاه خلفای عباسی از او بیم نمی داشتند و به زندان نمی انداختند.

- هیچگونه روایت صحیحی در مذمت جناب جعفر از امام هادی علیه السلام یا امام حسن

ص: 75

1- کمال الدین، ج 2، ص 476؛ طهر مطهر، ص 47.

2- مآثر الکبری فی تاریخ سامراء، ص 291؛ طهر مطهر، ص 46.

3- کمال الدین، ج 2، ص 475؛ رجوع شود به: طهر مطهر، نماز سیاسی جناب جعفر بر پیکر مطهر برادر، ص 204.

4- مآثر الکبری فی تاریخ سامراء، ج 1، ص 311؛ ریاحین الشریعه، ج 3، ص 25؛ طهر مطهر، ص 147.

5- مهج الدعوات، ج 1، ص 275؛ طهر مطهر، ص 197.

عسکری علیه السلام وارد نشده است، مگر روایتی که سندش مخدوش است و از امام هادی علیه السلام نقل شده که می فرماید: «سیضل به خلقاً كثيراً»<sup>(1)</sup> یعنی: «به زودی توسط جعفر خلق بسیاری گمراه می شوند».

سؤال اینجاست که این «خلق کثیر» یعنی «گروه بیشمار» کیانند؟ و چرا در تاریخ از این «گروه بیشمار» نام و نشانی نیست؟ آیا عدم وجود این «گروه بیشمار» دلالت بر جعلی بودن این روایت نمی کند؟!!

- و یا روایتی ضعیف السند از امام زین العابدین علیه السلام نقل شده که در ضمن آن می فرماید: به این جهت حضرت امام ششم را جعفر «صادق» علیه السلام می گویند که پنجمین از نوادگان آن حضرت مسّی به جعفر است و به دروغ ادعای امامت می کند.<sup>(2)</sup> آیا واقعاً امام ششم را «صادق» علیه السلام می گویند، به جهت اینکه نسل پنجمش دروغگو و کذاب است؟! و در دیگر فرزندان از نسلش کذاب وجود نداشته و فقط این ذریّه کذاب بوده است؟! این استدلال برای صادق بودن امام ششم علیه السلام صحیح نیست در حالی که در روایت آمده است لقب صادق از جانب خدای تعالی و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به آن حضرت داده شده، چون زمان آن حضرت مساعد بوده که بسیاری از حقایق دین را به مسلمانان برساند و هرچه فرموده عین صدق و مطابق با واقع و حقیقت اسلام بوده است، لذا دوست و دشمن آن حضرت را صادق القول و الفعل می دانستند که دلالت بر حقانیت و حجّت بودن آن حضرت می کند.

- در بعضی از توقیعات که از ناحیه مقدس امام زمان علیه السلام صادر شده، بعضی از اتهامات به جناب جعفر زده شده است که تمام این توقیعات سند ندارد، و چه بسا دشمن این تهمت ها را در آن توقیعات وارد کرده و اضافه نموده است، مثل اینکه آمده است:

- جناب جعفر شارب خمر بوده و شیشه های خمیری که می خورده در خانه اش هست.

- و یا اینکه آن جناب دست به هر منکری می زده است.

- ادعای امامت و جانشینی امام عسکری علیه السلام را کرده است.

- تارک الصلّاة بوده و چهل روز نماز نخوانده است.

اشکالی که به این توقیعات بعد از ضعف سند وارد است این است که:

آیا امام زمان علیه السلام که رحمة للعالمین است و خود پدر دلسوز امت می باشد، آیا می شود از امور پنهانی و معاصی اخفاتی دیگران خبر دهند؟

چون بر فرض اینکه جناب جعفر ادعای امامت کرده باشد بر معصوم علیه السلام است که ردّ امامت وی

ص: 76

1- کمال الدین، ج 1، ص 320.

2- کمال الدین، ج 1، ص 587.

را اعلام کند نه اینکه از امور پنهانی وی خبر دهد، و شیعیان نیز با ادله ای مثل درخواست علم غیب و رجوع به نصوص موجود از امامان پیشین (امام هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام) در می یافتند که جعفر بعد از برادرش امام نیست، چه لزومی داشته که امام زمان علیه السلام از فسادهای باطنی و اعمال خلاف شرع مثل چهل روز نماز نخواندن و شرب خمر و سایر گناهان جعفر خبر دهند؟! آیا خود این امر یعنی فاش نمودن سرّ دیگران در شأن امام معصوم است؟!

پس بر شخص بصیر و دقیق پر واضح است که این اتهامات به جناب جعفر واقعیت ندارد و از ناحیه دشمن می باشد نه امام زمان علیه السلام، که در روایات و توقیعات وارد کرده اند و امام زمان علیه السلام هرگز سرّ کسی را فاش نمی کنند چه رسد به عموی ایشان جناب جعفر. خلاصه اینکه نتیجه می گیریم که این اتهامات و معاصی کبیره هرگز از جناب جعفر سرزده بلکه توسط دشمن در روایات ما داخل گردیده تا ضربات محکمی بر پیکره اعتقاد به «بیت عصمت و امامت» بزند.

و همچنین در بعضی از توقیعات دیگر آمده است که: «اما سبیل عمی جعفر و ولده، فسبیل اخوة یوسف» (1) یعنی: عاقبت، جناب جعفر همانند برادران یوسف پیامبر هدایت شده و امام زمان علیه السلام وی را عفو نموده اند، و در روایتی دیگر آمده است: «إنه بمنزلة کنعان من نوح» (2) یعنی: عاقبت، جعفر هدایت نشد و همانند فرزند نوح که بیایمان به هلاکت رسید، جناب جعفر نیز عاقبت بخیر نگردید.

در واقع این دو روایت نیز بدون سند می باشند و با یکدیگر تعارض دارند، چون روایت اول حکایت از «عاقبت بخیر شدن» جعفر دارد و روایت دوم حکایت از «عاقبت بخیر نشدن» جعفر، پس به قاعده «اذا تعارضا تساقطا» هر دو روایت از حیث اعتبار ساقط می گردند. اینگونه روایات را دشمن وارد احادیث نموده تا جایی که امر جناب جعفر بر بعضی از شیعیان نیز مشتبه شده است.

صاحب کتاب «حیة الإمام العسکری علیه السلام» می نویسد: می گویم ظاهراً آنچه به جناب جعفر فرزند امام هادی علیه السلام نسبت داده شده از اموری است که به اهل بیت علیهم السلام نمی چسبد، همه آنها اکاذیب و دروغ هایی است که بنی عباس و کسانی که همانند آنها هستند در دشمنی به آن حضرت نسبت داده اند و الا جناب جعفر از صادقین و مؤمنین به ولایت ائمه معصومین علیهم السلام می باشد و وی آگاه به ولادت امام مهدی علیه السلام بوده و متحمل سختی های بسیاری شد، تا انظار حکومت بنی العباس را از امام مهدی علیه السلام منصرف سازد و خطر را از وجود مقدس پسر برادرش دور سازد و حکومت تصور

ص: 77

1- کمال الدین، ج 2، ص 484؛ طهر مطهر، ص 225.

2- الهدایة الکبری، ص 382؛ التذکرة العظیمیة، ص 51؛ طهر مطهر، ص 116.

کند او بزودی متصدی امامت، بعد از برادرش می شود و تمام این اقدامات جعفر به امر پدرش امام هادی علیه السلام و برادرش امام حسن عسکری علیه السلام بوده است و از اینجاست که صحیح نمی باشد جناب جعفر را به کذاب یا کاذب لقب داد. (سپس در ادامه می نویسد) و هرچه در این زمینه نقل شده:

- از طریق ما (شیعیان) نمی باشد.

- یا (از حیث سندی) ضعیف هستند.

- یا باید (آنها را) تأویل کرد.

- یا به جهت تقیه صادر شده.

- یا اینکه (دشمن) وارد احادیث ما کرده است.

- و اصلاً سند (صحیحی) برای آنها نیست.

پس همانا جعفر مؤمن بوده، و مطیع ائمه معصومین از پدر و برادر و فرزند برادرش بوده است. (1)

و همچنین صاحب کتاب «تثقیب الائمة بسیر اولاد الائمة» می نویسد: «و جناب جعفر متهم شده است که دروغگو بوده و معروف شده به جعفر کذاب به جهت ادعای امامت نمودن بعد از وفات برادرش امام عسکری علیه السلام».

سپس می نویسد: «ظاهراً این اتهام صحت ندارد و این تهمت از مفتریات بنی العباس بوده یا اینکه به جهت تقیه صادر شده و تمام آنچه نقل شده نزد ما از جهت دلالت و سند ثابت نیست و آنچه نقل شده از اینکه آن جناب ادعای امامت کرده، اگر صحیح باشد، همانند محمد حنفیه عمل نموده برای حفظ جان امام زمانش؛ چنانکه محمد حنفیه برای حفظ جان امام زین العابدین علیه السلام عمل نموده است. تاجایی که بعضی تصور کردند وی امام و جانشین برادرش امام حسین علیه السلام است، لذا مصلحت در زمان شهادت امام حسن عسکری علیه السلام نیز اقتضاء می کرد امام مهدی علیه السلام پنهان بمانند و جناب جعفر برای حفظ جان امام زمانش در صحنه ظاهر شود، بدین جهت است که امر بر بعضی مشتبه شده و تصور کردند جناب جعفر، واقعاً ادعای امامت کرده است، لذا آنچه در حق جناب جعفر گفته شده از اتهامات است و صحیح نمی باشد». (2)

طبرسی در کتاب «إعلام الوری» نقل کرده است که: خلیفه عباسی، امام حسن عسکری علیه السلام را همراه برادرش جناب جعفر زندانی نمود و پس از مدت مدیدی که امام عسکری علیه السلام را آزاد کردند

ص: 78

1- حیات الامام العسکری علیه السلام، ص 91.

2- تثقیب الائمة بسیر اولاد الائمة، ص 489.

حضرتش حاضر به خروج از زندان نشدند تا اینکه برادرشان جعفر نیز آزاد شود و خلیفه دستور آزادی جعفر را نیز صادر کرد. (1)

چنانچه گذشت جناب سوسن خاتون مادر امام عسکری علیه السلام و همسر امام هادی علیه السلام در تنگدستی بنی هاشم در سامراء متکفل امور معاش جناب جعفر می شوند.

با بررسی دقیق وقایع تاریخ جناب جعفر چنین بدست می آید که آن جناب سه امام معصوم را درک کرده و تحت پرورش امام هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام بوده و با برنامه و ظرافت خاصی خود را سپر حفظ جان امام زمانش نمود و تلویحاً به همه می رسانید که من عالم به غیب نیستم و امام واقعی نمی باشم و پس از رحلتش در سال 271 هجری قمری با اذن حضرت بقیة الله ارواحنا فداه در جوار پدر عزیز و برادر گرامش به خاک سپرده می شود. (رحمة الله علیه).

## 25 ربیع الثانی

### کناره گیری معاویه بن یزید از خلافت و انتقال سلطنت از آل ابوسفیان به آل مروان

پس از به درک واصل شدن یزید بن معاویه در 14 ربیع الاول سال 64 هجری قمری، فرزندش معاویه به جای وی نشست. او پس از گذشت چهل روز بر فراز منبر رفت و خطبه خواند و ضمن یادآوری اعمال شنیع و ظالمانه پدران خویش، آنها را لعن نمود و از افعال و کردارشان اظهار براءت کرد و پس از گریه شدید خود را از خلافت خلع کرد. مروان بن حکم که پای منبر او حاضر بود، برخاست و گفت: اکنون که طالب خلافت نیستی، امر خلافت را به شورا واگذار کن، همچنانکه عمر بن الخطاب چنین کرد. (2) او گفت: من حلاوت خلافت را نچشیدم، پس چگونه راضی شوم تلخی و مرارت آن را بچشم؟! (3) پس معاویه از منبر پایین آمد و به خانه اش رفت و پیوسته مشغول گریه و زاری شد تا اینکه پس از مدتی در گذشت. (4)

چون معاویه خود را خلع نمود، طایفه بنی امیه، عمر بن مقصوص، مؤدب او را گفتند که تو او را به حبّ علی و بغض امویه تأدیب کرده ای، او گفت: چنین نیست، بلکه جبلی اوست. این سخن را از وی شنیدند و او را گرفتند و زنده در گور کردند. (5)

و برخی کیفیت مرگ معاویه ثانی را چنین نقل کرده اند که او را با زهر مسموم نمودند. (6) ولید بن عتبة بن ابی سفیان که در طمع خلافت بود، بر جنازه معاویه بن یزید حاضر شد تا بر آن نماز بخواند،

ص: 79

1- إعلام الوری، ج 4، ص 293.

2- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 254.

3- مروج الذهب، ج 3، ص 73؛ اخبار الدول، ج 2، ص 16.

4- تاریخ الطبری، ج 5، ص 531.

5- حیاة الحیوان، دمیری، ج 1، ص 94.

6- تاریخ الطبری، ج 5، ص 531؛ الکامل فی التاریخ، ج 4، ص 130.



هنگامی که تکبیر گفت مورد حمله افراد ناشناسی قرار گرفت و او نیز کشته شد، آنگاه شخص دیگری بر بدن وی نماز خواند و در دمشق به خاک سپردند و بدین ترتیب سلطنت از آل ابوسفیان به آل مروان انتقال یافت. (1)

## 27 ربیع الثانی

### وفات آیه الله سید احمد خوانساری رحمه الله

آیه الله حاج سید احمد موسوی خوانساری رحمه الله صاحب کتاب گرانسنگ «جامع المدارک» از مراجع عظام شیعه است که در زهد و پرهیزکاری و مبارزه با هوای نفس بینظیر بود، وی به درخواست آیه الله بروجردی عازم تهران گردید و در مسجد عزیز الله به اقامه درس و نماز و رفع مشکلات مردم پرداخت.

سپس در سن 98 سالگی در سال 1405 هجری قمری در تهران وفات یافت و جنازه مطهرش را به قم حمل نموده و در مسجد بالای سر حضرت معصومه علیها السلام دفن کردند.

## 28 ربیع الثانی

### رحلت علامه امینی رحمه الله

آیه الله علامه بزرگوار حاج عبدالحسین امینی فرزند احمد از علمای جهان تشیع بوده و خدمات ارزنده ای به جهان تشیع نموده است، از جمله: تألیف کتاب گرانسنگ و بینظیر او «الغدیر» در یازده مجلد است که در اثبات خلافت بلافصل و امامت و ولایت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است و همچنین دارای تألیفات ارزنده دیگر می باشد.

از جمله خدمات دیگر او احداث کتابخانه نمونه به نام کتابخانه امیرالمؤمنین علیه السلام است که دارای کتاب های بسیار ارزنده و نفیس و خطی می باشد و خود علامه در سخنرانش می فرماید: «برای احداث کتابخانه و جمع آوری کتاب های آن بسیار رنج بردم».

علامه امینی در چنین روزی به سال 1390 هجری قمری وفات یافته و در کتابخانه خودشان به خاک سپرده شدند. (روحش شاد)

## مرگ ابن عربی

در این روز به سال 638 قمری مرگ محیی الدین عربی از علمای ابناء عامه و متصف به سلوک صوفیه بوده (2) که مشهورترین کتب او «فتوحات مکیه» و «فصوص الحکم» است. وی قائل به وحدت

ص: 80

1- مروج الذهب، ج 3، ص 73؛ تامة المنتهی، ص 99.

2- شذرات الذهب، ابن عماد، ج 5، ص 202؛ نفع الطیب، مقرئ، ج 2، ص 162.

وجود و کشف و شهود صوفیه بوده و در بعضی از مکاشفات می کند شیعیان را هجو نموده است. (1)

ابن عربی در فتوحات مکیه می گوید: «شیطان همه شیعیان به ویژه شیعه امامیه را فریب داده است. آنان در دوستی و محبت اهل بیت از حدّ و مرز خود پافراتر نهاده، به گونه ای که برخی از صحابه، مورد خشم آنها قرار گرفته و به این پندار که اهل بیت از این کار خرسندند، به سبّ و ناسزای این دسته از صحابه پرداخته اند». (2)

و دیگر اعتقاداتش اینکه در تفسیر آیه 150 سوره اعراف می گوید: «حضرت موسی محاسن برادرش هارون را گرفت که چرا نگذاشتی مردم بر طریق گوساله پرستی باشند، چون آنان به این طریق خدا را می پرستیدند!!!» (3)

### 30 ربیع الثانی

#### به درک رفتن خالد بن ولید

در چنین روزی خالد بن ولید به سال 21 یا 22 هجری قمری بیماری سختی گرفت و به درک واصل شد. (4) او از مشرکین مکه بود و علیه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در جنگها همراه مشرکین بود و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم را بسیار آزرده بود تا اینکه پس از بیست سال بعد از بعثت به همراه عمر و عاص به ظاهر اسلام آورد. او کینه و دشمنی خاصی با امیرالمؤمنین علیه السلام داشت و به فاطمه زهرا علیها السلام نیز بسیار دشمنی کرد.

وی مردی بیباک بود، لذا به امر شیخین بعد از نماز صبح می خواست امیرالمؤمنین علیه السلام را به شهادت برساند که قبل از هر اقدامی آن حضرت متوجه شدند و با دو انگشت مبارکشان گلوی خالد را گرفتند و به سینه دیوار چسبانیدند، خالد نعره ای کشید، هر چه تلاش کرد نتوانست خودش را خلاص کند و لباسش را نجس کرد و هر چه مردم خواستند او را برهانند نتوانستند تا اینکه عباس عموی آن حضرت را آوردند، عباس آن حضرت را به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، حسنین علیهم السلام و مادرشان علیها السلام قسم داد تا این که او را رها ساخت. (5) همچنین او مالک بن نویره را با عده زیادی از قبیله اش به جرم بیعت نکردن با ابوبکر کشت و در همان شب با همسر مالک زنا کرد، وقتی عمر این قضیه را شنید گفت: تو را سنگسار می کنم، ولی این کار را نکرد. (6)

ص: 81

1- فتوحات مکیه، ج 2، ص 8.

2- فتوحات مکیه، ج 4، ص 280.

3- فصوص الحکم، ص 354.

4- وقایع الشهور، ص 91.

5- الإحتجاج للطبرسی، ج 1، ص 89.

6- سبعة من السلف، ص 346.

ماه جمادى الاول

اشاره

ص: 82

### صدور حکم تحریم تنباکو توسط میرزای بزرگ شیرازی

در چنین روزی به سال 1309 هجری قمری به جهت جلوگیری از نفوذ استعمار انگلیس در ایران، فتوای تحریم تنباکو توسط آیت الله سید محمد حسن شیرازی رحمه الله صادر شد.

قضیه جنش تنباکو در زمان ایشان اینگونه بود که طی قراردادی ناصرالدین شاه امتیاز توتون و تنباکو را به انگلیس واگذار نمود و میرزای شیرازی با صدور فتوای تاریخی خود، ناصرالدین شاه را مجبور به فسخ آن نمود، آن بزرگوار در سال 1309 قمری این فتوا را صادر نمود:

بسم الله الرحمن الرحيم

اليوم استعمال تنباکو و توتون بآیّ نحو کان در حکم محاربه با امام زمان عجل الله فرجه است.

پس از صدور این فتوا مردم از مصرف توتون و تنباکو خودداری کردند تا اینکه معاهده و قرارداد امتیاز لغو شد. ناصرالدین شاه با عقد یک قرارداد در ماه رجب 1307 قمری برابر با 24 اردیبهشت 1268 خورشیدی امتیاز تنباکو را به مدت 50 سال به انگلیس واگذار نمود، واگذاری این امتیاز لطمه ای بر کشت کاران تنباکو، خریداران، فروشندگان و مصرف کنندگان آن در پی داشت، چون در حقیقت انبوه اصناف و بازاریان تنباکو به یک شرکت بیگانه فروخته شده بودند و تبدیل به عاملان برای انگلیس شده که دستمزد دریافت می کردند و از استقلال آنان و از کسب و تجارت در سود حاصله محروم شده بودند و در آن زمان مسئله تنباکو یکی از کالاهای تجارتي مهم کشور و بازار بود که تأثیر بسزایی در رونق اقتصادی کشور می داشت، اینجا بود که آية الله سید محمد حسن شیرازی فتوای تحریم تنباکو را صادر کرد و پس از آن مردم در آستانه حضرت عبدالعظیم علیه السلام تحصن نمودند، اعتراض مردمی در شهرهای مختلف همه گیر شد و عاقبت باعث لغو امتیاز انحصار تنباکو گردید.

در آن زمان میرزای شیرازی در شهر مقدس سامراء که تحت تسلط دولت عثمانی بود، زندگی می کرد و دولت انگلیس طی نامه ای به دولت عثمانی نوشت که شخصیت «میرزا محمد حسن شیرازی» را به آن دولت معرفی کند که چگونه وی با نفوذی که در مردم دارد در معادلات اقتصادی و سیاسی ایران تأثیرگذار است؟!

دولت عثمانی که به رهبری احمدپاشا بوده هنگامی که از حقیقت امر مطلع شد غیرت دینی و

اسلامی وی را گرفت و در جواب به این مضمون چنین نوشت: پس از تحقیقات و بررسی های لازم دولت عثمانی مرقوم می دارد میرزا محمد حسن شیرازی یکی از علمای بلند پایه اسلام می باشد که در جهان از باب ریاست ظاهری و مایملک دنیایی هیچ ندارد مگر دو نوکر و غلام: 1. احمد پاشا 2. ناصرالدین شاه.

## 2 جمادی الاول

### وفات علامه نهاوندی رحمه الله

علامه حاج شیخ علی اکبر نهاوندی رحمه الله فرزند شیخ حسین نهاوندی از علمای بزرگ جهان تشیع است که خدمات بسیاری نموده از جمله کتاب های ارزنده ای از خود بجای گذاشته که یکی از آنها «العبقری الحسان فی احوال صاحب الزمان علیه السلام» می باشد که الحق و الانصاف تاکنون کتابی جامع و دائرة المعارفی سودمندتر از آن پیرامون امام زمان علیه السلام نوشته نشده است.

برخی دیگر از تألیفات آن جناب عبارتند از: «آنهار النوائب فی أسرار المصائب»، «البنیان الرفیع فی احوال خواجه ربیع»، «جنتان مدهامتان»، «أنوار المواهب فی أسرار المناقب»، «خزینة الجواهر»، «طور سیناء در شرح حدیث کساء» و ... .

آن جناب در چنین روزی سنه 1369 هجری قمری در مشهد مقدس وفات یافت و کنار مرقد مطهر امام رضا علیه السلام در رواق دار السعادة پایین پای آن حضرت به خاک سپرده شد. (رحمة الله علیه)

استادم مرحوم حضرت آیه الله سید محمود مجتهدی سیستانی سر درس به مناسبت اینکه ذکر مرحوم شیخ علی اکبر نهاوندی شده بود، این حکایت را نقل نمودند:

آیه الله سید حسین بروجردی، در ماه مبارک رمضان به زیارت امام رضا علیه السلام مشرف می شوند، مرحوم شیخ علی اکبر نهاوندی خدمتشان می رسد و به جهت تعظیم و احترام تقاضا می کنند ایشان به جایشان در مسجد گوهرشاد به جماعت بایستند، ابتدا آیه الله بروجردی نمی پذیرند ولی با اصرار مرحوم نهاوندی پذیرفتند و کلّ ماه رمضان در مکان آیه الله نهاوندی نماز جماعت می خوانند.

بعدها مرحوم نهاوندی نقل کرده اند: پس از آن به عتبات عالیات عراق مشرف شدم تا اینکه بر مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی که مرجعیت مطلقه به ایشان اختصاص داشت، وارد شدم. از من تقاضا کردند در مکان ایشان در صحن مطهر امیرالمؤمنین علیه السلام به جماعت بایستم و من خود را لایق آن نمی دانستم که به جای مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی به نماز بایستم، ولی با اصرار مرحوم سید پذیرفتم، بعد از نماز مغرب در نافله دوم صدایی از ناحیه مرقد مطهر امیرالمؤمنین علیه السلام شنیدم که فرمود: جای دادی،

جای دادیم «عظمت ولدی فعظمتک» یعنی: «فرزندم را بزرگ داشتی، من هم تو را بزرگ داشتم».

## 5 جمادی الاول

### ولادت حضرت زینب علیها السلام به قولی

برخی چنین روزی به سال پنجم هجری را ولادت حضرت زینب علیها السلام دخت گرانقدر فاطمه زهرا علیها السلام گزارش کرده اند که در ایام حزن حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است و نمی توان در این ایام مجالس جشن باشکوهی برای آن بی بی اقامه کرد.

باید گفت با صرف نظر از مستدرک سفینه البحار و ریاحین الشریعة که دو روز (اول شعبان و پنجم جمادی الاول) را ذکر کرده اند، سند و مأخذ معتنی به که تصریح به پنجم جمادی الاول کرده باشد، وجود ندارد و حال آنکه با تحقیق و بررسی که در بعضی از منابع معتنی به نمودیم، مثل: معالی السبطين، بحرالمصائب و خصائص الزینبیه علیها السلام که تصریح در اول شعبان دارند و مستدرک سفینه البحار و ریاحین الشریعة که اول شعبان را نیز ذکر کرده اند (1) و با توجه به اینکه شیعیان مصر به خاطر گزارش حسن محمد قاسم مصری (2)، اول شعبان را ولادت با سعادت حضرت زینب علیها السلام دانسته و جشن می گیرند، اول شعبان به سال پنجم هجری میلاد با سعادت آن بی بی می باشد و ما این روز (اول شعبان) را انساب می دانیم، به جهت اینکه ماه شعبان، ماه میلاد شهدای کربلا می باشد و برای احیاء و بزرگداشت آن بی بی علیها السلام با مجالس پرشکوه موالیان آن حضرت، مناسبت بهتری دارد؛ لذا ما در اول شعبان راجع به کیفیت ولادت آن مخدره مطالبی را بیان کردیم، به آنجا رجوع شود.

## 6 جمادی الاول

### جنگ موته و شهادت جناب جعفر، برادر امیرالمؤمنین علیه السلام

در چنین روزی در سال هشتم هجری قمری جنگ موته واقع شد. (3) موته از اراضی شام است و از آنجا تا بیت المقدس دو منزل مسافت است و در جنگ با هرقل سلطان روم بوده؛ علت جنگ این بوده که پادشاه روم فرستاده رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم جناب حارث بن عمیر الازدی را گرفت و دست هایش را بست و سپس گردن او را زد. خبر به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رسید و بر آن حضرت خیلی ناگوار آمد، لذا

ص: 85

1- معالی السبطين، ص 633؛ بحر المصائب؛ خصائص الزینبیه علیها السلام، ص 33؛ ریاحین الشریعة، ج 3، ص 33؛ مستدرک سفینه البحار، ج 5، ص 413.

2- السیدة زینب علیها السلام، ص 20.

3- وقایع الشهور، ص 94.

لشکری به سوی شام فرستادند که خودشان و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در آن شرکت نداشتند. (1) در این جنگ امیر لشکر را جناب جعفر برادر امیرالمؤمنین علیه السلام قرار دادند و فرمودند: «اگر جعفر شهید شد، زید بن حارثه و پس از او جناب عبدالله بن رواحه امیر باشد و هرگاه هر سه شهید شدند یک نفر را خودتان انتخاب کنید»، (2) هر سه در این جنگ شهید شدند و در یک مکان دفن شدند. (3)

جناب جعفر بن ابیطالب علیه السلام دارای منزلتی بس سترگ است و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم او را بسیار دوست می داشتند، جناب جعفر علیه السلام پس از علی بن ابیطالب علیه السلام اولین مردی بود که به امر پدرش حضرت ابوطالب علیه السلام پشت سر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نماز گزارد، (4) او همیشه در مکه یاور و جان نثار رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود، تا اینکه به امر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای حفظ جان خود و سایر مسلمانان صدر اسلام به حبشه هجرت نمود و در روز فتح خیبر همسرش، أسماء بنت عمیس و دیگر مسلمانان را برداشت و در مدینه خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رسید، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از آمدن او چنان خرسند شدند که فرمودند: «نمی دانم از کدام خوشحالت‌تر باشم، از فتح خیبر یا آمدن جعفر...» (5)

دشمنان در جنگ موته به واسطه شجاعت های جناب جعفر علیه السلام جرأت نمی کردند او را از پای در آورند، لذا دفعتاً بر او حمله کرده و هجوم آوردند و با اینکه جراحت های زیادی بر حضرتش وارد کرده بودند و دست هایش را قطع کرده بودند، بدن آن حضرت را با نیزه از زمین بلند کردند، در همان لحظه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مدینه بر فراز منبر تشریف داشتند و واقعه را برای مسلمانان تعریف می کردند که ناگهان صورت مبارکشان متغیر شد و رو به طرف آسمان کردند و در حق جعفر علیه السلام دعا نمودند و خبر شهادتش را دادند. سپس فرمودند: «خداوند دو بال به آن بزرگوار عنایت فرمود که با ملائکه در بهشت پرواز می کند». (6)

از جمله عنایات رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به جعفر، نمازی است که به آن حضرت تعلیم دادند که دارای آثار و برکات بیشماری است و معروف به نماز جعفر طیار علیه السلام می باشد. (7)

ص: 86

1- المغازی للواقدی، ج 2، ص 755.

2- إعلام الوری، ص 102.

3- عمدة الطالب فی أنساب آل أبي طالب، ص 36.

4- أسد الغابة، ج 1، ص 287؛ تاریخ مدینة دمشق، ج 72، ص 125.

5- الطبقات الکبری، ج 4، ص 35.

6- المغازی للواقدی، ج 2، ص 762؛ تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 65؛ السیرة النبویة، ج 4، ص 22.

7- وسائل الشیعه، ج 8، ص 49.

## ورود امام رضا علیه السلام به نیشابور

در چنین روزی به سال 201 قمری حضرت رضا علیه السلام که به امر مأمون عباسی راهی مرو شده بودند، وارد شهر نیشابور شدند. (1)

وقتی امام رضا علیه السلام قصد خروج از نیشابور و حرکت به سوی مأمون را داشتند، محدثان جمع شدند و عرض کردند: ای پسر پیامبر! از شهر ما تشریف می برید و برای استفاده ما حدیثی بیان نمی فرمایید؟ پس از این تقاضا حضرت سرشان را از کجاوه بیرون آورده و فرمودند:

شنیدم از پدرم موسی بن جعفر علیهما السلام و او از پدرش جعفر بن محمد علیهما السلام و او از پدرش محمد بن علی علیهما السلام و او از پدرش علی بن الحسین علیهما السلام و او از پدرش حسین بن علی علیهما السلام و او از پدرش علی بن ابی طالب علیهما السلام و او از برادر و پسر عمویش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و او از جرئیل و او از حضرت ربّ العزّة جلّ جلاله که فرمود: «(کلمة) لا إله إلا الله حصنی فمن دخل حصنی أمن من عذابی» یعنی: «کلمه لا اله الا الله سنگر و دژ من است، هر کس به این دژ وارد شود از عذاب من ایمن است»؛

سپس زمانیکه مرکب حضرت حرکت کرد، با صدای بلند فرمودند: «بشروطها و أنا من شروطها» (2) یعنی: «(البته) با شرایطش و من جزء شرایط آنم».

بعضی صدور این حدیث را هنگام ورود امام رضا علیه السلام به شهر نیشابور ثبت کرده اند، چنانکه «کشف الغمّة» به نقل از حاکم نیشابوری در کتاب «تاریخ نیشابور» می نویسد:

هنگامی که امام رضا علیه السلام با کجاوه وارد نیشابور شدند، امام علیه السلام داخل کجاوه نشسته بودند و احدی صورت ایشان را نمی دید، دو تن از پیشوایان اهل حدیث نیشابور به پیشواز امام آمده و عرضه داشتند: ای سرور فرزندان سروران! ای پیشوا فرزندان پیشوایان! و ای سلاله طاهره رضیه! و ای خلاصه زاکیه نبویه! تو را به حق پدران و دودمان بزرگوارت، چهره مبارکت را باز کن و از پدران برای ما حدیثی نقل نما.

در این هنگام مرکب حضرت متوقف شد و سایبان به کنار رفت و دیدگان مسلمانان از جمال مبارک و طلعت روشن او منور شد. مردم همگان از جای خود برخاسته و به احترام آن جناب ایستادند، گروهی از مردم گریه می کردند و جماعتی فریاد هلهله و شادی برآورده و دست های جامه های خود را پاره نمودند، عده ای خود را به خاک انداخته و بعضی افسار استرش را می بوسیدند و تعدادی سرهای خود را بلند کرده

ص: 87

1- گاهشمار تقریبی حرکت امام رضا علیه السلام مطابق با مطالعات بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی علیه السلام .

2- التوحید للصدوق، ص 25.



به جایگاه آن جناب می نگریستند، این ازدحام و غوغا تا هنگام ظهر به طول انجامید و اشک از دیدگان مردم جاری بود، آنگاه زمانیکه فریادها خاموش شد و سکوت همه جا را فرا گرفت، علما و اهل فضل فریاد برآوردند که ای گروه مردم بشنوید و گوش فرا دهید و فرزند رسول خدا را اذیت نکنید تا حضرتش برای ما حدیث بفرماید، حضرت رضا علیه السلام نیز حدیثی املا فرموده و حدود بیست و چهار هزار قلم به دست حدیث را نوشتند» (1) این حدیث بعدها به علت راویان آن که همگی از معصومان هستند و یا به جهت نوشتن مردم نیشابور این حدیث را با آب طلا، به حدیث «سلسلة الذهب» معروف گشت.

جدول تاریخ تقریبی حرکت امام رضا علیه السلام از مدینه تا مرو (201 - 200 قمری / 196 - 195 شمسی) به شرح زیر می باشد:

رویداد = روز = تاریخ قمری = تاریخ شمسی

\* وداع با مرقد پیامبر صلی الله علیه و آله = دوشنبه = 14 محرم 201 = 25 مرداد 195

\* آغاز حرکت از مدینه = سه شنبه = 15 محرم 201 = 26 مرداد 195

\* ورود به بصره = یکشنبه = 3 صفر 201 = 13 شهریور 195

\* ورود به اهواز = شنبه = 16 صفر 201 = 26 شهریور 195

\* ورود به اصطخر (میان مرو دشت و شیراز) = چهارشنبه = 26 ربیع الاول 201 = 4 آبان 195

\* ورود به ابرکوه = سه شنبه = 9 ربیع الثانی 201 = 17 آبان 195

\* ورود به دهشیر = یکشنبه = 14 ربیع الثانی 201 = 22 آبان 195

\* ورود به اسلامیه (فراشاه) = جمعه = 19 ربیع الثانی 201 = 27 آبان 195

\* ورود به یزد (کته) = دوشنبه = 22 ربیع الثانی 201 = 30 آبان 195

\* ورود به نیشابور = دوشنبه = 7 جمادی الاول 201 = 14 آذر 195

\* ورود به طوس = جمعه = 25 جمادی الاول 201 = 2 دی 195

\* ورود به سرخس = پنجشنبه = 1 جمادی الثانی 201 = 8 دی 195

\* ورود به مرو = جمعه = 10 جمادی الثانی 201 = 17 دی (2)

ص: 88

2- گاهشمار تقریبی حرکت امام رضا علیه السلام مطابق با مطالعات بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی علیه السلام .

جناب شمس الدین محمد بن جمال الدین مکی العاملی مشهور به «شهید اول» در سنه 734 هجری در قریه جزین جبل عامل لبنان ولادت یافت، وی کسی است که با اینکه دستور قتل او صادر شده بود و جز کتاب «مختصر النافع» کتاب فقهی دیگری در دست نداشت در مدت هفت روز در زندان کتاب پر ارزش «اللمعة الدمشقیة فی فقه الإمامیة» را نوشت و پس از یکسال زندانی شدن در شام، آخر الامر به فتوای قاضی برهان الدین مالکی و عباد بن جماعه شافعی در سال 786 هجری قمری با شمشیر کشته و به دار آویخته شد و سپس او را سنگباران کرده و به آتش کشیدند، (1) وی در چنین روزی و به قولی در نوزدهم جمادی الاول به شهادت رسید. (2) (روحش شاد باد)

### حضرت زهرا علیها السلام، پیراهن ابراهیم علیه السلام را به حضرت زینب علیها السلام دادند

در چنین روزی حضرت زهرا علیها السلام پیراهن حضرت ابراهیم علیه السلام را به حضرت زینب علیها السلام دادند و از شهادت فرزند دلبندهشان امام حسین علیه السلام خبر دادند و فرمودند: «هرگاه برادرت حسین علیه السلام از تو این پیراهن را درخواست نمود بدان که او مهمان توست و پس از ساعتی شهید می شود». (3)

### جنگ جمل با ناکثین

در چنین روزی به سال 36 هجری جنگ جمل واقع شد (4) و علت آن این بود که طلحه و زبیر با همراه کردن عایشه دختر ابوبکر با خود، به جهت خونخواهی عثمان بن عفان علیه امیرالمؤمنین علیه السلام شورش کردند و در بصره جنایات بسیاری را مرتکب شدند از جمله جمع کثیری از اهل بصره را به قتل رساندند. (5)

در این صورت امیرالمؤمنین علیه السلام مجبوراً خروج نمودند و خود را به بصره رسانیدند، در ابتدای امر آنها را نصیحت نموده و خواستار برگشتشان به مدینه شدند، ولی طلحه و زبیر نپذیرفتند و چند تن از اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام را به شهادت رساندند. در این صورت بود که جنگ با شروع لشکر طلحه و زبیر آغاز گردید و سیزده هزار نفر از لشکریان طلحه و زبیر کشته شدند (6) و حدود هزار نفر از لشکریان

ص: 89

1- أمل الآمل فی علماء جبل عامل، شیخ حر عاملی، ج 1، ص 182-183.

2- أمل الآمل فی علماء جبل عامل، شیخ حر عاملی، ج 1، ص 182-183؛ روضات الجنات، ج 7، ص 12.

3- وقایع الشهور، ص 95 به نقل از بحر المصائب.

4- الجمل و النصره، شیخ مفید، ص 336؛ تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 182.

5- الجمل و النصره، ص 281؛ شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، ج 9، ص 321.

6- مروج الذهب، ج 2، ص 371.

امیرالمؤمنین علیه السلام به شهادت رسیدند. (1)

با کشته شدن طلحه و زبیر جنگ خاتمه یافت و امیرالمؤمنین علیه السلام عایشه را با هفتاد زن که سر و روی خود را پوشانده بودند به مدینه بازگرداندند (2) و در خبری آمده است وقتی عایشه به مدینه رسید، بانگ برآورد که علی بن ابی طالب علیه السلام مرا با مردان نامحرم راهی مدینه کرده است، اینجا بود که همراهان عایشه صورت های خود را باز نموده و نشان دادند که آنها همه زنانی بودند که امیرالمؤمنین علیه السلام همراه وی کرده بودند. (3)

### شهادت زید بن صوحان

در چنین روزی در سال 36 هجری زید بن صوحان از یاران خاص امیرالمؤمنین علیه السلام در جنگ جمل به شهادت رسید.

زید بن صوحان با دو برادر خود، سیحان خطیب و صعصعه در لشکر امیرالمؤمنین علیه السلام بودند و رایت آن حضرت در دست سیحان بود، چون سیحان شهید شد پرچم را زید گرفت و چون زید شهید شد، صعصعه پرچم را گرفت و او زنده بود تا ایام معاویه که در کوفه وفات یافت (4) و زید از ابدال به شمار می رفت (5) و وقتی بر زمین افتاد حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بالای سرش آمد و فرمود: «رحمک الله یا زید! کنت خلیف المؤمنة عظیم المعونة» (6) یعنی: «ای زید خدا تو را رحمت کند که مؤونه و تعلقات دنیوی تو را اندک بود و معاونت و امداد تو در دین بسیار».

هم اکنون مسجد جناب زید و مسجد جناب صعصعه در کنار مسجد سهله در کوفه می باشد که دو یادگار این دو سردار رشید امیرالمؤمنین علیه السلام می باشند و مؤمنین رغبت به خواندن نماز در این دو مسجد مبارک دارند.

### 11 جمادی الاول

#### ولادت خواجه نصیر الدین طوسی رحمه الله

در این روز خواجه نصیرالدین طوسی در سنه 597 هجری قمری در شهر طوس به دنیا آمد و در روز عید غدیر خم به سال 672 قمری دار فانی را وداع گفت. (7)

ص: 90

1- مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ج 3، ص 162؛ الفصول المهمة، ابن صباغ مالکی، ص 427.

2- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 183؛ مروج الذهب، ج 2، ص 370.

3- مروج الذهب، ج 2، ص 370.

4- الطبقات الکبری، ج 6، ص 221.

5- رجال علامه حلی، ص 73.

6- الإختصاص، ص 79.

7- روضات الجنات، ج 6، ص 312 و 314.

خواجه نصیر الدین طوسی از علمای بزرگ جهان تشیع می باشد که در علم فقه، اصول، کلام و نجوم تبخّر داشته است و همراه هلاکوخان مغول سبب انقراض عباسیان می گردد. وی در شهر بغداد می زیسته و وصیت می کند هنگامی که وفات یافتم مرا به نجف اشرف نبرید و در کنار مرقد امام کاظم علیه السلام و امام جواد علیه السلام دفنم کنید، زیرا از این دو امام همام خجالت می کشم که مرا از جوارشان به شهر دیگری منتقل نمایند و نیز وصیت نمود بر سنگ قبرش بنویسند: «و کلبهم باسطاً ذراعیه بالوصید»<sup>(1)</sup> که هم اکنون این سنگ قبر در سردابی کنار مضجع نورانی امامین جوادین علیهما السلام موجود می باشد.

## 13 جمادی الاول

### شهادت جانسوز فاطمه زهرا علیها السلام

در چنین روزی به روایت کلینی<sup>(2)</sup> و طبری شیعی،<sup>(3)</sup> بزرگ بانوی دو عالم، حضرت صدیقه کبری، فاطمه زهرا علیها السلام 75 روز بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به شهادت می رسند که علامه مجلسی در مرآت العقول سند کلینی را صحیح دانسته است.<sup>(4)</sup> پس بنابر مشهور که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در 28 صفر به شهادت رسیدند، باید روز شهادت حضرت زهرا علیها السلام در 13 یا 14 یا 15 ماه جمادی الاول باشد.

شیعیان بنا بر نقلی که آن حضرت 40 روز بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به شهادت رسیدند، مجالس سوگواری می گیرند که معروف به «فاطمیه اول» است و در طول این ماه (جمادی الأول) نیز برای مصائب این بی بی مظلوم عزاداری می کنند که معروف به «فاطمیه دوم» است و مجالس ماه جمادی الثانی معروف به «فاطمیه سوم» گردیده است.

## 14 جمادی الاول

### شهادت ابراهیم، فرزند مالک اشتر

طبق آنچه منابع قدیمی ذکر کرده اند، چنین به دست می آید که مصعب بن زبیر در نیمه ماه جمادی الاول به سال 72 هجری قمری کشته شد و در روز قبلش (14 جمادی الاول) که جنگ بین لشکر مصعب به فرماندهی ابراهیم با مروانیان در گرفته بود، جناب ابراهیم بن مالک اشتر در چهل سالگی به

ص: 91

- 
- 1- «و سگشان بر آستانه (غار) دو دست خود را دراز کرده بود»، سوره کهف، آیه 18؛ مجالس المؤمنین، ج 2، ص 206. روضات الجنات، ج 6، ص 319.
  - 2- الکافی، ج 1، ص 458 و ج 3، ص 229 و ج 4، ص 561.
  - 3- دلائل الإمامة، صص 79 و 134.
  - 4- مرآت العقول، ج 5، ص 314 و ج 18، ص 275.

پس از شهادت مختار رحمه الله مصعب بن زبیر از کوفه و همچنین عبدالملک مروان از شام، طی نامه هایی جداگانه جناب ابراهیم بن مالک اشتر را به سوی خود دعوت کردند و پیشنهاد امارت عراق را به وی دادند و می خواستند بدین وسیله از تهاجم و حملات وی در امان باشند.

جناب ابراهیم به خاطر تاکتیک جنگی و اتخاذ تصمیم زیرکانه با مصعب بن زبیر همراه می شود تا بتواند بر مروانیان که مدافع بنی امیه بودند غلبه کند و سپس با مصعب بن زبیر که قاتل مختار بود بجنگد، لذا جناب ابراهیم رحمه الله با یاران و فرماندهان لشکرش مشورت نمود که اول به کدامیک بپیوندند، مروانیان یا زبیریان؟

برخی او را به پیوستن به عبدالملک مروان و برخی دیگر به مصعب بن زبیر رأی دادند، جناب ابراهیم گفت: اگر عبیدالله بن زیاد و بسیاری از سران لشکر شام را نکشته بودم می توانستم نزد عبدالملک مروان به شام بروم و به او بپیوندم، ولی آنها به محض چیره شدن بر من، مرا خواهند کشت؛ سرانجام تصمیم گرفت با مصعب بن زبیر همراهی کند تا کار مروانیان را یکسره کند و سپس به کار زبیریان پردازد و آنها را براندازد، (2) لذا در جنگ سختی با مروانیان و با خیانت «عتاب بن ورقاء»، در روز 14 جمادی الاول سال 72 هجری در چهل سالگی به شهادت رسید. همچنین در روز بعد مصعب بن زبیر به دست «زائده بن قدامه» پسر عموی مختار که در لشکر ابراهیم بود، کشته شد؛ (3) بنابراین نباید اینگونه تصور شود که ابراهیم بن مالک اشتر «زبیریان» را قبول داشته و حاکمیت آنها را پذیرفته است، این حرکت ابراهیم به جهت سیاست جنگی بوده، نه واقعی.

کیفیت شکست ابراهیم را اینگونه نوشته اند که: مصعب فرمانده ای به نام «عتاب بن ورقاء» را به مدد ابراهیم فرستاد، ابراهیم از آمدن او بسیار ناراحت شد و گفت: بسیار به مصعب گفتم که مرا به عتاب بن ورقاء و امثال او یاری نکن چون به آنها اعتمادی نیست و «إنا لله وإنا إليه راجعون».

همچنان تنور جنگ تا شبانگاه بین ابراهیم و مروانیان داغ بود و پیروزی با ابراهیم بود، عتاب که مخفیانه با عبدالملک مکاتبه و بیعت کرده بود به ابراهیم گفت: ای ابراهیم لشکر خسته است و دستور بده تا دست از جنگ بکشند تا قدری استراحت کنند، چون نگران بود که ابراهیم به پیروزی نهایی

ص: 92

- 1- الطبقات الكبرى، ج 5، ص 140؛ الأغانی، ج 19، ص 85؛ مروج الذهب، ج 3، ص 106؛ البداية و النهاية، ج 8، ص 320.
- 2- الكامل فی التاريخ، ج 4، ص 275؛ الفتوح لابن أعمش، ج 6، ص 294.
- 3- الكامل فی التاريخ، ج 4، ص 328؛ تاریخ الطبری، ج 5، ص 9.

ابراهیم گفت: چگونه دست از جنگ بکشند با اینکه دشمن در مقابلشان ایستاده است، عتاب که دید جناب ابراهیم زیر بار نمی رود، خود به سپاه میمنه رفت و گفت: این همه تلاش تا کی؟ همانا وقت به آخر رسیده، جنگ را واگذارید، به جای خود روید و استراحتی کنید و توانست سپاه میمنه را از میدان برگرداند، ابراهیم همچون کوه گران ایستاده و می جنگید، با برگشت سپاه میمنه، ابراهیم تضعیف شد و نهایتاً به محاصره درآمد و به شهادت رسید و سر او را «ثابت بن یزید» غلام «حصین بن نمیر» از بدن جدا کرد و به نزد عبدالملک فرستاد. (1)

به این صورت «مصعب بن زبیر» نیز تضعیف شد و در لشکر کشتی علیه عبدالملک مروان شکست خورد و اصحابش تار و مار شدند و خود او به دست «زائده بن قدامه» پسرعموی مختار که در لشکر ابراهیم بود، گرفتار شد، وی به انتقام خون مختار سرش را از بدن جدا کرد. (2)

اینکه می گویند: چرا ابراهیم هنگامی که «مصعب بن زبیر» به مختار حمله کرد به کمک مختار نشتافت؟ بعضی مورخین می گویند: ابراهیم در موصل به سر می برد و مسافت بسیار بود.

دیگر اینکه؛ نامه هایی که مختار به ابراهیم می نوشت مأمورین مصعب در راه می گرفتند و از بین می بردند و به جای آن، نامه های دروغین با مهر مختار می فرستادند، لذا امر بر ابراهیم مشتبه شده بود، نه اینکه وی به جناب مختار پشت کرده باشد، لذا وقتی خبر شهادت مختار رحمه الله را شنید بسیار گریست و در صدد انتقام از مصعب برآمد.

شاهد این حقیقت زائده بن قدامه پسرعموی مختار است که چون از نیت جناب ابراهیم رحمه الله با خبر بود، همراه پسر مختار و چند تن از یاران مختار به ابراهیم می پیوندد، همراه وی ظاهراً با مصعب متحد می گردند و وارد جنگ با مروانیان می شوند، تا اینکه لشکر مصعب شکست می خورد و خود مصعب سخت مجروح می گردد، در اینجا زائده بن قدامه پسرعموی مختار فرصت را غنیمت می شمارد و به انتقام خون مختار، او را به درک واصل می کند و سر از بدنش جدا می کند.

قبر جناب ابراهیم در اراضی مسکن در طریق سامراء معروف و محل زیارت شیعیان است، با وجود اینکه مزار ایشان کنار جاده، در یک منزلی سامراء است زائران ایرانی به زیارتش نمی روند، ولی حقیر اخیراً در برگشت از سامراء از راننده درخواست نمودم که کنار مزارش توقف نماید و الحمدلله موفق به زیارتش گردیدم.

1- مروج الذهب، ج 3، ص 106.

2- الکامل فی التاریخ، ج 4، ص 328؛ تاریخ الطبری، ج 5، ص 9.

### فتح بصره توسط امیرالمؤمنین علیه السلام

فتح بصره به دست توانای اسدالله و اسد رسوله حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در جنگ جمل سال 36 قمری. (1)

### قتل مصعب بن زبیر

پس از شکست ابراهیم در برابر مروانیان، در چنین روزی مصعب بن زبیر به هلاکت می رسد (2) و اینکه مشهور است مصعب بن زبیر با حضرت سکینه بنت الحسین علیها السلام ازدواج کرده است خالی از صحت می باشد و ما در روز رحلت حضرت سکینه خاتون علیها السلام (5 ربیع الاول) مفصلاً کذب بودن این ازدواج را بیان کردیم؛ بنابراین بعضی از علما که به این ازدواج استناد کرده اند برای تزویج دختر شیعه با غیر شیعه، محل اشکال است.

## 16 جمادی الاول

### غزوه ذات الرقاع

اکثر مورخین غزوه ذات الرقاع را در ماه جمادی الاول از سال چهارم یا پنجم هجری ذکر کرده اند (3) و «وقایع الشهور» روز شانزدهم جمادی الاول را ذکر کرده است. (4)

به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خبر رسید که قبیله غطفان در صددند به مدینه حمله کنند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ابوذر غفاری را به جای خود در مدینه گذاشتند (5) و با جمعی از مسلمانان برای جنگ با قبیله مزبور به سرزمین نجد رهسپار شدند و در محلی که درختی به نام «ذات الرقاع» در آنجا بوده فرود آمدند، به همین جهت آن جنگ را غزوه «ذات الرقاع» گفته اند. (6) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم صلاة خوف را با اصحاب در این غزوه خواندند. (7)

### درگذشت علی عمادالدوله، مؤسس آل بویه

در چنین روزی علی عمادالدوله دیلمی مؤسس آل بویه در سنه 338 هجری قمری درگذشت. (8)

ص: 94

1- مسار الشیعه، ص 31.

2- الطبقات الكبرى، ج 5، ص 140؛ البداية و النهایة، ج 8، ص 320.

3- السیره النبویه، ج 2، ص 203؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 555؛ تاریخ ابی الفداء، ج 1، ص 194.

4- وقایع الشهور، ص 98.

5- البداية و النهایة، ج 4، ص 83؛ نهایة الارب فی فنون الادب، ج 17، ص 158.

6- السیره النبویه، ابن هشام، ج 2، ص 204.

7- الطبقات الكبرى، ج 2، ص 47.





سلاطین آل بویه که سلاطین دیالمه باشند، تماماً شیعه خالص و محب ائمه اطهار علیهم السلام بودند و در تعظیم و احیای شعائر اهل بیت علیهم السلام همت می گماشتند، سرسلسله سلاطین آل بویه «عمادالدوله» از اهل دیلم می باشد، «بویه» پدر عماد الدوله مردی فقیر و صیاد ماهی بود، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام از ایشان در اخبار غیبی خود خبر داده بودند:

«و یخرج من دیلمان بنو الصیاد (الی ان قال) ثم یتقوی امرهم حتی یملکوا الزوراء...»<sup>(1)</sup>

یعنی: «و خروج می کنند فرزندان صیاد از دیلمان (تا اینکه فرمود) سپس امرشان محکم می گردد و زوراء را تصرف می کنند...»

و تعدادشان پانزده نفر بوده و مدت سلطنتشان صد و بیست و شش سال بوده است.

از عجایب و غرایبی که برای عمادالدوله اتفاق افتاده این بوده که نقل کرده اند: چون در شیراز اقامت نموده بود، خزینه اش تهی و خالی شده بود و چیزی نداشت که وظیفه عمال و لشکریانش را بدهد، لذا پیوسته در غم بود تا آنکه در اطاق خود بر قفا خوابیده و در فکر و تدبیر بود که ناگهان ماری را دید که از سوراخی از سقف اطاق بیرون شد و به سوراخ دیگری رفت، عماد الدوله ترسید که مار سقوط کند، لذا فرمان داد نردبان آورند که سقف را بشکافند و مار را خارج سازند. چون سقف را شکافتند دیدند سقف دیگری بالای آن سقف است و ما بین آن دو سقف صندوق های مال وجود دارد، مالها را خارج ساختند و عمادالدوله آن مالها را بین رعیت خود تقسیم نمود.<sup>(2)</sup>

همچنین نقل نموده اند: روزی سوار بود بر اسب که ناگهان پاهای اسب او در زمین فرورفت آن موضع را شکافتند و گنج عظیمی یافتند، بعد از این لطایف غیبی، عمادالدوله به خزاین و دفاین یعقوب لیث و برادرش عمرو لیث - که پادشاه فارس و عراق و خراسان بود و مقدار آن از حد و حصر فزون بوده - دست یافت و کارش بالا گرفت.<sup>(3)</sup>

## 17 جمادی الاول

### رحلت حضرت عبدالله بن عبدالمطلب علیهما السلام

طبق گزارش کلینی<sup>(4)</sup> و یعقوبی از امام جعفر صادق علیه السلام،<sup>(5)</sup> دو ماه بعد از ولادت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پدر بزرگوارشان جناب عبدالله در یثرب وفات می یابد؛ لذا بنا بر مشهور که پیامبر

ص: 95

1- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج 7، ص 49.

2- وفيات الأعیان، ج 3، ص 400.

3- وقایع الأيام، ص 377.

4- الکافی، ج 1، ص 439.

5- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 10.

اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در 17 ربیع الاول به دنیا آمدند، در چنین روزی (17 جمادی الاول) جناب عبدالله بن عبدالمطلب علیه السلام وفات یافته است.

عبدالله پدر گرامی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پس از ازدواج با آمنه بنت وهب همراه کاروانی از مکه عازم شام شد، این مسافرت زمانی انجام شد که همسرش آمنه دوران بارداریش آغاز شده بود، پس از چند ماه کاروان به مکه بازگشت در حالی که عبدالله علیه السلام در میان آنان نبود، پس از گفتگوی عبدالمطلب علیه السلام با شخصیت های بزرگ کاروان، روشن شد که عبدالله علیه السلام موقع بازگشت در یثرب بیمار و ناچار به توقف و استراحت شده است. جناب عبدالمطلب فوراً پسر بزرگ خود جناب «حارث» را مأمور کرد به یثرب برود و عبدالله را همراه خود بیاورد، وقتی حارث وارد یثرب شد مطلع گشت که عبدالله به همان بیماری درگذشته و به سرای آخرت شتافته است، از عبدالله فقط چند شتر و چند رأس گوسفند و یک کنیز باقی ماند که بعداً پرستار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شد. (1)

قبر جناب عبدالله تا چندی پیش در کنار مسجد النبی صلی الله علیه و آله و سلم محفوظ بود و مزار علاقه‌مندان اهل بیت رسالت علیهم السلام بود ولی چند سال قبل توسط آل سعود ویران گشت و جزء صحن، در ستون سوم مقابل باب السلام گردید.

## 18 جمادی الاول

### هجوم به بیت فاطمه زهرا علیها السلام

بنا بر تحقیق و بررسی که در روز هجدهم ربیع الثانی پیرامون هجوم به بیت فاطمه زهرا علیها السلام نمودیم، طبق نقل دوم، هجوم به بیت آن حضرت که منجر به شهادت حضرت محسن علیه السلام و بیماری حضرت فاطمه زهرا علیها السلام شد، در این روز بوده است. (2)

### ولادت جناب ذوالقرنین

#### ولادت جناب ذوالقرنین (3)

ذوالقرنین که در سوره کهف از آن یاد شده، بین مفسرین گفتگو و اختلاف بسیار است که چه شخصی بوده؟! برخی معتقدند: «اسکندر مقدونی» بوده و بعضی دیگر می گویند: پادشاه یمن به نام «تُبَع».

بعضی از مفسرین قائلند ذوالقرنین، کوروش پادشاه ایران بوده است و جوهی برای این تطبیق نقل کرده اند، از جمله اینکه: ذوالقرنین یعنی صاحب دو شاخ که در تصاویر حک شده بر سنگ های پاسارگاد، نشان می دهد که کوروش کلاهی داشته که دو عمود کوچک بر روی آن است و مانند دو شاخ

ص: 96

1- الطبقات الکبری، ج 1، ص 79.

2- به روز هجدهم ربیع الثانی مراجعه کنید.

3- وقایع الشهور، ص 98.

می باشد که نشانه اقتدار او بر شرق و غرب است؛ همچنانکه قرآن می فرماید: ذوالقرنین شرق و غرب را تصرف کرده بود، کوروش نیز شرق و غرب را به تصرف خود درآورده بود، لذا معتقدند: ذوالقرنین کسی جز «کوروش کبیر» نیست.

و دیگر اینکه منشور و کتیبه هایی که از کوروش به دست آمده، نشان می دهد که او شخصی مقتدر و عادل بوده و عدالت را بین رعیتش به اجرا گذاشته بود، و دیگر اینکه تصویری که از کوروش کشف شده، در حال قنوت گرفتن است که نشانه موحد بودن وی می باشد.

هیچ یک از این نظریه ها دلیل محکمی از روایات ندارند، ولی دانشمند معروف اسلام به نام «ابوالکلام آزاد» که روزی وزیر فرهنگ کشور هند بوده در کتاب محققانه خود همین نظریه را پذیرفته که ذوالقرنین همان کوروش کبیر پادشاه هخامنشی است و دلیل های نسبتاً محکمی آورده است، این کتاب به فارسی ترجمه شده و به نام «ذوالقرنین یا کوروش کبیر» انتشار یافته است.

ذوالقرنین کسی بوده که قبل از نزول قرآن نامش در میان جمعی از مردم شهرت داشت و لذا قریش یا یهود از پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم درباره آن سؤال کردند، چنانکه قرآن می گوید:

«یسئلونک عن ذی القرنین»<sup>(1)</sup> یعنی: «از تو درباره ذوالقرنین سؤال می کنند».

در قرن نوزدهم میلادی در نزدیکی استخر در کنار نهر «مرغاب» مجسمه ای از کوروش کشف شد که تقریباً به قامت یک انسان است و کوروش را در صورتی نشان می دهد که دو بال همانند بال عقاب از دو جانبش گشوده شده و تاجی بر سر دارد که دو شاخ همانند شاخه ای قوچ در آن دیده می شود.

از تطبیق مندرجات تورات با مشخصات این مجسمه این احتمال در نظر این دانشمند کاملاً قوت گرفت که نامیدن «کوروش» به «ذوالقرنین» (صاحب دو شاخ) از چه ریشه ای مایه گرفته و همچنین چرا مجسمه سنگی کوروش دارای بالهایی همچون بال عقاب است و به این ترتیب بر گروهی از دانشمندان مسلم شد که شخصیت تاریخی ذوالقرنین از این طریق کاملاً آشکار شده است.

آنچه این نظریه را تأیید می کند اوصاف اخلاقی است که در تاریخ برای کوروش نوشته اند: «هرودوت» مورخ یونانی می نویسد: کوروش فرمان داد تا سپاهیانش جز به روی جنگجویان شمشیر نکشند و هر سرباز دشمن که نیزه خود را خم کند او را نکشند و لشکر کوروش فرمان او را اطاعت کردند، به طوری که توده ملت، مصائب جنگ را احساس نکردند.

ص: 97

و نیز «هرودوت» درباره او می نویسد: کوروش پادشاهی کریم و سخی و بسیار ملایم و مهربان بود، مانند دیگر پادشاهان به اندوختن مال حرص نداشت، بلکه نسبت به کرم و عطا حریص بود، ستم زدگان را از عدل و داد برخوردار می ساخت و هر چه متضمن خیر بیشتر بود دوست می داشت.

و نیز مورخ دیگر «ذی نون» می نویسد: کوروش پادشاه عاقل و مهربان بود و بزرگی ملوک با فضائل حکما در او جمع بوده، همتی فائق و جودی غالب داشت، شعارش خدمت به انسانیت و خوی او بذل عدالت بود و تواضع و سماحت در وجود او جای کبر و عجب را گرفته بود.

جالب اینکه این مورخان که کوروش را اینچنین توصیف کرده اند از تاریخنویسان بیگانه بودند نه از قوم یا ابناء وطن او، بلکه اهل یونان بودند و می دانیم مردم یونان به نظر دوستی به کوروش نگاه نمی کردند، زیرا با فتح «لیدیا» به دست کوروش شکست بزرگی برای ملت یونان فراهم گشت. طرفداران این عقیده می گویند اوصاف مذکور در قرآن مجید درباره ذوالقرنین، با اوصاف کوروش تطبیق می کند، از همه گذشته کوروش سفرهایی به شرق و غرب و شمال انجام داد که در تاریخ زندگانش به طور مشروح آمده است و با سفرهای سه گانه ای که در قرآن ذکر شده، قابل انطباق می باشد: نخستین لشکرکشی کوروش به کشور «لیدیا» که در قسمت شمال آسیای صغیر قرار داشت صورت گرفت و این کشور نسبت به مرکز حکومت کوروش جنبه غربی داشت، هرگاه نقشه ساحل غربی آسیای صغیر را جلو بگذاریم، خواهیم دید که قسمت اعظم ساحل در خلیجک های کوچک غرق می شود، مخصوصاً در نزدیکی «ازمیر» که خلیج صورت چشمه ای به خود می گیرد.

قرآن می گوید: ذوالقرنین در سفر غربیش احساس کرد خورشید در چشمه گل آلودی فرو میرود، این صحنه همان صحنه ای بود که کوروش به هنگام فرو رفتن قرص آفتاب در خلیجک های ساحلی مشاهده کرد.

لشکرکشی دوم کوروش به جانب شرق بود، چنانکه «هرودوت» می گوید: این هجوم شرقی کوروش بعد از فتح «لیدیا» صورت گرفت، مخصوصاً طغیان بعضی از قبائل وحشی بیابانی، کوروش را به این حمله وا داشت. تعبیر قرآن: «حتی إذا بلغ مطلع الشمس وجدها تطلع علی قوم لم نجعل لهم من دونها ستراً»<sup>(1)</sup> اشاره به سفر کوروش به منتهای شرق است که مشاهده کرد خورشید بر قومی طلوع می کند که در برابر تابش آن سایبانی ندارند، اشاره به اینکه آن قوم بیابانگرد و صحرانورد بودند.

ص: 98

---

1- «تا زمانی که به محل طلوع خورشید رسید، آن را یافت که بر قومی طلوع می کند که در برابر آن پوششی برای آنان قرار نداده ایم»، سوره کهف، آیه 90.

کوروش لشکرکشی سومی داشت که به سوی شمال به طرف کوه های قفقاز بود تا به تنگه میان دو کوه رسید و برای جلوگیری از هجوم اقوام وحشی با درخواست مردمی که در آنجا بودند در برابر تنگه، سدّ محکمی بنا کرد، این تنگه در عصر حاضر تنگه «داریال» نامیده می شود که در نقشه های موجود میان «ولادی کیوکز» و «تفلیس» نشان داده می شود، در همانجا که تاکنون دیوار آهنی موجود است، این دیوار همان سدی است که کوروش بنا نموده زیرا اوصافی که قرآن درباره سد ذوالقرنین بیان کرده کاملاً بر آن تطبیق می کند، درست است که در این نظریه نیز نقطه های ابهامی وجود دارد، ولی فعلاً می توان از آن به عنوان بهترین نظریه درباره تطبیق ذوالقرنین بر رجال معروف تاریخی نام برد. (1)

در تاریخ کوروش منبع محکم و مستقل کهنی که به زمان کوروش منسوب باشد، وجود ندارد و سرتاسر زندگانی و پادشاهی او در ابهام است، جز اینکه مقبره ای در پاسارگاد به او منسوب است و بسیاری از ایرانیان مدعی هستند که کوروش شخصیتی بزرگ بوده ولی در هیچ کجا ذکری از اینکه او پیامبر بوده نیامده است و به صرف اینکه او پادشاه بزرگی بوده است، نمی تواند به عنوان اسوه و مقتدای دینی و تمدن مردم قرار گیرد، زیرا از این پادشاهان در طول تاریخ زیاد بوده اند و شگفت تر اینکه هیچ یک از ادیان سابق مثل آیین زرتشت، یهود، نصاری، بودا و ... و نیز هیچ یک از شعرای باستانی از او یاد نکرده اند و از او تمجید ننموده اند و اگر بعضی مطلبی آورده اند، تحلیل خود و برداشت خودشان است و گرنه با صراحت نام کوروش در هیچ یک از کتب شعرای باستان نیامده است که این خود بهترین دلیلی است که بعضی بدون دلیل کوروش را بزرگ نموده و در مقابل اسلام قرار داده و به عنوان مقتدای ایرانیان معرفی نموده اند؛ آنچه ما در اینجا ذکر کردیم در صدد هستیم که بیان کنیم کوروش تضادی با اسلام ندارد، بلکه بر عکس، بعضی از مفسرین قائل هستند قرآن از کوروش به ذوالقرنین یاد کرده است.

## 22 جمادی الاول

### تزوید حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام با امامه

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بعد از شهادت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام به فاصله 3 روز (2) یا 9 روز (3) بنا به وصیت آن حضرت با «امامه» دختر جناب زینب خواهر خوانده آن حضرت تزوید کرد.

امامه محمد اوسط را به دنیا آورد (4) که در کربلا کنار برادر مظلومش امام حسین علیه السلام به شهادت

ص: 99

1- تفسیر نمونه، ج 12، ص 549-547.

2- منتهی الآمال، ج 1، ص 453.

3- بحار الأنوار، ج 42، ص 92 به نقل از کتاب «قوت القلوب».

4- تاریخ الطبری، ج 3، ص 162؛ الکامل فی التاریخ، ج 3، ص 263.

رسید. (1) این بانو بعد از شهادت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام زنده بود و همسر دیگری اختیار نکرد تا از دنیا رحلت نمود.

## رحلت جناب قاسم بن الإمام موسی بن جعفر علیه السلام

در چنین روزی به سال 190 هجری قمری، جناب قاسم بن الإمام موسی بن جعفر علیه السلام رحلت نمود. (2)

جناب قاسم سید جلیل القدری بوده که مورد توجه و عنایت خاص پدر گرامیش حضرت موسی بن جعفر علیه السلام قرار داشته و آن جناب را بسیار دوست می داشته است، مرقد منور جناب قاسم در هشت فرسخی شهر حله است و مزار شریفش زیارتگاه عامه خلق می باشد، علما و اخیار به زیارت او عنایتی دارند و کرامات بیشماری از وی به ظهور رسیده است و سید بن طاووس نیز ترغیب به زیارت او نموده است. (3)

## 23 جمادی الاول

### شهادت جناب مالک اشتر

آیةالله حاج شیخ علی فلسفی در کتاب «دائرة المعارف بقاع متبرکه جهان» در مجلدات مصر نگاشته اند جناب مالک اشتر در بیست و سوم جمادی الاول به سال 37 هجری به شهادت رسید.

مالک بن حارث نخعی معروف به مالک اشتر از یاران باوفا و اصحاب خاص امیرالمؤمنین علیه السلام بود که فرمانده نظامی لشکر آن حضرت را نیز برعهده داشت.

امیرالمؤمنین علیه السلام زمانی که او را به حکومت مصر منصوب کرد، منشور و حکمی برایش نوشت که مشتمل بر لطائف و محاسن بسیاری و پند و حکمت زیادی است که بعدها به «منشور حکومت اسلامی» شهرت یافت، (4) در این منشور از نفیستین و ارزندهترین مطالب حکمرانی و حکومت داری و مردم داری آمده است و بارها به زبان های زنده جهان ترجمه شده است از جمله اینکه در مجلس بینالملل به زبان های متعدد ترجمه شده و بین نمایندگان مردم جهان پخش گردیده است.

چون خبر حرکت مالک اشتر به سوی مصر به معاویه و عمروعاص رسید آن دو با نیرنگ توسط فریب دهقانی، آن جناب را مسموم نمودند و با غسل زهرآلود در بین راه در «قلزم» مصر به شهادت رساندند. (5) هم اکنون قبر مطهرش دارای بارگاهی می باشد که شیعیان مصر به زیارتش اهتمام دارند.

وقتی خبر شهادت مالک به امیرالمؤمنین علیه السلام رسید، حضرتش بسیار گریست و اندوهناک شد

ص: 100

1- فرسان الهیجاء، ج 2، ص 56.

2- حیاة القاسم بن الامام الکاظم علیه السلام، ناصری بحرانی، ص 99.

3- مصباح الزائر، ص 503.

4- نهج البلاغه، نامه 53.





و فرمود: «مالک اشتر برای من چنان بود که من برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بودم»<sup>(1)</sup> این تعریف حکایت از مقام بسیار بلند مالک اشتر دارد.

ابراهیم بن مالک اشتر که در روز چهاردهم این ماه به شهادت رسید فرزند وی می باشد که راه پدر را رفت و در کنار مختار ثقفی، جنایتکاران کربلا را به سزای اعمالشان رساند و به درک واصل نمود.

و همچنین در کتاب مذکور آمده برخی شهادت ابراهیم را نیز در این روز نقل کرده اند و گفته اند از سعادت این پدر و پسر این است که در یک روز به شهادت رسیده اند.

## 24 جمادی الاول

### وفات شاه عباس اول صفوی

در 24 جمادی الاول سال 1038 هجری قمری، شاه عباس اول صفوی وفات یافت.<sup>(2)</sup>

شاه عباس اول از سادات موسوی و پادشاهان مقتدر شیعی بوده است که به جهان تشیع خدمات زیادی نموده است. وی به مراقب اهل بیت علیهم السلام اهمیت زیادی داده و از اصفهان با پای پیاده، در حالیکه علمای آن زمان مانند شیخ بهایی و میرداماد در رکابش بودند، به مشهد مقدس می رود و در آنجا به بارگاه امام رضا علیه السلام توسعه هایی می دهد.

## 27 جمادی الاول

### رحلت حضرت عبدالمطلب علیه السلام

کتاب «العدد القویة» تألیف رضی الدین علی بن یوسف مطهر حلی، برادر بزرگوار علامه حلی، رحلت حضرت عبدالمطلب علیه السلام، جدّ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم را در چنین روزی در سال هشتم «عام الفیل» نقل کرده است<sup>(3)</sup> و بعضی دیگر در 10 ربیع الاول ذکر کرده اند.<sup>(4)</sup>

جناب عبدالمطلب جدّ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، بزرگ مکه، کلیددار کعبه و متکفل امور رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود، هنگامی که می خواست از دنیا رحلت کند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را به فرزندش ابوطالب علیه السلام سپرد و سفارشات اکید در مورد حضرتش نمود،<sup>(5)</sup> سپس از دنیا رحلت کرد و به دیار باقی شتافت.

ص: 101

1- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج 15، ص 98.

2- دائره المعارف فارسی، مصاحب، ج 2، ص 1660؛ اعلام اصفهان، مهدوی، ج 4، ص 51.

3- العدد القویة، ص 127.

4- مسار الشیعه، ص 49؛ مصباح المتهجد، ص 791.

5- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 13؛ مجالس السنیه، ج 4، ص 37.

در چنین روزی ابوسلمه که برادر رضاعی پیامبر و پسر عمه آن حضرت می باشد، در سنه چهارم هجری قمری به شهادت می رسد. (1)

وی در غزوه احد زخمی می شود و پس از مدتی بهبودی حاصل می کند تا اینکه پیامبر آنجناب را به سریه ای می فرستد که مشهور می شود به سریه ابوسلمه، در این جنگ ابوسلمه پیروز می شود و باعث خرسندی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می گردد. پس از آن ابوسلمه در اثر جراحاتی که دیده بود، حالش دگرگون می شود که منجر به شهادت وی در چنین روزی می گردد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پس از شهادت او نگذاشتند خانواده اش بی سرپرست بماند و با پیشنهاد پسر ابوسلمه با جناب ام سلمه تزویج کرد. (2) این تزویج از موارد حکمت آمیز ازدواج های پیامبر می باشد که به جهت حفظ خانواده ابوسلمه صورت گرفته است و جوابی است برای آنکه به پیامبر ایراد می گیرند حضرتش چرا زن های متعددی داشته است.

### 28 جمادی الاول

#### روز حدیث کساء و نزول آیه تطهیر

در چنین روزی نزول آیه تطهیر و حدیث شریف کساء واقع شد؛ به گزارش محمد بن عمران مرزبانی شیعی (متوفای 384 قمری) بعد از نزول آیه تطهیر، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به مدت ده ماه تا زمان رحلتشان، هر روز به هنگام نماز صبح به سوی منزل حضرت فاطمه زهرا علیها السلام رفته و این آیه شریفه را تلاوت می کردند: «إنما یرید الله لیزهّب عنکم الرجس أهل البیت و یطهرکم تطهیرا». (3)

با محاسبه و کسر ده ماه از تاریخ شهادت و رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم این روز (28 جمادی الاول) را استخراج نمودیم که معلوم می شود تقریباً آیه تطهیر در چنین روزی به سال دهم هجری قمری نازل شده است. لازم به ذکر است که بعید نیست آیه تطهیر چند مرتبه به مناسبت های مختلف بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده باشد.

#### کیفیت نزول آیه تطهیر و حدیث کساء

حکایت نزول آیه تطهیر که به حدیث کساء شهرت یافته و دلالت بر عصمت و طهارت اهل بیت علیهم السلام دارد، اینگونه بوده است که: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در چنین روزی در خانه یکی از

ص: 102

1- البدایة و النهایة، ج 4، صص 70 و 103.

2- البدایة و النهایة، ج 4، صص 70 و 103.

3- سوره احزاب، آیه 33؛ مناجات الهیات حضرت امیر علیه السلام و ما نزل من القرآن فی علی علیه السلام؛ ص 46؛ تفسیر القمی، ج

2، ص 67؛ شواهد التنزیل، الحسکانی، ج 2، ص 83؛ کشف الیقین، علامه حلی، ص 405؛ إحقاق الحق، ج 14، ص 51.

همسرانشان (ام سلمه، عایشه، زینب یا حضرت فاطمه علیها السلام)<sup>(1)</sup> بودند که کساء و عبای یمانی و یا خیبری را که در نزد دختر گرامشان فاطمه زهرا علیها السلام گذاشته بودند، طلب می کنند، آنگاه آن کساء را بر سر کشیده و یکی یکی از اهل بیتشان که عبارتند از: امیرالمؤمنین علیه السلام، فاطمه زهرا علیها السلام، امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام را داخل آن کساء می کنند و دست ها را به آسمان بلند می کنند و به خدای تبارک و تعالی عرضه می دارند: خدایا گواه باش که فقط اینان که زیر کساء گرد آوردم اهل بیت منند، پس صلوات و رحمت خاصه ات را بر من و اهل بیتم نازل کن، در همین اثنا جبرئیل نازل می شود و آیه تطهیر را بر پیامبر تلاوت می کند: «إنما یرید الله لیزهّب عنکم الرجس أهل البیت و یتطهّرکم تطهیرا»<sup>(2)</sup>.

در بعضی از نقلها و گزارش ها آمده است ام سلمه همسر گرامی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از پیامبر درخواست نمود که وی نیز داخل کساء شود، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «ای ام سلمه تو نمی توانی داخل کساء شوی ولی عاقبت تو به خیر است»<sup>(3)</sup> از این جمله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و دلایل محکم و متقن دیگر بر می آید که زنان پیامبر جزء این اهل بیت پیامبر که آیه تطهیر در شأن آنها نازل شده، نمی باشند.

نیکوست شیعیان این روز را به نام «روز حدیث کساء» بزرگ شمارند و در مجالس و محافل این حدیث شریف را بخوانند.

## آخر جمادی الاول

### رحلت دومین سفیر خاص امام زمان علیه السلام

دومین سفیر خاص حضرت بقیة الله (روحی فداه) جناب محمد بن عثمان عمروی، معروف به «خلّانی» است که حدود چهل سال مقام والای سفارت را دارا بوده و در سال 305 هجری قمری دیده از جهان فرو بست.

جناب محمد بن عثمان رحمه الله قبری برای خود حفر کرده بود و هر روز داخل آن می شد و یک جزء قرآن در آن تلاوت می کرد و سپس بیرون می آمد. وقتی علت آن را سؤال می کنند، می فرماید: مأمور شده ام که امور خود را جمع و جور کنم؛ سپس دو ماه بعد، در آخر جمادی الاول وفات نمود و جناب حسین بن روح را، به امر امام زمان (روحی فداه) به جانشینی خود معرفی کرد.<sup>(4)</sup>

ص: 103

1- تفسیر العلی، ج 8، ص 42-43؛ عوالم العلوم، ج 11، ص 930.

2- سوره احزاب، آیه 33.

3- کتاب سلیم بن قیس الهلالی، ج 2، ص 604؛ مسند احمد، ج 10، ص 197؛ سنن ترمذی، ج 5، ص 699.

4- الغیبة للطوسی، ص 365.

توقيع حضرت بقية الله ارواحنا فداه در تأييد محمد بن عثمان عمروى اينگونه آمده:

اسحاق بن يعقوب مى گويد: در مورد برخى از مسائل كه براى من به صورت مشكل باقى مانده بود از جناب محمد بن عثمان عمروى رحمه الله خواهش كردم كه نامه و عريضه ام را تقديم پيشگاه مقدس حضرت بقية الله، امام زمان ارواحنا فداه بنمايد، پس فرمانى به خط مبارك مولاي عزيزمان به دست من رسيد كه طي آن فرموده بودند:

«و اما محمد بن عثمان العمروى رضى الله عنه و عن ابيه من قبل، فإنه ثقته و كتابه كتابى...»<sup>(1)</sup>

يعنى: «و اما محمد بن عثمان كه خداوند از او و پدرش راضى باشد، مورد اعتماد من و نامه او نامه من است...» (يعنى هرچه او جواب دهد، جواب من است.)

ص: 104

---

1- كمال الدين، ج 2، ص 485.



## 1 جمادی الثانی

### هلاکت هارون الرشید، قاتل حضرت موسی بن جعفر علیه السلام

در چنین روزی در سال 193 هجری قمری هارون الرشید عباسی به درک واصل شد(1) و بنا بر گزارش های دیگر دوم، (2) سوم(3) و چهارم(4) این ماه نیز نقل شده است.

وی قاتل حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام بوده و ظلم های بسیاری به بنی هاشم و علویان نمود، قبرش پایین پای امام رضا علیه السلام در طوس است و دعبل در اشعارش اشاره به این دو قبر نموده و گفته:

قبران فی طوس خیر الناس کلهم \*\*\* و قبر شرّ هم هذا علی العبر

ماینفع الرجس من قرب الزکی ولا \*\*\* علی الزکی بقرب الرجس من ضرر

هیئات کل امرء رهین بما کسبت \*\*\* له یداه فخذ ما شئت او قدر

هارون الرشید بیست و سه سال و چند ماه خلافت کرد و از سلطنت بسیار بهره برد. وی در سال 193 هجری قمری برای جلوگیری از شورش رافع بن لیث به قصد خراسان از بغداد خارج شد و فرزندش محمد امین را در بغداد جانشین خود کرده بود و پسر دیگرش مأمون را با خود همراه کرد. هارون از درد شکم رنج می برد و کمربندی از حریر می بست تا دردش تسکین یابد، هنگامی که در ماه صفر به طوس رسید دردش شدت گرفت به گونه ای که نمی توانست از جا برخیزد و این درد ادامه داشت(5) تا اینکه در روز اول، شب دوم جمادی الثانی سال 193 هجری قمری به درک رفت.

## 3 جمادی الثانی

### شهادت حضرت زهرا علیها السلام

در چنین روزی به سال 11 هجری قمری، شهادت جانسوز حضرت زهرا علیها السلام به روایت 95 روز بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم واقع شده(6) که بنا بر وصیت مظلومانۀ آن بی بی، شبانه غسل و کفن شده(7) و در خانه خودش به خاک سپرده شد.(8) شهادت این حجّت خدا در این ماه بنا بر اقوی می باشد

ص: 106

- 
- 1- المحبر، ص 39.
  - 2- تاریخ الأمم و الملوک، ج 8، ص 345.
  - 3- البداية و النهایة، ج 14، ص 47.
  - 4- اخبار الطوال، ص 392.
  - 5- الکامل فی التاریخ، ج 6، ص 211.
  - 6- الذریة الطاهرة، دولابی، ص 152؛ مسار الشیعه، ص 54؛ مصباح المتعجد، ص 793؛ کفایة الأثر، علی بن خزاز قمی، ص 65؛

دلائل الإمامة، ص 79؛ إعلام الوری، ج 1، ص 290؛ كشف الغمة، ج 1، ص 503؛ اقبال الأعمال، ج 3، ص 161؛ مصباح كفعمی، ص 511.

7- بحار الأنوار، ج 43، ص 214.

8- الكافي، ج 1، ص 461؛ قرب الاسناد، ص 367.

و شیخ مفید، شیخ طوسی، سید بن طاووس و کفعمی نیز شهادت آن حضرت را در این روز نقل کرده اند.

امام کاظم علیه السلام لقب «شهیده» را به مادرشان فاطمه زهرا علیها السلام داده اند که بیانگر این است که آن بی بی به قتل رسیده است: «إِنَّ فَاطِمَةَ صَدِيقَةَ شَهِيدَةٍ»<sup>(1)</sup>.

جای دارد شیعیان هر چه بیشتر و با شکوه تر در این روز به مراسم تعزیت و ماتم آن مادر مظلومه قیام نمایند و چون قبر شریفش مخفی است در هر شهر و دیاری که بارگاه یکی از فرزندان پاکش و یا امامزاده معظمی می باشد روی آورند و در آن مکان مقدس یعنی حرم امامزادگان معظّم به عزاداری و نوحه سرایی پردازند تا بدین وسیله به دشمنان آن حضرت برسانند که اگر قبر شریفش پنهان است هر کجا مرقد ذریّه ای از آن بی بی در عالم باشد، آنجا مرقد مطهر فاطمه علیها السلام است.

در این روز (سوم جمادی الثانی) زیارتی مخصوص وارد شده است که ما آن را در کتاب «صحیفه فاطمیه علیها السلام» ذکر کرده ایم، طالبین به آنجا رجوع کنند.

علامه مجلسی رحمه الله می نویسد: «باید که در روز سوم این ماه (جمادی الثانی) به مراسم تعزیت حضرت زهرا علیها السلام قیام کرد و تبری بسیار زیاد از قاتلان آن حضرت و غاصبان حق وی نمود»<sup>(2)</sup>.

## 5 جمادی الثانی

### مرگ ملای رومی معروف به مولوی

در چنین روزی به سال 672 قمری جلال الدین بلخی معروف به مولوی مُرد<sup>(3)</sup> وی از اقطاب صوفیه و دارای عقاید ابناء عامه می باشد و در فقه پیرو ابوحنیفه پیشوای حنفیان بوده است<sup>(4)</sup> و دارای کتابی به نام «مثنوی معنوی» است که تقریباً ثلثی از کتاب در مدح خلفای سه گانه است و همچنین دارای حکایات و اشعاری که از تخیلات او سرچشمه گرفته است، می باشد.

بعضی گمان می کنند ملای رومی شیعه بوده و اعتقاد به ائمه اثنی عشر علیهم السلام داشته است و حال آنکه در مثنوی هیچ مدیحه ای برای ائمه اثنی عشر جز امیرالمؤمنین علیه السلام که خلیفه رابع می داند، وجود ندارد.

- و دیگر اینکه مهدی موعود عجل الله فرجه را نوعی دانسته و در بیتی می گوید:

پس امام حئی قائم آن ولیست خواه \*\*\* از نسل عمر خواه از علیست<sup>(5)</sup>

ص: 107

1- الکافی، ج 2، ص 458.

2- زاد المعاد، ص 281.

3- غزلیات شمس تبریز، شفیع کدکنی، ج 1، ص 33.

4- غزلیات شمس تبریز، ج 1، ص 34؛ نقدی بر مثنوی، سید جواد مدرسی یزدی، ص 151.

5- مثنوی معنوی، دفتر دوم.



- و همچنین سرودهای مفصل در اهانت به حضرت ابوطالب علیه السلام پدر امیرالمؤمنین علیه السلام سروده است:

خود یکی بوطالب آن عم رسول \*\*\* می نمودش شنعاً عربان مهول

که چه گویندم عرب کز طفل خود \*\*\* او بگردانید دین معتمد

گفتش ای عم یک شهادت تو بگو \*\*\* تا کنم با حق خصومت بهر تو

گفت لیکن فاش گردد از سماع \*\*\* کل سر جاوز الاثنین، شاع

من بمانم در زبان این عرب \*\*\* پیش ایشان خوار گردم زین سبب

لیک گر بودیش لطف ما سبق \*\*\* کی بدی این بددلی با جذب حق

الغیث ای تو غیث المستغیث \*\*\* زین دو شاخه اختیارات خبیث(1)

- و پیرامون واقعه جانسوز کربلا سرودهای دارد که در آن به امام حسین علیه السلام و اصحاب گرامش اهانت شده است:

هین مدو گستاخ در دشت بلا \*\*\* هین مرو کورانه اندر کربلا

که زموی و استخوان هالکان \*\*\* می نیابد راه پای سالکان(2)

و در کتاب «خیراتیه در ابطال طریقه صوفیه» نوشته است که در بعضی از نسخ مثنوی این بیت آمده است:

کورکورانه مرو در کربلا \*\*\* تا نیفتی چون حسین اندر بلا(3)

- صوفیان می گویند: «الصوفی لا مذهب له» یعنی: «صوفی مذهبی ندارد»، این عقیده آنان برگرفته شده از عقیده وحدت وجود است، لذا

پایند به دین و مذهب خاصی نیستند، چنانکه ملای رومی چنین سروده است:

عاشقان را جست و جو از خویش نیست \*\*\* در جهان جوینده جز او بیش نیست

این جهان و آن جهان یک گوهر است \*\*\* در حقیقت کفر و دین و کیش نیست(4)

ص: 108

1- مثنوی معنوی، دفتر ششم.

2- مثنوی معنوی، دفتر سوم.

3- خیراتیه در ابطال طریقه صوفیه، ج 2، ص 49.

4- دیوان شمس، غزل 425.

### رحلت علامه سید عبدالحسین شرف الدین موسوی عاملی

حاج سید عبدالحسین شرف الدین موسوی عاملی از علمای بزرگ و متکلمین شیعه به شمار می رود. وی در کاظمین به سال 1290 قمری متولد شد و در سن بیست سالگی وارد حوزه نجف اشرف گردید و در محضر شیخ محمد طه نجف، آخوند خراسانی، آیت الله سید محمد کاظم یزدی و شیخ الشریعة اصفهانی مشغول تحصیل شد و در سن 32 سالگی به مرحله اجتهاد رسید؛ سپس به جبل عامل لبنان هجرت نمود و رهبری شیعیان لبنان را به عهده گرفت و با فتوا و مجاهدت هایش توانست لبنان را از چنگال فرانسویان نجات دهد.

علامه سید شرف الدین دارای تألیفات بسیاری است از جمله کتاب «المراجعات» که باعث بیداری و استبصار بسیاری از مسلمانان به سوی مکتب تشیع شده است. این کتاب مکاتباتی بین وی و سلیم بُشری رئیس جامعه الأزهر مصر می باشد که در نهایت سلیم بُشری در مناظره تسلیم می گردد و مذهب جعفری را به عنوان مذهب رسمی در جامعه الأزهر می پذیرد و اجازه کرسی درس بر فقه جعفری می دهد. بسیاری از متعصبین از ابناء عامه جوانان و روشن فکرانشان را از خواندن کتاب «المراجعات» نهی می کنند و می گویند مخرب اعتقاداتشان است.

وی در 87 سالگی در لبنان از دنیا رفت و جسد مبارکش را به نجف منتقل نموده و در صحن امیرالمؤمنین علیه السلام کنار استادش سید محمد کاظم یزدی به خاک سپرده شد.

## 10 جمادی الثانی

### ورود سر مبارک زید بن علی علیهما السلام به مصر

در چنین روزی به سال 122 هجری قمری سر مبارک زید فرزند امام زین العابدین علیه السلام وارد شهر مصر شد. (1)

جناب زید پس از شهادت در کناسه کوفه سر مبارکش را یوسف بن عمر به شام نزد هشام بن عبدالملک مروان فرستاد و به امر وی سر مبارک را از شام به مدینه بردند و سپس آن را برای ترساندن مخالفان امویان به طرف مصر فرستادند که در چنین روزی سر مبارک زید وارد مصر شده و هم اکنون در حد فاصل قاهره و برکه قارون در نزدیکی مسجد ابن طولون بارگاهی منسوب به آن سر مبارک موجود می باشد.

ص: 109

در چنین روزی فرید الدین عطار نیشابوری به سال 627 قمری مُرد. (1) وی از اقطاب صوفیه و سنی مذهب می باشد. بر خلاف بعضی که تصور می کنند وی شیعه اثنی عشری بوده، در کتاب هایش مثل «تذکره الاولیاء» بسیاری از ائمه اهل سنت را تعریف و تمجید نموده و آنها را از خوبان و پاکان برشمرده است و از امامان شیعه به جز از امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیه السلام از ائمه دیگر نام نمی برد و جای شگفتی دارد چگونه بعضی از علمای شیعه وی را شیعه دانسته و گرامی می دارند؛ ما گوشه هایی از مدح پیشوایان و معاریف اهل سنت را که نموده، می آوریم:

- در کتاب «الهی نامه» راجع به ابوبکر می گوید:

به دین بوبکر چون کردست آغاز \*\*\* بدو گردد همه اجر جهان باز

از آن ایمان او در اصل خلقت \*\*\* همی چربد بر ایمانها ز سبقت (2)

- راجع به عمر بن الخطاب می گوید:

خواجه شرع آفتاب جمع دین \*\*\* ظل حق فاروق اعظم شمع دین

آنکه دارد بر صراط اول گذر \*\*\* هست او از قول پیغمبر عمر (3)

- راجع به عثمان می گوید:

اساسی کز حیا ایمان نهادست \*\*\* امیرالمؤمنین عثمان نهادست

فلک از بحر علم او بخاری \*\*\* زمین از کوه حلم او غباری (4)

## 13 جمادی الثانی

### شهادت جناب ام البنین علیها السلام

در چنین روزی شهادت جناب ام البنین علیها السلام مادر حضرت ابوالفضل عباس بن علی بن ابیطالب علیهم السلام در سال 64 هجری قمری اتفاق افتاده و در بقیع به خاک سپرده شد که هم اکنون آثاری از قبر ویران این بانوی بزرگوار مشهود می باشد.

ام البنین علیها السلام نامش «فاطمه» است و پدرش جناب «حزام بن خالد» و مادرش «لیلی دختر ابن

ص: 110

1- زندگینامه عطار نیشابوری، نفیسی، ص 69.

2- الهی نامه، در فضیلت ابوبکر.

3- منطق الطير، در فضيلت عمر.

4- الهی نامه، در فضيلت عثمان.

عامر) است (1) و با امیرالمؤمنین علیه السلام تزویج کرد و پس از شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام همسر دیگری اختیار نکرد تا رحلت نمود، خداوند چهار پسر به وی عنایت فرمود که عبارتند از:

1. عباس قمر بنی هاشم علیه السلام 2. عبدالله 3. عثمان 4. جعفر علیهم السلام؛ که هر چهار تن در کربلا به شهادت رسیدند. ام البنین علیها السلام همه روزه به بیع می رفت و برای فرزندانش اشک می ریخت (2) و می فرمود: «دیگر مرا ام البنین نخوانید». (3)

ام البنین علیها السلام با فصاحت و بلاغتی که داشت در مقام افشاگری از ظلم و تعدی بنی امیه برآمد و با اشعار جانسوز و بلیغ و عزاداری های مستمر مردم را متوجه ظلم و بیلیافتی حکام وقت می نمود، لذا آن بانورا با غسل زهر آگین مسموم و به شهادت رساندند؛ چنانکه مورخ نامی حاج شیخ علی فلسفی در کتاب «زنان نابغه» و جناب عبدالعظیم بحرانی در کتاب «ام البنین» نگاشته اند که بنی امیه همسر امیرالمؤمنین علیه السلام، ام البنین علیها السلام را مسموم و به قتل رساندند.

در کتاب «اختیارات» از اعمش نقل شده است که می گوید: «روز سیزدهم جمادی الثانی که مصادف با روز جمعه بود نزد امام زین العابدین علیه السلام بودم که ناگهان جناب فضل بن عباس علیه السلام وارد شد و در حالی که گریه می کرد، گفت: جدّه ام حضرت ام البنین علیها السلام از دنیا رفت». (4)

## 15 جمادی الثانی

### وفات بی بی شهربانو علیها السلام

در چنین روزی جناب شهربانو همسر امام حسین علیه السلام مدتی بعد از تولد یگانه فرزندش، امام زین العابدین علیه السلام رحلت کرد (5) و پیکر مطهرش در قبرستان بقیع به خاک سپرده شد. (6)

شهربانو دختر یزدگرد سوم، آخرین پادشاه ساسانی ایران است که برای این بانو نام های متعددی مثل جهانشاه، غزاله و ... ذکر کرده اند (7) و طبق نقل تاریخ نگاران در جنگ های اعراب و فارس به اسارت گرفته شده و سپس به ازدواج امام حسین علیه السلام درآمده است.

خلفا پس از روی کار آمدن برای منصرف کردن اذهان مسلمانان و اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از غصب خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام سریعاً نقشه حمله به روم و ایران را پیش گرفتند که حمله به ایران

ص: 111

1- مقاتل الطالبین، ص 87.

2- مقاتل الطالبین، ص 90.

3- إِبصار العین، ص 64

4- کنز المطالب، سید محمدباقر قره باغی، ص 172 به نقل از کتاب اختیارات.

5- رجوع شود به: حیاة الإمام زین العابدین علیه السلام، علامه مقرر، ص 51 و ص 59.

6- اثبات الوصیة، ص 170.

7- الطبقات الكبرى، ج 5، ص 211؛ الکافی، ج 1، ص 467.

در بین سال های 12 تا 30 هجری قمری ذکر شده است و پس از این تاریخ که مردم با امیرالمؤمنین علیه السلام بیعت کردند، آن حضرت حملات را متوقف نمودند و به هیچ سرزمینی حمله ننمودند، لذا اصل اسارت شهربانو واقعیتی است که مورخین اهل سنت(1) و شیعیان(2) ذکر کرده اند ولی در خصوص تاریخ و چگونگی ورود شهربانو به سرزمین اسلام گزارش های مختلفی بیان شده است که عبارتند از:

1. در حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام: بر پایه گزارشی که نقل شده است، کارگزار امیرالمؤمنین علیه السلام در مشرق دو دختر یزدگرد را به سوی ایشان فرستاد و ایشان شهربانو را به امام حسین علیه السلام و دیگری را به محمد بن ابی بکر بخشیدند.(3)

2. در حکومت عمر بن خطاب(4): که تفصیلاً جریان آن در تاریخ ولادت امام زین العابدین علیه السلام (پنجم شعبان) خواهد آمد.

3. در خلافت عثمان: بنا به روایتی که در «عیون أخبار الرضا علیه السلام» نقل شده که عثمان بن عفان او را به امام حسین علیه السلام بخشیده است.(5)

بعضی گمان دارند شهربانو در واقعه جانسوز کربلا حضور داشته و پس از آن با اعجاز به ایران آمده و در دامنه کوهی نزدیک ری (کوه بی بی شهربانو) وفات می یابد که هم اکنون مزاری منسوب به ایشان در آن محل مشهور است.

در «تذکره الخواتین» آمده: «و در میان مردم مشهور شده است که شهربانو در روز عاشورا در کربلا بوده و امام حسین علیه السلام به او که (نژاد ایرانی داشت و) از همه تنها تر بود، سفارش کرده بود که پس از شهادت وی و بازگشتن ذوالجناح، شهربانو بر آن سوار شود تا او را به جایی که مقدر شده است برساند. شهربانو چنین می کند تا این که به حوالی ری به غاری می رسد و به درون آن غار می رود و غائب می شود».(6)

ص: 112

1- ربیع الأبرار و نصوص الأخبار، ج 3، ص 350؛ وفيات الأعیان، ج 3، ص 267؛ البداية والنهاية، ج 9، ص 122؛ تهذیب التهذیب، ج 3، ص 438.

2- بصائر الدرجات، ج 1، ص 335؛ اثبات الوصية، ص 170؛ دلائل الامامة، ص 194؛ عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 128؛ الکافی، ج 1، ص 467؛ الإرشاد، ج 2، ص 137؛ روضة الواعظین، ج 1، ص 201.

3- الإرشاد، ج 2، ص 137؛ روضة الواعظین، ج 1، ص 201.

4- بصائر الدرجات، ج 1، ص 335؛ اثبات الوصية، ص 170؛ دلائل الامامة، ص 194؛ الکافی، ج 1، ص 467.

5- عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 128.

6- تذکره الخواتین، ملک الکتاب شیرازی، ص 147.

در چنین روزی به سال 73 هجری عبدالله بن زبیر به درک واصل شد. (1) عبدالله پدرش زبیر بن عوام و مادرش أسماء دختر ابوبکر بوده، او مردی بخیل و لئیم و بدخلق و حسود بوده (2) و با امیرالمؤمنین علیه السلام نهایت عداوت و دشمنی را داشته و چهل جمعه خطبه خواند و صلوات بر رسول خدا را که باید در خطبه ذکر شود ترک کرد و گاه گاهی در خطبه خود سب امیرالمؤمنین علیه السلام می نمود. (3)

عایشه او را بسیار دوست می داشت به حدی که گفته اند بعد از ابوبکر هیچ کس را مثل او دوست نمی داشت (4) و به اسم او خود را کنیه داده بود به «ام عبد الله». (5)

ابن زبیر در زمان یزید بن معاویه به مکه رفت و دعوی خلافت کرد و از مردم برای خود بیعت گرفت. مسعودی در «مروج الذهب» نقل کرده که او جماعت بنی هاشم را که در مکه بودند و از جمله ایشان جناب محمد بن حنفیه بود در شعب محصور کرد و همیزم بسیاری جمع نمود تا ایشان را بسوزاند که ناگاه از جانب کوفه جماعتی از طرف مختار ثقفی آمدند و آنان را نجات دادند و خواستند عبدالله بن زبیر را بکشند که او خود را به مسجد الحرام رسانید و پرده کعبه را گرفت و گفت: «أنا عائدٌ بالله». مسعودی می گوید: عروة بن زبیر برادر عبدالله گفته: برادرم می خواست محمد بن حنفیه و دیگر بنی هاشم را بترساند تا با او بیعت کنند، سپس مسعودی می افزاید: همچنانکه ترسانیدند بنی هاشم را در زمان سلف یعنی زمان بیعت گرفتن برای ابوبکر در زمانی که خلیفه شد. (6)

بالجمله عبدالله برادرش مصعب را به جنگ مختار به کوفه فرستاد و مصعب مختار را شهید کرد و کوفه را تسخیر نمود، عبدالملک مروان پس از شهید نمودن ابراهیم بن مالک اشتر، حجاج را به جنگ عبدالله بن زبیر فرستاد و مکه را محاصره نموده و به منجنیق بست تا اینکه بر عبدالله بن زبیر ظفر یافت و با ضرب سنگ او را از پا درآورد و سرش را برای عبدالملک فرستاد و بدنش را واژگونه به دار کشید و سرانجام به خواهش مادرش أسماء دختر ابوبکر، جسدش را پایین آوردند و دفن کردند. (7)

ص: 113

1- الطبقات الكبرى، ج 5، ص 82.

2- الإستیعاب، ج 3، ص 906؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج 6، ص 343.

3- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 261؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج 4، صص 61 و 62.

4- تاریخ مدینه دمشق، ج 28، ص 189؛ البداية و النهایة، ج 8، ص 336.

5- البداية و النهایة، ج 5، ص 294.

6- مروج الذهب، ج 3، ص 86.

7- الكامل فی التاریخ، ج 3، ص 405.

### تزوید جناب عبدالله علیه السلام با آمنه بنت وهب علیها السلام

در تزوید جناب عبدالله با آمنه بنت وهب گزارش های متعددی نقل شده است، ولی آنچه سید بن طاووس رحمه الله طبق حدیثی ذکر می کند که حضرت آمنه بنت وهب دوازده روز مانده از جمادی الثانی به نور پیامبر باردار شد، (1) طبق این گزارش زمان تقریبی تزوید حضرت عبدالله با جناب آمنه بنت وهب در چنین روزی (18 جمادی الثانی) بوده است.

نقل شده است که: چون عبدالله به سن جوانی رسید نور نبوت از جبین وی ساطع بود و جمیع اکابر و اشراف نواحی و اطراف مکه آرزو داشتند که به او دختر دهند تا اینکه عبدالمطلب علیه السلام فرزند برومندش عبدالله را به تزوید آمنه بنت وهب - که به پاکی و عفت بین عرب معروف بود - درآورد (2) و میوه و ثمره این تزوید، مولود مبارکی شد که ورق تاریخ بشریت به وسیله او برگشت و انسانیت در مسیر کمال و معرفت قرار گرفت و سیر نبوت با ایشان ختم گردید.

مطلب مهمی که باید اینجا یادآور شویم این است که: شیعیان اتفاق نظر دارند که پدران و مادران ائمه معصومین علیهم السلام، از عبدالله علیه السلام و ابوطالب علیه السلام تا حضرت آدم علیه السلام همه مؤمن و موحد بوده اند و علامه مجلسی رحمه الله می فرماید: همه آنان از صدیقان یا از پیامبران مرسل یا از اوصیای معصومین علیهم السلام بوده اند و اگر برخی اظهار اسلام نکرده اند یا از روی تقیه بوده و یا یک مصلحت دینی دیگری بوده. (و یا اینکه ایمان آورده اند ولی به ما نرسیده است). از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده که فرمودند: خداوند پیوسته مرا از صلب های پاک به رحم های پاک منتقل کرد تا اینکه مرا به این جهان شما آورد و به پلیدی جاهلیت آلوده ام نساخت. از این کلام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم چنین نتیجه می گیریم که هیچ یک از پدران آن حضرت، کافر و مشرک نبوده اند، چون آن حضرت پدرانش را به طهارت توصیف کرده و قرآن می فرماید: «إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ». (3)

### روز غبارروبی حرم امام زادگان

#### «روز کوثر» و تجلیل از ذریه فاطمه زهرا علیها السلام

چون قبر مطهر حضرت فاطمه زهرا علیها السلام از روی علت و حکمت مخفی می باشد شیعیان در روز

ص: 114

1- اقبال الأعمال، ج 2، ص 623.

2- بحار الأنوار، ج 15، ص 91.

3- سوره توبه، آیه 28؛ بحار الأنوار، ج 15، ص 117.



ولادت آن بی بی به زیارت قبور مطهر امام زادگان و ذریه طیبه آن حضرت می شتابند و بدینگونه سرور و شادی خود را نسبت به تولد آن ملکه اسلام اظهار می دارند. لذا شیعیان در چنین روزی (یک روز قبل از ولادت آن حضرت) به پاس احترام قبر مخفی فاطمه زهرا علیها السلام به غباررویی و چراغانی حرم امام زادگان معظم که پرتوی از نور آن مادر مهربان می باشند، می پردازند و سپس سه روز (20 و 21 و 22) این ماه مجالس جشن و شادی می گیرند، لذا بجاست این روز را به کوری چشم دشمنان آن بی بی دو عالم «روز غباررویی مراقد امام زادگان» و «روز کوثر» بنامند و هر کجای عالم در هر دیار و شهری که مرقدی از فرزندان آن ملکه اسلام باشد تجلیل کنند و به تنظیف و تطهیر حریشان پردازند و آن مکان مقدس را برای اظهار سرور و شادی ولادت مادرشان مهیا نمایند.

## 20 جمادی الثانی

### ولادت با سعادت بانوی بانوان، سرور جهانیان، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و روز مادر

هشت سال قبل از هجرت در چنین روزی بانوی بانوان، سرور جهانیان، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، دنیا را به نور خود روشن ساخت و پای به دنیای خاکی گذاشت، چنانکه به تصریح دو روایت معتبر از امام محمد باقر علیه السلام و امام جعفر صادق علیه السلام، حضرت صدیقه کبری، فاطمه زهرا علیها السلام در روز بیستم جمادی الثانی در سال پنجم بعثت به دنیا آمدند. (1)

به سند معتبر، مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام روایت کرده که هنگام ولادت فاطمه زهرا علیها السلام، نورش شرق و غرب عالم را منور نمود و به خانه های شهر مکه تابید که باعث شگفتی مردم مکه شده و فردای آن شب بشارت به میلاد نور خدا، زهرای اطهر علیها السلام داده شدند. (2)

### شب یلدا، شب ولادت فاطمه زهرا علیها السلام

بنا بر محاسبات نجومی کتاب «هیئت و نجوم اسلامی»: «حضرت صدیقه کبری علیها السلام در روز بیستم جمادی الثانی سال پنجم بعثت (هفت سال قبل از هجرت) از بانوی بزرگوار و فداکار عالم اسلام، حضرت خدیجه کبری علیها السلام پا به عرضه گیتی گذاشت، تاریخ مزبور برابر است با سی آذر تقریباً شش سال و نیم شمسی قبل از هجرت». (3)

بنابراین شب یلدا مصادف است با میلاد باسعادت فاطمه زهرا علیها السلام و چه بسا اقوام و ادیان پیشین به جهت بشارت میلاد حضرت فاطمه علیها السلام توسط پیامبرانشان در این شب، شب یلدا را

ص: 115

1- دلائل الامامة، ص 79 و ص 134.

2- الامالی للصدوق، ص 594.

3- هیئت و نجوم اسلامی، زمانی قمشه ای، ج 2، ص 93؛ باز پژوهی تاریخ ولادت و شهادت معصومان علیهم السلام، مقدسی، ص

گرامی می داشتند و به نیایش قیام می نمودند.

نیکوست در شب یلدا که میلاد با سعادت بی بی دو عالم حضرت زهرا علیها السلام هست، همانند اقوام و ادیان پیشینیان قبل از اسلام که در این شب خانواده ها دسته جمعی گرد هم می آمدند و در کنار دید و بازدید دست به نیایش برای ظهور «میترا»، منجی بشریت، بر می داشتند ما نیز در این شبِ پرفیض دست به دعا برای ظهور مهدی موعود عجل الله فرجه برداریم. (1)

## کیفیت خلقت فاطمه زهرا علیها السلام

سدیر صیرفی می گوید: امام جعفر صادق علیه السلام از پدرشان از اجدادشان علیهم السلام روایت نمودند که پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: نور فاطمه پیش از آفرینش زمین و آسمانها آفریده شد.

یکی از مردم گفت: ای پیامبر خدا بنا بر این فاطمه از جنس بشر نیست؟

پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم در پاسخ او فرمودند: فاطمه حوراء انسیه است.

گفتند: ای پیغمبر خدا! چگونه می شود که زهرا حوریّه و انسیه باشد؟

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: پیش از این که پروردگار متعال حضرت آدم را خلقت نماید، در آن هنگام که روحهای خلائق را آفرید، فاطمه را از نور خود خلق کرد و چون آدم را آفرید فاطمه را به او ارائه نمود.

گفته شد: ای پیامبر خدا! فاطمه در آن هنگام کجا بود؟ فرمودند: نور او در میان حقه ای در زیر ساق عرش جای داشت.

گفتند: ای رسول خدا! غذای وی چه بود؟

فرمود: تسبیح و تهلیل و تحمید خداوند. وقتی که پروردگار متعال آدم را آفرید، مرا از صلب او بیرون نمود و دوست داشت فاطمه را از صلب من بیرون آورد، پس او را به صورت یک سیب در بهشت در آورد، و جبرئیل آن سیب را نزد من آورد و به من گفت: ای محمد! درود و رحمت و برکات خدا بر تو باد! گفتم: ای دوست من جبرئیل! بر تو باد درود و رحمت خدا و برکات او! آنگاه جبرئیل گفت: ای محمد! خدا تو را سلام می رساند، گفتم: سلام از جانب خداست و به سوی او باز می گردد. گفت: ای محمد! این سیبی است که خدای عزّ و جلّ از بهشت برای تو هدیه فرستاده، من آن را گرفتم و به سینه خود نهادم. جبرئیل گفت: ای محمد! خداوند جلّ جلاله می فرماید: این سیب را نوش جان نما!

چون آن سیب را شکافتم، نوری از آن تابید که من ترسان شدم. جبرئیل گفت: ای پیامبر خدا چرا آن

ص: 116

1- کتاب «شب یلدا، شب میلاد شمسی فاطمه زهرا علیها السلام» (از همین مؤلف).

را میل نمی کنی؟ آن را بخور و نترس! زیرا آن نور بانویی است که در آسمان «منصوره» و در زمین «فاطمه» می باشد. گفتیم: ای دوست من جبرئیل چرا در آسمان «منصوره» و در زمین «فاطمه» است؟ گفت:

«سمیت فی الأرض فاطمة لانها فطمت شيعتها من النار و فطم أعداؤها عن حبها و هي فی السماء المنصورة و ذلك قول الله عز و جل: «يومئذ يفرح المؤمنون بنصر الله ينصر من يشاء» (1) یعنی نصر فاطمة لمحبيها» (2)؛

یعنی: «بدین سبب در زمین «فاطمه» نامیده شده که شیعیان خود را از جهنم رهایی می بخشد، و دشمنانش از محبت وی بی بهره خواهند بود، و در آسمان بدین جهت «منصوره» است که خداوند فرموده: «در آن روز (قیامت) مؤمنان به جهت یاری خدا که هر فردی را بخواهد یاری دهد، خرسند می شوند»؛ منظور از این یاری همان نصرتی است که حضرت فاطمه علیها السلام به دوستان خویش خواهد کرد».

### کیفیت حمل خدیجه علیها السلام

در کتاب «العدد القویة» کیفیت حمل خدیجه علیها السلام به آن حضرت اینگونه روایت شده است:

روزی حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم در سرزمین ابطح، با امیرالمؤمنین علیه السلام و جمعی از اصحاب نشستند، ناگاه جبرئیل با صورت اصلی خود نازل شد و بالهای خود را گشود تا مشرق و مغرب را پر کرد و ندا داد آن حضرت را که: ای محمد صلی الله علیه و آله و سلم! خداوند علی اعلیٰ تو را سلام می رساند و امر می نماید که چهل شبانه روز از خدیجه علیها السلام دوری اختیار کنی.

پس آن حضرت چهل روز به خانه خدیجه علیها السلام نرفتند و روزها روزه می داشتند و شبها تا صبح عبادت می کردند و عمار را به سوی خدیجه علیها السلام فرستادند و فرمودند: به او بگو که ای خدیجه علیها السلام! نیامدن من به سوی تو از کراهت و عداوت نیست و لیکن پروردگار من چنین امر کرده است تا تقدیرات خود را جاری سازد و گمان میر در حق خود جز نیکی، و به درستی که حق تعالی هر روز چند مرتبه با ملائکه خود به تو مباحثات می کند و باید هر شب در بختگاه خود را ببندی و در رختخواب خود بخوابی، من نیز در خانه فاطمه بنت اسد می باشم تا مدت وعده الهی منقضی گردد.

خدیجه علیها السلام هر روز چند نوبت از مفارقت آن حضرت می گریست و چون چهل روز تمام شد، جبرئیل بر آن حضرت نازل شد و گفت: ای محمد صلی الله علیه و آله و سلم! خداوند علی اعلا- تو را سلام می رساند که مهیا شو برای تحفه و کرامت من؛ پس ناگاه میکائیل نازل شد و طبقی آورد که دستمالی از سندس بهشت بر روی آن پوشانده بودند و در پیش آن حضرت گذاشت و گفت: پروردگار تو می فرماید

ص: 117

1- سوره روم، آیات 4-5.

2- معانی الأخبار، ص 396.

که امشب بر این طعام افطار کن.

امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می نماید: هر شب چون هنگام افطار آن حضرت می شد، مرا امر می فرمود که درب خانه را باز کنم تا هر که خواهد بیاید و با آن حضرت افطار نماید، اما در این شب مرا فرمود که بر درب خانه بنشین و اجازه مده کسی داخل شود که این طعام بر غیر من حرام است؛ پس چون اراده افطار نمود، طبق را گشود و در میان آن طبق از میوه های بهشتی، یک خوشه خرما و یک خوشه انگور بود و جامی از آب بهشت، پس از آن میوه ها تناول فرمود که سیر شد و از آن آب آشامید تا سیراب شد و جبرئیل از ابریق بهشت آب بر دست مبارکش می ریخت و میکائیل دستش را می شست و اسرافیل دستش را با دستمال بهشت پاک می کرد و طعام باقیمانده با ظرفها به آسمان بالا رفت.

چون حضرت برخاست که مشغول نماز شود جبرئیل گفت: در این وقت نماز تو را جایز نیست (معلوم است که مراد نمازهای نافله و مستحبی است نه نماز فریضه چه دأب نبی و امام بر آن است که نماز را مقدم بر افطار می دارند) باید که الحال به منزل خدیجه علیها السلام روی و او را در آغوش بگیری که حق تعالی می خواهد در این شب از نسل تو ذریه ای طیبه خلق نماید.

پس آن حضرت متوجه خانه خدیجه علیها السلام شد و آن بانو نقل می کند که من با تنهایی الفت گرفته بودم، چون شب می شد دربها را می بستم، پرده ها را می آویختم، نماز خود را بجا می آوردم، چراغ را خاموش می کردم و در جامه خواب خود می خوابیدم و در این شب در میان خواب بودم که صدای درب خانه را شنیدم، پرسیدم کیست که درب را می کوبد که به غیر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دیگری را روا نیست کوبیدن آن؟ آن حضرت فرمودند: ای خدیجه علیها السلام! باز کن درب را که منم محمد صلی الله علیه و آله و سلم.

چون صدای فرح افزای آن حضرت را شنیدم از جا جستم و درب را گشودم و پیوسته عادت آن حضرت آن بود که چون اراده خوابیدن می نمود آب می طلبید و وضو تجدید می کرد و دو رکعت نماز به جا می آورد و داخل رختخواب می شد، اما در این شب مبارک هیچ یک از این کارها را نکرد و تا داخل شد دست مرا گرفت و خود را در آغوش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم انداختم (آن ذره نورانی توسط بذاق دهان مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به جناب خدیجه علیها السلام منتقل شد) و در ادامه حضرت خدیجه کبری علیها السلام می فرماید: سوگند به آن کسی که آسمانها را برافراشته و آب را از زمین جوشانیده،

حضرت از من دور نشده بودند که سنگینی وجود فاطمه علیها السلام را در خود احساس کردم. (1)

## کیفیت ولادت فاطمه زهرا علیها السلام

شیخ صدوق رحمه الله به سند معتبر از مفضل بن عمر روایت کرده است که گفت: از حضرت امام صادق علیه السلام سؤال کردم که ولادت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام چگونه بود؟ آن حضرت فرمودند:

چون خدیجه علیها السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ازدواج نمود، زنان مکه از عداوتی که با آن حضرت داشتند از او دوری نمودند و بر او سلام نمی کردند و نمی گذاشتند که زنی به نزد او برود، پس خدیجه علیها السلام را به این سبب، وحشتی عظیم عارض شد و لیکن عمده غم و جزع خدیجه علیها السلام برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود که مبادا از شدت عداوت آنها، آسیبی به آن حضرت برسد.

خدیجه علیها السلام چون به حضرت فاطمه علیها السلام باردار شد، فاطمه علیها السلام در شکم با او سخن می گفت و مونس او بود و او را صبر می فرمود، خدیجه علیها السلام این حالت را از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پنهان می داشت، پس روزی حضرت داخل شدند، شنیدند که خدیجه علیها السلام با شخصی سخن می گوید و کسی را نزد او ندیدند، فرمودند: ای خدیجه علیها السلام! با که سخن می گویی؟

خدیجه علیها السلام گفت: فرزندی که در شکم من است با من سخن می گوید و مونس من است!

حضرت فرمودند: «اینک جبرئیل مرا خبر می دهد که این فرزند دختر است و اوست نسل طاهر بامیمنت و بابرکت و حق تعالی نسل مرا از او به وجود خواهد آورد و از نسل او امامان و پیشوایان دین را قرار خواهد داد و حق تعالی بعد از انقضای وحی، ایشان را خلیفه های خود در زمین خواهد گردانید».

پیوسته خدیجه علیها السلام در این حالت بود تا آن که ولادت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام نزدیک شد، چون درد زاییدن در خود احساس کرد به سوی زنان قریش و بنی هاشم کسی فرستاد که نزد او حاضر شوند؛ ایشان در جواب او فرستادند که فرمان ما نبردی و قبول قول ما نکردی و زن یتیم ابوطالب شدی که فقیر است و مالی ندارد، ما به این سبب به خانه تو نمی آییم و متوجه امور تو نمی شویم.

خدیجه علیها السلام چون پیغام ایشان را شنید، بسیار اندوهناک گردید؛ در این حالت ناگاه دید که چهار بانوی بزرگوار با چهره های درخشان نزد او حاضر شده و به بانوان بنی هاشم شبیه بودند، خدیجه علیها السلام از دیدن ایشان بترسید، پس یکی از ایشان گفت: «غمگین نباش، ای خدیجه! ما فرستادگان پروردگارت به سوی تو و خواهران توایم، منم ساره زوجه ابراهیم علیه السلام و دوم آسیه دختر

ص: 119

مزاحم است که در بهشت رفیق تو خواهد بود و سوم مریم دختر عمران است و چهارم کلثوم خواهر موسی بن عمران است؛ حق تعالی ما را فرستاده است که در وقت ولادت نزد تو باشیم و تو را یاری کنیم».

پس یکی از ایشان در جانب راست خدیجه علیها السلام نشست و دیگری در جانب چپ و سوم در پیش رو و چهارم در پشت سر، پس حضرت فاطمه علیها السلام پاک و پاکیزه فرود آمد و چون به زمین رسید نور او ساطع گردید به مرتبه ای که خانه های مکه را روشن گردانید و در مشرق و مغرب زمین، موضعی نماند مگر آن که از آن نور روشن شد و ده نفر از حورالعین به آن خانه درآمدند و هر یک ابریقی و طشتی از بهشت در دست داشتند و ابریقیهای ایشان مملو بود از آب کوثر، پس آن زنی که در پیش روی خدیجه علیها السلام بود جناب فاطمه علیها السلام را برداشت و به آب کوثر شست و شوی داد و دو جامه سفیدی بیرون آورد که از شیر سفیدتر و از مشک و عنبر خوشبوتر بود و فاطمه علیها السلام را در یک جامه از آن پیچید و جامه دیگر را مقنعه او گردانید، پس از او خواست که سخن بگوید، فاطمه علیها السلام معجزه آسا لب به سخن باز کرد و فرمود:

«أشهد أن لا إله إلا الله وأن أبا رسول الله سيد الأنبياء وأن بعلي سيد الأوصياء وولدي سادة الأسباط»؛

یعنی: «گواهی می دهم به یگانگی خدا و به آن که پدرم، رسول خدا، سرور پیغمبران است و شوهرم سرور جانشینان پیغمبران است و فرزندانم آقا و سرور نوادگان پیغمبراناند».

پس بر هر یک از آن بانوان سلام کرد و هر یک را به نام ایشان خواند، پس آن بانوان شادی کردند و حوریان بهشت خندان شدند و یکدیگر را به ولادت آن سیده زنان عالمیان بشارت دادند و در آسمان نور روشنی هویدا شد که پیش تر چنان نوری مشاهده نکرده بودند، پس آن زنان مقدسه به خدیجه علیها السلام خطاب کردند و گفتند: «بگیر این دختر را که طاهره و مطهره است، پاکیزه و بابرکت است، حق تعالی برکت داده او را و نسل او را» (1).

بدین وسیله حضرت خدیجه علیها السلام که در راه اسلام و یاری پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم بی مهری ها و مشقت های طاقت فرسایی را تحمل کرده بود، به بزرگترین پاداش و اکرام الهی مفتخر شد که آن تحفه الهی، «فاطمه زهرا علیها السلام» بود و در عالم فقط وجود خدیجه علیها السلام بوده که خدای تعالی لیاقت مادری برای فاطمه زهرا علیها السلام را به وی عطا کرد.

بدین جهت نیکوست سه روز ایام ولادت این بی بی را جشن گرفته و اینگونه نامگذاری کنند:

ص: 120

بیستم جمادی الثانی: روز اول ولادت فاطمه علیها السلام، روز مادر؛

بیست و یکم جمادی الثانی: روز دوم ولادت فاطمه علیها السلام، روز زن؛

بیست و دوم جمادی الثانی: روز سوم ولادت فاطمه علیها السلام، روز حجاب و مرگ ابوبکر.

و باید مسلمانان این روز را بزرگ شمارند و با مجالس سرور و جشن از آن بانوی الهی تمجید نمایند و به حرم فرزندان پاکش و حرم امامزادگان که پرتوی از نور آن بزرگ بانوی هستی هستند، بروند و از دور و نزدیک آن حضرت را زیارت کنند و چه نیکوست که در این روز دختران هاشمی و ساداتی که هم نام آن حضرت هستند، مورد احترام ویژه ای قرار گیرند تا آن بی بی را مسرور سازند.

شیخ مفید رحمه الله فرموده: در این روز مسلمانان باید اظهار سرور و خوشحالی کنند و روزه بدارند و تصدقات و اعمال خیر کنند(1) و آن حضرت را از دور و نزدیک زیارت کنند.

## 21 جمادی الثانی

### روز دوم ولادت فاطمه زهرا علیها السلام، روز زن

یکی از امتیازات بسیار بزرگ زنان این است که خدای تعالی یگانه خلقتش، فاطمه زهرا علیها السلام را به صورت و قالب «زن» به جهان هستی آورد و او را مقتدا و سرور زنان عالم «سیده نساء العالمین» قرار داد، چنانکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در روایات متواتر فرمودند: «فاطمه حوریه ای است که به صورت انسان (در قالب زن) خلق شده است»؛ لذا بسیار بجاست دوستداران آن بی بی دو عالم، این روز را «روز زن» بنامند و آن را گرامی بدارند و سه روز «20-21-22» جمادی الثانی را به جهت ولادت آن حضرت جشن بگیرند.

چه نیکوست روز اول ولادت آن حضرت «روز مادر» و روز دوم «روز زن» و روز سوم «روز حجاب و کرامت زن» نامیده شود تا در ضمن بزرگداشت و تعظیم از شخصیت این بانوی یگانه هستی، معارفی نسبت به شخصیت زنان تبلیغ گردد.

- رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «أما ابنتی فاطمة، فانها سیده نساء العالمین من الأولین و الآخرین و هی بضعة منی و هی نور عینی و هی ثمرة فؤادی و هی روحی التي بین جنبی و هی الحوراء الإنسیة»؛ (2)

یعنی: «اما دخترم فاطمه، پس همانا او سرور زنان عالم از اولین و آخرین است و او پاره وجود من و نور چشم و میوه قلبم است، او روح و جان من است که در میان دو پهلویم قرار گرفته و او فرشته ای است در سیمای انسان».

ص: 121

1- مسار الشیعه، ص 54.

2- الأمالی للصدوق، ص 113.

- رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «فاطمة حوراء إنسية و كلما اشتقت إلى رائحة الجنة شممت رائحة ابنتي فاطمة عليها السلام» (1) یعنی: «فاطمه فرشته ای است در سیمای انسانی و هرگاه مشتاق بوی بهشت می شوم، دخترم فاطمه علیها السلام را می بویم».

- در روایت دیگری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آمده است: «إن فاطمة خلقت حورية في صورة إنسية»؛ (2) یعنی: «همانا فاطمه علیها السلام فرشته ای است که به صورت انسان آفریده شده است».

## 22 جمادی الثانی

### روز سوم ولادت فاطمه زهرا علیها السلام، روز حجاب و کرامت زن

#### حقیقت حجاب

حجاب در اسلام موضوعیت دارد، بدین جهت به آن بسیار اهمیت داده، لذا آیات متعددی در مورد حجاب در قرآن نازل شده است؛ حجاب فقط تکلیف زنان نیست بلکه شامل مردها نیز می شود چون آنان نیز باید با حفظ حجاب و پوشش مناسب، حرمت جامعه را حفظ کنند.

حجاب یعنی مانع و حائل که دفع می کند آسیب هایی را که متوجه روح و جسم می گردد، لذا اسلام بر مرد و زن واجب نموده که با اتخاذ پوشش مناسبی که تأثیر منفی و حرام بر جنس مخالف نگذارد، وارد در مجامع عمومی و اختلاط با نامحرمان شوند.

بدین جهت روز سوم ولادت با سعادت بزرگ بانوی اسلام حضرت فاطمه زهرا علیها السلام که اسوه زنان و مردان است به نام «روز حجاب» نام گذاری شد تا از کردار و گفتار دُرربار آن بزرگ بانوی هستی الگو گرفته و خود و جامعه را به سلامت واقعی برسانیم و با بزرگداشت آن، زنان و مردان بیشتر به حجاب اهمیت داده و آن را مورد بحث و گفتگوی بیشتر قرار دهند و در رسانه ها و محافل و مجالس با جشن گرفتن برای تولد صدیقۀ کبری علیها السلام، این موضوع که باعث خشنودی آن حضرت می شود، بیشتر مطرح شود و خود و فرزندانمان را آنگونه که حضرتش رضایت دارد، پرورش دهیم.

آیات و روایات متعددی در وجوب حجاب زنان وارد شده که باعث عفاف آنان و حفظ جوانان جامعه از خطرهای روحی و جسمی می شود.

#### اهمیت حجاب

- در اهمیت حجاب روایتی را از حضرت فاطمه علیها السلام نقل می کنیم:

ص: 122

1- التوحید للصدوق، ص 118.

2- دلائل الإمامة، ص 146.



روزی اصحاب در محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بودند، آن حضرت از آنها پرسید: «مصلحت و خیر زن در چیست؟» هیچ کس نتوانست پاسخ صحیحی بدهد، حضرت علی علیه السلام سؤال پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را برای فاطمه علیها السلام بازگو کردند، حضرت فاطمه علیها السلام فرمودند: «خیر للنساء أن لا یرین الرجال و لا یراهنّ الرجال» یعنی: «صلاح و خیر زن در آن است که مردان بیگانه را نبینند و مردان بیگانه نیز او را نبینند».

وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم این پاسخ را شنیدند، خرسند شدند و فرمودند: «فاطمة بضعة منی» یعنی: «فاطمه پاره تن من است» (1).

حضرت زهرا علیها السلام می فرماید خداوند تقرب زن را از ناحیه حجاب و رعایت حریم محرم و نامحرم قرار داده، زن هر چه بیشتر به مسئله حجاب خود مقید باشد به خداوند نزدیکتر خواهد شد.

- محدث نوری رحمه الله ضمن بیان یک رخداد تاریخی، شیوه پوشش حضرت فاطمه علیها السلام را اینگونه نقل کرده است: «فلبست فاطمة علیها السلام شملة من صوف قد خیطت اثنی عشر مکانا بسعف النخل»؛ (2)

یعنی: «حضرت زهرا چادری از پشم پوشیده بود که دوازده قسمت آن با لیف خرما دوخته شده بود».

- در مورد دیگری نقل شده است: «دعا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فاطمة علیها السلام و کانت إذا سمعته أجابته، فأجابته فی عباءة محتجزة بنصفها و النصف الآخر علی رأسها»؛ (3)

یعنی: «پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فاطمه علیها السلام را صدا کرد. حضرت زهرا علیها السلام آمد در حالی که عباپی به بر داشت که نصف آن را به کمر بسته و نصف دیگر را به سر انداخته بود».

- در روایتی دیگر نقل شده که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در بیماری که منجر به شهادت حضرت شد، از ابوذر درخواست می کند که فاطمه زهرا علیها السلام را با خبر کند. ابوذر شیوه پوشش حضرت زهرا علیها السلام را اینگونه گزارش کرده است: «فلبست جلبابها و خرجت» (4) یعنی: «جلباب و چادر خود را پوشید و از منزل خارج شد».

یکی دیگر از حوادثی که بیانگر چگونگی حجاب حضرت فاطمه علیها السلام در بیرون از منزل می باشد، نحوه و روش آمدن ایشان به مسجد برای دفاع از فدک است. وقتی ابوبکر و عمر تصمیم گرفتند حضرت را از فدک محروم کنند، ایشان با شکل خاصی از حجاب و پوشش برای دفاع از حق ولایت از منزل به مسجد آمدند: «لائت خمارها علی رأسها و اشتملت بجلبابها و أقبلت فی لمة من حفدتها

ص: 123

1- کشف الغمة، ج 1، ص 466.

2- مستدرک الوسائل، ج 3، ص 273.

3- مکارم الأخلاق، ص 106.

4- بحار الأنوار، ج 36، ص 288.

و نساء قومها تطأ ذیولها» (1) یعنی: «هنگام خروج از منزل مقنعه را محکم به سر بست و جلباب و چادر خود را به گونه ای به تن کرد که تمام بدن ایشان را پوشانده بود و گوشه های آن به زمین می رسید، در حالیکه همراه گروهی از نزدیکان و زنان قوم خود بود به سوی مسجد حرکت کرد».

- در گزارش دیگری نقل شده است: «فتجلبیت بجلبابها و تبرقعت ببرقعها و أرادت النبى صلی الله علیه و آله و سلم»؛ (2) یعنی: «فاطمه علیها السلام وقتی می خواست از خانه خارج شود و نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برود، چادر به سر نمود و برقع (روبنده و پوشیه) انداخت».

(برقع در این روایت همان پوششی است که خانمها بر روی صورت خود استفاده می کنند).

- از بارزترین روایات نقل شده در خصوص نحوه برخورد فاطمه زهرا علیها السلام با نامحرم می توان به روایت ذیل اشاره نمود:

شخصی که نابینا بود از حضرت فاطمه علیها السلام اجازه خواست تا به حضور او برود، حضرت فاطمه علیها السلام اجازه داد، ولی در طول ملاقات حجاب بر سر داشت. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم به او فرمود:

چرا حجاب در بر نمودی در حالی که او تو را نمی دید؟

حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: «إن لم یکن یرانی فإنی أراه و هو یشم الریح» یعنی: «اگر او مرا نمی بیند، من او را می بینم، و او بوی تن مرا نیز حس می کند».

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «شهادت می دهم که تو پاره ای از وجود من هستی» (3).

اینها تنها نمونه هایی از نحوه پوشش حضرت زهرا علیها السلام بود که با توجه به این روایات، معلوم می شود آن حضرت با رعایت این امور درس اجتناب از نامحرم را به زنان می آموزند.

### مردن ابوبکر پسر ابوقحافه

ابوبکر حدوداً در سن 67 سالگی در مدینه مُرد و عمر بن الخطاب را به جانشینی خودش نصب نمود. در تأیید سن ابوبکر که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بزرگتر بوده، گزارشی است از زبان یزید بن اصم که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به ابوبکر فرمودند: من از تو بزرگترم یا تو از من؟ ابوبکر گفت: بلکه تو از من بزرگ تر و ارجمندتر و نیکوتری و من از تو سالمندترم». این گزارش را ابن ضحاک آورده و محب

ص: 124

1- الإحتجاج للطبرسی، ج 1، ص 98.

2- علل الشرایع، ج 1، ص 163.

3- دعائم الإسلام، ج 2، ص 214.

طبری در ریاض النضره آن را یاد کرده (1) و ابن عبد البر نیز در استیعاب آن را آورده، (2) سیوطی نیز در تاریخ الخلفاء آن را به نقل از خلیفه بن خیاط و احمد بن حنبل و ابن عساکر ذکر کرده است. (3)

پدر ابوبکر «ابوقحافه عثمان بن عامر بن عمرو بن کعب» و مادرش «سلمی بنت صخر بن عامر بن عمرو بن کعب» است، (4) وی مدت دو سال و سه ماه و بیست و دو روز خلافت کرد و ابناء عامه در علت مرگ او نوشته اند: «ابوبکر در روز دوشنبه 7 جمادی الثانی غسل کرده بود و آن روز هوا سرد بود به این دلیل سرما خورد و تب کرد و 15 روز این تب ادامه داشت و به نماز نمی رفت تا در شب سه شنبه 22 جمادی الثانی بعد از آنکه خلافت را به عمر واگذار کرد، مُرد». (5)

ابوبکر قبل از مرگش عثمان را خواست و گفت: تو در حق عمر چه می گویی؟ عثمان گفت: نهان عمر از آشکارش بهتر و از همه ما برتر است. (6)

در جایی دیگر نقل شده، ابوبکر عثمان را طلبید و به او امر کرد که وصیتنامه اش را در باب خلافت عمر بنویسد که خلاصه آن این است: این وصیتی است از ابوبکر هنگامی که از این جهان به دیگر سرای می رود، همانا من عمر بن الخطاب را بر شما خلیفتی دادم، اگر کار به عدل و انصاف کند گمان من در حق او به خطا نرفته و اگر از طریق عدالت انحراف جوید من ندانم، بلکه خداوند غیب می داند. (7)

جمعی از اصحاب با این انتصاب مخالفت کردند، از جمله طلحه بود که گفت: از خدا بترس، چون امروز بر مسلمانان فظ غلیظی را والی گردانیدی که مردم را رم دهد. (8)

این انتصاب ابوبکر در حالی است که می گویند: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم کسی را به جانشینی خود نصب نفرموده و به اختیار مسلمانان قرار داده است، حال اگر این ادعا صحیح باشد، پس چگونه ابوبکر جانشین نصب می کند و به اختیار مسلمانان قرار نمی دهد؟!؟

در اینجا باید پرسید: چرا هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در روزهای آخر حیات خود کاغذ و قلم خواستند تا وصی و جانشین بعد از خود را معین کنند، نسبت هذیان گویی به آن حضرت دادند و حضرتش را آزرده خاطر نمودند و نهایتاً نگذاشتند آن حضرت وصیت خویش را بنویسد؟!؟

ص: 125

1- ریاض النضره، ج 1، ص 186.

2- الإستیعاب فی معرفة الأصحاب، ج 4، ص 1614.

3- تاریخ الخلفاء، ص 87.

4- المعجم الكبير، ج 1، ص 51؛ فتح الباب، ج 1، ص 107.

5- الطبقات الكبرى، ج 3، ص 202؛ تاریخ الطبری، ج 3، ص 419.

6- الطبقات الكبرى، ج 3، ص 199؛ تاریخ المدینة، ج 2، ص 668.

7- الطبقات الكبرى، ج 3، ص 200؛ تاریخ المدینة، ج 2، ص 672.

8- تاریخ الطبری، ج 3، ص 433؛ منهاج السنة، ج 7، ص 461.

### وفات جناب محقق حلی رحمه الله

در سنه 676 هجری قمری علامه بزرگوار، محقق ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن الحسن حلی وفات یافت. (1) وی صاحب کتاب پرارزش فقهی «شرایع الإسلام» و «المختصر النافع» است و علامه زمان، فقیه دوران و یگانه عصر خویش بوده و دایمی علامه حلی می باشد، مزار شریفش در «حله» و تاریخ وفات او این کلمه است «زبدة المحققین رحمه الله».

## 27 جمادی الثانی

### شهادت امام هادی علیه السلام

در تاریخ شهادت امام هادی علیه السلام گزارش های متعددی نقل شده است، از جمله گزارش یعقوبی است که در مقدمه کتاب تاریخش به بخشی از منابع خود اشاره کرده است و افزوده که وی میان نقل های متعارض به داوری نشسته است (2) و از طرفی دیگر یعقوبی در دوران شهادت امام هادی علیه السلام زنده بوده و در جوانی به سر می برده است، با این دو ویژگی گزارش او در خصوص تاریخ شهادت امام هادی علیه السلام به نظر قوی تر می رسد. وی شهادت امام هادی علیه السلام را سه روز باقی مانده از ماه جمادی الثانی ذکر نموده است. (3)

گزارش دیگری که پیرامون شهادت آن امام عزیز ذکر شده است، 4 روز باقی مانده از ماه جمادی الثانی است (4) که چه بسا این اختلاف بین سه و چهار روز باقی مانده از جمادی الثانی به جهت این بوده است که برخی روز شهادت را در نظر گرفته و گزارش نموده اند: چهار روز باقی مانده به آخر ماه جمادی الثانی؛ و برخی دیگر که سه روز مانده به آخر ماه جمادی الثانی را نقل کرده اند، سه روز از بعد از روز شهادت را در نظر گرفته اند، بنابراین روز 27 جمادی الثانی در سالروز شهادت امام هادی علیه السلام اقوی می باشد.

قابل توجه است به اینکه به «قانون انسب» ذکر سالروز شهادت امام هادی علیه السلام در 27 جمادی الثانی مناسبت بهتری دارد تا سوم ماه رجب که برخی به آن تمسک نموده اند، زیرا نیمه ماه رجب به جهت موالید ائمه علیهم السلام در آن، ایام سرور و شادی است و دیگر اینکه روز سوم ماه رجب بنا بر مسائیدی که ذکر خواهیم کرد میلاد امام هادی علیه السلام است، لذا برای احیاء مراسم جشن میلاد و مراسم عزای و شهادت آن

ص: 126

1- توضیح المقاصد، ص 14.

2- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 5.

3- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 503؛ همچنین مناقب آل ائمه علیهم السلام، ج 4، ص 433 روز بیست و هفتم را ذکر کرده است.

4- الکافی، ج 1، ص 497؛ تاریخ الطبری، ج 5، ص 426؛ مروج الذهب، ج 4، ص 182؛ تاریخ قم، ص 203؛ وفيات الأعیان، ابن

خلکان، ج 3، ص 273 (با تعبیر قیل)؛ البداية و النهایة، ج 11، ص 19؛ الاثمة الإثنی عشر، ابن طولون، ص 109 (با تعبیر قیل).

حضرت، سوم ماه رجب روز شهادت آن حضرت مناسب نمی باشد و بهتر و آنسب است روز ولادت و شهادت تفریق و جدا گردد، به طوریکه 27 جمادی الثانی را در جهت احیای مراسم عزا و سوگواری آن عزیز قرار دهیم و روز سوم ماه رجب را برای احیای جشن میلاد آن امام عزیز لحاظ کنیم.

امام علی الهادی علیه السلام در این روز به سال 254 هجری قمری در سن 40 یا 41 سالگی به شهادت رسیدند. آن حضرت را متوکل عباسی به سامراء تبعید کرد و معتز عباسی با زهری که خورانیده بود حضرت را به قتل رسانید، (1) سپس در خانه شان که در سامراء داشتند به خاک سپرده شدند. قبر شریفشان ملجأ و پناه دوست و بیگانه است و از تربت پاکشان حتی مخالفان استفاده می کنند، چنانچه در حیاتشان حتی یهود و نصاری به آن جناب پناه می بردند.

در روایتی امام هادی علیه السلام فرمودند: این دعایی است که بسیار با آن خدا را می خوانم و از خدا درخواست نموده ام ناامید بر نگرداند کسی را که این دعا را در کنار مرقم بخواند:

«يَا عَدَّتِي عِدَّةَ الْعُدَدِ، وَيَا رَجَائِي وَالْمُعْتَمَدُ، وَيَا كَهْفِي وَالسُّنْدُ، وَيَا وَاحِدُ يَا أَحَدُ، وَيَا قُلُّ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِحَقِّ مَنْ خَلَقْتَهُ مِنْ خَلْقِكَ، وَ لَمْ تَجْعَلْ فِي خَلْقِكَ مِثْلَهُمْ أَحَدًا، صَلِّ عَلَيَّ جَمَاعَتِهِمْ، وَ افْعَلْ بِي كَذَا وَ كَذَا» (2).

### شهادت سلطان علی بن محمد باقر علیه السلام

در این روز در سال 116 هجری قمری جناب ابوالحسن سلطان علی فرزند امام محمد باقر علیه السلام در اردهال به شهادت رسید. (3)

عده ای از دوستان اهل بیت علیهم السلام از اهالی چهل حصاران و فین کاشان نامه ای خدمت امام باقر علیه السلام نوشتند که چون ما از محضر شما دور هستیم یکی از آقازادگان خود را برای راهنمایی و تربیت ما و تعلیم احکام به طرف ما بفرستید. آن حضرت فرزند بزرگوار خود، جناب علی بن محمد علیهما السلام را با رسولان فرستاده و روانه کاشان کردند و اسباب سفر آن حضرت را برادرش امام صادق علیه السلام فراهم نمودند. هنگام ورود آن حضرت، در فین حدود شش هزار نفر برای استقبال آمدند، حضرت مدتی در جاسب و خاوه مشغول هدایت مردم بودند و بیشتر در مسجد جامع کاشان - که فعلاً در کوی میدان کهنه واقع است - مشغول عبادت بودند و شیعیان برای ادای نماز جمعه خدمتش مشرف می شدند و کرامات زیادی مشاهده می نمودند.

آن حضرت نامه هایی برای پدر بزرگوارش به مدینه می فرستاد و حالات خود و شیعیان را بیان می نمود،

ص: 127

1- مرآة العقول، ج 6، ص 110.

2- الأمالی للطوسی، ص 280؛ الدعوات للراوندي، ص 50.

3- تذكرة ترجمه شده آیت الله عبدالرسول مدنی کاشانی.

تا در سال 114 هجری خبر شهادت پدر بزرگوارش به آن حضرت رسید و بعد از شهادت پدر بزرگوارش در سال 116 هجری، مخالفین، آن حضرت را با عده ای از دوستان و موالیان و منسوبین به آن حضرت شهید کردند، (1) از آنجا که 27 جمادی الثانی در سال شهادت آن حضرت مصادف با 17 مهر ماه شمسی بوده، هر سال به مناسبت سالگرد آن حضرت در دومین جمعه مهر ماه مراسم قالی شویان همراه با عزاداری با شکوهی کنار قبر مطهرش برگزار می شود.

هم اکنون در سرداب زیر ضریح مقدس آن حضرت، بدن مبارک، همراه حدود صد نفر از آن شهدای بزرگوار، تازه و سالم هست که مرحوم آیه الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی رحمه الله مشاهده فرموده اند.

### وفات میرزا حسین نوری رحمه الله

در این روز محدث جلیل القدر حاج میرزا حسین نوری به سال 1320 هجری قمری وفات یافت. وی صاحب کتاب های گرانسنگی است از جمله: «مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل»، «النجم الثاقب فی أحوال الإمام الغائب علیه السلام» و ... .

قبر شریف ایشان در صحن مطهر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام کنار قبر شاگردش حاج شیخ عباس قمی رحمه الله می باشد.

### 28 جمادی الثانی

#### به درک رفتن ولید بن یزید

در چنین روزی به سال 126 قمری، ولید بن یزید بن عبدالملک مروان به قتل رسید. (2)

ولید پلید، مردی ملحد و بد کیش و معروف به فسق و فجور بود (3) و به هیچ وجه مستلزم به ظواهر اسلام نبود و پیوسته به شرب خمر و غنا و طرب و انواع فسق و فجور اشتغال داشت. (4) وی با زنان پدرش زنا می کرد (5) و در جمله ای از کتب ابناء عامه است که یک شب مؤذن اذان صبح گفت، ولید برخاست و شراب خورد و با جاری های که او هم مست بود در آمیخت و با او نزدیکی کرد و قسم یاد نمود که با مردم نماز نکند مگر همین کنیز، پس لباس خود را به وی پوشانید و آن جاریه مست را که در حال جنابت بود، به مسجد فرستاد تا با مردم نماز گذارد. (6)

ص: 128

1- برگرفته از تذکره ترجمه شده آیت الله عبدالرسول مدنی کاشانی.

2- تاریخ الطبری، ج 7، ص 252؛ الکامل فی التاريخ، ج 5، ص 288؛ تاریخ ابی الفداء، ج 1، ص 284.

3- تاریخ الخلفاء، ص 186.

4- تاریخ الطبری، ج 7، ص 209؛ مروج الذهب، ج 3، ص 213؛ تاریخ مدینه دمشق، ج 56، ص 457.

5- سیر أعلام النبلاء، ج 5، ص 373.

6- حیاة الحیوان، ج 1، ص 108؛ اخبار الدول، ج 2، ص 51.

در اخبار الدول است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «لیکونن فی هذه الأمة رجل یقال له الولید، هو أشر علی هذه الأمة من فرعون لقومه»<sup>(1)</sup> یعنی: «همانا در این امت مردی می آید که به او ولید گفته می شود، هر آینه او شرورتر است برای امت من از فرعون برای قومش».

در ایام او به فرمایش جناب یحیی بن زید بن علی بن الحسین علیهم السلام در جوزجان به شهادت رسید.<sup>(2)</sup>

### قیام محمد نفس زکیه

محمد بن عبدالله بن حسن مشهور به نفس زکیه، فرزند عبدالله محض و از نوادگان امام حسن مجتبی علیه السلام می باشد که در زمان امام صادق علیه السلام می زیسته است، وی اولین قیام کننده از سادات علیه بنی العباس بوده که در چنین روزی به سال 145 قمری خروج می کند<sup>(3)</sup> و در پانزدهم ماه مبارک رمضان به طرز فجیعی به شهادت می رسد.<sup>(4)</sup>

شایان ذکر است قیام سادات حسنی و حسینی در زمان امامان معصوم علیهم السلام در خفاء و پنهانی با اذن امام علیه السلام صورت می گرفته است که از فحوای کلام سید بن طاووس رحمه الله چنین بر می آید که او نیز بر همین عقیده است؛<sup>(5)</sup> حکمت آن این بوده که در دوران های پر از خفقان و ظلم بنی العباس هرگاه یکی از سادات به شهادت می رسیدند بنی العباس از ترس انتقام بنی هاشم و سادات عقب نشینی نموده و برای مدتی بنی هاشم و سادات زندگی نسبتاً راحتی را از شر بنی العباس می گذراندند.

### 29 جمادی الثانی

#### شهادت حضرت امّ کلثوم، دخت امیرالمؤمنین علیهما السلام

بنا به گزارش کتاب «ترجمة المصائب» بحرانی و «بحر المصائب» تبریزی و «ناسخ التواریخ» سپهر، حضرت ام کلثوم علیها السلام دخت گرامی امیرالمؤمنین علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام، چهار ماه پس از بازگشت از اسارت و ورود به مدینه منوره، بر اثر تألمات و مصائب طاقت فرسا به شهادت می رسند<sup>(6)</sup> و چون اهل بیت علیهم السلام در اواخر ماه صفر به مدینه منوره رسیده اند، چهار ماه پس از آن، تقریباً اواخر ماه جمادی الثانی روز شهادت آن مخدره می گردد و به گزارش دیگری از عبدالرزاق صنعانی (متوفی 211 قمری) برای اثبات شهادت آن بانوی گرامی آمده است: «آن حضرت توسط عبدالملک مروان مسموم

ص: 129

- 1- اخبار الدول، ج 2، ص 51؛ مسند أحمد، ج 18، ص 1.
- 2- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 331؛ مقاتل الطالبيين، ص 145.
- 3- تاریخ الطبری، ج 7، ص 556؛ الكامل فی التاریخ، ج 5، ص 529.
- 4- تاریخ الطبری، ج 7، ص 609؛ الطبقات الكبرى، ج 5، ص 440.
- 5- کشف المحجّة، ص 215؛ إقبال الأعمال، ج 2، ص 579.
- 6- ترجمة المصائب؛ بحر المصائب؛ ناسخ التواریخ، ج 1، ص 569.

جناب ام کلثوم علیها السلام چهارمین فرزند فاطمه زهرا علیها السلام می باشد، بعضی نسبت داده اند به امیرالمؤمنین علیه السلام که وی را به عقد عمر بن الخطاب درآورده که این گزارش دروغ محض می باشد، زیرا:

- اولاً: تمامی روایاتی که در این ارتباط نقل شده اختلاف فاحشی با یکدیگر دارند؛

- ثانیاً: تمامی روایات و گزارشات نقل شده از جهت سند مخدوش می باشد؛

- ثالثاً: از دیگر دلایل عدم صحت این تزویج این است که بعضی از مورخین عامه این تزویج را در اوائل حکومت عمر بن خطاب تا سال 17 هجری ذکر کرده اند (2) که در این سالها جناب علیامخدره زینب صغری علیها السلام چهار ساله یا هشت ساله بودند و عمر حدود شصت سال داشته که خود دلیل روشن بر محال بودن این ازدواج است؛

- رابعاً: موافق با عقاید و مرام شیعیان نمی باشد، چون امیرالمؤمنین علیه السلام با قدرت معنوی و ولایتی که داشتند، آیا نمی توانستند درخواست عمر را رد کنند و مانع ایجاد کنند؟! یا لااقل از ذهن عمر چنین تصمیم و درخواستی را محو کنند؟! پس چگونه می شود که دختر خردسال و یادگار فاطمه زهرا علیها السلام را به تزویج شخصی درآورند که هم از جهت سنی تناسب ندارد و هم از جهت معنوی کفویت ندارد؟! و آیا حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بدون تحصیل رضایت دختر گرامیش، وی را به ازدواج فلان درآوردند؟! چنانکه در گزارشات ذکر شده، بحثی از رضایت این بانو به میان نیامده است؛ و آیا جناب ام کلثوم علیها السلام خود راضی به ازدواج با شخصی شده است که قاتل مادر و برادرش و غاصب حق پدرش بوده است؟!!

جواب این سؤالات داده نشده است، پس با ضرس قاطع می گوئیم چنین ازدواجی صورت نگرفته است و آنچه پیرامون ازدواج ام کلثوم و عمر گزارش شده با تحقیق دقیق در سندهای ابناء عامه و ابناء خاصه، ام کلثوم دختر ابوبکر بوده است مانند یحیی بن شرف نوی شارح «صحیح مسلم» که در کتاب «تغریب الاسماء» به ام کلثوم دختر ابوبکر تصریح کرده است (3) و آیه الله مرعشی نجفی رحمه الله از مراجع به نام شیعیه در «شرح إحقاق الحق» این مطلب را (که همسر عمر ام کلثوم دختر ابوبکر بوده) آورده اند، (4) لذا بعضی مغرضانه از این تشابه اسمی استفاده نموده و چنین شایعه نمودند که ام کلثوم دختر گرامی فاطمه زهرا علیها السلام به ازدواج عمر درآمده است که کذب محض می باشد.

ص: 130

1- المصنف، ج 6، ص 164.

2- تاریخ الطبری، ج 4، ص 69؛ المنتظم فی تاریخ الملوك والأمم، ج 4، ص 237.

3- تهذیب الأسماء و اللغات، النووی، ج 2، ص 630.

4- شرح إحقاق الحق و إزهاق الباطل، ج 30، ص 315.



جناب ام کلثوم به ازدواج پسرعمّ گرامیش جناب عون فرزند جعفر طیار علیه السلام درآمد و به همراه برادر عزیزش امام حسین علیه السلام در کربلا حضور داشت و در طول اسارت چند خطبه ایراد نمود و افشاگری ها علیه یزید و یزیدیان نموده است و پس از مراجعت به مدینه در اثر آن مصائب جانسوز و طاقت فرسا، زندگی دنیا را بدرود گفت و مسموماً به شهادت رسید.

با یک جمع بندی از گزارشات ورود حضرت ام کلثوم علیها السلام به مدینه در می یابیم که: به جهت اقبال زنان مدینه به حضرت زینب کبری و زینب صغری علیهما السلام و افشاگری های این دو بانو علیه حکام وقت و شوراندن مردم علیه بنی امیه و لعن، نفرین و برائت از آنان، دستگاه حاکمه تصمیم به تبعید و قتلشان گرفت و زینب کبری علیها السلام را به شام و ام کلثوم، زینب صغری علیها السلام را به مصر تبعید نمود، سپس این بزرگواران را مسموماً به شهادت رسانید و هم اکنون مزاری در مصر هست که منسوب به این بانو (زینب صغری علیها السلام) می باشد و مرقدی در شام که منسوب به زینب کبری علیها السلام می باشد.

## آخر جمادی الثانی

### شهادت جناب سید محمد فرزند امام هادی علیه السلام

طبق آنچه مشهور است حضرت سید محمد فرزند امام هادی علیه السلام در سال 252 هجری قمری در چنین روزی در شهر بلد از توابع سامراء مسموماً به شهادت رسید. (1)

جناب سید محمد از جایگاه و مقام بلندی برخوردار است تا جاییکه بعضی شیعیان گمان می کردند بعد از پدرش امام هادی علیه السلام آن بزرگوار امام است. لذا گفته اند: در حق حضرتش نسبت به امامت بداء رخ داده است، (2) تا جاییکه بنی العباس نیز گمان می کردند وی جانشین امام هادی علیه السلام است، بدین جهت مقدمات مسموم نمودن آن جناب را فراهم نمودند و در منطقه «دُجیل» حضرتش را به شهادت رساندند.

آن جناب از عبّاد و زهادت زمان خود بود و کنیه اش ابوجعفر، ابوعلی و سید محمد بعاج بوده، نزد پدر و برادرش امام حسن عسکری علیه السلام مقامی ارجمند داشت، تا اینکه اراده سفر به سوی حجاز را نمود و هنگامی که به شهر بلد رسید، در اثر مسمومیت بیمار شد و در آنجا به شهادت رسید.

قبر شریفش دارای بارگاهی بس باشکوه، در شش فرسخی سامراء است و کرامات بیشماری از آن جناب نقل کرده اند و شیعیان برای زیارتش شدّ رحال می کنند و در توسل به آن جناب بسیار رغبت دارند.

ص: 131

---

1- حیاة الإمام الحسن العسکری علیه السلام، قرشی، ص 25؛ کرامات السید محمد بن الامام علی الهادی علیه السلام المعروف بسبع الدجیل، منیر سعید الگیم، ص 33.

2- الکافی، ج 1، ص 327؛ الإرشاد، ج 2، ص 318.

در چنین روزی به سال 501 هجری قمری، صدقه بن منصور مزیدی اسدی ملقب به «سیف الدوله» وفات کرد. (1) محدث قمی رحمه الله می فرماید: «وی مردی حلیم، کریم، عفیف و شجاع بوده است و خانه او در بغداد محل امان خائفان بوده و او از شیعیان با اخلاص امیرالمؤمنین علیه السلام است، بلکه سلسله جلیله بنی اسد - که سیف الدوله از آنان است و ایشان را مزیدی نیز خوانند و در عراق عرب امامت داشتند - تمام شیعه بوده اند، سیف الدوله همان است که در حدود سنه 498 هجری، شهر «حله» را بنا کرد و از این جهت آن بلد را «سیفیّه» گویند». (2)

اصبغ بن نباته - که در سفر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به صفین همراه حضرت بوده - می گوید: من در خدمت آن جناب بودم، حضرت در بالای تلی برآمده و اشاره فرمودند به نیستانی که ما بین بابل و تلّ بود، سپس فرمودند: مدینه و چه مدینه ای! عرض کردم: ای مولای من! می بینم شما را که نام شهری را می برید! آیا در اینجا شهری بوده و آثارش محو گشته است؟ فرمودند: نه، و لکن بعدها شهری بنا می شود که آن را «حله سیفیّه» گویند و بنا کند آن را مردی از بنی اسد و در آن بلد مردمان اخیری پدید آیند که: «لو أقسم أحدهم علی الله لأبرّ قسمه» (3) یعنی: اگر یکی از آنها خدا را قسم دهد، هر آینه به نیکوتر قسمش را انجام می دهد.

ص: 132

1- تاریخ الإسلام، ذهبی، ج 35، ص 32.

2- وقایع الأيام، ص 424.

3- بحار الأنوار، ج 57، ص 222.

رجب ابتدای ماه های حرام است که عبارتند از:

رجب، ذی القعدة، ذی الحجة، محرم

ص: 133

حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرزند امام زین العابدین علیه السلام در روز اول ماه رجب به دنیا آمدند. (1)

پیرامون سال ولادت حضرت امام محمد باقر علیه السلام اختلاف فاحشی وجود دارد و میان سال های 56 تا 65 هجری قمری به نقل های متعدد سال ولادت آن حضرت ذکر شده است و ما به جهت اختصار از ذکر تمام گزارش ها خودداری می کنیم و قول 65 هجری را که حمدالله مستوفی ذکر کرده است (2) می پذیریم، زیرا این تاریخ با حکمت بیماری امام زین العابدین علیه السلام در کربلا سازگار است، گرچه روایات ضعیفی وارد شده است که آن حضرت در صحرای کربلا حضور داشته اند.

برای روشن شدن مطلب عرض می کنیم: حکمت بیماری امام زین العابدین علیه السلام در صحرای کربلا، حفظ سلاله امام حسین علیه السلام و یا حفظ امامت بوده، زیرا اگر امام زین العابدین علیه السلام به حکمت الهی بیمار نبودند بر حضرتش واجب بود جانش را نثار امام زمانش، پدر گرامیش، حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام کند، بدین جهت به حکمت حفظ نسل امام حسین علیه السلام و یا حفظ امامت، آن حضرت بیمار گردید؛ حال اگر امام محمد باقر علیه السلام در صحرای کربلا حضور داشتند این دو حکمت نقض می شد، از طرفی در کتب مقاتل که واقعه کربلا را گزارش کرده اند، ذکری از حضور امام محمد باقر علیه السلام نشده است و همچنین در بعضی از مقاتل آمده است: هنگامی که امام حسین علیه السلام برای وداع وارد خیمه امام سجاد علیه السلام شدند، امام سجاد علیه السلام از عموها و برادرانش سؤال نمود، امام حسین علیه السلام فرمودند: ای پسر! بدان هر آینه در خیمه ها جز من و تو مرد زنده ای وجود ندارد (3) و همچنین هنگامیکه امام سجاد علیه السلام ندای یاری طلبیدن پدر بزرگوارش را می شنود با بیماری سختی که داشت، برای دفاع از امام زمانش برخاست که امام حسین علیه السلام به خواهر گرامیشان ام کلثوم علیها السلام فرمودند: او را نگه دار تا زمین از نسل آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم خالی نماند (4) و یا همچنانکه در روایات دیگری گزارش شده است که امام حسین علیه السلام فرمودند: زمین از حجت خدا خالی نشود و مردم بدون امام نمانند. (5)

ص: 134

1- مسار الشيعة، ص 56؛ مصباح المتعجد، ص 801؛ دلائل الإمامة، ص 215؛ إعلام الوری، ج 1، ص 498.

2- تاریخ گزیده، حمد الله مستوفی، ص 203.

3- الدمعة الساکبة، ج 4، ص 352؛ معالی السبطين، ص 444.

4- معالی السبطين، ص 443.

5- الأسرار، ج 2، ص 766؛ معالی السبطين، ص 443.

این گزارش‌ها دلیل محکمی است بر اینکه امام محمد باقر علیه السلام در صحرای کربلا حضور نداشتند و ما با صرف نظر از تاریخ‌های سال ولادت امام محمد باقر علیه السلام، به ذکر تاریخ حمدالله مستوفی که می‌فرماید سال 65 هجری قمری آن حضرت به دنیا آمدند، یعنی چهار سال بعد از واقعه کربلا، اکتفا می‌کنیم.

نام مبارک آن حضرت، محمد، کنیه شان ابوجعفر و القاب ایشان، الشاکر لله، هادی، امین، شبیه (به جهاتی شبیه به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بوده) و باقرالعلوم یعنی شکافنده علوم و دانش‌ها می‌باشد. (1)

مادر بزرگوار حضرت امام باقر علیه السلام، فاطمه معروف به امّ عبدالله، دختر امام مجتبی علیه السلام است و از این جهت امام محمد باقر علیه السلام نخستین کسی است که از نظر پدر و مادر فاطمی و علوی است، این بانوی بزرگوار در واقعه جانسوز کربلا کنار عموی بزرگوارش امام حسین علیه السلام حضور داشته و پس از تحمل آن همه مصائب و رنج‌ها همراه دیگر بانوان حرم حسینی به اسارت رفته است. (2)

امام صادق علیه السلام درباره این بانو فرموده اند که: «صدیقه» بوده و مثلش در بانوان آل حسن علیه السلام نبوده است، (3) مرحوم کلینی در مقامات و کرامات وی به سند خود از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که فرمود: مادرم روزی در کنار دیواری نشسته بود، ناگهان دیوار لرزید و نزدیک بود فرو بریزد، پس مادرم گفت: به حق پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم، اجازه نداری خراب شوی، و دیوار ما بین زمین و آسمان معلق ماند تا آنکه او از آنجا دور شد و چون این جریان اتفاق افتاد، امام سجاد علیه السلام صد دینار صدقه دادند. (4)

### فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام و حضرت امام رضا علیه السلام

در شب و روز اول این ماه زیارت امام حسین علیه السلام و امام رضا علیه السلام مستحب است.

از حضرت امام صادق علیه السلام روایت شده که: «هرکس امام حسین علیه السلام را در اول ماه رجب زیارت کند خداوند متعال گناهان او را می‌بخشد». (5)

و همچنین در روایتی از امام جواد علیه السلام وارد شده است: «زیارت پدرم امام رضا علیه السلام در ماه رجب افضل است». (6)

محقق داماد - عطر الله مرقدہ - در رساله «اربعه ایام» خود نوشته: «روز اول ماه رجب الفرد زیارت حضرت امام رضا علیه السلام به غایت مؤکد و محثوث علیه است». (7)

ص: 135

1- دلائل الإمامة، ص 216.

2- تاریخ مدینة دمشق، ج 70، ص 261.

3- الکافی، ج 2، ص 466.

4- الدعوات للراوندی، ص 68.

5- مصباح المتہجد، ص 801.

6- الکافی، ج 4، ص 584.



امام صادق علیه السلام می فرمایند: «نوح در نخستین روز از رجب به کشتی سوار شد، پس به همسفران خود امر کرد که آن روز را روزه بدارند و فرمود: کسی که آن روز را روزه بدارد، آتش دوزخ به اندازه طی کردن یک سال راه از او دور می شود، و کسی که هفت روز روزه بدارد، درهای هفتگانه دوزخ به روی او بسته می شود، و کسی که هشت روز روزه بدارد، درهای هشتگانه بهشت به روی او گشوده می گردد و کسی که پانزده روز روزه بدارد، هر چه خواهد به او عطا می شود، و هر کس که بر آن بیفزاید خدای عز و جل بر آن می افزاید» (1).

### 3 رجب المرجب

#### ولادت با سعادت امام هادی علیه السلام

آنچه در این زمان مشهور گردیده روز سوم رجب المرجب شهادت امام هادی علیه السلام است، ولی ما طبق تحقیق و بررسی که در روز 27 جمادی الثانی نمودیم، این روز (27 جمادی الثانی) را در روز شهادت امام هادی علیه السلام اقوی و انسب می دانیم (2).

در روز ولادت امام هادی علیه السلام گزارش های متعددی نقل شده است که به نحو اختصار عبارتند از: نهم (3)، پانزدهم (4)، بیست و هفتم (5) و بیست و نهم ماه ذی الحجة (6) و دوم (7)، سوم (8)، پنجم (9)، هشتم (10) و بیست و دوم ماه رجب (11).

آنچه برای احیاء جشن میلاد امام هادی علیه السلام مناسبت بیشتری دارد، سوم ماه رجب می باشد که ابن رستم طبری و سید بن طاووس این تاریخ را نقل نموده اند (12) لذا نیکوست که دوم (13) و سوم ماه رجب را برای احیاء و بزرگداشت مجالس سرور میلاد آن حضرت گرامی بداریم.

در تأیید این ماه ابن عیاش دعایی را از حضرت بقیة الله روحی فداه نقل کرده که در آن اشاره به دو مولود شده یکی امام هادی علیه السلام و یکی امام جواد علیه السلام و آورده که آن حضرت فرمودند: در ماه

ص: 136

- 1- من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 91.
- 2- به روز 27 جمادی الثانی مراجعه شود.
- 3- وفيات الأعیان، ج 3، ص 273.
- 4- وفيات الأعیان، ج 3، ص 273.
- 5- مسار الشیعة، ص 23.
- 6- تاج الموالید، مجموعة نفیسة، ص 103.
- 7- مصباح المتهدج، ص 805؛ المصباح للكفعمی، ص 512.
- 8- دلائل الإمامة، ص 409؛ إقبال الأعمال، ج 3، ص 221.
- 9- مصباح المتهدج، ص 805؛ اعلام الوری، ج 2، ص 109.
- 10- تاریخ قم، ص 201.
- 11- المقالات و الفرق، ص 100.

- 12- دلائل الإمامة، ص 409؛ إقبال الأعمال، ج 3، ص 221.
- 13- مصباح المتهجد، ص 805؛ المصباح للكفعمي، ص 512.



رجب این دعا را هر روز بخوانید:

«اللهم إني أسألك بالمولودين في رجب، محمد بن علي الثاني و ابنه علي بن محمد المنتجب، و أتقرب بهما إليك خير القرب، يا من إليه المعروف طلب، و فيما لديه رغب...»(1)

اگر سؤال شود که چرا در دعای ذکر شده اشاره ای به میلاد امیرالمؤمنین علیه السلام و امام محمد باقر علیه السلام - که در ماه رجب واقع گردیده - نشده است، در جواب می گوئیم شاید به جهت اشتها مولود این دو بزرگوار در ماه رجب، ذکر نام آن دو امام همام نشده است و اشاره به میلاد امام هادی علیه السلام و امام جواد علیه السلام شده که مورد غفلت شیعیان قرار گرفته بوده است.

«سمانه» مادر امام هادی علیه السلام از اهالی مغرب بین آفریقا و اندلس بود که دست تقدیر او را به مدینه آورد و سرانجام به همسری امام جواد علیه السلام درآمد. امام هادی علیه السلام در شأن او می فرمایند: «نام او سمانه است، او بانویی است که به حق مرا می شناسد، او از بانوان بهشتی است، شیطان سرکش به او نزدیک نمی شود و نیرنگ طاغوت به او راه ندارد، او همواره مورد لطف خدایی است که هرگز خواب ندارد، وی با مادران صدیقان و صالحان فرقی ندارد».(2)

مسعودی در اثبات الوصیه می نویسد: محمد بن فرج گفت: روزی حضرت امام محمد تقی علیه السلام مرا خواست و به من فرمود: قافله ای آمده که در بین آنها برده فروشی است و کنیزانی دارد، آنگاه امام جواد علیه السلام کیسه پولی که 60 دینار در آن بود به من داد و فرمود: این پولها را بردار و به محل توقف آن برده فروش برو، وقتی رسیدی کنیزی را با این اوصاف خریداری کن، پس من دستور امام علیه السلام را اطاعت نمودم و آن کنیز را که نامش سمانه بود، خریدم و به حضور حضرت آوردم.(3)

چنانچه قبلاً گفتیم بعضی شهادت امام هادی علیه السلام را در سوم رجب و ولادتشان را در دوم رجب نقل کرده اند، لذا مجلس سوگواری یا مجلس جشنی که در شأن آن امام همام باشد گرفته نمی شود، ولی در نزد ما شهادت آن حضرت در 27 جمادی الثانی اقوی می باشد؛ روزی یکی از علمای تهران به من گفت: چگونه می شود که دوم رجب میلاد امام هادی علیه السلام و سوم رجب شهادت آن حضرت می باشد، زیرا ما در مسجدمان روز دوم جشن سرور و شادی می گیریم و جوانان مجلس با کف زدن شور خود را ابراز می کنند و در شب بر آن حضرت عزاداری و سینه زنی می کنند و این امر باعث طعن بعضی از مردم شده است.

به او گفتیم طبق تحقیق و بررسی که نمودیم 27 جمادی الثانی، شهادت آن حضرت انسب و اقوی

ص: 137

1- مصباح المتهدج، ص 805؛ إقبال الأعمال، ج 3، ص 215.

2- دلائل الإمامة، ص 216.

3- اثبات الوصیه، ص 228.

می باشد و روز دوم و سوم رجب روز میلاد آن حضرت است و با این تفکیک شما بهتر می توانید برای احیاء نام امام هادی علیه السلام مجالس سرور و شادی یا مجالس حزن و ماتم بگیرید. آن عالم بزرگوار از این پیشنهاد بسیار خرسند شد و تشکر نمود.

## 5 رجب المرجب

### ولادت با سعادت امام موسی بن جعفر علیه السلام

ولادت حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام طبق پژوهشی که در کتاب «زادروز میلاد هفتم» نمودیم، در پنجم رجب المرجب به سال 128 هجری قمری می باشد.

روز ولادت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام بین مورخین اختلاف است و در سه زمان مختلف نقل کرده اند که ما مفصلاً در کتاب «زادروز میلاد هفتم» آورده ایم:

1. ماه صفر، روز هفتم؛ 2. ماه ذیحجه، بدون ذکر روز میلاد؛ 3. ماه رجب، روز پنجم.

منابعی که تاریخ ولادت را در پنج ماه رجب ذکر کرده اند، عبارتند از:

1. ابن عبد البر در کتاب «التمهید فی الأنساب»؛

2. محدث لاهیجی در کتاب «تذکره الأئمة»؛

3. شیخ علی فلسفی در کتاب «دائرة المعارف بقاع متبرکه جهان»؛

4. محمد تقی سپهر کاشانی در کتاب «ناسخ التواریخ»<sup>(1)</sup>

که نزد ما این روز اقوی و انساب می باشد.

درباره تاریخ ولادت (روز و ماه) ناهمخوانی بین منابع کهن به چشم می خورد، اکثراً تنها به ذکر سال تولد آن حضرت بسنده کرده اند که می توان از عالمان شیعه: سعد بن عبدالله اشعری، نوبختی، ابن ابی الثلج، کلینی، شیخ مفید و شیخ طوسی<sup>(2)</sup> و از عالمان اهل سنت: خطیب بغدادی، عبدالرحمن بن جوزی، سبط بن جوزی، گنجی شافعی و ابن صباغ مالکی<sup>(3)</sup> را نام برد.

پاره ای دیگر از عالمان، تاریخ ولادت را در ماه صفر - با اختلاف در روز - ذکر کرده اند، همانند

ص: 138

1- ناسخ التواریخ، زندگانی حضرت موسی بن جعفر علیه السلام، ج 1، ص 6.

2- المقالات و الفرق، ص 93؛ فرق الشیعة، ص 84؛ تاریخ الأئمة (مجموعه نفیسه، ص 11)؛ الکافی، ج 1، ص 477؛ الإرشاد، ج 2، ص 215؛ تهذیب الأحکام، ج 6، ص 81.

3- تاریخ بغداد، ج 13، ص 27؛ صفة الصفوة، ج 2، ص 187؛ تذکره الخواص، ص 348؛ کفاية الطالب، ص 457؛ الفصول المهمة،



فتال نیشابوری که روز هفتم صفر (1) و مستوفی که روز نهم صفر را ذکر کرده است (2) و تنها طبری امامی ماه ذیحجه را بدون ذکر روز آن گزارش کرده است. (3)

با توجه به گزارش عالمان دسته اول که به زمان امامان نزدیک تر بودند و به سال تولد آن حضرت بسنده کرده و ذکری از ماه صفر ننموده اند و همچنین از نظر تاریخی مقدمند بر دسته دوم از عالمانی که حدود 300 سال بعد از دسته اولند و روز هفتم ماه صفر را ذکر کرده اند، و نیز به جهت اختلاف در روز هفتم و نهم صفر، ماه صفر تضعیف می گردد.

اینکه طبری امامی ماه ذیحجه را بدون تعیین روز نقل نموده به استناد دو گزارش می باشد، گفتنی است که این دو گزارش از ابوبصیر و منهال قصاب در خصوص تولد امام کاظم علیه السلام در منطقه «ابواء» نقل شده است، در گزارش اول ابوبصیر در سفر حج حضور داشته و در گزارش دوم منهال ذکری از سفر حج نمی کند و فقط گزارش می کند که از مکه خارج شده و به سوی مدینه حرکت کرده است؛ این دو در طول سفر وقتی به ابواء رسیدند، خبر تولد امام کاظم علیه السلام را شنیدند.

ابوبصیر می گوید: به محضر امام صادق علیه السلام تشریف یافتم و بر سر سفره ناهار امام علیه السلام نشسته بودم که بشارت تولد امام کاظم علیه السلام به پدرش داده شد (4) و منهال نیز می گوید در حالی از ابواء عبور کردم که موسی پسر امام صادق علیه السلام تولد یافت و من پیش از امام صادق علیه السلام به مدینه رفتم و آن حضرت پس از یک روز وارد مدینه شدند و سه روز به مردم اطعام دادند. (5)

با دقت در گزارش این دو راوی، هیچگونه تصریح و اشاره ای نیست که این تشریف و حضور و بشارت و اطعام در چه ماهی بوده است؟! بعضی از عالمان در زمان ما با توجه به شرایط کنونی که رایج است غالبان حاجیان پس از اعمال حج از مکه خارج می شوند، خواستند بگویند تولد آن گرامی در ماه ذیحجه بوده است، لیکن آیا این مقایسه زمان ما با زمان آن دو گزارشگر صحیح است؟! و یا اینکه احتمال داده نمی شود ابوبصیر و منهال مدتی در مکه مانده باشند و سپس به سوی مدینه حرکت کرده باشند؟!

علی ای حال آن دو در چه تاریخی به ابواء رسیدند و چند روز در ابواء اقامت داشته اند که پس از آن خبر ولادت به آنها رسیده است، روشن نیست و به نظر می آید به همین جهت ها بوده که محدثینی

ص: 139

1- روضة الواعظین، ص 221.

2- تاریخ گزیده، ص 204.

3- دلائل الإمامة، ص 303.

4- المحاسن، ج 2، ص 314؛ الکافی، ج 1، ص 385.

5- المحاسن، ج 2، ص 418.

مثل کلینی، برقی، صفار، اشعری، نوبختی، شیخ مفید و شیخ طبرسی در عین حالیکه این دو روایت را دیده اند، درباره تولد امام کاظم علیه السلام در ماه ذیحجه سکوت کرده اند و نظر نداده اند.

وانگهی گزارش ابوبصیر با دو سند در کافی نقل شده است که علامه مجلسی هر دو سند را ضعیف دانسته است (1) و منهال چون در گزارشش منفرد است، شیخ طوسی نقل او را غیر قابل اعتماد می داند؛ (2) و همچنین روایت بدون سند جناب طبری امامی که از امام حسن عسکری علیه السلام در احوالات امام کاظم علیه السلام آورده است، به جهت اینکه در نقل آن منفرد بوده و در هیچ منبعی یافت نمی شود، تضعیف می گردد، لذا با جمع بندی از مطالب ذکر شده نمی توان گفت امام کاظم علیه السلام در ماه ذیحجه به دنیا آمده است.

بنابراین پنجم رجب با ذکر گزارشگران آن و همچنین مناسبت بهتر برای احیاء مجالس سرور امام کاظم علیه السلام در نزد ما اقوی است، لذا چه نیکوست که مؤمنان و شیفتگان حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام - بنابر تحقیق و بررسی که نمودیم - روز پنجم ماه رجب را روز ولادت آن حضرت قرار دهند و روز هفتم صفر را که در ماه حزن و اندوه است و از طرفی در اکثر بلاد شیعه به جهت روز شهادت امام حسن مجتبی علیه السلام در این روز مجالس سوگواری برپا می کنند، رها کنند و روز پنجم ماه رجب را که روز ولادت آن جناب نیز نقل شده، تعظیم کنند و مجالس جشن بگیرند تا در اقامه مجالس سرور و شادی، تداخلی با مجالس سوگواری امام حسن مجتبی علیه السلام نشود و از طرفی پر واضح است که ذکر ولادت ائمه معصومین علیهم السلام نوعی تعظیم شعائر الهی است و مسلمانان باید این ایام را بزرگ بشمارند و با شادی و سرور راه آن امام معصوم علیه السلام را بپیمایند و در مجالس و محافل، معارف و فضائل آن امام علیه السلام را بازگو و عرض ارادت کنند.

ولی در این زمان در مورد مجالس سرور ولادت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام قدری تسامح و تساهل شده است و آن به جهت این است که بعضی از مورخین و تاریخنگاران روز هفتم ماه صفر را روز ولادت آن حضرت معرفی کرده اند و برخی ماه ذیحجه را بدون سند محکم در تعیین روز آن ذکر کرده اند و در بسیاری از تقویمها و سالنامه ها همین تاریخ نقل شده است و حال آنکه تعیین روز میلاد در ماه ذیحجه بدون سند است و روز هفتم ماه صفر در اکثر بلاد شیعیان روز شهادت امام حسن مجتبی علیه السلام است، کما اینکه روایتی و تاریخی نیز دارد (3) و حسینیه ها و مساجد به جهت ماه صفر

ص: 140

1- مرآت العقول، ج 4، ص 259.

2- معجم رجال الحدیث، ج 11، ص 303.

3- به روز هفتم ماه صفر مراجعه شود.

سیاه پوش هستند، لذا آنگونه که باید و شاید از روز ولادت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام تقدیر و تمجید نمی شود.

لذا حقیر با کاوش در کتب روایی و تاریخی قدیم و حدیث، تاریخ دیگری یافتم که روز پنجم ماه رجب می باشد، چنانکه در کتاب «زادروز میلاد هفتم» مفصلاً آن را بیان کرده ایم. پس چه بجاست که مؤمنان این روز را برای تعظیم شعائر موسی بن جعفر علیه السلام عید بگیرند و از برای آن امام همام به نیکوترین وجه، مجالس شادی و محافل علمی بر پا کنند تا تضادی با روزهای حزن ماه صفر نداشته باشد.

## یک خاطره

هنگامی که خلاصه ای از مقاله پژوهش شده ام را در نزد مسئولین تولیت حرم کاظمین علیهما السلام می خواندم و روزهای منسوب به میلاد حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام را بر شمردم که سه قول و نظر وجود دارد:

1. هفتم صفر که اکثراً بلاد شیعه نشین به جهت مسمومیت و شهادت امام حسن مجتبی علیه السلام در ماتم و عزا به سر می برند و برگزاری مجالس جشن و شادی امکان پذیر نیست؛

2. ماه ذیحجه که با وجود اضطراب و تردیدی که در متن روایات آن است، در آن روایات روز مشخصی از این ماه معین نگردیده که روز ولادت امام کاظم علیه السلام باشد؛

3. پنجم رجب که بعضی از محدثین بزرگوار شیعه بیان کرده اند؛

ناگهان صدای صلواتی پرشور از جمع حاضر بلند شد که مرا شگفت زده کرد و سر بلند کردم و مکثی نمودم تا بینم صلوات بلند و پرشور برای چه بود؟! که یکی از حضار مجلس از مسئولین خدمتگزار آن آستان مقدس، درحالیکه اشک می ریخت و گریه می نمود بلند شد و به من با عربی گفت: «سید! کل موالید الائمة الأخری، کنت ابچی عند ضریح امام المظلوم موسی بن جعفر علیهما السلام و اگعد عند ضریحه اگول و ابچی و سیدی و مولای موسی بن جعفر، انا خجالان منک لان لم نکدر نحیی یوم میلادک سیدی و نحتفل بولادتک، انت الیوم یا سید ادخلت السرور فی قلبونا لأن نکدر نحیی خمس لیالی باحتفال و سرور لولادت سیدی موسی بن جعفر و امام الجواد علیهما السلام...»

یعنی: «سید! هر روز که مولود سایر امامان علیهم السلام می بود، من می رفتم کنار ضریح مطهر امام مظلوم حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام می نشستم و گریه می کردم و عرض می کردم: آقای من! مولای من! ای موسی بن جعفر علیهما السلام! من از شما خجالت می کشم که نمی توانم روز میلادت (7 صفر) را جشن بگیریم. اما تو ای سید امروز در

قلب های ما سرور و شادی را وارد کردی، چون می توانیم برای امام کاظم علیه السلام در روز ولادتشان جشن بگیریم و از روز پنجم رجب تا دهم رجب که ولادت امام جواد علیه السلام نیز هست همایش برپا کنیم».

سپس آن جمع حاضر و تولیت مقدس از حقیر طلب نمودند نظر مراجع عظام تقلید را هم به پنجم رجب المرجب ضمیمه کنم تا با دلگرمی بیشتری و دفع اشکال بعضی از اشکال کنندگان و بدخواهان، این روز شریف را احیا کنیم که نتیجه آن این پژوهش است که در مقابل شما خواننده عزیز قرار گرفته است.

مادر بزرگوار امام کاظم علیه السلام نام مبارکش «حمیده» است، ایشان بانویی پارسا و با فضیلت بود، وی احادیث فراوانی در سینه داشت و همچون یک راوی مورد اطمینان روایاتی را از امام صادق علیه السلام نقل می کرد چنانکه امام صادق علیه السلام بعضی از بانوان را در پرسش احکام به مادرشان ارجاع می دادند. (1)

ابن عکاشه اسدی می گوید: محضر حضرت امام محمد باقر علیه السلام بودم، مقداری انگور در حضور آن حضرت بود، حضرت فرمودند: انگور را دانه دانه بخور که مستحب است، من به اباعبدالله جعفر بن محمد علیه السلام نگاهی کردم، دیدم رشد کرده است، پس گفتم: مولای من چرا جعفر را داماد نمی کنی؟ وقت ازدواج او فرا رسیده است.

امام از تصمیم خود بر این امر، مرا آگاه نمود و در حالی که در مقابل آن حضرت کیسه پولی بود، به من فرمود: به زودی برای این امر اقدام می کنم و کنیزی را که برده فروشی از اهل بربر می آورد، خواهم خرید. مردم از محضر حضرت متفرق شدند و مدت کمی گذشت.

ابن عکاشه می گوید: ما با جمعی از برادران باز به خدمت آن حضرت رسیدیم، پس حضرت فرمود: آن برده فروش آمده و آن کنیز را به همراه دارد، سپس دستور داد تا با همان پول در خریداری کنیز اقدام کنیم، از جا (با جمعی از بانوان) برخاستیم و نزد برده فروشی که در سرای میمون بود، رفتیم. او کنیزی داشت که بهتر از دیگران بود و قیمت آن را 70 دینار پیشنهاد کرد، ما از او تخفیف خواستیم اما موافقت نکرد، پس کیسه را باز کردیم دیدیم همان 70 دینار است که او می گوید، پس پولها را دادیم و همراه کنیز به خدمت امام علیه السلام رسیدیم، امام بسیار شاد شد و آنگاه فرمود: نامت چیست؟

کنیز با صدایی آرام گفت: حمیده، امام فرمود: خداوند تو را در دنیا و آخرت پسندیده قرار دهد، آنگاه حمیده را به امام صادق علیه السلام بخشید و حضرت با او ازدواج کرد و حضرت امام موسی بن جعفر علیهما السلام از وی به دنیا آمد. (2)

ص: 142

1- الکافی، ج 4، ص 300.

2- الکافی، ج 1، ص 476.

امام صادق علیه السلام فرمودند: «حمیده همچون طلای ناب بود که در کوره رفته و از ناخالصی‌ها پیراسته شده باشد، فرشتگان الهی همیشه از او محافظت می‌کردند تا به دست من رسید، تا کرامتی الهی بر من و مادری برای امام پس از من باشد».(1)

## شهادت ابن سکیت رحمه الله

در این روز به سال 244 هجری قمری یعقوب بن اسحاق معروف به «ابن سکیت» به شهادت رسید.(2)

ابن سکیت از عالمان و صاحب نظران علم نحو در ادبیات عرب می‌باشد و بسیاری از نحویین به قواعد نحوی ابن سکیت اعتماد کرده‌اند و از او بسیاری از قواعد نحوی را نقل نموده‌اند. وی از شیفتگان اهل بیت علیهم السلام بوده و متوکل عباسی به جهت تدریس دو پسرش (معتز و مؤید) او را به دربارش در سامرا دعوت نمود.(3)

ابن سکیت به جهت تبخّر در علم و تدریس نزد متوکل از مقربان گردید، لذا حسودان برای پایین آوردن منزلتش، نزد متوکل سعایت او را کرده و گفتند ابن سکیت از محبین و مریدان امام هادی علیه السلام است. متوکل برای اینکه به حقیقت این امر برسد، خود به طور ناگهانی وارد مجلس درس ابن سکیت شد و از او پرسید: آیا این دو پسر مرا بیشتر دوست می‌داری یا حسن و حسین، دو فرزند علی بن ابیطالب را؟

ابن سکیت از این سخن متوکل بر آشفته شد و گفت: «به خدای علی اعلی سوگند! قنبر غلام امیرالمؤمنین علیه السلام از تو و فرزندان بالاتر و عظیم‌تر و شرافت‌دار و این عقیده با وجود آمیخته گشته و از من جدا نمی‌شود». متوکل که انتظار چنین جواب صریحی را نداشت، خشمگین شد و به مأمورانش دستور داد زبان ابن سکیت را از حلقومش کشیده و قطع کنند و بدین صورت پس از تحمل درد و رنج به شهادت رسید.(4)

## 8 رجب المرجّب

### هلاکت مأمون عباسی، قاتل امام رضا علیه السلام

در این روز به سال 218 هجری قمری مأمون عباسی قاتل امام رضا علیه السلام به درک واصل شد.(5)

وی در سال 218 هجری قمری به جنگ روم رفت و در مسیر به سرزمینی خوش آب و هوا که سرسبز و هوایش در نهایت لطافت بود و آب بسیار سردی داشت، رسید. در آنجا قصد اقامت نمود، روزی نگاه به

ص: 143

1- الکافی، ج 1، ص 477.

2- بغیة الوعاة، سیوطی، ج 2، ص 349؛ وفيات الأعیان، ج 6، ص 401.

3- تاریخ بغداد، ج 16، ص 397.

4- بغیة الوعاة، ج 2، ص 349؛ وفيات الأعیان، ج 6، ص 401.

5- الأخبار الطوال، ج 1، ص 401؛ تاریخ مدینة دمشق، ج 33، ص 337.



آب می کرد که در آن یک ماهی قریب به یک ذراع دید، ملازمان را امر کرد که آن ماهی را بگیرند، مردی در میان آب جست و آن ماهی را بگرفت، چون آن را بیرون آورد ماهی با قوت حرکت کرد و خود را در آب انداخت و مقداری آب به سر و سینه مأمون پاشید، مأمون را همان وقت لرزه و رعشه فرا گرفت. چون آن مرد دوباره در آب رفت و آن ماهی را گرفت، مأمون امر کرد که آن را طبخ کنند، لکن لرزه او را سخت بگرفت و هر چه لحاف و جامه بر وی انداختند آرام نمی گرفت و ضجه می زد: «البرد، البرد...» یعنی: سرد است سرد است. در اطرافش آتش روشن کردند، باز هم مثل بید می لرزید و از سرما فریاد می کشید.

اطباء از علاج او مأیوس شدند، از پوست بدن مأمون عرقی ظاهر می شد که مثل روغن بود و بیهوش می شد، وقتی به هوش آمد، گفت: مرا به یک جایی ببرید که یک دفعه دیگر نگاهی به خدم و حشم و لشکر خود کنم، پس او را بر بلندی بردند و با حسرت به آنها نگاه می کرد، سپس مأمون را به خوابگاه خود برگرداندند، زبانش از کار افتاد و چشم هایش بزرگ و سرخ شد و مُرد و از آن ماهی پخته شده، روزیش نشد. (1)

## 9 رجب المرجب

### ولادت با سعادت حضرت علی اصغر علیه السلام

چنین روزی، روز ولادت با سعادت حضرت علی اصغر علیه السلام فرزند شیرخوار امام حسین علیه السلام می باشد و این تاریخ به جهت گزارشی است که می فرماید آن حضرت روز عاشورا قبل از پدر بزرگوارش به شهادت رسید در حالی که شش ماهه بود؛ (2) پس با یک احتساب ساده در می یابیم که ولادت آن جناب در روز 9 رجب المرجب سال 60 هجری قمری بوده است و این زمانی است که هنوز بیست روز تا حرکت امام حسین علیه السلام از مکه باقی مانده است.

در تأیید 9 رجب صاحب «مقتل شیخ رئیس» می نویسد: «آقای شیخ علی اکبر تبریزی در حرم امام هشتم علیه السلام از حضرتش حاجتی درخواست کرده که مانند آن به کسی داده نشده باشد. به دنبال این تقاضا سید معممی ایشان را به اسم صدا می کند و می فرماید: علیاکبر! شب نهم ماه رجب که تولد حضرت علیاصغر علیه السلام است، جشن بگیر که خیر آن به همه می رسد». هم اکنون نیز این رسم در مشهد مقدس باقی مانده است. (3)

حضرت علی اصغر علیه السلام و جناب سکینه خاتون از یک مادر بودند و آن رباب دختر امرءالقیس

ص: 144

1- مروج الذهب، ج 3، ص 455 - 458.

2- مقتل الحسین علیه السلام، ابو مخنف، ص 129؛ ینابیع المودة، ج 3، ص 78.

3- مقتل شیخ رئیس، شیخ عباس شیخ رئیس کرمانی، ص 205.

بوده، امرء القیس شخصی معتبر از عیسویین بوده که در زمان غضب خلافت عمر ایمان آورد و ارادت خاصی به امیرالمؤمنین علیه السلام پیدا کرد، وی سه دختر به نام های «محیات» و «سلمی» و «رباب» داشت. «محیات» را به همسری امیرالمؤمنین علیه السلام و «سلمی» را به همسری امام حسن علیه السلام و «رباب» را به همسری امام حسین علیه السلام در آورد. در میان این سه دختر، رباب برگزیده و ممتاز بود و بعد از شهادت امام حسین علیه السلام، همسر دیگری اختیار نکرد(1) و یک سال سر قبر امام حسین علیه السلام اقامت نمود، پس از آن به مدینه برگشت و از غصه و حزن بر آن حضرت، وفات نمود.(2)

حضرت علی اصغر علیه السلام در شش ماهگی با لب های تشنه در آغوش پدر گرامیش مورد اصابت تیر سه شعبه حمله قرار گرفت و به شهادت رسید.

نماز شب نهم رجب (ولادت حضرت علی اصغر علیه السلام): در کتاب شریف و ارزشمند «اقبال الأعمال» مرحوم سید بن طاووس رحمه الله به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آمده است: «هرکس در شب نهم ماه رجب دو رکعت نماز بخواند و در هر رکعت بعد از حمد پنج بار سوره تکاثر را بخواند، از جای خود برنخیزد مگر اینکه خداوند او را می آمرزد و ثواب صد حج و عمره را به او عطا می کند و یک میلیون رحمت بر او فرود می آورد و از آتش جهنم ایمن می گرداند و چنانچه تا هشتاد روز بعد از آن بمیرد، شهید از دنیا می رود (ثواب شهید را در نامه عمل او ثبت می کنند)».(3)

- وقت خواندن این نماز در کل شب است یعنی از بعد از خواندن نماز مغرب تا قبل از اذان صبح و می توان این نماز را روز 9 رجب نیز به نیت رجاء خواند.

- این نماز را هدیه کنید به دردانه امام حسین علیه السلام، حضرت علی اصغر علیه السلام.

## 10 رجب المرجب

### ولادت با سعادت امام محمد جواد علیه السلام

در روز دهم رجب سال 195 هجری قمری حضرت امام محمد جواد علیه السلام به دنیا آمدند.(4)

نام مادر گرامیشان «سبیکه» یا «خیزران» یا «ریحانه» نقل شده است که از اهل بیت «ماریه قبطیه» کنیز رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و مادر حضرت ابراهیم می باشد،(5) وی از بهترین زنان زمان خودش

ص: 145

1- الأغانی، ج 16، ص 361.

2- الكامل فی التاریخ، ج 4، ص 88.

3- إقبال الأعمال، ج 3، ص 225.

4- مصباح المتهدج، ص 805؛ إعلام الوری، ج 2، ص 91؛ كشف الغمة، ج 2، ص 369؛ إقبال الأعمال، ج 3، ص 227.

5- مناقب آل أیطالب علیهم السلام، ج 4، ص 379.

بوده است. (1)

علی بن عبیده گوید: حکیمه دختر امام کاظم علیه السلام فرمود: نزدیک زایمان خیزران، امام رضا علیه السلام مرا به همراه همسرش و قابله ای به اتاقی وارد نمود و درب اتاق را بست. شب هنگام که درد زایمان خیزران شدید شد، چراغ اتاق خاموش شد و ما از این امر ناراحت شدیم، ولی دیری نپایید که چهره ماه امام جواد علیه السلام طلوع نمود و اتاق را غرق در نور کرد. به مادرش گفتم: خداوند تو را از نور چراغ بینیاز نمود! آن نوزاد مبارک در تشتی نشست و جسم نازنینش را پرده نازکی همچون تور پوشانده بود. بامدادان امام رضا علیه السلام تشریف فرما شد و او را در گهواره ای گذاشت و به من فرمود: مواظب او باش و از کنار گهواره دور نشو.

حکیمه گوید: من به پرستاری آن حضرت مشغول شدم، وقتی سه روزه شد، چشمانش را به سوی آسمان نمود و نگاهی به طرف چپ و راست خود افکند و فرمود: «أشهد أن لا اله الا الله وحده لا شريك له، وأنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ» من از این امر در شگفت شده و از ترس بدنم لرزید، برخاستم و به خدمت امام رضا علیه السلام آمده و عرض کردم: امر شگفتی از این مولود دیدم، فرمود: چه دیدی؟

عرض کردم این کودک همین الآن چنین و چنان نمود، امام رضا علیه السلام تبسمی نمود و فرمود: از این پس شگفتی های زیادی از او خواهی دید! (2)

در تأیید این ماه که ماه ولادت با سعادت امام جواد علیه السلام است، ابن عیاش دعایی از حضرت بقية الله روحی فداه آورده که در ماه رجب خوانده می شود، آن حضرت فرمودند: در ماه رجب این دعا را هر روز بخوانید: «اللهم إني أسألك بالمولودين في رجب، محمد بن علي الثاني وابنه علي بن محمد المنتجب، وأتقرب بهما إليك خير القرب، يا من إليه المعروف طلب، وفيما لديه رغب...» (3)

## 11 رجب المرجب

### ولادت مرجع عالیقدر شیعه، آیت الله وحید خراسانی

در چنین روزی به سال 1339 قمری، آیت الله حاج شیخ حسین وحید خراسانی از مراجع بنام جهان تشیع در نیشابور دیده به جهان گشود. کرسی درس بحث خارج اصول و فقه ایشان در قم بی نظیر بوده و هزاران شاگرد و مجتهد تربیت نمودند. یکی از توفیقات حقیر حضور در بحث های خارج فقه و اصول معظم له بود.

ص: 146

1- اثبات الوصية، ص 216.

2- الثاقب فی المناقب، ص 504؛ القطرة ج 2، ص 708.

3- مصباح المتجهد، ص 805؛ إقبال الأعمال، ج 3، ص 215.

آیت الله وحید خراسانی ارادت خاصی به اهل بیت علیهم السلام دارند و از پایه گذاران تعطیل رسمی در روز شهادت حضرت زهرا علیها السلام می باشند و هر ساله در این روز، خود و جمعی از شاگردانشان با پای پیاده و برهنه از منزلشان تا حرم حضرت معصومه علیها السلام سینه زنان می روند.

ایشان دارای تألیفات گرانسنگی می باشند، از جمله: شرحی بر شرایع الإسلام، حاشیه ای بر کفایه، حاشیه ای بر مکاسب محرّمه، به یاد اول مظلوم روزگار، ریحانه رسول الله، به یاد آن که مذهب حق یادگار اوست، به یاد بضعه خاتم الانبیاء در طوس حضرت شمس الشموس، به یاد آخرین خلیفه و حجت پروردگار و ... .

## 12 رجب المرجب

### شکافته شدن دیوار کعبه برای فاطمه بنت اسد علیها السلام

طبق گزارش «یزید بن قعنب» و با احتساب اینکه امیرالمؤمنین علیه السلام در بین الطلوعین روز سیزدهم رجب به دنیا آمدند، باید حضرت فاطمه بنت اسد علیها السلام در روز دوازدهم ماه رجب وارد کعبه شده باشند، آنگاه پس از 4 روز که فاطمه بنت اسد درون کعبه بوده است، در روز پانزدهم رجب از کعبه خارج شده است.

اصل گزارش اینگونه است که «یزید بن قعنب» می گوید: در کنار کعبه همراه عباس بن عبدالمطلب و گروهی از مردم قریش نشسته بودیم که فاطمه بنت اسد علیها السلام در حالیکه باردار بود به کنار کعبه آمد و مشغول دعا و مناجات شد. او پرده کعبه را گرفته و چنین می گفت: «خداوندا! همانا من به تو و پیامبرانت و کتاب هایت ایمان آوردم و گفتار ابراهیم جدّم را راست می دانم، همانکه این خانه را به فرمان تو بنا نهاد. خدایا! تو را به حق او و به حق این کودک که در شکم دارم، سوگند می دهم ولادتش را بر من آسان گردان!»

یزید بن قعنب می گوید: ناگهان دیدیم پشت کعبه (متصل به رکن یمانی) شکافته شد و آن بانوی گرامی پا به درون خانه کعبه گذاشت و از دیدگان ما غائب شد و دیوار دوباره به هم آمد. آنگاه همگی به دور کعبه هجوم آوردیم و خواستیم قفل درب خانه را بگشاییم که گشوده نشد و دانستیم که این امر از طرف خدای عزّ و جلّ است، پس از آن فاطمه بنت اسد سه روز در خانه خدا بود و اهل مکه در کوچه و بازار و زن ها در خانه ها این واقعه را نقل می کردند و تعجب می نمودند تا روز چهارم (15 رجب) رسید، دیگر بار همان موضع از دیوار خانه خدا شکافته شد و فاطمه بیرون آمد در حالی که امیرالمؤمنین علیه السلام

## 13 رجب المرجب

### روز اول: ولادت با سعادت امیرالمؤمنین علیه السلام

23 سال قبل از هجرت در سیزدهم ماه رجب سال سی عام الفیل، اول «ایام البیض» که از شرافت خاصی برخوردار است و ثواب بسیاری برای اعتکاف و روزه آن و دو روز بعدش وارد شده است، امیرالمؤمنین، حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام در میان کعبه به دنیا آمدند. (2)

طبق بعضی از گزارش ها که پیرامون ولادت امیرالمؤمنین علیه السلام ذکر شده است، به هنگام تولد امیرالمؤمنین علیه السلام چهار بانوی مجلله بر جناب فاطمه بنت اسد وارد شدند، آنها لباس های حریر سفید پوشیده و خوشبوتر از مشک بودند و به فاطمه سلام کردند و گفتند: «السلام علیک یا ولیة الله» و فاطمه در جواب فرمود: و بر شما سلام باد. سپس معلوم شد این زن ها جناب حوا، حضرت مریم، آسیه زن فرعون و مادر حضرت موسی هستند. هنگامی که امیرالمؤمنین علیه السلام به دنیا آمدند (بین الطلوعین روز جمعه، سیزدهم ماه رجب) سر به سجده گذاشتند و فرمودند:

«أشهد أن لا إله إلا الله وأشهد أن محمداً رسول الله وأشهد أن علياً وصي رسول الله بمحمد يختم الله النبوة وبي يتم الوصية وأنا أمير المؤمنين»

در این هنگام ملائکه فرود آمدند و امیرالمؤمنین علیه السلام را با آب بهشتی شستشو دادند و با لباس بهشتی پوشاندند و از غذاهای بهشتی برای فاطمه آوردند و سه روز به این گونه در خانه خدا مهمان بودند و ملائکه فوج فوج بر آن بانو تهنیت می گفتند. (3)

## 14 رجب المرجب

### روز دوم: ولادت با سعادت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام

در چنین روزی فاطمه بنت اسد و نوزاد مبارکش در هاله ای از الطاف خدای تعالی و ملائکه در درون کعبه پذیرایی می شدند و از غذاهای بهشتی تناول می کردند و فوج فوج ملائکه برای تهنیت و تبریک خدمت فاطمه بنت اسد علیها السلام نازل می شدند.

ص: 148

1- الأمالی للصدوق، ص 132 ؛ الأمالی للطوسی، ص 706.

2- منابع خاصه: الإرشاد، ج 1، ص 5 ؛ خصائص امیرالمؤمنین علیه السلام، سید رضی، ص 39 ؛ تهذیب الأحکام، ج 6، ص 19 ؛ روضة الواعظین، ج 1، ص 76. منابع عامه: مطالب السؤل، محمد بن طلحه شافعی، ص 63 ؛ کفایة الطالب، گنجی شافعی، ص 407 ؛ الفصول المهمه، ابن صباغ مالکی، ج 1، ص 171.

3- رجوع شود به: مناقب آل ابیطالب علیهم السلام، ج 2، ص 173 ؛ روضة الواعظین، ج 1، ص 77.

در اینجا خبر غیبی حضرت ابوطالب علیه السلام را متذکر می شویم که دلالت بر علم و آگاهی به علم غیب آن جناب دارد: روزی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می خواستند به دنیا بیایند، فاطمه بنت اسد علیها السلام کنار آمنه بنت وهب علیها السلام بود و او را یاری می رساند، پس از ولادت با سعادت منجی بشریت، فاطمه این بشارت را با خرسندی تمام به همسرش ابوطالب علیه السلام داد و شگفتی هایی که از این نوزاد دیده بود برای همسرش بازگو کرد. جناب ابوطالب علیه السلام به او فرمود: آیا تواز این موضوع تعجب می کنی؟! تو نیز اگر سی سال دیگر صبر کنی من خودم به تو تبریک چنین فرزندی را خواهم گفت، جز اینکه این مولود دارای مقام نبوت خواهد شد ولی مولود تو وصی او و وزیر او خواهد بود. (1)

جناب شیخ محمد علی غروی اردوبادی که از علمای بزرگ می باشند، کتابی سترگ در اثبات ولادت امیرالمؤمنین علیه السلام در کعبه تألیف نموده اند به نام «علی ولید الکعبه» و در آن روایات بیشماری را از فریقین شیعه و سنی جمع آوری کرده اند، موضوعات آن کتاب شریف عبارتند از:

- حدیث المولد الشریف و تواتره؛

- حدیث الولادة الشریفة مشهورة بین الامة؛

- نبأ الولادة و المحدثون؛

- حدیث الولادة و التَّسَابُون؛

- حدیث الولادة و المورخون؛

- حدیث الولادة و الشعراء؛

- حدیث الولادة مجمع علیه.

«و لم یولد فی الکعبه أحد سواه علیه السلام قبله و لا بعده و هی فضیلة خصّه الله تعالی بها».

## 15 رجب المرجب

### اشاره

شهادت حضرت زینب کبری علیها السلام در روز دهم ماه رمضان است

### روز سوم: ولادت با سعادت امیرالمؤمنین علیه السلام از کعبه

در چنین روزی (طبق محاسبه ای که قبلاً نمودیم، فاطمه بنت اسد علیها السلام دوازدهم رجب وارد کعبه شد و پانزدهم رجب از کعبه خارج شد) دیوار کعبه برای بار دوم شکافته شد و فاطمه بنت اسد علیها السلام و نوزاد مبارکش از کعبه خارج شدند و مردم قریش دور فاطمه را گرفتند و با شگفتی به نوزادش نگاه

---

1- الكافي، ج 1، ص 452 و 454 و ج 8، ص 302.

می کردند، حضرت ابوطالب علیه السلام که چهار روز بود دیدار همسر و فرزند عزیزش را لحظه شماری می کرد، کنار دیوار کعبه نشسته و انتظار می کشید که ناگهان دید دوباره دیوار کعبه شکافته شد و فاطمه بنت اسد علیها السلام در حالی که فرزندش حضرت علی علیه السلام در آغوشش مانند خورشید می درخشید از کعبه بیرون آمد، جناب ابوطالب علیه السلام بی اختیار پرید و فرزندش را در آغوش گرفت و می بوید و می بوسید. سپس از غیب ندایی آمد که ای ابوطالب نام این نوزاد را «علی» بگذار.

در این هنگام که مردم دور فاطمه علیها السلام و ابوطالب علیه السلام جمع شده بودند و با شگفتی به این نوزاد نورانی نگاه می کردند، دیدند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که هنوز به رسالت مبعوث نشده بودند و از عمر مبارکشان سی سال می گذشت، جلو آمدند و نوزاد را در بغل گرفتند و بوسیدند، در این هنگام نوزاد چشم باز کرد و تبسمی نمود. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: بخوان! نوزاد لب های مبارک را گشود و آیات قرآن را که هنوز بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل نشده بود، خواند: «بسم الله الرحمن الرحیم، قد أفلح المؤمنون، الذین هم فی صلاتهم خاشعون...» (1)، آنگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «و أنت امیرهم» یعنی: «و تویی امیر و راهنمایشان...» (2)

محدث قمی رحمه الله می نویسد: «فاطمه بنت اسد علیها السلام سه روز در اندرون کعبه ماند و اهل مکه در کوچه و بازار و زن ها در خانه ها این واقعه را نقل می کردند و تعجب می نمودند تا روز چهارم (15 رجب) رسید، دیگر باره همان موضع از دیوار خانه شکافته شد و فاطمه علیها السلام بیرون آمد در حالی که امیرالمؤمنین علیه السلام را در آغوش داشت و می گفت: ای گروه مردم! به درستی که حقتعالی برگزید مرا از میان خلق خود و فضیلت داد مرا بر زنان برگزیده که پیش از من بوده اند، زیرا که حقتعالی برگزید آسیه دختر مزاحم را، او عبادت کرد خدا را پنهان در موضعی که عبادت خدا در آنجا سزاوار نبود مگر در حال ضرورت، یعنی خانه فرعون و برگزید مریم دختر عمران را و ولادت عیسی علیه السلام را بر او آسان گردانید و در بیابان درخت خشک را جنبانید و رطب تازه برای او از آن درخت فرو ریخت، و حقتعالی مرا بر آن دو زیادتی داد و همچنین بر جمیع زنان عالمیان که پیش از من گذشته اند، زیرا که من فرزندی آورده ام در میان کعبه، خانه برگزیده او و سه روز در آن خانه محترم ماندم و از میوه ها و طعام های بهشت تناول کردم.» (3)

همچنین در سومین روز از ولادت امیرالمؤمنین علیه السلام (پانزدهم رجب) حضرت ابوطالب علیه السلام اعلام عمومی کرد و گفت: «همه به مراسم ولیمه پسر علی بیایید». برای این سفره سیصد شتر و هزار

ص: 150

1- سوره مؤمنون، آیات 1-11.

2- رجوع شود به: الأمالی للطوسی، ص 708؛ الفضائل، ابن شاذان، ص 57.

3- وقایع الأيام، ص 448.



رأس گاو و گوسفند قربانی شد و ولیمه عظیمی به پا شد، آنگاه حضرت ابوطالب علیه السلام اعلام کرد: «ای مردم! هر کس برای ولیمه پسر علی می آید، هفت بار گرد کعبه طواف کند و وقتی وارد خانه من شد بر فرزندم علی سلام کند، چرا که خداوند این فرزند را شرافت خاصی داده است» (1).

### شهادت حضرت زینب کبری علیها السلام دهم ماه مبارک رمضان است

در اینجا مطلب مهمی را تذکر می دهیم و آن این است که: بنابر قول صحیح، شهادت حضرت زینب کبری علیها السلام در دهم ماه مبارک رمضان واقع شده و تنها منبع ذکر شده برای شهادت حضرت زینب کبری علیها السلام در پانزدهم ماه رجب کتاب «أخبار الزینبیات» است که توسط مصریان در قرن چهاردهم هجری قمری - به انگیزه اثبات وجود مرقد حضرت زینب کبری علیها السلام در مصر - انتشار یافته و آن را به عبیدلی نسابه علویان نسبت می دهند. مصریان به جهت اختلاف با شامیان بر سر مکان قبر مطهر حضرت زینب کبری علیها السلام بعید نیست که این کتاب را جعل و نشر داده اند (2) چنانچه توسط تحقیقی که در «دار الحدیث» انجام شده، این کتاب مردود شناخته شده است (3). لذا با استناد به کتاب «أخبار الزینبیات» که مردود است میان برخی از شیعیان شهرت یافته که حضرت زینب کبری علیها السلام در پانزدهم رجب رحلت نموده اند و این روز را روز حزن و عزاداری برای آن بی بی بزرگوار قرار داده اند و از معجزه و منقبت بسیار بزرگ امیرالمؤمنین علیه السلام غفلت می کنند و از آن یادی نمی کنند و حال آنکه طبق تحقیق و بررسی که نمودیم، شهادت حضرت زینب کبری علیها السلام در دهم ماه مبارک رمضان است و کیفیت شهادت آن بی بی ذکر خواهد شد (4).

بنابراین بسیار نیکو و مناسب و بجاست که شیعیان 15 ماه رجب را که شکافته شدن دیوار کعبه و ولادت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام از کعبه است، جشن بگیرند و این منقبت منحصر بفرد امیرالمؤمنین علیه السلام را به جهانیان برسانند.

قریب به دوازده کتاب معتبر از کتب عامه، تولد حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را در خانه خدا نوشته اند، از جمله حاکم نیشابوری در «المستدرک» می نویسد:

«تواترت الأخبار أنّ بنت اسد ولدت امیرالمؤمنین علیین ابیطالب کرم الله وجهه فی جوف الکعبه» (5).

یعنی: «اخبار متواتر وارد شده است که فاطمه بنت اسد به دنیا آورد علی بن ابیطالب علیه السلام را در داخل کعبه».

ص: 151

- 1- الأمالی للطوسی، ص 706؛ مناقب آل ابیطالب علیهم السلام، ج 2، ص 174.
- 2- به نظر مؤلف قبر مطهر حضرت زینب کبری علیها السلام در شام و قبر مطهر حضرت زینب صغری علیها السلام در مصر می باشد.
- 3- «بررسی اعتبار کتاب اخبار الزینبیات»، سید حسن فاطمی، فصلنامه کتاب های اسلامی، تابستان 1384، شماره 21.
- 4- به روز دهم ماه رمضان مراجعه شود.
- 5- المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 550.

ابن صباغ مالکی در «الفصول المهمة» می نویسد:

«ولد علی بمكة المشرفة بداخل البيت الحرام ولم يولد في البيت الحرام قبله احد سواه و هي فضيلة خصه الله تعالى بها اجلاً و اعلاماً لمرتبه و اظهاراً لتكريمه...»<sup>(1)</sup>

یعنی: «به دنیا آمد علی علیه السلام در مکه، داخل کعبه و احدی متولد نشده است در بیت الحرام نه قبل و نه بعد از آن حضرت و این فضیلتی است که خداوند فقط به او اختصاص داده به جهت بزرگواری و اعلام مرتبه اش و اظهار نمودن کرامتش...».

لذا ولادت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام از کعبه یکی دیگر از دلایل مهم در اثبات فضائل و حقانیت آن حضرت است که نباید به فراموشی سپرده شود، بلکه سخنرانان و مداحان در این سه روز از ماه رجب (13، 14، 15)، با برپایی مجالس و محافل سرور این معجزه الهی را یاد کنند و این اعجاز الهی را که فقط و فقط برای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام رخ داده به گوش جهانیان برسانند ...

### تغییر قبله مسلمین

در این روز به گزارش شیخ مفید رحمه الله به سال دوم هجرت، قبله از بیت المقدس به سوی کعبه معظمه تغییر یافت.<sup>(2)</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در مکه سیزده سال به بیت المقدس نماز کرد، لکن کعبه را ما بین خود و بیت المقدس قرار می داد و چون به مدینه هجرت فرمود هفده ماه رو به بیت المقدس نماز گزارد، یهودیان آن حضرت را سرزنش کردند و گفتند: تو تابع قبله مایی، آن جناب از این جهت مغموم بود و به آفاق آسمان نظر می کرد و منتظر امر پروردگار بود تا اینکه حضرت در مسجد بنی سالم دو رکعت از نماز ظهر را گذاشته بود که جبرئیل نازل شد و بازوی مبارک ایشان را گرفت و آن حضرت را به جانب کعبه گردانید و این آیه را آورد: «قد نری تقلب وجهک فی السماء...»<sup>(3)</sup> و به همین جهت این مسجد را «ذی القبلتین» نامیدند.

در توجیه تغییر قبله در بین نماز رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم باید بگوییم، از جمع بندی روایات تغییر قبله چند احتمال داده می شود:

احتمال اول: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نماز ظهر را فرادا می خواندند که امر به تغییر قبله شدند.

احتمال دوم: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در نماز نبودند، بلکه بین نماز ظهر و عصر جبرئیل نازل

ص: 152

1- الفصول المهمة، ج 1، ص 172.

2- مسار الشیعة، ص 35.

3- سوره بقره، آیه 144؛ تفسیر القمی، ج 1، ص 63؛ من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 274؛ الإحتجاج للطبرسی، ج 1، ص 40.

شد و امر به تغییر قبله داد.

احتمال سوم: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در حال خواندن نافله بودند که جبرئیل آن حضرت را به سوی بیت الحرام چرخانید.

احتمال چهارم: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با جمعی از مسلمانان نماز ظهر را به جماعت می خواندند که جبرئیل بازوان آن حضرت را گرفت و به سوی کعبه چرخانید، در این صورت چون برای اولین بار این اتفاق افتاده بود، مسلمانان دو رکعت دیگر نماز را حرکت کرده و پشت سر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نمازشان را به اتمام رساندند و این امر چون برای اولین بار رخ داده، نماز آنها باطل نگردیده و بعدها احکام حرکت مفرط یا زائد در نماز بیان شده که مبطل نماز است.

## 18 رجب المرجب

### رحلت جناب ابراهیم، فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

در چنین روزی به سال دهم هجری قمری، ابراهیم فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم وفات یافت. (1)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سه پسر داشتند به نام های قاسم (ظاهر) و عبدالله (طیب) - که از حضرت خدیجه علیها السلام بودند و در شیرخوارگی فوت کردند - و دیگری جناب ابراهیم که مادرش جناب ماریه قبطیه بوده است.

ماریه قبطیه همراه خواهرش شیرین و هزار مثقال طلا و بیست جامه حریر و دراز گوشیه به نام یعفور و استری به نام دُلْدُل در سال هفتم هجری از سوی پادشاه اسکندریه به رسم هدیه خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرستاده شد، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ماریه را به همسری خود برگزید و در محله ای که بعدها به نام «مشربه ام ابراهیم» معروف شد منزل داد و خداوند جناب ابراهیم را از این بانوی بزرگوار به حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم عنایت فرمود. (2) جناب ماریه هم بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در محرم سال 16 هجری قمری در مدینه طیبه رحلت فرمود. (3)

از حضرت امام صادق علیه السلام روایت شده که: چون ابراهیم از دنیا رحلت کرد، اشک از دیده های مبارک رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرو ریخت و فرمود: دیده می گرید و دل اندوهناک می شود و نمی گوئیم چیزی که باعث غضب پروردگار گردد و همانا ما بر تو اندوهناکیم ای ابراهیم!

وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قبر را پوشاندند، روزنه ای در قبر بود که حضرت با دست خود آن را

ص: 153

1- مصباح المتعجب، ص 812.

2- تاریخ الأمم و الملوك، ج 11، ص 617.

3- تاریخ الطبری، ج 4، ص 38؛ الكامل فی التاريخ، ج 2، ص 526.

صاف کردند، آنگاه فرمودند: هرگاه عملی را انجام دادید، آن را محکم و متقن به پایان رسانید. سپس روی کلام به ابراهیم کردند و فرمودند: ملحق شو به سلف شایسته خود. (1)

## 19 رجب المرجب

### به درک واصل شدن معتمد عباسی، قاتل امام حسن عسکری علیه السلام

در چنین روزی به سال 279 هجری قمری معتمد عباسی به درک واصل شد. (2)

در ایام خلافت و پادشاهی معتمد عباسی وقایع بسیار و حوادث و فتنه های بیشماری رخ داد که از جمله آنها شهادت امام حسن عسکری علیه السلام است که به امر وی، آن حضرت را مسموم و به شهادت رساندند. (3) لذا در تفحص و تفتیش از فرزندش، امام زمان علیه السلام برآمدند، حتی زنان و کنیزان خانه امام علیه السلام را حبس و زندانی کردند. (4)

معتمد عباسی که ایام سلطنتش 23 سال طول کشید چندین بار امام حسن عسکری علیه السلام را حبس و به زندان انداخت، او در ایام خلافت خود لذت و ملامتی را اختیار کرده بود و پیوسته کار معتمد بدین منوال می گذشت تا سرانجام در نوزدهم رجب سنه 279 هجری قمری در کنار نهری در حال عیش و نوش بود و در اثر نوشیدن زیاد شراب یا زهری که توسط پسر برادرش در شراب او ریخته بودند، شکمش ترکید و در حال مستی به درک واصل شد. (5)

### وفات شاه اسماعیل صفوی

شیخ بهایی رحمه الله می فرماید: «در این روز سلطان اعظم، حامی حوزه ایمان و مروج مذهب جعفری، شاه اسماعیل صفوی وفات یافت». (6)

شاه اسماعیل صفوی که از سلاله جلیله سادات موسوی بوده و نسبش به حضرت حمزه بن الإمام موسی کاظم علیهما السلام می رسد، پایه گذار حکومت صفویان می باشد.

شاه اسماعیل در روز 25 رجب به سال 892 هجری قمری ولادت یافت و ابتدای سلطنت او سال 906 قمری است، (7) وی پس از کشته شدن پدر توسط دشمنانش، سالیانی مخفی بود. در سال 905 قمری به پشتگرمی مریدان خود در حالی که بیشتر از سیزده سال نداشت، راهی اردبیل شد و پس از مدتی طوایف

ص: 154

1- الکافی، ج 3، ص 262.

2- تاریخ الطبری، ج 10، ص 29؛ النجوم الزاهرة، ج 3، ص 82.

3- اعتقادات الإمامیه للصدوق، ص 99.

4- کمال الدین، ج 2، ص 476.

5- تاریخ الطبری، ج 10، ص 29؛ مروج الذهب، ج 4، ص 141؛ فلانند النحور، ج رجب، ص 142.

6- توضيح المقاصد، ص 18.

7- توضيح المقاصد، ص 18.

قزلباش - که کلاهشان قرمز و به شکل تاج بود و دوازده ترک داشت به عدد دوازده امام علیهم السلام - به او پیوستند. شاه اسماعیل سپس راهی شروان گردید و قاتلان پدر خود را کشت و فرمانروای آق قویونلو را در نزدیکی نخجوان شکست سختی داد و پس از فرار امیر آق قویونلوها به تبریز آمد و در پانزدهم رمضان سال 906 هجری قمری تاج سلطنت ایران را بر سر نهاد. (1) قبایل ترکمان، دست بیعت و ارادت به او دادند و او را حمایت کردند. از این پس حکومت سلسله خاندان صفوی بر ایران آغاز گردید.

تاریخ جلوس شاه اسماعیل به سلطنت به عربی مطابق با کلمه «مذهبن حق» و به فارسی «شمشیر ائمه» بوده است، وی مذهب رسمی را شیعه اثنی عشری اعلام کرد و از آن تاریخ تا به حال مذهب رسمی ایران، شیعه اثنی عشری باقی مانده است.

شاه اسماعیل بیست و چهار سال سلطنت کرد و در سال 930 در حدود سراب مریض شد و وفات یافت، جنازه اش را به اردبیل آوردند و در کنار قبر آباء و اجدادش دفن نمودند.

## 20 رجب المرجب

### رحلت عارف و سالک الی الله حاج محمود عتیق، معروف به حاج ملا آقا جان زنجانی

بنا بر نقل مهندس طاهری یکی از شاگردان مبرز مرحوم حاج ملا آقا جان زنجانی، (2) آن مرحوم در سال 1252 هجری شمسی در شهر باکو آذربایجان متولد می شود، مقدمات علوم را در زادگاه خود نزد پدر بزرگوارش ملامحسن و دیگر علمای آن دیار می آموزد، سپس به شهر زنجان مهاجرت نموده و از محضر آیه الله شیخ فیاض شریعتی زنجانی و قربانعلی زنجانی و برای مدتی نیز به نجف اشرف هجرت کرده و از محضر علما و مراجع آن حوزه استفاده می برد، سپس به زنجان بر میگردد و تا آخر عمر در آن شهر مشغول خدمت رسانی به مردم و تربیت شاگردان معنوی الهی می شود.

معظم له دارای علوم غریبه بوده و تسلط به عرفان و فلسفه داشته ولی هیچگاه از دایره علوم قرآن و اهل بیت علیهم السلام فراتر نرفت. شرح حال مبسوط آن جناب در کتاب «پرواز روح» و «پیر روحانی» تألیف مهندس ابوالقاسم طاهری جمع آوری شده که حقا تکان دهنده است.

نهایتاً معظم له در بیستم ماه رجب به سال 1377 قمری وفات می یابد و در قبرستان قدیمی زنجان به خاک سپرده می شود.

ص: 155

1- مستدرک سفینه البحار، ج 5، ص 254.

2- کتاب «پیر روحانی»، ابوالقاسم طاهری.

## به درک رفتن معاویه بن ابوسفیان

در چنین روزی معاویه بن ابوسفیان به سال 60 هجری قمری به درک واصل شد. (1)

عمر نحسش به هشتاد سال رسیده بود و قریب چهل سال امارت کرد که نوزده سال و هشت ماه بالاستقلال بوده، پدرش ابوسفیان است که حال او در نفاق و دشمنی با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم اظهر من الشمس است و مادرش هند دختر عتبه بوده و این زن همان زنی است که جگر جناب حمزه رحمه الله عموی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را مکید و به «آکله الأكباد» یعنی «خورنده جگرها» معروف شد و لقب گرفت. (2)

معاویه در زمان عمر بن الخطاب استاندار شام شد (3) و در زمان امیرالمؤمنین علیه السلام از این منصب خلع شد ولی کنار نرفت و با آن حضرت داخل در جنگ شد و پس از شهادت آن حضرت، امام حسن مجتبی علیه السلام به وصیت امیرالمؤمنین علیه السلام به خلافت رسید و آن حضرت نیز معاویه را از منصبش خلع نمود، ولی معاویه با آن حضرت نیز ستیز و دشمنی نمود و با نیرنگ و حيله آن حضرت را کنار زد و سپس به شهادت رسانید و پسرش یزید را ولی عهد خود قرار داد و سب امیرالمؤمنین علیه السلام می کرد و بسیاری از شیعیان را به شهادت رساند.

از دیگر جنایات معاویه این بود که به کارگزاران و استانداران خود در مناطق مختلف بخشنامه کرد که هیچ فضیلتی برای امیرالمؤمنین علیه السلام نگذارید مگر اینکه همانند آن را برای دیگر صحابه بیاورید، بدین صورت روایات فراوانی در فضیلت دیگر صحابه جعل شد و امر را برای مسلمانانی که درایت نداشته و ندارند مشتبه ساخت. (4) محدث قمی رحمه الله می فرماید: «دویست خبر از طریق اهل سنت در مذمت معاویه نقل شده است». (5)

هنگامیکه عباسیان به حکومت رسیدند قبر معاویه را نبش نموده و جز خاکستر چیزی نیافتند. (6)

ص: 156

- 
- 1- تاریخ الطبری، ج 5، ص 323؛ الکامل فی التاریخ، ج 4، ص 6؛ مصباح المتهجد، ص 812.
  - 2- انساب الأشراف، ج 4، ص 287؛ الطبقات الکبری، ج 3، ص 13؛ مجمع البیان، ج 2، ص 826.
  - 3- مختصر تاریخ دمشق، ج 25، ص 17.
  - 4- شرح نهج البلاغة لابن أبی الحدید، ج 11، ص 44 - 47.
  - 5- تتمه المنتهی، ص 50.
  - 6- نهاية الأرب فی فنون الأدب، ج 22، ص 50؛ البدء و التاریخ، ج 6، ص 71.

### مجروح شدن امام حسن مجتبی علیه السلام

در چنین روزی (1) جراح بن سنان اسدی با شمشیر مسموم در شب، زخمی به ران پای مبارک امام حسن مجتبی علیه السلام وارد کرد که تا استخوان آن حضرت شکافته شد، موالیان آن حضرت همان دم جراح بن سنان را به قتل رساندند و سپس آن حضرت را به منزل والی مدائن، سعد بن مسعود، عموی مختار ثقفی بردند. سعد طبیب آورد و جراح آن حضرت را مداوا کرد. (2)

### مسموم شدن امام موسی بن جعفر علیه السلام

در چنین روزی هارون الرشید حضرت موسی بن جعفر علیه السلام را مسموم کرد که پس از سه روز باعث به شهادت رسیدن آن حضرت گردید. (3)

علامه مجلسی رحمه الله می فرماید: وقتی هارون الرشید تصمیم گرفت امام موسی بن جعفر علیهما السلام را به شهادت برساند، قتل آن حضرت را به هر یک از مقامات کشوری و لشکری پیشنهاد کرد، هیچکدام نپذیرفتند. وی ناچار نامه ای به نمایندگان خود در کشورهای فرنگ نوشت که: گروهی را برای من بفرستید که خدا و پیامبر را شناسند، من می خواهم به وسیله آنان کاری انجام دهم.

آنان گروه پنجاه نفری را که آشنایی با اسلام حتی با لغت عرب نداشتند، فرستادند. وقتی آنان آمدند، هارون آنها را گرامی داشت و پرسید: خدای شما کیست؟ پیامبرتان کیست؟

آنان پاسخ دادند: ما نه خدایی را می شناسیم و نه پیامبری را!

آنگاه آنها را وارد مکانی کرد که امام کاظم علیه السلام را در آن زندانی کرده بود تا حضرتش را به قتل برسانند و خود هارون الرشید لعین نیز از پنجره زندان آنان را تماشا می کرد. آنان وارد زندان شدند وقتی چشمشان به امام کاظم علیه السلام افتاد مبهوت جمال و جذبه آن حضرت شدند، اسلحه خود را کنار انداختند و بدنشان به لرزه افتاد و در پیشگاه حضرتش به سجده افتادند و با ترحم و محبت به امام علیه السلام می گریستند.

امام کاظم علیه السلام نیز دست رافت خویش را بر سر آنها می کشید و با زبان و لهجه خودشان با آنان صحبت می کرد و آنان می گریستند و اشک می ریختند، وقتی هارون چنین دید از ترس اینکه فتنه و آشوبی برپا شود، وزیر خود را صدا زد و به او دستور داد که آنها را از زندان خارج کنند؛ آنان در حالی که

ص: 157

1- مصباح المتعجب، ص 812.

2- بحار الأنوار، ج 44، ص 27.

3- الإرشاد، ج 2، ص 242.



به احترام امام علیه السلام عقب عقب می آمدند، خارج شدند؛ آنگاه سوار بر مرکب های خود شدند و بدون اجازه هارون به سوی کشورشان بازگشتند. (1)

## ابتدای «هفته کاظمیه»

«هفته کاظمیه» هفته ای است که در آن از مقام عظمای ولایت و امامت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام تمجید می شود و شیعیان بر مصائب آن امام مظلوم به عزا و ماتم می نشینند و همچنین از مقام بلند حضرت ابوطالب علیه السلام عموی گرامی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت خدیجه کبری علیها السلام همسر گرامی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که در همین ایام رحلت نموده اند، تجلیل می شود.

23 رجب: مسموم شدن حضرت موسی بن جعفر علیه السلام.

24 رجب: وخامت و شدت بیماری حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در اثر سم مُهلک.

25 رجب: شهادت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام.

26 رجب: شهادت جانگداز حضرت ابوطالب علیه السلام که با صفت «کظم» خود، ده سال از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم حمایت نمود و شرّ مشرکین را از وجود نازنین رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دفع نمود.

27 رجب: عید سعید مبعث.

28 رجب: روز سوم شهادت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام.

29 رجب: شهادت حضرت خدیجه کبری علیها السلام که با «صبر و کظم و ایثار» خود موجب پیروزی اسلام گردید.

## 24 رجب المرجب

### فتح خبیر به دست امیرالمؤمنین علیه السلام

در این روز به سال 7 هجری قمری در جنگ خبیر، مرحب یهودی به دست امیرالمؤمنین علیه السلام کشته شد و قلعه خبیر به دست آن حضرت فتح گردید. (2)

چون پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به جنگ خبیر رفتند و قلعه «قموص» را محاصره کردند، ابتدا پرچم را برای مبارزه با آنان به ابوبکر دادند، ابوبکر با لشکری رفت، ولی چون نظر به پهلوانان آنان نمود فرار کرد و لشکریان هم در پی او بازگشتند، روز بعد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پرچم را به عمر دادند و او هم از ترس کشته شدن به میدان جنگ نرسیده، بازگشت.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «فردا پرچم را به مردی می دهم که حمله هایش را تکرار کند نه

- 
- 1- القطرة، ج 2، ص 645.
  - 2- مصباح المتهجد، ص 812.

اینکه فرار کند، کسی که خدا و پیامبرش را دوست دارد و خدا و پیامبرش هم او را دوست دارند و خدا خیر را به دست او فتح می کند».

همه اصحاب آرزو کردند که این مقام و منزلت به آنان واگذار شود. فردای آن روز پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: علی بن ابیطالب علیه السلام کجاست؟ گفتند: چشم دردی دارد که حرکت برای آن حضرت مشکل است. حضرت فرمودند: او را حاضر کنید، سلمة بن اکوع رفت و آن حضرت را آورد.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سر آن حضرت را در برگرفت و از آب دهان مبارک به چشمان نورانی امیرالمؤمنین علیه السلام مالید و فرمود: «بارالها! زحمت گرما و سرما را از او بردار». پس از آن روز دیگر بر امیرالمؤمنین علیه السلام درد چشم عارض نشد و از گرما و سرما آزرده نگشت.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم زره خود را بر او پوشانید و با دست خود عمامه بر سرش پیچید و ذوالفقار را بر کمر او بست و پرچم به آن حضرت سپرد و سوار بر مرکبش نموده و فرمود: «جبرئیل از سمت راست، میکائیل از سمت چپ، عزرائیل از پیش رو، اسرافیل از پشت سر و نصرت خدا بالای سر و دعای من نیز از پشت سرتوست» و فرمود: «یا علی! مسلمانی را بر ایشان عرضه کن».

آن حضرت رفت و پس از موعظه و نصیحت، عده ای برای جنگ با او آمدند، آنان دو نفر از مسلمانان را شهید کرده بودند، امیرالمؤمنین علیه السلام بر آنها تاخته و آنها را کشتند، آنگاه برادر مرحب با عده ای آمدند، حضرت آنها را نیز به درک فرستادند.

مرحب که شجاع بود به خونخواهی آمد، حضرت علی علیه السلام آن چنان با ذوالفقار بر سرش فرود آورد که شمشیر از حلقش گذشت و او را دو نیم ساخت و به خاک انداخت. صدای تکبیر مسلمانان بلند شد، عده ای از یهود به دفاع آمدند و با مسلمانان به جنگ پرداختند، امیرالمؤمنین علیه السلام به مبارزه ادامه دادند تا عده ای کشته شدند و عده ای به قلعه گریختند، آن حضرت با دست قدرتمند حیدری درب قلعه را گند و برای مسلمانان معبر قرار داد تا از خندق عبور کنند، حضرت چندین بار مسلمانان را از روی خندق به وسیله آن در عبور دادند، با اینکه از سه روز قبل، آن حضرت گرسنه بودند. (1)

### وفات سید محمد مهدی بحر العلوم رحمه الله

در این روز به سال 1212 هجری قمری، علامه سید محمد مهدی بحر العلوم که از فقهای بنام جهان تشیع است، وفات یافت و در نجف اشرف در مسجد شیخ طوسی به خاک سپرده شد.

ص: 159

سید بحرالعلوم از علمای اهل معنا بوده و تشرفات بسیاری خدمت امام زمان علیه السلام داشته است که احوالات این مرد بزرگ را در کتاب «امام زمان علیه السلام و سید بحرالعلوم رحمه الله» نقل نموده ایم، طالبین به آن کتاب مراجعه کنند.

## 25 رجب المرجب

### شهادت امام موسی بن جعفر علیهما السلام

در چنین روزی حضرت موسی بن جعفر علیه السلام پیشوای هفتم شیعیان در پنجاه سالگی به سال 183 هجری قمری به شهادت رسید. (1)

هارون الرشید در سفر حج به مدینه طیبه رفت و دستور داد حضرت موسی بن جعفر علیه السلام را در میان مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم گرفته و نزد او ببرند، همچنین دستور داد دو محمل درست کنند یکی به طرف کوفه، یکی به طرف بصره و حضرت را در محمل بصره گذاشت تا امر بر شیعیان مشتبه شود، و دستور داد به عیسی بن جعفر بن منصور دوانیقی که آن حضرت را در بصره زندانی کند. آنگاه پس از یک سال آن حضرت را به بغداد منتقل کرد و تسلیم فضل بن ربیع نمود و پس از مدتی به سندی بن شاهک تسلیم کرد و او حضرتش را در مخوفترین و تاریکترین زندان ها تحت شکنجه قرار داد و بعضی نقل نموده اند جمعاً چهارده سال آن حضرت در زندان به سر بردند (2) و آخر الامر سندی بن شاهک به دستور هارون، آن حضرت را مسموم نمود و به شهادت رسانید. (3)

## 26 رجب المرجب

### شهادت حضرت ابوطالب علیه السلام

حضرت ابوطالب علیه السلام بزرگ حامی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نام مبارکش «عمران» (4) و یکی از فرزندان عبدالمطلب علیه السلام بود که با عبدالله علیه السلام پدر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از یک مادر به نام فاطمه بنت عمرو بن عائد مخزومی بودند. (5)

جناب ابوطالب علیه السلام نیز همانند پدر و اجدادش از موحدان و اوصیاء انبیاء الهی بوده (6) و پس از

ص: 160

- 
- 1- المقالات و الفرق، ص 93؛ فرق الشیعه، ص 85؛ مسار الشیعه، ص 59؛ مصباح المتجهد، ص 812؛ تاریخ بغداد، ج 13، ص 32؛ وفيات الأعیان، ج 5، ص 310؛ المنتظم، ج 9، ص 88؛ مطالب السؤل، ص 293.
  - 2- عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج 1، ص 95.
  - 3- الکافی، ج 1، ص 476؛ الإرشاد، ج 2، ص 239.
  - 4- مناقب آل ابیطالب، ج 3، ص 248؛ تفسیر ابوالفتوح رازی، ج 3، ص 15؛ الإصابة، ج 7، ص 196؛ سفینه البحار، ج 5، ص 312.
  - 5- الطبقات الكبرى، ج 1، ص 93.
  - 6- اعتقادات الإمامیه للصدوق، ص 110؛ مرآة العقول، ج 5، ص 235؛ الغدير، ج 7، ص 524.

پدرش عبدالمطلب علیه السلام سرپرستی و کفالت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را بر عهده گرفت و همراه همسرش جناب فاطمه بنت اسد علیها السلام از آن حضرت نگهداری کردند و جای پدر و مادر را برای ایشان پر کردند. (1)

جناب ابوطالب و خاندانش نخستین کسانی بودند که به اسلام ایمان آوردند و از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دفاع کردند که تاوان ایمان و حمایت جناب ابوطالب علیه السلام، محاصره اقتصادی در شعب ابی طالب شد که این وضعیت سه سال طول کشید و سختترین دوران زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ابوطالب علیه السلام بوده است، سرانجام این بزرگ حامی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در 26 ماه رجب به سال دهم بعثت (2) بر اثر صدماتی که در محاصره شعب ابیطالب دید، شهید شد و به سرای باقی شتافت و از دشمنان قریش رهایی یافت.

تا حضرت ابوطالب علیه السلام زنده بود کسی جرأت اذیت رساندن به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را نداشت (3) و پس از رحلت آن حضرت، مشرکین بر آزار و اذیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم افزودند تا اینکه خدای تعالی به پیامبرش صلی الله علیه و آله و سلم برای حفظ جاننش امر به هجرت نمود. (4)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از این مصیبت بسیار سخت آزرده خاطر شده، در فقدانش اشک می ریخت و می فرمود: «ای عمو! در کودکی پرورشم دادی، در یتیمی سرپرستم بودی و در بزرگسالی یاریم کردی، خدا تو را جزای خیر دهد» (5) و این سال را به جهت رحلت ابوطالب علیه السلام و حضرت خدیجه کبری علیها السلام که اندوه و حزن سختی بر قلب مقدس ایشان نشست، سال حزن نامیدند. (6)

امام محمد باقر علیه السلام می فرماید: «اگر ایمان حضرت ابوطالب علیه السلام را در یک کفه ترازو و ایمان خلق را در کفه دیگر ترازو گذارند، ایمان ابوطالب علیه السلام سنگینتر خواهد بود». (7)

لذا بجاست که مؤمنین این روز را بزرگ بشمارند و مجالس عزا در تعظیم و تمجید آن حضرت برپا نمایند و از روح پاک و آزادش استمداد جویند.

ص: 161

- 1- اثبات الوصیة، ص 114 ؛ کنز الفوائد، ج 1، ص 252.
- 2- مصباح المتعجد، ص 812 ؛ بحار الأنوار، ج 19، ص 24.
- 3- الکامل فی التاریخ، ج 2، ص 91.
- 4- تفسیر العیاشی، ج 1، ص 257 ؛ الکافی، ج 8، ص 340 ؛ ایمان ابی طالب علیه السلام، شیخ مفید، ص 24.
- 5- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 35.
- 6- إمتاع الأسماع، ج 1، ص 45 ؛ إعلام الوری، ج 1، ص 53.
- 7- شرح نهج البلاغه ابن أبی الحدید، ج 14، ص 68 ؛ مرآت العقول، ج 5، ص 236.

روز بیست و هفتم ماه رجب جبرئیل بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد و امر به دعوت نمودن مردم به اسلام کرد، از این روز نزول تدریجی قرآن آغاز شد. (1)

محدث قمی رحمه الله می نویسد: «بیست و هفتم این ماه از جمله اعیاد عظیمه است و روزی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در آن روز به رسالت بر امت مبعوث گردید و جبرئیل بر آن حضرت نازل شد». (2)

### روز سوم شهادت امام موسی بن جعفر علیه السلام

روز بیست و هشتم ماه رجب، روز سوم شهادت امام موسی بن جعفر علیه السلام می باشد که شیعیان آن حضرت این روز را روز ماتم و عزا قرار می دهند و برای حضرتش عزاداری می کنند.

### وفات جناب ام ایمن

بنا بر گزارش ابن اثیر، جناب ام ایمن که از خدمتگزاران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، حضرت خدیجه کبری علیها السلام و فاطمه زهرا علیها السلام بوده، پنج ماه بعد از شهادت و رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم (28 رجب سال 11 هجری قمری) وفات می یابد (3) و در بعضی دیگر از منابع حدیثی وارد شده است که ام ایمن هفت سال بعد از شهادت حضرت زهرا علیها السلام در قید حیات بوده است. (4)

جناب ام ایمن خصائص ویژه ای را دارا بوده، از جمله:

- مدت ها کنیزی آمنه مادر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و سپس کنیزی خود رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را بر عهده داشته (5)؛

- جزء اولین زنان مسلمان بوده (6)؛

- مادر اسامه بن زید بوده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم وی را در 18 سالگی فرمانده لشکر اسلام قرار دادند و به همه مسلمانان امر نمودند به پیروی از اسامه و حرکت به سوی جنگ با رومیان به جز

ص: 162

1- مصباح المتهجد، ص 813.

2- وقایع الأيام، ص 483.

- 3- أسد الغابة، ج 6، ص 304.
- 4- مناقب آل أبيطالب، ج 3، ص 338.
- 5- الطبقات الكبرى، ج 8، ص 223 ؛ أنساب الأشراف، ج 1، ص 96 ؛ إعلام الوری، ص 147.
- 6- أنساب الأشراف، ج 1، ص 269 ؛ أسد الغابة، ج 6، ص 303.

امیرالمؤمنین علیه السلام که امر نمودند در مدینه بمانند(1)؛

- از جمله شهود بخشش فدک توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به فاطمه زهرا علیها السلام بوده(2)؛

- از بانوانی است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بشارت بهشتی بودن او را داده اند(3)؛

- از جمله بانوانی است که در زمان ظهور رجعت کرده و به یاری امام زمان علیه السلام می شتابد(4).

علی بن معمر روایت کرده: «امّ ایمن پس از شهادت حضرت فاطمه علیها السلام گفت: نمیتوانم جای فاطمه علیها السلام را در مدینه خالی ببینم و لذا از مدینه خارج و به سوی مکه حرکت کرد. در بین راه، در محلی به نام «جحفه» عطش و تشنگی شدیدی بر او غلبه کرد به طوری که ترسید که مبادا در اثر تشنگی از دنیا برود، پس چشمان خود را به آسمان دوخته، عرضه داشت: خداوند! آیا مرا تشنه می گذاری در حالی که من خادم فاطمه علیها السلام، دختر پیامبرت بوده ام؟! علی بن معمر گوید: در این حال جام آبی از آبهای بهشتی برای او فرود آمد، پس بعد از نوشیدن از آن آب، تا هفت سال گرسنه نشد و چیزی نخورد(5).

## 29 رجب المرجب

### شهادت حضرت خدیجه کبری علیها السلام

در چنین روزی به سال دهم بعثت، حضرت خدیجه کبری علیها السلام بر اثر صدمات وارد شده در شعب ابیطالب به شهادت می رسند. نقل دیگر در تاریخ رحلت حضرت خدیجه علیها السلام دهم ماه مبارک رمضان است، ولی نزد ما این روز (29 ماه رجب) یعنی سه روز بعد از شهادت حضرت ابوطالب علیه السلام اقوی است و دهم ماه مبارک رمضان روز شهادت حضرت زینب کبری علیها السلام می باشد نه پانزدهم ماه رجب که روز ولادت امیرالمؤمنین علیه السلام از کعبه است(6).

لذا با تحقیق و بررسی که در تاریخ این وقایع نمودیم، با استناد به منابع: ابن اثیر (أسد الغابة)،(7) محدث راوندی (قصص الأنبياء)(8) و همچنین طبرسی (إعلام الوری)، ابن شهر آشوب (مناقب آل ابیطالب) و علامه مجلسی (بحار الانوار) با ارجاع به کتاب «المعرفة» ابن مندة،(9) چنین معلوم می شود که حضرت خدیجه کبری علیها السلام سه روز بعد از وفات حضرت ابوطالب علیه السلام یعنی روز 29 ماه رجب از دنیا می روند.

ص: 163

1- سیاه ترین هفته تاریخ، علی محدث، ص 22.

2- تفسیر القمی، ج 2، ص 155؛ الخرائج و الجرائح، ج 1، ص 113.

3- کتاب سلیم بن قیس الهلالی، ج 2، ص 826؛ تفسیر القمی، ج 2، ص 155.

4- دلائل الإمامة، ص 484.

5- مناقب آل ابیطالب، ج 3، ص 338.

6- به روز پانزدهم ماه رجب و دهم ماه رمضان مراجعه شود.

7- أسد الغابة، ج 1، ص 19.



8- قصص الأنبياء، ص 316.

9- إعلام الوري (ط-القديمة)، ص 53؛ مناقب آل أبيطالب، ج 1، ص 174؛ بحار الأنوار، ج 19، ص 15.

حضرت خدیجه کبری علیها السلام همسر با وفای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم جان و مالش را در طبق اخلاص گذاشت و فدای اسلام نمود تا جایی که از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم وارد شده: «پیروزی اسلام به سبب ثروت حضرت خدیجه علیها السلام و شجاعت حضرت علی علیه السلام است»<sup>(1)</sup>.

حضرت خدیجه علیها السلام به دلیل ایمان راستینش یک لحظه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را تنها نگذاشت، بلکه همیشه مدافع و یاور و غمخوار آن حضرت بود تا اینکه به جهت فشار مشرکین بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سه یا چهار سال همراه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و بنی هاشم در شعب ابی طالب در محاصره شدید اقتصادی به سر برد و فشارهای سخت جسمی و روحی را متحمل شد و بیمار گردید.

شرایط سخت محاصره یک نوع شکنجه و مرگ تدریجی بود که محاصره شونده‌گان را از پای در می آورد، لذا پس از سه یا چهار سال چنان سخت گذشت که جناب ابوطالب علیه السلام و حضرت خدیجه علیها السلام هر دو در بستر بیماری افتادند و هر دو با فاصله چند روزی رحلت نموده و دار فانی را وداع گفتند و در حقیقت به شهادت رسیدند. فقدان این دو یار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر حضرتش چنان گران آمد و محزون نمود که آن سال را سال حزن نامیدند.<sup>(2)</sup>

### مختصری از شرح حال حضرت خدیجه علیها السلام

حضرت خدیجه علیها السلام مادر حضرت زهرا علیها السلام و جدّه مادری امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام می باشد. ایشان دختر خویلد بن اسد بن عبدالعزی بن قصی بن کلاب و مادرش فاطمه دختر هاله دختر عبدمناف است و با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از یک تیره و نژاد می باشند.<sup>(3)</sup>

حضرت خدیجه علیها السلام ثروت فراوانی داشت و از بزرگان قریش محسوب می گردید و در یک سفر تجارتي، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم به همراه جمعی، از طرف حضرت خدیجه علیها السلام به شام رفت و در بازگشت، آن حضرت بیش از دیگران برای جناب خدیجه علیها السلام سود کسب کرده بود، جناب خدیجه علیها السلام از امانتداری و حسن معامله این جوان هاشمی بسیار خرسند و شگفت زده شد، از طرفی «مسیره» غلام خدیجه از کرامت های پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تعریف کرد، لذا حضرت خدیجه علیها السلام به جهت کرامت های نفسانی و نور الهی، قلباً متوجه او شده بود تا اینکه جناب ابوطالب علیه السلام که حکم پدری برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم داشت، به خواستگاری خدیجه علیها السلام رفت و آن بانورا برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم تزویج نمود.<sup>(4)</sup>

ص: 164

1- تنقیح المقال، ج 3، ص 77.

2- إمتاع الأسماع، ج 1، ص 45؛ إعلام الوری، ج 1، ص 53.

3- الطبقات الکبری، ج 1، ص 105؛ السیره النبویه، ج 1، ص 189؛ المقاتل الطالبین، ص 29.

4- الطبقات الکبری، ج 1، ص 130.

این بانوی مکرم اسلام که «أم المؤمنین» و «جده ائمه معصومین علیهم السلام» است، تا پای جان از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حمایت نمود و تمام ثروتش را برای اعتلای اسلام در اختیار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قرار داد، لذا حضرتش حق عظیمی برگردن مسلمانان تا روز قیامت دارد.

جناب خدیجه علیها السلام در تمام صحنه ها یاور رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و موجب تسلی خاطر قلب شریف پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود؛ به همین جهت خداوند چندین مرتبه بر وی سلام رسانده (1) و او را جزء زنان عرشی و مقدس قرار داده است که حاصل این زندگی شیرین دو پسر به نام قاسم و عبدالله - که در کودکی فوت نمودند - و یک دختر - که سرور همه جهانیان است - یعنی فاطمه زهرا علیها السلام شد و لیاقت مادری حضرت فاطمه علیها السلام را خداوند فقط و فقط به این بانو عطا کرد.

حضرت خدیجه کبری علیها السلام سرانجام با تحمل مشقات و سختی های فراوان، سه روز پس از شهادت حضرت ابوطالب علیه السلام از دنیا رفت و داغ سختی بر قلب پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نهاده شد به طوری که پیامبر آن سال را سال حزن نامیدند. (2)

### حرکت امام حسین علیه السلام به سوی کربلا

شب بیست و نهم ماه رجب به سال 60 هجری قمری حضرت امام حسین علیه السلام از مدینه به سوی مکه و سپس به کربلا حرکت کردند. (3)

### مرگ شافعی

محمد بن ادریس شافعی رئیس مذهب شافعیان است که در آخر ماه رجب به سال 150 هجری قمری مُرد. (4)

بنابر نقل روضات الجنات از کرامات او، علمای اهل سنت می نویسند: وی چهار سال در شکم مادرش به احترام ابوحنیفه ماند و به دنیا نیامد تا اینکه ابوحنیفه، امام مذهب حنفیان از دنیا رفت! در حالیکه در این مدت پدرش در سفر و غائب بوده است. (5)

بدین جهت خود محمد بن ادریس شافعی که پی به درازای حمل مادرش (چهار سال) می برد، فتوی می دهد که أقصى الحمل (طولانی ترین مدت حمل) چهار سال می باشد، (6) زیرا مادرش او را چهار سال در شکم نگه داشت تا ابوحنیفه از دنیا رفت و سپس او را به دنیا آورد!

ص: 165

1- تفسیر العیاشی، ج 2، ص 279؛ روضة الواعظین، ج 2، ص 269؛ کشف الغمة، ج 1، ص 508.

2- إمتاع الأسماع، ج 1، ص 45؛ إعلام الوری، ج 1، ص 53.

3- الإرشاد، ج 2، ص 34؛ إعلام الوری، ج 1، ص 435.

4- النجوم الزاهرة، ج 2، ص 176.

5- روضات الجنات، ج 8، ص 175.

6- الشرح الكبير، ج 9، ص 86؛ المغنی لابن قدامة، ج 9، ص 116؛ بداية المجتهد، ج 2، ص 387.

ماه شعبان المعظم

اشاره

ص: 166

تولد حضرت زینب کبری علیها السلام

بنابر نقل «خصائص الزینبیه علیها السلام» از «بحر المصائب»، «معالی السبطين»، «ریاحین الشریعه» و نیز استاد بزرگوارم حضرت آیت الله حاج شیخ علی نمازی شاهرودی رحمه الله در کتاب «مستدرک سفینه البحار»، حضرت زینب علیها السلام در روز اول شعبان به سال پنجم هجری به دنیا آمدند؛ (1) البته بعضی ولادت این بی بی را در پنجم جمادی الاول نقل کرده اند - که در تضعیف آن مطالبی را قبلاً ذکر نمودیم (2) - ولی اقوی نزد ما این روز یعنی اول شعبان می باشد، زیرا با ولادت های ماه شعبان مناسبت بهتری دارد و ماه جمادی الاول ماه حزن و عزاداری برای بی بی دو عالم حضرت فاطمه زهرا علیها السلام می باشد، پس بهتر است این نقل را برای جشن میلاد زینب کبری علیها السلام اخذ کرده و گرامی بدریم.

هنگامی که حضرت زینب علیها السلام به دنیا آمدند، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در سفر بودند و امیرالمؤمنین علیه السلام برای نامگذاری این مولود فرمودند: بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سبقت نمی گیرم تا اینکه آن حضرت از سفر تشریف آوردند و منتظر وحی شدند، جبرئیل نازل شد و عرضه داشت خداوند سلام می رساند و می فرماید: این دختر را «زینب» نام بگذارید، چه اینکه این نام را در لوح محفوظ نوشته ایم، لذا نامش را «زینب» یعنی «زینت پدر» گذاشتند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم زینب علیها السلام را در آغوش می گرفتند و می بوسیدند و می فرمودند: «وصیت می کنم به حاضرین و غائبین که این دخترم را به خاطر من احترام کنید که همانا او به خدیجه کبری علیها السلام شباهت دارد». (3)

در مناقب و تشبیهات آن بی بی علیها السلام باید گفت:

- در سخاوت و بخشش به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم؛

- در سکینه و وقار به خدیجه کبری علیها السلام؛

- در عصمت و حیاء به فاطمه زهرا علیها السلام؛

- در فصاحت و بلاغت به علی مرتضی علیه السلام؛

- در حلم و صبر به امام حسن مجتبی علیه السلام؛

ص: 167

1- بحر المصائب؛ خصائص الزینبیه علیها السلام، ص 33؛ معالی السبطين، ص 633؛ ریاحین الشریعه، ج 3، ص 33؛ مستدرک سفینه البحار، ج 5، ص 413.

2- به پنجم جمادی الاول مراجعه شود.

3- ناسخ التواریخ، زندگانی حضرت زینب علیها السلام، ص 44.

- و در شجاعت و قوت قلب به امام حسین سیدالشهداء علیه السلام همانند است.

القاب ایشان اینگونه است: عقيلة بنی هاشم، ولية الله، الراضية، صابرة، أمة الله، محبوبة المصطفى، الشريفة، ثانية الزهراء و صديقه صغرى (که اشاره به مادرش صديقه كبرى عليها السلام دارد).

حضرت زينب عليها السلام در سال هفدهم هجرى با پسر عموى خود يعنى جناب عبدالله بن جعفر بن ابيطالب عليه السلام ازدواج كرد(1) و اين ازدواج بر اساس اشاره اى كه پيامبر صلى الله عليه و آله و سلم فرموده بودند، انجام شد؛ زيرا آن حضرت روزى يك دست مبارك را بر پشت حضرت اميرالمؤمنين عليه السلام و دست ديگر را بر پشت جناب جعفر عليه السلام گذاشتند و فرمودند: «بناتنا لبنينا و بنونا لبناتنا...»(2).

بدین جهت تمام دختران امیرالمؤمنین علیه السلام با فرزندان جعفر علیه السلام و عقیل علیه السلام ازدواج کردند که از جمله آنها تزویج حضرت زینب عليها السلام با عبدالله بن جعفر علیه السلام بوده و ثمره این ازدواج چهار یا پنج فرزند به نام های محمد، جعفر، عون، علی و ام کلثوم بود که دو تن از آنها به نام های «عون» و «محمد» در صحرای کربلا در رکاب دایی گرامیشان حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام به شهادت رسیدند.

از تزویج جناب عبدالله بن جعفر علیه السلام با حضرت زینب عليها السلام پی به مقام بلند ایشان می بریم و در جواب این شبهه که بعضی عدم حضور جناب عبدالله بن جعفر علیه السلام را در کربلا، نقص ایشان بر می شمارند، عرض می کنیم: عبدالله شخصیتی نبوده است که از فرمان امام زمانش بخواهد تخلف کند، بلکه طبق گزارش های تاریخی، برای عدم حضور عبدالله بن جعفر علیه السلام در کربلا سه توجیه بیان شده است:

الف. عبدالله بن جعفر کهولت سن داشته و بیمار بوده است.(3)

ب. به جهت بیماری شدید دو دیده خود را از دست داده و نابینا بوده است.(4)

ج. به جهت نمایندگی امام حسین علیه السلام به امر امام در مکه برای رسیدگی به امور بنی هاشم و حفظ آنان می ماند،(5) همانند محمد حنفیه که به امر امام حسین علیه السلام نماینده ایشان در مدینه گردید.

نماز 12 رکعتی شب اول ماه شعبان (ميلاد حضرت زينب كبرى عليها السلام): از حضرت رسول اکرم صلى الله عليه و آله و سلم نقل شده است: هر کس در شب اول ماه شعبان دوازده رکعت به این کیفیت بجا آورد که در هر رکعت پس از سوره «حمد»، پانزده مرتبه سوره «قل هو الله» بخواند، خداوند ثواب 12 هزار

ص: 168

1- أسد الغابة، ج 6، ص 133.

2- من لا يحضره الفقيه، ج 3، ص 393.

3- کتاب زينب كبرى عليها السلام، علامه نقدي، ص 178 و ص 195.

4- عمدة الطالب، ج 1، ص 37.



شهید و عبادت 12 سال را به او عطا می کند و از گناهانش بیرون می رود مانند روزی که متولد شده و به تعداد آیات قرآن، قصری در بهشت به او می دهد. (1)

- رجاء می توان این نماز را در روز اول شعبان نیز خواند.

- این نماز را به حضرت زینب کبری علیها السلام هدیه کنید.

## 2 شعبان المعظم

### به هلاکت رسیدن معتز عباسی، قاتل امام هادی علیه السلام

در روز دوم شعبان به سال 255 هجری قمری معتز بالله بن متوکل عباسی کشته شد، (2) وی قاتل امام هادی علیه السلام بوده است. (3)

نقل شده است معتز عباسی ظلم را از حدّ خود گذرانیده بود و ترکان که در دربار عباسیان نفوذ داشتند بر خویشان ترسیدند و اتفاق کردند بر خلع معتز، پس در روز مبعث به سال 255 هجری معتز را گرفتند و توییح و سرزنش از افعال و کردارش کردند؛ سرکرده این گروه صالح بن وصیف از اعیان ترک بود که امر کرد به حجره معتز ریختند و پای او را گرفتند و بیرون کشیدند و او را در آفتاب سوزان نگاه داشتند، وی از حرارت زمین گاهی تکیه بر یک پا می کرده و گاهی بر پای دیگر و پیوسته بر صورتش لطمه می زدند. سپس صالح، او را سه روز از طعام و شراب منع کرد و پس از آن او را در سردابی داخل نمود و درب آن را مسدود کرد تا در آنجا هلاک شد و به قولی او را با آبجوش حقه کرد تا بمرد. (4)

## 3 شعبان المعظم

### ولادت با سعادت امام حسین علیه السلام

امام حسین علیه السلام در سوم شعبان سال چهارم هجرت در مدینه و در زمان پادشاهی یزدجرد متولد شد. (5)

شیخ صدوق رحمه الله در کتاب «امالی» در حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل می کند: «فطرس، یکی از فرشتگان حامل عرش در انجام وظیفه اش سستی کرد، بال هایش شکسته و به جزیره ای در زمین تبعید شد. وی 700 سال به عبادت خدا مشغول بود تا امام حسین علیه السلام به دنیا آمد. جبرئیل با هفتاد هزار فرشته جهت تبریک این میلاد به زمین نازل شدند، وقتی از کنار فطرس گذشتند او از علت نزول آنان جو یا شد و از آنان خواست تا وی را با خود ببرند، شاید پیامبر برایش دعا کند. جبرئیل نزد پیامبر صلی الله

ص: 169

1- اقبال الأعمال، ج 2، ص 683.

2- تاریخ الطبری، ج 9، ص 390؛ تاریخ الإسلام، ذهبی، ج 19، ص 281.

3- دلائل الامامة، ص 409.

4- تاریخ الإسلام، ذهبی، ج 19، ص 281.

5- مسار الشیعه، ص 61؛ آثار الباقیة، ص 425؛ مصباح المتجهد، ص 826؛ إعلام الوری، ج 1، ص 420؛ اللهوف، ص 91.



علیه و آله و سلم برای وی میانجیگری کرد. به فرمایش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، فطرس خود را به قنداقه امام حسین علیه السلام مالید و خداوند بال هایش را بهبود بخشیده و او را به جایگاه اولیه اش بازگرداند.

فطرس پس از بهبودی و عروج به آسمان، به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خبر از شهادت فرزندش حسین علیه السلام داده و می گوید به جبران این شفاعت، زیارت هر زائر و سلام و صلوات هر سلام دهنده ای را به امام حسین علیه السلام برساند». (1)

#### 4 شعبان المعظم

#### ولادت با سعادت حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام

حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام در روز چهارم شعبان به سال 26 هجری قمری به دنیا آمد. (2)

مادر بزرگوارش «فاطمه» ملقب به «امّ البنین» و پدر بزرگوارش امیرالمؤمنین علیه السلام است. هنگامیکه حضرت ابوالفضل علیه السلام به دنیا آمد، ام البنین علیها السلام قنداقه آن حضرت را به دست مبارک امیرالمؤمنین علیه السلام داد تا اذان و اقامه در گوش آن کودک بگوید که ناگهان دید: «قَبْلَ يَدِيهِ وَ اسْتَعْبَرَ وَ بَكَى» یعنی: «امیرالمؤمنین علیه السلام دست های او را بوسید و قطرات اشک بر صورت نازنیشان جاری شد» و فرمود: «گویا می بینم این دست ها یوم الطّف در کنار شریعه فرات در راه یاری برادرش امام حسین علیه السلام از بدن جدا خواهد شد». (3)

علامه مقرر رحمه الله در کتاب «العباس علیه السلام» به این مضمون می نویسد: «حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نوزادش را در آغوش گرفت و در حالیکه اشک از چشمان مبارکش سرازیر بود، دستان کودکش را می بوسید و بر دیده می نهاد، ام البنین علیها السلام با دیدن این منظره پرسید: چرا دستان او را می بوسید و گریه می کنید؟ مگر عیبی در آن هست که اینگونه به آن خیره شده اید؟ امام علیه السلام فرمود: «اگر خویشان دار باشی خواهم گفت این دست ها در پی یاری فرزندم حسین علیه السلام در کربلا قطع خواهد شد». (4)

چهار امامی که تو را دیده اند \*\*\* دست علم گیر تو بوسیده اند

ص: 170

1- الأمالی للصدوق، ص 137.

2- آنیس الشیعه، حافظ محمد عبدالحسین هندی؛ العباس بن امیرالمؤمنین، علامه مقرر، ص 127؛ حیاة أبی الفضل العباس، اردوبادی، ص 64.

3- زندگی قمر بنی هاشم علیه السلام، عمادزاده، ص 53؛ زندگانی حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام، علامه باقر شریف قرشی، ترجمه سید حسن اسلامی، ص 28، خصائص العباسیّه، محمد ابراهیم کلباسی، ص 120 - 119.

4- العباس بن امیرالمؤمنین، علامه مقرر، ص 75.

## 5 شعبان المعظم

### ولادت با سعادت امام زین العابدین علیه السلام

امام زین العابدین علیه السلام در روز پنجم شعبان به سال 38 هجری قمری متولد شد. (1) مادر بزرگوارش جناب شهربانو دخت گرانقدر یزدجرد پادشاه فارس پسر شهریار پسر خسرو پرویز پسر هرمز پسر کسری انوشیروان عادل بوده است، لذا امام زین العابدین علیه السلام را «ابن الخیرتین» می گفتند که اشاره به حدیثی است که امام محمدباقر علیه السلام فرمودند: «کان یقال لعلی بن الحسین علیهما السلام ابن الخیرتین فخیرة الله من العرب هاشم و من العجم فارس» (2) و اشاره به آن جناب کرده ابوالاسود در این شعر که می گوید:

وإن غلاماً بین کسری و هاشم \*\*\* لأکرم من نیطت علیه التمام (3)

یعنی: «به راستی کودکی که از میان خاندان کسری و بنی هاشم می باشد، بزرگوارتر از آن است که برگردن او تعویذهایی آویزان شود».

جابر گوید: امام باقر علیه السلام می فرمود: هنگامی که دختر یزدجرد پسر شهریار، آخرین پادشاه سلسله ساسانی را اسیر کرده و وارد شهر مدینه کردند، دختران مدینه به پشت بامها رفته و به تماشای او پرداختند، وقتی او را وارد مجلس عمر نمودند، از نور و پرتو جمالش مجلس روشن گشت، وقتی چشمش به عمر افتاد، گفت: سیاه باد روی هرمز. عمر این سخن را که شنید، خشمگین شده و گفت: این کافر مرا دشنام می دهد و تصمیم گرفت او را مجازات کند، امیرالمؤمنین علیه السلام که شاهد این منظره بود رو به عمر کرد و فرمود: چیزی را که نمی دانی اظهار نکن! سپس گفتار او را ترجمه کردند. عمر دستور داد تا او را در معرض فروش قرار داده و به همه اعلان کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«لا یجوز بیع بنات الملوک و إن کنّ کافرات و لکن أعرض علیها أن تختار رجلاً من المسلمین حتی تتزوج منه، و تحسب صداقها علیه من عطائه من بیت المال یقوم مقام الثمن».

یعنی: «دختران پادشاهان را نباید فروخت گر چه کافر باشند، او را مخیر کن تا یکی از مسلمانان را برگزیند و با او ازدواج نماید و مهریه او را از سهم آن مرد از بیتالمال حساب کن که به جای قیمتش باشد».

ص: 171

1- منابع شیعی: کشف الغمة، ج 2، ص 73؛ الدروس، ج 2، ص 12؛ وصول الأخیار، ص 42؛ إحقاق الحق، ج 12، ص 9. منابع سنی: مطالب السؤل، ص 267؛ الفصول المهمة، ج 2، ص 854؛ نور الأبصار، ص 156.

2- الکافی، ج 1، ص 467.

3- الکافی، ج 1، ص 467.

عمر گفت: چنین می‌کنم، آنگاه به آن بانو گفت: یکی از مسلمانان را به عنوان شوهر انتخاب کن.

آن بانوی بزرگوار دوری زد و دست بر شانه امام حسین علیه السلام گذاشت، امیرالمؤمنین علیه السلام به یکی از آن دو خواهر فرمود: چه نام داری ای کنیزک؟ گفت: جهان شاه. (1) حضرت فرمود: بلکه نام تو شهربانو است. گفت: خواهرم شهربانو است. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: راست گفتی. آنگاه امیرالمؤمنین علیه السلام رو به امام حسین علیه السلام کرد و فرمود:

«إحتفظ بها و أحسن إليها، فستلد لك خير أهل الأرض في زمانه بعدك، و هي أم الأوصياء الذرية الطيبة»

یعنی: «این دختر را نیکو نگهداری کن که به زودی فرزندی برای تو می‌آورد که او پس از تو بهترین فرد روی زمین است، این دختر مادر اوصیا از ذراری پاک است»، پس علی بن الحسین علیه السلام از این بانوی بزرگوار متولد شد. (2)

چند روز از ولادت امام سجاد علیه السلام نگذشته بود که مادرش شهربانو رحلت کرد، (3) از این رو امام حسین علیه السلام کنیزی را به عنوان دایه برای امام زین العابدین علیه السلام آوردند که اطرافیان او را مادر حضرتش می‌خواندند، (4) به همین جهت است که امام سجاد علیه السلام تا سنین بزرگسالی از زحمات دایهٔ مهربانش قدردانی نموده و او را به چشم مادری نگاه می‌کرد و بسیار احترام می‌گذاشت، چنانکه نقل شده است: با مادر ناتنی خود هم غذا نمی‌شد، زیرا می‌فرمود: «از آن می‌ترسم که مادرم بخواهد لقمه‌ای را بردارد و من بر او سبقت بگیرم و عاق او گردم». (5)

در اخبار آمده است اینکه شهربانو در آن محفل امام حسین علیه السلام را برگزید، جهتش این بود که آن بانو، حضرت فاطمه علیها السلام را در عالم خواب دید و پیش از آنکه اسیر لشکریان گردد مسلمان شد؛ او قصه شگفتی دارد که به این شرح است:

آن بانوی بزرگوار گوید: پیش از آمدن سپاهیان اسلام در خواب دیدم که حضرت محمد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با امام حسین علیه السلام به خانه ما تشریف فرما شدند، حضرت در مکانی جلوس فرمود و مرا برای امام حسین علیه السلام خواستگاری نمود، پدرم پذیرفت و عقد بسته شد. وقتی از خواب بیدار شدم، محبت او در دلم جای گرفت و به جز او به چیز دیگری نمی‌اندیشیدم، شب دوم حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را در خواب دیدم، آن حضرت نزد من آمد و اسلام را بر من عرضه فرمود، من پذیرفته و مسلمان شدم، آنگاه بانوی بانوان جهانیان،

ص: 172

1- در بعضی از روایات خواهر اول نامش شهربانو و خواهر دوم جهان شاه می‌باشد.

2- الخرائج و الجرائح، ج 2، ص 750.

3- عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 128.

4- عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 128.

5- الخصال، ج 2، ص 518.

حضرت زهرا علیها السلام فرمود:

«إِنَّ الغلبة تكون للمسلمين و أنك تصلين عن قريب إلى ابني الحسين عليه السلام سالمة لا يصيبك بسوء أحد»

یعنی: «به زودی مسلمانان بر شما پیروز خواهند شد و تو صحیح و سالم پیش فرزندم حسین علیه السلام خواهی رفت و هیچ خطری متوجه تو نخواهد شد».

آن بانوی بزرگوار گوید: بدین وسیله، من هم اکنون وارد مدینه شدم و تا به حال هیچ ناراحتی متوجه من نشده و دست انسانی مرا لمس نکرده است. (1)

## 6 شعبان المعظم

### وفات ثقة الواعظین حاج شیخ عبدالله یزدی رحمه الله

ایشان از علما و خطبا و نویسندگان حوزه علمیه مشهد مقدس می باشد که در سال 1412 هجری قمری وفات کرد و در حرم امام رضا علیه السلام در صحن آزادی به خاک سپرده شد.

ثقة الواعظین حاج شیخ عبدالله یزدی سالیان دراز از محضر علامه میرزا مهدی اصفهانی مؤسس مکتب تفکیک بهره برد و تألیفات گرانسنگی از خود بجای گذاشت، مانند: معارف القرآن در سه جلد و ... ؛ حقیر در ابتدا که به حوزه علمیه مشهد مقدس رفته بودم از محضرشان و بیاناتشان بهره مند شدم.

مرحوم آیه الله حاج شیخ مجتبی قزوینی رحمه الله در تقریظی که بر کتاب «معارف القرآن» حاج شیخ عبد الله یزدی رحمه الله نوشته اند، می فرمایند: «از کسانی که خداوند مئان این فضیلت را نصیب او کرده، نویسنده محترم این کتاب شریف است که مدتی موفق به درک فیض از محضر حضرت آیه الله میرزا مهدی اصفهانی - نورالله مضجعه - شدند که به مقدار وسع خویش از معارف قرآن مجید استفاده نمودند، اکنون آنچه استفاده کرده اند با قلمی رسا، مفید و مختصر در اختیار خوانندگان گرامی می گذارند. امید است عامه فضلا و طالبین علوم قرآن و دوستان آل عصمت سلام الله علیهم با دقت نظر و تأمل و انصاف مطالعه نموده و استفاده فرمایند ...».

همچنین در نامه ای که محقق بزرگوار، آقابزرگ تهرانی برای حاج شیخ عبدالله یزدی نوشته اند، چنین آمده است: «بسم الله الرحمن الرحیم، حضور محترم سرکار مستطاب عماد المتکلمین و شیخ الخطباء و الوعاظ آقای حاج شیخ عبدالله واعظ یزدی، عرض می شود که: بحمدالله تعالی سلامتی مزاج حاصل و به وظایف دعاگویی مشغولم، امید آنکه ادعیه خالصه سرکار در این ایام و لیالی متبرکه دستگیر حقیر

ص: 173

هم بشود.

تلواً آنکه نسخه مبارکه کتاب مستطاب معارف القرآن از تألیفات نفیسه سرکار عالی چند یوم قبل به اینجانب رسید، در این چند روز غالباً از فیوضات آن بهره مند شدم، فی الحقیقة ادای حق استادی آیه‌الله (میرزا مهدی اصفهانی) را نموده و افادات ایشان را در دسترس معارف طلبان گذاشته اید، جزاکم الله عن القرآن و أهله أحسن الجزاء ...

چون لسان حقیر از ثناء آن عاجز می باشد به کلمه دعا اکتفا شد، و السلام علیکم ورحمة الله».

«من الفانی آقا بزرگ طهرانی»

مرحوم حاج شیخ واعظ یزدی که قریحه شعری هم داشته چند بیت در کتاب گرانسنگ معارف آورده اند که حیفمان آمد آنها را ذکر نکنیم:

آزادی و قناعت و درس و کتاب را \*\*\* ای مدعی به ملک سلیمان نمی دهم

ای آفرین به همت والای آنکه گفت \*\*\* من جان زدست می دهم ایمان نمی دهم

با آب مهر آل علی شد عجین گلم \*\*\* این آب را به چشمه حیوان نمی دهم

جنت کجا و روضه سلطان دین رضا \*\*\* این روضه را به روضه رضوان نمی دهم

من آبروی خود به کفی نان نمی دهم \*\*\* من اختیار خویش به دو نان نمی دهم

من یوسفم اسیر زلیخا نمی شوم \*\*\* هرگز ز دست، لذت زندان نمی دهم

پیراهنم درید زلیخای روزگار \*\*\* در دست نفس شوم، گریبان نمی دهم

سالار راد مردی و آزادگی حسین \*\*\* می گفت دست خودبه لئیمان نمی دهم

وقت سحرشهودی پی دل به دوست گفت \*\*\* من دل به غیر شاه خراسان نمی دهم

## 8 شعبان المعظم

### شروع غیبت صغری

بنا بر گزارش شیخ حرّ عاملی از ابن خلکان، هشتم ماه شعبان (1) به سال 260 هجری قمری غیبت صغری واقع شده است.

درباره تاریخ ابتدای غیبت صغری سه نظر وجود دارد:

1. از بدو تولد امام زمان علیه السلام ؛ 2. بعد از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام ؛ 3. از زمان تعیین

---

1- إثبات الهداة، ج 5، ص 255؛ وفيات الأعيان، ج 4، ص 176.

اقوی چنین به نظر می رسد که حضرت بقیة الله ارواحنفاده پس از شهادت پدر بزرگوارشان امام حسن عسکری علیه السلام با بعضی از شیعیان و بستگانشان ارتباط و مراوده داشته اند تا این که تجسس و خفقان بنی العباس برای یافتن آن حضرت به نهایت خود می رسد، در این صورت امام علیه السلام برای ارتباط مردم با حضرتش سفیرانی را تعیین نمودند که از آن زمان می توان گفت غیبت صغری رخ داده است.

## 10 شعبان المعظم

### صدور آخرین توقیع از ناحیه مقدس امام زمان علیه السلام و خبر از وقوع غیبت کبری

با توجه به اینکه جناب علی بن محمد سمری، چهارمین وکیل و سفیر خاص امام زمان علیه السلام، در پانزدهم شعبان وفات می یابد (1) و امام زمان علیه السلام در آخرین توقیع که به افتخارش صادر نموده بودند فرمودند: «شش روز بعد از دنیا خواهی رفت»، معلوم می گردد که تاریخ صدور آخرین توقیع در چنین روزی بوده است.

علی بن محمد سمری هنگامی که در بستر بیماری بود، شیعیان از وی پرسیدند: به چه کسی بعد از خودتان توصیه می کنید؟ فرمود: خداوند مشیّتی دارد که آن انجام خواهد شد، سپس نامه ای را که از ناحیه مقدسه امام زمان علیه السلام رسیده بود بیرون آورد و مهر آن را شکست و برای حاضران قرائت کرد که آخرین توقیع برای سفیران خاص آن حضرت بوده و آن توقیع چنین است:

«بسم الله الرحمن الرحيم، ای علی بن محمد سمری! خداوند پاداش برادران دینی تو را در مصیبت تو بزرگ دارد، همانا تو از اکنون تا شش روز دیگر خواهی مرد، پس کار خود را فراهم کن و وصیت نکن به احدی که بعد از وفاتت به جایگاه تو بنشیند، زیرا غیبت کبری واقع گردیده و من ظهور نخواهم کرد مگر به فرمان خدای تعالی، و آن پس از مدت درازی خواهد بود که دلها را سختی و قساوت فرا گیرد و زمین از ظلم و ستم پرگردد، به زودی از شیعیان من کسانی می آیند که ادعای مشاهده کنند، بدان هر کس که پیش از خروج سفیانی و برآمدن ندای آسمانی، ادعای مشاهده کند دروغگو و مفتر است و نیرو و قدرت تنها برای خداوند است». (2)

لازم به ذکر است که منظور از مشاهده به معنای وکالت و سفارت آن حضرت است و ما معنای «مشاهده» را از دیدگاه علامه مجلسی رحمه الله در کتاب «امام زمان علیه السلام و علامه مجلسی رحمه الله» که

ص: 175

1- کمال الدین، ج 2، ص 503.

2- کمال الدین، ج 2، ص 516.

همان وکالت و سفارت است نه ملاقات، آورده ایم؛ طالبین به این کتاب مراجعه کنند.

## 11 شعبان المعظم

### ولادت با سعادت حضرت علی اکبر علیه السلام

حضرت علی اکبر علیه السلام مادر گرامیش جناب لیلا بنت ابومرّة بن عروّة بن مسعود ثقفی در روز یازدهم ماه شعبان (1) از سنه 43 هجری قمری به دنیا آمد. (2)

حضرت علی اکبر علیه السلام چنان شیبهترین مردم به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از جهت شمایل، اخلاق و گفتار بوده که هرگاه اصحاب مشتاق دیدن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می گردیدند به چهره نورانی علی اکبر علیه السلام نگاه می کردند. (3)

ابوالفرج اصفهانی در جلالت جناب علی اکبر علیه السلام نوشته: «روزی معاویه به اطرافیانش گفت: چه کسی سزاوار این خلافت است؟ جواب دادند: تو سزاواری ای معاویه! گفت: نه، سزاوارترین مردم به امر خلافت، علی اکبر فرزند امام حسین علیه السلام است». (4)

طبری رحمه الله در کتاب «دلایل الإمامة» می نویسد: کثیر بن شاذان گوید: «در محضر با سعادت امام حسین علیه السلام بودم، فرزندش علی اکبر علیه السلام نیز حضور داشت، آن آقا زاده از پدر بزرگوارش انگور خواست، فصل انگور نبود، ناگاه امام حسین علیه السلام دست مبارک خود را بر ستون مسجد زد و از آن خوشه ای انگور و موز بیرون آورد و به فرزندش داد تا میل کند، آنگاه رو به من کرد و فرمود: «ما عند الله لأولیائه أكثر» یعنی: «آنچه (از مقامات) در پیشگاه خداوند برای دوستان و اولیای اوست بیش از این است». (5)

سرانجام علی اکبر علیه السلام در صحرای کربلا با نشان دادن رشادت ها و دلآوری های بینظیر که دشمن را به شگفتی آورده بود با لب های تشنه به شهادت رسید. «سلام الله علیه یوم ولد و یوم مات شهیداً».

نماز شب یازده شعبان (میلاد حضرت علی اکبر علیه السلام): پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «هر کس در شب یازدهم ماه شعبان، هشت رکعت نماز بخواند، در هر رکعت حمد یک بار و سوره کافرون ده بار، سوگند به خدایی که به حق مرا به پیامبری برانگیخت، جز مؤمنانی که ایمانشان کامل است این نماز را نمی خوانند و نیز خداوند در برابر هر رکعت یک باغ از باغهای بهشت را به ایشان عطا می کند». (6)

ص: 176

1- آنیس الشیعه، محمد عبدالحسین هندی؛ علی اکبر علیه السلام، علامه مقرر.

2- تحقیق پیرامون تاریخ تولد علی اکبر علیه السلام به کتاب «الإمام علی اکبر علیه السلام» از همین مؤلف مراجعه کنید.

3- اللهوف، ص 113.

4- مقاتل الطالبیین، ص 52.

5- دلایل الإمامة، ص 183؛ القطرة، ج 2، ص 488.

6- اقبال الأعمال، ج 3، ص 309.



- رجاء می توان این نماز را در روز یازدهم شعبان نیز خواند.

- این نماز را به حضرت علی اکبر علیه السلام هدیه کنید.

## 15 شعبان المعظم

### ولادت با سعادت یکتا منجی عالم بشریت حضرت بقیه الله ارواحنا فداه

حضرت بقیه الله روحی فداه در پانزدهم شعبان به سال 255 قمری در شهر سامرا دیده به جهان گشود. (1)

حکیمه عمه امام حسن عسکری علیه السلام در حدیث مفصلی که مشتمل بر ولادت حضرت حجت ارواحنا فداه است، می گوید: پس از آنکه امام حسن عسکری علیه السلام مژده تولد فرزندش امام زمان علیه السلام را به من داد، فرمود: «امشب را نزد ما بمان» و من نیز امثال امر نموده و در خدمت نرجس خاتون بودم؛ من آن شب پیوسته تا طلوع فجر مراقب آن بانوی بزرگوار بودم، او کنار من آرام خوابیده بود و از پهلویی به پهلویی نمی گشت، نزدیکی های طلوع فجر بود که ناگهان با ترس و لرز از خواب پرید، من به سوی او رفته و او را به سینه چسبانیدم و بر او نام خدا را خواندم، امام حسن عسکری علیه السلام با صدای بلند فرمود: عمه! سوره «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» را بر او بخوان. شروع به خواندن سوره کردم و پرسیدم حالت چطور است؟ گفت: آنچه مولایم به تو خبر داده است، ظاهر گشت.

من همچنانکه آقا فرموده بود سوره را بر او می خواندم، متوجه شدم که آن جنین نیز از شکم مادرش به همراه من می خواند و بر من سلام کرد، وقتی صدای او را شنیدم ترسیدم و شگفت زده شدم، امام حسن عسکری علیه السلام صدا زد: «لا تعجبی من أمر الله عزّوجلّ، انّ الله تبارک و تعالی ینطقنا بالحکمة صغاراً، و یجعلنا حجّة فی أرضه کباراً» یعنی: «عمه! از کار خدا در شگفت مباش! به راستی که خداوند متعال ما را از دوران کودکی با حکمت گویا ساخته و در دوران بزرگی حجّت خود در روی زمین قرار می دهد».

هنوز کلام امام علیه السلام به پایان نرسیده بود که نرجس علیها السلام از دیده ام ناپدید شد و دیگر او را ندیدم، گویی میان من و او پرده ای زده شد، به همین جهت فریاد زنان به سوی امام حسن عسکری علیه السلام دویدم؛ امام علیه السلام فرمود: «عمه! برگرد که به زودی او را در جای خودش خواهی دید».

من به همان اتاق آمدم، دیری نگذشت که پرده کنار رفت و حضرت نرجس علیها السلام را دیدم، نوری از وی می درخشید که چشمانم را خیره کرد، در این هنگام کودکی دیدم که سر به سجده گذاشته، وقتی سر از سجده برداشت، روی دوزانو نشست و انگشتان سبّابه خود را به سوی آسمان گرفت و گفت:

ص: 177

1- الکافی، ج 1، ص 514؛ اثبات الوصیة، ص 258؛ کمال الدین، ج 2، ص 430؛ الإرشاد، ج 2، ص 439؛ روضة الواعظین، ج 2، ص 266؛ إعلام الوری، ج 2، ص 214؛ وفيات الأعیان، ج 4، ص 176؛ الفصول المهمة، ج 2، ص 1102.

«أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له وأن جدّي محمّداً رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم وأنّ أبي أمير المؤمنين عليه السلام...»

؛

یعنی: «گواهی می‌دهم که معبودی جز خدا نیست، یکتاست و شریکی ندارد و به راستی جدّم حضرت محمّد صلی الله علیه و آله و سلم پیامبر خداست و پدرم امیر مؤمنان علیه السلام است...»

تا آنجا که همه امامان و پیشوایان معصوم علیه السلام را نام برد، وقتی به اسم مبارک خود رسید، فرمود:

«اللهم أنجز لی وعدی، و اتمم لی امری، و ثبت و طأتی، و املاً الأرض بی عدلاً و قسطاً»؛

یعنی: «خداوند! به آنچه مرا وعده فرموده ای وفا کن و امر مرا به پایان رسان، قدم های مرا ثابت و استوار دار و به وسیله من زمین را از عدل و قسط پر کن».

در این هنگام امام حسن عسکری علیه السلام با صدای بلند فرمود: «عمه جان! او را بگیر و پیش من بیاور»؛ من آن کودک زیبا را در بغل گرفته و خدمت امام علیه السلام آوردم، وقتی در برابر پدر بزرگوارش قرار گرفتم آن کودک در دستان من بود، به پدر بزرگوار خود سلام کرد، امام علیه السلام نیز او را گرفت، و این در حالی بود که مرغانی چند بالای سر آن حضرت در پرواز بودند، امام علیه السلام زبان مبارک در دهان فرزندش گذاشت و او می نوشید، آنگاه رو به من کرد و فرمود: «عمه! او را نزد مادرش ببر تا شیرش دهد بعد نزد من بیاور».

من طبق امر مولایم آن کودک زیبا را نزد مادرش بردم، او نیز شیرش داد، باز به نزد امام حسن عسکری علیه السلام باز گرداندم، هنوز پرندگان بالای سر حضرتش در پرواز بودند، حضرت یکی از پرندگان را صدا زد و فرمود: «إحملة و احفظه و ردّه إلینا فی کلّ أربعین يوماً» یعنی: «این کودک را ببر و نگهداری کن و هر چهل روز نزد ما بیاور».

در این هنگام من شنیدم که امام حسن عسکری علیه السلام پشت سر فرزندش فرمود: «تورا به خدایی می سپارم که مادر حضرت موسی علیه السلام فرزندش را به او سپرد»؛ وقتی حضرت نرجس علیها السلام این صحنه را دید گریست، امام علیه السلام به او فرمود: «اسکتی! فإنّ الرضاع علیه محرّم إلا من ثدیک و سיעاد إلیک كما ردّ موسی إلی أمّه» یعنی: «آرام باش! او جز از تو شیر نمی خورد که شیر از دیگران برای او حرام است و به زودی به سوی تو بازگردانده می شود؛ همانگونه که موسی به مادرش برگردانده شد».

و آن فرمایش خداوند متعال است که می فرماید: «فرددناه إلی أمّه کی تقرّ عینها و لا تحزن»<sup>(1)</sup> یعنی: «ما او را به مادرش باز گردانیدیم تا چشمش روشن شود و غمگین نباشد».

ص: 178

حکیمه می گوید: من از امام علیه السلام پرسیدم آن چه پرنده ای بود؟ فرمود: «هذا روح القدس الموكّل بالائمة عليهم السلام يوقّهم ويسدّدهم ويربّيهم بالعلم» یعنی: «او روح القدس بود که مراقب امامان علیه السلام است، آنها را موفق و استوار می دارد و با علم و دانش پرورش می دهد».

چهل روز سپری شد، آن کودک را نزد برادر زاده ام بازگرداندند، امام علیه السلام کسی را نزد من فرستاد و مرا خواست، وقتی به خدمتش شرفیاب شدم، کودکی را دیدم که در برابر آن حضرت راه می رود (در شگفت شده) و پرسیدم: آقای من! این کودک که دو ساله است؟! امام علیه السلام لبخندی زد و فرمود:

«إنّ اولاد الأنبياء والأوصياء إذا كانوا أئمّة ينشؤون بخلاف ما ينشؤ غيرهم، وإنّ الصبيّ متى إذا أتى عليه شهر كان كمن يأتي عليه سنة، وإنّ الصبيّ متى ليتكلم في بطن أمّه و يقرأ القرآن و يعبد ربّه عزّوجلّ و عند الرضاع تطيعه الملائكة و تنزل عليه صباحاً و مساءً...» (1)

یعنی: «همانا فرزندان پیامبران و جانشینان آنان که دارای مقام امامت و پیشوایی هستند، رشد و نمو آنان با دیگر کودکان فرق دارد، کودکان یک ماهه ما همانند کودکان یکساله دیگران هستند، کودکان ما در شکم مادرشان حرف می زنند، قرآن می خوانند و خدا را پرستش می نمایند، و در دوران شیرخوارگی فرشتگان تحت فرمان آنان هستند و هر صبح و شام برای اجرای فرمان آنها نزد آنان فرود می آیند...».

در کتاب «الثاقب فی المناقب» می نویسد: وقتی امام زمان علیه السلام متولد شد، روی دو زانو نشست و انگشت سبّابه اش را به سوی آسمان بالا برد، سپس عطسه ای کرد و فرمود: «الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آله عبداً ذاكراً لله غير مستتكف و لامستكبر» یعنی: «حمد و سپاس بر پروردگار جهانیان، درود خدا بر محمد و آل آن حضرت که بنده ذاکر خداوند بود، نه استتکاف می کرد و نه استکبار می ورزید».

آنگاه فرمود: «زعمت الظلمة أنّ حجّة الله داحضة ولو أذن لنا في الكلام لزال الشكّ» (2) یعنی: «ستمگران چنین می پندارند که حجت خدا باطل و از میان رفته، اگر به ما اجازه سخن داده شود هرگونه شک و تردیدی از بین خواهد رفت».

## احیاء شب نیمه شعبان

از امام محمد باقر علیه السلام پیرامون فضیلت شب نیمه شعبان سؤال شد، فرمودند: «این شب پس از شب قدر، برترین شبهاست ... در این شب، برای تقرب به خداوند سعی و کوشش نمایید! زیرا این شب، شبی است که خداوند به ذات مقدس خود قسم یاد کرده است که نیامندی را دست خالی

ص: 179

1- کمال الدین، ج 2، ص 430.

2- الثاقب فی المناقب، ص 584؛ القطرة، ج 2، ص 783.

برنگرداند مادامی که معصیت و گناهی را نخواهد... و شبی است که حق تعالی آن را برای ما (اهل بیت) قرار داد در عوض شب قدر که آن را مخصوص پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قرار داده است» (1)؛ پس نیکوست این شب را نیز همانند شب های قدر احیاء نموده و مؤمنین به نماز، دعا، استغفار و دعا برای فرج امام زمان علیه السلام پردازند؛ چنانکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «هر که این شب را به راز و نیاز پردازد، دل او نمی میرد در روزی که دلها بمیرد». (2)(3)

نیکوست طبق سنت سنیه شب های قدر ماه مبارک رمضان که مؤمنین قرآن به سر می گیرند، در این شب نیز طبق دستورالعملی که از امام صادق علیه السلام برای «رهایی از ظلم و ستم سلاطین» وارد شده و اختصاص به زمان خاصی ندارد و در هر زمانی می توان آن را به جا آورد، قرآن به سر گرفته و متوسل به ذیل عنایات چهارده معصوم علیهم السلام شوند (4) همانند شب های قدر ماه مبارک رمضان؛ و بسیار بجاست پس از آن، دعا برای ظهور و فرج یکتا منجی عالم بشریت، حضرت بقیه الله ارواحنا فداه کنند.

### رحلت آخرین وکیل و سفیر خاص امام زمان علیه السلام جناب علی بن محمد سمري رحمه الله

جناب ابوالحسن علی بن محمد سمري، چهارمین و آخرین وکیل و سفیر خاص امام زمان روحی له الفداء بوده که بعد از رحلت جناب حسین بن روح به مقام سفارت رسید و مدت سه سال عهده دار این منصب بود و همانطور که امام زمان علیه السلام در آخرین توقیع به وی خبر داده بودند پس از شش روز، در نیمه شعبان 328 هجری قمری فوت کرد (5) و با رحلت وی باب سفارت بسته شد. مرقد ایشان در بغداد، پشت مرقد مرحوم کلینی، در بازارچه ای واقع شده که مورد توجه شیعیان است.

ابو محمد احمد بن حسین کاتب می گوید: ما از توقیعی که برای علی بن محمد سمري صادر شده بود نسخه برداشتیم و چون روز ششم شد همانطور که در توقیع ذکر شده بود فوت او فرا رسید، در هنگام احتضار از او پرسیدند که وصی و جانشین شما کیست؟ کسی را تعیین نکرد و فرمود: «لله أمر هو بالغه» یعنی: «خدا را امری است که خود آن را می رساند»؛ این سخن را گفت و درگذشت. (6)

ص: 180

1- مصباح المتهجد، ص 831.

2- ثواب الأعمال، ص 77.

3- برای آگاهی از اعمال احیاء شب نیمه شعبان به کتاب های دعا از جمله مفاتیح الجنان مراجعه کنید.

4- به کتاب باقیات الصالحات مفاتیح الجنان، «نماز قضای دین و کفایت ظلم سلاطین» مراجعه کنید.

5- کمال الدین، ج 2، ص 503.

6- کمال الدین، ج 2، ص 516.

## وفات زاهد عالم، مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی مشهور به نخودکی

مرحوم حاج شیخ حسنعلی نخودکی اصفهانی در نیمه ماه ذی القعدة الحرام به سال 1279 هجری قمری در اصفهان دیده به جهان گشود. ایشان علوم مقدماتی را از پدر و معلمان دیگر حوزه اصفهان فراگرفت و نزد حاج میرزا محمدصادق تخت پولادی و آخوند کاشی و میرزا جهانگیرخان قشقایی کسب علوم ادبی، ریاضی، فلسفه و فقه نمود.

در سال 1303 هجری قمری عازم مشهد مقدس شد و در کنار مرقد منور حضرت امام رئوف علی بن موسی الرضا علیه السلام به کسب علم و تهذیب نفس پرداخت و در حجره ای در صحن عتیق ساکن شد. وی در سال 1304 به مقصد نجف اشرف سفر می کند و در آن حوزه از اساتیدی مانند سید محمد فشارکی، حاج سید مرتضی کشمیری و ملا اسماعیل قره باغی استفاده کرده و سپس در سال 1311 به اصفهان می آید و از آنجا به شهر مقدس مشهد هجرت می کند و تا آخر عمر در آن شهر مقدس می ماند و از محضر بزرگانی مانند محمدعلی فاضل، آقا میر سید علی حائری یزدی، حاج آقا حسین قمی و آقا سید عبدالرحمن مدرس بهره مند می گردد.

ایشان به جهت تزکیه نفس و توسلات شدید دارای نفس پاکی می گردد تا اینکه پس از زیارت بیتالله الحرام در سال 1329 قمری به مشهد مقدس مراجعت نمود و روز 17 شعبان به سال 1361 هجری قمری در سن 82 سالگی رحلت می کند.

روزی محضر استاد بزرگوارم آیه الله حاج شیخ حسنعلی مروارید بودم که ذکر مرحوم نخودکی اصفهانی به میان آمد، ایشان فرمودند: «من نزد ایشان تلمذ کرده ام» و سپس در ادامه سخنانشان از اینکه در احوالات ایشان نوشته هایی منتشر شده و ایشان را به عرفان اصطلاحی و صوفیه نسبت داده اند، ابراز ناراحتی کردند و فرمودند:

«اتصال ایشان به عرفا و صوفیه واقعیت ندارد، آن مرحوم یکی از علمای بزرگ جهان اسلام هستند که تمام اعمال و رفتارشان مطابق شرع مقدس بوده و بیشتر اوقات خود را به خواندن نماز و دعا و ذکر و زیارت امام رضا علیه السلام می گذراندند و مقداری از وقت خود را نیز برای تدریس فقه گذاشته بودند که من در آن کلاس شرکت می کردم، بعضی از اوقات دیگر خود را برای برآورده کردن حاجات مؤمنان و رسیدگی به مشکلات مراجعه کنندگان گذاشته بودند؛ آن مرحوم از سلک عارفان اصطلاحی و صوفیه

به دور بودند و بسیار سفارش به دوری و احتراز از اینگونه مسلکها می نمودند و توصیه به زیارت مراقد ائمه هدی علیهم السلام، نماز اول وقت، تهجد، نوافل یومیه، روزه ایام البیض، اعتکاف، خدمت به خلق خدا و احترام بسیار به سادات می کردند».

## 18 شعبان المعظم

### رحلت سومین وکیل و سفیر خاص امام زمان علیه السلام، جناب حسین بن روح رحمه الله

جناب حسین بن روح رحمه الله سومین وکیل و سفیر امام زمان روحی فداه که حدود بیست سال متصدی مقام مقدس سفارت بود در روز هجدهم شعبان سال 326 هجری قمری درگذشت(1)، قبر شریفش در بغداد قدیم می باشد.

جناب محمد بن عثمان رحمه الله دومین وکیل و سفیر امام زمان علیه السلام در اواخر عمر با برکتش که بسیار پیر و ناتوان شده بود، در دو سال آخر زندگی خویش قبض گرفتن از شیعیان را به جناب حسین بن روح واگذار کرده بود و در واپسین لحظات زندگی به شیعیان حاضر در مجلس فرمود: «به من امر شده که به ابوالقاسم حسین بن روح وصیت نمایم» و اینگونه وی به عنوان سومین وکیل و سفیر خاص حضرت بقیة الله ارواحنا فداه معرفی شد.(2)

در زمان انتصاب جناب حسین بن روح رحمه الله در شهر بغداد، خاندان فرات حکومت می کردند که از پیروان تشیع محسوب می شدند و تا زمانی که ابن فرات حکومت می کرد، حسین بن روح با احترام کامل و عزت زندگی می کرد و خانه اش محل رفت و آمد شیعیان بود تا اینکه در سال 311 هجری قمری حامد بن عباس موفق شد آل فرات را شکست دهد و بغداد را فتح کند.

حامد بن عباس پس از رسیدن به قدرت، اموال حسین بن روح رحمه الله را مصادره کرد و وی را به زندان انداخت و پس از مدتی جناب حسین بن روح از زندان آزاد می شود ولی در شدت و سختی بود تا اینکه خاندان نوبختی در دستگاه حکومتی به مقامات مهمی می رسند، پس از آن دیگر کسی بر جناب حسین بن روح مزاحمتی ایجاد نکرد(3) تا اینکه در روز هجدهم شعبان به سال 326 هجری قمری از دنیا رحلت می کند.

ص: 182

1- اخبار الراضی بالله و المتقی لله، محمد بن یحیی صولی، ص 104؛ تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ج 1، ص 206.

2- الغیبة للطوسی، ص 370.

3- خاندان نوبختی، اقبال آشتیانی، ص 217.

### رحلت آیت الله حاج شیخ حسنعلی مروارید رحمه الله

حاج شیخ حسنعلی مروارید فرزند حاج شیخ محمد رضا مروارید از علمای بنام مشهد مقدس و از شاگردان بارز حسنعلی نخودکی و میرزا مهدی اصفهانی بوده است. مشرب ایشان، مشرب تفکیک بوده و حقیر در درس «التنبیهات فی المبدأ و المعاد» از محضرشان استفاده نمودم.

ایشان در تاریخ نوزدهم شعبان 1425 قمری در 96 سالگی وفات یافت و در حرم مطهر رضوی به خاک سپرده شد.

## 20 شعبان المعظم

### وفات آیه الله الاکبر، جناب آقای سلطان الواعظین شیرازی رحمه الله

سید محمد شیرازی مشهور به سلطان الواعظین شیرازی فرزند اشرف الواعظین از سادات معروف و مشهور ایران است که نسب شریفش با 25 واسطه به امام کاظم علیه السلام می رسد. آن مرحوم در خدمت پدر ارجمندش مشغول فراگیری معارف دینی شد و سپس در مدرسه پامنار تهران از محضر اساتید و علمای تهران استفاده نمود و در 12 سالگی به همراه پدر به عراق رفت و در کربلا و نجف سطوح متوسطه و عالییه را فرا گرفت و به حوزه علمیه قم آمد و از محضر سید محمد تقی خوانساری استفاده کرد و سپس به تهران بازگشت.

آن مرحوم بیانی بسیار شیوا داشته و از عشق سرشاری نسبت به اهل بیت عصمت علیهم السلام برخوردار بود و سرانجام روز جمعه 20 شعبان المعظم 1391 قمری در تهران درگذشت و به قم منتقل شد و با تشییع با شکوهی در قبرستان ابوحنسین، کنار مرقد مطهر حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

مرحوم سلطان الواعظین تألیفات گرانسنگی دارد که «شب های پیشاور» در دفاع از حریم تشیع است و کتاب بینظیری می باشد.

## 22 شعبان المعظم

### ولادت رقیه خاتون علیها السلام

روزی در مشهد مقدس خدمت مورخ و محقق گرامی جناب حاج شیخ علی فلسفی در مدرسه امام رضا علیه السلام رسیدم، ضمن گفتگوهایی پیرامون حضرت رقیه علیها السلام فرمودند: «میلااد با سعادت این بانو در 22 شعبان المعظم به سال 58 هجری قمری بوده» که معظم له این تاریخ را در کتاب شرح حال

حضرت رقیه علیها السلام نیز نگاشته اند. (1)

مادر جناب رقیه خاتون علیها السلام «ام اسحاق» دختر طلحة بن عبیدالله می باشد که قبل از امام حسین علیه السلام همسر امام حسن مجتبی علیه السلام بود و از آن حضرت دو فرزند به نام های حسین بن الحسن علیه السلام و طلحة بن الحسن علیه السلام داشت (2) و چون زن با کمال و نیکوسرشت و خوشخویی بود، امام مجتبی علیه السلام وصیت کرد که برادرش امام حسین علیه السلام او را تزویج کند، لذا در آخرین لحظات زندگی که به شهادت رسید، فرمود: «از این زن (ام اسحاق) راضی هستم. نگذارید از خانه شما خارج شود» (3) بدین ترتیب امام حسین علیه السلام با وی ازدواج کرد و ثمره این تزویج «رقیه خاتون» گردید که در بعضی از منابع از وی به «فاطمه» یاد شده است.

در شب 22 از ماه شریف شعبان \*\*\* نور بخشید چو بایش به تمام کونین

\*\*\*

به به چه جشن و شور و سروری پیا شده \*\*\* شهر مدینه نه همه جا کربلا شده

امشب حسین مادر خود را دوباره دیده \*\*\* الحق به او چه گنج عظیمی عطا شده

عباس داشت آرزوی دیدن فاطمه \*\*\* نشکر خدا که حاجت او هم روا شده

نماز شب 22 شعبان (میلاد حضرت رقیه خاتون علیها السلام): پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «هر کس در شب بیست و دوم شعبان دو رکعت نماز و در هر رکعت سوره حمد یک بار و سوره کافرون یک بار و سوره توحید را پانزده بار بخواند، خداوند متعال نام او را جزء نام صدیقان می نویسد و در روز قیامت در زمره رسولان و در زیر پوشش الهی، محشور می گردد». (4)

- رجاء می توان این نماز را در روز بیست و دوم شعبان نیز خواند.

- این نماز را به حضرت رقیه علیها السلام هدیه کنید.

### سفره حضرت رقیه علیها السلام

یکی از راه های توسل به حضرت رقیه علیها السلام در حل مشکلات و رسیدن به حاجات، سفره انداختن و اطعام مؤمنین به نام آن بی بی علیها السلام است. سفره انداختن و اطعام مؤمنین از محبوبترین کارها در پیشگاه خداوند تبارک و تعالی است و برکات زیادی در دنیا و آخرت دارد، چنانکه از امام صادق علیه السلام نقل شده است که راوی می گوید: به محضر آن امام همام شرفیاب شدم و از آشفتگی کارهایم شکایت

ص: 184

1- شرح حال حضرت رقیه علیها السلام، ص 6.

2- الإرشاد، ج 2، ص 20 و ص 135.



- 3- الأغانى، ج 21، ص 78.
- 4- اقبال الأعمال، ج 3، ص 359.

کردم، امام صادق علیه السلام فرمودند: «... برادران (مؤمن) خود را دعوت کن و غذایی برایشان آماده ساز و از ایشان بخواه که برایت نزد خداوند دعا کنند». آن شخص می گوید: «به خدا سوگند! چیزی نگذشت که یکی از بدهکارانم آمد و دربِ خانه ام را زد و مال زیادی را که از او طلب داشتم و گمان می کنم حدود ده هزار درهم بود، آورد و با من مصالحه کرد و از آن پس، روزگار به من روی آورد» (1).

از گذشته های بسیار دور میان شیعیان رسم بوده که سفره هایی جهت اطعام مؤمنین و مؤمنات به نام یکی از ائمه هدی علیهم السلام و اولیاء خدا می انداختند و با ذکر مدح و روضه اهل بیت علیهم السلام از آنها پذیرایی می نمودند. این کار ریشه در سیره اهل بیت علیهم السلام دارد، لذا از قدیم الایام یکی از مجرب ترین توسلات، سفره انداختن به نام حضرت رقیه علیها السلام بوده که در بسیاری از بلاد شیعه نشین در طول سال رایج می باشد و حکایات عجیب و بسیاری از حاجت روائی به برکت این سفره ها نقل شده است.

آنان این سفره ها را با نمادهایی که یادآور مظلومیت حضرت رقیه علیها السلام و مصیبت هایشان است مزین می کنند، مثل: زنجیر، خار، شمع، پیراهن نیم سوخته دخترانه، چادر نماز، کفش کودکانه و ... که هر کدام از این نمادها روضه های جانسوزی را در دل خود دارند. این سفره ها علاوه بر آنکه اطعام به مؤمنین و مؤمنات است، سبب ایجاد حالت توجه و یادآوری آن بی بی مظلومه و ایجاد روحانیت خاصی در مجلس می گردد و بسیار نیکوست مؤمنین و مؤمنات این سنت نیکو (اطعام و هدیه ثواب آن به حضرت رقیه علیها السلام) را اقامه کنند و در آن دعا برای فرج امام زمان علیه السلام کنند و سپس حاجات خود را طلب نمایند.

## 23 شعبان المعظم

### وفات جناب ناصر کبیر

در این روز به سال 304 هجری قمری جناب سید ابو محمد اطروش، حسن بن علی بن الحسن بن عمر الأشرف بن امام زین العابدین علیه السلام که در تشیع مردم طبرستان تأثیر بسزایی داشت، در آمل وفات کرد (2) و هم اکنون مرقد شریفش مورد توجه شیعیان می باشد.

این سید جلیل معروف به ناصر کبیر است و زیدیه را به آن جناب اعتقاد تمامی است.

ص: 185

1- الکافی، ج 5، ص 314.

2- وقایع الایام، ص 517؛ مستدرک سفینة البحار، ج 5، ص 231.

### وفات میرزا محمد حسن شیرازی رحمه الله

در چنین روزی به سال 1312 هجری قمری میرزا محمد حسن شیرازی، صاحب فتوای تنباکو وفات یافت. آیه‌الله میرزا محمد حسن شیرازی در نیمه ماه جمادی الاول سال 1230 قمری در شیراز به دنیا آمد، وی دارای نبوغی بوده که در پانزده سالگی شرح لمعه را تدریس کرد و سپس عازم اصفهان گردید و در 29 سالگی وارد کربلا شد و پس از آن به نجف اشرف رفت و در درس شیخ اعظم انصاری شرکت کرد و از خواص شاگردان او شد. پس از فوت شیخ مرتضی انصاری در سال 1281 قمری زعامت شیعه به وی محول گردید و نزدیک 30 سال در این مقام به رفع مشکلات مردم و اداره حوزه های علمیه و تدریس و تربیت شاگردانی مبرز مشغول بود.

میرزای شیرازی به جهت اینکه سامرا را از دست ابناء عامه رهایی دهد - زیرا مانع از زیارت و مشغول ایذاء و اذیت زائرین عسکرین علیهما السلام می شدند - به شهر سامرا هجرت نمود و کرسی درس خود را در سامرا مستقر کرد، بدین وسیله بسیاری از علما و مجتهدین از نجف اشرف به سامرا هجرت کردند و سالیانی مرحوم میرزای شیرازی در سامرا سکنی گزید که با اعتراض وهابیان رو به رو شد که می گفتند او می خواهد شهر سامرا را به شهری شیعه نشین تبدیل کند، اما با این وجود میرزای شیرازی از تصمیم خود منصرف نگردید و تا آخر عمر در شهر سامرا ماند.

ایشان سرانجام در 82 سالگی وفات یافت، بعضی علت وفات او را بیماری سل ذکر کرده اند و برخی دیگر مسمومیت او را توسط مزدوران وهابیت دانسته اند، پیکر مبارکش را از سامرا به کاظمین و سپس به کربلا بردند و در نجف اشرف پس از زیارت دادن امیرالمؤمنین علیه السلام در یکی از حجرات صحن مبارک حرم امیرالمؤمنین علیه السلام به خاک سپردند.

### هلاکت ابومسلم خراسانی

ابومسلم خراسانی در روز 25 شعبان به سال 137 هجری به دست منصور عباسی کشته شد. (1)

ابومسلم در اصل اهل خراسان نیست، بلکه وی از سرداران بنی العباس و نامش عبدالرحمن بن مسلم بوده که بر خطه خراسان فرمانروایی می کرد، لذا معروف به ابومسلم خراسانی شد. (2)

ص: 186

1- تاریخ الطبری، ج 7، ص 491؛ الکامل فی التاریخ، ج 5، ص 476.

2- رجوع شود به: أنساب الأشراف، ج 4، ص 118-120.

او طرفدار بنی العباس بود و به عنوان سردار لشکر بنی العباس، بنی امیه را شکست داد و «عبدالله سفاح عباسی» را به خلافت رساند. بدین ترتیب سال 132 هجری حکومت بنی امیه منقرض و حکومت بنی عباس آغاز شد، تا اینکه میان او و منصور دوانیقی، دومین خلیفه عباسی کدورتی پدید آمد، زیرا ابومسلم پنهانی داعی خلافت شده بود. سرانجام ابومسلم به دعوت منصور به بغداد آمد و از او استقبال گرمی کرد، پس از سه روز منصور چهار نفر از مأموران خود را در قصر پنهان کرد و گفت: هر وقت دو دستم را به هم زد، خارج شوید و ابومسلم را بکشید و سپس ابومسلم را دعوت کرد و به او پرخاش کرد و برخی از کارهای او را گوش زد می کرد و ابومسلم توضیح می داد، آخرالامر ابومسلم کرنش کرد و دست منصور را بوسید و عذرخواهی کرد، منصور گفت: این کار فقط خشم مرا افزون کرد و دست بر هم زد، نگهبانان بر او حمله کردند و او را کشتند. (1)

گویند: ابومسلم در سرزمین عرفات دعا می کرد و می گفت: «خدایا از گناهی توبه می کنم که گمان ندارم مرا بیامیزی»، به او گفتند: «آیا بر خدا سخت است آمرزش آن؟! گفت: «من لباس ستمی را بافته ام که تا دولت بنی العباس برجاست ادامه دارد، چه بسیار فریاد مظلومی که چون زیر بار ستم قرار گیرد مرالعت خواهد کرد، چگونه مردی که این همه دشمن دارد آمرزیده می شود؟! (2)

صاحب «حدیقة الشیعة» می گوید: ابومسلم از هنگام قیام تا زمانی که کشته شد ششصد هزار نفر را کشته بود، به جز آنهایی که در صحنه های جنگ کشته بود در زمان سرداری او بسیاری از شیعیان به قتل رسیدند، به دستور او نبیره جناب جعفر طیار علیه السلام را کشتند، ابوسلمه خلال را به خاطر نامه ای که به امام صادق علیه السلام نوشته بود، دستور داد کشتند. سلیمان بن کثیر را به واسطه آنکه به اولاد امیرالمؤمنین علیه السلام تمایل داشت به دست خود به قتل رسانید، نبیره امام زین العابدین علیه السلام را نیز کشت و اخبار در مذمت او بسیار است (3): سپس روایتی را از احمد بن محمد بن عیسی نقل می کند که او می گوید: نزد امام رضا علیه السلام با عده ای از اصحاب آن حضرت نشسته بودم که محمد بن ابی عمیر وارد شد، سلام کرد و نشست، سپس گفت: ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم! خداوند مرا فدای شما گرداند، نظر شما در مورد ابومسلم مروزی که در زمان مروان قیام کرد، چیست؟

حضرت فرمود: نام او در دفتری است که نام دشمنان ما از بنی امیه و دیگران در آن است.

راوی پرسید: گروهی از مخالفین می گویند: او از شیعیان شماست!!

ص: 187

1- تاریخ الطبری، ج 7، ص 489 - 491.

2- ربیع الأبرار، ج 3، ص 315.

3- حدیقة الشیعة، ج 2، ص 738.

حضرت فرمود: دروغ می گویند و گناه می کنند، خداوند ایشان را لعنت کند، ابومسلم نسبت به ما و شیعیان ما به شدت عناد و دشمنی داشت، هر که او را دوست دارد ما را دشمن داشته و هر که از او قبول کند، ما را رد کرده است، هر کس او را مدح کند ما را بدگویی کرده است. ای پسر ابی عمیر! هر که می خواهد از شیعیان ما باشد، باید از او بیزاری جوید و هر کس از او بیزاری نجوید از ما نیست و ما از او در دنیا و آخرت بیزاریم. (1)

خوارزمی مظلومیت شیعیان و کشته شدن آنها توسط بنی امیه و بنی العباس را بیان می کند و در ادامه سخن به جنایات ابومسلم خراسانی اشاره کرده و با ذکر این نکته که باید او را «ابا مجرم» نامید، چنین نوشته است: «او کار را با کشتن عبدالله بن معاویه بن عبدالله بن جعفر بن ابیطالب آغاز کرد». (2)

جناب عبدالله بن معاویه بن عبدالله بن جعفر علیه السلام در خراسان به دست ابومسلم کشته می شود، البته این اولین کسی نبود از سادات که به دست ابو مسلم کشته می شود، بلکه جناب عبیدالله بن الحسین بن علی بن الحسین علیه السلام نیز به دست او به شهادت می رسد. (3)

## 27 شعبان المعظم

### شهادت سعید بن جبیر از اصحاب خاص امیرالمؤمنین علیه السلام

بنا بر گزارش «مروج الذهب» که حجاج پانزده روز بعد از نفرین جناب سعید بن جبیر به درک واصل شد، تاریخ شهادت سعید بن جبیر در چنین روزی به سال 95 قمری در چهل و نه سالگی می باشد. (4)

وی مردی فقیه، زاهد و عابد بود که توفیق کسب علم از محضر مبارک حضرت زین العابدین علیه السلام را یافته بود، او چون دارای اعتقاد خالص و محبت کامل به اهل بیت علیهم السلام بود، نزد ایشان احترام خاصی داشت. (5)

با مرگ عبدالملک مروان، پسرش ولید به حکومت رسید و طبق دستور او خالد قسری فرماندار مکه، سعید را دستگیر کرده و به نزد حجاج بن یوسف ثقفی فرستاد. (6) در حضور حجاج سفره چرمی بزرگی فرش کردند و ایشان را بر آن سفره به شهادت رساندند. آن جناب هنگام شهادت دعا کرد که حجاج پس از وی قادر به قتل هیچکس نشود، خداوند متعال دعای او را مستجاب کرد و حجاج 15 روز بعد از

ص: 188

1- حدیقة الشیعة، ج 2، ص 739 به نقل از کتاب الفصول التامة فی هداية العامة، سید مرتضی رازی.

2- رسائل خوارزمی، ص 481.

3- مقاتل الطالبیین، ص 117.

4- مروج الذهب، ج 3، ص 164؛ توضیح المقاصد، ص 16.

5- رجال الکشی، ص 119.

6- تاریخ الطبری، ج 6، ص 488؛ الکامل فی التاریخ، ج 4، ص 579.

شهادت سعید زنده بود و کسی را نکشت تا به مرض آکله با درد و حسرت به درک جحیم واصل شد(1) و به گزارش دیگر حجاج بن یوسف ثقفی 40 روز بعد از شهادت سعید بن جبیر به درک واصل شد.(2)

هم اکنون مزار او در شهر واسط عراق زیارتگاه محبان اهل بیت علیهم السلام است و دارای گنبد و صحنی بزرگ و باشکوه می باشد. حقیر آن مکان مقدس را زیارت نموده ام.

## 28 شعبان المعظم

### به درک واصل شدن علی محمد باب

علی محمد باب مؤسس فرقه ضالّه «بابیت» در این روز به سال 1266 هجری قمری با حکم فقهای زمان معدوم و کشته شد.

علی محمد باب که خود را سید معرفی می کرد از مدعیان بابیت امام دوازدهم شیعیان بود که بعدها مدعی مهدویت و نبوت نیز شد. وی کتابی به نام «بیان» تألیف نمود و به گمان خود احکام اسلام را با آوردن آن نسخ کرد، این کتاب مملو از مطالب باطل و غلط های انشائی است که حاکی از سواد پایین علی محمد باب دارد.

پس از بالاگرفتن فتنه بابیه و انحراف بسیاری از مسلمانان، امیرکبیر، صدر اعظم ناصر الدین شاه، مسامحه در کار علی محمد باب را روا ندید و تصمیم گرفت او را در ملاء عام به قتل برساند، لذا به درخواست او عده ای از علما به قتل باب فتوا دادند و سرانجام او را با یکی از پیروانش در 28 شعبان سال 1266 هجری قمری در تبریز تیرباران کردند.

از اموری که ترویج می نمود این بوده که احکام اسلام همگی ساقط شده و با ظهورش منسوخ گردیده، به همین جهت مروج فحشا و منکرات شده بود و بسیاری از مقدسات شرع مقدس اسلام را منکر و به باد استهزاء گرفته بود.

بایان مدعی هستند جنازه علی محمد باب را بعد از تیرباران در تبریز به شهر حیفای اسرائیل برده و در آنجا دفن نموده اند که هم اکنون مقبره ای در حیفای اسرائیل منسوب به علی محمد باب و مقبره ای در عکّای اسرائیل منسوب به شاگردش بهاء الله مؤسس فرقه ضالّه بهائیت وجود دارد و بایان و بهائیان آن را مقدس شمرده و به زیارتش می روند. وجود این مقبره ها در اسرائیل نشانگر این است که یهودیت در تأسیس و شکل گیری این دو فرقه ضالّه (بابیت و بهائیت) دست داشته اند.

ص: 189

1- مروج الذهب، ج 3، ص 164؛ حیاة الحیوان الکبری، ج 2، ص 428.

2- الأخبار الطوال، ص 329؛ البداية و النهایة، ج 9، ص 99.

### واجب شدن روزه ماه مبارک رمضان

در چنین روزی (1) و بنا بر قولی در دوم این ماه به سال دوم هجرت، (2) روزه ماه مبارک رمضان بر مسلمانان واجب شد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در آخرین جمعه ماه شعبان خطبه ای مفصل در فضائل ماه مبارک رمضان و روزه داران ایراد فرمودند که معروف گردید به «خطبه شعبانیه». (3)

ص: 190

---

1- وقایع الأيام، ص 495.

2- مسار الشیعة، ص 37.

3- فضائل امیر المؤمنین علیه السلام، ابن عقده کوفی، ص 133؛ الأمالی للصدوق، ص 93.

ماه مبارك رمضان

اشاره

ص: 191



شریفترین ماه سال، ماه مبارک رمضان می باشد که به حقتعالی نسبت دارد و اخبار بسیاری در بیان فضیلت عبادت در این ماه و کثرت تلاوت قرآن و تصدقات و افطار دادن به روزه داران وارد شده است.

## 1 ماه مبارک رمضان

### نزول صحف ابراهیم

به روایت امام جعفر صادق علیه السلام، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «صحف ابراهیم در شب اول ماه مبارک رمضان نازل گردیده است» (1).

### غزوه تبوک

در اول ماه مبارک رمضان به سال 9 هجری قمری غزوه تبوک صورت گرفت (2).

این غزوه تنها غزوه ای بوده است که امیرالمؤمنین علیه السلام در آن شرکت نداشتند، لذا منافقین فرصت را برای قتل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم غنیمت شمردند و در مسیر راهی که همراه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم خارج شده بودند قصد رم دادن شتر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را در عقبه داشتند که رسوا و مفتضح شدند (3) لذا این جنگ را «فاضحه» نیز می گویند (4) و خدای تعالی وجود مقدس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را حفظ نمود.

این منافقین که به ظاهر از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و بسیار معروف بودند، به «اصحاب عقبه» شناخته شدند و نام هایشان در کتب حدیثی آمده است (5) جناب حذیفه یمانی می گوید: پیامبر نام تک تک آنها را برایم ذکر کرد، من شگفت زده شدم، آنگاه به من فرمود: حذیفه گویا شک نمودی؟! در این بین بر اثر صاعقه ای که در آن شب زده شد آنها را دیدم و شناختم همانگونه که پیامبر فرموده بودند (6) و بدین جهت، حذیفه به «عارف المنافقین» معروف شد.

### وفات جناب نفیسه خاتون علیها السلام

در این روز در سال 208 هجری قمری جناب نفیسه خاتون دختر حسن بن زید بن حسن بن امیرالمؤمنین علیهم السلام در مصر وفات نمود (7).

ص: 192

- 
- 1- الکافی، ج 2، ص 629.
  - 2- وقایع الشهور، ص 158.
  - 3- التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسکری علیه السلام، ص 387؛ دلائل النبوة، ج 5، ص 256؛ البداية و النهایة، ج 5، ص 19.
  - 4- تاریخ الخمیس، ج 2، ص 122.
  - 5- کتاب سلیم بن قیس هلالی، ج 2، ص 730؛ الخصال، ج 2، ص 499؛ إرشاد القلوب، ج 2، ص 332.
  - 6- إرشاد القلوب، ج 2، ص 332.

7- گوهر عصمت یا زندگانی سیده نفیسه علیها السلام ، ص 31.

وی در زهد و عبادت سرآمد زنان عصر خود بود و شوهرش جناب اسحاق مؤتمن پسر حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بوده است.

جناب نفیسه خاتون در اول ماه رجب بیمار شد و نامه ای به شوهرش که در مدینه بود نوشت و او را از احوال خود با خبر کرد، در شب جمعه مصادف با اول ماه مبارک رمضان سال 208 قمری بیماریش شدت یافت و فردای آن شب در حالی که روزه و مشغول خواندن قرآن بود، هنگامی که به سوره انعام و آیه «لهم دارالسلام عند ربهم» رسید، جان سپرد<sup>(1)</sup> و به گزارش ابوعلم در کتاب «السيدة نفیسه» بیماریش تا دهه دوم ماه مبارک رمضان ادامه داشت، سپس رحلت نمود.<sup>(2)</sup>

شوهرش جناب اسحاق زمانی رسید که ایشان وفات کرده بود، خواست همسرش را به مدینه ببرد و در بقیع نزد اجداد طاهرینش دفن کند که اهل مصر به التماس و درخواست افتادند که مردم مصر را از تبرک به مرقدش محروم نسازد، ولی اسحاق اصرار داشت که جنازه را به سوی مدینه حرکت دهد که شب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را در خواب دید که فرمود: «با اهل مصر در این ماجرا مخالفت نکن که به خاطر نفیسه خداوند رحمت و برکاتش را بر آنان نازل می کند»، لذا جناب اسحاق بدن مبارک آن حضرت را در مکان فعلی دفن کرد و معروف است دعا در کنار قبر آن بی بی مستجاب است.<sup>(3)</sup>

### 3 ماه مبارک رمضان

#### رحلت جناب شیخ مفید رحمه الله

شیخ مفید رحمه الله به جهت محبت، عشق، شور و علاقه ای که به حضرت بقیة الله روحی و ارواح العالمین له الفداء داشت، تمام هستی و فکر و ذهن خود را نثار آن حضرت کرد و به مبارزه و جهاد فرهنگی با مخالفان برخاست تا علوم و معارف اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام را به جهانیان منتقل نماید و در این راستا به موفقیت های چشمگیری دست یافت، بدین جهت دشمن دست به کار می شود و حکام وقت و فرقه های مختلف، انواع اذیت و آزارها را به آن جناب وارد کردند تا جایی که بارها طعم تلخ اسارت و تبعید و فشار را به او چشانیدند و تا مرز نابودیش پیش رفتند ولی نتوانستند آن جناب را به زانو در آورند و جلوی فعالیت هایش را بگیرند، بلکه تمام نابسامانی ها را در راه امام و محبوبش حضرت بقیة الله علیه السلام به جان خرید و ایستادگی نمود تا اینکه از جانب آن حضرت توقیعات متعددی به افتخارش صادر شد که در بعضی از آنها اینگونه او را می ستایند:

ص: 193

1- گوهر عصمت یا زندگانی سیده نفیسه علیها السلام، ص 31.

2- السيدة نفیسه، توفیق ابوعلم، ص 213.

3- إسعاف الراغبین، محمد صبان، ص 82.

- برادر راستگو و دوست مخلص ما ؛

- کسی که در یاری ما کوتاهی نکرد و وفا را رعایت کرده است ؛

- خداوند تو را با دید قدرتش که هرگز به خواب نمی رود محافظت فرماید ... (1).

شیخ مفید رحمه الله در روز یازدهم ذی القعدة به سال 336 قمری دیده به جهان گشود و تمام عمر خود را در راستای تبلیغ و نشر معارف اهل بیت علیهم السلام گذراند تا این که در چنین روزی به سال 413 هجری قمری از جهان فانی رحلت نمود (2) و در حرم کاظمین علیهما السلام در کنار استادش ابن قولویه به خاک سپرده شد.

طالبین و دوستداران احوالات شیخ مفید می توانند به کتاب «امام زمان علیه السلام و شیخ مفید رحمه الله» که از تألیفات این حقیر می باشد، مراجعه نمایند.

## 4 ماه مبارک رمضان

### به درک واصل شدن زیاد بن أبیه

در چنین روزی به سال 53 هجری قمری، زیاد بن أبیه به درک واصل شد. (3) زیاد بن أبیه در زمان عمر بن خطاب به عنوان دبیر مغیره که امارت بصره را داشت، منصوب شد. (4) زیاد با توجه به اینکه پدرش معلوم نبوده به او زیاد بن أبیه یا زیاد بن سمیه می گفتند زیرا دو نفر ادعای همبستری با مادرش را کردند و خود را پدر زیاد می دانستند: ابوسفیان، عبید (برده رومی). (5)

هنگامی که امیرالمؤمنین علیه السلام به خلافت رسیدند، به جهت اینکه زیاد بن أبیه بسیار زیرک، سیاس و صاحب نفوذ بوده و احتمال اینکه به اصحاب جمل یا معاویه پیوندد زیاد بود، امیرالمؤمنین علیه السلام از روی حکمت او را والی استخر فارس نمودند (6) تا از مرکز حکومت و مدینه و شام دور باشد، بدین جهت امیرالمؤمنین علیه السلام به او منصب دادند و زیاد بن أبیه در مدت امارتش خیانتی مرتکب نشد - جز اینکه گزارش شده در موردی زکات را به مرکز حکومت منتقل نمود که حضرت امیر علیه السلام او را توبیخ کردند (7) - بدین سبب امیرالمؤمنین علیه السلام او را عزل نمودند تا اینکه حضرت به شهادت رسیدند و زیاد بن أبیه به معاویه پیوست و به امام مجتبی علیه السلام خیانت نمود تا جاییکه او و فرزندش عبیدالله مرتکب جنایات سنگینی نسبت به اهل بیت علیهم السلام و شیعیان شدند.

ص: 194

1- الإحتجاج للطبرسی، ج 2، ص 495.

2- رجال النجاشی، ص 402.

3- وقایع الأيام، ص 46؛ مستدرک سفینه البحار، ج 5، ص 214.

4- أنساب الأشراف، ج 5، ص 187؛ الأخبار الطوال، ص 219.

5- أنساب الأشراف، ج 5، ص 187؛ الكامل فی التاريخ، ج 3، ص 443.

6- الأخبار الطوال، ص 219؛ تاریخ الطبری، ج 5، ص 122.

7- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 204؛ نهج البلاغه، نامه 20.

زیاد بن اَبیه در چنین روزی به سال 53 قمری بر اثر نفرین امام حسن علیه السلام به مرض فالج - که دردی است که در جانبی از بدن پیدا می شود و آن را از حس و حرکت می اندازد - یا به مرض طاعون و وباء هلاک گردید. (1) در زیارت عاشورا خاندان زیاد مورد لعن و نفرین قرار گرفته اند.

## 5 ماه مبارک رمضان

### وفات سفیر اول امام زمان علیه السلام، جناب عثمان بن سعید رحمه الله

حضرت بقیة الله ارواحنا فداه به جهت آماده کردن مردم برای غیبت کبری، در مدت زمانی حدود هفتاد سال وکلا و نمایندگان خاصی را به شیعیان معرفی کردند تا غیبت یکباره صورت نگیرد بلکه تدریجاً انجام شود.

اولین آنان جناب عثمان بن سعید رحمه الله معروف به «زیات» است که پیشتر نیز از طرف امام هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام مقام وکالت و سفارت خاصه را داشته بود، مدت سفارت آن جناب از حضرت بقیة الله ارواحنا فداه حدوداً هفت سال بوده است و پس از مدت این منصب والا، در پنجم ماه مبارک رمضان به سال 267 هجری قمری وفات نمود (2) و به امر حضرت بقیة الله روحی فداه فرزندش جناب محمد بن عثمان را به عنوان دومین وکیل و سفیر معرفی کرد.

پس از وفات جناب عثمان بن سعید سفیر اول حضرت بقیة الله ارواحنا فداه، نامه ای از ناحیه مقدس امام زمان ارواحنا فداه برای «محمد فرزند عثمان بن سعید» شرف صدور یافته که اینگونه است:

بسم الله الرحمن الرحيم، إنا لله و إنا إليه راجعون (به درستی که ما از خداییم و بازگشت ما به سوی اوست)، تسلیم شدیم به امر او و راضی شدیم به قضای او، پدر تو با سعادت و نیکبختی زندگی نمود و وفات یافت در حالیکه پسندیده بوده، خدا او را رحمت کند و ملحق کند او را به اولیاء و ساداتش علیهم السلام. او همیشه در امر ائمه اطهار علیهم السلام و دین سعی کننده بود و در هر چیزی که موجب تقریش به سوی خداوند متعال و ائمه اطهار علیهم السلام می شد (تلاش می کرد)، خداوند روی او را تازه نماید و سختی او را کم کند و اجر تو را زیاد نماید و صبر نیک در مصیبت او به تو عطا فرماید، تو مصیبت زده شده ای و ما هم مصیبت زده شده ایم و مفارقت پدرت، تو را و ما را ناراحت ساخته است، پس خداوند او را به رحمتش، در قبرش که آرامگاه اوست مسرور سازد.

از کمال سعادت پدرت آن است که مثل تو فرزندی را خداوند به او عطا فرمود که خلیفه و قائم مقام

ص: 195

1- مناقب آل أیطالب علیهم السلام، ج 4، ص 7؛ الامالی للطوسی، ص 620؛ کنزالفوائد، ج 1، ص 146.

2- کتاب «أنجم البغداد» بنا بر نقل محقق گرامی شیخ علی فلسفی در کتاب «دائرة المعارف بقاع متبرکه جهان».

امر او باشی و به او ترحم نمایی و طلب آمرزش کنی. من می گویم سپاس خدای را که قلوب شیعیان نیکو و مسرور شده است به مکان و منزلت تو در آنچه خداوند در نزد تو قرار داده است و حق تعالی تو را یاری فرماید و قوت دهد و تمکن فرماید تو را و توفیق عطا نماید و تو را حافظ و نگهبان باشد. (1)

## 6 ماه مبارک رمضان

### بیعت مأمون با امام رضا علیه السلام

پس از اینکه مأمون عباسی به جهت زیر نظر گرفتن امام رضا علیه السلام، آن حضرت را از مدینه به مرو احضار کرد، با حیله و نیرنگ اول خلافت را به آن حضرت پیشنهاد نمود که امام متوجه نیرنگ و دام مأمون بودند و آن را نپذیرفتند و فرمودند خلعت خلافت دو حالت دارد: یا این است که خدای تبارک و تعالی آن را بر قامت تو دوخته پس حق واگذاری آن را به غیر نداری و یا اینکه خداوند متعال بر قامت تو ندوخته، پس تو در این میان هیچ حقی نداری که آن را به من واگذار کنی، خلافت را رها کن خودش صاحبش را می باید، (2) مأمون برآشفته شد و پس از مناظرات و بحث های زیادی ولایت عهدی را به آن حضرت تفویض و تحمیل کرد، امام رضا علیه السلام با اکراه و با گذاشتن شروطی - که همه را مأمون پذیرفت - قبول نمودند (3) و در چنین روزی به سال 201 هجری قمری (4) مأمون عباسی مجلس بزرگی ترتیب داد و کرسی حضرت رضا علیه السلام را جلوی کرسی خود قرار داد و جمیع بزرگان کشوری و لشکری و اکابر علما و اشراف و اعیان مردم با آن حضرت بیعت کردند و امر شد بر سر منابر نام مبارک آن حضرت را ببرند و سکه های نقره و طلا به نام نامی آن حضرت ضرب خورد (5) که در آن نوشته شده است: «ولی عهد مسلمین علی بن موسی بن علی بن ابی طالب ذوالریاستین».

در این سکه ها به حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام لقب «ذوالریاستین» داده شده که اشاره به ریاست «دنیوی» و «دینی» آن حضرت دارد، بعضی از مورخین می گویند مأمون لقب ذوالریاستین را به فضل بن سهل، وزیر خود داده است و حال آنکه بر روی سکه های موجود هیچ نامی از فضل نیست و این لقب بعد از نام مبارک امام رضا علیه السلام آورده شده است که خود دلیلی است بر اینکه مأمون بر فرض این لقب «ذوالریاستین» را به فضل داده باشد، به امام رضا علیه السلام نیز داده است، زیرا اگر منظور

ص: 196

1- الغیبة للطوسی، ص 361.

2- الأمالی للصدوق، ص 69.

3- الإرشاد، ج 2، ص 259.

4- مسار الشیعة، ص 22.

5- الإرشاد، ج 2، ص 261.

فضل بن سهل بوده باید اشاره ای به اسم فضل بن سهل می شد تا بیانگر این باشد که این لقب متعلق به اوست و حال آنکه هیچ اسمی از فضل بن سهل در سکه ها برده نشده است و دیگر اینکه مأمون سنه 202 هجری فضل بن سهل را به قتل رسانید (1) اگر لقب ذوالریاستین که روی سکه ها ضرب شده است منظور فضل بن سهل باشد مأمون دستور امحاء آن را می داد ولی چون این لقب را به امام رضا علیه السلام داده و می خواست به سادات و شیعیان وانمود کند که به امام رضا علیه السلام ارادت دارد تا چند سال بعد از شهادت امام رضا علیه السلام به نام نامی آن حضرت و با لقب ذوالریاستین سکه ها را ضرب زده و پخش نموده است، این سکه ها پنج سال با تاریخ موجود بر آنها در نیشابور، سمرقند و ... ضرب خورده است، یعنی حدود سه سال بعد از شهادت امام رضا علیه السلام به نام نامی آن حضرت ساخته می شده است و بین مردم به عنوان پول رایج آن زمان پخش می شده است و این سکه ها هم اکنون در موزه های مختلف دنیا از جمله موزه آستان قدس رضوی علیه السلام نگه داری می شود.

همچنین مأمون امر نمود سیاه پوشی که شعار بنی العباس بوده ترک کنند و در عوض جامه های سبز که شعار بنی هاشم است، بپوشند. (2) شیخ مفید رحمه الله می فرماید: «در این روز مأمون عباسی با حضرت امام رضا علیه السلام بیعت کرد و روز شریفی است و صدقه دادن و شکر الهی بجای آوردن بسیار مناسب است». (3)

## نزول تورات

به روایت امام جعفر صادق علیه السلام، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «در این روز تورات بر حضرت موسی بن عمران علیه السلام نازل شده است». (4)

## 10 ماه مبارک رمضان

### رحلت و شهادت حضرت خدیجه کبری علیها السلام در 29 رجب می باشد

چنانکه در روز 29 ماه رجب یادآور شدیم (5) رحلت حضرت خدیجه علیها السلام سه روز بعد از رحلت جناب ابوطالب علیه السلام واقع شده است، یعنی بیست و نهم ماه رجب. پس چه بجاست مؤمنین این روز (دهم ماه مبارک رمضان) را اختصاص به بانوی بزرگ اسلام حضرت زینب علیها السلام بدهند و از مناقب و مصائب آن حضرت یاد کنند و در محافل و مجالس سوگواری یادش را گرامی دارند.

ص: 197

1- تاریخ الطبری، ج 8، ص 565؛ تاریخ ابی الفداء، ج 1، ص 330.

2- تاریخ الطبری، ج 8، ص 554.

3- مسار الشیعة، ص 22.

4- الکافی، ج 2، ص 629.

5- به روز 29 ماه رجب مراجعه شود.

شهادت جانگداز حضرت زینب علیها السلام در سال 62 هجری قمری واقع شده است.

توجه: باید این تذکر را بار دیگر اینجا یادآور شوم که طبق نقل گزارش برخی از مورخین بنام شهادت این بی بی بزرگوار، در چنین روزی یعنی دهم ماه مبارک رمضان واقع شده (1) و بعضی در پانزدهم ماه رجب نقل کرده اند که پانزده رجب مصادف است با شکافته شدن دیوار کعبه برای بار دوم و ولادت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام از آن.

پر واضح است انگیزه تعظیم این ایام، اعم از روز ولادت یا شهادت، بزرگداشت اولیاء خدا می باشد که بزرگترین اسوه در درس عبودیت و بندگی برای بشریت هستند، لذا با تحقیقی که نمودیم نزد ما اقوی این روز، یعنی دهم ماه مبارک رمضان، روز شهادت حضرت زینب علیها السلام می باشد که تداخل با مناسبت دیگری ندارد و نیکوست مؤمنان 15 ماه رجب را اختصاص به معجزه بزرگ الهی بدهند که از شگفتی های جهان خلقت است و امیرالمؤمنین علیه السلام با شکافته شدن دیوار از کعبه متولد می شوند و خود بزرگترین منقبت و فضیلت آن حضرت است، ولی متأسفانه بعضی از مؤمنان به قول ضعیف (2) عمل کرده و 15 رجب را روز رحلت حضرت زینب علیها السلام برمی شمارند و مشغول عزاداری و اقامه مجالس ماتم برای آن حضرت می گردند و از یاد و بازگو کردن این معجزه الهی و این منقبت منحصر به فرد آن امام همام، یعنی شکاف دیوار کعبه و خروج فاطمه بنت اسد علیها السلام و تولد حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام از کعبه غافل می گردند.

بنابراین چه نیکوست مؤمنان دهم ماه مبارک رمضان را با مستندات که نقل نمودیم روز شهادت و رحلت حضرت زینب علیها السلام قرار دهند و در این روز اقامه مجالس سوگواری و ماتم برای آن حضرت کنند و روز 13، 14 و 15 رجب را به محافل و مجالس فضائل و مناقب پدر بزرگوارش حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام اختصاص دهند و برای اینکه این روز که روز شهادت حضرت زینب علیها السلام است با رحلت حضرت خدیجه علیها السلام تداخل پیدا نکند، وفات حضرت خدیجه علیها السلام را در 29 ماه رجب طبق نقل محدث راوندی رحمه الله و علامه مجلسی رحمه الله از کتاب «المعرفة» قرار دهند.

مرحوم محمد باقر مجتهدی بیرجندی در کتاب «وقایع الشهور» در این روز حکایتی را نقل می کند که می تواند تأییدی بر شهادت آن بی بی مظلومه در این روز باشد؛ می نویسد: سید اسد الله اصفهانی که از همدرسان من در دروس سید محمد حسن شیرازی (صاحب فتوای تنباکو) در سامرا بود، نقل کرد برایم

ص: 198

- 1- وقایع الشهور، ص 165؛ ریاحین الشریعة، ج 3، ص 33؛ الوقایع و الحوادث، ج 1، ص 113.
- 2- برای تفصیل مطلب به 15 رجب مراجعه شود.



در کربلا که: در خواب امام زمان علیه السلام را دیدم که به من فرمودند: فرشتگان، در آسمان هر سال در روز وفات عمه ام زینب علیها السلام مجلس سوگواری بر پا می کنند و خطبه آن حضرت را که در کوفه ایراد فرمود، می خوانند و گریه می کنند. (1)

### رسیدن دعوتنامه اهل کوفه به امام حسین علیه السلام

در چنین روزی دعوتنامه اهل کوفه به امام حسین علیه السلام در مکه رسید. (2) ابتدا بزرگان شیعه در منزل سلیمان بن صرد خزاعی گرد آمدند و دعوت نامه ای به سوی امام حسین علیه السلام تنظیم کرده و آن را به سوی آن حضرت فرستادند، سپس اهل کوفه اعم از شیعیان و سنیان دعوتنامه هایی جداگانه به سوی آن حضرت گسیل داشتند که طبق گزارش برخی از مقاتل تعداد دعوتنامه ها 12 هزار نامه بوده (3) تا اینکه با جناب مسلم بن عقیل علیه السلام 18 هزار نفر بیعت نمودند. (4)

شایان ذکر است که دعوت کنندگان همگی از شیعیان کوفه نبودند، بلکه افرادی که امام حسین علیه السلام را فرزند خلیفه چهارم می دانستند نیز حضرتش را به کوفه دعوت کردند تا آنها را از یوغ و ظلم بنی امیه نجات دهد.

### 12 ماه مبارک رمضان

#### عقد اخوت بین اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

در چنین روزی به سال اول هجرت، حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم عقد اخوت بین اصحاب خود اعم از مهاجر و انصار قرار دادند؛ (5) به عبارت دیگر هنگامی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم وارد مدینه شدند و آن شهر را پایگاه نهضت اسلامی قرار دادند، برای ایجاد همبستگی، اتحاد و ارتباطی صمیمی و مستقیم میان مسلمانان، عقد اخوت و برادری برقرار نمودند و هر فردی را با فرد دیگری، برادر قرار دادند که موفقیت های معنوی و مادی مسلمانان را پیروی کرد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بین حدوداً پنجاه نفر از انصار را با پنجاه نفر از مهاجرین عقد برادری ایجاد نمودند، (6) مگر امیرالمؤمنین علیه السلام را. امیرالمؤمنین علیه السلام که از این امر غمگین شده بود، عرضه داشت: «ای رسول خدا! پدر و مادرم به فدایت! برای چه میان من و فردی پیمان برادری قرار ندادید؟» پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «علی جان! به خدا سوگند تو را برای خودم نگاه داشتم، آیا

ص: 199

1- وقایع الشهور، ص 165.

2- تاریخ الطبری، ج 5، ص 352؛ الإرشاد، ج 2، ص 37.

3- اللهوف، ص 35.

4- الإرشاد، ج 2، ص 41.

5- مسار الشیعة، ص 22.

6- الطبقات الكبرى، ج 1، ص 183.

نمی خواهی برادر من باشی و من نیز برادر تو باشم؟ همانا تو برادر من در دنیا و آخرت هستی. تو وصی، وزیر و جانشین من در میان امتم هستی، دین مرا ادا می کنی و وعده هایم را عمل می کنی و غسل من بر عهده توست و غیر تو را شایسته آن نیست، تو نزد من به منزله هارون نزد موسی هستی جز اینکه بعد از من پیامبری نخواهد بود». آنگاه امیرالمؤمنین علیه السلام با شنیدن این سخنان خشنود شدند. (1)

عقد اخوت به نقل از کتاب «زاد الفردوس» از اعمال حسنه و نیکوی هجدهم ماه ذیحجه الحرام (عید غدیر خم) شمرده شده است. (2)

### 13 ماه مبارک رمضان

#### هلاکت حجاج ثقفی قاتل سفاک و بیرحم شیعیان

حجاج بن یوسف ثقفی بنا بر گزارش شیخ بهایی رحمه الله در 13 ماه مبارک رمضان به سال 95 هجری قمری به سبب مرض آکله با درد و حسرت به درک رفت. (3)

عبدالملک مروان او را والی و استاندار کوفه گردانید، (4) حجاج با پشتیبانی عبدالملک مروان بسیاری از شیعیان را به قتل رسانید از جمله: جناب کمیل بن زیاد نخعی (5) و قنبر، غلام امیرالمؤمنین علیه السلام (6) و یحیی بن ام طویل از حواریین حضرت زین العابدین علیه السلام که حجاج دست و پایش را برید تا به شهادت رسید (7) و آخرین آنها سعید بن جبیر که همگی از شیعیان مخلص امیرالمؤمنین علیه السلام بودند و عدد مقتولین او صد و بیست هزار نفر بوده است. (8)

از احمد بن حنبل نقل شده که گفته: «حجاج، سعید بن جبیر را کشت در زمانی که تمام مردم روی زمین محتاج علم او بودند». (9) حجاج پس از کشتن سعید بن جبیر بیش از 15 روز (10) و بنا بر گزارشی دیگر بیش از 40 روز زنده نبود (11) و پس از آن به درک واصل شد، در موقع مرگش بارها بیهوش می شد و باز به هوش می آمد و می گفت: «سعید بن جبیر از من چه می خواهد؟» (12)

از جمله ترویج های حجاج که اهل سنت به آن عمل می کنند، شستن پاها در وضو به جای مسح کشیدن است؛ انس بن مالک از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که عمر طولانی داشت، مدتی در

ص: 200

1- تفسیر قمی، ج 2، ص 109.

2- مستدرک الوسائل، ج 6، ص 279.

3- توضیح المقاصد، ص 16.

4- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 273.

5- الغارات، ج 2، ص 994؛ تاریخ الطبری، ج 4، ص 404.

6- رجال الکشی، ج 1، ص 290؛ الإرشاد، ج 1، ص 328.

7- رجال الکشی، ج 1، ص 338.

8- محاضرات الأدباء، راغب اصفهانی، ج 1، ص 230.

9- وفيات الأعیان، ج 2، ص 374.

- 10- مروج الذهب، ج 3، ص 164 ؛ حياة الحيوان الكبرى، ج 2، ص 428.
- 11- الأخبار الطوال، ص 329 ؛ البداية و النهاية، ج 9، ص 99.
- 12- تاريخ الأمم و الملوك، ج 6، ص 491.

کوفه زندگی می کرد. به وی خبر دادند که حجاج می گوید: «ظاهر و باطن پاها در وضو شسته شود».

انس گفت: سوگند به خدا که حجاج دروغ گفته است و خدا در قرآن فرموده است: «سر و پاها را مسح کنید» و انس خود در وضو روی پاها را مسح می کرد به طوری که تر می شد. (1)

## نزول انجیل

به روایت امام جعفر صادق علیه السلام، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «در این روز انجیل بر حضرت عیسی علیه السلام نازل شده است». (2)

## 14 ماه مبارک رمضان

### شهادت سید جلال الدین اشرف، فرزند امام کاظم علیه السلام

امام زاده اعظم، مجاهد شهید، فرزند امام موسی کاظم علیه السلام، سید حسن ملقب به جلال الدین اشرف علیه السلام در سال 180 هجری در شهر مدینه چشم به جهان گشود و در چهاردهم ماه مبارک رمضان سال 233 هجری چشم از جهان فرو بست.

پدرش امام کاظم علیه السلام و مادرش بانو «نجمه» از مردم نوبه و زنگبار بود و قبل از تولدش امام موسی کاظم علیه السلام به دستور هارون الرشید در مدینه دستگیر و به بصره تبعید و زندانی شد، زمانی که سن او به حدود خردسالگی رسیده بود پدر بزرگوارش امام کاظم علیه السلام شهید شد.

وی به همت و مدد برادرش امام رضا علیه السلام در زادگاهش پرورش یافت و در سایه امام هشتم چنان مراتب فضل و کمال را طی کرد که در میان برادرانش بعد از امام رضا علیه السلام در علم، زهد، تقوی، شجاعت و سخاوت سرآمد شد و به همین دلیل از محبوبیت خاصی نزد امام رضا علیه السلام برخوردار گشت.

در زمان وی آزادی شیعیان و سادات دیلم با به وجود آمدن بقایای بنی امیه به خطر می افتد و حضرت بنا به دعوت دیگر سادات بنی هاشم در سال 206 با شعار خونخواهی برادر با تشکیل نهضتی قیام می کند. در سال 211 هجری پس از یک سری جنگ های خونین، قدرت را در دست می گیرد و نخستین دولت شیعه مذهب ایران را بنیان می گذارد.

سرانجام پس از 13 سال حکومت در سال 223 هجری قمری در جنگی که در روستای دیلمان (5 کیلومتری لاهیجان) رخ داد به سختی مجروح گشته و برای اینکه پیکر مبارکش به دست دشمن نیفتد به رودبار رفته و در بیلاق دارستان (9 کیلومتری رودبار) در خانه شیخ مفیدالدین به مقام شهادت نائل

ص: 201

1- جامع البیان، طبری، ج 6، ص 82؛ تفسیر القرآن العظیم، ج 2، ص 27.

2- الکافی، ج 2، ص 629.

می گردد و بنا به وصیت او، پیکر مطهرش را در تابوت گذاشته و در آب سفیدرود رها کردند و تابوت حامل بدن مبارک حضرت کیلومترها دورتر در حوالی لاهیجان در قریه (کوچان) به ساحل رسید و پیکر پاک و مطهر حضرت در میان مردم با صداقت آن روزگار با تشریفاتی تشییع گشت و با یک دنیا ماتم و اندوه بدنش را به خاک سپردند، و این قریه کوچان بعدها نگینی شد که میعادگاه عاشقان آن حضرت گشت و آن را «آستانه اشرفیه» نامیدند. (1)

### شهادت جناب مختار ثقفی رحمه الله

جناب مختار بن عبید ثقفی در چنین روزی به سال 67 هجری قمری در جنگ با مصعب بن زبیر کشته شد. (2)

جناب مختار به جهت کار بزرگی که کرد یعنی انتقام گرفتن خون امام حسین علیه السلام، قهراً مورد بغض و کینه طرفداران بنی امیه واقع شد و دشمنانش برای تخریب شخصیت او، در ارکان اعتقادی شبهات وارد کردند تا او را فاسدالعقیده معرفی کنند و از این راه، هم از عظمت کارش که کشتن جانین و تبهکاران کربلا بوده بکاهند و هم شخصیتش را ترور کنند تا جایی که روایاتی در ذم مختار جعل کردند، اما اهل تحقیق با دیدن این روایات، زود علیه مختار اظهار نظر نمی کنند، بلکه به روایاتی که او را مدح کرده اند نیز رجوع می کنند، متأسفانه برخی از این اتهامات در کتب متأخرین از علمای شیعه نیز راه یافته و همین امر موجب بی مهری هایی نسبت به جناب مختار که دوستدار مخلص اهل بیت علیهم السلام بوده گردیده است، مانند اینکه می گویند:

امام صادق علیه السلام فرمودند: زمانی که روز قیامت فرا می رسد پیامبر اسلام و امیرالمؤمنین و امام حسن و امام حسین علیهم السلام از نزدیک جهنم عبور خواهند کرد. شخصی که در جهنم است سه مرتبه فریاد می زند: یا رسول الله به فریادم برس! ولی پیغمبر خدا جوابی به او نخواهد داد. سه مرتبه فریاد می زند: یا امیرالمؤمنین به فریادم برس! آن حضرت هم جوابی به او نخواهد داد. سپس سه مرتبه فریاد می زند: یا حسن به فریادم برس، آن حضرت هم جوابی به او نخواهد داد. سپس سه مرتبه فریاد می زند: یا حسین به فریادم برس، من قاتل دشمنان تو می باشم. پیامبر خدا به امام حسین علیه السلام می فرماید: وی بر تو اتمام حجت نمود. امام حسین علیه السلام پس از این جریان چون عقاب شکاری به فریادش می رسد و او را از آتش نجات می دهد.

ص: 202

1- مقاله ای از آستانه اشرفیه.

2- تاریخ الطبری، ج 6، ص 116؛ الکامل فی التاریخ، ج 4، ص 278.

راوی می گوید: من به امام صادق علیه السلام گفتم: فدایت شوم! آن شخص که در آتش است، کیست؟ فرمود: مختار است. گفتم: برای چه در آتش معذب خواهد شد در صورتی که قاتلین امام حسین علیه السلام را کشت؟! فرمود: برای اینکه اندکی از محبت آن دو نفر را در قلب خود داشت. قسم به آن خدایی که حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را به حق مبعوث کرد، اگر در قلب جبرئیل و میکائیل هم چیزی (از محبت آن دو نفر) باشد، خدا ایشان را با صورت داخل آتش جهنم خواهد کرد. (1)

با کاوشی که در سند و مضمون این روایت نمودیم به تناقضاتی بر می خوریم:

1. سند این روایت با تصریح کتاب معجم رجال الحدیث مخدوش می باشد (2)؛

2. اختلافی که بین چهار معصوم در شفاعت مختار وجود دارد، دلالت بر جعلی بودن این حدیث می کند، زیرا طبق آن هیچ یک از ائمه معصومین علیهم السلام مختار را شفاعت نمی کنند مگر امام حسین علیه السلام؛

3. در آخر این حدیث آمده است: میکائیل و جبرئیل اگر سر سوزنی محبت به آن دو نفر داشته باشند، خداوند به منزلت آنها نگاه نمی کند و آنها را به رو به آتش جهنم می اندازد، حال چگونه می شود مختار که قلبش متمایل به محبت آن دو نفر بوده مورد شفاعت امام حسین علیه السلام قرار گیرد و لو اینکه از قتل کربلا انتقام گرفته باشد؟! زیرا مقام و منزلت جبرئیل و میکائیل به مراتب از مختار بیشتر است که در این روایت فرمود میکائیل و جبرئیل اگر سر سوزنی محبت به آن دو نفر داشته باشند، به رو به آتش جهنم می افتند.

4. به لحاظ وجود خفقان و حشتناکی که در آن دوران بوده و حضور جاسوسان، خطر بزرگی متوجه شیعیان و بنی هاشم بوده، لذا اینگونه روایات را بر فرض صحت (که اگر دروغ نباشد) باید حمل بر تقیه کرد و اکثر علمای بزرگ شیعه همین نظر را دارند، مانند: سید بن طاووس، (3) ابن نما، (4) و علامه حلی (5) و از متأخرین: شوشتری، (6) عبدالله مامقانی، (7) آیه الله سید ابوالقاسم خویی (8) که عمدتاً این روایات را ساخته و پرداخته مخالفان و دشمنان شیعه دانسته و بر فرض صحت صدور، از روی تقیه تلقی نموده اند.

از طرفی وقتی تاریخ مختار را بررسی می کنیم، نکات مثبتی در صحت اعتقادات وی می بینیم که

ص: 203

1- السرائر، ج 3، ص 556؛ بحار الأنوار، ج 45، ص 339.

2- معجم رجال الحدیث، ج 18، ص 100.

3- التحریر الطاووسی المستخرج من کتاب حل الاشکال، العاملی، ص 560.

4- ذوب النضار، ابن نما، ص 145.

5- خلاصة الأقوال، علامه حلی، ص 256.

6- قاموس الرجال، شوشتری، ج 10، ص 14.

7- تنقیح المقال، علامه مامقانی، ج 3، ص 205.

8- معجم رجال الحدیث، ج 19، ص 108.

1. محبت شدیدی به اهل بیت عصمت علیهم السلام داشته، لذا در انتقام گرفتن از جانیان کربلا از هیچ کوششی دریغ نمی کند؛

2. شیعیان چون از نیت و اعتقاد او خبر داشتند زیر پرچمش جمع شدند و یاریش کردند؛

3. جناب محمد حنفیه علیه السلام فرزند برومند حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام که از اخبار غیبی مطلع بوده، او را تأیید می کند و به جهت حساسیتی که بر امام زین العابدین علیه السلام بوده، حضرتش سکوت کرده و بعضی امور را به عمویشان محمد حنفیه علیه السلام واگذار می کنند و محمد علیه السلام قیام مختار را تأیید می کند؛

4. دعای خیر چند امام معصوم علیهم السلام که در حقش کرده اند نشانگر سعادت‌مندی این مرد بزرگ است، چنانکه حضرت امام زین العابدین علیه السلام و حضرت امام محمد باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام در حقش دعای خیر کردند و بر روانش درود فرستادند؛

5. از طرفی روایاتی در مدح جناب مختار وارد شده است که نشانگر صحت اعتقاداتش می باشد؛ از امام محمد باقر علیه السلام راجع به مختار سؤال کردند، آن حضرت فرمودند: «دشمنان ما به او تهمت زدند، به او بد نگویید که مختار کسی است که انتقام خون ما را گرفت و دل ما را خنک کرد و به ما کمک می نمود».<sup>(1)</sup>

در روایت دیگری آمده است که: روزی فرزند مختار بر امام محمد باقر علیه السلام - در حالی که حضرتش به اصلاح سر و صورت خود مشغول بودند - وارد شد، امام علیه السلام او را احترام کردند و در نزد خود نشانیده و مورد تقدّر قرار دادند و فرمودند: هرچه درباره پدرت می گویند نادرست است. پدرم فرمود: مختار قاتلان ما را کشت و انتقام خون ما را از دشمنانمان گرفت، خدایش رحمت کند.<sup>(2)</sup>

علامه امینی رحمه الله نیز اینچنین با کلماتی رسا و مستدل از مختار دفاع می کند: «هر کس که با دیده بصیرت و تحقیق بر تاریخ و حدیث و علم رجال بنگرد، درمیابد که مختار از پیشگامان دینداری و هدایت و اخلاص بوده است و همانا نهضت مقدس او تنها برای برپایی عدالت، به وسیله ریشه کن کردن ملحدان و ظلم امویان بوده است، بدرستی که ساحت مختار از مذهب «کیسانی» به دور است و نسبت ها و تهمت های ناجوانمردانه ای که به او نسبت داده اند حقیقت ندارد و بیجهت نیست که ائمه

1- رجال الکشی، ص 125.

2- رجال الکشی، ص 125.

هدی علیهم السلام و سروران ما مانند امام سجاد علیه السلام و امام محمد باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام بر او رحمت فرستاده اند، مخصوصاً امام محمد باقر علیه السلام به گونه ای بسیار زیبا او را مورد ستایش قرار داده است و همیشه خدمات او در نزد اهل بیت علیهم السلام مورد تأیید و تشکر بوده است»<sup>(1)</sup>.

از مجموع گفته ها و روایات چنین بر می آید که مختار به امامت امام زین العابدین علیه السلام اعتقاد و ایمان داشته و در روز عاشورا در زندان به سر می برده و امیرالمؤمنین علیه السلام در پیشگویی هایی از قیام او و انتقام گرفتن از خون امام حسین علیه السلام خبر داده بودند.

خلاصه ای از آنچه در کتاب «نهضت مختار ثقفی»<sup>(2)</sup> آمده است:

مدال های بلند مختار که او را توثیق می کند و فرد مخلص و شیعه خالص اهل بیت علیهم السلام معرفی می کند، عبارتند از:

1. روایات مدح امام زین العابدین علیه السلام و امام محمد باقر علیه السلام و امام جعفر صادق علیه السلام.

2. تأیید و تمجید جناب محمد حنفیه علیه السلام از وی.

3. همراهی بزرگان شیعه با وی.

4. نجات دادن جناب محمد بن حنفیه علیه السلام و حسن مثنی و جمعی دیگر از بنی هاشم از زندان عبدالله بن زبیر.

5. تعریف و تمجید علمای بزرگ رجالی از وی مانند علامه امینی و آیه الله خویی و مرحوم تفرشی.<sup>(3)</sup>

6. اهانت و ناسزاگویی و تهمت های ناروای مخالفان شیعه به جناب مختار که خود دلیل روشنی است بر ایمان و صحت اعتقاداتش مانند ابن حزم اندلسی که جناب مختار را مدعی نبوت در کوفه می شناسد.<sup>(4)</sup> ابن کثیر دمشقی جناب مختار را بیعقل، جاهل، دروغگو، بدعت گذار، مروج باطل، بیدین و قاتل امویان می داند.<sup>(5)</sup> بلاذری مختار را فردی مکار و سیاست باز می داند.<sup>(6)</sup> ذهبی مختار را مشرک و بیدین و قاتل امویان می شمارد.<sup>(7)</sup> ابن سعد در کتاب «الطبقات» او را جاعل و مردم فریب معرفی کرده.<sup>(8)</sup> المبرد می نویسد: «کان المختار لا یوقف له علی مذهب، کان خارجیاً ثم صار زبیریاً ثم صار رافضیاً فی ظاهره».<sup>(9)</sup>

ص: 205

1- الغدیر، ج 2، ص 343.

2- نهضت مختار ثقفی، محمود افتخارزاده.

3- نقد الرجال، تفرشی، ص 341.

4- جمهرة أنساب العرب، ابن حزم، ص 268.

5- البداية و النهاية، ج 8، ص 321.

6- أنساب الأشراف، ج 3، صص 276-283.

7- سیر أعلام النبلاء، ج 3، ص 538.



8- الطبقات الكبرى، ج 5، صص 98، 99، 105 و 213.

9- الكامل في اللغة والأدب، المبرد، ج 3، ص 193.

اشتباهاتی که برای بعضی علما شده این است که صفیه خواهر مختار همسر عبدالله بن عمر بوده و عبدالله بن عمر به اصرار همسرش صفیه نامه هایی برای آزادی مختار به یزید نوشته، لذا به وی نسبت زده شده که دوستدار خلیفه دوم بوده و از جمله اینکه می گویند: می خواسته امام حسن مجتبی علیه السلام را تحویل معاویه بدهد و دیگر اتهامات که جای ذکر آن در این مختصر نیست مثل: ادعای پیامبری، خدایی، جادوگری و کفر و غیر ذلک. (1)

### کیفیت شهادت مختار رحمه الله

جناب مسلم بن عقیل علیه السلام هنگام ورود به کوفه مهمان مختار می شود (2) و زمانی که مختار برای آمادهسازی زمینه قیام جناب مسلم و جمع کردن نیرو به اطراف کوفه می رود، اسیر می شود و به زندان می افتد. (3) مختار پس از آزادی و انتقام از قاتلان شهدای کربلا، آخر الامر در دارالاماره قریب چهار ماه توسط مصعب بن زبیر محاصره می شود (4) و در چهاردهم ماه مبارک رمضان به سال 67 هجری با 19 نفر از یاران باوفایش تصمیم به خروج و جنگ می گیرد، لذا غسل نموده و با همسرانش وداع کرده و به خود عطر می زند و از دارالاماره خارج می شود و با زبان روزه در 67 سالگی به شهادت می رسد. (5)

مرحوم ملاهاشم خراسانی در «منتخب التواریخ» می نویسد:

«مصعب بن زبیر با جمع کثیری از جانب بصره به طرف کوفه روانه شد و هنگامی که اصحاب مختار دانستند، از اطراف مختار متفرق شدند، جناب مختار خطبه ای خواند و مردم را ترغیب نمود به مقابله با مصعب، سپس مختار با همراهان قلیل خود از کوفه خارج شد و با مصعب در جنگ شد و جمع کثیری از لشکریان مصعب بن زبیر کشته شدند، ولی آخرالامر جناب مختار به دست اصحاب مصعب کشته می شود و سرش را نزد مصعب بردند و هم اکنون قبر جناب مختار در زاویه مسجد کوفه کنار مرقد مطهر مسلم بن عقیل علیه السلام معروف است. در این جنگ جناب ابراهیم بن مالکاشتر در کوفه حاضر نبود، او بعد از قتل ابنزیاد در موصل توقف نموده بود تا با لشکریان مروانیان مقابله نماید که خبر شهادت مختار به او رسید و بسیار اندوهناک شد و گریست». (6)

ص: 206

- 1- رجوع شود به: جنبش های شیعی در تاریخ اسلام، حسنی، ص 552.
- 2- الأخبار الطوال، ص 231؛ الإرشاد، ج 2، ص 41.
- 3- تاریخ الطبری، ج 4، ص 441؛ الفتوح لابن اعثم، ج 5، ص 143.
- 4- تاریخ الطبری، ج 6، ص 115؛ الكامل فی التاریخ، ج 4، ص 277.
- 5- تجارب الأمم، ج 2، ص 208.
- 6- منتخب التواریخ، ص 378.

### ولادت با سعادت امام حسن مجتبی علیه السلام

در پانزدهم ماه مبارک رمضان به سال دوم هجرت (1) و به قولی سوم (2)، ولادت با سعادت امام حسن مجتبی علیه السلام واقع شد.

جبرئیل پارچه ای حریر از بهشت برای آن حضرت نازل نمود و در آن پارچه حضرتش را پیچیدند و به دست پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم دادند، آن حضرت نام مبارکش را حسن نامید و در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه گفتند و عقیقه نمودند. (3)

پس از شهادت پدر بزرگوارشان حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام، مسلمانان در مسجد اجتماع کردند و با آن حضرت رسماً بیعت نمودند و خلافتشان حدوداً شش ماه بوده که در اثر نیرنگ معاویه و عمروعاص، بسیاری از فرماندهان و لشکریان، حضرتش را تنها گذاشتند و آن حضرت به جهت حفظ کیان اسلام و سادات بنی هاشم تن به صلح دادند، لذا جمیع مسلمانان حضرتش را به عنوان خلیفه خاص رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ذکر کرده اند.

### حرکت جناب مسلم بن عقیل علیه السلام به سوی کوفه

پس از اینکه دعوت نامه های اهل کوفه به امام حسین علیه السلام رسید، در پانزدهم ماه مبارک رمضان سال 60 هجری آن حضرت پسر عموی گرامشان، جناب مسلم بن عقیل علیه السلام را به عنوان نماینده خود از مکه به سوی کوفه فرستادند. (4)

### رحلت آیت الله سید محمود مجتهدی سیستانی رحمه الله

آیت الله سید محمود مجتهدی سیستانی از علمای بنام مشهد مقدس بود و از هوش و ذکاوت بی نظیری برخوردار بود، وی از شاگردان مرحوم آیت الله شیخ هاشم قزوینی، آیت الله شیخ مجتبی قزوینی، آیت الله سید هادی میلانی و ... بوده است. حقیر درک محضر ایشان را نموده و در کلاس های معارف حقه ایشان و درس قوانین الأصول میرزای قمی شرکت نموده و حظ فراوانی برده ام.

ایشان در 16 رمضان 1414 قمری در 60 سالگی رحلت نمود و در مشهد مقدس در جوار بارگاه منور

ص: 207

- 
- 1- المعارف، ابن قتیبه، ص 212؛ الکافی، ج 1، ص 461؛ تاریخ قم، ص 194؛ تهذیب الأحکام، ج 6، ص 39.
  - 2- أنساب الأشراف، ج 2، ص 32؛ فرق الشیعة، ص 24؛ الإرشاد، ج 2، ص 5، دلائل الإمامة، ص 159؛ روضة الواعظین، ص 153.
  - 3- الإرشاد، ج 2، ص 5؛ روضة الواعظین، ج 1، ص 153.
  - 4- مروج الذهب، ج 3، ص 54.

امام رضا علیه السلام در صحن آزادی، جنب کشفداری شماره نه به خاک سپرده شد.

## 17 ماه مبارک رمضان

### معراج پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم

در شب هفدهم ماه مبارک رمضان، شش ماه قبل از هجرت، معراج جسمانی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اتفاق افتاد (1)، و در روایات معتبره آمده است که معراج آن حضرت چند مرتبه بوده و در هر مرتبه حقتعالی در باب ولایت و امامت امیرالمؤمنین علیه السلام و سایر ائمه طاهرین علیهم السلام بیشتر از سایر فرائض تأکید و توصیه فرموده است. (2)

قرآن کریم در مورد معراج جسمانی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: «سبحان الذی أسرى بعبده لیلاً من المسجد الحرام إلى المسجد الأقصى الذی بارکنا حوله لئریه من آیاتنا...» (3) یعنی: «منزه است آن (خدایی) که شبی بنده اش را از مسجدالحرام به مسجد الاقصی که پیرامونش را برکت دادیم، حرکت داد، تا از نشانه های (عظمت و قدرت) خود را به او نشان دهیم...»؛ که در این آیه شریفه کلمه «بعده» اشاره به مجموعه جسم و روح دارد و پیامبر با هر دو در حالی که بیدار بوده است، عروج کرده است.

شیخ صدوق رحمه الله در کتاب «التوحید» می نویسد: بزلفی از امام رضا علیه السلام نقل می کند که حضرتش فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «لَمَّا أُسْرِى بى إِلَى السَّمَاءِ بَلَغَ بى جِبْرِئِيلُ مَكَانًا لَمْ يَطَّأهُ جِبْرِئِيلُ قَطًّا، فَكَشَفَ لى فَأَرَانى اللّهُ عَزَّوَجَلَّ مِنْ نَورِ عَظَمَتِهِ مَا أَحَبُّ» (4) یعنی: «هنگامی که در معراج به آسمانها سیر داده شدم، جبرئیل مرا به مکانی برد که هرگز خود به آن مکان و مقام پا نگذاشته بود، در آن مقام پرده ها برای من کنار زده شد، پس خداوند از نور عظمت خویش آن مقدار که دوست داشت، نشانم داد».

امام صادق علیه السلام فرمودند: «من أنکر ثلاثة أشياء فليس من شيعتنا: المعراج والمسائلة فى القبر والشفاعة» (5) یعنی: «هرکس یکی از سه چیز را انکار کند از شیعیان ما نیست: معراج و سؤال در قبر و شفاعت معصومین علیهم السلام را».

در تاریخ وقوع معراج اقوال دیگری از جمله: شب 21 رمضان، شش ماه پیش از هجرت (6) و شب 17 ربیع الاول یک سال پیش از هجرت (7) نیز ذکر شده است.

ص: 208

1- مناقب آل ابيطالب، ج 1، ص 177.

2- بصائر الدرجات، ج 1، ص 79؛ الخصال، ج 2، ص 601.

3- سوره اسراء، آیه 1.

4- التوحید للصدوق، ص 108.

5- روضة الواعظین، ج 2، ص 501.

6- العدد القویة، ص 234.

7- اقبال الأعمال، ج 3، ص 118 به نقل از کتاب شفاء الصدور، ابوبکر نقاش، ج 45.

در این روز به سال دوم هجری قمری جنگ بدر واقع شد<sup>(1)</sup> و حق تعالی لشکر پیامبرش را بر مشرکین غلبه و ظفر داد و آن از اعظم فتوحات اسلام بوده و در شبش سه هزار فرشته فرود آمدند و بر امیرالمؤمنین علیه السلام سلام کردند<sup>(2)</sup>، در این جنگ تعداد مسلمانان 313 نفر بودند و تعداد مشرکین بین 950 تا 3000 نفر که از مشرکین هفتاد نفر کشته و هفتاد نفر اسیر شدند و بقیه پا به فرار گذاشتند<sup>(3)</sup>.

### مرگ ابوجهل

ابوالحکم عمرو بن هشام بن مغیره مخزومی مشهور به ابوجهل که دشمنی دیرینه ای با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم داشت، در چنین روزی به سال دوم هجری به دست دو نفر از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در جنگ بدر به درک واصل شد<sup>(4)</sup>.

وی از رؤسای قبیله بنی مخزوم بوده که به جهت شدت در عداوت و انکار حق، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم لقب ابوجهل را به او دادند<sup>(5)</sup>. از جنایات ابوجهل می توان کشتن یاسر و همسرش سمیه، پدر و مادر عمار را ذکر کرد که در زمرة نخستین پیروان راستین پیامبر اسلام بودند، وی با طرز فجیعی این دو را به شهادت رساند که در اسلام از آنها به عنوان اولین زن و مرد شهید یاد می شود<sup>(6)</sup>.

### فرمان امام زمان علیه السلام بر ساختن مسجد مقدس جمکران

جناب حسن بن مثله جمکرانی در شب هفدهم ماه مبارک رمضان در سال 393 هجری قمری در بیداری کامل با حضرت بقیه الله روحی فداه ملاقات نموده و آن حضرت امر نمودند به ساختن مسجد مقدس جمکران<sup>(7)</sup> که اصل داستان اینگونه است:

شیخ عقیف و صالح «حسن بن مثله جمکرانی» فرمود: من در شب سه شنبه هفدهم ماه مبارک رمضان سال 393 هجری قمری در منزل خود در قریه جمکران خوابیده بودم، ناگهان در نیمه های شب، جمعی به درب خانه من آمدند و مرا از خواب بیدار کردند و گفتند: برخیز که حضرت بقیه الله امام مهدی روحی فداه تو را می خواهند.

ص: 209

- 1- المغازی للواقدي، ج 1، ص 2؛ الطبقات الكبرى، ج 2، ص 14.
- 2- قرب الإسناد، ص 111.
- 3- المغازی للواقدي، ج 1، ص 145-152؛ مناقب آل أبيطالب، ج 1، ص 187.
- 4- المغازی للواقدي، ج 1، ص 88؛ تاریخ الطبری، ج 2، ص 454.
- 5- أنساب الأشراف، ج 1، ص 125.
- 6- الكامل فی التاريخ، ج 1، ص 664؛ بحار الأنوار، ج 18، ص 241.
- 7- کلمة طيبة، ص 682؛ نجم الثاقب، ص 383؛ مستدرک الوسائل، ج 3، ص 447.

من از خواب برخاستم و آماده شدم که در خدمتشان به محضر حضرت ولی عصر علیه السلام برسم و خواستم در آن تاریکی پیراهنم را بردارم، گویا اشتباه کرده بودم و پیراهن دیگری را برمیداشتم و می خواستم بپوشم که از خارج منزل از همان جمعیت صدایی آمد که به من می گفت: آن پیراهن مال تو نیست، به تن نکن! تا آنکه پیراهن خود را برداشته و پوشیدم. باز خواستم شلوارم را بپوشم، دوباره صدایی از خارج منزل آمد که: آن شلوار تو نیست، نبوش! من آن شلوار را گذاشتم و شلوار خودم را برداشته و پوشیدم. و بالأخره دنبال کلید درب منزل می گشتم، که درب را باز کنم و بیرون بروم، صدایی از همانجا آمد که می گفت: درب منزل باز است، احتیاجی به کلید نیست.

وقتی به درب خانه آمدم، دیدم جمعی از بزرگان ایستاده اند و منتظر من هستند! به آنها سلام کردم، آنها جواب دادند و به من مرحبا گفتند. من در خدمت آنها به همان جایی که الآن مسجد جمکران است، رفتم، خوب نگاه کردم، دیدم در آن بیابان تختی گذاشته شده و روی آن تخت فرشی افتاده و بالش هایی گذاشته شده و جوانی تقریباً سی ساله بر آن بالش ها تکیه کرده و پیرمردی در خدمتش نشسته و کتابی در دست گرفته و برای آن جوان می خواند و بیشتر از شصت نفر در اطراف آن تخت مشغول نمازند!

این افراد بعضی لباس سفید دارند و بعضی لباس هایشان سبز است، آن پیرمرد که حضرت خضر علیه السلام بود، مرا در خدمت آن جوان که حضرت بقیة الله روحی فداه بودند، نشانند و آن حضرت مرا به نام خودم صدا زدند و فرمودند: «حسن مثله» می روی به «حسن مسلم» می گویی تو چند سال است که این زمین را آباد کرده و در آن زراعت می کنی، از این به بعد دیگر حق نداری در این زمین زراعت کنی و آنچه تا به حال از این زمین استفاده کرده ای باید بدهی تا در روی این زمین مسجدی بنا کنیم!

و به حسن مسلم بگو: این زمین شریفی است، خدای تعالی این زمین را بر زمین های دیگر برگزیده است و چون تو این زمین را ضمیمه زمین خود کرده ای، خدای تعالی دو پسر جوان تو را از تو گرفت ولی تنبیه نشدی و اگر از اینکار دست نکشی، خدا تو را به عذابی مبتلا کند که فکرش را نکرده باشی.

من گفتم: ای سید و مولای من! باید نشانه ای داشته باشم تا مردم حرف مرا قبول کنند و الا مرا تکذیب خواهند کرد. فرمودند: ما برای تو نشانه هایی قرار می دهیم، تو سفارش ما را برسان و به نزد «سید ابوالحسن» برو و بگو با تو بیاید و آن مرد را حاضر کند و منافع سال های گذشته این زمین را از او بگیرد و بدهد تا مسجد را بنا کنند و بقیه هزینه مسجد هم از «رهق» به ناحیه اردهال که ملک ما است بیاورد و مسجد را تمام کنند و نصف «رهق» را وقف این مسجد کردیم تا هر سال درآمد آن را برای تعمیرات و

مخارج مسجد بیاورند و مصرف کنند و به مردم بگو:

«به این مسجد توجه و رغبت زیادی داشتهباشند و آن را عزیز دارند» و بگو: «اینجا چهار رکعت نماز بخوانند که دو رکعت اول به عنوان تحیت مسجد است و دو رکعت دوم را به بیت نماز صاحب الزمان علیه السلام بخوانند»، سپس فرمودند:

«فمن صلیهما فکأثما صلی فی بیت العتیق» یعنی: «کسی که این دو نماز را در اینجا بخواند، مانند کسی است که در کعبه نماز خوانده است».

وقتی این سخنان را شنیدم با خود گفتم: محل مسجدی که متعلق به حضرت صاحب الزمان علیه السلام است، همان جایی است که آن جوان با چهار بالش نشسته است، به هر حال حضرت بقیه الله علیه السلام به من اشاره فرمودند که: مرخصی، من از خدمتش مرخص شدم، وقتی مقداری راه به طرف منزل در جمکران رفتم، دوباره مرا صدا زدند و فرمودند: در گله گوسفندان «جعفر کاشانی چوپان» بزی است که تو باید آن را بخری، اگر مردم ده جمکران پولش را دادند بخر و اگر پولش را ندادند باز هم از پول خودت آن بز را بخر و فردا شب که شب هجدهم ماه مبارک رمضان است، آن بز را در اینجا بکش و گوشتش را اگر به هر بیماری که مرضش سخت باشد و یا هر علت دیگری که داشته باشد، بدهی خدای تعالی او را شفا می دهد و آن بز، ابلق و موهای زیادی دارد و هفتعلامت در او هست که سه علامت در طرفی و چهار علامت در طرف دیگر اوست، باز من مرخص شدم و رفتم دوباره مرا صدا زدند و فرمودند: ما هفتاد روز یا هفت روز دیگر در اینجا هستیم (اگر بر هفت روز حمل کنی شب بیست و سوم می شود و شب قدر است و اگر بر هفتاد روز حمل کنی شب بیست و پنجم ذیقعد است که شب بسیار بزرگی است). به هر حال مرتبه سوم از خدمتشان مرخص شدم و به منزل رفتم و تا صبح در فکر این جریان بودم.

صبح نماز را خواندم و به نزد «علی المنذر» رفتم و قصه را برای او نقل کردم و به همراه او به جایگاهی که در شب قبل مرا برده بودند، رفتیم. علامتی که از امام زمان علیه السلام باقی مانده بود در محل مسجد فعلی زنجیرها و میخ هایی بود که در آنجا ظاهر بود و ما آنها را دیدیم، سپس با هم خدمت سید ابوالحسن الرضا رفتیم، وقتی به درب خانه آن سید جلیل رسیدیم، دیدیم خدمتگزارش منتظر ماست، اول از من پرسید: تو اهل جمکرانی؟ گفتم: بله، گفت: سید ابوالحسن از سحرگاه منتظر شماست.

من خدمتش رسیدم سلام کردم، جواب خوبی به من داد و به من احترام گذاشت و قبل از آنکه من چیزی بگویم فرمود: ای حسن مثله! شب گذشته در عالم رؤیا شخصی به من گفت: مردی از جمکران

به نام حسن مثله نزد تو می آید، هر چه گفت حرفش را قبول کن و به او اعتماد نما که سخن او سخن ماست و باید حرف او را رد نکنی. من از خواب بیدار شدم و از آن ساعت تا به حال منتظر تو هستم! من جریان را مشروحاً به ایشان گفتم، او دستور داد اسبها را زین کنند و ما سوار شدیم و با هم حرکت کردیم و به نزدیک ده جمکران رسیدیم.

جعفر چوپان را دیدیم که با گله گوسفندان در کنار راه بود، من از میان گوسفندان او رفتم، دیدم آن بز با جمیع خصوصیات که فرموده بودند در عقب گله گوسفندان می آید، آن را گرفتم و تصمیم داشتم پول آن را بدهم و بز را ببرم، جعفر چوپان قسم خورد که من تا به امروز این بز را در میان گوسفندانم ندیده بودم و امروز هم هر چه خواستم او را بگیرم نتوانستم ولی نزد شما آمد و آن را گرفتید و این بز مال من نیست!

من بز را به محل مسجد فعلی بردم و او را طبق دستوری که فرموده بودند، کشتم و سید ابوالحسن دستور فرمودند که: حسن مسلم را حاضر کنند و مطلب را به او فرمودند و او هم منافع سال های گذشته زمین را پرداخت و زمین مسجد را تحویل داد. مسجد را ساختند و سقف آن را با چوب پوشانیدند و سید ابوالحسن الرضا آن زنجیرها و میخ هایی که در آن زمین باقی مانده بود، در منزل گذاشت و به وسیله آن بیمارها شفا پیدا می کردند، من هم از گوشت آن بز به هر مریضی که دادم شفا یافت.

سید ابوالحسن الرضا آن زنجیرها و میخها را در صندوقی گذاشته بود و ظاهراً بعد از وفاتش وقتی فرزندان می روند که مریضی را با آنها استشفاء کنند، می بینند که مفقود شده است!

شایان ذکر است قدمت مسجد جمکران تا این تاریخ حدود 1070 سال می باشد، چنانچه میرزا حسین نوری<sup>(1)</sup> به نقل از کتاب «تاریخ قم» تألیف حسن بن محمد قمی که در قرن چهارم می زیسته است، حکایت ساخت مسجد جمکران به فرمان امام زمان علیه السلام را در حدود تاریخ 373 الی 393 هجری قمری ذکر کرده است.

2. این فرمان امام زمان علیه السلام به حسن بن مثله جمکرانی در بیداری بوده است و نه در خواب.

3. از دیر زمان مراجع عظام شیعه به مسجد جمکران عنایت خاصی داشته و در این مکان مقدس حضور می یافتند و اعمال این مسجد را چنانچه حسن بن مثله جمکرانی ذکر کرده به جا می آوردند.

4. با توجه به اینکه مسجد جمکران به نقل از حسن بن مثله جمکرانی مستند می باشد، اخبار «من بلغ» شامل آن می شود و می توان اعمال آن را به قصد رجاء مطلوبیت به جا آورد.

ص: 212

1- کلمه طیبه، ص 682؛ نجم الثاقب، ص 383؛ مستدرک الوسائل، ج 3، ص 447.



5. معجزات و کرامات بیشماری که مؤمنان از این مکان مقدس دیده اند، خود دلیل بر تأیید این مسجد مقدس می باشد.

## 18 ماه مبارک رمضان

### نزول زبور

به روایت امام جعفر صادق علیه السلام، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «در روز هیجدهم ماه مبارک رمضان زبور بر حضرت داوود علیه السلام نازل شده است». (1)

زبور را خداوند به حضرت داوود علیه السلام موهبت کرد که شامل ذکرهای مذهبی، تسبیح و تمجید پروردگار و برخی از اخبار آینده (مانند ظهور مهدی موعود عجل الله فرجه) بوده و در قرآن کریم نیز آمده که خدای تعالی فرمود: «ولقد كتبنا فی الزبور من بعد الذکر أن الأرض یرثها عبادی الصالحون» (2) یعنی: «در زبور بعد از ذکر (تورات) نوشتیم که بندگان شایسته ام وارث زمین خواهند شد».

## 19 ماه مبارک رمضان

### لیلة القدر، ضربت خوردن حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام

شب نوزدهم یکی از شب های متبرک است که احتمال داده شده شب قدر باشد و دعا و احیای آن تأکید شده است، (3) هنگام طلوع فجر این روز، عبدالرحمن بن ملجم مرادی که از خوارج کوفه بوده بر سر مبارک حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام که در مسجد کوفه در حال نماز خواندن بودند با شمشیر زهرآلود ضربتی زد که باعث به شهادت رسیدن آن حضرت شد. (4)

امیرالمؤمنین علیه السلام در شب نوزدهم ماه مبارک رمضان در منزل دخت گرامشان زینب صغری (ام کلثوم) علیها السلام افطار مهمان بودند و تا قبل از فجر نخوابیده و مشغول عبادت و تهجد بودند و گهگاهی به آسمان نگاه می کردند و کلمه استرجاع را به زبان جاری می ساختند، آنگاه پیش از طلوع فجر به سوی مسجد حرکت کردند که مرغابیان به شیون صدا بلند کردند که در واقع نوحه می کردند، حضرتش فرمودند چاره ای از تقدیر الهی نیست، سپس راهی مسجد شدند و دو رکعت نماز خواندند، آنگاه بالای بام مسجد رفته و اذان گفتند، سپس پایین آمده و به محراب مسجد رفتند و کمکم مردم حاضر شدند و صف های جماعت برقرار گردید، حضرت علی علیه السلام مشغول نماز نافله بودند، چون خواستند سر از سجده اول رکعت اول نماز بردارند، ابنملجم شمشیر جفا بر فرق نازنین آن حضرت فرود آورد که بر اثر

ص: 213

1- الکافی، ج 2، ص 629.

2- سوره انبیاء آیه 105.

3- الکافی، ج 4، ص 158؛ فضائل الأشهر الثلاثة، ص 103.

4- مسار الشیعة، ص 8.

آن، فرق مبارک حضرت تا پیشانی شکافته شد، امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «بسم الله و بالله و على ملة رسول الله، فزت و رب الكعبة».

آن حضرت غرق خون در محراب افتاد، فرشتگان و ملکوتیان به ناله و گریه در آمدند و جبرئیل بین زمین و آسمان فریاد زد:

«تهدمت و الله أركان الهدى و انطمست و الله نجوم السماء و أعلام التقى و انقصمت و الله العروة الوثقى، قتل ابن عم محمد المصطفى قتل الوصى المجتبى قتل على المرتضى قتل و الله سيد الأوصياء قتله أشقى الأتقياء»<sup>(1)</sup>.

عبدالرحمن بن ملجم مرادی یکی از خوارج بود که با همدستانش در کنار کعبه پیمان بست که به کوفه آید و سحرگاه نوزدهم رمضان، امیرالمؤمنین علیه السلام را در مسجد کوفه به قتل برساند. او مخفیانه به کوفه آمد، و با زنی به نام «قطام» که پدر و برادرانش جزء خوارج بودند و در جنگ نهروان شرکت نموده و به دست امیرالمؤمنین علیه السلام کشته شده بودند، هم پیمان شد و وعده کام گرفتن را به ابن ملجم داد. سپس دو نفر دیگر به نام های «وردان» و «شیب» را همدست خود نمود و آنان در شب نوزدهم ماه مبارک رمضان به عنوان اعتکاف در مسجد کوفه خیمه زدند و به همراهی «اشعث» به توطئه برای کشتن حضرت علی علیه السلام پرداختند.<sup>(2)</sup>

## نزول آیه خمسی

در تفسیر «منهج الصادقین فی إلزام المخالفین» آمده است: «از امام صادق علیه السلام مرویست که نزول آیه خمس در نوزدهم ماه رمضان به سال دوم هجری اتفاق افتاده است».<sup>(3)</sup>

«و اعلموا أنما غنمتم من شیء فأن لله خمسة و للرسول و لذی القربى و الیتامى و المساکین و ابن السبیل إن کنتم آمنتم بالله و ما أنزلنا علی عبدنا یوم الفرقان یوم التقى الجمعان و الله علی کل شیء قدير»<sup>(4)</sup>

یعنی: «بدانید از چیزی که فائده بردید، یک پنجم آن مال خدا و پیامبر و خویشان وی و مال یتیمان و فقیران و مسافران در راه مانده است (باید به ایشان برسانید) اگر به خدا و آنچه نازل کردیم بر بنده مان (حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم) در روز جدا کننده حق از باطل، روز رویارویی دو گروه (مؤمن و کافر در جنگ بدر) ایمان آورده اید».

در اینجا لازم به ذکر است که فرقه های ضالّه و گمراه که علیه احکام اسلام به ستیز برخاسته اند، ایراد می گیرند که خمس و فروع آن که در مکتب تشیع است، جزء احکام اسلام نمی باشد و دلیل نقلی بر آن اقامه نشده است؛ در جواب می گوئیم:

ص: 214

1- بحار الأنوار، ج 42، ص 276-286.

2- البداية و النهاية، ج 7، ص 361-362؛ تنمة المنتهی، ص 53-55.

3- منهاج الصادقین، ج 4، ص 202.

4- سورة انفال، آیه 41.

اولاً مکلف در مسائل احکام باید از مجتهد جامع الشرایط تقلید کند و نباید درصدد یافتن ادله اجتهادی احکام باشد، زیرا این امر (ادله احکام) تخصصی بوده و در فراخور فهم و درک مقلد از جهت استدلال و سعه زمانی نمی باشد؛

ثانیاً با این حال برای جواب دادن به شبهه انگیزان مختصراً عرض می کنیم: در آیه 41 سوره انفال، تصریح به دادن خمس از سوی مسلمانان شده است.

شبهه دیگر اسلامستیزان این است که آیه 41 سوره انفال پیرامون غنائم جنگی می باشد، در جواب می گوئیم: این آیه گر چه بعد از غزوه بدر نازل شده است، اما هیچگاه انحصار به غنیمت جنگی ندارد، چنانکه در آیه شریفه تصریح به غنیمت جنگی نشده است، بلکه می فرماید: «أما غنمتم من شیء» و این جمله اطلاق دارد و بنا بر معنای لغوی کلمه «غنیمت» و تصریح روایات بسیار زیاد در زمینه خمس(1)، غنیمت شامل هر بهره و سود می شود که تنها یکی از مصادیق آن غنائم جنگی است.

بنابراین از آن روز مسلمانان مکلف شدند در موقع تحصیل فایده و سود، یک پنجم آن را به عنوان خمس پردازند که نصفش سهم سادات و نصف دیگر مال امام علیه السلام می باشد.

در «مجمع البحرین» ماده «غنم» آمده: «الغنیمة فی الأصل هی الفائدة المكتسبة...»(2) یعنی: «غنیمت در لغت فایده به دست آمده را گویند» و در «مجمع البیان» آمده علمای شیعه با استناد به آیه شریفه 41 سوره انفال و روایات بسیار زیاد می گویند: خمس در هر فائده ای که به دست انسان می آید واجب است از قبیل کسبها و منفعت تجارتها و در گنج و معدن ها و آنچه از قعر دریا به دست آید و از چیزهایی که در کتب فقه مذکور است.(3) (مثل مال حلال مخلوط به حرام و جواهری که به واسطه غنیمت به دست می آید و زمینی که کافر ذمی از مسلمان می خرد و غنائم جنگی).

## 20 ماه مبارک رمضان

### شدت بیماری امیرالمؤمنین علیه السلام

در روز بیستم ماه مبارک رمضان بیماری حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بر اثر اصابت شمشیر زهرآلود ابن ملجم مرادی شدت یافت و آن حضرت در حالی که فرزندانش دورش را گرفته بودند، آنها را وصیت به صبر می نمود و از یتیمان کوفه دلجویی می کرد و تمامی شیعیان را امر نمود بعد از شهادتش

ص: 215

1- در دو کتاب وسائل الشیعة و مستدرک الوسائل حدود 110 حدیث درباره موارد وجوب خمس و مصرف آن نقل شده است.

2- مجمع البحرین، ج 6، ص 129.

3- مجمع البیان، ج 4، ص 836.

پیرو امام حسن مجتبی علیه السلام گردند و از او اطاعت نمایند. (1)

### فتح مکه و شکستن بت های کعبه توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علیه السلام

در بیستم ماه مبارک رمضان سنه هشتم هجرت، مسلمانان مکه را فتح کردند (2) و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم وارد مسجد الحرام شدند و بت هایی که در مسجد الحرام نصب بود سیصد و شصت بت بوده که آنها را فرود آوردند و فرمودند: «جاء الحق و زهق الباطل إن الباطل كان زهوقاً» (3) یعنی: «حق آمد و باطل نابود شد، قطعاً باطل نابود شدنی است».

پیامبر تمامی بت ها را همراه امیرالمؤمنین علیه السلام از کعبه بیرون ریختند و تنها بتی ماند که در بلندی قرار داشت، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: یا رسول الله! شما پای مبارک بر دوش من بگذارید و بت ها را به زیر افکنید. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «علی جان! اگر کوشش کنند از امت من از اولینشان تا آخرینشان، نمی توانند عضوی از اعضای مرا حمل کنند، تو بیا قدم بر دوش من بگذار و بت بزرگ را به زیر انداز. (4)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پس از این واقعه حضرت ابراهیم علیه السلام را اولین بت شکن و امیرالمؤمنین علیه السلام را آخرین بت شکن معرفی کردند. (5)

### 21 ماه مبارک رمضان

#### ليلة القدر

شب بیست و یکم دومین شب از شبهایی است که احتمال شب قدر داده می شود که دعا و احیای آن تأکید شده است. (6)

#### شهادت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام

در شب بیست و یکم رمضان به سال چهل هجری قمری امیرالمؤمنین علیه السلام در اثر ضربت ابن ملجم مرادی به شهادت رسیدند (7) و به سفارش خود آن حضرت، شبانه و مخفیانه و غریبانه توسط امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام در قبری که جناب نوح نبی علیه السلام از قبل مهیا نموده بود، (8) به خاک سپرده شدند. (9)

ص: 216

1- بحار الأنوار، ج 42، ص 290.

2- المغازی للواقدی، ج 3، ص 889؛ مسار الشیعة، ج 1، ص 26.

3- سوره ابراء، آیه 81.

4- البرهان، ج 3، ص 580.

5- الفضائل، ابن شاذان، ص 97.

6- الکافی، ج 4، ص 156؛ فقه الرضا علیه السلام، ص 205.

7- مسار الشیعة، ص 10.

8- مناقب آل أبي طالب عليهم السلام، ج 2، ص 348.

9- الكافي، ج 1، ص 458؛ الإرشاد، ج 1، ص 24؛ بحار الأنوار، ج 42، ص 291-296.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مکرر خبر از شهادت علی بن ابی طالب علیه السلام داده بودند، یکی از آن موارد در آخرین جمعه ماه شعبان بود، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مسجد خطبه ای در تمجید ماه رمضان خواندند و در آخر خطبه ناگهان گریستند. امیرالمؤمنین علیه السلام عرض کرد: یا رسول الله! «ما بیکیک؟» چه چیز موجب گریه شما شده است؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

یا علی أبکی لما يستحل منک فی هذا الشهر کأنی بک و أنت تصلی لربک و قد انبعث أشقی الأولین و الآخین شقیق عاقر ناقة ثمود فضریک ضربة علی قرنک فخصب منها لحیتک» (1)؛

یعنی: «علی جان! گریه می کنم برای آنچه در این ماه (رمضان) به تو می رسد، گویی تو را می نگرم که برای پروردگارت نماز می خوانی، که شقی ترین اولین و آخرین، هم مسلک پی کننده شتر صالح (در ماجرای قوم ثمود) ضربتی به سرت می زند که بر اثر آن خون سرت جاری شده و محاسنت از آن رنگین می گردد».

از امام محمد باقر علیه السلام منقول است که شبی که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام شهید شد، هر سنگی را که از روی زمین بر می داشتند از زیر آن خون تازه می جوشید تا طلوع صبح (2).

### بیعت مسلمانان با امام حسن مجتبی علیه السلام به جهت خلافت

در چنین روزی پس از شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام مسلمانان کوفه با امام حسن مجتبی علیه السلام به عنوان خلیفه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بیعت نمودند (3) و این خلافت حدود شش الی هشت ماه طول کشید که با تزویر و نیرنگ معاویه و بی وفایی یاران امام علیه السلام، آن حضرت مجبور به صلح با معاویه شدند.

### رحلت حضرت موسی کلیم الله علیه السلام

در حدیث معتبر امام محمد باقر علیه السلام می فرمایند: «شب بیست و یکم ماه مبارک رمضان شبی است که اوصیای پیغمبران در این شب از دنیا رفتند و در این شب حضرت عیسی علیه السلام را به آسمان بردند و در این شب حضرت موسی علیه السلام از دنیا رفت» (4).

### شهادت یوشع بن نون علیه السلام

یوشع بن نون با ظالمین زمان خود جنگ های بسیاری نمود تا اینکه در شب بیست و یکم ماه رمضان به شهادت رسید (5).

ص: 217

1- الأمالی للصدوق، ص 95.

2- کامل الزیارات، ص 76.

3- الإرشاد، ج 2، ص 8.

4- الخصال، ج 2، ص 508.

5- الکافی، ج 1، ص 457.

امام جعفر صادق علیه السلام می فرمایند: «حضرت موسی علیه السلام وصیت کرد به یوشع بن نون و او را وصی خود گردانید و یوشع علیه السلام نیز فرزندان هارون را وصی و خلیفه گردانید و فرزندان خود و فرزندان موسی علیه السلام را بهره ای نداد زیرا که تعیین خلیفه و امام از جانب خداست و کسی را در آن اختیاری نیست...» (1).

### عروج حضرت عیسی علیه السلام به آسمان

در شب بیست و یکم ماه رمضان جناب عیسی بن مریم علیهما السلام در 33 سالگی به آسمان عروج کرد (2). ولی مسیحیان تصور می کنند آن حضرت را یهودیان کشته اند و قرآن در مورد عروج آن حضرت می فرماید: «وقولهم إنا قتلنا المسيح عیسی ابن مریم رسول الله و ماقتلوه و ماصلبوه و لكن شبّه لهم و إن الذین اختلفوا فیه لفی شک منه ما لهم به من علم إلا اتباع الظن و ما قتلوه یقیناً \* بل رفعه الله إلیه و کان الله عزیزاً حکیماً» (3).

یعنی: «و گفتارشان است که ما مسیح، عیسی بن مریم، پیامبر خدا را کشتیم، در حالی که نه او را کشتند و نه او را به دار آویختند، بلکه حقیقت بر آنها مشتبه شد و قطعاً کسانی که در مورد او (حضرت عیسی علیه السلام) اختلاف کردند، از آن در شک هستند و علم آن را ندارند و تنها از گمان پیروی می کنند و یقیناً او را نکشتند \* بلکه خدا او را به سوی آسمان بالا برد و خدا عزیز حکیمی است».

عروج حضرت عیسی به آسمان از مسائل اختلافی بین مسلمانان و مسیحیان است و از پرجنجال ترین مباحث اعتقادی بین این دو دین گردیده است، حال آنکه انجیل «برنابا» که در سنه 325 میلادی با تصمیم شورای نیکیه کنار گذاشته شد (4)، تصریح می کند حضرت عیسی علیه السلام کشته نشد و به آسمان عروج نمود (5)، همچنین در این انجیل با صراحت کامل نام پیامبر اسلام (حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم) آورده شده (6) و در انجیل یوحنا نیز نام پیامبر اسلام (فارقلیط) (7) و جانشینش، امام علی علیه السلام (ایلیا) (8) ذکر شده است.

### وفات شیخ حر عاملی رحمه الله

محمد بن حسن معروف به شیخ حرّ عاملی در 8 رجب سال 1033 قمری در منطقه جبل عامل لبنان دیده به جهان گشود. نسب وی با 36 واسطه به حرّ بن یزید ریاحی که در صحرای کربلا شهید شد،

ص: 218

1- الکافی، ج 1، ص 293.

2- الکافی، ج 1، ص 457؛ تفسیر القمی، ج 2، ص 270.

3- سوره نساء، آیه 157 و 158.

4- عیسی پیامبر اسلام، محمد عطاء الرحیم، بخش 3، ص 29.

5- انجیل برنابا، فصل 216.

6- انجیل برنابا، فصل 18.

7- انجیل یوحنا، باب 14، آیه 16.

8- انجیل یوحنا، باب 1، آیات 20 - 22.

می رسد. شیخ حر عاملی در سال 1073 به مشهد مقدس هجرت می کند و سرانجام در چنین روزی به سال 1104 هجری قمری در آن جا وفات می یابد و در حرم مطهر امام رضا علیه السلام در صحن اسماعیل طلایی، روبروی رواق اتابکی به خاک سپرده شد که مرقدش هم اکنون محل زیارت مؤمنین می باشد.

شیخ حر عاملی از محدثین جلیل القدر جهان تشیع می باشد که از خود کتاب های گرانسنگی از جمله: «وسائل الشیعة»، «اثبات الهداة»، «الفصول المهمة» و ... به جای گذاشته است.

وی در کتاب «اثبات الهداة» درباره کرامات امام رضا علیه السلام در مدت اقامتش در مشهد مقدس می نویسد: «مؤلف این کتاب محمد بن الحسن الحر گوید: من بسیاری از این کرامات را چنانکه طبرسی مشاهده کرده و برای او یقین گردیده، در مدت مجاورت خود در مشهد حضرت رضا علیه السلام که بیست و شش سال بود، دیدم و مشاهده کردم و یقین نمودم و در این باره اخباری شنیدم که متجاوز از تواتر است و به یاد ندارم که در این مشهد مقدس دعایی کرده باشم و به وسیله آن حضرت از خداوند حاجتی خواسته باشم مگر اینکه برآورده شده و الحمد لله ...» (1).

## 23 ماه مبارک رمضان

### لیلة القدر، شب سوم شهادت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام

شب بیست و سوم یکی از شب های دیگری است که به احتمال قویتر شب قدر می باشد، از روایات نیز چنین برمی آید که این شب به لیلة القدر نزدیکتر است، (2) لذا احیاء و دعا در این شب بسیار تأکید شده است. حضرت فاطمه زهرا علیها السلام به اهل خانه دستور می دادند که در روز استراحت کنند تا شب بهتر و راحتتر به عبادت پردازند (3) و همچنین شب سوم شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام می باشد.

### نزول دفعی قرآن

لیلة القدر به دو معنا می باشد: یکی اینکه تقدیرات مخلوقات در این شب تا سال دیگر معین می گردد و به ولی زمان علیه السلام ابلاغ می شود؛ معنای دوم اینکه در این شب (لیلة القدر) نزول دفعی قرآن بر قلب مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم صورت گرفته است.

ص: 219

1- اثبات الهداة، ج 4، ص 359.

2- تهذیب الأحکام، ج 4، ص 330؛ دعائم الإسلام، ج 1، ص 282.

3- دعائم الإسلام، ج 1، ص 282.



## شهادت میرزا محمد تقی موسوی اصفهانی، صاحب «مکیال المکارم»

در چنین روزی میرزا محمد تقی موسوی اصفهانی صاحب کتاب ارزشمند «مکیال المکارم» در سال 1348 قمری به شهادت رسید، چنانکه فرزند ایشان آیت الله سید محمد موسوی اصفهانی در مقدمه کتاب نور الأبصار درباره شهادت ایشان آورده است: «او ستاره ای درخشنده بود که با طلوع خود دلها را مجذوب خویش نمود، ولی افسوس که زود غروب نمود و سرانجام با توطئه دشمنان دین و نوشیدن زهر کین به وسیله یکی از اعضای فرقه ضالّه (بهائیت) به شهادت رسید و در ماه مهمانی پروردگار به ضیافت الهی نائل گشت» (1).

مرحوم میرزا محمد تقی از علمای با اخلاص و منتظر واقعی امام زمان علیه السلام بود که شب و روز انتظار فرج را می کشید و از غفلت مردم نسبت به امام زمانش رنج می برد، لذا کتاب مستطاب «مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم علیه السلام» را به امر امام زمان علیه السلام، محققانه و عالمانه در دو جلد تألیف نمود تا مردم را متوجه امام زمان علیه السلام گرداند، این کتاب به زبان های معروف دنیا ترجمه شده است؛ خود آن بزرگوار در مقدمه کتاب می فرماید: «آقایی را در خواب دیدم که با قلم و سخن نتوان او را توصیف نمود، یعنی مولا و حبیب دل شکسته ام و امامی که در انتظارش هستیم، او را در خواب دیدم که با بیانی روح انگیز چنین فرمود: این کتاب را بنویس و عربی هم بنویس و نام آن را بگذار، «مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم علیه السلام»؛ چه نیکوست این دو جلد کتاب در حوزه های علمیه جزء دروس جنبی طلاب در پایه اول و دوم قرار گیرد تا طلاب از بدو ورود به حوزه، چنانکه جیره خوار آن حضرت می باشند، سربازی فداکار برای آن حضرت تربیت شوند تا بتوانند رسالت انتظار و دعا برای فرج را به مردم برسانند.

وی را در تخت فولاد اصفهان به خاک سپردند که هم اکنون مقبره منور ایشان در آخر گلستان شهدای اصفهان محل زیارت مؤمنین و منتظرین است، ایشان در فراق امام زمان علیه السلام نیز چنین سروده است:

ای وصل تو غایب المراد دل ما \*\*\* وی ذکر تو زیب و زیور محفل ما

اندر دل ما لشکر غم منزل کرد \*\*\* زان روز که دور گشتی از منزل ما

ص: 220

### میلااد مسعود علیا مخدره، زینب صغری، ام کلثوم علیها السلام

در چنین روزی (26 ماه مبارک رمضان) به سال 9 هجری قمری تولد حضرت زینب صغری علیها السلام مکناة به «ام کلثوم» واقع شده است.

ذکر روز ولادت این مخدره در اکثر منابع تاریخی مبهم و خاموش مانده است ولی با تحقیق و پژوهش در لابلای روایات و منابع تاریخی توانستیم به تاریخی برسیم که بعضی از مورخین آن را به جهت تشابه اسمی بین زینبین علیهما السلام به زینب کبری علیها السلام نسبت داده اند.

چکیده پژوهش را تقدیم علاقه مندان به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام می نمایم:

حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و امیرالمؤمنین علیه السلام دو دختر گرانقدر داشتند که همنام بوده و با صفت و کنیه ای از هم تمایز پیدا می کردند، لذا در منابع تاریخی از دختر اول به زینب کبری علیها السلام و از دختر دوم به زینب صغری علیها السلام یاد شده است، به طور مثال شیخ مفید رحمه الله می نویسد:

«اولاد امیرالمؤمنین علیه السلام: (امام) حسن، (امام) حسین، (حضرت) زینب کبری و زینب صغری که مکناة به ام کلثوم می باشد و مادرشان فاطمه زهرا علیها السلام است».<sup>(1)</sup>

و در دیگر منابع تاریخی از دختر دوم به نام «زینب صغری» و «ام کلثوم صغری» یاد شده است و چه بسا «ام کلثوم صغری» غیر نام «زینب صغری» می باشد، بنابر اینکه خواهری دیگر از مادری غیر از حضرت فاطمه زهرا علیها السلام داشته است، بدین جهت در بسیاری از منابع فریقین عامه و خاصه از این بانو تعبیر به «ام کلثوم کبری» شده است.

محقق هبة الدین شهرستانی می نویسد: «امیرالمؤمنین علیه السلام دو دختر به نام زینب و ملقب به ام کلثوم داشتند و در بین آن دو، بانوی بزرگتر همان بانوی کربلاست که ابن عباس او را بانوی خردمند بنی هاشم می نامد و حضرت فاطمه زهرا علیها السلام وی را دو سال بعد از ولادت امام حسین علیه السلام به دنیا آورده است».<sup>(2)</sup>

صاحب کتاب «ریاحین الشریعة» ذیل احوالات «ام کلثوم» به این تشابه اسمی اشاره می کند و می نویسد: «و لایخفی آنچه در تحت این عنوان ذکر می شود فقط به نام «ام کلثوم» است. ولی معلوم نیست علی نحو الجزم که «ام کلثوم» که یکی از کنیه های زینب کبری است مراد است یا «ام کلثوم»

ص: 221

1- الإرشاد، ج 1، ص 354.

2- نهضة الحسین علیه السلام، حسینی شهرستانی، ص 141.

وسطی» که خواهر علیا مخدره زینب باشد، یا «ام کلثوم صغری» که دختر زینب یا خواهر پدری او باشد، فکیف کان در این اوراق آنچه به نام «ام کلثوم» است تحت این عنوان ذکر می شود». (1)

شایان ذکر است که در عرف آن زمان نام گذاری شماری از فرزندان به یک نام (به جهت احترام آن نام یا بزرگداشت آن نام) رایج و معمول بوده است که با صفت و یا کنیه از یکدیگر تمایز پیدا می کردند، با توجه به این تشابه اسمی بین زینبین علیهما السلام خلاصه گزارش «ناسخ التواریخ» پیرامون ولادت زینب علیها السلام را می آوریم:

«پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که به غزوة تبوک رفته بودند، هنگام مراجعت هنوز از ماه مبارک رمضان سال نهم هجری روزی چند بجای مانده بود که دختری برای فاطمه زهرا علیها السلام و امیرالمؤمنین علیه السلام به دنیا آمد و انتخاب نام او را به مراجعت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم واگذار می کنند».

سپس باز می نویسد: «این سفر در سال نهم هجرت بوده و از آن پس پیامبر را غزوه ای نیفتاد و چون مراجعت فرمود، هنوز از شهر رمضان المبارک سال نهم هجری روزی چند به جای مانده بود» و با این تقریر می توان گفت ولادت با سعادت آن علیا مخدره، زینب علیها السلام در ماه مبارک رمضان به سال نهم هجرت مقارن با مراجعت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از سفر تبوک بوده است». (2)

با توجه به این تشابه اسمی بین زینبین علیهما السلام و همچنین با توجه به اینکه اکثر مورخین ولادت حضرت زینب کبری علیها السلام را اول شعبان یا پنجم جمادی الاول به سال پنجم یا ششم ذکر کرده اند به این نتیجه می رسیم که این تاریخ (رمضان سال نهم هجرت) ولادت حضرت زینب صغری علیها السلام بوده که بر تاریخنگاران و گزارشگران مشتبه شده است و مؤید این نتیجه نیز گزارش محقق گرامی معاصر مرحوم حاج شیخ علی فلسفی رحمه الله (نویسنده کتاب هزار علم از علوم امیرالمؤمنین علیه السلام) است که در کتاب «احوال ام کلثوم علیها السلام» به نقل از کتاب «ام کلثوم و عقیده زینب علیهما السلام» نوشته محمود علی بیلاوی مصری، می نویسد: «آن علیا مخدره در 26 ماه مبارک رمضان به سال نهم هجرت دیده به جهان گشود».

بعضی از منابع تاریخی علت نامیدن زینب صغری علیها السلام به «ام کلثوم» را اینگونه نقل کرده اند که شبیه به دختر خوانده رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم «ام کلثوم» بوده است. (3)

هنگامی که رسول خدا از سفر غزوه تبوک برگشتند، نام این دختر را «ام کلثوم» نهادند و فرمودند به

ص: 222

1- ریاحین الشریعة، ج 3، ص 245.

2- ناسخ التواریخ، زندگانی حضرت زینب علیها السلام، ج 1، ص 44.

3- الکنی و الالقاب، ج 1، ص 228 به نقل از رحلة ابن بطوطه، ص 117.

حاضران و غائبان اتم وصیت می کنم و می خواهم که به همه خبر دهند که این دخترم را احترام کنند و گرامی بدارند، وی شبیه خاله اش ام کلثوم (دختر خوانده رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم) است.

لازم به ذکر است از مظلومیت های این بانوی دو سرا، همچنان که روز ولادت و شهادتش میان مردم مسکوت مانده و تجلیل شایسته با برگزاری محافل و مجالس ولادت و شهادت آن بی بی علیها السلام نمی شود، از مظلومیتش این است که دشمنان امیرالمؤمنین علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام با جعل روایاتی دروغین تزویج با عمر بن خطاب را به آن علیا مخدره نسبت می دهند که حقیر گوشه هایی از جعلی بودن این تزویج را در روز شهادت آن بی بی (29 جمادی الثانی) آورده ام طالبین به آنجا مراجعه کنند.

## 27 ماه مبارک رمضان

### شب قدر نزد عامه

بعضی شب 27 ماه مبارک رمضان را لیلۃ القدر می دانند که مأخوذ از کتب عامه و منقول از حسن بصری سنی مذهب است (1) و شب قدر مشهور نزد شیعیان 19، 21 و 23 ماه رمضان می باشد.

شایان ذکر است که طبق روایات صحیحی که می فرماید: «الرَّشْدُ فِي الْخِلَافِ» (2) یعنی رشد در عبادت، مخالفت با مخالفین مکتب اهل بیت علیهم السلام است، شیعیان این شب را شب قدر نمی دانند.

### به درک واصل شدن ابن ملجم، قاتل امیرالمؤمنین علیه السلام

بنا بر نقل ابن سعد در کتاب «الطبقات الكبرى» (3) و ابن جوزی در کتاب «تذکرۃ الخواص» (4) که هر دو از مورّخین ابناء عامه (اهل سنت) می باشند، به درک واصل شدن ابن ملجم مرادی، قاتل امیرالمؤمنین علیه السلام، به دست امام حسن مجتبی علیه السلام در 27 ماه رمضان می باشد.

شیعیان از قدیم الایام پس از چند شب عزاداری در غم و ماتم امیرالمؤمنین علیه السلام، این روز را برای شادی و اقامه مراسم جشن و سرور به خاطر به درک واصل شدن ابن ملجم مرادی مناسب تر دیده و در آن به شادی می پردازند و در اصول کافی از ابراهیم عقیلی آمده است: «وقتی ابن ملجم به امیر مؤمنان علیه السلام ضربت زد، آن حضرت به امام حسن علیه السلام فرمودند: پسر جانم! وقتی من مُردم، ابن ملجم را بکش و برای او در گُناسه، قبری بکن و او را در آنجا بیانداز که آنجا یکی از بیابان های دوزخ است». عقیلی می گوید: گُناسه جایی در باب طاق محامل در محل کبابی ها و کله پزهاست. (5)

ص: 223

1- العدد القویة، ص 242.

2- الکافی، ج 1، ص 8.

3- الطبقات الكبرى، ج 3، ص 39.

4- تذکرۃ الخواص، ص 178.

5- الکافی، ج 1، ص 300.

پس از آنکه امام حسن مجتبی علیه السلام با یک ضربه شمشیر، ابن ملجم مرادی را به جهنم واصل نمودند، مردم به سوی قطام ملعونه فاسقه هجوم آوردند و او را نیز با شمشیر به درک واصل کردند. (1)

ابن بطوطه در سفرنامه خود چنین می نویسد: «هنگامی که به کوفه مسافرت کردم در غرب جبانه کوفه در زمینی سفید، زمینی بسیار سیاه دیدم و علت آن را پرسیدم، گفتند: اینجا قبر ابن ملجم مرادی است و عادت اهل کوفه این است که هر سال هیزم زیادی می آورند و در این مکان می سوزانند». (2)

### رحلت علامه مجلسی رحمه الله

در بیست و هفتم ماه مبارک رمضان مروج بزرگ مذهب شیعه، علامه جلیل القدر محمد باقر مجلسی رحمه الله، صاحب «بحار الأنوار»، در سن 73 سالگی سنه 1111 هجری قمری در اصفهان دار فانی را وداع گفت و مدفن شریف ایشان در کنار قبر پدر بزرگوارش جناب محمد تقی مجلسی و فرزند فرزانه اش محمد رضا مجلسی می باشد که در اصفهان به «مرقد مجلسی» معروف است.

قبر شریف ایشان در جامع عتیق اصفهان ملجأ خلاق است و از مشهورات است استجاب دعا در این بقعه مبارکه. احوالات این عالم ربانی را در کتاب موسوم به «امام زمان علیه السلام و علامه مجلسی رحمه الله» این جانب نوشته ام، طالبین به آن کتاب رجوع کنند.

### 30 ماه مبارک رمضان

#### وفات الجایتو سلطان محمد خدابنده

در سیم ماه مبارک رمضان سنه 716 هجری قمری، الجایتو سلطان محمد خدابنده که عمرش به سی و شش رسیده بود وفات نمود (3) و بعضی 27 ماه رمضان را نقل کرده اند. (4)

معنی الجایتو یعنی «سلطان مبارک»، او معتقد و مروج تشیع بوده و علمای شیعه همچون علامه حلی رحمه الله و غیره را تعظیم می کرده و از آثار به جای مانده او گنبد سلطانیه در نزدیکی زنجان و مسجدی باشکوه که جایگاه نماز خواندن امیرالمؤمنین علیه السلام همراه اصحابش در جوار ذوالکفل نزدیک کوفه است، می باشد.

علت تشیع محمد خدابنده را سه امر دانسته اند:

1. زوجه شیعه او که باعث تشیع همسرش شد.

ص: 224

1- بحار الأنوار، ج 42، ص 298.

2- رحلة ابن بطوطه، ج 1، ص 167.

3- توضیح المقاصد، ص 24.

4- النجوم الزاهرة، ج 9، ص 238.

2. امیر طرمطار که مفتخر به تشیع و از مقربین سلطان بوده.

3. پس از اینکه محمد خدابنده همسرش را سه طلاقه داده بود، علامه حلی با قواعد فقه اهل بیت علیهم السلام آن زن را به وی باز گرداند و با بحث های علمی که در محضر پادشاه و علمای اهل سنت انجام شد، آنها را مجاب نمود و باعث تشیع محمد خدابنده گردید.

### تشیع محمد خدابنده

شاه محمد خدابنده همسری داشت که بینهایت به وی علاقه مند بود، پس به جهت ناراحتی در یک مجلس او را سه طلاقه کرد، از کار خود پشیمان شد و از مفتیان سنی مذهب سؤال کرد که راه چاره چیست؟ گفتند: محتاج به محلل است (یعنی باید این زن با مرد دیگری ازدواج کند و آمیزش نماید سپس طلاقش دهد تا شوهر اول بتواند با او مجدداً ازدواج کند).

سلطان بسیار ناراحت شد و غیرتش اجازه نمی داد همسرش با مرد دیگری ازدواج کند، وزیری داشت که در باطن شیعه بود، گفت: گروهی از مسلمانان در حکومت شما زندگی می کنند که به آنها «شیعه» می گویند و رئیسشان «علامه حلی» است، آنان سه طلاقه در یک مجلس را باطل می دانند، می خواهید با آنان صحبت کنید، اگر فتوایشان را پسندیدید به آن عمل کنید و همسران را برگردانید.

سلطان دستور به احضار علامه حلی داد و علامه را از شهر حله، محل سکونتش، با کمال احترام به سلطانیه آوردند. شاه خدا بنده مجلسی ترتیب داد و تمامی علما و بزرگان چهار مذهب اهل سنت را احضار نمود تا با علامه حلی در «مذهب» و مسئله «سه طلاقه در یک مجلس» بحث کنند.

هنگامی که مجلس آماده شد و تمامی علمای مذاهب اربعه و وزیران و بزرگان لشکری و کشوری حضور به هم رسانیدند، جناب علامه حلی نعلین خود را زیر بغل گذاشت و وارد مجلس شد و سلام کرد و کنار تخت پادشاه نشست، این کار علامه بر حاضران گران آمد و زبان به اعتراض باز کردند، سلطان دستور به سکوت داد و گفت: هر کس سؤالی دارد پرسد، گفتند: پادشاه! این رافضی به شما بیاحترامی نمود و کنار تخت شاهنشاهی نشست!! و به شما تعظیم نکرد!!

علامه در پاسخ فرمود: اسلام می فرماید: وقتی وارد مجلسی شدید سلام کنید، «فإذا دخلتم بیوتاً فسلموا»<sup>(1)</sup>، من سلام کردم و شما جواب سلام مرا ندادید.

در اسلام تعظیم و خم شدن همانند رکوع برای خداوند تجویز شده، نه برای هر شخصی و اینکه

ص: 225

اسلام می فرماید: «یا ایها الذین آمنوا إذا قیل لکم تَقَسَّ حوا فی المجالس فافسحوا یفسح الله لکم» (1) ولی شما جایی برایم باز نکردید، دیدم کنار تخت پادشاه جای خالی است آنجا نشستم.

سؤال کردند چرا نعلین خود را زیر بغلت گذاشتی و وارد قصر پادشاه شدی؟ مگر اینجا دزد است و این عمل تویی احترامی نسبت به پادشاه است!

علامه فرمود: می گویند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در جایی میهمان بود، «ابوحنیفه» کفش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را دزدید، ترسیدم کفش مرا نیز بدزدند. علمای حنفی گفتند: چقدر شما از تاریخ بی خبری! ابوحنیفه زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نبود، بلکه نزدیک صد سال بعد به دنیا آمد، چگونه نعلین رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را دزدید؟! علامه فرمود: اشتباه کردم، «مالک» امام مالکی ها دزدید. علمای مالکی مذهب گفتند: جناب مالک بعد از ابوحنیفه به دنیا آمده! علامه فرمود: اشتباه کردم، «احمد بن حنبل» دزدید، علمای حنبلی گفتند: احمد بن حنبل بعد از مالک به دنیا آمده! علامه فرمود: اشتباه کردم، «ابن ادریس شافعی» دزدیده، علمای شافعی گفتند: ابن ادریس شافعی بعد از «حنبل» به دنیا آمده!!

علامه حلی اینگونه از همه علمای اهل سنت اقرار گرفت که پیشوایان و امامان آنها هیچ یک در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نبوده اند، پس چگونه این مذاهب احداث شدند و به چه دلیل پیرو این مذاهب هستند؟! سپس رو به پادشاه کرد و گفت: ما پیرو امیرالمؤمنین، علی بن ابیطالب علیه السلام هستیم که در دامان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پرورش یافت و اول مسلمان می باشد، باب علم مدینه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می باشد و آن حضرت علومش را به فرزندان معصومش علیهم السلام یکی پس از دیگری عطا فرموده، لذا ما پیرو مکتب اهل بیت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم هستیم.

سپس طبق قواعد فقهیه اثبات کرد در یک مجلس طلاق سه مرتبه واقع نمی شود، بلکه یک طلاق صورت گرفته و شاه می توانند به همسرشان رجوع کنند. پس از آن علامه حلی در مورد وصایت و خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام با علمای اهل سنت به مناظره نشست و دو هزار دلیل بر اثبات خلافت و ولایت آن حضرت اقامه نمود که آنها را در کتابی به نام «الفتین» جمع نمود.

بدین ترتیب شاه محمد خدا بنده تشیع را اختیار کرد و دستور داد سکه به نام دوازده امام علیهم السلام ضرب کنند و در خطبه ها بعد از نام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فقط نام دوازده امام علیهم السلام را بیاورند و بدین صورت تشیع در ایران رواج پیدا کرد. هم اکنون مسجد علامه حلی در سلطانیه موجود می باشد که علامه در ایام سکونتش در سلطانیه در آن مکان اقامه نماز می نموده است. (2)

ص: 226

1- سوره مجادله، آیه 11.

2- حکایات و مناظرات، ص 192-194.

ماه شوال المكرم

اشاره

ص: 227



عید فطر یکی از اعیاد چهارگانه مسلمین (غدیر، فطر، قربان و جمعه) می باشد که مسلمانان به امر پیامبر این روز را عید و بزرگ می شمارند و بعد از یک ماه کامل روزه داری، عبادت و نیایش پروردگار، در این روز خدا را سپاس و شکر می گویند. از جمله اعمال مهم این روز، نماز عید فطر می باشد که در زمان حضور معصوم علیه السلام واجب و در غیر حضور معصوم، رجاء خوانده می شود. برای سایر اعمال این روز به کتب ادعیه همانند مفاتیح الجنان رجوع شود.

### به درک واصل شدن عمرو بن العاص

در روز عید فطر به سال 43 قمری، عمرو بن العاص با زجر و درد به درک رفت، (1) چنانکه نقل شده است در لحظات آخر عمرش می گفت: «حال من چنان است که کوه رضوی را بر گردن من حمل داده اند و در درونم تیغ و خار است و گویی جانم از سوراخ سوزن می خواهد بیرون آید». (2)

عمرو عاص همدم و یاور معاویه بن ابی سفیان بود و با حيله و نیرنگ، امیرالمؤمنین علیه السلام و امام مجتبی علیه السلام و امام حسین علیه السلام را بسیار آزد. وی همراه معاویه با دسیسه های شیطانی و نیرنگ های ابلیسی مثل قرآن به نیزه کردن و بذل و بخشش کردن برای جعل روایات و احادیث، مسلمانان را فریب می دادند تا جایی که امام حسن مجتبی علیه السلام تنها ماند و امر را به صلح کشاندند.

مادر عمرو عاص «نابغه» نام داشته که کنیز عبدالله بن جدعان و مشهور به زنا بوده و ابولهب، امیه بن خلف، هشام بن مغیره، ابوسفیان و عاص بن وائل در طهر واحد با او زنا کردند و او به عمر آستن شد. چون حمل منحوسش را به زمین گذاشت هر یک ادعای پدری او را کردند و نزاع شدت گرفت، آخر الامر قضاوت را به خود نابغه واگذاشتند، او عاص را اختیار کرد و گفت: پسر اوست. به او گفتند: پسرت به ابوسفیان شبیهتر است، چرا عاص را برگزیدی؟ گفت: ابوسفیان بخیل است و عاص بهتر نفقه می دهد؛ (3) محدث قمی رحمه الله می فرماید: «با این نژاد و نسب، عجیب نباشد اگر دشمنترین خلق باشد با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و علی مرتضی علیه السلام». (4)

ص: 228

1- تاریخ الطبری، ج 5، ص 181؛ مسار الشیعة، ص 15.

2- الطبقات الکبری، ج 4، ص 196.

3- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج 6، ص 283.

4- وقایع الایام، ص 109.

پدرش عاص همان کسی است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را مسخره کرد و ابتر نامید و آن حضرت را آزرده خاطر نمود تا اینکه سوره مبارکه کوثر نازل شد. (1)

محدث قمی رحمه الله می فرماید: «با این حال دوازده بیت شعر در مدح امیرالمؤمنین علیه السلام گفته که هشت بیت آن در مورد روز غدیر خم بوده:

بآل محمد عرف الصواب \*\*\* وفي آياتهم نزل الكتاب

و هم حجج الاله على البرايا \*\*\* بهم و بجدّهم لا يستراب

و لاسيّما أبو حسن على \*\*\* له في المجد مرتبة تهاب

طعام سيوفه مهج الأعادي \*\*\* و فيض دم الرقاب لها شراب

و ضربته كبيعته بخم \*\*\* معاقدها من القوم الرقاب

على الدرّ و الذهب المصفاً \*\*\* و باقى الناس كلهم تراب

هو البكاء في المحراب ليلاً \*\*\* هو الضحّاك إذا اشتدّ الضراب

هم النبأ العظيم و فلک نوح \*\*\* و باب الله و انقطع الخطاب

و نهم، این بیت معروف است که مثل گشته است:

و مناقب تشهد العدوّ بفضلها \*\*\* و الفضل ما شهدت به الأعداء

این اشعار را در یکی از ایام صفین بگفت، هنگامی که معاویه از شجاعت امیرالمؤمنین علیه السلام تعریف می کرده و مدح آن جناب می نموده و سه بیت دیگر نیز از او نقل شده که این جمله، دوازده بیت باشد و چون به حکم «لکل بیتٍ بیتٌ فی الجنة» یعنی: «خداوند در ازای هر بیت که در مناقب اهل بیت علیهم السلام گفته شود، بیتی در بهشت عطا می فرماید» و عمرو عاص را در بهشت نصیبی نبود، لاجرم گویند امام حسن مجتبی علیه السلام آن اشعار را از او به دوازده هزار درهم خریدند». (2)

### 3 سوال المکرم

#### به درک واصل شدن متوکل عباسی

متوکل عباسی عفریت بنی العباس، مردی خبیث السیره و با آل ابيطالب عليهم السلام سخت دشمنی می کرد و به ظن و گمان آنها را مؤاخذه می کرد، بارها قبر مطهر امام حسین علیه السلام را تخریب نمود و شخم زد و زراعت کرد تا اثر آن از بین برود، در وسط راه های کربلا دیده بانى گذاشته بود که هر کس به

1- مجمع البيان، ج 10، ص 459.

2- وقايع الايام، ص 109.

کربلا رفت او را عقوبت کنند و به قتل برسانند و متوکل هفده مرتبه این قبر شریف را خراب کرد و باز به صورت اول برگشت؛ (1) از جنایات دیگر متوکل تبعید امام هادی علیه السلام به سامراء است. (2)

بنا بر گزارش شیخ بهایی رحمه الله، وی در سوم شوال به سنه 247 در حال مستی کشته شد (3) و برخی دیگر به درک واصل شدن او را در روز چهارم شوال ذکر کرده اند. (4)

کیفیت مرگش اینگونه بوده است که متوکل، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را دشنام می داد و به آن حضرت جسارت می کرد، روزی حسب عادت نام مبارک آن حضرت را برد و بنا کرد به جسارت کردن در آن مجلس، فرزندش منتصر بالله حاضر بود چون این را بشنید متغیر شد و غضب کرد، متوکل او را شتم کرد و این بیت را انشاء کرد:

غضب الفتی لابن عمه \*\*\* رأس الفتی فی حرامه

منتصر در صدد قتل پدر برآمد و چند نفر از غلامان خاص متوکل را برای کشتن او معین کرد، شبی متوکل در قصر خود با ندیمان مشغول میگساری بود، در حالت سکر و مستی رفته بود که فرزندش داخل شد، همه بیرون رفتند مگر فتح بن خاقان، آنگاه غلامان با شمشیرهای برهنه داخل شدند و متوکل و فتح بن خاقان را در حالت مستی به قتل رساندند و منتصر خلیفه شد، متوکل چهارده سال و ده ماه خلافت کرد و عمرش چهل و یک سال شده بود. (5)

## 5 سوال المکرم

### ورود مسلم بن عقیل علیه السلام به کوفه

در این روز به سال 60 هجری قمری جناب مسلم بن عقیل علیه السلام، سفیر و فرستاده امام حسین علیه السلام وارد کوفه شد و مردم را به بیعت با آن حضرت دعوت کرد. مردم کوفه دسته دسته به خدمتش شتافتند و نامه ای که امام علیه السلام برای اهل کوفه نوشته بودند، استماع کردند، سپس با جناب مسلم علیه السلام بیعت کردند تا اینکه 18 هزار نفر شدند، پس از آن جناب مسلم بن عقیل علیه السلام به امام حسین علیه السلام نامه ای نوشتند و از بیعت نمودن کوفیان اطلاع دادند و حضرتش را به کوفه دعوت نمودند. (6)

ص: 230

1- تتمه المنتهی، ص 399-405.

2- الإرشاد، ج 2، ص 309.

3- توضیح المقاصد، ص 26.

4- تاریخ الطبری، ج 9، ص 230؛ الکامل فی التاریخ، ج 7، ص 100.

5- حیاة الحیوان الکبری، ج 1، ص 124.

6- مروج الذهب، ج 3، ص 54.

## 6 سوال المکرم

### معجزه ردّ الشمس برای بار دوم

ردّ الشمس برای امیرالمؤمنین علیه السلام دو مرتبه اتفاق افتاده: یکی در زمان حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که در پانزدهم شوال ذکر خواهد شد و مکان آن را فرقه ضالّۀ و هابیت تخریب کردند، دیگری در چنین روزی در هنگام عزم آن حضرت برای جنگ صفین بوده است (1) که گذرشان به بابل رسید و چون این شهر نفرین شده و عذاب خدا در آن نازل شده بود، حضرت در آنجا نماز نخواندند تا رسیدند به خارج شهر که خورشید غروب کرده بود، حضرت با یک اشاره خورشید را برگرداندند و اقامه نماز نمودند، (2) بعدها شیعیان در آن موضع مسجدی بنا کردند که هم اکنون در جنب شهر حلّه معروف می باشد و شیعیان به زیارت آن مشرف می شوند (حقیر الحمدلله هر دو مکان مقدس ردّ الشمس را زیارت کرده ام).

### صدور اولین توقیع از امام زمان علیه السلام در تأیید جناب حسین بن روح رحمه الله

در روز ششم شوال به سال 305 قمری اولین توقیع مبارک جهت تأیید و توثیق جناب حسین بن روح، سومین سفیر امام زمان علیه السلام از ناحیه مقدس امام زمان علیه السلام صادر شد. (3)

متن توقیع مبارک اینگونه است: «ما او (حسین بن روح) را می شناسیم، خداوند تمام خوبی ها و خوشنودی های خویش را به وی بشناساند و او را با عنایت خود خرسند گرداند. از نامه او آگاه شدیم و در مسئولیت واگذار شده به وی اطمینان داریم. او نزد ما دارای مقامی است که موجب شادی وی خواهد شد، خداوند احسان خود را نسبت به وی زیاد گرداند، همانا او بر هر چیزی قادر است و حمد و سپاس خداوندی را سزااست که شریکی ندارد و صلوات و سلام خداوند بر محمد، رسول او و آل او باد». (4)

## 7 سوال المکرم

### شهادت جناب فاطمه معروف به «خواهر امام»

مورخ و محقق گرامی جناب حاج شیخ علی فلسفی در کتاب «دائرة المعارف بقاع متبرکه جهان» آورده اند: جناب فاطمه معروف به «خواهر امام علیها السلام» مدفون در رشت در چنین روزی حدود سال های 203 و 205 هجری قمری و به ظن اقوی به شهادت رسیده است. این بانو همراه برادران و

ص: 231

1- مستدرک سفینه البحار، ج 5، ص 212.

2- من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 203.

3- الغیبة للطوسی، ص 372.

4- الغیبة للطوسی، ص 372.

خواهران و جمعی از سادات علوی و موسوی به جهت دیدار برادر خود امام رضا علیه السلام راهی ایران شدند که با مخالفت شدید بنی العباس مواجه شدند، لذا برای حفظ جان خود به شهرها و مناطق مختلف ایران خصوصاً طبرستان، دیلم، گیلان و فارس که احساس امنیت می کردند، پناهنده شدند و عاقبت هر یک در گوشه ای از این مرز و بوم به شهادت رسیدند.

علامه مجلسی رحمه الله در کتاب گرانسنگ بحار الانوار، جلد 48، صفحه 286 و صفحه 310 در شرح حال این بانوی بزرگوار و سه خواهر دیگرش که هر چهار نفر موسوم به «فاطمه» بودند از قول یکی از دانشمندان اهل سنت به نام سبط بن جوزی چنین نقل می کند: «در بین دختران موسی بن جعفر علیه السلام چهار دختر به نام های مبارک «فاطمه» بوده که معروفند به «فواطم اربعة» یعنی فاطمه های چهارگانه؛ سپس محقق مذکور جناب شیخ علی فلسفی می فرماید: آن فواطم و لقبشان و تاریخ شهادتشان عبارتند از:

- فاطمه کبری مشهور به حضرت «معصومه علیها السلام»، مدفون در قم به تاریخ 10 ربیع الثانی به سال 201 هجری قمری؛

- فاطمه وسطی معروف به «زینب علیها السلام» که گفته می شود در اصفهان مدفون است، به تاریخ 22 ذی قعدة الحرام بین سال های 203 و 206؛

- فاطمه صغری مشهور به «بی بیهیت علیها السلام» مدفون در شهر باکو آذربایجان، به تاریخ 11 رمضان حدود سال 205؛

- فاطمه اخری مشهور به «خواهر امام علیها السلام» مدفون در رشت مرکز استان گیلان به تاریخ 7 شوال در حدود سال های 203 و 205.

## 8 سوال المکرم

### روز مصیبت بقیع

در هشتم شوال به سال 1344 هجری قمری فرقه ضالّۀ وهابیت به بقیع حمله کردند و بارگاه ملکوتی امامان معصوم (امام حسن، امام زین العابدین، امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهم السلام) را تخریب کردند و مصیبت بزرگی بر قلب نازنین امام زمان علیه السلام و شیعیان گذاشتند. (1) همچنین سایر قبور متبرک از یاران و منتسبین به اهل بیت علیهم السلام را تخریب کردند که فقط آثار تخریب شده بعضی از آنان باقی مانده است، مانند: قبور چهار امام مذکور علیهم السلام، فاطمه بنت اسد علیها السلام، عباس عموی پیامبر

ص: 232

صلی الله علیه و آله و سلم، دختران منسوب به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، عبدالله همسر حضرت زینب علیها السلام، عقیل برادر امیرالمؤمنین علیه السلام، ابراهیم فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، شهدای وقعه حرّه، حلیمه سعدیه مادر رضاعی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، عمه های رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و ام البنین مادر حضرت ابوالفضل علیه السلام، ولی دیگر قبور مانند قبور مادران پاک ائمه اطهار علیهم السلام و فرزندانشان بکلی محو گردیده شده است.

همچنین پس از آن به مکه مکرّمه هجوم بردند و گنبد های حرم حضرت عبدالمطلب علیه السلام، ابوطالب علیه السلام، خدیجه کبری علیها السلام و نیز گنبد حضرت آمنه علیها السلام در ابواء را با خاک یکسان نمودند.

### درگذشت عضدالدوله دیلمی

در این روز به سال 372 هجری قمری جناب عضدالدوله دیلمی که نام مبارکش «فنا خسرو» بوده و از شیعیان با اخلاص امیرالمؤمنین علیه السلام نیز بوده، در بغداد درگذشت و جنازه اش را به نجف حمل نموده و در کنار مرقد مطهر امیرالمؤمنین علیه السلام به خاک سپردند. (1)

او فاضل، عالم و یگانه عصر خود بود، قبل از وی شیعیان در سختی و رنج به سر می بردند که با روی کار آمدنش، شیعیان را حمایت نمود و آنها به رفاه رسیدند و آزادانه به مراسم مذهبی خود پرداختند، همچنین حرم امیرالمؤمنین علیه السلام و امام حسین علیه السلام و سایر مزارهای شیعیان را بازسازی و تعمیر نمود که از مهمترین بارگاه امامزادگان، ساختن رواق و حرم باشکوهی برای مرقد مطهر جناب احمد فرزند امام کاظم علیه السلام معروف به «شاهچراغ» در شیراز می باشد.

### 13 شوال المکرم

#### رحلت آیه الله سید حسین بروجردی رحمه الله

آیه الله بروجردی در بروجرد متولد شد و در همان شهر تحصیل را آغاز کرد، سپس در اصفهان به محضر عالمان بزرگ راه یافت و هشت سال نزد استادانی نظیر سید محمد باقر درچه ای، ملامحمد کاشانی، ابوالمعالی کلباسی، سید محمد تقی مدرس، آخوند کاشانی و میرزا جهانگیرخان قشقایی استفاده کرد، پس از آن به نجف اشرف مهاجرت نمود و هشت سال دیگر از محضر بزرگانی همچون آخوند خراسانی، شریعت اصفهانی (شیخ الشریعة) و سید محمد کاظم یزدی استفاده کرد. وی در سال 1329 قمری بنا بر

ص: 233

1- تاریخ ابی الفداء، ج 1، ص 465؛ توضیح المقاصد، ص 26.

سفارش پدر به بروجرد بازگشت و رهبری معنوی مردم را به عهده گرفت و در سال 1364 قمری به درخواست علما و اساتید حوزه علمیه قم به این شهر مهاجرت نمود و زعامت جهان تشیع را به عهده گرفت.

یکی از شاگردان معظمله می فرمود: آیه‌الله سیدحسین بروجردی به حضرت فاطمه زهرا علیها السلام ارادت خاصی داشت، چنانکه روزی سر کلاس که صدها نفر از علما و فضلا شرکت می کردند روایتی را از عایشه نقل کردند، ایشان ناگهان منقلب شدند و با صدای بلند گریه کردند و اشک هایشان همانند دانه های مروارید بر روی محاسن سفیدشان می غلطید، تمام شاگردان از مواجه شدن با این صحنه متحیر شدند و همگی ناراحت شده و به جهت محبت شدیدی که به استاد داشتند آثار غم بر صورت هایشان نشست و با شگفتی به یکدیگر نگاه می کردند. معظم له پس از چند دقیقه که سکوت محض بر مجلس درس حاکم شده بود، فرمودند: من از شما عزیزانم معذرت می خواهم، چون هنگامی که به روایت عایشه رسیدم، یادم آمد که عایشه حدود 70 سال عمر کرد و مادر مظلوم ما، صدیقه کبری علیها السلام تنها 18 سال عمر نمود، یادم آمد از رنجها و مظلومیت هایی که آن بانو کشیدند و باعث بهشهادت رسیدنشان شد. آن روز کلاس درس به شیون و گریه و مجلس عزاداری ختم شد.

از معظم له تألیفات بسیاری بجا مانده است از جمله: «جامع أحادیث الشیعة» در 26 مجلد، ترتیب اسانید الکافی، رجال اسانید الکافی، ترتیب اسانید التهذیب، رجال اسانید کتاب الفهرست شیخ طوسی، بیوت الشیعة، مستدرک منتخب الدین رازی، حاشیه علی وسائل الشیعة، الفقه الاستدلالی و ...

در زمان معظم له غریبندگان می خواستند خط فارسی و عربی را به لاتین (انگلیسی) تغییر دهند که ایشان مانع شدند و فرمودند: تا من زنده ام اجازه نمی دهم این کار عملی شود، همچنین با جایگزین شدن تدریس علوم فلسفه و عرفان اصطلاحی به جای علوم اهل بیت علیهم السلام به شدت مخالفت نمودند و از آن جلوگیری به عمل آوردند.

معظم له نمایندگانی برای دفاع از اسلام و مکتب اهل بیت علیهم السلام به اروپا و آمریکا اعزام نمودند و بیش از هزار مدرسه، بیمارستان، کتابخانه و مسجد در ایران، عراق، لبنان، آفریقا و اروپا تأسیس کردند. مسجد اعظم و کتابخانه آن در قم از یادگارهای آن مرجع بزرگ است.

آیت الله بروجردی در چنین روزی به سال 1380 هجری قمری در 89 سالگی رحلت یافت، مرقد مطهر ایشان در راهرو مسجد اعظم، متصل به حرم حضرت معصومه علیها السلام می باشد و زائرین آن بی بی به قبر مطهر این مرجع بزرگ ارادت خاصی دارند.



### به درک واصل شدن عبدالملک مروان

در روز چهاردهم شوال (1) و به گزارشی دیگر پانزدهم شوال (2) عبدالملک بن مروان به درک واصل شد، وی در دمشق به سال 84 هجری قمری به مرض استسقاء یعنی «تشنگی شدید» دچار شد و به درک واصل گردید.

او مردی بخیل و سفاک بود و از جنایاتش به شهادت رساندن ابراهیم بن مالک اشتر و مسلط کردن حجاج ثقفی بر شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است. (جنایات حجاج را در روز 13 ماه رمضان بیان کردیم).

## 15 شوال المکرم

### روز بازگشت خورشید برای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام

در چنین روزی معجزه ردّ الشمس برای امیرالمؤمنین علیه السلام به وقوع پیوست. (3)

اسماء بنت عمیس، امّ سلمه، جابر بن عبدالله انصاری و ابوسعید خدری روایت کرده اند که: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در منزل خود تشریف داشتند و امیرالمؤمنین علیه السلام در محضر باهرالنور آن بزرگوار نشسته بودند که جبرئیل بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد و از جانب خدای تعالی وحی آورده بود، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سر مبارک را در دامان امیرالمؤمنین علیه السلام گذارد؛

«فلم یرفع رأسه حتی غابت الشمس» ؛ یعنی: «سر خود را برداشت تا اینکه خورشید پنهان شد».

امیرالمؤمنین علیه السلام نیز نماز عصر خود را نخوانده بود، وقتی که وحی قطع شد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سر مبارک خود را برداشت و فرمود: یا علی! نماز خوانده ای؟ عرض کرد: چون سر مبارک شما به دامن من بود، نتوانستم برخیزم و نماز بخوانم.

فقال له: «ادع الله حتی یرد علیک الشمس لتصلیها قائماً فی وقتها» ؛

یعنی: «بخوان خدا را تا خورشید را برای تو برگرداند و نماز را در وقت خود، ایستاده بخوانی».

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نیز دعا کردند و خورشید برگشت و به وقت نماز عصر رسید و حضرت نمازشان را خواندند و خورشید دو مرتبه غروب کرد. (4)

ص: 235

1- تتمة المنتهی، ص 137 ؛ مستدرک سفینة البحار، ج 5، ص 216.

2- تاریخ الطبری، ج 6، ص 418 ؛ الکامل فی التاریخ، ج 4، ص 517.

3- المصباح للكفعمی، ص 514 ؛ تقویم المحسنین، ص 12.



در چنین روزی در سال سوم هجرت غزوة احد واقع شد. (1) عده کفار سه هزار نفر بودند و رئیسشان ابوسفیان بوده و عده مسلمانان هفتصد نفر بودند، (2) در ابتدا مسلمانان با رشادت امیرالمؤمنین علیه السلام و جناب حمزه علیه السلام پیروز شدند و کفار پا به فرار گذاشتند و مسلمانان مشغول جمع کردن غنائم شدند و پنجاه نفر که در شکاف کوه قرار داده بودند، شکاف را بر خلاف سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رها کردند و برای جمع کردن غنائم حمله کردند، در این هنگام خالد بن ولید با گروهی از مشرکین از آن شکاف، از پشت سر مسلمانان حمله کردند و جنگ مغلوبه شد و مسلمانان شکست خوردند، پیشانی و دندان مبارک رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شکسته شد (3) و امیرالمؤمنین علیه السلام پروانه وار دور رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می چرخید و از آن حضرت دفاع می نمود تا اینکه بدن مبارکش جراحت های بیشماری برداشت، (4) همچنین جناب حمزه عموی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و بسیاری دیگر از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شهید شدند.

### شهادت حمزه سیدالشهداء علیه السلام

جناب حمزه بن عبدالمطلب علیه السلام برادر رضاعی و عموی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود (5) و مسلمانان صدر اسلام پیرویشان را مرهون شجاعت ها و رشادت های ایشان می دانستند.

قاتل جناب حمزه «وحشی» بود که به تطمیع «هند» همسر ابوسفیان آن جناب را شهید کرد، (6) سپس هند، مادر معاویه، بر سر بالین نعل حمزه آمده و از بغض و عداوتی که داشت، جگر حمزه را خارج نمود و در دهان گذاشت که به قدرت خداوند سخت و مثل سنگ شد و از دهان بیفکند، به این جهت به او «آكلة الأکباد» یعنی: «خورنده جگرها» گفتند، سپس گوش و بینی و دیگر اعضای آن جناب را مثله کرد، (7) هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چشمش به عمویش افتاد، سخت گریست و فرمود: به جای عمویم حمزه، هفتاد نفر از مشرکین را می کشم و مثله خواهم کرد که جبرئیل نازل شد و این آیه را آورد: «فإن عاقبتم فعاقبوا بمثل ما عوقبتم به ولئن صبرتم فهو خیر للصدّابین» (8) سپس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: صبر می کنم؛ (9) آنگاه عبای خود را روی پیکر مطهر جناب حمزه کشیدند که خواهرش صفیه او را

ص: 236

- 1- السیر و المغازی، ابن اسحاق، ص 324؛ مسار الشیعة، ص 15.
- 2- الطبقات الکبری، ج 2، ص 28؛ تفسیر القمی، ج 1، ص 110.
- 3- المغازی للواقدی، ج 1، ص 244.
- 4- تفسیر القمی، ج 1، ص 116؛ مناقب آل ائطالب، ج 2، ص 119.
- 5- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 9؛ الکافی، ج 5، ص 437.
- 6- الإرشاد، ج 1، ص 83؛ أنساب الأشراف، ج 4، ص 286.
- 7- أنساب الأشراف، ج 4، ص 287؛ الطبقات الکبری، ج 3، ص 13؛ مجمع البیان، ج 2، ص 826.
- 8- سوره نحل، آیه 126.
- 9- تفسیر القمی، ج 1، ص 123.

در آن حال نبیند(1) و در آنجا نماز خواندند و در همان مکان احد به خاک سپردند.

حقیر عرض می کنم: یا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در صحرای کربلا کجا بودید که عبا بر بدن مبارک امام حسین علیه السلام و حضرت عباس علیه السلام بیندازید تا خواهرشان زینب علیها السلام آن بدن های پاره پاره را نبیند. حضرت امام رضا علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: بهترین برادران من علی علیه السلام و بهترین عموهایم حمزه است.(2)

در این روز مؤمنان مناسب است به زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام بروند، چه آنکه در این جنگ امیرالمؤمنین علیه السلام چنان جانفشانی کرد و از جان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دفاع نمود که بدن مبارکش زخم بسیاری برداشت و شمشیرش شکست و فتوت و مواسات آن حضرت با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در این روز بر همه عالمیان ظاهر شد و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ذوالفقار را که جبرئیل آورده بود به ایشان داد و جبرئیل در شأن آن حضرت در آسمان ندا داد: «لا سیف الا ذوالفقار و لا فتی الا علی علیه السلام».(3)

در این جنگ امیرالمؤمنین علیه السلام در حال دفاع از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بودند و دیگر اصحاب فرار می کردند، آن حضرت همچون شیر غضبناک از قفای گریختگان رفتند و اول به عمر بن الخطاب رسیدند که به اتفاق عثمان و حارث بن حاطب و عده ای دیگر به سرعت فرار می کردند، حضرت فریاد برآوردند: ای جماعت، بیعت شکستید و پیامبر را تنها گذاشتید و به سوی جهنم می گریزید؟! (4)

احمد بن حنبل می گوید: ابوبکر و عمر در این جنگ فرار کردند، هنگامی که امیرالمؤمنین علیه السلام در تعقیب فراری ها بود، به عمر رسید، عمر در حالی که از ترس اشک چشمانش را پاک می کرد، برگشت به سوی امیرالمؤمنین علیه السلام و عرض کرد: مرا ببخشید. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: آیا تو نبودی که صدا زدی محمد صلی الله علیه و آله و سلم کشته شده است، به دین قبلی خود برگردید؟! عمر گفت: این کلام را ابوبکر گفته است، آنگاه امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: شما و کسانی که از شما دو نفر پیروی کنند وارد جهنم خواهید شد و در این زمان بود که این آیه نازل شد: «ان الذین تولوا منکم یوم التقی الجمعان إنما استزلهم الشیطان...»(5)

عمر بن الخطاب نیز از این روز سخن می گوید: علی علیه السلام را دیدم با شمشیر پهنی که مرگ از آن

ص: 237

1- ناسخ التواریخ، ج 1، ص 383.

2- عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 61.

3- تفسیر القمی، ج 1، ص 116.

4- بحار الأنوار ج 20 ص 53 و ص 140.

5- سورة آل عمران، آیه 155؛ الصراط المستقیم إلى مستحق التقدیم، ج 2، ص 59؛ اثبات الهداة، ج 3، ص 392.

می چکید و چشم هایش از خشم مانند دو قدح خون بود یا مانند دو کاسه روغنی که آتش در آن فروخته باشند می درخشید، فهمیدم که اگر به ما برسد به یک حمله ما را خواهد کشت، این بود که جلو رفتم و عرض کردم یا ابا الحسن: تو را به خدا سوگند می دهم که دست از ما برداری که عرب را عادت است که گاهی می گریزد و گاهی حمله می کند، زمانی که حمله می کند تلافی گریختن را می نماید، پس آن حضرت ما را رها کردند و به خدا قسم، چنان ترسی از آن حضرت در دل من افتاد که تاکنون از دلم خارج نشده است. (1)

### بانویی در جنگ احد

بانویی به نام نسبیبه دختر کعب با شوهر و دو پسرش در جنگ احد شرکت داشتند، نسبیبه مشک آبی به دوش داشت و سقایت لشکر اسلام را می نمود، هنگامی که موقعیت را چنان دید که مسلمانان در حال فرار هستند مشک را به کناری انداخت و خود را پیش روی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سپر کرد و کنار امیرالمؤمنین علیه السلام از جان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم محافظت می نمود و بدنش زخم برداشت که مداوای یکی از آن جراحات ها یک سال ادامه داشت، این زن فداکار دست به شمشیر برد و چنان ضربه ای به ابن قمیته که قصد کشتن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را داشت، زد که او فرار کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: مقام نسبیبه از مقام فلان و فلان و فلان افضل است، چه اینکه آنان فرار کردند. (2)

### شهادت جناب عبدالعظیم حسنی رحمه الله

در چنین روزی به سال 250 یا 252 یا 255 هجری قمری (3) جناب عبدالعظیم حسنی فرزند عبدالله بن علی بن حسن بن زید بن حسن بن امیرالمؤمنین علیهم السلام به شهادت رسید. بنا بر گزارش فخر رازی در کتاب «الشجرة المباركة» و ابن معیة در کتاب «المشجرات» آن حضرت را مسموم و به شهادت رساندند. (4)

شاه عبدالعظیم از محدثین، زهاد و زبانزد خاص و عام و از اصحاب امام جواد علیه السلام و امام هادی علیه السلام بوده و هنگامی که عقاید خود را خدمت امام هادی علیه السلام عرضه می کند آن حضرت او را تأیید می نمایند و می فرمایند: «حقاً تو از شیعیان ما هستی». (5)

شاه عبدالعظیم از دست بنی العباس گریخت و به طور ناشناس در ری زندگی می کرد تا اینکه توسط عمال بنی العباس شناسایی شده و او را به شهادت رساندند.

ص: 238

1- بحار الأنوار، ج 20، ص 53.

2- الطبقات الكبرى، ج 8، ص 413؛ إمتاع الأسماع، ج 1، ص 162؛ بحار الأنوار، ج 20، ص 54.

3- مستدرکات علم رجال الحدیث، ج 4، ص 451.

4- الشجرة المباركة، ص 64؛ شناخت نامه حضرت عبدالعظیم حسنی و شهر ری، ص 141 به نقل از کتاب المشجرات.

5- التوحید للصدوق، ص 81.

همسرش جناب خدیجه دختر قاسم بن الحسن بن زید بن حسن بن امیرالمؤمنین علیهم السلام بوده که خود بانویی با کمال بوده است. (1)

## 18 سوال المکرم

### وفات فخر الملة و شیخ الفقهاء، جناب محمد بن احمد ادريس حلی

در این روز به سال 578 فخر الملة و شیخ الفقهاء، جناب محمد بن احمد ادريس حلی وفات یافت. (2) وی فقیه متبحر و صاحب کتاب گرانسنگ «السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی» می باشد و قبر شریفش در «حله» محل زیارت مؤمنان است.

## 20 سوال المکرم

### تبعید امام کاظم علیه السلام توسط هارون الرشید عباسی

در چنین روزی به سال 179 هجری قمری حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام توسط هارون الرشید عباسی از وطنش شهر مدینه به بصره و سپس به بغداد تبعید و زندانی شد. (3)

## 22 سوال المکرم

### شهادت حضرت یحیی بن زکریا علیه السلام و وفات یعقوب نبی علیه السلام

در چنین روزی به گزارش محدث نامی نمازی شاهرودی رحمه الله، شهادت حضرت یحیی بن زکریا علیه السلام و وفات یعقوب نبی علیه السلام واقع شده است. (4)

نام یحیی نبی در قرآن کریم 5 بار آمده و سرگذشت او را چنین بیان می کند:

ای زکریا ما تو را به فرزندی که نامش یحیی است و همنام و همانندش را در تقویم نیافریدیم، بشارت می دهیم. زکریا عرض کرد: بارالها! مرا از کجا پسری می تواند بود، در صورتی که زوجه من نازاست و من هم از شدت پیری خشک و فرتوت شده ام! خداوند فرمود: این کار برای من بسیار آسان است، منم که تو را پس از هیچ و نیستی به وجود آوردم. زکریا باز عرضه داشت: بارالها! برای من نشانه و حجتی بر این بشارت قرار بده. خداوند فرمود: به این نشان که با مردم تا سه روز تکلم نکنی. پس ما به زکریا در آنجا که از محراب عبادت بر قومش بیرون آمد، وحی کردیم که (تو و امتت) همه صبح و شام به تسبیح و نماز قیام کنید. به یحیی خطاب کردیم: ای یحیی! تو کتاب آسمانی ما را به قوت نبوت بگیر، به او در همان

ص: 239

1- المجدی فی أنساب الطالبین، ص 203.

2- روضات الجنات، ج 6، ص 278.

3- الکافی، ج 1، ص 476.

4- مستدرک سفینة البحار، ج 6، ص 66.

کودکی مقام نبوت بخشیدیم و او به لطف خاص ما، به مقام نبوت رسید. از این رو که طریق بندگی خدا و تقوی پیش گرفت و در حق پدر و مادر خود هم بسیار نیکی کرد و هرگز ستمکار و نافرمان نگردید. «سَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَ يَوْمَ يَمُوتُ وَ يَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا» سلام بر او باد در روز ولادتش و روز وفاتش و روزی که برای زندگانی ابدی برانگیخته خواهد شد. (1)

بنا بر نقل انجیل حضرت یحیی علیه السلام حضرت مسیح علیه السلام را در رودخانه اردن غسل تعمید داد به همین دلیل به نام (یوحنا، یحیی، المعمدان) نامیده می شود. (2)

حضرت یحیی علیه السلام بر روی صخره ای در بیت المقدس ذبح شد و سرش به دمشق حمل گردید، دلیل بریدن سرش آن بود که پادشاه زمان او می خواست با یکی از محارمش ازدواج کند، حضرت یحیی علیه السلام او را از این کار نهی کرد، اما پادشاه بر این امر پافشاری نمود و با وی ازدواج کرد، آن زن خون حضرت یحیی علیه السلام را از پادشاه خواست، پس وی خواسته آن زن را اجابت کرد و کسی را برای قتل حضرت یحیی علیه السلام فرستاد و او سرش را آورد. (3) همچنین گفته می شود: حضرت یحیی علیه السلام در دمشق کشته شد و مقامش در مسجد اموی تا به امروز موجود است. (4)

## 23 شوال المکرم

### شهادت جناب حمزه، فرزند امام موسی بن جعفر علیهم السلام

در چنین روزی جناب حمزه فرزند امام موسی بن جعفر علیه السلام به نقل از «دائرة المعارف بقاع متبرکه جهان» تألیف آیه الله فلسفی، به سال 204 هجری قمری به شهادت رسید.

جناب حمزه از جلالت و شأن بلندی برخوردار است و سلاطین صفویه از اعقاب و ذریه او می باشند. مادر امامزاده حمزه علیه السلام بنا بر قول مؤلف کتاب «منتخب التواریخ»، امّ احمد بود که بنابر این حضرت امامزاده حمزه علیه السلام برادر حضرت احمد بن موسی علیه السلام ملقب به شاهچراغ و محمد عابد علیه السلام می باشد. (5) درباره امّ احمد نوشته اند که وی از زنان محترمه و صالحه زمان خود بود و امام موسی کاظم علیه السلام عنایتی خاص به او مبذول می داشت و مورد اعتماد و اطمینان امام هفتم علیه السلام بود، تا جایی که او را یکی از اوصیای خود به حساب آورده است. (6)

از عجایب اینکه مزارهای متعددی در شهرهای متعدد از جمله شهر ری به نام این امامزاده واجب

ص: 240

1- سوره مریم آیه 7-15.

2- انجیل متی، باب 3، ص 13.

3- قصص الأنبياء، راوندی، ص 217.

4- رحلة ابن بطوطه، ص 106؛ رحلة ابن جبیر، ص 221.

5- منتخب التواریخ، ص 523.

6- مرآة العقول، ج 3، ص 367.

التعظیم (حمزة بن موسی بن جعفر علیهم السلام) وجود دارد و چه بسا خدای تعالی می خواسته اینگونه نام او را بلند گرداند. باید این حقیقت را متذکر شویم که چه بسا قبر و بارگاه متعددی به نام یک امامزاده واجب التعظیم منسوب باشد و این امر نباید مؤمنین را از جهت زیارت رفتن و توسل یافتن در آن مکانها سست گرداند! چون امکان دارد این تعدد مرقدها به جهت تشابه اسمی بین اولیاء خدا باشد، چنانکه امامزاده هایی که با واسطه به امام می رسیدند هم نام فرزندان بدون واسطه بودند و چه بسا به مرور زمان و کم کم به نام آن امامزادگان بدون واسطه شهرت یافته باشند.

از طرفی پر واضح است که ما به روح اولیاء خدا توجه و تمرکز می کنیم و آنها را شفیع قرار می دهیم نه بدنشان را، و ارواح مطهرشان بر تمام این مکانها اشرف دارد و ما را می بینند! پس اگر مزارهای متعدد به نام یکی از اولیاء خدا منسوب باشد، در آن مکانها بهتر می شود به روحشان توجه نمود و ارتباط روحی برقرار کرد و همچنین در آن مکانها از مقامشان تجلیل و تکریم نمود، چنانکه هر قوم و ملتی برای بزرگانشان و معاریفشان و شهدا مکان هایی به عنوان یادبود برپا می کنند و در آن مکانها از آنان تجلیل می نمایند و بر روحشان درود می فرستند با اینکه می دانند جسمشان آنجا دفن نشده است و عقلاً این عمل آنان را مذمت نمی کنند؛ پس اولاد ائمه اطهار علیهم السلام به این امر سزاوارترند که اگر مکانها و مزارهایی متعدد به آنها منسوب بود به آنجا رفته و از آن مکان و مزار، تعظیم و تجلیل به عمل آوریم، گرچه متعدد باشد. و باید در آنجا به ارواحشان متوسل شویم و به ایراد سست عقیده ها توجه نماییم که می گویند: این مزار سند ندارد و یا اینکه چند مزار به این نام است و از این فیض الهی خود را محروم نگردانیم.

## 24 سوال المکرم

### وفات اباصلت هروی رحمه الله

عبدالسلام بن صالح مشهور به «اباصلت» از اصحاب امام رضا علیه السلام بوده و بنا بر منابع اهل سنت خادم حضرت رضا علیه السلام نیز بوده است. (1) وی در نیشابور، سرخس و مرو در خدمت امام رضا علیه السلام بوده و شاهد شهادت جانگداز آن حضرت بوده است؛ هنگامیکه امام رضا علیه السلام در بستر شهادت بودند، امام جواد علیه السلام به اعجاز از مدینه به طوس آمده و گفتگویی میان ایشان و اباصلت رخ داده است، پس از شهادت امام رضا علیه السلام مأمون عباسی اباصلت را به زندان انداخت که با معجزه امام جواد علیه السلام از زندان رهایی یافت. (2)

ص: 241

1- تهذیب الکمال، ج 18، ص 73؛ تهذیب التهذیب، ج 6، ص 319.

2- عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 242 - 245.



وی در چنین روزی به سال 236 هجری قمری وفات یافت(1) و هم اکنون آرامگاه منسوب به او با نام خواجه اباصلت در سمت شرقی بیرون شهر مشهد، محل توجه زائران می باشد.

اباصلت جریان رهایی خود از زندان مأمون را اینگونه نقل می کند:

«مدت یک سال را در زندان مأمون به سر بردم تا اینکه دلتنگ شدم و شب جمعه ای برخاستم و غسل کردم و آن شب را بیدار ماندم و به رکوع و سجده و گریه گذراندم و از خدا خلاصی خود را خواستم. وقتی که نماز صبح را خواندم، امام جواد علیه السلام پیش من آمد و گفت: اباصلت! دلتنگ شده ای؟ گفتم: آری به خدا، ای مولای من!

فرمود: آن کاری را که امشب انجام دادی اگر قبلاً انجام می دادی، خداوند همان موقع تو را خلاص می نمود. سپس به من فرمود: برخیز.

گفتم: به کجا بروم در حالی که نگهبانان دم درب زندان هستند و در دستشان مشعل است و ما را می بینند.

فرمود: برخیز! آنها تو را نخواهند دید و بعد از این، آنها را ملاقات نخواهی کرد. پس دستم را گرفت و مرا بیرون آورد. نگهبانان نشسته بودند و گفتگو می کردند و مشعل ها هم روشن بود ولی ما را ندیدند. وقتی که به بیرون زندان رسیدیم، فرمود: به کدام شهر می روی؟ گفتم: خانه من در هرات است.

فرمود: پس ردایت را به صورت خود بکش. دستم را گرفت و خیال کردم که مرا از طرف چپ خود به طرف راستش برد. آنگاه فرمود: صورت خود را باز کن. پس صورت را باز کردم ولی او را ندیدم و خود را در برابر درب خانه خود یافتم و وارد آن شدم و تا به حال نه مأمون و نه هیچ یک از مأمورانش را ندیده ام».(2)

## 25 شوال المکرم

### شهادت جانگداز امام جعفر صادق علیه السلام

در چنین روزی به سال 148 هجری قمری، امام جعفر صادق علیه السلام به شهادت رسیدند.(3)

منصور دوانیقی چندین مرتبه تصمیم به قتل امام جعفر صادق علیه السلام گرفت، روزی در سالی که به حج آمده بود به شخصی به نام «ابراهیم بن جبلة» دستور داد که برو و ثبات او را (نَسْمه ای که با آن بار یا چیزی را بر روی سُتور یا شتر ببندند) برگردنش بیندازد و او را کشان کشان نزد من بیاورد، این عمل آنقدر شنیع بود که مأمور از انجام آن شرم کرد و آستین حضرت را گرفت، حضرت فرمودند: به همان روش که

ص: 242

1- تاریخ بغداد، ج 11، ص 52.

2- الخرائج و الجرائح، ج 1، ص 355.

3- جنات الخلود، ص 29؛ انوار البهیة، ص 172.

تورا امر کرده مرا ببر، آن مرد گفت: به خدا سوگند که اگر کشته شوم، شما را به آن طریق نخواهم برد. (1)

منصور قصری داشت به نام حمراء که وقتی در آن می نشست، آن روز را روز ذیح و سر بریدن می گفتند، در همان ایام ربیع حاجب را در پی آن حضرت فرستاد که شبانه به هر حالتی که حضرت را دیدی بیاور و نگذار تغییر حالت دهد! ربیع پسر سنگدل خود را فرستاد و او شبانه نردبان گذاشت و بیخبر وارد خانه شد. حضرت مشغول نماز بود، او نگذاشت حضرت جامه عوض کند و آن حضرت را با یک پیراهن و سر و پای برهنه در حالیکه سنشان از هفتاد سال متجاوز بود و در حالی که خودش سواره و حضرت پیاده بود، به نزد منصور برد و او جسارت هایی به حضرتش کرد، لیکن به اعجاز الهی حضرت نجات یافت. (2)

منصور در یک اقدام پیشروانه دیگر به حاکم خود در مدینه دستور داد تا خانه امام صادق علیه السلام را آتش زنند، آن حاکم ملعون این کار را کرد و خانه امام صادق علیه السلام را شبانه به آتش کشید، آتش وارد خانه و اطاقها شد و امام علیه السلام در حالی که (برای نجات اهل خانه) از میان آتش عبور میکرد، می فرمود: «أنا ابن أعراب الثری، أنا ابن إبراهیم خلیل الله» (3) یعنی: «منم پسر ریشه های زمین، منم پسر ابراهیم خلیل الله».

سرانجام آن حضرت توسط خلیفه جبار عباسی منصور دوانیقی \_ که انگور مسموم به آن حضرت خورانیده بود (4) \_ به شهادت رسیدند و به آباء گرامیشان ملحق شدند و سپس در قبرستان بقیع در جوار پدر بزرگوارشان امام محمد باقر علیه السلام به خاک سپرده شدند.

یکی از وصایای آن حضرت در هنگام احتضار این بوده که فرمودند: «إن شفاعتنا لا تنال مستخفّاً بالصّلاة» (5) یعنی: «شفاعت ما به شخصی که نماز را سبک شمارد، نمی رسد».

## 28 شوال المکرم

### رحلت آیه الله روح الله الموسوی الخمینی رحمه الله

در چنین روزی رحلت بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران به سال 1409 قمری مطابق با 14 خرداد ماه 1368 هجری شمسی واقع شد.

ص: 243

1- مهج الدعوات، ص 187.

2- مهج الدعوات، ص 193.

3- الکافی، ج 1، ص 473.

4- جنات الخلود، ص 29، منتهی الآمال، ج 2، ص 234.

5- المحاسن، ج 1، ص 80.

اشاره

دومين ماه از ماه هاى حرام، كه عبارتند از:

رجب، ذى القعدة، ذى الحجة، محرم

ص: 244

### ولادت با سعادت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام

حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در اول ذی‌قعدة الحرام به سال 173 هجری قمری متولد شد(1) و با امام رضا علیه السلام از یک مادر می باشند؛(2) برای مادر گرامیشان نام های متعددی نقل شده از جمله: خیزران، مرسیه، تکتم و نجمه؛(3) این بانوی بزرگوار از اهل مغرب زمین بوده(4) (اروپای فعلی و به احتمال زیاد از بندر مارسسی فرانسه) که به مدینه آورده می شود و به همسری امام موسی بن جعفر علیه السلام مفتخر می گردد.

یکی از حکمت هایی که خدای تعالی این همه شأن و مقام به حضرت فاطمه معصومه علیها السلام داده، این است که شیعیان به جای زیارت قبر حضرت فاطمه زهرا علیها السلام که مخفی است به زیارت ایشان بروند، چنانکه از حکایت پدر مرحوم آیه الله مرعشی نجفی بر می آید؛ آیه الله مرعشی نجفی فرموده اند:

پدرم مرحوم سید محمود مرعشی که از علمای حوزه علمیه نجف بود، بسیار علاقمند بود که به هر طریقی شده، محل قبر شریف حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را به دست آورد و از برکات و فیوضات آن بهره مند شود، برای رسیدن به این مطلب مشغول ختم مجربی می شود و چهل شب به آن مداومت می کند تا خداوند از طریقی محل قبر آن حضرت را به او بنمایاند، شب چهلم بعد از انجام ختم و توسل فراوان استراحت می کند که در عالم رؤیا به محضر مقدس امام محمد باقر علیه السلام یا امام جعفر صادق علیه السلام مشرف می شود، امام علیه السلام به ایشان می فرماید:

«علیک بکریمه اهل البیت» یعنی: «بر تو باد که به دامن کریمه اهل بیت چنگ بزنی».

ایشان خیال می کند منظور امام علیه السلام از کریمه اهل بیت، حضرت زهرا علیها السلام است، لذا عرض می کند: بله، من برای همین متوسل شده ام که جای قبر آن حضرت را بدانم تا بهتر بتوانم از فیوضات آن بهره مند شوم. در جواب، امام علیه السلام می فرماید: «منظورم قبر فاطمه معصومه علیها السلام در قم است»، سپس اضافه فرمودند: «به جهت مصالحی خداوند اراده فرموده است که محل قبر شریف حضرت زهرا علیها السلام مخفی بماند، لذا قبر حضرت معصومه علیها السلام را تجلیگاه قبر شریف حضرت زهرا علیها السلام قرار داده است، اگر قرار بود قبر حضرت زهرا علیها السلام ظاهر باشد، هر جلال و

ص: 245

1- مستدرک سفینه البحار، ج 8، ص 261.

2- دلائل الإمامة، ص 309.

3- مناقب آل ائطالب علیهم السلام، ج 4، ص 367؛ الإختصاص، ص 197.

4- عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج 1، ص 17.

جبروتی که برای آن قبر شریف مقدر بوده، خداوند متعال همان جلال و جبروت را بر قبر مطهر حضرت معصومه علیها السلام قرار داده است».

در اینجا آیه‌الله مرعشی می‌فرماید: مرحوم پدرم هنگامی که از خواب برخاستند تصمیم گرفتند که به قصد زیارت حضرت معصومه علیها السلام به ایران بیایند. (1)

حضرت معصومه علیها السلام شباهت‌های شگفت‌انگیزی با حضرت فاطمه زهرا علیها السلام دارد (که ما در کتاب «پاسخ‌نامه در پاسخ به مشکلات جوانان» آورده ایم) لذا خدای تعالی این همه فضائل و ثواب در زیارت این بانو قرار داده است.

### مرگ اشعث بن قیس

در شب اول ذی القعدة به سال 40 هجری قمری، اشعث بن قیس به درکات جحیم شتافت. (2) امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «اشعث بن قیس در قتل امیرالمؤمنین علیه السلام شریک بود و دخترش جعدده امام مجتبی علیه السلام را مسموم کرد و محمد پسرش در قتل امام حسین علیه السلام شریک بود». (3)

اشعث در سال دهم هجرت با جمعی از قبیلۀ خود اسلام آورد و بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مرتد شد، ابوبکر او را به ظاهر دستگیر کرد و خواهر شومش را به همسری او درآورد، (4) از این زن جعدده و محمد به دنیا آمدند که جعدده قاتل امام حسن علیه السلام و محمد جزء لشکر عمر سعد در کربلا شد و در دستگیری جناب مسلم بن عقیل علیه السلام نیز نقش بسزایی داشت (5) و در روز عاشورا به سبب جسارتی که به امام حسین علیه السلام کرد، هنگامی که برای قضای حاجت به کناری رفته بود، عقرب او را نیش زد و در حالی که عورتش پیدا بود به آتش جهنم وارد شد. (6)

### اخراج حضرت آدم علیه السلام از بهشت

بنا به روایتی از امام صادق علیه السلام، در نخستین روز ماه ذی القعدة، حضرت آدم علیه السلام از بهشت رانده شد و به امر پروردگار متعال به زمین هبوط کرد و چون در آن استقرار یافت، از کردار خویش و تبعات منفی آن بسیار ناراحت و اندوهگین شد و به مدت چهل شبانه روز در بالای تپه «صفا» در کنار خانه خدا به سجده رفت و از فراق بهشت و دور شدن از جوار رحمت الهی، بسیار گریست. تا این که جبرئیل امین بر وی نازل شد و توبه کردن را به وی آموخت و غسل و طهارت و احرام و تلبیه و سایر اعمال حج را

ص: 246

1- کتاب پاسخ‌نامه، از همین مؤلف، ص 15؛ کریمه اهل بیت علیها السلام، مهدی پور، ص 43.

2- أسد الغابة، ج 1، ص 249.

3- الکافی، ج 8، ص 167.

4- أسد الغابة، ج 1، ص 249؛ تاریخ الطبری، ج 3، ص 339.

5- وقعة الطف، ص 133.

6- الأمالی للصدوق، ص 150.

آموزش داد و آدم علیه السلام از روز نهم ذی الحجة به اعمال حج پرداخت. (1)

## 2 ذی القعدة الحرام

### تزوج پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با زینب بنت جحش

در هلال ذی القعدة سال پنجم هجری - به جهت حکمتی که خواهیم گفت - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با زینب بنت جحش ازدواج نمود. (2)

زینب بنت جحش ابتدا با وساطت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با زید بن حارثه که پسر خوانده رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خوانده می شد، ازدواج نمود که ثمره آن فرزندی پسر به نام اسامه گردید.

پس از آن بین زینب و زید اختلافاتی روی داد و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم زید را امر به صبر و زندگی با زینب می نمود و می فرمود: «أمسک علیک زوجک و اتق الله» (3) یعنی: «همسرت را برای خود نگه دار و تقوای الهی پیشه کن». به هر روی، علیرغم تلاش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و برخی از صحابه در ایجاد تفاهم میان زید و زینب، کارشان به جدایی و طلاق انجامید؛ سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امر پروردگار با زینب ازدواج نمود، (4) چنانکه قرآن می فرماید: «فلما قضی زید منها وطراً زوّجناکها لکی لا یکون علی المؤمنین حرج فی أزواج أذعیانهم إذا قضوا منهنّ وطراً و کان أمر الله مفعولاً» (5) یعنی: «پس هنگامی که «زید» نیاز خود را از همسرش به پایان برد (و او را طلاق داد) وی را به همسری تو درآوردیم تا برای مؤمنان نسبت به ازدواج با همسران پسر خوانده هایشان در آن وقتی که از آنها جدا می شوند، مشکلی نباشد و همواره فرمان خدا انجام شدنی است».

و حکمت آن این بود که در سنت جاهلی همسر پسر خوانده را همانند همسر فرزند تنی خود محرم می دانستند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به جهت تعصب جاهلیت مردم نمی توانستند این امر جاهلی را نهی کنند، چنانکه خداوند تبارک و تعالی به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: «و تخفی فی نفسک ما الله مبذیه و تخشی الناس و الله أحق أن تخشاه» (6) یعنی: «و در دلت مخفی نگه می داشتی آنچه را که خدا آشکارکننده آن بود و از مردم می ترسیدی و حال آنکه خدا سزاوارتر بود که از او ترسی»، لذا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امر پروردگار عملاً این سنت جاهلیت را برداشتند و با زینب ازدواج نمودند.

این ازدواج یک ازدواج الهی بوده و در قرآن تعبیر به «زوّجناکها - زینب را به همسری تو درآوردیم» شده است، لذا در تواریخ آمده است که زینب بر سایر همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در زمان خود،

ص: 247

1- تفسیر القمی، ج 1، ص 44.

2- الطبقات الکبری، ج 8، ص 114.

3- سوره احزاب، آیه 37.

4- تفسیر القمی، ج 2، ص 194.

5- سوره احزاب، آیه 37.



به این امر مباحات می کرد و می گفت:

«زَوَّجْتُ أَهْلُوكَ وَزَوَّجَنِي اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ»<sup>(1)</sup> یعنی: «شما را خویشاوندانتان به همسری پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در آوردند، ولی مرا خداوند از آسمان به همسری پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در آورد».

## 5 ذی القعدة الحرام

### رحلت سید بن طاووس رحمه الله

جناب سید علی بن موسی بن جعفر بن طاووس مشهور به «سید بن طاووس» که مقام قدس، تقوا، ورع و زهدش بالاتر از آن است که وصف شود و بس است در مقام مقدس جنابش اینکه مکرر به شرف حضور امام عصر ارواحنا فداه مشرف شده است که هم خود ایشان و هم علمای اعلام نقل نموده اند و فوق حدّ تواتر و مسلّم عند الكل است و به جهت مقام بلند علمی و معنوی که داشته است امام زمان علیه السلام در تشریف اسماعیل هرقلی او را فرزند خود خوانده اند.<sup>(2)</sup>

جناب سید بن طاووس در 15 محرم سال 589 هجری قمری در شهر حلّه، سرزمین عراق متولد شد و سرانجام در چنین روزی به سال 664 قمری از دنیا رحلت نمود<sup>(3)</sup> و پیکر پاکش را پس از غسل در کفنی که خود در مسجد الحرام و عرفات و حرم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و دیگر حرم معصومین علیهم السلام متبرک کرده بود، گذاشتند و در خارج از شهر حلّه در باغی به خاک سپردند. (رحمة الله علیه)

ما شرح حالات و تشرّفات این عالم ربانی را در کتاب «امام زمان علیه السلام و سید بن طاووس رحمه الله» آورده ایم، طالبین به آنجا مراجعه نمایند.

## 6 ذی القعدة الحرام

### ولادت احمد بن موسی علیه السلام (شاه چراغ)

جناب احمد بن موسی علیه السلام معروف به شاه چراغ در چنین روزی به سال 147 هجری قمری دیده به جهان گشود، آیه الله شیخ علی فلسفی صاحب کتاب گرانسنگ «دائرة المعارف بقاع متبرکة جهان» که مخطوط و بیش از پانصد مجلد می باشد در مجلدات استان فارس در احوالات حضرت احمد بن موسی علیه السلام این تاریخ را ذکر کرده است.

مادر گرامی ایشان جناب ام احمد بود که علامه مجلسی رحمه الله در بیان مقام این بانوی عظیم الشأن

ص: 248

1- الکامل فی التاریخ، ج 2، ص 177.

2- کشف الغمة، ج 2، ص 493.

3- روضات الجنات، ج 4، ص 338.



می فرماید: «ام احمد مادر بعضی اولاد آن حضرت (امام کاظم علیه السلام) بود و او داناترین، پرهیزکارترین و گرامی ترین زنهایش در نزد آن حضرت بود که اسرار خود را به وی می سپرد و اماناتش را نزد او ودیعه می نهاد»<sup>(1)</sup>.

شرح حال این امامزاده واجب التعظیم در بیست و هشتم ماه ذیقعدة خواهد آمد.

## 8 ذی القعدة الحرام

### غزوة خندق (احزاب) و کشته شدن عمرو بن عبدود

در چنین روزی به سال پنجم هجری قمری غزوة خندق واقع شد.<sup>(2)</sup> در این جنگ تعداد مسلمانان سه هزار نفر و مشرکین ده هزار نفر به فرماندهی ابوسفیان بودند و به پیشنهاد سلمان فارسی برای مقابله با مشرکین خندقی حفر شد.<sup>(3)</sup>

در این جنگ عمرو بن عبدود، از قهرمانان عرب که او را «فارس یلیل» می گفتند و با هزار سوار مقابله می کرده،<sup>(4)</sup> به میدان آمد و طلب مبارز کرد، وقتی نعره عمرو بن عبدود بلند شد، همه مسلمانان ساکت و از جای خود حرکت نکردند، فقط امیرالمؤمنین علیه السلام بودند که هر بار عمرو بن عبدود نعره می کشید و طلب مبارز می کرد، بلند می شدند و اعلام آمادگی برای مبارزه می نمودند، پس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم او را طلب نمودند و عمامه خود را بر سر مبارکش پیچیدند و شمشیر به دستش داده و دعایش کردند، حضرت علی علیه السلام راهی میدان شد و در مقابل عمرو بن عبدود قرار گرفت، هر دو قهرمان رجز خواندند، امیرالمؤمنین علیه السلام پیاده و عمرو سواره بود، امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: زمان جاهلیت می گفتم: هر که از من سه حاجت بخواهد حتماً یکی را برآورده می سازم، حال حاجت اول من این است که: مسلمان بشو! دوم اینکه: برگرد و با مسلمانان جنگ نکن، سوم اینکه: تو هم مثل من از اسب پیاده شو تا با هم بجنگیم.

عمرو بن عبدود گفت: دو حاجت اول را نمی پذیرم، ولی حاجت سوم را قبول می کنم و از اسب به زیر آمد، ولی ترس و رعب از قدرت و شهامت امیرالمؤمنین علیه السلام بر دل عمرو بن عبدود نشسته بود، لذا گفت: من دوست ندارم با شخص کریمی مثل تو جنگ کنم و حال آنکه پدر تو ابوطالب با من رفیق بود، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: اما من میل دارم با تو مبارزه کنم، سپس هر دو به یکدیگر حمله

ص: 249

1- مرآة العقول، ج 3، ص 367.

2- المغازی للواقدی، ج 2، ص 440؛ الطبقات الكبرى، ج 2، ص 54؛ إمتاع الأسماع، ج 1، ص 221.

3- الطبقات الكبرى، ج 2، ص 66.

4- مناقب آل أیطالب، ج 3، ص 134.

کردند و به هم پیچیدند و غباری بلند شد، پس از مدتی دیدند امیرالمؤمنین علیه السلام بر سینهٔ عمر و نشسته و او را به درک واصل ساخت که صدای مسلمانان به تکبیر بلند شد. (1) رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «ضربة علیّ يوم الخندق أفضل من عبادة الثقلین». (2)

و اینکه مولوی در اشعارش می گوید: «عمر و بن عبدود آب دهان به صورت مبارک علی علیه السلام انداخت و آن حضرت دست از کشتن او کشیدند و بعد از مدت کوتاهی او را به درک واصل کردند، وقتی از امیرالمؤمنین علیه السلام سؤال کردند چرا در کشتش تأمل نمودید؟! فرمود: نمی خواستم به خاطر هوای نفسم که آب دهان به من انداخته بود او را بکشم؟!» (3) این حکایت جعلی است و صحت ندارد. (4) چون امیرالمؤمنین علیه السلام معصوم بودند و یک لحظه بلکه کمتر از یک لحظه از خدا جدا نبودند و تمام افعال و کردارشان به امر پروردگار و مورد رضای حق تعالی بوده و هرگز حضرتش هوای نفس نداشتند.

## 11 ذی القعدة الحرام

### ولادت با سعادت سلطان دین و دنیا، امام رضا علیه السلام

حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام در روز 11 ذی القعدة در سال 148 هجری قمری در مدینه دیده به جهان گشود، (5) پدر بزرگوارش حضرت موسی بن جعفر علیه السلام و مادر مکرمه اش که به نجمه خاتون و تکتیم نامیده می شود، می باشد.

هشام بن احمد گوید: امام کاظم علیه السلام فرمودند: آیا خبر داری که کسی از اهل مغرب آمده باشد؟

عرض کردم: نه. فرمودند: چرا، یک نفر آمده، برخیز تا به سوی او برویم.

هر دو بر مرکب سوار شدیم و به نزد او رفتیم، دیدیم مردی از اهل مغرب است که چند برده با خود دارد، امام علیه السلام به او فرمودند: کنیزهای خود را نشان بده، وی نه کنیز به ما نشان داد که هر کدام از آنها را نشان می داد، امام کاظم علیه السلام می فرمودند: این را نمی خواهم.

در این موقع امام کاظم علیه السلام به او فرمودند: کنیز دیگری نشان بده، وی گفت: دیگر کنیزی ندارم، حضرت فرمودند: چرا داری! کنیز دیگری نشان بده. گفت: سوگند به خدا! فقط یک کنیز دارم که آن هم بیمار است، حضرت فرمودند: اگر اشکالی ندارد او را هم نشان بده، اما او از نشان دادن آن کنیز

ص: 250

1- المغازی للواقدی، ج 2، ص 471؛ الإرشاد، ج 1، ص 100.

2- الخصال، ج 2، ص 579؛ الطرائف، ج 2، ص 519؛ کشف المراد، ج 1، ص 382.

3- مثنوی معنوی، دفتر اول.

4- این حکایت را ابن شهر آشوب در کتاب «مناقب آل ائیمت علیهم السلام» به نقل از طبری بیان می کند و طبق کاوشی که نمودیم چنین حکایتی از طبری نقل نشده است و می تواند سهوی از جانب ابن شهر آشوب باشد.

5- روضة الواعظین، ج 1، ص 236؛ إعلام الوری، ج 2، ص 40؛ الدرر، ج 2، ص 14.

امتناع ورزید و امام علیه السلام بازگشتند.

فردا صبح امام علیه السلام مرا نزد او فرستادند و فرمودند: به او بگو: نهایت قیمت آن کنیز چقدر است؟ وقتی گفت: فلان مبلغ، تو بگو خریدم. پس به همراه کنیزان خودم نزد او رفتم و گفتم: آن کنیز را چند می فروشی؟ گفت: کمتر از فلان مبلغ نمی فروشم. گفتم: به همان مبلغ خریدم، گفت: (من هم پذیرفتم) کنیز مال تو، ولی به من بگو: آن شخصی که دیروز با تو بود، کیست؟

گفتم: شخصی از بنی هاشم بود، گفت: از کدام بنی هاشم؟ گفتم: بیش از این در مورد او نمی دانم.

او گفت: من هم اینک داستان این کنیز را برای تو تعریف می کنم، من او را از دورترین منطقه غرب خریدم. زنی از اهل کتاب مرا دید و گفت: این چه کنیزی است که نزد توست؟

گفتم: او را برای خودم خریده ام، گفت: سزاوار نیست که چنین کنیزی نزد چون تو باشد، این کنیز شایسته است نزد بهترین فرد روی زمین باشد، اندکی پیش او نمی ماند جز اینکه از او فرزندی متولد خواهد شد که شرق و غرب عالم تابع او می شوند.

هشام بن احمد گوید: من آن کنیز را خدمت مولایم امام کاظم علیه السلام آوردم و چیزی نگذشت که امام رضا علیه السلام از او متولد شد. (1)

## 15 ذی القعدة الحرام

شب پانزدهم ذی القعدة، شب مبارکی است و خداوند نظر رحمت بر بندگان مؤمن خود دارد و هر که سؤال کند در این شب حاجتی را از خداوند متعال به او عنایت خواهد شد. (2)

## 23 ذی القعدة الحرام

### روز زیارتی امام رضا علیه السلام

شب و روز 23 ذی القعدة الحرام بسیار متبرک است و بنا بر نقل سید بن طاووس رحمه الله در روزش زیارت حضرت رضا علیه السلام از دور و نزدیک مستحب است. (3) همچنین بنا بر قولی شهادت حضرت رضا علیه السلام در این روز واقع شده است، (4) اما اقوی شهادت آن حضرت در آخر ماه صفر می باشد.

### شهادت ارمیا پیامبر

ارمیا پیامبر که از نسل یعقوب پیامبر می باشد و عمر درازی نمود، به دست یهودیان مصر یا عرب های

ص: 251

1- عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج 1، ص 17؛ القطرة، ج 2، ص 671.

2- إقبال الأعمال، ج 1، ص 309.

3- إقبال الأعمال، ج 1، ص 310.

4- مسار الشيعة، ص 16

## 24 ذی القعدة الحرام

### قتل منصور حلاج

حسین بن منصور حلاج از عرفای صوفیه که معتقد به مذهب خاصی نبوده،(3) در چنین روزی به سال 309 هجری قمری به فتوای علمای عصر به دار آویخته شد.(4)

منصور حلاج اعتقادی تمام به مبانی تصوف داشته و ادعای بابت نمود و بسیاری از مردم را به سوی خود دعوت می نمود. مطابق گزارش های تاریخی، حلاج در قم ابتدا برای ابوالحسن علی بن حسین بابویه، پدر شیخصدوق، نامه نوشت و در آن با ادعای وکالت و نیابت امام دوازدهم، او و اهل قم را به طاعت خود خواند. علی بن بابویه نوشته او را درید و بعد از مواجهه با او، با فضیحت و خفت تمام وی را از مجلس خود بیرون کرد. حلاج بعد از ماجرای قم، ابوسهل اسماعیل بن علی نوبختی، از بزرگان شیعیان بغداد را در نامه هایی به پیروی خود فراخواند. نوبختی که پیروی با فراست بود، در پاسخ دعوت حلاج از او معجزه ای طلبید تا او و همه شیعیان بدو بگردند. او از حلاج خواست تا مو و محاسن سفیدش را به سیاهی برگرداند تا جوانی از سرگیرد! (فبهت الذی کفر) پس از ناتوانی و سکوت حلاج، ابوسهل بدین صورت ادعای دروغ او را مکشوف کرد و با نقل این ماجرا در محافل بغداد، عامه مردم به ویژه شیعیان را از پیروی او باز داشت.(5)

بعضی او را حنفی مذهب دانسته و خود وی در بعضی از محکمه ها که علیه او بر پا شده بود خود را از ابناء عامه و سنی مذهب معرفی می کند.(6) منصور حلاج با سر دادن «أنا الحق» معتقد به حلول و وحدت وجود بوده(7) و از نخستین کسانی است که ابلیس را ستایش نمود و از او دفاع کرد،(8) لذا علمای امامیه نظیر ابن بابویه،(9) شیخ مفید،(10) شیخ طوسی(11) و علامه حلی(12) به کفر او فتوا داده اند.

سرانجام حلاج به جرم کلمات کفرآمیزش بر اثر فتوای ابوبکر محمد بن داوود مؤسس مذهب ظاهریه مبنی بر وجوب قتل او و اقامه دعوی سهل بن اسماعیل بن علی نوبختی و پیگیری های ابوالحسن علی

ص: 252

1- تاریخ ابن خلدون، ج 2، ص 124

2- مستدرک سفینه البحار، ج 8، ص 556.

3- تذکره الاولیاء، ج 1، ص 586.

4- تاریخ بغداد، ج 8، ص 705؛ سیر أعلام النبلاء، ج 11، ص 217.

5- الغیبة للطوسی، ص 401 - 403.

6- «حلاج»، محمد جواد شمس، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج 21.

7- الطواسین، منصور حلاج، ص 26.

8- الطواسین، منصور حلاج، ص 23.

9- فضائح الصوفیة، بهبهانی، ص 94.

10- تصحیح اعتقادات الإمامیة، ج 1، ص 134.

11- الغيبة للطوسي، ص 401.

12- رجال العلامة الحلي، ج 1، ص 274.

بن فرات وزیر شیعی مقتدر عباسی در سال 301 در بغداد به زندان افتاد و پس از چندین سال حبس، در سال 309 قمری به فرمان حامد بن عباس وزیر وقت عباسی به دار آویخته شد. (1)

## 25 ذی القعدة الحرام

### روز دحو الأرض

شب بیست و پنجم ذیقعدة الحرام، شبی است که فردای آن روز دحو الأرض (روز گسترده شدن زمین) می باشد، این شب از لیالی شریفه است که رحمت خدا در آن نازل می شود و قیام به عبادت در این شب اجر بسیاری دارد.

اول موضعی که از زیر آب سر برآورد «کعبه» بود و سپس خشکی های زمین از کنار آن گسترش یافت (2) و این امر یکی از جهاتی است که به سرزمین مکه «امّ القری» گفته اند. (3)

شیخ صدوق رحمه الله از امام رضا علیه السلام نقل نموده که فرمودند: «در شب بیست و پنجم ذیقعدة، حضرت ابراهیم علیه السلام و حضرت عیسی علیه السلام متولد شده اند و زمین از زیر کعبه پهن شده است، و نیز خاصیتی در این شب باشد که هیچ کس از آن یاد نکرده، پس هر که روزش را روزه بدارد چنان است که شصت ماه را روزه داشته باشد» (4) و در روایتی دیگر است که فرمودند: «حضرت قائم علیه السلام در این روز قیام خواهد کرد». (5)

محمد بن عبد الله صیقل می گوید: در بیست و پنجم ذی القعدة امام رضا علیه السلام نزد ما آمدند و فرمودند: امروز روزه بگیرید و من هم روزه گرفته ام. عرض کردیم: فدایت شویم! امروز چه روزی است؟ فرمود: «روزی است که در آن رحمت منتشر شده و زمین گسترش یافته و کعبه نصب شده و آدم هبوط کرده است». (6)

در قسمتی از روایت دیگری آمده است: «أیما جماعة اجتمعت ذلك اليوم فی ذکر ربهم عزّ و جلّ لم یتفرّقوا حتّی یعطوا (یوتوا) سؤلهم» (7)، لذا چه نیکوست مؤمنین در این روز به این روایت عمل نموده و دسته جمعی برای ظهور و فرج حضرت بقیة الله علیه السلام دعا کنند.

همچنین زیارت حضرت رضا علیه السلام افضل اعمال مستحبه و اکد آداب مسنونه در این روز است. (8)

ص: 253

1- تاریخ بغداد، ج 8، ص 719؛ الکامل فی التاریخ، ج 8، ص 129.

2- من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 241.

3- تفسیر نمونه، ج 5، ص 346.

4- ثواب الأعمال، ص 79.

5- إقبال الأعمال، ج 1، ص 310.

6- الکافی، ج 4، ص 150.

7- إقبال الأعمال، ج 1، ص 312.





در چنین روزی به سال 200 هجری قمری حضرت امام رضا علیه السلام به امر مأمون عباسی از مدینه منوره به سوی مرو خارج شدند. (1)

### ساختن کعبه برای اولین بار

و همچنین در چنین روزی حضرت آدم ابوالبشر با یاری جبرئیل خانه کعبه را بنا نهاد (2) و حجر الأسود را نصب کرد. (3)

### 26 ذی القعدة الحرام

#### خروج حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، برای حجّة الوداع و غدیر خم

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در طی ده سال که در مدینه اقامت داشتند، حج خانه خدا بجا نیاورند تا اینکه این آیه نازل شد: «و اذّن فی الناس بالحجّ یأتوک رجالا و علی کلّ ضامر یأتین من کلّ فج عمیق»، (4) پس از آن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم امر نمودند که مؤذنان به بالاترین صوتشان به مسلمانان اعلان کنند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در این سال به حج می روند، لذا در چنین روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به همراهی فاطمه زهرا علیها السلام و همسران و جمعی از اصحاب از مدینه به سوی مکه معظمه حرکت کردند، (5) امیرالمؤمنین علیه السلام نیز از یمن خودشان را به رکاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در مکه رساندند. این آخرین حج رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود که در آن از رحلت خود خبر دادند.

در این سفر هنگام برگشت به منطقه غدیر که رسیدند، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دستور نزول دادند و صبر نمودند تا آنان که عقب هستند برسند و آنان که پیش رفته اند برگردند که تعدادشان به 120 هزار نفر رسید، (6) سپس طی خطبه ای مفصل، برادرشان علی بن ابی طالب علیه السلام را به عنوان جانشین و خلیفه بعد از خود تعیین نمودند.

ص: 254

1- مستدرک سفینه البحار، ج 8، ص 556.

2- الکافی، ج 4، ص 150؛ مستدرک سفینه البحار، ج 8، ص 556.

3- الکافی، ج 4، ص 186.

4- سوره حج، آیه 27.

5- تفسیر العیاشی، ج 1، ص 89؛ الکافی، ج 4، ص 245.

6- تذکرة الخواص، ص 37؛ السیره الحلییه، ج 3، ص 361.

## رحلت و شهادت ابوذر غفاری

ابوذر صحابی بزرگوار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علیه السلام در اواخر ماه ذی القعدة (1) و بنا بر یافته مرحوم شیخ علی فلسفی (مورخ و محقق نامی مشهد مقدس) در چنین روزی به سال 32 هجری قمری در تبعیدگاهش ربذه که عثمان بن عفان تبعید کرده بود، رحلت می کند. (2)

ابوذر که می دید چگونه حق را از جایگاهش منحرف کرده اند و جهان اسلام را به تاریکی و ظلمت سوق می دهند با زبانی برّان و حق گو و با صراحت لهجه اعتراض کرد و حکام زمان خویش را امر به معروف و نهی از منکر نمود، لذا عثمان به جرم حق گویی و دفاع از ولایت به شام تبعیدش نمود، اما او در شام هم دست از حق گویی برنداشت. (3)

معاویه که از حقگویی و افشاگری های ابوذر به تنگ آمده بود او را به جبل عامل فرستاد، ابوذر توانست بسیاری از مردم جبل عامل (لبنان) را متوجه ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام بکند و شیعه سازد، (4) لذا معاویه او را به شام برگرداند و به زندان انداخت، سپس برای رهایی از زبان برّان و حقگویی ابوذر از عثمان درخواست کرد که او را به مدینه باز گرداند. (5)

ابوذر هنگامی که به مدینه برگشت دست از اعتراض و افشاگری علیه عثمان برنداشت تا اینکه عثمان تصمیم گرفت ابوذر را به ربذه تبعید کند و دستور داد هیچ کس به مشایعتش بیرون نشود، ولی امیرالمؤمنین علیه السلام و امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام به بدرقه ابوذر رفتند. (6) امام حسین علیه السلام به ابوذر فرمودند: «عموجان! خداوند قادر است که وضع کنونی را دگرگون سازد و خداوند هر روزی دست به کار چیزی است، و این قوم دنیای خود را از تو باز داشتند و تو دین خود را از آنان. به راستی که تویی نیازی از آنچه تو را محروم ساختند و آنان به آنچه تو آنها را محروم ساختی نیازمندند. پس از خداوند صبر و یاری بخواه و از حرص و بی تابی به او پناه ببر که صبر از دین و کرم است، و نه حرص روزی را پیش اندازد و نه بی تابی اجل را به تأخیر افکند». (7)

ص: 255

1- أنساب الأشراف - طبع مصر، ج 5، ص 55؛ الفوائد الرجالية، تحقیق و تعلیق سید محمدصادق و سید حسین بحر العلوم، ج 2، ص 159.

2- دائرة المعارف بقاع متبرکه جهان (بخش مکه و مدینه).

3- تاریخ الطبری، ج 4، ص 283؛ شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، ج 8، ص 256.

4- امل الآمل فی علماء جبل عامل، حر عاملی، ج 1، ص 13.

5- تاریخ یعقوبی، ج 1، ص 172؛ تاریخ الطبری، ج 4، ص 283.

6- تاریخ یعقوبی، ج 1، ص 172؛ شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، ج 8، ص 252.

7- شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، ج 8، ص 252.

پس از مدتی ابوذر در بیابان ربنه بیمار می شود و بر اثر نبود امکانات و غذا و دارو در صحرای ربنه با آن بیماری به شهادت می رسد. (1)

مالک اشتر که همراه جمعی به سفر حج می رفت به فرزند ابوذر برخورد می کند و از فوت ابوذر مطلع می گردد، وی با همراهانش با کمال احترام اباذر را غسل و کفن کرده و همانجا به خاک می سپارد. (2)

## 28 ذی القعدة الحرام

### شهادت حضرت احمد بن موسی، شاهچراغ علیه السلام

آنچه مشهور و معروف است از قدیم الایام در روز 28 ذی قعدة الحرام، مردم ولایی و عاشق اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در خطه فارس، با پای پیاده از اطراف و اکناف فارس فرسنگها راه را طی می کردند و خود را به مرقد مطهر جناب احمد بن موسی علیه السلام و برادرانش می رساندند و مشغول عزاداری و توسل می گردیدند و روز بیست و نهم راهی مرقد منور امامزاده سید علاءالدین حسین علیه السلام می شدند.

لذا شیعیان شیراز و محبین حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام در بعضی از سال های قمری سه روز و سه شب یعنی 28، 29 و 30 ماه ذی قعدة را به جهت شهادت حضرت امام جواد و شاهچراغ و شاه علاءالدین حسین علیهم السلام اقامه مجالس عزا می کردند و با راه انداختن هیئت های زنجیرزنی و سینه زنی به طرف بارگاه ملکوتی شاهچراغ علیه السلام حرکت می کردند و سپس به مرقد منور سید علاء الدین حسین علیه السلام رفته و عرض ارادت و عزاداری می نمودند و از روح آزاد این اولیاء خدا استمداد می جستند و چه نیکوست مؤمنان و محبین حضرت موسی بن جعفر علیه السلام این سنت را احیا نمایند و در این سه روز مجالس عزا و سوگواری برپا نمایند.

این ادب و اظهار حزن شیعیان خطه فارس بیعت و انگیزه نبوده، چون یا شهادت جناب شاهچراغ علیه السلام در چنین روزی بوده که در اثر اختناق و شدت مخالفت دشمنان اهل بیت علیهم السلام در کتابی ثبت نشده و سینه به سینه شیعیان آن روز را پاس داشته و به یکدیگر منتقل نموده اند، و یا اینکه در این روز بدن مطهر آن امام زاده واجب التعظیم به صورت معجزه آشکار گردیده است.

چون دشمن محل شهادت آن حضرت را ویران کرده و مخفی نگاه داشته بود و دوستان و شیعیان نیز به جهت آن سختگیری ها محل شهادت آن حضرت را پنهان نگه داشته بودند، لذا آن محل مخفی بوده تا آنکه پس از سالیان درازی به صورت معجزه آشکار می گردد که معروف به «شاه چراغ» می شود و

ص: 256

1- «... فقتلوه فقرا و جوعا و ذلاً و ضرّاً و صبراً»، رجال الکشی، ص 25.

2- روضة الواعظین، ج 2، ص 284؛ شرح نهج البلاغة لابن ابي الحديد، ج 15، ص 99.

همانند چراغی فروزان خطه فارس را روشن می نماید.

جناب احمد بن موسی الکاظم علیه السلام ملقب به شاهچراغ، پسر ارشد امام هفتم علیه السلام و برادر حجت هشتم امام علی بن موسی الرضا علیه السلام است که مثل خواهر مکرمه اش بی بی حضرت معصومه علیها السلام در راه وصال به برادر عازم دیار خراسان شد ولی در راه توسط افراد مأمون ملعون در شهر شیراز به شهادت رسید.

به نقلی این امامزاده با عظمت در 6 ذی القعدة سال 147 هجری قمری به دنیا آمده تا سادات موسوی را مایه فخر و مباهات باشد و این روز را مؤمنین و بزرگان فارس گرامی می دارند.

### سفر حضرت به شیراز

در زمانی که حضرت امام علی بن موسی علیه السلام با ولایتعهدی تحمیلی در طوس خراسان بودند، حضرت احمد بن موسی علیهما السلام به اتفاق جناب سید محمد عابد و جناب سید علاءالدین حسین برادران خود و جمعی دیگر از برادرزادگان و اقارب و دوستان، به قصد زیارت آن حضرت از حجاز به سمت خراسان حرکت نمودند.

در بین راه نیز جمع کثیری از شیعیان و علاقه مندان به خاندان رسالت، به سادات معظم ملحق و به اتفاق حرکت نمودند تا جایی که می نویسند: به نزدیک شیراز که رسیدند، تقریباً یک قافله پانزده هزار نفری از زنان و مردان تشکیل شده بود.

خبر حرکت این کاروان را به خلیفه وقت مأمون دادند. وی ترسید که اگر چنین جمعیتی از بنی هاشم و دوستداران و فدائیان آنها به طوس برسند، اسباب تزلزل مقام خلافت فراهم گردد. لذا امریه ای صادر نمود به تمام حکام بلاد که در هر کجا قافله بنی هاشم رسیدند، مانع از حرکت آنها شوید و آنها را به سمت مدینه برگردانید؛ به هر کجا این حکم رسید قافله حرکت کرده بود مگر شیراز.

حاکم شیراز مردی به نام «قتلغ خان» بود، وی با چهل هزار لشکر جزّار، در «خان زنیان» در هشت فرسخی شیراز اردو زد و همین که قافله بنی هاشم رسیدند، پیغام داد که حسب الامر خلیفه، آقایان از همین جا باید برگردید.

حضرت سید احمد علیه السلام فرمود: «ما قصدی از این مسافرت نداریم جز دیدار برادر بزرگوارمان»، اما لشکر قتلغ خان راه را بستند و جنگ شدید خونینی شروع شد که لشکر دشمن در اثر فشار و شجاعت بنی هاشم پراکنده شدند. لشکر شکست خورده، تدبیری اندیشید و بالای بلندیها فریاد زدند: «الآن

خبر رسید که ولیعهد امام هشتم علیه السلام وفات کرد!

این خبر مانند برق، ارکان وجود مردمان سست عنصر را تکان داده، از اطراف امامزادگان متفرق شدند، جناب سید احمد علیه السلام شبانه با برادران و اقارب از بیراهه به شیراز رهسپار گردیدند و با لباس مبدل پراکنده شدند.

### شهادت حضرت

به هرحال حضرت احمد بن موسی علیه السلام برای امان از گزند حکومت، به همراه برادران خود مخفیانه به شیراز رهسپار شد، سید احمد در شهر شیراز در منزل یکی از شیعیان در منطقه «سردزک» که مرقد ایشان در این منطقه واقع است، سکنی گزید و در خانه این شخص مخفی گشت و شب و روز را به عبادت می گذرانید.

قتلغ خان که جاسوسانی را برای شناسایی و دستگیری سادات قرار داده بود، مکان ایشان را بعد از یک سال یافت و آن حضرت و همراهانش را محاصره نمود و نبردی بین آنها و مأموران حکومت در گرفت و سید احمد با شهامت و شجاعت هاشمی به دفاع از خود و همراهان خود پرداخت.

هنگامی که قتلغ دانست که از طریق ستیز مسلحانه قدرت از میان بردن آنان را ندارند، از طریق شکافی که در خانه همسایه درست کرده بود وارد خانه ای که سید احمد در آن پناه برده بود، شدند و زمانی که حضرتش برای استراحت و تجدید قوا پس از نبردی طولانی به خانه رفته بود هنگام خروج، با شمشیری بر سر مبارکش ضربه ای وارد کردند، سپس به دستور قتلغ خان خانه را بر روی آن بدن شریف خراب کردند و زیر آوار باقی گذاردند.<sup>(1)</sup> با توجه به تبلیغ گسترده حکومت و مأموران علیه تشیع و اهل بیت علیهم السلام تعداد زیادی از مردم که از مخالفین تشیع بودند، حرمت بدن شریف نواده پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را نگاه نداشتند و آن را در زیر آوار نگاه داشته و به خاک نسپردند ولی شیعیان که این محل را می شناختند نسل به نسل آن را محترم می شمردند و مخفیانه حرمت آن را پاس می داشتند تا اینکه با روی کار آمدن حاکمان شیعه بارگاه مجللی بر روی آن بنا نمودند.

### یافتن بدن شریف حضرت

جسد مطهر حضرت بعد از شهادت برای حفظ از تناول دشمن به مشیت الهی از نظر مخالفین غایب گردید و بر مدفن آن حضرت کسی واقف نبود جز اندکی از شیعیان تا زمان سلطنت «عضدالدوله

ص: 258

1- شب های پیشاور در دفاع از حریم تشیع، ص 115 - 119.

دیلمی» شیعه و ارادتمند به اهل بیت علیهم السلام، در بین سال های 338-372 قمری که قبر مطهر احمد بن موسی علیهما السلام، شاهچراغ آشکار گردید و بنایی بر آن ساخته شد.<sup>(1)</sup>

آنچه برخی از محققان به دست آورده اند این است که ظاهراً قبر آن حضرت پس از آشکار شدن در زمان عضد الدوله دیلمی، بر اثر مرور زمان و زلزله های پی در پی از دیده ها مخفی می گردد تا این که مجدداً در زمان سلطنت اتابک ابوبکر (623-658 قمری) آشکار شده و به دستور «امیر مقرب الدین مسعود بن بدر» بنایی وسیع و زیبا بر قبر مطهر فرزند ارشد موسی بن جعفر علیه السلام، حضرت شاهچراغ ساخته می شود.<sup>(2)</sup> و قبر مطهر را در زیر سقف ضربی قرار می دهند تا اگر زلزله ای آمد قبر مطهر آسیب نبیند که هم اکنون نیز آن وضعیت حفظ شده و تا به امروز زیارتگاه عاشقان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام می باشد.

در اوایل قرن هفتم، شیراز تحت سلطه «مظفر الدین ابوبکر بن سعد» قرار گرفت، وی انسانی مؤمن بود که به نشر دین اسلام علاقه داشت و به علما و دانشمندان احترام می گذاشت و سادات را دوست می داشت. برخی از وزراء و مأموران دولتی او نیز این چنین بودند، از جمله آنان «امیر مقرب الدین مسعود بن بدر» بود که انسانی بخشنده و به فکر آبادانی سرزمین ها و بهبود وضع مردم بود، وی به زیبایی و نظافت شهر شیراز که پایتخت حکومت به شمار می رفت، همت گمارد و بناهای ویران و خرابه های آن را آباد نمود.

او علاوه بر دستور آبادانی شهر شیراز، دستور داد محلی که بین مردم معروف بوده احمد بن موسی علیهما السلام در آن به شهادت رسیده است را آباد کنند، در هنگام عمارت بنا و خالی نمودن آوارها، کارگران به بدن تازه جوانی بلند قامت با سیمایی زیبا رسیدند که به علت ضربه شمشیری در سرش کشته شده بود، کارگران او را از خاک خارج نمودند و امیر مسعود را مطلع ساختند، او به همراه برخی از افراد معتمدش به آن محل آمد و تحقیقات خود را برای کشف هویت صاحب بدن آغاز کرد، پس از کنکاش بسیار، و وجود دلائلی نظیر انگشتی که روی آن نوشته شده بود: «العزة لله، أحمد بن موسی» و نیز با توجه به وقایع تاریخی که از آن حضرت از طریق شیعیان نقل شده بود، بر آنان ثابت شد که این بدن متعلق به جناب احمد بن موسی علیه السلام است.

هنگامی که مردم شیراز بدن شریف را دیدند که پس از چند صد سال از شهادتش، هنوز تازه و دست نخورده است، دانستند که صاحب این بدن از اولیاء الله است، در نتیجه به حقانیت تشیع یقین پیدا کردند و بسیاری از آنان به مذهب تشیع روی آوردند.

ص: 259

1- آثار الأحمديّة، مجد الأشراف، ص 2-8.

2- شیرازنامه، زرکوب شیرازی، ص 196؛ شد الإزار فی حطّ الاوزار عن زوّار المزار، جنید شیرازی، ص 289.

سپس مسعود بن بدر دستور داد در همان جا که بدن ایشان را آنجا یافته بودند بر بدن شریف نماز بخوانند و همان جا با احترام و تجلیل در حضور علماء و بزرگان شیراز به خاک بسپارند و بر روی آن بنایی وسیع و زیبا بسازند تا زائران و عابران، آن مزار را زیارت نمایند. این بنا تا سال 658 هجری قمری، زمان فوت ملک مظفرالدین، پا بر جا ماند و تا زمان ما رونق بیشتری یافت.

## چرا شاهچراغ؟

نورافشانی مرقد مطهر احمد بن موسی علیه السلام در نیمه های شب، سبب شد تا ایشان به «شاهچراغ» یعنی پادشاهی که صاحب نور است، ملقب گردد، چنانکه قرنهاست خورشید وجودش به شیعیان و دوستدارانش در خطه فارس حیات می بخشید و هم اکنون نیز بعضی از بزرگان اهل معنا نقل نموده اند که در نیمه های شب بالای گنبد مطهرش روشنایی همانند چراغی فروزان، نورافشانی می کند؛ به امید روزی که گنبد مطهرش طلاکاری شود چنانکه در عالم رؤیا دیدم.

درباره پیدا شدن مدفن حضرت احمد بن موسی علیه السلام حکایت دیگری نیز نقل شده است که توجه به آن، دلیل نامیده شدن آن حضرت به «شاهچراغ» را نیز روشن می کند:

تا زمان «امیر عضدالدوله دیلمی» شیعه، به جهت حکام مخالف اهل بیت، کسی جز شیعیان که تعدادشان اندک بود از مدفن حضرت احمد بن موسی علیه السلام اطلاعی نداشت و آنچه روی قبر را پوشانده بود تلی از خاک بیش به نظر نمی رسید که در اطراف آن، خانه های متعدد ساخته شده بود. از جمله مؤمنان پرهیزگار در پایین آن تلّ به جهت تیمّن و تبرک به قبر آن حضرت، خانه های خود را بنا نموده بودند و در هر شب جمعه، ثلث آخر شب، جمعی از آنان می دیدند چراغی در نهایت روشنایی در بالای تلی خاک می درخشد و تا طلوع صبح روشن است، با خود اندیشیدند که بهتر آن است امیر عضدالدوله را بر این امر آگاه نماییم.

هنگام روز آن مؤمنان پرهیزگار به همین قصد به سرای امیر عضدالدوله دیلمی رفتند و کیفیت آنچه را دیده بودند به عرض رسانیدند، امیر و حاضرین از بیانات آنان در تعجب شدند.

درباریان که این موضوع را باور نکرده بودند، هر کدام به سلیقه خود چیزی بیان کردند، اما امیر که مردی روشن ضمیر بود گفت: «اولین شب جمعه شخصاً به آن محل می روم تا از موضوع آگاه شوم». چون شب جمعه فرا رسید، شاه به دور از خدم و حشم آنجا خوابید و مردم را فرمود هر وقت چراغ روشن گردید مرا بیدار کنید، چون ثلث آخر شب شد مردم بر حسب معمول روشنایی پرنوری قوی تر از دیگر

شب های جمعه مشاهده کردند و از شدت شعفی که به آنان دست داده بود بر بالین امیر عضدالدوله آمده و بیاختیار سه مرتبه فریاد زدند: «شاه! چراغ» یعنی پادشاهی که صاحب نور است.

امیر بیدار شد و ناگهان از خواب پریده و چشمش را متوجه سمتی نمود که چراغ را به او نشان می دادند و چون علناً و آشکارا، چشمش نور چراغ را دید در شگفتی عجیب بماند و چون رو به سمت چراغ بر بالای تلّ برآمد اثری از چراغ ندید و چون به پایین آمد باز نور چراغی با روشنایی زیاد خودنمایی می کرد، خلاصه اینکه امیر شخصی را جهت کاوش در آن منطقه مأمور می کند و ...

مقبره فرزند ارشد موسی بن جعفر علیه السلام حضرت شاهچراغ پیدا می گردد و به دستور امیر بر بالای آن جایگاهی ساخته می شود که تا امروز زیارتگاه عاشقان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام است.

## 29 ذی القعدة الحرام

### شهادت سید علاء الدین حسین علیه السلام

چنانچه گذشت (در 28 ذیقعدة) مؤمنان و محبین حضرت موسی بن جعفر علیه السلام سه روز و سه شب مجالس عزا و سوگواری برپا می نمودند و در روز 29 ذیقعدة راهی حرم حضرت سید علاء الدین حسین علیه السلام می گردیدند. گرچه به احتمال زیاد سید علاء الدین علیه السلام نیز در روزی که شاهچراغ به شهادت رسیده، شهید گردیده و به دست اعداء آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم کشته شده است ولی مؤمنان این روز را به احترام این سید جلیل القدر، راهی بارگاه ملکوتیش می شدند، بدین جهت احتمال شهادت آن جناب در این روز نیز می رود. و چه نیکوست که مؤمنان دلسوخته و مسئولین ذریبط، بلوار و پروژه بین الحرمین (شاه چراغ تا شاه علاء الدین حسین) را به اتمام رسانده و کامل گردانند تا شیعیان و ارادتمندان به این دو ولیّ خدا، به سهولت و آسودگی بین این دو مرقد منور تردد کنند و به وظائف معنوی و عزاداری بپردازند.

## آخر ذی القعدة الحرام

### شهادت حضرت امام جواد علیه السلام

مشهور آن است که حضرت امام محمد جواد علیه السلام در چنین روزی به سال 220 هجری قمری، (1) با زهر و سمّی که معتصم عباسی توسط امّ الفضل به آن حضرت خورانیده بود، (2) به شهادت رسیدند.

ص: 261

1- فرق الشیعة، ص 91؛ الکافی، ج 1، ص 492، الإرشاد، ج 2، ص 289؛ التهذیب، ج 6، ص 90؛ إعلام الوری، ج 2، ص 91؛ روضة الواعظین، ج 1، ص 243.

2- اثبات الوصیة، ص 227؛ دلائل الإمامة، ص 395.



پس از آن امّ الفضل پشیمان شد و گریه می کرد، امام جواد علیه السلام فرمودند: چرا گریه می کنی؟! والله خدا تو را به فقری مبتلا می کند که نجات نداشته باشی و به بلایی گرفتار نمایی که دوا نداشته باشد؛ پس از زمانی کوتاه، دعای آن حضرت مستجاب شد و خداوند آن ملعونه را به دردی گرفتار نمود که در بدترین موضع بدنش بود و جمیع دارایش را صرف کرد ولی چاره دردش نشد و آخر الامر با فقر و تهیدستی به جهنم واصل شد. (1)

ص: 262

---

1- اثبات الوصیة، ص 227.

## ماه ذى الحجة الحرام

### اشاره

سومين ماه از ماه هاى حرام، كه عبارتند از:

رجب، ذيقعدة، ذيحجه، محرم

ص: 263

### عزل ابوبکر از ابلاغ براءت (سوره توبه) و فرستادن امیرالمؤمنین علیه السلام

فرمان ابلاغ سوره توبه در چنین روزی بوده که در ابتدا به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، ابوبکر مأمور به ابلاغ می گردد، ولی فرمان از جانب حق به پیامبر می رسد که خودت یا شخصی که مثل خودت هست باید این سوره را به مشرکین مکه ابلاغ کند، لذا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم امیرالمؤمنین علیه السلام را مأمور ابلاغ می کنند و آن حضرت در روز سوم این ماه ابابکر را برگردانده و خود راهی مکه می شوند و در روز نهم و دهم ماه ذیحجه سوره براءت را برای مشرکین مکه تلاوت می کنند. (1)

محدث قمی رحمه الله می نویسد: در این روز سنه 9 هجری، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ابوبکر را فرستاد به سمت مکه که آیات اول سوره براءت را بر کفار مکه بخواند، پس از رفتن او جبرئیل نازل شد که این امر باید به دست تو یا به دست مردی از تو انجام پذیرد و در روایت دیگر آمده است: حضرت علی علیه السلام از جانب تو تبلیغ کند.

پس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم امیرالمؤمنین علیه السلام را که به منزله جانش بود از برای این امر اختیار کرد و به وی فرمود که شتاب فرما و آیات براءت را از ابوبکر بگیر و خود در موسم حج بر مردمان قرائت کن و هم ایشان را ابلاغ کن که هیچکس زیارت خانه خدا نیاید الا آنکه مؤمن باشد و هیچکس عریان طواف خانه خدا نکند و چنان نداند که چون برهنه باشد مانند کودک مادرزاد از مساوی و معایب عاری خواهد بود و دیگر آنکه بعد از این سال هیچ کافری مأذون نیست که حج بگذارد و دیگر آنکه هر کافری که از خدا و رسول عهدی مؤجل داشته باشد، در عهد خویش بماند تا مدت آن منقضی شود و اگر او را عهدی نباشد تا مدت چهار ماه مهلت داده می شود، یعنی از دهم ذی الحجة تا دهم ربیع الآخر، و اگر از این پس مسلمان نشود جان و مال او به هدر خواهد رفت و فرمود: ابوبکر را در امر خود مختار کن اگر خواهد ملازم خدمت تو باشد و گرنه به مدینه باز گردد.

پس ناچه غضباء را به امیرالمؤمنین علیه السلام داد تا بر آن سوار شود و با جابر بن عبدالله حرکت فرمود. روز دوم (و بنا بر نقلی سوم) به ابی بکر رسید و آیات براءت را از او گرفت و او را در آمدن و برگشتن مختار کرد. ابوبکر به مدینه برگشت و به حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم عرض کرد: مرا از برای کاری اهل

ص: 264

1- مصباح المتعجب، ص 672؛ مناقب آل ابی طالب علیه السلام، ج 2، ص 127؛ المصباح للكفعمی، ص 514.

و لایق دانستی که گردن‌ها بسوی آن کشیده شده بود، ولی چون پاره‌ای راه رفتیم مرا معزول ساختی؟!!!

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: من تو را معزول نساختم، بلکه خدا تو را معزول ساخت. از آن طرف حضرت علی علیه السلام آیات را گرفت و پست و بلند زمین را در هم نوردید تا به مکه رسید و اعمال حج را بجا آورد و در سه روز تشریق در مجمع کفار و مشرکین که تمام دلها از بغض و عداوت حضرت علی علیه السلام پر شده بود، هر صبح و شام آیات برائت و فرمایشات رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را بر مردم تبلیغ فرمود و پس از انجام امر، از مکه مراجعت فرمود و لکن در طریق اقتصاد سیر فرمود.

از زمانی که حضرت علی علیه السلام حرکت کرده بود وحی در باب علی علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم منقطع شد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم پیوسته یاد آن حضرت بود و به جهت کثرت حزن و اندوه بر حضرت علی علیه السلام، از زن‌ها کناره گرفته بود و آثار حزن و اندوه در صورت مبارکش ظاهر گشته بود.

صحابه با خود گفتند: نمی‌دانیم سبب غم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چیست؟ آیا خبر فوت او از آسمان رسیده؟ یا مریض گشته؟ یا از ما دلتنگی پیدا کرده؟ چون ابوذر در نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خیلی مقام داشت، او را برای تحقیق این امر، خدمت آن حضرت فرستادند، ابوذر کلمات اصحاب را عرضه داشت. حضرت فرمود: غم من برای هیچ کدام از اینها نیست، بلکه برای مفارقت علی علیه السلام است.

ابوذر چون سبب غم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را دانست، روزی به جهت اطلاع از حال حضرت علی علیه السلام حرکت کرد و به استقبال امیرالمؤمنین علیه السلام رفت چون پاره‌ای راه پیمود، آن حضرت را دیدار کرد که از مکه برگشته، به حضرت عرض کرد: پدر و مادرم فدای شما باد! آهسته تشریف بیاورید تا من پیشتر بروم و بشارت آمدن شما را به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بدهم، همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از مفارقت شما در غم و اندوه است.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام خواهش او را قبول فرمود، ابوذر تعجیلکنان به خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رسید و آن حضرت را به ورود حضرت علی علیه السلام بشارت داد. حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سوار شد و با اصحاب به استقبال حضرت علی علیه السلام شتافت، چون به آن حضرت رسید، پیاده شده و امیرالمؤمنین علیه السلام را در آغوش گرفت و با او معانقه کرد، پس صورت به شانه علی علیه السلام گذاشت و از شوق بگریست و آن حضرت نیز به گریه درآمد. سپس حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به حضرت علی علیه السلام فرمود: پدر و مادرم به قربانت باد! چه کردی در مکه؟ همانا

وحی از من در امر تو منقطع شد، پس امیرالمؤمنین علیه السلام خبر داد به آن حضرت آنچه به جا آورده بود. (1)

## 2 ذی الحجة الحرام

### درگذشت آیه الله نمازی شاهرودی رحمه الله

استاد بزرگوارم محدث جلیل القدر، حاج شیخ علی نمازی شاهرودی که معروف به مجلسی زمان بود، در شهر شاهرود متولد شد و مقدمات علوم را در شاهرود فرا گرفت، سپس به حوزه علمیه مشهد مقدس هجرت نمود و از محضر قدوة العرفاء و الفقهاء آیه الله حاج میرزا مهدی غروی اصفهانی استفاده نمود. وی مدتی نیز در حوزه نجف اشرف از اساتید آن حوزه بهره ها برد، سپس تا پایان عمر در مشهد مقدس ماند و به تدریس و تألیف کتب مفید و سودمند پرداخت که حقیر در کلاس درس توحید صدوق آن بزرگوار شرکت می کردم.

برخی از تألیفات آن جناب عبارتند از: اثبات ولایت، ابواب رحمت، مستدرک سفینه البحار (ده مجلد)، رساله تفویض، تاریخ مجالس روضه خوانی، زندگانی حبیب بن مظاهر اسدی، اصول دین اسلام و ... معظم له در چنین روزی به سال 1405 هجری قمری وفات نمود و در صحن آزادی غرفه چهارده، دفتر امانات به خاک سپرده شد. (روحش شاد باد)

## 4 ذی الحجة الحرام

### «یوم الزینة»، غلبه حضرت موسی علیه السلام بر ساحران

بنا بر نقل جناب شیخ بهایی رحمه الله این روز (چهارم ذیحجه) را «یوم الزینة» می خوانند و در چنین روزی حضرت موسی علیه السلام بر ساحران غلبه کرد. (2)

«روز زینت» روزی است که مردم آن را عید می شمردند و دست از کار و کسب می کشیدند، لذا حضرت موسی علیه السلام این روز را موعدی قرار داد تا با ساحران مبارزه کند و همه مردم شاهد و ناظر باشند و فرمود: «قال موعدکم یوم الزینة وأن یشجر الناس ضحی» (3)

## 6 ذی الحجة الحرام

### مرگ منصور دوانیقی، قاتل امام جعفر صادق علیه السلام

منصور دوانیقی مدت ها از سوء هاضمه رنج می برد و در روز ششم ذیحجه الحرام به سال 158 هجری

ص: 266

1- وقایع الأيام، ص 173.

2- توضیح المقاصد، ص 29.

3- سوره طه، آیه 59.

قمری در راه مکه به دردهای کشنده دچار شد و در بئر میمون به درک واصل شد و در «حجون» مدفون گشت، (1) مدت خلافتش بیست و دو سال بوده و عمرش به شصت و سه سال رسیده بود.

وی قاتل امام جعفر صادق علیه السلام می باشد که آن حضرت را مسموم نمود. منصور دوانیقی اول خلیفه ای است که کتاب های سریانی و عجمی و یونانی را در زماش به عربی ترجمه کردند تا مقابله با مکتب وحی شود. (2)

منصور در بین بنی عباس به هشام بن عبدالملک در بنی امیه شباهت تمام داشت چه اینکه در امور سیاسی تقلید هشام را می کرد، (3) منصور مردی بخیل مسلک بوده و بغداد از بناهای اوست، (4) او مردی بیرحم بود و از آل ابوطالب علیهم السلام بسیار گشت و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام و عبدالله محض و حسن مثلث و بسیاری از بنی الحسن علیه السلام را شهید کرد.

## 7 ذی الحجة الحرام

### شهادت امام محمد باقر علیه السلام

در این روز شهادت جانسوز حضرت امام محمد باقر علیه السلام به سال 114 هجری قمری واقع شده است. (5)

در مورد کیفیت شهادت امام محمد باقر علیه السلام دو گزارش وجود دارد: یکی اینکه هشام بن عبدالملک زین مسمومی فرستاد و امام محمد باقر علیه السلام را بر آن زین مسموم سوار کردند، پس از آن قدم های آن حضرت متورم شد و سم در بدن مبارک حضرت اثر گذاشت و به شهادت رسیدند. (6)

و گزارش دوم این است که ابراهیم بن ولید بن یزید بن عبدالملک از عمال مروانیان به دستور هشام بن عبدالملک، امام محمد باقر علیه السلام را مسموم نمود و به شهادت رساند. (7)

سید بن طاووس رحمه الله در صلواتی که بر آن حضرت نقل می کند، اشاره به قاتل حضرتش کرده و می فرماید: «و ضاعف العذاب علی من شرک فی دمه [و هو ابراهیم بن ولید]». (8)

امام محمد باقر علیه السلام به فرزندش فرمود: «فرزندم جعفر! چون من به عالم بقا رحلت کردم، مرا غسل

ص: 267

- 1- تاریخ الطبری، ج 8، ص 60؛ الکامل فی التاریخ، ج 6، ص 21؛ مروج الذهب، ج 3، ص 281.
- 2- تاریخ الخلفاء، ج 1، ص 200؛ مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین، ج 2، ص 1004 و 1016.
- 3- مروج الذهب، ج 3، ص 285.
- 4- تاریخ الخلفاء، ص 193؛ تاریخ الخمیس، ج 2، ص 324.
- 5- المصباح للکفعمی، ص 522؛ الدروس، شهید اول، ج 2، ص 12.
- 6- الخرائج و الجرائح، ج 2، ص 604؛ مدینة المعاجز، ج 5، ص 168.
- 7- إعتقادات الإمامیة للصدوق، ص 98؛ مناقب آل أیطال، ج 4، ص 228؛ دلائل الإمامة، ص 216.



بده و کفن کن و قبر مرا چهار انگشت از زمین بلند گردان و آب برقبر من بریز) سپس اهل مدینه را برای وصیت گواه گرفت تا بدانند بعد از حضرتش امام جعفر صادق علیه السلام وصی اوست. (1)

زمانی که امام محمد باقر علیه السلام از دنیا رفت، شهر مدینه یکپارچه غرق در ماتم و عزا شد و تشییع باشکوهی از آن حضرت به عمل آوردند و در قبرستان بقیع کنار قبر جدش امام حسن مجتبی علیه السلام و پدر گرامیش امام زین العابدین علیه السلام به خاک سپردند.

شبهها به دستور امام صادق علیه السلام در حجره محل وفاتش چراغی روشن می کردند، (2) حضرتش به امام جعفر صادق علیه السلام وصیت کرده بود که مبلغ هشتصد درهم از اموالش را اختصاص دهند به عزاداری برای آن حضرت، (3) و همچنین وصیت نمود مبلغی را برای عزاداران و ندبه کنندگان بر آن حضرت در سرزمین منا در موسم برگزاری مراسم حج به مدت ده سال اختصاص دهند. (4) آن حضرت می خواستند از این طریق مظلومیت خود را به مسلمانان دیگر شهرها برسانند.

## 8 ذی الحجة الحرام

### روز ترویبه

ترویبه یعنی سیراب نمودن؛ در این روز حاجیان نیت حج می کنند و مُحرم شده، از مکه به سمت منا و عرفات حرکت می کنند، چون در زمان های قدیم در چنین روزی برای چند روز توقف در عرفات، آب همراه خود می بردند و آماده انجام مناسک حج می شدند، لذا این روز را ترویبه می گویند.

### روز خروج امام حسین علیه السلام از مکه

در چنین روزی به سال شصت هجری قمری (5) امام حسین علیه السلام و اصحابش احرام حج بسته بودند و چون روز ترویبه شد عمرو بن سعید بن العاص با گروهی به بهانه حج به مکه آمدند و مأمور بودند که امام علیه السلام را بکشند یا دستگیر کرده و نزد یزید ببرند، امام علیه السلام چون به مکنون دلهایشان آگاه بودند از احرام حج به عمره عدول نموده و طواف خانه خدا کرده و سعی ما بین صفا و مروه به جای می آورند و محل می شوند و قصد خروج از مکه می نمایند. (6)

### خطبه تاریخی حضرت عباس علیه السلام

در همان روز برادر گرامیشان حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام بر فراز کعبه آمد و خطبه تاریخی

ص: 268

1- الکافی، ج 5، ص 515.

2- من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 160.

3- الکافی، ج 3، ص 217.

4- الکافی، ج 5، ص 117.

5- وقعة الطف، ص 147؛ الإرشاد، ج 2، ص 55.





خود را ایراد فرمود و مردم را همانند جبرئیل دعوت به اطاعت و بیعت با امام حسین علیه السلام نمود.

چنانکه از ابن عباس نقل شده است که گفت: دیدم حضرت امام حسین علیه السلام را پیش از آنکه متوجه عراق گردد بر در کعبه ایستاده و دست جبرئیل در دست آن حضرت بود و جبرئیل مردم را به بیعت با آن حضرت دعوت می کرد و ندا می داد که: «هلمّوا الی بیعة الله...» یعنی: «ای مردم بشتابید به سوی بیعت با خدا».(1)

خطبه تاریخی حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام را در کتاب زندگانی و فضائل آن حضرت آورده ام، طالبین به آن مراجعه فرمایند.

### خروج مسلم بن عقیل علیه السلام در کوفه

شیخ مفید رحمه الله می فرماید: «بدان که خروج جناب مسلم بن عقیل علیه السلام در کوفه روز سه شنبه هشتم ذی الحجة در سال 60 هجری بوده و شهادتش در روز چهارشنبه نهم همان ماه در روز عرفه بوده است».(2)

جناب مسلم بن عقیل، سفیر و فرستاده امام حسین علیه السلام به اهل کوفه بوده و حکم امام حسین علیه السلام برای جناب مسلم اینگونه بود:

«بسم الله الرحمن الرحيم، من الحسين بن علي الى الملا من المسلمين و المؤمنين، اما بعد... إني باعث إليكم أخي و ابن عمي و ثقتي من أهل بيتي...».(3)

یعنی: به نام خداوند بخشنده مهربان، از حسین بن علی به گروه مسلمانان و مؤمنان، اما بعد... من برادرم و پسر عمویم و آنکس که مورد اطمینان و وثوق من در میان خاندانم می باشد (یعنی مسلم بن عقیل) را به سوی شما گسیل داشتم...».

### 9 ذی الحجة الحرام

#### روز عرفه

روز نهم ذی الحجة الحرام را «روز عرفه» می نامند، به جهت اینکه حضرت آدم در این روز توبه اش پذیرفته شد(4) و به همسرش حوا رسید و یکدیگر را یافتند(5) و یا اینکه در چنین روزی جبرئیل مناسک و اعمال حج را به حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام تعلیم داد و فرمود: «اعترف بذنبک و اعرف مناسکک»(6)

ص: 269

1- مناقب آل أیطالب، ج 4، ص 52.

2- الإرشاد، ج 2، ص 55.

3- الإرشاد، ج 2، ص 39.

4- مسار الشیعة، ص 37.

5- روضة المتقین، ج 1، ص 223؛ منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة، ج 2، ص 117.

6- تفسیر القمی، ج 2، ص 224.

یعنی: «به گناهِت اعتراف کن و مناسک حَجَّت را بشناس»؛ لذا در این روز حاجیان در صحرای عرفات تا اذان مغرب وقوف نموده و به راز و نیاز، دعا و نیایش و تفکر و تدبیر در معرفت الهی می پردازند، چنانکه امام حسین علیه السلام در دعای عرفه این امر مهم را تعلیم داده اند.

روایتی در فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام در روز عرفه آمده است که: «خداوند اول به زائران امام حسین علیه السلام در کربلا نظر رحمت می کند بعد به زائران خانه اش که در عرفات وقوف کرده اند»،<sup>(1)</sup> لذا یکی از اعمال بسیار پرفضیلت این روز، زیارت امام حسین علیه السلام است.<sup>(2)</sup>

### شهادت مسلم بن عقیل و هانی بن عروه

در این روز به سال 60 هجری قمری، جناب مسلم بن عقیل و هانی بن عروه به امر ابن زیاد به شهادت رسیدند،<sup>(3)</sup> همچنین محمد بن کثیر و پسرش در کوفه به جرم مهمانداری و طرفداری از مسلم بن عقیل علیه السلام به شهادت رسیدند.<sup>(4)</sup>

جناب مسلم بن عقیل پسر عمو و شوهر خواهر امام حسین علیه السلام می باشد که با رقیه دختر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام ازدواج کرد<sup>(5)</sup> و فرزندانش به نام های عبدالله در کربلا در رکاب امام حسین علیه السلام به شهادت می رسد و جناب محمد و ابراهیم که یکی ده سال و دیگری هشت سال داشت در منطقه ای به نام مسیب به دست حارث ملعون کشته و به شهادت می رسند.

لازم به ذکر است مسلم بن عقیل علیه السلام دارای مقام نیابت و سفارت از امام زمانش می باشد، بدین جهت فضائل و مناقبی دارد که می توان گفت منحصر به فرد است و حضرتش ولایت بر اهل کوفه و شیعیان داشته و از نائبان خاص امام معصوم علیه السلام شمرده می شود.

و اینکه در روز عرفه به شهادت می رسد می تواند بیانگر این منقبت باشد که آنجناب اسوه عرفان و معرفت نسبت به امام زمانش بوده که در روز عرفه (معرفت) به شهادت می رسد و از این طریق خدای تعالی می خواسته الگو و اسوه ای از عارف واقعی و حقیقی به مسلمانان معرفی نماید، لذا شهادت آن حضرت در روز عرفه واقع شده و چه نیکوست شیعیان مسلم بن عقیل را الگوی خود در عرفان و معرفت نسبت به امام زمانشان قرار دهند.

ص: 270

1- ثواب الأعمال، ص 90.

2- مسار الشيعة، ص 37.

3- مسار الشيعة، ص 37؛ الإرشاد، ج 2، ص 62-64؛ إعلام الوری، ص 444-445؛ المصباح للكفعمی، ص 515.

4- ناسخ التواریخ، ج 2، ص 78.

5- إعلام الوری، ج 1، ص 397.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در چنین روزی به امر پروردگار درب تمام خانه های اصحاب را که به مسجد باز می شد، بستند، مگر درب خانه فاطمه زهرا علیها السلام و امیرالمؤمنین علیه السلام. (1)

این عمل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم یکی از فضائل و مناقب آن دو بزرگوار به شمار می آید، چنانکه در دعای ندبه به آن اشاره شده است: «و سدّ الأبواب إلا بابه».

### رحلت سید ابوالحسن اصفهانی رحمه الله

سید ابوالحسن اصفهانی فرزند سید محمد از مراجع علی الاطلاق شیعه در نجف اشرف بوده که تحصیلات اولیه اش را در حوزه اصفهان در مدرسه نیماورد به انجام رسانید و از محضر ابوالمعالی کلباسی بهره برد، سپس به حوزه نجف اشرف منتقل شد و در محضر آخوند خراسانی به درجه اجتهاد نائل آمد. وی حدود بیست سال مرجعیت و زعامت شیعه را به عهده داشت و شاگردانی مبرز تربیت نمود که از جمله آنها سید محسن حکیم، شیخ محمد تقی بروجردی و ... بوده اند.

سید ابوالحسن اصفهانی در سال 1341 قمری همراه آیه الله نائینی به جهت مخالفت با انگلیس به ایران تبعید شد و پس از یکسال به عراق بازگشت و تا آخر عمر در آن حوزه ماند و در روز دوشنبه نهم ذیحجه سنه 1365 قمری در کاظمین رحلت نمود و جنازه اش را به نجف اشرف حمل کردند و در صحن مطهر علوی علیه السلام به خاک سپردند.

آیت الله شیخ محمد شریف رازی رحمه الله در کتاب «کرامات الصالحین» می نویسد: در بیت آیت الله حائری بودیم و دانشمند پرواپیشه، آقای حلبی، نیز آنجا بود. به تناسبی سخن از آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی به میان آمد که آقای حلبی فرمودند:

من در عصر آن بزرگوار از کسانی بودم که گاه اشکال و ایراد به سبک معظم له در رهبری معنوی و مذهبی جهان تشیع داشتم و این ایراد تا هنگام تشرف به عتبات عالیات و دیدار خصوصی با آن مرحوم ادامه داشت. به همین جهت هم، آنجا وقتی به محضرش رفتم، اشکالات خود و دیگران را گفتم و آن بزرگوار با کمال سعه صدر و گشادگی چهره جواب همه اشکال و ایرادهای مرا داد و سرانجام فرمود: «من دستور دارم که اینگونه عمل کنم».

گفتم: «از کجا و چه کسی دستور دارید؟»

ص: 271

فرمود: «از چه کسی می خواهید دستور داشته باشم؟»

گفتم: «یعنی از امام عصر علیه السلام؟»

فرمود: «آری!» و برخاست درب صندوق خود را گشود و پاکتی را از آنجا برگرفت و به دست من داد. من به مجرد این که پاکت را گرفتم مضطرب و منقلب شدم. با حالتی وصف ناپذیر کاغذ را از پاکت درآوردم و آن را خواندم که از جمله این عبارت نوشته شده بود:

بسم الله الرحمن الرحيم، يا سيد ابوالحسن اُرخص نفسك و اجلس في دهليز بيتك و لاترخ سترک (و أعن أو أغث شيعتنا و موالينا) نحن نصرک إن شاء الله «المهدی».

پرسیدم: «این توقیع شریف را به وسیله چه کسی دریافت داشته اید؟»

فرمود: «به وسیله مردی عابد و پارسا و باتقوا به نام شیخ محمد کوفی که از هر جهت مورد وثوق و اطمینان است».

اجازه گرفتم تا از آن نسخه ای بردارم مشروط بر اینکه تا سید در قید حیات است ابراز نکنم. (1)

## 10 ذی الحجة الحرام

### عید سعید قربان

این روز، روز بسیار شریفی است که حاجیان با قربانی کردن در منی از احرام خارج می شوند، لذا از اعیاد بزرگ اسلام به شمار می رود. شبش از لیالی متبرکه و از جمله چهار شبی است که احیاء آن سنت است و درب های آسمان در این شب باز است (2) و از مستحبات تأکید شده در شب و روز آن، زیارت امام حسین علیه السلام می باشد (3) و همچنین قربانی کردن در این روز از مستحبات شمرده شده است. (4)

### شهادت عبدالله بن حسن مثنی علیه السلام

عبدالله فرزند حسن مثنی و مادرش فاطمه دختر امام حسین علیه السلام می باشد، (5) بدین جهت به او عبدالله محض می گفتند. منصور دوانیقی او را به دلیل اعلام نکردن مکان اختفای فرزندش نفس زکیه به دام انداخت و حدود سه سال در زندان بود (6) تا اینکه در چنین روزی به سال 145 قمری به شهادت رسید، (7) سپس جمعی از برادران و پسرعموهایش که همراه وی در زندان بودند کشته شدند و به شهادت رسیدند. (8)

ص: 272

1- کرامات الصالحین، ص 110.

2- دعائم الإسلام، ج 1، ص 184؛ المصباح للكفعمی، ص 681

3- تهذیب الأحكام، ج 6، ص 49؛ إقبال الأعمال، ج 1، ص 421.

4- دعائم الإسلام، ج 1، ص 184؛ علل الشرایع، ج 2، ص 440.

- 5- أنساب الأشراف، ج 2، ص 198.
- 6- مقاتل الطالبين، ص 192 ؛ تاريخ الأمم والملوك، ج 7، ص 524.
- 7- تذكرة الخواص، ص 207.
- 8- مقاتل الطالبين، ص 125 - 139.

آرامگاه وی در 70 کیلومتری جنوب نجف در استان دیوانیه عراق معروف و مشهود است.

## 13 ذی الحجة الحرام

### معجزة شق القمر

در این روز شب هنگام، به اعجاز رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در مکه معظمه واقعه شق القمر رخ داد. (1) شق القمر که پیرامون آن سوره قمر نازل شده است، هنگامی رخ داد که قریش از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم معجزه ای خواستند که دلالت بر حقانیتش کند، آن حضرت در شب چهاردهم این ماه، با انگشت، اشاره به ماه کردند و به قدرت الهی دو نیم شد و باز به هم پیوست و آیات سوره قمر نازل شد: «إقتربت الساعة و انشق القمر...»

ابوجهل و بزرگان مشرکین مکه گفتند: این سحر است، بفرستید از شهرهای دیگر و برسید آیا آنجا نیز این معجزه را دیده اند؟ چون از اهل شهرهای دیگر سؤال کردند آنان نیز با شگفتی گفتند این واقعه را مشاهده کرده اند. (2)

## 14 ذی الحجة الحرام

### بخشش فدک به فاطمه زهرا علیها السلام

در چنین روزی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فدک را به امر خداوند متعال به حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بخشیدند. (3)

فدک سرزمینی آباد در سراشیبی خیبر است که چشمه پر آب و باغات فراوان دارد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در سال هفتم هجرت پس از فتح خیبر روی به فدک آوردند؛ مردم فدک که ترسیده بودند، نزد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم آمدند و شهر را تسلیم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم کردند. لذا سرزمین فدک بدون لشکرکشی مسلمین و بدون کوچکترین دخالت آنان فتح شد و طبق آیات 6 و 7 سوره حشر، این مناطق و غنائم آن، ملک خاص پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است و مسلمانان هیچ حقی در آن نخواهند داشت.

بعد از این فتح، جبرئیل نازل شد و این آیه را آورد:

«و آت ذی القربی حقه» (4) یعنی: «حق صاحب قرابت را بده».

ص: 273

1- تفسیر القمی، ج 2، ص 341.

2- تفسیر القمی، ج 2، ص 341؛ مناقب آل ائطالب، ج 1، ص 122.

3- بحار الأنوار، ج 95، ص 188؛ مستدرک سفینه البحار، ج 2، ص 216.

4- سوره اسراء، آیه 26؛ سوره روم، آیه 38.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از جبرئیل سؤال کرد منظور چه کسانی هستند؟ و این حق کدام است؟

جبرئیل از طرف خداوند عرضه داشت: «فدک را به فاطمه علیها السلام عطا کن».

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به فاطمه علیها السلام فرمود: «خداوند فدک را برای پدرت فتح کرد و چون لشکر اسلام آن را فتح نکرده، مخصوص من است و خداوند دستور داده آن را به تو بدهم، از سوی دیگر مهریه مادرت حضرت خدیجه علیها السلام، برعهده پدرت مانده و پدرت در قبال مهریه مادرت و به دستور خداوند فدک را به تو عطا می کند و آن را برای خودت و فرزندان بردار و مالک آن باش».

سپس امیرالمؤمنین علیه السلام را خواستند و فرمودند: سند فدک را به عنوان بخشش و عطای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به فاطمه زهرا علیها السلام بنویس و ثبت کن، سپس امیرالمؤمنین علیه السلام و یکی از موالی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اُمّ ایمن و اسماء بنت عمیس را بر آن شاهد گرفتند،<sup>(1)</sup> همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم جمعی از مسلمانان را در خانه فاطمه زهرا علیها السلام جمع نمودند و اعلام نمودند این مال (فدک) از برای فاطمه علیها السلام است و در همان جا اولین درآمد فدک را به عنوان هدایی فاطمه علیها السلام بین مردم تقسیم فرمودند و بدین صورت مالکیت فاطمه علیها السلام بر فدک را رسمیت بخشیدند و این خبر را بین مسلمانان پخش کردند و نیز هر سال این کار یعنی جمع نمودن مسلمانان و اعلام به آنها که ملکیت فدک از برای فاطمه علیها السلام است را تکرار می کردند تا اینکه رحلت نمودند.<sup>(2)</sup>

در زمان غصب فدک، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام سند فدک را نزد ابوبکر آوردند و به عنوان مدرک ارائه نمودند<sup>(3)</sup> ولی ابوبکر و عمر نپذیرفتند و آن را پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در 22 ربیع الاول غصب کردند.<sup>(4)</sup>

### افشاء سرّ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم توسط عایشه و حفصه

بنا بر گزارش حسن بن محمد دیلمی، چهار روز قبل از عید غدیر خم (14 ذی الحجة الحرام) عایشه و حفصه سرّ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را برای عمر و ابوبکر فاش کردند<sup>(5)</sup> که حکایت آن در سوره تحریم نازل شده و بسیاری از مفسرین ابناء عامه نظیر طبری<sup>(6)</sup>، قرطبی<sup>(7)</sup>، فخر رازی<sup>(8)</sup> و ... تصریح نموده اند که این سوره پیرامون عایشه و حفصه نازل شده است.

ص: 274

1- الخرائج و الجرائح، ج 1، ص 112؛ الطرائف، ج 1، ص 248.

2- مناقب آل ابیطالب، ج 1، ص 142.

3- إعلام الوری، ج 1، ص 209.

4- به روز 22 ربیع الاول رجوع شود.

5- إرشاد القلوب، ج 2، صص 329-330.

6- جامع البیان، ج 23، ص 477.

7- الجامع لأحكام القرآن، ج 18، ص 189.

8- التفسیر الکبیر، ج 30، ص 570؛ المحصول فی علم الاصول، ج 4، ص 492.



با افشای سرّ ولایت و جانشینی حضرت امیرالمومنین علیه السلام در همان روز چهاردهم ذی الحجة برخی از منافقان با حضور در کعبه به طور شفاهی و کتبی پیمانی را نوشتند که به صحیفه ملعونه شهرت یافت و در آن هم قسم شدند که «إن مات رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم أو قتل ألا يردوا هذا الأمر في أحد من أهل بيته أبداً» (1) یعنی: «اگر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از دنیا رفت یا کشته شد، خلافت هرگز به احدی از اهل بیت او نرسد». پس از آن اجتماع، تصمیم به مسموم نمودن پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم گرفتند. (2)

## 15 ذی الحجة الحرام

### محاصره خانه عثمان بن عفان

در این روز به سال 34 هجری قمری اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم اطراف خانه عثمان بن عفان را گرفتند و از او درخواست نمودند که خود را از خلافت خلع کند، (3) ولی او خودداری کرد تا اینکه مردم کار را بر او سخت گرفتند و عصر هفدهم او را به قتل رساندند.

### ولادت امام هادی علیه السلام بنا بر نقلی

طبق بعضی از گزارش ها امام هادی علیه السلام در چنین روزی دیده به جهان گشود و عالم را به نور خود منور نمود، (4) ولی در نزد ما دوم و سوم ماه رجب اقوی و انسب می باشد. (5)

## 16 ذی الحجة الحرام

### ولادت با سعادت ابراهیم، فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

به اتفاق مورخین، جناب ابراهیم فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از بانو ماریه قبطیه در ماه ذی الحجة به سال هشتم هجری متولد شد (6) و وقایع الشهور شانزدهم این ماه را نقل کرده است. (7)

جناب ماریه قبطیه، کنیز حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود که پادشاه اسکندریه آن بانو را با مرکبی شهباء و اشیاء دیگر به رسم هدیه خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرستاد (8) و به سبب نیکویی ایمان و اخلاقی که داشت مورد مهر و محبت خاصّ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم قرار گرفت (9) و همچنین به شدت مورد حسادت عایشه و حفصه بود. (10)

ص: 275

1- إرشاد القلوب، ج 2، ص 330؛ الکافی، ج 4، ص 545.

2- تفسیر القمی، ج 2، ص 375.

3- مسار الشیعة، ص 38.

4- الکافی، ج 1، ص 497.

5- به روز سوم ماه رجب مراجعه شود.

- 6- الطبقات الكبرى، ج 1، ص 107 ؛ تاريخ الطبرى، ج 11، ص 617 ؛ إمتاع الأسماع، ج 5، ص 338.
- 7- وقايع الشهور، ص 235.
- 8- الطبقات الكبرى، ج 8، ص 170.
- 9- الطبقات الكبرى، ج 1، ص 107.
- 10- الطبقات الكبرى، ج 8، ص 171 ؛ تفسير القمى، ج 2، ص 375.

خدای تعالی از وی جناب ابراهیم را به رسولش عطا فرمود که در هیجدهم ماه رجب وفات کرد(1) و در بقیع او را دفن کردند و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در فوت او بسیار محزون گردیدند، جناب ماریه قبطیه این بانوی محترمه نیز در محرم سال شانزدهم هجری از دنیا رفت و در بقیع به خاک سپرده شد.(2)

## 17 ذی الحجة الحرام

### نازل شدن جبرئیل و آوردن لقب «امیرالمؤمنین» برای علی بن ابیطالب علیه السلام

طبق نقل ابن عباس یک روز قبل از عید غدیر خم (17 ذی الحجة الحرام) جبرئیل بر پیامبر و امیرالمؤمنین صلی الله علیهما و آلهما نازل شد و به امر پروردگار لقب «امیرالمؤمنین» را برای حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام آورد(3) و لذا این لقب طبق روایات، مخصوص علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد و اطلاق این لقب به غیر آن حضرت جایز نمی باشد.(4)

### قتل عثمان بن عفان

بنا بر گزارش مورخانی چون ابن خیاط(5)، ابن اعثم کوفی(6)، ابن عبد البر(7) و ابن عساکر(8) روز هفدهم ماه ذی الحجة الحرام به سال سی و پنجم هجری قمری قتل عثمان بن عفان واقع شده است. برای این واقعه گزارش های دیگری از جمله هجدهم ذی الحجة نیز ثبت شده است.(9)

مسلمانان که از رفتار کثیف و ناعادلانه عثمان به تنگ آمده بودند، به خانه اش یورش بردند و او را با شمشیر به قتل رساندند و تا سه روز نگذاشتند جسدش را خاک کنند و همچنان در مزبله ای افتاده بود و سگان یک پایش را ربودند و خوردند و آخرالامر در قبرستان یهود خاک کردند. چون معاویه فرمانروا گشت، دستور داد تا مسلمانان مردگان خود را در بقیع از آن سوی که عثمان دفن بود، به خاک بسپارند تا مدفن او به گورستان بقیع اتصال یافت.(10)

از جمله کارهایی که عثمان در ایام خلافتش کرد این است که:

- جمعی از خویشاوندان خود را که لیاقت ولایت نداشتند مانند معاویه بن ابی سفیان، عبدالله بن سعد، سعید بن العاص و ولید بن عقبه را به عنوان والی و استاندار بر مسلمانان مسلط کرد(11)؛

ص: 276

1- مصباح المتهجد، ص 812.

2- تاریخ الطبری، ج 4، ص 38؛ الکامل فی التاریخ، ج 2، ص 526.

3- الأمالی للصدوق، ص 354.

4- الکافی، ج 1، ص 411.

5- تاریخ خلیفة بن خیاط، ص 132.

6- الفتوح، ج 2، ص 433.

7- الإستیعاب، ج 3، ص 1044.

- 8- تاريخ مدينة دمشق، ج 39، ص 514.
- 9- الطبقات الكبرى، ج 3، ص 22؛ تاريخ الطبري، ج 4، ص 378.
- 10- العدد القوية، ص 200؛ شرح نهج البلاغه لإبن أبي الحديد، ج 2، ص 159؛ بحار الأنوار، ج 31، ص 167.
- 11- تاريخ يعقوبي، ج 2، ص 164 و 169؛ أخبار الطوال، ص 139؛ تاريخ الخلفاء، ج 1، ص 122.

- حکم بن عاص و فرزندانش مروان و حارث را که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تبعیدشان کرده بود، به مدینه برگرداند و از مشاوران و مقربان خود قرار داد(1)؛
- عبدالله بن مسعود، صحابی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را از مقام خزانه داری کوفه برکنار کرد و سهم او را از بیت المال سه سال قطع کرد و او را به شدت مضروب ساخت(2)؛
- عمار را چنان بزد که علیل و مریض گشت(3)؛
- ابوذر غفاری را با آن مقام بلندی که نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم داشت به شام و ریزه تبعید کرد تا اینکه به رحمت ایزدی پیوست(4)؛
- و عبیدالله بن عمر را که به خانه ابولؤلؤ هجوم برده و دختر کوچکش را کشت و همچنین هر مزان فرمانده ایرانی را کشته بود، قصاص نکرد(5)؛
- و از بیت المال بر حسب خواهش خویش تصرف می کرد(6)؛
- همچنین او احکام اسلام را بلد نبود، چنانکه دستور داد زنی را که شش ماهه فرزند آورده بود در خانه شوهرش سنگسار کنند، چون امیرالمؤمنین علیه السلام آگاهی یافتند نزد عثمان رفتند و بیگناهی آن زن را بازگو نمودند، سپس عثمان فرستاد تا آن زن را برگردانند، وقتی رسیدند که آن زن در زیر سنگها جان داده بود(7).
- ناسخ التواریخ می نویسد: «بساط سلطنتی که او داشت در یک نیمه جهان بود، عمال او در شهرها و بلاد فرمانروا بودند و هیچ پادشاهی به معادات و مبارزات او برنخاسته بود، از کردارهای زشت و ناصواب او چندان مردم رنجیده بودند که جماعتی از مردم مصر به مدینه آمدند و چهل روز او را محاصره کردند، وی از عمال خود استمداد کرد، هیچکس به یاریش برنخاست تا آنگاه که او را کشتند و سه روز جسدش را افکندند تا سگان یک پای او را بردند، آنگاه نگذاشتند او را در قبرستان مسلمانان دفن کنند و به قبرستان یهودیان به خاک سپردند»(8).

ص: 277

- 
- 1- الإستیعاب، ج 3، ص 1387؛ المعارف، ابن قتیبة، ص 353؛ إرشاد القلوب، دیلمی، ج 2، ص 321.
  - 2- أنساب الأشراف، ج 5، ص 524.
  - 3- أنساب الأشراف، ج 5، ص 538.
  - 4- شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد، ج 8، ص 252.
  - 5- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 161 و 163؛ أنساب الأشراف، ج 2، ص 294.
  - 6- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 168؛ أنساب الأشراف، ج 5، ص 538.
  - 7- موظاً، مالک بن انس، ج 2، ص 176؛ السنن الکبری، بیهقی، ج 7، ص 442.
  - 8- ناسخ التواریخ، ج 8، ص 207.

عمر در زمان حیات خود بارها گفته بود که بعد از من خلافت از آن عثمان است (1) تا اینکه عمر بن الخطاب توسط ابولؤلؤ ایرانی مضروب شد، وی با یک شورای فرمایشی بعد از خود، خلیفه تعیین کرد و به عثمان خلافت را بخشید.

اینجا یک سؤال پیش می آید و آن اینکه: اگر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم برای بعد از خود خلیفه تعیین نکرده بودند پس چگونه ابوبکر، عمر را و عمر بن الخطاب، عثمان را خلیفه و جانشین برای خود تعیین کردند؟! و اگر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم خلیفه ای تعیین کرده بودند پس چرا از او روی گرداندند؟!

الحاصل عمر بن الخطاب شورای شش نفری تشکیل داد که عبارتند از: 1. امیرالمؤمنین علیه السلام 2. عبدالرحمن بن عوف 3. زبیر بن عوام 4. عثمان بن عفان 5. طلحة بن عبیدالله 6. سعد بن ابی وقاص. سپس ابوطلحه انصاری را طلب کرد و گفت: پس از مرگ من پنجاه تن از ابطال رجال انصار را با شمشیر بردار و بر سرای شورا برو تا خلیفه تعیین کنند، اگر پنج تن اتفاق کردند، آن یکی را گردن بزن، و اگر چهار تن اتفاق کردند، گردن آن دو نفر دیگر را بزن، و اگر سه کس به جانبی رفت و سه کس دیگر به جانب دیگر آن سوی که عبدالرحمن بن عوف می رود بر صواب است و آن سه نفر دیگر که در میان آنها عبدالرحمن بن عوف نیست را گردن بزن؛ تا خبر به امیرالمؤمنین علیه السلام رسید به عمویشان عباس فرمودند: عمر، عثمان را به خلافت نصب کرد، عباس سؤال کرد: چگونه؟ فرمودند: چون عبدالرحمن پسر عموی عثمان است و با او مصاهرت دارد، یعنی زن عبدالرحمن، خواهر عثمان است. (2)

همچنین علاوه بر این، در روز عقد اخوت عثمان با عبدالرحمن عقد برادری بسته بود، (3) لذا چنین برداشت می شود عمر که از این امور مطلع بوده، در حقیقت شورایی فرمایشی تشکیل داده و تعیین خلیفه را به دست عبدالرحمن بن عوف قرار داده بود، نه به شورا و نه به مردم تا خود برای خود خلیفه و امیری تعیین کنند، لذا عبدالرحمن نیز عثمان بن عفان را به خلافت نصب نمود.

ص: 278

- 
- 1- أنساب الأشراف، ج 2، ص 214؛ تاریخ مدینة دمشق، ج 39، ص 188.
  - 2- تاریخ الأمم والملوک، ج 4، ص 229؛ الکامل فی التاریخ، ج 4، ص 441؛ تاریخ المدینة، ابن شبة، ج 3، ص 925.
  - 3- الطبقات الكبرى، ج 3، ص 56؛ تفسیر القمی، ج 2، ص 109.

عید بزرگ غدیر خم و عید با شرافت جهان اسلام

- در این روز خداوند حضرت ابراهیم علیه السلام را از آتش نمرود نجات داد ؛

- حضرت سلیمان علیه السلام مردم را بر جانشینی آصف بن برخیا گواه گرفت ؛

- حضرت موسی علیه السلام بر ساحران غلبه یافت (بنا بر نقلی) ؛

- حضرت موسی علیه السلام یوشع بن نون علیه السلام را وصی خود قرار داد ؛

- حضرت عیسی علیه السلام شمعون الصفاء علیه السلام را به جانشینی خود برگزید ؛

- عثمان بن عفان کشته شد. (بنا بر نقلی). (1)

در روز هیجدهم ذیحجة الحرام به سال دهم هجرت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در بازگشت از حجة الوداع بین صد و بیست هزار حاجی، (2) بلندترین خطبه خود را ایراد فرمودند و علی بن ابی طالب علیه السلام و یازده فرزند معصومش علیهم السلام را بعد از خود تا قیامت به عنوان جانشین و امام معرفی کردند و از همه آن جمعیت برای امیرالمؤمنین علیه السلام بیعت گرفتند و از همه آن جمعیت درخواست نمودند این واقعه را به جهانیان برسانند.

این روز، عید بزرگ اسلام است که هیچ عیدی از جهت شرافت و منزلت به آن نمی رسد (3) و به آن «عیدالله الأكبر» (4) و «عید آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم» (5) نیز می گویند و مبعوث فرموده خداوند پیامبری را مگر آنکه این روز را عید کرده و به وصی خود وصیت کرده که این روز را عید قرار دهند، (6) نامش در آسمان روز عهد معهود و در زمین روز میثاق مأخوذ و جمع مشهود است (7) و روز اکمال دین و اتمام نعمت بر مسلمانان است (8) و همه اینها به جهت انتصاب پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، علی بن ابیطالب علیه السلام را به خلافت و جانشینی می باشد.

علامه امینی رحمه الله در کتاب شریف «الغدیر» سندیت غدیر خم را از فریقین اهل سنت و شیعیان ثابت می کند و پس از نقل حدیث غدیر، 110 تن از بزرگان صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را نام می برد که آن را نقل کرده اند و نام همه آنها را با تکیه بر منابع اهل سنت یاد می کند. پس از صحابه، نام 84 تن از تابعانی که این حدیث را روایت کرده اند یاد کرده و آرای نویسندگان رجالی اهل سنت را درباره آنها بیان می کند و

ص: 279

1- مسار الشیعة، ص 40.

2- تذکرة الخواص، ص 37؛ السیرة الحلبیة، ج 3، ص 361.

3- الخصال، ج 1، ص 264.

4- تهذیب الأحکام، ج 3، ص 143.

- 5- إقبال الأعمال، ج 2، ص 261.
- 6- الخصال، ج 1، ص 264.
- 7- تهذيب الأحكام، ج 3، ص 143.
- 8- الأمالي للصدوق، ص 125.



پس از تابعان، نام 360 تن از علمای راوی این حدیث از قرن دوم هجری تا قرن چهاردهم را ذکر کرده است.

## اعمال این روز شریف

از جمله اعمال این روز شریف عبارتند از: غسل نمودن، روزه گرفتن، زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام از دور و نزدیک، خواندن دعای ندبه، دعا برای تعجیل در فرج امام زمان علیه السلام، مسرور و شاد نمودن مؤمنان، اطعام مؤمنان، تبریک گفتن، شکر خدا نمودن، صلوات فرستادن، دادن یک درهم به برادر مؤمن که برابر است با دادن هزار درهم در اوقات دیگر، به یکدیگر احسان نمودن و گذشت کردن، پوشیدن لباس های نیکو، زینت کردن، بوی خوش استعمال نمودن، شادی کردن و شاد نمودن شیعیان، عفو و گذشت از تقصیرات دوستان اهل بیت علیهم السلام، برآوردن حاجات مؤمنان، صله ارحام نمودن، دید و بازدید رفتن، توسعه بر عیال دادن، هدیه دادن به اطفال و شاد نمودن آنها و تلقین نمودن ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام به آنها، اطعام مؤمنان که مثل اطعام پیامبران و صدیقان و شهداست، تبسم نمودن به روی یکدیگر و افطار دادن به روزه داران مؤمن که مثل آن است که ده فنام افطار داده باشد و فنام صد هزار پیغمبر و صدیق و شهید است، مصافحه کردن با مؤمنان و تبریک گفتن بر ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام «الحمد لله الذی جعلنا من المتمسکین بولایة امیرالمؤمنین و الائمة المعصومین علیهم السلام»، تبری جستن از دشمنان اهل بیت علیهم السلام، رفتن به زیارت علما و سادات و ذریه فاطمه زهرا علیها السلام که نسب شریفشان به آن حضرت می رسد (که زیارتشان به منزله زیارت اجداد طاهرینشان است)، قرض دادن و رفع هم و غم مؤمنان، قضای حاجات مؤمنان و سادات. (1)

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «کسی که در این روز جمعی از مؤمنین و مؤمنات را کفایت کند، من ضامنم برای او، امان از کفر و فقر را». (2)

## نماز عید غدیر با جماعت خوانده می شود!!!

با وجود اینکه عید غدیر از جمله اعیاد اسلامی (فطر، قربان، جمعه و غدیر) می باشد، بلکه از دیگر اعیاد افضل و برتر نیز هست، ولی مسلمانان آنچنانکه آن اعیاد دیگر را باشکوه و باعظمت پاس می دارند، عید غدیرخم را پاس نمی دارند و اهمیتی که به نمازهای آن سه عید دیگر (فطر، قربان، جمعه)

ص: 280

- 1- رجوع شود به: تهذیب الأحکام، ج 3، ص 143 و ج 6، ص 24؛ مصباح المتعجد، ص 736 و 758؛ إقبال الأعمال، ج 2، ص 260 و ص 279 و ص 289 و ص 306؛ جمال الأسبوع، ص 553؛ العدد القویة، ص 167؛ بحار الأنوار، ج 95، ص 298.
- 2- مصباح المتعجد، ص 758.

می دهند، به نماز عید غدیر اهمیت نمی دهند و اصلاً آن را پیا نمی دارند و حال آنکه بعضی از فقها(1) با استناد به روایت نماز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در عید غدیر،(2) در مورد نماز عید غدیر فرموده اند:

- به جماعت برگزار شود.

- بعد از نماز، خطبه ای خوانده شود و عظمت این روز و ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام تذکر داده شود.

- به صحرا و خارج از شهر رفته و یا در مکانی وسیع مانند مسجد جامع شهر این نماز را باشکوه برگزار کنند، چنانچه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم برای گردهمایی مسلمانان به صحرا رفته بودند.

- بعد از نماز با یکدیگر مصافحه کنند و یکدیگر را بر ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام تهنیت گویند.

نماز عید غدیر خم قبل از زوال است که کیفیت آن بعداً ذکر می شود. چه نیکوست نماز عید غدیر را چنان که برخی از فقها فتوا به مشروعیت جماعت آن داده اند، با جماعت و باشکوه پیا داریم. بعضی از فقها نماز عیدین (فطر و قربان) و دعای قنوتش را نیز در روز عید غدیر جایز دانسته اند.(3)

### کتاب فقهی «اللمعة الدمشقية» و نماز جماعت عید غدیر

به جهت اهمیت کتاب فقهی «اللمعة الدمشقية» که از کتب درسی فقهی حوزه های علمیه شیعیان می باشد، فتوا و استدلال مرحوم شهید اول رحمه الله و شهید ثانی رحمه الله را مبنی بر اینکه نماز عید غدیر به جماعت خوانده می شود، می آوریم:

- شهید اول رحمه الله در کتاب الصلاة لمعه می فرماید:

«وهی (الجماعة) مستحبة فی الفریضة، متأكدة فی الیومیة، واجبة فی الجمعة و العیدین، و بدعة فی النافلة إلا فی الاستسقاء و العیدین المندوبة و الغدیر و الإعادة»(4)؛

یعنی: «خواندن نمازهای فریضه با جماعت مستحب بوده و در خصوص نمازهای یومیّه مستحب مؤکد و تنها در نماز جمعه و عیدین در صورتیکه واجب باشند واجب و در تمام نوافل بدعت است مگر در چهار مورد:

1. نماز استسقاء (طلب باران). 2. نماز عیدین مستحب (نماز عید قربان و نماز عید فطر).

3. نماز عید غدیر. 4. نماز اعاده».

ص: 281

1- رجوع شود به: المقنعة، شیخ مفید(متوفای 413 ق.)، ص 203، الکافی فی الفقه، ابوالصلاح حلبی(متوفای 447 ق.)، ص 160؛ غنیة النزوع، ابن زهره(متوفای 585 ق.)، ص 108؛ جامع الخلاف و الوفاق، علی بن محمد قمی(متوفای قرن هفتم)، ص 119؛ مجمع الفائدة و البرهان، مقدس اردبیلی(متوفای 993 ق.)، ج 3، ص 32.

2- المقنعة، ص 203.

3- مشروعیت جماعت در نماز عید غدیر، سلیمانی بروجردی، ص 162.

4- اللعة الدمشقية، ص 48.

- و شهید ثانی رحمه الله در شرح این عبارت لمعه می فرماید:

«و لعل مأخذه شرعیتها فی صلاة العید و أنه عید» (1)؛

یعنی: «و چه بسا مأخذ شرعیت جماعت در نماز غدیر، جواز جماعت در نماز عید است و غدیر عید است».

به عبارت دیگر جواز شرعی بودن جماعت در نماز غدیر، عید بودن روز غدیر است.

- و سید محمد کلاتر رحمه الله محقق «الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية» می نویسد:

هذا استدلال لطيف مؤلف من الشكل الأول المنطقي هكذا:

(الصغرى: الغدير عید)؛

(الكبرى: و كل عید تجوز الجماعة في صلاته)؛

(النتيجة: فالغدير تجوز الجماعة في صلاته).

أما إثبات الصغرى: و هو كون الغدير عيداً فلقول الإمام الصادق عليه السلام في فضل يوم الغدير: «و هو عيد الله الأكبر». و أما كلية الكبرى: و هي مشروعية الجماعة في كل صلاة عيد - فلقوله عليه السلام أيضاً: «من لم يصل مع الإمام في جماعة يوم العید فلا صلاة له و لا قضاء عليه». (2)

یعنی: «این استدلال لطیف مؤلف از شکل اول منطقی است و توضیح آن این است که: غدیر عید است و عید بودن جواز جماعت در نماز عید را دارد، پس جایز است جماعت در نماز روز عید غدیر».

اما اثبات صغری در اینکه روز غدیر عید است، قول امام صادق علیه السلام است که در فضل روز غدیر فرمودند: «روز غدیر عید الله اکبر است». اما کلیه کبری (مشروعیت جماعت در هر نماز عید) این است که امام صادق علیه السلام فرمودند: کسی که نماز در روز عید به جماعت همراه امام نخواند، پس نه نماز بر او هست و نه قضای آن» بنا بر روایت عمومیت کلمه عید و اطلاق آن».

### شیخ مفید رحمه الله و نماز جماعت عید غدیر

به گزارش بعضی از فقها، شیخ مفید رحمه الله در زمان خود در میدان بغداد با هزاران نفر از مردم نماز عید غدیر را به جماعت اقامه نمود که نشان دهنده مشروعیت و اهمیت نماز عید غدیر به صورت جماعت در نزد شیخ مفید رحمه الله می باشد.

مرحوم آقا ضیاء الدین عراقی رحمه الله در شرح خود بر «تبصرة المتعلمين» پس از آنکه اقامه نماز جماعت در روز عید غدیر را تأیید می نماید، می نویسد: «...جماعت در اقامه نماز غدیر شرعی است

1- الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية، تحقيق سيد محمد كلانتر، ج 1، ص 791.

2- الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية، تحقيق سيد محمد كلانتر، ج 1، ص 791.

و لیکن نسبت مشهور دادن به آن خلاف است، با اینکه حکایت شده است همانا شیخ مفید رحمه الله در میدان بغداد با هزاران نفر از مردم به جماعت نماز غدیر را اقامه فرموده است» (1).

### کیفیت نماز عید غدیر که همانند بیعت با امیرالمؤمنین علیه السلام می باشد

نماز عید غدیر دو رکعت می باشد و بهتر است قبل از زوال اقامه شود که در آن ساعت، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم امیرالمؤمنین علیه السلام را به امامت و خلافت نصب فرمودند، سپس سر به سجده گذاشته و صد مرتبه شکر خدا کند و پس از آن دعایی که وارد شده بخواند و دوباره سر به سجده گذاشته و صد مرتبه حمد خدا و صد مرتبه شکر خدا کند. (2)

روایت شده هر که این عمل را بجا آورد ثواب کسی را داشته باشد که روز عید غدیر خدمت حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم حاضر شده و با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام بیعت نموده باشد و درجه اش با درجه صادقین می باشد که تصدیق نمودند خدا و رسولش را در ولایت مولایشان، و همانند کسی است که با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علیه السلام و امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام شهید گردیده و همانند نجباء و نقباء در زیر پرچم قائم و در خیمه آن حضرت می باشد. (3)

### تذکر مهم

چه بسیار نیکوست که شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام و فرزندان این عید مبارک را بسیار اهمیت دهند و به این یک روز اکتفا نکنند، بلکه دوازده روز به نام نامی مقدس دوازده امام معصوم علیهم السلام شادی کنند و هر روز را به نام یکی از ائمه معصومین علیهم السلام و امامان پاک نامگذاری کرده و شکر خدای تعالی را بجا آورند و هر روز در منقبت و ولایت آن امام همام علیه السلام محفل و مجلس شادی برپا کنند، و بر حذر باش که افسار شیطان را بر گردن نهی و زبان به اعتراض و اشکال باز کنی که چرا دوازده روز به عنوان عید غدیر شاد بود؟! در جواب می گوئیم: چطور شد عید فطر که یک روز است چند روز عید می گیرید و در بعضی بلاد تا پانزده روز جشن می گیرند و تعطیل رسمی اعلام می کنند و حال آنکه عید فطر یک روز است و اعتراضی نمی کنید، و یا اینکه ایام نوروز که یک تحول طبیعی و مادی است سیزده روز شادی می کنید در حالی که تحول طبیعی و تحویل سال یک امر قراردادی است و سند شرعی محکم ندارد.

شما دوستداران ولایت و امامت به عنوان بزرگداشت و تجلیل از ولایت و امامت، این نامگذاری

ص: 283

1- شرح تبصرة المتعلمین، ج 2، ص 201.

2- به کتاب مفاتیح الجنان، اعمال روز غدیر رجوع شود.

3- إقبال الأعمال، ج 1، ص 474.

دوازده گانه را از هجدهم ماه ذیحجه تا بیست و نهم ماه ذیحجه انجام دهید و همانگونه که در طول سال نسبت به بعضی از شعرا و مکتشفین و یا عرفا روزها را نامگذاری می کنند و بزرگداشت می گیرند، شما نیز بدین وسیله، یعنی «بزرگداشت این دوازده روز»، با شادی از ائمه معصومین خود علیهم السلام تجلیل به عمل آورید و آنها را بدین صورت به فرزندان و همه جهانیان معرفی کنید.

و چه بجاست که ایام نوروز که به غایت نزد ایرانیان و بعضی از اقوام و ملل اهمیت بسزایی دارد، به نام عید غدیر شمسوی نیز نامگذاری و به آن توجه شود، زیرا روز هجدهم ذیحجه الحرام سال دهم هجری که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم علی علیه السلام را به عنوان خلیفه و جانشین خود معین و به همه مسلمانان ابلاغ کردند، مصادف بوده با اول فروردین (1). پس بجاست این عید غدیر شمسوی، یعنی اول فروردین، احیا شود و تا دوازدهم فروردین، هر روز به نام نامی مقدس و پاک یکی از دوازده امام علیهم السلام نامگذاری گردد و روز سیزدهم روز تبری جستن از دشمنان نبوت و امامت نامگذاری شود، تا این عیدالله الاکبر که فراموش شده است احیا شود و شادی مردم رنگ و بوی ولایی به خود بگیرد و کمتر توجه به امور مادی و طبیعی نموده و نیز کمتر گناه و معصیت کنند.

توجه دادن امام زمان علیه السلام به روز هجدهم و 11 روز بعد از آن در هر ماه

حضرت بقیة الله ارواحنا فداه برای روز 18 هر ماه تا آخر آن ماه فرموده اند این دعا را بخوانید:

«سُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ خَلْقِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ رِضًا نَفْسِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ زِينَةَ عَرْشِهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ مِثْلَ ذَلِكَ» (2)

یعنی: «خداوند را به عدد تمام مخلوقاتش تسبیح می کنم، و پاکیزه می دانم او را در حدی که رضای ذات اقدسش در آن است، خدای را به تعداد و شماره کلماتش تسبیح می کنم، و همچنین ستایش می کنم ذات مقدسش را (و او را از هر عیب و نقص دور می دانم) به وزن عرشش؛ و حمد و ستایش می کنم خدا را همانند آن».

شاید آن حضرت با این دعا می خواسته اند مسلمانان را متوجه روز 18 ماه ذیحجه «روز انتصاب خلیفه و جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و بیعت گرفتن بر آن» کنند تا این روز با عظمت و سرنوشت ساز جهان اسلام را فراموش نکنند، لذا فرموده اند: هر ماه در روز 18 تا آخر ماه خدای تعالی را با این جملات نورانی تسبیح و حمد و شکر کنید که خلق را بدون سرپرست و امام معصوم نگذاشت، سپس فرموده اند: این تسبیح و تحمید خدای تعالی را تا آخر ماه ادامه دهید که می تواند اشاره به 12 روز بزرگداشت هر امام تا آخر ماه باشد.

ص: 284

1- تفصیل و تطبیق عید نوروز با عید غدیر در خاتمه کتاب، بخش نوروز عید غدیر شمسوی آورده شده است.

2- الدعوات للراوندی، ص 94.

صاحب کتاب ارزشمند «مکیال المکارم» در کتاب خود می نویسد (1):

تأکید بسیاری که در روز عید غدیر خم برای دعا کردن شده، به خاطر این است که روز عید غدیر روزی است که خداوند در آن با اعلام ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام و ائمه طاهرین علیهم السلام، جانشینی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را به آنان اختصاص داده است و امروز آن ولایت از آن مولای ما حضرت صاحب الزمان علیه السلام است، و چون مؤمنین در این روز تسلط غاصبین و غلبه ظالمین و مخفی و غائب بودن آن ولی خدا را می بینند، لذا محبتشان نسبت به امام عصر علیه السلام آنها را وادار می کند که برای تعجیل امر ظهور آن حضرت دعا نمایند.

و دیگر اینکه روز عید غدیر خم، روز تجدید عهد و پیمان و بیعت با وارثان غدیر است و دعا نمودن برای تعجیل فرج یکی از مصادیق تجدید عهد و پیمان است، شاهد این مطلب دعایی است که مرحوم سید بن طاووس در کتاب شریف «إقبال الأعمال» در اعمال روز عید غدیر خم آورده است:

«... اللَّهُمَّ فَرِّجْ عَنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ، وَ اكْشِفْ عَنْهُمْ وَ بِيَهُمْ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ الْكُرْبَاتِ، اللَّهُمَّ اَمْلَأْ الْأَرْضَ بِهِمْ عَدْلًا كَمَا مَلَأْتَ ظُلْمًا وَ جَوْرًا، وَ أَنْجِزْ لَهُمْ مَا وَعَدْتَهُمْ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ». (2)

«خداوند! بر اهل بیت پیامبرت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم فرج و گشایش مرحمت فرما و از ایشان و بخاطر آنها از مؤمنان، غصه ها و بلاها را برطرف کن. خداوند! زمین را به وسیله آنان از عدل و داد پر کن همانگونه که از جور و ستم پر شده باشد و به آنچه به ایشان وعده داده ای وفا کن که همانا تو خلف وعده نمی کنی».

و ما نیز به تناسب این موضوع، یازده روز بعد از عید غدیر خم هر روز را به نام یکی از امامان معصوم علیهم السلام نامگذاری نموده و روایتی در شأن آن امام همام ذکر می کنیم، باشد مؤمنان و عاشقان ولایت نیز به این امر قیام نمایند و نام و ذکر امامان معصوم علیهم السلام را بیش از پیش احیاء نمایند.

### بیعت برخلاف امیرالمؤمنین علیه السلام پس از 25 سال خانه نشینی

پس از اینکه مسلمانان از رفتار و کردار عثمان بن عفان به تنگ آمده بودند و به منزلش هجوم آورده و به قتلش رساندند، درب خانه امیرالمؤمنین علیه السلام تجمع کردند و از حضرت خواستند برای به دست گرفتن امر خلافت خارج شوند، ولی آن حضرت نپذیرفتند تا اینکه مسلمانان که گروه بیشماری بودند، گفتند: ما از اینجا نمی رویم تا امیرالمؤمنین علیه السلام خارج شود و ما را از حیرت و سرگردانی نجات دهد. پس با خواهش فراوانی آن حضرت را از خانه که 25 سال خانه نشین شده بود خارج ساختند و به مسجد

ص: 285

1- مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم علیه السلام، ج 2، ص 60.

2- المقنعة، ص 207؛ إقبال الأعمال، ج 2، ص 306.



النبي صلى الله عليه وآله وسلم برده و در چنین روزی به سال 35 هجری قمری (1) همگی بدون هیچ اختلاف و نزاعی با حضرتش بیعت کردند. (2)

به اقرار تمام مورخین ابناء عامه و خاصه هیچ بیعتی با خلفا از جهت تمام و کمال به مثل بیعت با امیرالمؤمنین علیه السلام صورت نگرفته است که همه مسلمانان یکدست شده و با حضرتش بیعت نمودند و این خود یکی از مزایای بی نظیر امیرالمؤمنین علیه السلام است که هیچ یک از مدعیان خلافت نداشته اند.

## 19 ذی الحجة الحرام

### عید غدیر خم بزرگداشت امامت و ولایت امام حسن مجتبی علیه السلام

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در واپسین لحظات زندگی خود امام حسن مجتبی علیه السلام را وصی و جانشین خود قرار داد و دیگر فرزندان و بزرگان خاندانش و شیعیانش را بر آن گواه گرفت و فرمود: «پسرم! رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به من امر نموده است که تو را وصی خود سازم و کتاب و سلاحم را به تو تحویل دهم». (3)

امام باقر علیه السلام می فرماید: «ما تكلم الحسين عليه السلام بين يدي الحسن عليه السلام إعظاماً له» (4) یعنی: «امام حسین علیه السلام به جهت احترام امام حسن علیه السلام هرگز در برابر او سخن نمی گفت».

محمد بن سیرین گوید: من از عده ای از بزرگان اهل بصره شنیدم که می گفتند: وقتی جنگ جمل پایان یافت حضرت علی علیه السلام بیمار شد، به همین جهت نتوانست در نماز جمعه حاضر شود، از این رو به فرزندش امام حسن علیه السلام فرمود: پسرم! برو در مسجد و برای مردم سخنرانی کن.

مردم در مسجد گرد هم آمده و امام حسن علیه السلام وارد مسجد شد، وقتی بر فراز منبر قرار گرفت خدا را حمد کرده و ستایش نمود و بر یگانگی باریتعالی گواهی داد و بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درود فرستاد، آنگاه فرمود:

«أيها الناس، إن الله اختارنا لنبوته، و اصطفانا على خلقه و بريته، و أنزل علينا كتابه و وحيه، و ايم الله لا ينتقصنا أحد من حقنا شيئاً إلا انتقصه الله في عاجل دنياه و آجل آخرته، و لا يكون علينا دولة إلا كانت لنا العاقبة» «و لتعلمن نبأ بعد حين» ؛

یعنی: «ای مردم! همانا خداوند ما را به رسالت (برای خویشتن) اختیار فرمود و ما را بر بندگان خود برگزید، و

ص: 286

1- مسار الشيعه، ص 40 ؛ تاريخ مدينة دمشق، ج 42، ص 13.

2- تاريخ الأمم و الملوك، ج 4، ص 434 ؛ الكامل في التاريخ، ج 3، ص 192.

3- الكافي، ج 1، ص 297.

4- مناقب آل أبيطالب، ج 3، ص 401.

وحی و کتاب خود را بر ما فرود آورد، سوگند به خدا! کسی حق ما را غصب نمی کند جز آنکه خداوند در دنیا و آخرت حق او را ناقص خواهد کرد و بر ما دولتی نخواهد بود مگر اینکه عاقبت از آن ما خواهد بود که «خبرش را پس از مدتی خواهید شنید».

آنگاه امام حسن علیه السلام از منبر فرود آمد و در جمع مردم قرار گرفت، سخنرانی حضرت به سمع مبارک پدر بزرگوارش حضرت علی علیه السلام رسید، وقتی نزد پدر گرامیش آمد، نگاهی مهرآمیز بر فرزند عزیزش کرد و از محبت نتوانست اشک خود را کنترل کند و اشک از دیدگان مبارکش بر چهره زیبایش جاری شد، سپس فرزندش را در آغوش کشید و میان دو چشمش را بوسید و فرمود: «پدرم و مادرم فدایت باد!» و این آیه شریفه را قرائت فرمود: «ذریة بعضها من بعض والله سمیع علیم» (1) یعنی: «آنان فرزندانی هستند که برخی از برخی دیگر (فضیلت) گرفته اند و خداوند شنوا و داناست» (2).

### وفات دانشمند بزرگ جهان تشیع و مؤسس مکتب تفکیک آیه الله میرزا مهدی اصفهانی رحمه الله

مرحوم آیه الله میرزا مهدی اصفهانی رحمه الله عالم جلیل القدر و معلم اخلاق و مؤسس مکتب تفکیک بین معارف وحی و افکار بشری، در چنین روزی به سال 1365 قمری رحلت نمود و جهان تشیع در سوگ او نشست و بدن مبارکش را در دارالضیافه حرم رضوی علیه السلام به خاک سپردند.

وی یکی از شاگردان برجسته آخوند خراسانی و سید محمد کاظم یزدی و میرزا محمد حسین نائینی است که در سن 35 سالگی اجازه اجتهاد از میرزای نائینی رحمه الله دریافت نمود و این اجازه به مهر تأیید آیات عظام سید ابوالحسن اصفهانی و حاج شیخ عبدالکریم حائری رسیده است.

معظم له در کلاس عرفا و فلاسفه آن زمان مانند شیخ محمد بهاری همدانی و سید احمد کربلایی و سید علی قاضی شرکت می کند، پس از آن حدود سی سالگی دچار پریشانی فکری شده و دوگانگی اعتقادی پیدا می کند، لذا برای رهایی از این پریشانی خاطر، دست به توسلات شدید به امیرالمؤمنین علیه السلام می زند و در مقام صاحب الزمان عجل الله فرجه که میان وادی السلام نجف اشرف است، ملاقاتی با قلب عالم امکان امام زمان علیه السلام پیدا می کند، چنانکه بعضی از شاگردانشان نقل کرده اند:

«معظم له سه شبانه روز در مقام صاحب الزمان عجل الله فرجه در وادی السلام تحصن می کنند و دست به توسل به ذیل عنایات حضرت بقیة الله ارواحنا فداه می زنند تا اینکه ناگهان فضای مقام به عطر دلنشینی معطر می شود و در حالیکه بیدار بودند، آقای بلند بالا و نورانی وارد می شوند که بر روی سینه مبارکشان

ص: 287

1- سوره آل عمران، 34.

2- الامالی للطوسی، ص 104؛ القطرة، ج 2، ص 467.

نوار سبز رنگی بوده و در میان آن به رنگ سفید و نور نوشته شده بود: «طلب المعارف من غیر طریقنا اهل البیت مساوٍ لِانکارنا، و قد اقامنی الله و انا حجة بن الحسن».

پس از آن تشریف با یک تحول روحی و شهود باطنی به حقایق عرفانی و دینی بر پایه مکتب اهل بیت علیهم السلام می رسد، لذا از مشرب فلسفی و سلوک عرفان اصطلاحی روی برتافت و از آن پس اراده کرد مفاهیم و معارف بلند قرآن و عترت را بدون خلط و امتزاج با اندیشه های فلاسفه و عرفا به کار ببندد.

آن دانشمند بزرگوار با بازخوانی معارف اهل بیت علیهم السلام در دین شناسی با رویکرد متکلمان و فقیهان شیعی در روش فهم، معارف دینی را سازمانی دوباره داد و صورت نوین و بدیعی را عرضه داشت و پایه گذار جنبش علمی بزرگی شد که بعدها به «مکتب معارف قرآنی» یا «مکتب تفکیک» شهرت یافت. سپس کرسی درس خویش را با ورودش به حوزه علمیه مشهد - که مهد علوم فلسفه و عرفای صوفی شده بود - بنا نمود تا اینکه آن جناب موفق شد ریشه آنان را بخشکاند و حوزه مشهد را بر بنیان آموزه های وحیانی قرآن و حدیث و وانهادن فرضیه های رایج فلسفه موروثی و دستورالعمل های تصوف و عرفان اصطلاحی، استوار نماید که بسیاری از علما و پژوهشگران که دنبال حقایق دینی و به دنبال یافتن پاسخ مجهولات خود بودند، به این مکتب راه یافتند و به حقیقت علم و عرفان رسیدند.

معظم له شاگردانی مبرز تربیت نمود که هر یک، خود مروج و مبلغ بزرگ این مکتب گردیدند، همچون: حاج شیخ غلامحسین محامی بادکوبه ای، حاج شیخ مجتبی قزوینی، حاج شیخ کاظم دامغانی، حاج شیخ زین العابدین تنکابنی، حاج شیخ عبدالله یزدی، حاج میرزا جواد آقا تهرانی، حاج شیخ حسنعلی مروراید، حاج شیخ محمود حلبی، حاج شیخ علی اکبر صدرزاده، حاج شیخ علی نمازی شاهرودی، حاج شیخ حسین وحید خراسانی و تعداد دیگری از بزرگان که ذکر نام مبارکشان موجب تطویل این نوشته می شود.

## 20 ذی الحجة الحرام

### عیدغدیر خم و بزرگداشت خلافت و امامت امام حسین، حضرت سیدالشهدا علیه السلام

امام حسن مجتبی علیه السلام قبل از شهادتشان بر امامت امام حسین علیه السلام تصریح کردند چنانکه در روایتی به برادرشان جناب محمد حنیفه می فرمایند: «پس از درگذشت من برادرم امام حسین علیه السلام امام بعد از من است و نام او به عنوان امام نزد خداوند در کتابش ثبت شده است، او این مقام را از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به ارث برده؛ خداوند می داند که شما خاندان برترین بندگان خدا هستید از این رو

محمد را از میان شما برگزید، حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم علی علیه السلام را برای جانشینی انتخاب کرد و حضرت علی علیه السلام مرا برای امامت برگزید و من حسین علیه السلام را». (1)

شیخ صدوق رحمه الله در کتاب «عیون أخبار الرضا علیه السلام» از امام حسین علیه السلام نقل کرده است که فرمود: خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رسیدم و نزد آن حضرت ابی بن کعب بود، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به من فرمودند: «خوش آمدی ای ابا عبدالله! ای زینتبخش آسمانها و زمین».

ابی بن کعب عرض کرد: ای رسول خدا! چگونه ممکن است کسی غیر از شما زینت بخش آسمانها و زمین باشد؟ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

«یا اَبی، والَّذی بعثنی بالحقّ نبیاً، إنّ الحسین بن علیّ علیهما السلام فی السماء أكبر منه فی الأرض، وإنّه لمکتوب عن یمین عرش اللّهِ: «مصباح هدی و سفینة نجات و إمام غیر وهن و عز و فخر و علم و ذخر...» (2)؛

یعنی: «ای اَبی! سوگند به آن کسی که مرا به رسالت برانگیخت، (مقام) حسین بن علی در آسمان بالاتر از (مقام) او در زمین است و در طرف راست عرش الهی درباره او چنین نوشته شده است: «چراغ هدایت و کشتی نجات، امام استوار، مایه عزّت و افتخار و (دریای) علم و ذخر...».

## ولادت امام کاظم علیه السلام

در چنین روزی بدون نقل گزارش تاریخی و بدون سند متقن روایی، بعضی با برداشت خود از گزارش ضعیف ابوبصیر و منهال قصاب به صورت تخمینی این روز را به ولادت امام کاظم علیه السلام نسبت داده اند و حال آنکه در این دو گزارش روز بیستم ذی الحجة ذکر نشده است.

ما تضعیف این روز را در کتاب «زادروز میلاد هفتم» مفصلاً شرح داده ایم و در این کتاب به صورت اجمال در روز پنجم رجب بیان داشتیم که در نزد ما اقوی پنجم ماه رجب می باشد. (3)

## 21 ذی الحجة الحرام

### عید غدیر خم، بزرگداشت امامت و خلافت امام زین العابدین علیه السلام

زهری گوید: برادری داشتم که برادری ما به خاطر خدا بود، من خیلی او را دوست داشتم، او در هنگام جهاد با رومیان به شهادت رسید، من به این مقام او غبطه می خوردم و خوشحال بودم و آرزو می کردم که ای کاش من نیز همراه او بودم و به شهادت می رسیدم.

با این آرزو شبی خوابیدم، او را در خواب دیدم، به او گفتم: «خدا با تو چگونه رفتار کرد؟»

ص: 289

2- عيون أخبار الرضا عليه السلام ، ج 1 ، ص 59.

3- به روز پنجم ماه رجب رجوع شود.

گفت: «خداوند به جهت جهاد من و محبتی که به حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و خاندان او داشتم مرا آمرزید و به شفاعت علی بن الحسین علیه السلام ملک مرا در بهشت از هر جهت به مسافت مسیر صد هزار سال گسترش داد».

گفتم: «من هم دوست داشتم که مانند تو به شهادت می رسیدم»، گفت: «مقام تو از من به مسافت هزار هزار سال برتر و بالاتر است»، گفتم: «چگونه؟!»

گفت: «مگر تو امام سجاد علیه السلام را هر جمعه یک مرتبه ملاقات نکرده و به او سلام نمی کنی؟! و وقتی چهره مبارکش را می بینی بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم درود نمی فرستی؟! آنگاه در این زمان شوم، زمان بنی امیه، از آن حضرت حدیث نقل می نمایی و خود را در معرض مشکلات قرار می دهی، ولی خداوند مهربان تو را حفظ می کند»؟

زهری می گوید: «من از خواب بیدار شدم، با خودم گفتم: شاید این خواب آشفته بود و راست نیست. باز خوابیدم، دوباره او را دیدم»، گفت: «آیا در گفته من تردید نمودی؟ تردید به خود راه نده که شک و تردید کفر است و آنچه که گفتم به کسی مگو، چرا که به زودی امام سجاد علیه السلام تو را از خوابت آگاه خواهد کرد، همانگونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ابابکر را در راه شام از خوابش آگاهش نمود».

از خواب برخاستم و نماز را خواندم، ناگاه فرستاده امام سجاد علیه السلام آمد، خدمت امام سجاد علیه السلام شرفیاب شدم، وقتی مرا دید فرمود: «ای زهری! دیشب در خواب چنین و چنان دیدی، دو مورد خوابی که دیدی هر دو صحیح و راست بودند» (1).

## روز مباحله

بنا بر گزارش برخی مورخین در روز بیست و یکم ذی الحجة (2) به سال نهم هجری (3) مباحله پیامبر اسلام و نصارای نجران واقع شد، و بعضی دیگر از محدثین و تاریخ نگاران بیست و چهارم (4) و بیست و پنجم ماه ذی الحجة (5) را نیز ذکر کرده اند که ما به جهت ادغام نشدن بزرگداشت روز مباحله با روز خاتم بخشی (بیست و چهارم ذیحجه) روز بیست و یکم را انتخاب نمودیم.

برای اثبات حقانیت اسلام در چنین روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با نصارای نجران به مباحله پرداختند، مباحله یعنی دعا نمودن علیه خصم که هر کدام از طرفین متخاصمین بر حق باشند عذاب

ص: 290

1- الثاقب فی المناقب، ص 362؛ القطرة، ج 2، ص 532.

2- الطرائف، ج 1، ص 64؛ بحار الأنوار، ج 95، ص 189؛ كشف الأسرار، ج 2، ص 147.

3- البداية و النهایة، ج 5، ص 48 و ص 63.

4- مسار الشیعة، ص 41؛ مصباح المتعجد، ص 764.

5- مصباح المتعجد، ص 759.

خدا طرف مقابل را فرا گیرد و از بین ببرد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به نصاری نجران فرمودند: مردانتان و زنانتان و فرزندانتان را بیاورید، من هم می آورم تا همگی علیه یکدیگر دعا کنیم و حق روشن شود، لذا در این روز نصاری نجران در مکانی که هم اکنون به مسجد مباحله معروف است، گرد آمده بودند و منتظر آمدن پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم بودند که دیدند از دور آن حضرت نمایان شدند و بر خلاف انتظار که باید جمعیت بسیاری را همراه خود بیاورند، فقط علی بن ابی طالب علیه السلام و فاطمه زهرا علیهما السلام و امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام را همراه خود برای مباحله آوردند. نصاری نجران تا این منظره را دیدند از مباحله منصرف شدند و گفتند: این پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اینقدر مطمئن به آیین خود است که فقط این تعداد را که عزیزانش می باشند آورده است، لذا نصاری نجران حاضر به مباحله نشدند و تسلیم خواست پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم شدند که آیه مباحله در شأن پیامبر و اهل بیتش یعنی امیرالمؤمنین علیه السلام و فاطمه زهرا علیهما السلام و امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام نازل شد و یکی از مناقب بلند آن بزرگواران می باشد. (1)

«فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ» (2)

## 22 ذی الحجة الحرام

### عید غدیر خم، بزرگداشت امامت و ولایت امام محمد باقر علیه السلام

اسود بن سعید گوید: من در محضر باصفای امام باقر علیه السلام حضور داشتم، پیش از آنکه من چیزی بپرسم حضرت لب به سخن گشود و فرمود:

«نحن حجّة الله، نحن باب الله، نحن لسان الله و نحن وجه الله، نحن عين الله في خلقه، و نحن ولاة أمر الله في عباده» یعنی: «ما حجت خدا، باب خدا، زبان خدا و وجه خدا هستیم، ما چشمان خدا در میان مردم بوده و فرمانروای امر خدا در میان بندگان او هستیم».

آنگاه فرمود: «به راستی که در میان ما و هر بخش از زمین نخ اتصالی همانند نخ بنّاهاست، هرگاه خداوند در مورد سرزمینی به ما مأموریت دهد، ما آن نخ را می کشیم و آن سرزمین با همه مناطقش، بازارها و محلات نزد ما می آید و فرمان خدا را در مورد آن انجام می دهیم. همانگونه که باد در اختیار حضرت

ص: 291

1- الإرشاد، ج 1، ص 166.

2- سوره آل عمران، آیه 61.

سلیمان علیه السلام بود، اینک خدا آن را برای آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم مسخر گردانیده و در اختیار آنان گذاشته است» (1).

در کتاب «مناقب آل ائمه علیهم السلام» آمده که حبابه و البیته گوید: در مکه در مسجد الحرام بودم و هنگام عصر بود، در آن هنگام که آفتاب نور طلایی خود را همانند تاجی بر سر مردان بر فراز کوه ها گسترانیده بود، شخصیتی را در ملتزم یا میان درب کعبه و حجر الاسود دیدم، او کمر خود را با عمامه ای از خز بسته و بر روی خاک ایستاده بود، دستان مبارکش را به سوی آسمان بلند کرده و دعا می نمود.

وقتی مردم به سوی او روی آورده و از او مسائل مشکل و پرسش های پیچیده می پرسیدند، او پیوسته پاسخ می داد تا اینکه هزار مسئله را پاسخ داد، آنگاه برخاست و به سوی منزل خود حرکت کرد، در این هنگام منادی با صدای بلند فریاد می زد:

«ألا! إنَّ هذا النور الأبلج المسرج و النسیم الأرج و الحقَّ المرج» یعنی: «آگاه باشید! همانا این آقا، نوری تابان و درخشان، نسیم عطری خوش بو و شخصیت حقی است که مردم او را ترک نمودند».

عده ای می گفتند: این شخص کیست؟ یکی از حاضران گفت: «او محمد بن علی الباقر علیه السلام، نشانه دانش و گویای دانا، محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابیطالب علیه السلام است».

در حدیث دیگری آمده است، ابوبصیر گوید: منادی با صدای بلند فریاد می زد:

«ألا إنَّ هذا باقر علم الرسل و هذا مبین السبل و هذا خیر من رسخ فی أصلاب أصحاب السفینة هذا ابن فاطمة الغراء العذراء الزهراء هذا بقية الله فی أرضه هذا ناموس الدهر هذا ابن محمد و خدیجة و علی و فاطمة هذا منار الدین القائمة»؛

یعنی: «آگاه باشید! این شخص، شکافنده علوم پیامبران، روشن کننده راه ها (ای خدا)، بهترین فرد از نژاد اصحاب سفینه (نوح علیه السلام) است، این فرزند فاطمه غراء، عذرا و زهرا است، این بقیه الله در زمین خداست، این گنجینه اسرار الهی در روزگار است، این فرزند محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم و خدیجه کبری و علی مرتضی علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام است، این شخص استوانه پایدار دین خداست» (2).

ابو خالد کابلی می گوید: «به حضرت امام زین العابدین علیه السلام عرض کردم: پیشوای بعد از شما چه کسی است، فرمود: فرزندم محمد و نام او در تورات باقر است زیرا او شکافنده دانش است» (3).

ص: 292

1- الخرائج و الجرائح، ج 1، ص 288؛ القطرة، ج 2، ص 568.

2- مناقب آل ائمه علیهم السلام، ج 4، ص 182؛ القطرة، ج 2، ص 569.

3- کمال الدین، ج 1، ص 319.



جناب میثم بن یحیی تمار از اصحاب و شیعیان راستین امیرالمؤمنین علیه السلام بود که در کوفه به امر ابن زیاد او را به درخت نخل خرمایی بستند و دست و پاهایش را قطع کردند تا در چنین روزی به سال 60 هجری قمری به شهادت رسید(1) و ابن زیاد از دفن او جلوگیری کرد تا آنکه چند تن از خرمافروشان کوفه، شبانه جسد وی را با چوبه دار ربودند و در قبری میان گودال آب در سرزمین قبیلۀ مراد به خاک سپردند.(2)

همانگون مزار این صحابی بزرگوار در کوفه مورد توجه و ملجأ شیعیان و حاجتمندان است.

### خروج ابراهیم بن مالک اشتر برای جنگ با ابن زیاد

در چنین روزی به سال 67 هجری قمری، ابراهیم فرزند مالک اشتر با لشکری حدود بیست هزار نفر از کوفه راهی موصل شد و با ابن زیاد قاتل امام حسین علیه السلام در جنگ وارد شد و در روز عاشورا آن ملعون را به درک واصل کرد.(3)

شب عاشورا که فردایش جنگ شروع شد، خواب به چشمان جناب ابراهیم بن مالک اشتر نیامد و بارها لشکرش را تشویق و تحریص می نمود بر جنگ با ابن زیاد(4) و می فرمود: «ای مردم! شما باید انصار دین و شیعه امیرالمؤمنین علیه السلام و این است عبیدالله بن مرجانه قاتل امام حسین علیه السلام، این است کسی که فرزند فاطمه زهرا علیها السلام را از جرعه ای آب منع کرد درحالی که عیالات و اطفال حضرتش فریاد العطش می زدند، او بود که مانع شد پسر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به جایی و مکانی دیگر برود، و اطراف او را گرفتند تا با لب تشنه شهیدش کردند و عیالات او را مانند کنیزان و بردگان برشتران سوار کردند و به شام بردند. به خدا قسم فرعونیان با بنی اسرائیل نکردند، آنچه را این ملعون ها با ذریه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم کردند»، پس ابراهیم دعا کرد و از خداوند نصرت و پیروزی خواست.(5)

روزی که جنگ آغاز شد، ابراهیم و یارانش جانفشانی ها کردند و لشکر ابن زیاد را شکست دادند و ابن زیاد به دستان ابراهیم فرزند مالک اشتر افتاد، ابراهیم در حالی که از جنایات ابن زیاد نسبت به امام حسین علیه السلام اشک می ریخت سر او را از بدن جدا کرد و نزد مختار فرستاد. همچنین به حصین بن نمیر و شراحیل بن ذی الکلاع و ابن حوشب و غالب باهلی و ... که در صحرای کربلا در جنگ علیه امام حسین علیه السلام نقش کلیدی داشتند، دست یافت و آنها را به سزای اعمال بسیار ننگینشان

ص: 293

1- الإرشاد، ج 1، ص 325.

2- رجال الکشی، ج 1، ص 295.

3- فرسان الهیجاء، ج 2، ص 293 و ص 298؛ تاریخ الإسلام، ج 5، ص 179.

4- الأمالی للطوسی، ص 241.

5- فرسان الهیجاء، ج 2، ص 295.

رسانید و با اینکار چشم شیعیان را روشن و دل امام زین العابدین علیه السلام و جناب محمد حنفیه علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام را شاد کرد. (1)

ابن زیاد پدرش زیاد بن ابیه، از دشمنان امام حسن مجتبی علیه السلام و مادرش کنیزی به نام مرجانه بود که به تصریح شیخ مفید زنی بدنام و زناکار بوده است، (2) بدین جهت ابن زیاد را به «ابن مرجانه» نیز می خواندند، چنانکه در زیارت عاشورا نیز با این نام (ابن مرجانه) لعن شده است، کنایه از اینکه حرامزاده بوده است.

## 23 ذی الحجة الحرام

### عید غدیر خم، بزرگداشت امامت و ولایت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

قبیصه بن یزید جعفی گوید: محضر امام صادق علیه السلام شرفیاب شدم، نزد آن حضرت، بوس بن ابی الدوس، ابن ظبیان و قاسم صیرفی حضور داشتند، سلام کردم و نشستم، عرض کردم: «ای فرزند رسول خدا! برای استفاده از محضرتان خدمتتان رسیدم».

فرمود: «پرس و مختصر کن».

عرض کردم: «پیش از آنکه خداوند آسمان برافراشته، زمین گسترده و نور و تاریکی را بیافریند، شما کجا بودید»؟

فرمود: «ای قبیصه! چرا در همچون زمان و شرایطی چنین سؤالی پرسیدی؟ مگر نمی دانی محبت ما (از ترس) کتمان می شود و دشمنی ما آشکار شده و ما را دشمنان جنّی است که احادیث ما را به دشمنان انسی ما منتقل می کنند و دیوارها مانند انسانها گوش دارند»!

عرض کردم: «سؤالی است که از خدمتتان پرسیدم».

فرمود: «ای قبیصه! پیش از پانزده هزار سال از آفرینش آدم علیه السلام، ما اشباح و موجودات نورانی بودیم که پیرامون عرش الهی به تسبیح خدا مشغول بودیم، هنگامی که خداوند حضرت آدم علیه السلام را آفرید، انوار ما را در صلب او قرار داد، ما پیوسته از صلب پاک به رحم پاک و مطهّری منتقل می شدیم تا اینکه خداوند متعال حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را برانگیخت.

بنابراین، ما عروة الوثقی و ریسمان محکم خدا هستیم، هر کس به دامان ما چنگ بزند نجات می یابد، و هر کس از ما تخلف کند سقوط خواهد کرد، (هر کس از ما پیروی کند) او را به راه ضلالت

ص: 294

1- الأملی للطوسی، ص 240؛ بحار الأنوار، ج 5، ص 382؛ مراقد المعارف، ج 1، ص 39؛ فرسان الهیجاء، ج 2، ص 298.

2- الإختصاص، ص 76.

و گمراهی وارد نمی کنیم و از راه هدایت خارج نمی نماییم، ما حافظان دین خدا هستیم، ما عترت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هستیم؛ ما همان خیمه اسلام هستیم که طناب های آن طولانی و محکم و فضای آن بسیار گسترده است. هر کس زیر لوای ما بیاید راهش به سوی بهشت است و هر کس از ما تخلف کند به سوی آتش سقوط خواهد کرد».

عرض کردم: «ستایش سزاوار ذات پاک پروردگار یکتاست»، آنگاه از معنای فرمایش خدا که می فرماید: «إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ \* ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ» (1) پرسیدم، فرمود: «تزیل این آیه در مورد ماست»، عرض کردم: «من از تفسیرش می پرسم»؟

فرمود: «آری ای قبیصه! هنگامی که روز قیامت بر پا می شود خداوند حساب شیعیانمان را بر عهده ما می گذارد، پس آنچه میان آنها و خداست حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم از خدا طلب بخشش می کند و حقوقی که میان آنها و مردم است، حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم از طرف آنها ادا می نماید و آنچه میان ما و آنهاست ما برای شیعیانمان می بخشیم تا اینکه بدون حساب وارد بهشت می شوند» (2).

محمد بن مسلم می گوید: نزد امام محمد باقر علیه السلام بودم که فرزند برومندش امام جعفر صادق علیه السلام وارد شد، امام خطاب به من فرمودند: «این امام تو، پس از من است، به او تاسی کن و از دانشش بهره بگیر، به خدا سوگند او همان صادقی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای ما وصف کرده است که پیروانش در دنیا و آخرت پیروز و رستگارانند و دشمنانش نفرین شده از زبان همه پیامبرانند» (3).

### شرف صدور توقیع به افتخار شیخ مفید رحمه الله

برای جناب شیخ مفید رحمه الله از ناحیه مقدس امام زمان علیه السلام نامه ها و توقیعات متعددی صادر شده است، یکی از آنها در 23 ذی الحجة 412 قمری بوده که اول آن اینگونه است:

«بسم الله الرحمن الرحيم، سلام الله عليك أيها الناصر للحق الداعي إليه بكلمة الصدق فإننا نحمد الله إليك الذي لا إله إلا هو إلهنا وإله آبائنا الأولين ونسأله الصلاة على سيدنا ومولانا محمد خاتم النبيين وعلى أهل بيته الطاهرين وبعده...» (4).

و توقیع دیگری در تاریخ اول شوال 412 قمری شرف صدور یافت که ابتدای آن اینگونه است:

«هذا كتابنا إليك أيها الولي الملمهم للحق العلي باملائنا وخط ثقتنا فأخفه عن كل أحد واطوه واجعل له نسخة

ص: 295

1- «به راستی که بازگشت آنان به سوی ماست، به راستی آنگاه حسابشان نیز با ماست»، سوره غاشیه، آیات 25-26.

2- تفسیر فرات الکوفی، ص 552؛ القطرة، ج 2، ص 620.

3- کفایة الأثر، ج 1، ص 253.

4- الإحتجاج للطبرسی، ج 2، ص 498

تطلع عليها من تسكن إلى أمانته من أوليائنا ...» (1).

## رحلت محدث جلیل القدر، حاج شیخ عباس قمی رحمه الله

جناب حاج شیخ عباس قمی رحمه الله که از محدثین بنام و علمای بزرگ جهان تشیع بوده و خدمات ارزنده ای به جهان تشیع نموده است، در شب بیست و سوم ماه ذی الحجة به سال 1359 هجری قمری در 65 سالگی رحلت نمود و در ضلع جنوبی حرم مطهر امیرالمؤمنین علیه السلام، طرف چپ، غرفه سوم، در جوار استادش مرحوم نوری به خاک سپرده شد.

سرگذشت زندگی و حالات معنوی آن جناب را در کتاب «ماه درخشان، صاحب مفاتیح الجنان» که به زیور طبع رسیده است گردآوری نمودم، طالبین به آن کتاب مراجعه کنند.

## 24 ذی الحجة الحرام

### عیدغدیر، بزرگداشت ولایت و امامت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام

عیسی شلقان گوید: محضر با صفای امام صادق علیه السلام شرفیاب شدم، می خواستم در مورد ابوالخطاب از حضرتش بپرسم، حضرت پیش از آنکه من بنشینم به من فرمودند: ای عیسی! چه مانعی دارد که پسر من را ملاقات کنی و آنچه می خواهی از او بپرسی؟!

من خدمت بنده صالح و شایسته خدا، امام کاظم علیه السلام رفتم، او در مکتب پدرش بود و در لب های شریفش اثر مرگب بود، پیش از سؤال من فرمود:

ای عیسی! به راستی که خداوند از پیامبران بر نبوت پیمان گرفته که همواره ثابتند و از آن رویگردان نمی باشند و از اوصیاء بر وصایت پیمان گرفته که همواره ثابتند و از آن رویگردان نمی باشند و به برخی ایمان عاریه ای داده که بعداً از آنها می گیرد و ابوالخطاب از جمله کسانی بود که ایمان عاریه ای داشت و خداوند از او گرفت.

من (از پاسخ آن آقا زاده خوشحال شدم) و آن حضرت را در آغوش گرفته و میان دو چشمانش را بوسیدم، سپس عرض کردم: پدر و مادرم فدایت باد! که شما از خاندانی هستید که خداوند می فرماید:

«ذُرِّيَّةٌ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (2) یعنی: «آنان فرزندانانی هستند که برخی از برخی دیگر (فضیلت) گرفته اند و خداوند شنوا و داناست».

آنگاه خدمت امام صادق علیه السلام بازگشتم، حضرت فرمودند: چه کردی ای عیسی؟ عرض کردم:

ص: 296

1- الإحتجاج للطبرسی، ج 2، ص 499؛ متن کامل توقیعات را در کتاب امام زمان علیه السلام و شیخ مفید رحمة الله آورده ایم.

2- سوره آل عمران، آیه 34.

پدر و مادرم فدایت باد! خدمت فرزندتان کاظم علیه السلام رسیدم، وی پیش از آنکه من چیزی بپرسم پاسخم را داد و هر چه که می خواستم بپرسم جواب داد. سوگند به خدا! فهمیدم که صاحب این امر اوست و او امام است.

حضرت فرمود: «یا عیسی، إن ابني هذا الذی رأیت، لو سألتہ عما بین دفتی المصحف لأجابک فیہ بعلم».

یعنی: «ای عیسی! این پسر من که او را دیدی اگر از آنچه در قرآن است از او بپرسی با علم و دانش، پاسخ واقعی را به تو خواهد داد».

امام صادق علیه السلام همان روز او را از مکتب بیرون آورد و از آن روز فهمیدم که او صاحب این امر و امام است. (1)

شرایط سیاسی روزهای آخر زندگانی امام جعفر صادق علیه السلام چنان ناگوار و نگران کننده بود که آن حضرت برای حفظ جان امام کاظم علیه السلام با صراحت جانشین خود را معرفی نکردند، از این رو در وصیتنامه خود پنج نفر را وصی و جانشین خود قرار دادند و نام فرزندشان حضرت موسی بن جعفر علیه السلام را پس از نام سه تن دیگر و در کنار نام منصور دوانیقی خلیفه عباسی ذکر می کنند تا جانش را حفظ کنند، آنان عبارتند از: 1. محمد بن سلیمان حاکم مدینه 2. عبدالله بن جعفر علیه السلام 3. حمیده مادر امام کاظم علیه السلام 4. منصور خلیفه عباسی 5. حضرت موسی بن جعفر علیه السلام؛ به این طریق جان امام کاظم علیه السلام جانشین واقعی را از نظر تعرض دشمن مصون داشتند. (2)

### خاتم بخشی امیرالمؤمنین علیه السلام

در این روز حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام انگشتر خود را در حال رکوع به سائل دادند (3) و این آیه که تصریح قرآن به ولایت و امامت امیرالمؤمنین علیه السلام است، در شأن ایشان نازل شد:

«إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ». (4)

بعضی اشکال می کنند: چگونه امیرالمؤمنین علیه السلام در نماز به غیر خدا توجه نموده است؟! و نیز ایراد می گیرند که نمازگذار در حال نماز نباید به غیر خدا توجه کند!!

جواب این مستضعفان اعتقادی این است که: امیرالمؤمنین علیه السلام ممسوس فی ذات الله است و اگر در حال نماز به غیر توجه نموده به امر پروردگار بوده و در همان حال نماز و توجه تام به خداوند،

ص: 297

1- قرب الإسناد، ص 334؛ القطرة، ج 2، ص 633.

2- الکافی، ج 1، ص 310.

3- مسار الشیعة، ص 41؛ مصباح المتهجد، ص 758؛ إقبال الأعمال، ج 2، ص 368.

4- سوره مائده، آیه 55.

پروردگارش به او امر نمود که علی جان! انگشتر را به سائل بده، لذا آن حضرت در همان حالی که انگشتر را به سائل داد از خداوند غافل نبوده و به حضرت حق توجه و اتصال داشته، چنانکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در خطبه غدیر خم در معرفی حضرت علی علیه السلام می فرمایند:

«و علی بن ابی طالب الذی أقام الصلاة و آتی الزکاة و هوراکع یرید الله عز و جل فی کل حال...» (1)

یعنی: «و علی بن ابیطالب علیه السلام آن کسی است که نماز پیا داشت و در حال رکوع زکات داد و او اراده کرده خدا را در هر حالی که باشد...».

باید توجه داشت که این امر از خصائص ائمه معصومین علیهم السلام است که بدون غفلت از حضرت حق به امور خلق رسیدگی می کنند.

خاتم و انگشتری که امیرالمؤمنین علیه السلام در رکوع به سائل دادند از نظر ارزش و قیمت چنانکه در بعضی از روایات آمده برابر بوده است با خراج شام یعنی سیصد بار شتر نقره و چهار بار شتر طلا. (2)

«خراج» اجاره زمین هایی است که در اثر جنگ با کفار و به اشراف امام معصوم علیه السلام گرفته می شده است و در غیر این مورد مصداق دیگری ندارد.

## 25 ذی الحجة الحرام

### عید غدیر، بزرگداشت ولایت و امامت حضرت رضا علیه السلام

عمر بن یزید گوید: به امام رضا علیه السلام عرض کردم: من از پدر بزرگوار شما از مسال های پرسیدم که اینک می خواهم همان مسأله را از شما نیز پرسم. حضرت فرمودند: از چه می خواهی بررسی؟

عرض کردم: آیا دانش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و کتاب های او و همچنین علوم اوصیاء او و کتاب هایشان نزد شماست؟ فرمودند: «آری و بیشتر از این از آنچه می خواهی پرس» (3).

ابراهیم بن عباس در توصیف ویژگی های والای اخلاقی امام رضا علیه السلام می گوید:

- هرگز ندیدم که امام رضا علیه السلام با سخنش کسی را ناراحت نموده و برنجاند.
- هرگز ندیدم که سخن کسی را قطع نماید، بلکه صبر می کرد تا صحبت او تمام شود.
- هرگز ندیدم نیازمندی را رد کند، بلکه به اندازه ای که توان داشت او را یاری می کرد.
- هرگز پاهای خود را در برابر همنشین خود دراز نمی کرد، و هرگز در برابر همنشین خود تکیه نمی داد.
- هرگز ندیدم کسی از غلامان و کنیزان خود را دشنام دهد.

- 1- روضة الواعظين، ج 1، ص 92.
- 2- البرهان في تفسير القرآن، ج 2، ص 326.
- 3- بصائر الدرجات، ص 511.

- هرگز ندیدم در برابر کسی آب دهان بیندازد.

- هرگز ندیدم در موقع خنده قهقهه نماید، بلکه خنده آن حضرت تبسم و لبخند بود.

- وقتی محفل خلوت می شد و سفره غذا را می گسترند، همه غلامان خود حتی دربانان و چارواداران خود را بر سر سفره خویش می خواند.

- امام رضا علیه السلام شبها کم می خوابید و بسیار بیداری می کشید، بیشتر شبها از اول شب تا بامداد شب زنده داری می کرد.

- آن حضرت زیاد روزه می گرفت و هیچ وقت روزه سه روز از هر ماه را ترک نمی کرد و می فرمود: «ذلک صوم الدهر» یعنی: «روزه این سه روز مانند روزه تمام عمر است».

- آن حضرت زیاد کارهای خیر انجام می داد، پنهانی صدقه می داد و بیشتر این کارهای خیر را در شب های تاریک انجام می داد.

بنابراین اگر کسی گمان کند که در مقام و فضیلت و شخصیت همانند او را دیده، از او باور نکنید. (1)

### ترویج حضرت زهرا علیها السلام با حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام

بنا بر گزارش سید بن طاووس رحمه الله در کتاب «الطرائف» و علامه مجلسی رحمه الله در «بحار الانوار» و علامه شیخ علی نمازی رحمه الله در کتاب «مستدرک سفینه البحار»، در چنین روزی به سال دوم هجرت ترویج حضرت زهرا علیها السلام و امیرالمؤمنین علیه السلام واقع شده است. (2)

در مورد تاریخ ترویج آن دو نور اقوال مختلفی نقل شده از جمله: اول ذی الحجة، ششم ذی الحجة و بیست و پنجم ذی الحجة؛ و ما به جهت اینکه شب اول ذی الحجة شام غریبان امام جواد علیه السلام می باشد و ششم ذی الحجة نیز به جهت اینکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سه روز ولیمه دادند و شادی نمودند و شب هفتم ماه ذی الحجة شب شهادت امام محمد باقر علیه السلام است و منافات با مراسم جشن و سرور پیدا می کند، لذا نقل بیست و پنجم ذی الحجة را که سند قوی دارد، اصح دانستیم تا اقامه مجالس برای شادی ترویج امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت فاطمه زهرا علیها السلام منافاتی با مراسم عزای امام جواد و امام محمد باقر علیهما السلام نداشته باشد.

در این روز فرشته ای بنام صرصائیل با هیبت و زیبایی خاصی بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد و در حالی که تسبیح و تقدیس الهی می نمود، عرض کرد: «خداوند مرا نزد شما فرستاده که به شما

ص: 299

1- عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 184.

2- الطرائف، ج 1، ص 44؛ بحار الأنوار، ج 35، ص 261؛ مستدرک سفینه البحار، ج 2، ص 216.



بگویم آن نور را با نور، حضرت فاطمه علیها السلام را به علی علیه السلام تزویج کن». در خواندن عقد، حضرت جبرئیل و میکائیل و اسرافیل نیز حضور داشتند. (1)

## نزول سوره «هل ائی»

پس از آنکه اهل بیت علیهم السلام سه روز، روزه گرفتند و افطار خود را به محبت پروردگار به فقیر و یتیم و اسیر دادند و خود با مقداری آب افطار نمودند، پس از آن در چنین روزی سوره «هل ائی» در فضیلت و شأن آن بزرگواران نازل شد. (2)

## 26 ذی الحجة الحرام

### عید غدیر خم، بزرگداشت ولایت و امامت حضرت امام جواد علیه السلام

ابومحمد حسن بن علی علیه السلام می فرماید: امام جواد علیه السلام کودکی دو سال و یک ماهه بود و چهره زیبایش گندمگون بود، عده ای ناباوران و تشکیک ورزان - که خدا لعنتشان کند - می گفتند: العیاذ باللله، آن حضرت فرزند امام رضا علیه السلام نیست. این در حالی بود که امام رضا علیه السلام در خراسان و در نزد مأمون بودند، آنان امام جواد علیه السلام را به مکه نزد قیافه شناسان بردند تا نسب او را شناسایی نمایند و در اجتماع مردم در مسجد الحرام آن کودک زیبا را به قیافه شناسان نشان دادند.

وقتی قیافه شناسان به آن حضرت با دیده دقیق و تیزبین خود نگاه کردند، محو جمال آن حضرت شدند و با رو به سجده افتادند، آنگاه برخاسته و رو به آن بی انصافان کرده و گفتند:

«وای بر شما! آیا کودکی را که همانند ستاره درخشان و نور فروزان است به امثال ما نشان می دهید؟ سوگند به خدا! او دارای حسبی نیکو و نژادی پاک و خالص است. سوگند به خدا! نطفه او جز در صلب های نیکو و رحم های پاک پرورش نیافته است. سوگند به خدا! او جز از فرزندان امیرمؤمنان علیه السلام و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نیست. برگردید و از خداوند پوزش طلبیده و استغفار نمایید و در مورد همچو فرزندی شک و تردید ننمایید».

در این هنگام وجود نازنین امام جواد علیه السلام که کودکی دو سال و یک ماهه بود، لب به سخن گشود و با زبانی که از شمشیر برآنتر بود با فصیحترین بیان فرمود:

«سپاس خدای را که ما را با دست قدرت خویش از نور خود آفرید و از میان مخلوقاتش برگزید و ما را امین بر وحی خود و بر مردم قرار داد. ای مردم! من محمد بن علی الرضا بن موسی الكاظم بن جعفر

ص: 300

1- مائة منقبة من مناقب أمير المؤمنين و الأئمة، ابن شاذان، ص 35؛ كشف الغمة، ج 1، ص 352.

2- مسار الشيعة، ص 41؛ مصباح المتعجب، ص 767.

الصادق بن محمد الباقر بن علی سید العابدین بن حسین الشہید بن امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیہم السلام هستم، من فرزند فاطمه زهرا علیہا السلام و فرزند محمد مصطفی صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم هستم. آیا در نسب همچو من (که دارای چنین نسب والایی هستم) شک و تردید راه دارد؟ آیا بر من و پدر و مادرم افتراء بسته و مرا به قیافه شناسان ارائه می دهید؟

آنگاه حضرت فرمود: «سوگند به خدا! من به نژاد و نسب شما از پدران آگاهتر هستم. سوگند به خدا! من به باطن و ظاهرشان آگاهم و از همه آنها و از تمام افکارشان و آنچه در پیش دارید آگاهم. این مطلب را با حق و واقعیت می گویم و با راستی و عدل آن را آشکار می نمایم که این دانشی است که خداوند متعال آن را پیش از آفرینش همه مخلوقات و پس از بنای آسمانها و زمین ها به ما ارزانی داشته است. سوگند به خدا! اگر نبود که اینک باطل بر ما چیره گشته و غلبه با دولت کفر است و حرکت ناباوران، مشرکان و سرکشان بر علیہ ماست، سخنی را ابراز می کردم که پیشینیان و آیندگان در شگفت می شدند».

آنگاه آن حجت خدا دست مبارک خود را بر دهان خویش گذاشته، سپس به خویش خطاب فرمود: «ای محمّد! آرام و خاموش باش و سکوت اختیار کن! آن سان که پدران تو سکوت اختیار کردند، و این آیه شریفه را تلاوت فرمود: «فصبر کما صبر أولوا العزم من الرسل و لا تستعجل لهم» (1) یعنی: «پس صبر کن آنگونه که پیامبران اولوالعزم صبر کردند و برای (عذاب) آنان شتاب مکن».

در این هنگام مردی که کنار حضرتش بود آمد و دست مبارکش را گرفت و او را از میان جمعیت عبور می داد و مردم برای او کوچه باز می کردند.

راوی گوید: دیدم که بزرگانی از اطرافیان به آن حضرت نگاه می کنند و این آیه را می خوانند: «اللہ أعلم حیث یجعل رسالتہ» (2) یعنی: «خداوند آگاهتر است که رسالت خویش را در کجا قرار دهد؟!» پرسیدم اینان چه کسانی هستند؟ گفتند: گروهی از طایفه بنی هاشم از فرزندان عبدالمطلب هستند.

راوی گوید: این خبر به محضر مبارک امام رضا علیہ السلام رسید و آن حضرت از رفتاری که آن ناباوران با فرزند عزیزش داشتند آگاه شدند. در این حال حضرت خدای را سپاس فرمودند، آنگاه روی مبارک به برخی از حاضرین از شیعیان خویش نموده و فرمودند: آیا می دانید به همسر حضرت رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم، ماریه قبطیه، چه تهمت زدن و به هنگام ولادت فرزندش ابراهیم بن رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم چه افتزایی به او بستند؟ آنگاه این قضیه را با همه تفصیلاتش بیان فرمودند. (3)

ص: 301

1- سورة احقاف، آیه 35.

2- سورة انعام، آیه 124.

3- دلائل الإمامة، ص 384؛ القطرة، ج 2، ص 705.

صفوان بن یحیی می گوید به امام رضا علیه السلام عرض کردم: چنانچه برای شما پیش آمدی رخ دهد امر امامت به چه کسی واگذار می شود؟ آن حضرت در جواب، به فرزند دلبندشان ابوجعفر محمد علیه السلام که نزدشان ایستاده بود، اشاره کردند. گفتم: فدایت شوم: منظورتان همین پسر سه ساله است؟ فرمودند: بله، چه مانعی دارد؟! عیسی (پیامبر خدا) نیز کمتر از سه سال داشت که حجت خدا شد. (1)

### دومین روز عروسی فاطمه زهرا علیها السلام با امیرالمؤمنین علیه السلام

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در سه روز متوالی به جهت این تزویج و وصلت شاد بودند و ولیمه عروسی دادند (2) و همچنین به جهت این تزویج خدای تعالی این آیه را در مدح امیرالمؤمنین علیه السلام نازل فرمود:

«و هو الذی خلق من الماء بشراً فجعله نسباً وصهراً و کان ربک قدیراً» (3)

یعنی: «او کسی است که از آب انسانی آفرید، سپس او را نسب و سبب قرار داد و پروردگار تو همواره تواناست».

در «شواهد التنزیل» به سند خود از ابن عباس نقل شده که این آیه در شأن علی بن ابی طالب علیه السلام نازل گردیده، زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دخترش فاطمه زهرا علیها السلام را به تزویج پسر عمویش علی بن ابی طالب علیه السلام در آورد، در نتیجه خویشی میان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و علی علیه السلام، هم «نسبی» بود هم «سببی». (4)

### زخم برداشتن عمر بن الخطاب

این روز به سال 23 هجری قمری بنا بر مشهور بین اهل سنت، روزی است که ابولؤلؤ عمر بن الخطاب را زخم زد (5) و روز بیست و نهم مرد. (6)

صهیب رومی بر وی نماز گذاشت و نعش او را در جنب ابوبکر به خاک سپردند و قبر او را چنان حفر کردند که سرش با کتف ابوبکر محاذی و برابر واقع شد، (7) مدت خلافت او ده سال و شش ماه و کسری بوده است. (8)

ص: 302

1- الإرشاد، ج 2، ص 276.

2- فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام، ابن عقدة کوفی، ص 108؛ دلائل الإمامة، ص 96.

3- سوره فرقان، آیه 54.

4- شواهد التنزیل، ج 1، ص 538.

5- الطبقات الکبری، ج 3، ص 278؛ تاریخ الطبری، ج 4، ص 193؛ البداية و النهایة، ج 7، ص 137.

6- البداية و النهایة، ج 7، ص 138؛ تاریخ ابی الفداء، ج 1، ص 230.

7- رحلة ابن جبیر، ص 151؛ رحلة ابن بطوطة، ج 1، ص 86.

8- الکامل فی التاریخ، ج 3، ص 52.

## عید غدیر خم، بزرگداشت ولایت و امامت حضرت امام هادی علیه السلام

حضرت ابوالحسن، امام هادی علیه السلام فرمودند: «إن الأرض لا تخلو من حجة و أنا و الله ذلك الحجة»<sup>(1)</sup> یعنی: «زمین از حجت خالی نمی ماند و به خدا آن حجت منم».

ابومحمد بصری از ابوالعباس، دایی فرزند کاتب ابراهیم بن محمد نقل می کند و می گوید: ما در مورد امامت امام هادی علیه السلام سخن می گفتیم که ابوالعباس رو به من کرد و گفت: ای ابومحمد! من در این مورد به چیزی اعتقاد نداشتم و همواره به برادرم و همچنین کسانی که قائل به امامت او بودند شدیداً خرده می گرفتم و آنها را مذمت می نمودم و به آنان دشنام می دادم تا اینکه روزی در میان گروهی قرار گرفتم که از طرف متوکل مأموریت پیدا کردیم تا امام هادی علیه السلام را احضار نماییم.

ما به سوی مدینه حرکت کرده و وارد شهر مدینه شدیم، وقتی به حضورش رسیدیم طبق مأموریت قرار بر حرکت شد، پس به راه افتادیم و منزلها را پشت سر گذاشته و سیر نمودیم تا اینکه به منزلی رسیدیم، روزی تابستانی و هوا خیلی گرم بود، از حضرتش خواستیم که در آن منزل فرود آییم، فرمود: نه! پس ما از آن منزل رد شدیم و هنوز چیزی نخورده و ننوشیده بودیم، گرما افزایش یافت و گرسنگی و تشنگی بر ما چیره شد، در این حال ما به منطقه ای رسیدیم که صحرای کویری بود، چیزی دیده نمی شد، نه آبی داشت و نه سایه ای که استراحت کنیم، ما همگی به آن حضرت چشم دوخته و به او نگاه می کردیم. در این حال رو به ما کرد و فرمود: چه شده؟ گمان می کنم که گرسنه و تشنه هستید؟

گفتیم: آری، سوگند به خدا! ای آقای ما! به راستی که خسته شده ایم، فرمود: در اینجا فرود آیید و بخورید و بیاشامید.

من از این سخن حضرت در شگفت شدم، چرا که ما در صحرای کویری بودیم که عاری از آب و علف بود و نه سایه درختی که ما در زیر سایه آن استراحت کنیم و نه چشمه آبی.

وقتی کمی تأمل کردیم، حضرت فرمود: شما را چه شده؟ فرود آیید.

من به سرعت گروه را نگاه داشتم تا مرکبها را بخوابانند، ناگاه متوجه شدم دو درخت بزرگ وجود دارد که گروه زیادی می توانند زیر سایه آنها استراحت کنند و متوجه چشمه آبی شدم که بر روی زمین جاری است و آب گوارا و خنکی دارد (این در صورتی بود که من آن منطقه را می شناختم که منطقه وسیع و کویری بود).

ما از مرکب‌ها فرود آمدیم و در آنجا اطراق کردیم، غذا میل نموده و آب خوردیم و استراحت کردیم، البته در میان ما کسانی بودند که بارها از آنجا عبور کرده بودند، در آن موقع شگفتی‌هایی از دلم‌خطور کرد، من با دقت به آن حضرت می‌نگریستم و مدتی در مورد حضرتش به فکر فرو می‌رفتم، وقتی متوجه شدم دیدم حضرت تبسم نمود و روی مبارک از من برگرداند. با خودم گفتم: به خدا قسم! قطعاً تحقیق خواهم کرد که او چگونه شخصیتی است؟!

نزدیکی‌هایی که می‌خواستیم حرکت کنیم برخاستم و پشت درخت رفته و شمشیرم را زیر خاک پنهان کردم و دو سنگ به عنوان علامت روی آن گذاشتم، آنگاه خود را تطهیر نموده و برای نماز وضو گرفتم، امام هادی علیه السلام رو به ما کرد و فرمود: استراحت کردید؟ گفتیم: آری؛ فرمود: بسم الله، کوچ کنید!

ما از آن منطقه بار بسته و کوچ کردیم، وقتی ساعتی راه رفتیم، من برگشتم و آن علامتی را که در آن مکان گذاشته بودم پیدا کردم، ولی خبری از آن درختان و چشمه آب نبود، گویی خداوند متعال در آن منطقه اصلاً چیزی نیافریده بود، نه درختی، نه آبی، نه سایه‌ای و نه رطوبتی! من از این مسأله در شگفت شده و دستانم را به سوی آسمان بلند نموده و از خداوند خواستم که مرا بر محبت آن حضرت و نیز در ایمان به او و شناختش ثابت قدم و استوار نماید، آنگاه به دنبال قافله حرکت نموده و خودم را به آنان رساندم.

وقتی خدمت حضرتش رسیدم، امام هادی علیه السلام رو به من کرد و فرمود: ای ابو العباس بررسی کردی؟ عرض کردم: آری، ای آقای من! به راستی که من در این امر تردید داشتم، ولی اینک من در پیش خودم به واسطه شما بینایترین مردم در دنیا و آخرت هستم.

فرمود: «هو کذلک، هم معدودون معلومون لا یزید رجل ولا ینقص» یعنی: «آری، چنین است، شیعیان ما افراد شمرده شده و شناخته شده هستند که نه شخصی از آنها کم می‌شود نه زیاد». (1)

در روایتی آمده است که: «امام جواد علیه السلام در وصیتی به فرزندش امام هادی علیه السلام، ایشان را وصی و جانشین خود قرار دادند». (2)

### روز سوم عروسی فاطمه زهرا علیها السلام و ولیمه عروسی آن حضرت

خرسند بودن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و مسلمانان به جهت تزویج فاطمه و علی علیهما السلام و دادن ولیمه عروسی که به مدت سه روز (3) بیش از چهار هزار نفر اطعام شدند. (4)

ص: 304

1- الخرائج و الجرائح، ج 1، ص 416؛ القطرة، ج 2، ص 736.

2- الکافی، ج 1، ص 325.

3- فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام، ابن عقدة کوفی، ص 108؛ دلائل الإمامة، ص 96.

4- الأمالی للطوسی، ص 40.

## نزول آیه اطاعت از اولوا الأمر

علامه مجلسی رحمه الله طبق سند خود، بیست و هفتم و به قولی بیست و یکم ذی الحجة الحرام را تحت عنوان «یوم البساط» ذکر کرده اند؛ (1) در این روز آیه اطاعت از اولوا الأمر بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد. (2)

خداوند در آیه 59 سوره مبارکه نساء می فرماید:

«یا ایها الذین آمنوا أطیعوا الله و أطیعوا الرسول و أولی الأمر منکم فإن تنازعتم فی شیء فردّوه الی الله و الرسول إن کنتم تؤمنون بالله و الیوم الآخر ذلک خیر و أحسن تأویلاً»؛

عبارت «أولی الأمر» در این آیه شریفه به ائمه دوازدهگانه علیهم السلام تفسیر شده است. (3)

## به درک واصل شدن مروان

در چنین روزی به سال 132 هجری قمری مروان حمار آخرین خلیفه بنی امیه به درک واصل شد (4) و دولت هزار ماهه بنی امیه منقرض شد.

مروان بن محمد بن مروان حکم معروف به «مروان حمار» آخرین خلیفه بنی امیه به قتل رسید و بدین شکل حکومت هزار ماهه بنی امیه منقرض شد، بعد از قیام بنی عباس به ریاست سفاح، وی عبدالله بن علی عموی خویش را برای جنگ با مروان فرستاد، مروان به بوصیر که از نواحی مصر است گریخته بود، در طول مسیر هر کس از بنی امیه را که می دید می کشتند، در کنار نهر اردن جماعت بسیاری را کشتند و روی آنها سفره انداختند و غذا خوردند. (5) در بوصیر مروان را در کلیسایی به دام انداختند، زبان او را قطع کردند و زبانش را گربه ای خورد، جالب اینکه روز قبل مروان زبان غلامی را قطع نموده بود و همان گربه خورده بود، سپس سرش را بریدند و زن و بچه او را اسیر کردند و نزد سفاح فرستادند. (6)

## 28 ذی الحجة الحرام

### عید غدیر خم، بزرگداشت ولایت و امامت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام

علی بن نوفلی می گوید: در محضر ابوالحسن امام هادی علیه السلام بودم که فرزند برومندش جناب سید محمد بر ما گذر کرد، عرض کردم: فدایت شوم! آیا سید محمد پیشوای ما پس از شماست؟ حضرت فرمودند: نه، پیشوای شما پس از من فرزندم حسن علیه السلام است. (7)

ص: 305

1- بحار الأنوار، ج 95، ص 189.

2- الأصول الستة عشر، ص 352؛ بحار الأنوار، ج 57، ص 124.

3- تفسیر العیاشی، ج 1، ص 249.

4- تاریخ الطبری، ج 7، ص 442؛ الکامل فی التاریخ، ج 5، ص 424.

5- حياة الحيوان الكبرى، ج 1، ص 110 ؛ أخبار الدول، ج 2، ص 59.

6- أخبار الدول، ج 2، ص 59.

7- الكافي، ج 1، ص 325.

ابوهاشم جعفری می گوید: روزی در خدمت امام حسن عسکری علیه السلام بودم که فهفکی از حضرتش پرسید: چرا زن بیچاره و ناتوان یک سهم، ولی مرد قوی دو سهم ارث می برد؟

حضرت فرمودند: «لأنَّ المرأةَ ليسَ عليها جِهَادٌ ولا نفقةٌ ولا معقلةٌ إنّما ذلك على الرجال» یعنی: «چون زن نه تکلیف جهاد دارد و نه بار هزینه زندگی بر دوش اوست و نه دیه کسی را می پردازد، ولی همه اینها بر عهده مردان است».

ابوهاشم می گوید: من با خودم گفتم: شنیده بودم که همین پرسش را ابن ابی العوجاء از امام صادق علیه السلام پرسید و آن حضرت همین پاسخ را دادند، در این فکر بودم که امام رو به من کردند و فرمودند: آری، این پرسش ابن ابی العوجاء بود و اگر معنای پرسش یکی باشد پاسخ ما نیز یکی است، آنگاه فرمودند:

«جری لآخرنا ما جرى لأولنا و أولنا و آخرنا في العلم و الأمر سواء و لرسول و أمير المؤمنين صلوات الله عليهما و آلهما فضلها» یعنی: «آنچه برای نخستین ما جاری شده در حق آخر ما هم جاری شده، نخستین فرد از ما با آخرین فرد از نظر دانش و ولایت برابر است و البته رسول خدا و امیرالمؤمنین صلوات الله علیهما و آلهما فضائل خودشان را دارند».(1)

## واقعه حرّه

در چنین روزی به سال 63 هجری قمری پس از شهادت امام حسین علیه السلام واقعه حرّه صورت گرفته است،(2) و آن از این قرار بوده است که: یزید بن معاویه لشکری بیش از چهار هزار نفر به فرماندهی «مسرف بن عقبه» به مدینه فرستاد، آنان بر مدینه طیه حمله کردند و اموال و ناموس مردم را تا سه روز مباح نمودند،(3) در آن روز خانه ای نبود که لشکریان یزید متعرض آن نشده باشند، حتی مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم محلّ تاخت و تاز اسبان شد و روضه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را آلوده به بول و پهن اسبان کردند(4) و فقط خانه امام زین العابدین علیه السلام به اعجاز و هیبت آن حضرت از دسترس لشکریان یزید محفوظ ماند.(5)

پس از شهادت امام حسین علیه السلام طبق گزارش «البدایة و النهایة» جمعی از اهالی مدینه به رهبری عبدالله بن حنظله راهی شام شده و وارد قصر یزید بن معاویه شدند و اعمال قبیح او مانند شراب خواری و قمار بازی را که به عنوان خلیفه مسلمین تکیه زده بود، از نزدیک دیدند و به مدینه بازگشتند و آنچه دیده بودند برای مردم مدینه بازگو کردند. لذا مسلمانان بر علیه یزید قیام کردند و در مسجد پیامبر نزد

ص: 306

1- مناقب آل ائیطالب، ج 4، ص 437؛ القطرة، ج 2، ص 767.

2- تاریخ الطبری، ج 5، ص 494؛ الکامل فی التاریخ، ج 4، ص 120.

3- تاریخ الطبری، ج 4، ص 377؛ البدایة و النهایة، ج 8، ص 239.

4- سیر أعلام النبلاء، ج 4، ص 228.

5- الإرشاد، ج 2، ص 151 - 152.



منبر آن حضرت یزید را از خلافت خلع نمودند و امویان را از مدینه خارج نمودند. پس از آن یزید بن معاویه لشکری به مدینه فرستاد و واقعه حرّه پیش آمد که در طول تاریخ مدینه بی سابقه است، آنان جمع بسیاری را کشته و شهید نمودند. (1)

جمعی از اهل مدینه از ترس اینکه لشکر یزید به زنان و دختران و کودکانشان تعرض کنند و بیناموسی انجام دهند، آنها را برداشتند و به پناه امام زین العابدین علیه السلام در آورده و به امام علیه السلام سپردند تا جایی که امام علیه السلام چهارصد خانوار از زن و دختر و کنیز و فرزندان آنها را در خانه خود پناه دادند؛ (2) از جمله آنها مروان حکم، از دشمنان دیرینه امیرالمؤمنین علیه السلام بود، وی جمعی از خانواده اش را به منزل امام زین العابدین علیه السلام برد و حضرت آنان را نیز پذیرفتند. (3) و در مدتی که لشکر یزید در مدینه بودند، حضرت متکلف غذا و آسایش آنان بودند و فقط منزل امام زین العابدین علیه السلام به اعجاز و هیبت آن حضرت محفوظ ماند و هنگامی که لشکر یزید از مدینه خارج شدند حضرت آنها را به مردانشان صحیحاً و سالملاً برگرداندند.

نقل کرده اند: «یکی از آن زن ها قسم می خورده و می گفته: در مدت زمانی که در خانه امام زین العابدین علیه السلام بودیم، هرگز چنین آسایش و رفاه مادی و معنوی را در تمام عمرمان ندیده بودیم، نه در خانه پدرمان و نه در خانه شوهرمان». (4)

## 29 ذی الحجة الحرام

### عید غدیر خم، بزرگداشت ولایت و امامت حضرت بقیه الله ارواحنا فداه

احمد بن اسحاق بن سعد اشعری می گوید: محضر با صفای مولایم امام حسن عسکری علیه السلام شرفیاب شدم، خواستم در مورد جانشین آن حضرت بپرسم، امام حسن عسکری علیه السلام پیش از من لب به سخن گشود و فرمودند: «ای احمد بن اسحاق! به راستی که خداوند متعال از روزی که حضرت آدم علیه السلام را آفرید تا روز رستاخیز زمین را از حجت خود خالی نگذاشته و نخواهد گذاشت، حجتی که به برکت وجود او بلاها و گرفتاری ها از ساکنان زمین دفع می شود و به وسیله او باران می بارد و برکات و گیاهان زمین بیرون می آید».

عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! امام و خلیفه و جانشین بعد از شما کیست؟

ص: 307

- 1- البداية و النهایة، ج 6، ص 262.
- 2- ربیع الأبرار و نصوص الأخبار، زمخشری، ج 1، ص 352؛ كشف الغمة، ج 2، ص 107.
- 3- تاریخ الطبری، ج 4، ص 372؛ الكامل فی التاريخ، ج 4، ص 113.
- 4- ربیع الأبرار و نصوص الأخبار، زمخشری، ج 1، ص 352.

حضرت برخاستند و فوری به درون خانه رفتند، سپس در حالی که کودک سه سال های را بر دوش داشتند، برگشتند، چهره آن کودک همانند ماه شب چهارده می درخشید، رو به من کردند و فرمودند:

«ای احمد بن اسحاق! اگر قرب و منزلتی در پیشگاه خداوند متعال و حجت های او نداشتی، این فرزندم را به تو نشان نمی دادم. این فرزندم، همانم و هم کنیه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است که زمین را از عدل و داد پر خواهد کرد، چنان که از ظلم و جور پر شده باشد».

«یا أحمد بن إسحاق! مثله فی هذه الأمة مثل الخضر علیه السلام و مثله مثل ذی القرنین و الله لیغیبنَّ غیباً لا ینجو من الهلکة فیها إلا من ثبته الله تعالی علی القول بامامته و وقته فیها للدعاء بتعجیل فرجه»؛

یعنی: «ای احمد بن اسحاق! مثل این کودک در این امت همانند حضرت خضر علیه السلام و ذوالقرنین است، سوگند به خدا! او غیبی خواهد کرد که در آن کسی از هلاکت رهایی نخواهد یافت مگر آنکه خداوند او را در عقیده به امامت او ثابت قدم و استوار گردانیده و توفیق بدهد تا برای تعجیل در فرج او دعا کند».

احمد بن اسحاق گوید: عرض کردم: آقای من! آیا علامت و نشانه ای در آن کودک هست تا دلم به سبب آن آرامش یابد؟ تا من این سخن را گفتم، آن کودک زیبا لب به سخن گشود و با زبان فصیح عربی فرمود:

«أنا بقیة الله فی أرضه، والمنتقم من أعدائه، فلا تطلب أثراً بعد عین یا أحمد بن إسحاق!»؛

یعنی: «منم بقیة الله در روی زمین، منم انتقام گیرنده از دشمنان خدا، ای احمد بن اسحاق! بعد از من که با چشم خود مشاهده کردی، دلیل دیگری نخواه!»

احمد بن اسحاق می گوید: من شاد گشته و مسرور شدم و با خوشحالی از حضور امام علیه السلام مرخص شدم، فردای آن روز خدمت مولایم شرفیاب شده و عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! از لطف و مرحمتی که دیروز در حق من نمودید (و فرزند خود را به من نشان دادید) خیلی خوشحال شدم، اینک می پرسم: سستی که از حضرت خضر علیه السلام و ذوالقرنین در او جاری است، چیست؟

امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: «ای احمد! منظور از این سست، غیبت طولانی اوست».

عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! به راستی غیبت او طولانی خواهد شد؟ حضرت فرمودند:

«آری، قسم به خدا! آنقدر غیبتش به درازا می کشد که بیشتر معتقدین به امامت آن حضرت از او برمیگردند و کسی باقی نمی ماند جز آنکه خداوند برای ولایت ما از او پیمان گرفته و در دلش ایمان را نوشته و با روح خود، او را تأیید نموده باشد. ای احمد بن اسحاق! غیبت او امری از امر خدا، سرتی از اسرار او و غیبی از غیب های اوست، پس آنچه به تو گفتم بپذیر و آن را پنهان مدار و سپاسگزار باش تا

فردای رستاخیز به همراه ما در درجات عالی قرار بگیری» (1).

یعقوب بن منقوش می گوید: روزی خدمت امام حسن عسکری علیه السلام شرفیاب شدم، آن حضرت بر سکویی در خانه نشسته بودند، در طرف راست آن حضرت، اتاقی بود که پرده ای بر آن آویخته شده بود، عرض کردم: آقای من! صاحب این امر کیست؟ حضرت فرمودند: «إرفع الستر» یعنی: «پرده اتاق را بالا بزن».

وقتی پرده را بالا زدم، دیدم کودک زیبایی که پنج سال داشت، بیرون آمد، قد رعناى او حدوداً ده یا هشت و جب بسته، پیشانی او روشن، چهره اش سفید و درخشان و دیدگانش می درخشید، او بازوانی نیرومند و زانوهای توانا داشت، در گونه راستش خال زیبایی بود و جلو سرش را موهای زیبایی زینت داده بود؛ او آمد و در روی زانوی مهر و محبت امام حسن عسکری علیه السلام نشست، امام علیه السلام رو به من کردند و فرمودند: «هذا هو صاحبکم» یعنی: «این، همان صاحب شماست».

وقتی آن کودک زیبا برخاست، امام حسن عسکری علیه السلام به او فرمود: «یابنّی! أدخل إلى الوقت المعلوم» یعنی: «ای فرزندم! برو و وارد خانه شو تا وقتی که معلوم است».

آن کودک زیبا به سوی خانه می رفت و من نیز به او نگاه می کردم، امام حسن عسکری علیه السلام به من فرمود: ای یعقوب! وارد خانه شو و ببین چه کسی است؟ من وارد خانه شدم و کسی را ندیدم. (2)

## آخر ذی الحجة الحرام

### مرگ هند جگرخوار

کتاب «نهاية الدراية و منتهی الفقاهة» می نویسد: «در آخر این ماه (ذی الحجة) پدر ابوبکر یعنی ابوقحافه سنه 13 بعد از شش ماه از مرگ ابوبکر مرد و مادر معاویه یعنی هند جگرخوار در همان روز به درک واصل شد» (3).

هند بنت عتبة و همسرش ابوسفیان و پسرش معاویه و نوه اش یزید اذیت ها و خسارت های فراوانی به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام رسانیدند از جمله جنایت های هند به دستورش، وحشی حضرت حمزه علیه السلام را به شهادت رساند و سپس هند سینه مبارک حضرت حمزه علیه السلام را شکافت و جگر آن حضرت را به دندان گرفت که به قدرت خداوند دندانهایش کارگر نشد و آن را روی زمین انداخت و از این رو ملقب به «آكلة الأكباد» شد. (4)

ص: 309

1- کمال الدین، ج 2، ص 384؛ القطرة، ج 2، ص 788.

2- کمال الدین، ج 2، ص 407؛ القطرة، ج 2، ص 791.

3- نهاية الدراية و منتهی الفقاهة، ربیعی قمی، ص 75.

4- انساب الأشراف، ج 4، ص 287؛ الطبقات الكبرى، ج 3، ص 13؛ مجمع البیان، ج 2، ص 826.

در آخر ماه ذیحجه الحرام به سال 58 هجری قمری عایشه دختر ابوبکر به دست معاویه بن ابوسفیان کشته شد و به درک واصل شد. (1)

ابناء عامه به جهت فضیلت تراشی برای عایشه اظهار داشته اند که وی در هنگام ازدواج با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم: 1. باکره بوده و 2. در سن نه سالگی بوده است.

- اما باکره بودن: طبق گزارش «الطبقات الکبری» - کتاب مهم تاریخی اهل سنت - عایشه به هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بیوه بوده است، چنانکه نقل می کند:

«عن عبد الله بن أبي ملكية قال خطب رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم عائشة بنت أبي بكر فقال إني كنت أعطيها مطعما لابنه جبير فدعني حتى أسلها منهم فاستسلها منهم فطلقها فتزوجها رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم». (2) یعنی: «عبد الله بن أبي ملكية می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از عایشه دختر ابوبکر خواستگاری کرد، ابوبکر گفت: من عایشه را به جبير بن مطعم داده ام، به من اجازه دهید تا آنها را جدا کنم، لذا طلاقش را گرفتم، سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با او ازدواج کرد».

بر اساس این گزارش عایشه پیش از این شوهر داشته و وقتی که با پیامبر ازدواج کرده، بیوه بوده است نه دختر باکره و آنچه حقیقت به نظر می رسد این است که عایشه قبلاً شوهر داشته و آن شوهر او را طلاق داده و کسی نبوده با او ازدواج کند و پیامبر به جهت جلب خشنودی قبیله بنی تیم با عایشه ازدواج نمود و این سبب شد از دشمنی قبیله بنی تیم کاسته شود.

لذا برخی بر این باورند که عایشه همسر جبير بن مطعم بوده و حاصل این ازدواج پسری به نام عبدالله بوده است و علت طلاق را اینچنین بیان کرده اند که ناسازگاری بین عایشه و جبير بوده و برخی دیگر نیز اظهار داشته اند نگرانی مطعم و همسرش از مسلمان شدن پسرشان، دلیل این جدایی بوده است. (3)

نکته ای در روایت هست که باید به آن توجه شود که می گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عایشه را خواستگاری کردند و ابوبکر گفت: او را به جبير بن مطعم داده ام، اجازه دهید طلاق او را بگیرم و رفت و طلاقش را گرفتم و پیامبر با عایشه ازدواج کردند، در پاسخ ممکن است گفته شود که خواستگاری حضرت از دو حال خارج نیست، یا ایشان اطلاع نداشتند که عایشه در عقد جبير است یا می دانستند. اگر نمی دانستند نقص بر ایشان وارد است و اگر می دانستند چگونه ایشان راضی می شوند تا همسر کسی

ص: 310

1- الطرائف، ج 2، ص 503.

2- الطبقات الکبری، ج 8، ص 59.

3- تاریخ الطبری، ج 3، ص 162.

طلاق بگیرد و با ایشان ازدواج کند؟! در این زمینه دانشمند نامی شیعه، سید جعفر مرتضی عاملی در کتاب گرانسنگ «الصحيح من سيرة النبي الأعظم صلى الله عليه وآله وسلم» تحقیقات ارزشمندی انجام داده و ثابت کرده است که اصلاً حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم، عایشه را از ابوبکر خواستگاری نکرده اند، بلکه خود ابوبکر به خاطر منافعی سعی داشت بعد از حضرت خدیجه علیها السلام دخترش عایشه را به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تزویج نماید، و وقتی حضرت دیدند ابوبکر طلاق عایشه را گرفته است به این ازدواج راضی شدند. ناگفته نماند که قبیله و خانواده جیبیر بن مطعم وصلت با همدیگر را هیچ کدام نمی پسندیدند. ایشان همچنین ثابت می کند که عایشه از جیبیر بن مطعم دارای فرزندی به نام عبدالله بود و عبدالله فرزند خود عایشه بود، نه فرزند زبیر شوهر اسماء (خواهر عایشه) زیرا پیامبر در جواب عایشه که گفت یا رسول الله کنیه ای برای من قرار بده، فرمودند: «فاکتنی بابنک عبدالله» یعنی: «کنیه داشته باش به اسم فرزنت عبدالله». (1)

پس عایشه بیوه بوده و کنیه «ام عبدالله» داشته، بدین جهت دوستداران عایشه برای پنهان کردن بیوه بودن عایشه و فرزند دار بودنش از جیبیر، گفته اند به جهت محبت شدید عایشه به عبدالله بن زبیر به او کنیه «ام عبدالله» داده اند.

و اما فضیلت تراشی در مورد سن عایشه که اظهار داشته اند شش الی نه ساله بوده، مخالف با واقع است، چنانکه سن عایشه توسط عالم بزرگوار، علامه سید جعفر مرتضی عاملی در رساله مجزا به نام «کتاب حدیث الإفک» و همچنین در کتاب «الصحيح من سيرة النبي الأعظم صلى الله عليه وآله وسلم» بررسی شده و ایشان به این نتیجه رسیده است که عایشه در وقت ازدواج حدود بیست سال سن داشته است. (2)

عایشه فقط شش سال با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم همسری نمود و در این مدت قلیل با آن حضرت رفتار نامناسی داشت و حضرتش را همراه با حفصه، دختر عمر بن الخطاب، آزار می دادند که در مذمتشان سوره تحریم نازل شد. (3) او با حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و دیگر همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رفتارهای زشت و کینه توزانه ای داشت، وقتی حضرت زهرا علیها السلام به شهادت رسید همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای سرسلامتی امیرالمؤمنین علیه السلام آمدند جز عایشه که اظهار مریضی کرد و سخنی گفت که دلالت بر خوشحالی او می کرد. (4)

ص: 311

1- رجوع شود به: الصحيح من سيرة النبي الأعظم صلى الله عليه وآله وسلم، ج 13، ص 111 - 130.

2- رجوع شود به: الصحيح من سيرة النبي الأعظم صلى الله عليه وآله وسلم، ج 4، ص 96 - 102 و ج 13، ص 104.

3- تفسیر القرطبی، ج 18، ص 190؛ الدر المنثور، ج 8، ص 221.

4- شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد، ج 9 ص 198.

او با امیرالمؤمنین علیه السلام سرسختانه دشمنی کرد و برای از بین بردن آن حضرت، جنگ جمل را راه انداخت که حدود بیست هزار نفر از مسلمین را به کشتن داد. ابن ابی الحدید می گوید: «اگر خلیفه دوم به جای امیرالمؤمنین علیه السلام بود هر آینه عایشه را قطعه قطعه می کرد».<sup>(1)</sup>

## کیفیت مردن عایشه

برخی از منابع، معاویه را عامل مرگ عایشه می دانند، سید بن طاووس رحمه الله دو نقل را در این باره از کتاب «اوائل الاشباه»، تألیف ابو عروبه نقل کرده است:

معاویه در مدینه روی منبر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مشغول گرفتن بیعت از مردم برای یزید بود که عایشه از اتاقش صدا زد: ساکت باش! ساکت باش! آیا رسم این است که بزرگان مردم را برای بیعت گرفتن برای پسرشان دعوت کنند؟! معاویه گفت: نه، عایشه گفت: پس در این کارت به چه کسی اقتدا کرده ای و از سنت چه کسی پیروی می کنی؟ معاویه خجلت زده شد و از منبر پایین آمد و چاهی کند و با مکر عایشه را در چاه انداخت و بدین علت عایشه مرد.

همچنین در نقل دیگری آمده است: عایشه در حالیکه سوار بر الاغ بود، به خانه معاویه رفت، عایشه حرمت معاویه را رعایت نکرد و با الاغش به روی فرش ها رفت و الاغ بر آنها ادرار کرد. معاویه از این کار عایشه به مروان شکایت کرد و گفت: من نمی توانم این زن را تحمل کنم. با اجازه معاویه مروان عهده دار حل این مشکل شد. او چاهی کند و کاری کرد که عایشه در آن افتاد، این اتفاق در روز آخر ذی الحجة واقع شد.<sup>(2)</sup>

## مرگ سهروردی، شیخ اشراق

نامش یحیی فرزند حبش بن امیرک، معروف به شیخ اشراق و از علمای معروف اهل سنت و شافعی مذهب می باشد و مکتب اشراق را در فلسفه مطرح کرد. دو نفر از مشاهیر اهل تصوف و تسنن مشهور به سهروردی بودند که مریدانشان لقب شهاب الدین به هر دوی آنان داده اند:

1. ابوحنص، عمر بن عبدالله شهاب الدین سهروردی از نامدارترین شیوخ تصوف که میان سال های 542 تا 632 قمری در بغداد می زیسته است و مرگ او در اول محرم سال 632 قمری در بغداد بوده است.<sup>(3)</sup> وی به دربار خلیفه عباسی هم رفت و آمد داشته است.

2. یحیی بن حبش بن امیرک سهروردی، ملقب به شهاب الدین که در میان سال های 533 تا 549

ص: 312

1- شرح نهج البلاغة لابن ابی الحدید، ج 17، ص 254.

2- الطرائف، ج 2، ص 503.

3- سیر أعلام النبلاء، ج 16، ص 271.

هر دو سهروردی از نام آوران حوزه فلسفه و تصوف اهل تسنن هستند و هریک از احیاگران فلسفه و تصوف در شرق به شمار می آیند. آن دو معتقد به وحدت وجود و موجود بوده و نظریه پرداز آن هستند. با توجه به استنادات تاریخی در زندگی دو سهروردی و با توجه به اینکه در نوشته های هر دو سهروردی هیچ روایتی از امامان شیعه نیامده و حتی نامی از آن بزرگواران برده نشده، به وضوح روشن می گردد - چنانکه مشهور است - این دو سهروردی بر مذهب ابناء عامه بوده و یکی (عمر) بر مذهب حنبلیان و دیگری (یحیی) بر مذهب شافعیان بوده است.

یحیی سهروردی نظریه پرداز «اشراق» بوده و بوعلی سینا نظریه پرداز «مشاء» که بین این دو نظریه اختلاف فاحشی وجود داشته و دارد و صدر المتألهین شیرازی بین نظریه مشاء و اشراق جمع نمود که خود به مکتب «حکمت متعالیه» شهرت یافت. سهروردی از جستجوی حقیقت در سنت های فکری یونانی، زرتشتی، هندی، یهودی و مسیحی نه تنها ابایی نداشت، بلکه عناصری از این سنت ها را در تار و پود نسج فکری خویش تنید و نظام فلسفی خود را جامعیت بخشید؛ از آن روست که شیخ اشراق، اهل مشاهده و در روش فلسفی خود، قائل به شهود و مکاشفه است و مهمتر از آن، قائل به عالم مثال شده و معتقد است جهان، صور معلقه و مثل قائمه و به تعبیر دیگر جهان، اشکال، تصاویر و ایماهاست که نشأت گرفته از فکر و خیال اوست.

به نظر می رسد به جهت اختلاف مذهبی بین حنبلیان و شافعیان، عاقبت به بهانه آنکه وی سخنانی بر خلاف اصول دین می گوید، فقهای حنبلی از ملک ظاهر خواستند که او را به بهانه ارتداد به قتل برساند، اما او از اجابت خواسته آنها خودداری کرد؛ بدین جهت به صلاحالدین ایوبی شکایت بردند. صلاحالدین پسرش ملک ظاهر را امر به قتل او نمود و بدین صورت سهروردی در سال 587 هجری قمری به زندان افکنده شد. به گفته برخی تاریخنویسان شیخ شهاب الدین سهروردی همان جا در 38 سالگی، در آخر ذی الحجة از دنیا رفت. (1)

علامه مجلسی رحمه الله می فرماید: «... لکن بیشتر مردم زمان ما، میراث اهل بیت پیامبرشان را رها کرده و به آراء خودشان اعتماد و اکتفا کرده اند!! از آن جمله، کسانی هستند که پیرو مکتب حکما (فلاسفه) می باشند، (فلاسفه ای) که هم خود گمراه بوده اند و هم دیگران را گمراه کرده اند!» (2)

ص: 313

1- وفيات الأعيان، ج 6، ص 273؛ تاریخ الحکماء، شهرزی، ص 381.

2- مقدمه رساله اعتقادات علامه محمد باقر مجلسی رحمه الله .

چهارمین ماه از ماه های حرام، که عبارتند از:

رجب، ذیقعده، ذیحجه، محرم

ص: 314



### اقامه مجالس ماتم برای سید شباب اهل الجنة حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام

در این روز به سال 61 هجری قمری امام حسین علیه السلام به جهت ممانعت حرّ بن یزید ریاحی از ورود به کوفه همراه با اصحاب و یارانش، به طرف کربلا حرکت کردند و در روز دوم محرم به کربلا رسیدند. (1)

در چنین روزی ریّان بن شیبب به خدمت امام رضا علیه السلام رسید و حضرت به او فرمودند: «ای پسر شیبب مردم عرب در زمان جاهلیت جنگ را در ایام محرم حرام می دانستند و این امت احترام این ماه را نگه نداشتند و حرمت رسول خدا را رعایت نکردند، در این ماه خون ما را حلال دانستند و هتک حرمت ما نمودند و فرزندان و زنان ما را اسیر کردند و سرایرده ما را آتش زدند و اموال ما را غارت کردند، همانا روز شهادت امام حسین علیه السلام پلک چشمان ما را مجروح کردند و اشک های ما را روان ساختند و دل ما را سوزاندند و عزیزان ما را در زمین کربلا ذلیل کردند و نزد ما محنت و بلا را تا روز قیامت به ارث گذاشتند، پس گریه کنندگان باید بر حسین علیه السلام بگریند، زیرا گریه بر او گناهان بزرگ را از بین می برد». (2)

شخصی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: «قربانت گردم! میّتی که از دنیا می رود بازماندگان او برایش بعد از مرگش مجلس عزا برپا می کنند ولی شما و شیعیانتان روز اول ماه محرم که می رسد مجالس عزا و عزاداری برای سید الشهداء علیه السلام برپا می کنید»؟

امام صادق علیه السلام در جواب فرمودند: «وقتی هلال ماه محرم می رسد، ملائکه پیراهن پاره پاره و غرق به خون سید الشهداء علیه السلام را در آسمان منتشر و ظاهر می کنند، پس ما و شیعیانمان آن را با چشم دل می بینیم و اشکمان جاری می شود». (3)

### آغاز محاصره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و همراهانش در شعب ابي طالب، چهار سال قبل از هجرت

آغاز محاصره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و همراهانش در شعب ابي طالب، چهار سال قبل از هجرت (4)

پس از بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و گسترش اسلام، مشرکین برای مقابله با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم طی عهد و پیمانی مکتوب قرار گذاشتند با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و همراهانش تکلم نکنند و با آنان همنشین و هم غذا نشوند و هیچ داد و ستدی نکنند و آنها را در محاصره شدید

ص: 315

1- الإرشاد، ج 2، ص 82-84.

2- عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج 1، ص 299.

3- ثمرات الأعداء، ج 1، ص 36.

4- الطبقات الكبرى، ج 1، ص 162؛ إمتاع الأسماع، ج 1، ص 44.

اقتصادی قرار دهند تا بنی هاشم از حمایت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دست بردارند و حضرتش را تحویل مشرکین دهند، (1) بدین جهت حضرت ابوطالب علیه السلام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و بستگانش را برداشته و در درّه ای که منتسب به خودش بود، برد و از جان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم محافظت نمود و می فرمود: تا زنده هستم دست از یاری فرزند برادرم نمی کشم و بنی هاشم از جمله فرزندان و فرزندان برادرانش را به یاری و حفاظت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم تحریص و سفارش می کرد (2) تا اینکه در روز 26 ماه رجب (3) با قلبی پر از ایمان و یقین به اسلام و پیامبر اسلام از جهان رحلت نمود و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را در انبوهی از غم فرو برد.

### وفات جناب محمد بن حنفیه، فرزند برومند امیرالمؤمنین علیه السلام

در چنین روزی به سال 81 هجری قمری محمد فرزند امیرالمؤمنین علیه السلام، معروف به «ابن حنفیه» وفات یافت. (4)

شهرت محمد به «ابن حنفیه» به این دلیل است که مادرش خوله دختر جعفر بن قیس از قبیله بنی حنفیه بود. (5) امیرالمؤمنین علیه السلام محمد را بسیار دوست می داشتند و او عالم و مجاهدی سترگ بود که در کنار پدرش در بعضی از جنگها شرکت می کرد و از خود دلاوری ها نشان داده بود.

از قوت و نیروی او نقل کرده اند: وقتی زرهی را برای امیرالمؤمنین علیه السلام آورده بودند، آن را به فرزندشان محمد دادند و آن از اندازه قامتش بلندتر بود، حضرت فرمودند تا مقداری از دامان آن را قطع کند، جناب محمد دامان زره را به دست جمع کرد و از آن جا که امیرالمؤمنین علیه السلام علامت نهاده بود به یک قبضه گرفت و مثل آنکه بافته حریری را قطع کند دامن زره آهنین را از هم درید، (6) همچنین شجاعت و دلیری او در جنگ جمل و صفین، همه را به شگفتی انداخته بود.

جناب محمد زنده بود تا اینکه امام حسین علیه السلام می خواستند راهی کربلا- شوند او به جهت اخباری که از پدر بزرگوارش امیرالمؤمنین علیه السلام شنیده بود در حالی که اشک می ریخت از امام حسین علیه السلام تقاضا می کرد و اصرار می ورزید که به کوفه نرود، ولی امام حسین علیه السلام طبق دستوری که داشت او را قانع نمود و راهی کوفه شد، (7) محمد به جهت بیماری که داشت نتوانست برادرش را همراهی کند (8) و

ص: 316

1- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 31.

2- مناقب آل ابیطالب، ج 1، ص 63.

3- مصباح المتعجب، ص 812.

4- الطبقات الکبری، ج 5، ص 87؛ وقایع الایام، ص 220؛ مستدرک سفینه البحار، ج 5، ص 216.

5- أنساب الأشراف، ج 2، ص 200.

6- الكامل فی اللغة و الأدب، المبرد، ج 3، ص 193.

7- الإرشاد، ج 2، ص 34؛ بحار الأنوار، ج 44، ص 329.

8- بحار الأنوار، ج 42، ص 110.

بسیار اشک می ریخت و می گریست مثل اینکه از تمام اتفاقاتی که می خواهد رخ دهد آگاه است.

امام حسین علیه السلام او را وصی خود در مدینه قرار داد و وصیتش را به نام او نوشت و به او سپرد و فرمود: «من به خواست خدا آهنگ مکه دارم اما تو ای برادر! باکی نیست که در مدینه بمانی تا میان آنان چشم من باشی، از هیچ کاری از آنان غافل نشو و به من گزارش کن.» (1) بر این اساس جناب محمد حنفیه به دستور امام علیه السلام در مدینه ماند تا همه چیز را به حضرتش گزارش دهد و هم اینکه به وصیتش عمل نماید و در کنار دیگر خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بماند تا حافظ و تکیهگاه آنان باشد.

همچنین در زمان امام زین العابدین علیه السلام به جهت فشار بنی امیه بر امام علیه السلام، حضرتش عموی گرامشان، محمد را واسطه خود و شیعیان قرار دادند و بدین جهت جناب محمد به ظاهر امامت را به عهده گرفته بود تا جان برادرزاده اش امام زین العابدین علیه السلام را حفظ کند، چنانکه در روایتی آمده است که فرمودند: «عموجان! اگر یک بنده ای از زنگبار به حمایت ما برخیزد، بر مردم واجب است او را یاری نمایند و من تو را در این امر نماینده قرار دادم، پس آنچه به صلاح است، انجام بده.» (2)

آنگاه پس از مدتی که خفقان کم تر شد طی یک دعوا و نزاع صوری و فرمایشی در کنار حجرالأسود حق را آشکار نمود و خود به قدم های مبارک امام سجاد علیه السلام افتاد و تمام شیعیان را به سوی آن حضرت هدایت نمود. (3) بدین سبب بعضی حقیقت را درنیافتند و به حضرتش تهمت ادعای امامت را نسبت دادند، چنانکه علامه حلی رحمه الله نیز همین حقیقت را بیان می کند و می فرماید: «جناب محمد بن حنفیه، عبدالله بن جعفر و امثال ایشان، جلالشان بیش از این است که به آنها نسبت خلاف و ناروا داده شود.» (4)

طبق روایتی که از امام رضا علیه السلام نقل شده، امیرالمؤمنین علیه السلام او را ستوده و تمجید نموده اند و آن چنین است که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «محامده (محمدها) ابا دارند از معصیت خدای تعالی!» راوی پرسید: این محامده کیانند؟ فرمودند: «محمد بن جعفر، محمد بن ابی بکر، محمد بن ابی حذیفه و محمد بن امیرالمؤمنین (حنفیه)» (5).

محمد بن جعفر بن ایطالب در صفین شهید شد (6) و محمد بن ابوبکر از یاران امیرالمؤمنین علیه السلام استاندار آن حضرت در مصر بود که به دست عمروعاص و لشکریان معاویه گرفتار شد، آنان محمد

ص: 317

1- الفتوح لابن أعمش، ج 5، ص 21؛ مقتل الحسين عليه السلام، خوارزمی، ج 1، ص 272؛ بحار الأنوار، ج 44، ص 329.

2- بحار الأنوار، ج 45، ص 365.

3- بصائر الدرجات، ج 1، ص 502؛ الخرائج و الجرائح، ج 1، ص 257.

4- بحار الأنوار، ج 42، ص 110.

5- رجال الكشي، ص 70؛ تنقيح المقال، ج 3، ص 111.

6- الإصابة، عسقلانی، ج 6، ص 7.

پسر ابوبکر را به جرم محبت و یاری امیرالمؤمنین علیه السلام گرفتند و شکنجه های سختی دادند و در پوست الاغی قرار دادند و به آتش کشیدند، (1) محمد بن ابی حذیفه پسردایی معاویه و از یاران امیرالمؤمنین علیه السلام بود، معاویه او را گرفت و مدت مدیدی در زندان حبس نمود و شکنجه داد تا شهید شد. (2) محمد (حنفیه) بن امیرالمؤمنین علیه السلام که پس از شهادت برادرش امام حسین علیه السلام از فرزند برادرش امام زین العابدین علیه السلام حمایت می کرد و نهایتاً در این روز به سال 81 هجری با قلبی پر از اندوه و غم وفات نمود و در بقیع به خاک سپرده شد.

امام محمد باقر علیه السلام فرمودند: «در بیماری محمد بن حنفیه من در کنارش بودم و چشم او را بستم و غسلش دادم و کفش کردم و نماز بر او خواندم و او را به خاک سپردم». (3)

جماعت «کیسانیه» معتقدند امامت بعد از امام حسین علیه السلام به او رسیده و او را «مهدی آخرالزمان» می دانستند و قائل بودند او در کوه رضوی که از کوهستان های یمن (یا اطراف مدینه) است رفته و زنده است تا آنگاه که خروج کند، این مذهب منقرض شده است. (4)

هم اکنون بارگاه با شکوهی در جزیره خارک و بارگاه دیگری بر فراز کوه های بیورزین و داماش استان گیلان منسوب به آن جناب است؛ بارگاهی که در استان گیلان است در ضریح مطهرش سه قبر موجود می باشد به نام های: 1. محمد حنفیه فرزند امیرالمؤمنین علیه السلام 2. هاشم ابن محمد حنفیه علیه السلام 3. ابوالقاسم حمزة ابن امام موسی الکاظم علیه السلام.

قدمت این بارگاه به دوران سلاطین آل بویه می رسیده است که پس از زلزله سال 1369 شمسی بازسازی می شود و مردم آن منطقه ارادت خاصی به آن دارند و معجزات زیادی از آن دیده اند از جمله (در صورت عنایت) بی اختیار غلطیدن افراد است.

## 2 محرم الحرام

### ورود امام حسین علیه السلام به صحرای کربلا

در این روز سنه 61 هجری قمری حضرت امام حسین علیه السلام به زمین کربلا وارد شدند (5) و فرمودند: این سرزمین چه نام دارد؟ گفتند: کربلا می نامندش، چون نام کربلا را شنیدند، فرمودند: «اللهم إني أعوذ

ص: 318

1- به تاریخ چهاردهم صفر مراجعه شود.

2- رجال الکشی، ص 70.

3- رجال الکشی، ص 315.

4- رجوع شود به: شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار علیهم السلام، ابن حیون، ج 3، ص 315؛ الفصول المختارة، شیخ مفید، ص 296.

5- الإرشاد، ج 2، ص 84، اللهوف، ص 81.

بک من الکرب و البلاء» سپس فرمودند: «این موضع کرب و بلا و محل محنت و عزا است، فرود آید که این جا منزل و محل خيام ماست، این زمین جای ریختن خون ماست و در این مکان واقع خواهد شد قبرهای ما»(1) و به این طریق به اصحابشان خبر شهادتشان را دادند.

### 3 محرم الحرام

#### ورود عمر سعد ملعون به کربلا

در این روز عمر سعد ملعون با چهار هزار نفر که بعداً ابن زیاد ملعون نیروهای دیگری فرستاد که تعدادشان به سی هزار نفر و بیشتر رسیده بود(2) وارد کربلا شدند.(3)

امام حسین علیه السلام نامه ای برای اهالی کوفه نوشتند و آن را به جناب قیس بن مسهر دادند تا به کوفیان برسانند، مأموران یزید در بین راه قیس را گرفتند و جناب قیس که از یاران دلیر امام حسین علیه السلام بود نامه را پاره کرد تا به دست مأموران نیافتد. ابن زیاد جناب قیس را تطمیع کرد که اگر علیه امام حسین علیه السلام بر فراز منبر در مقابل مردم کوفه سخن بگوید نجات یابد، جناب قیس پذیرفت و روز موعود که همه مردم جمع بودند، قیس بر فراز منبر قرار گرفت و با سخنان کوتاه و پرمعنا حقانیت امام حسین علیه السلام را به مردم رساند و پست بودن یزید را بازگو کرد، سپس مأموران او را از منبر به زیر آوردند و به شهادت رساندند.(4)(رحمة الله علیه)

#### خریداری زمین کربلا توسط امام حسین علیه السلام

پس از ورود کاروان امام حسین علیه السلام به کربلا، آن حضرت سرزمین کربلا را که مرقد مطهرشان در آن واقع شده است از اهل نینوا و غاضریه به مبلغ شصت هزار درهم خریداری کردند و با آنها شرط کردند که مردم را برای زیارت مرقدشان راهنمایی و زائران را تا سه روز مهمان کنند.(5)

### 4 محرم الحرام

#### خطبه ابن زیاد

در چنین روزی ابن زیاد در کوفه خطبه خواند(6) و مردم کوفه را تحریص نمود بر جنگ با امام

ص: 319

1- اللهوف، ص 81.

2- عمدة الطالب، ص 192 ؛ الأمالی للصدوق، ص 462 ؛ مناقب آل أیطالب، ج 4، ص 98 ؛ بحار الأنوار، ج 44، ص 386.

3- وقعة الطف، ص 180 ؛ أنساب الأشراف، ج 3، ص 176 ؛ الکامل فی التاریخ، ج 4، ص 52.

4- وقعة الطف، ص 160 ؛ اللهوف، ص 75.

5- مجمع البحرين، ج 5، ص 462 ؛ کشکول شیخ بهایی، ص 169 ؛ مستدرک الوسائل، ج 10، ص 321.

6- وقایع الايام فی تنمة محرم الحرام، تبریزی خیابانی، ج 1، ص 330.

حسین علیه السلام و آنان را به جوایزی که در راه است تطمیع کرد و همچنین آنان را ترساند که لشکری گران از شام در راه است. (1)

### رحلت جناب عبدالله افطح فرزند امام صادق علیه السلام

در چنین روزی، جناب عبدالله بن جعفر علیه السلام مشهور به «عبدالله افطح» - که بعد از جناب اسماعیل بزرگترین فرزند حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بوده - هفتاد روز بعد از شهادت امام جعفر صادق علیه السلام وفات یافت. (2)

جناب عبدالله و اسماعیل و ام فروه، مادرشان جناب فاطمه دختر حسین بن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب علیهم السلام بوده است. (3)

به جناب عبدالله افطح نسبت داده اند که ادعای امامت کرده، بر فرض صحت این اتهام، آن جناب برای حفظ جان برادرش چنین ادعایی کرده نه اینکه در واقع و باطن امر نیز مدعی امامت بوده است، چون جناب عبدالله تحت تربیت امام صادق علیه السلام بوده و حقایق را از معدن علم فرا گرفته بود، لذا شیخ صدوق رحمه الله نقل می کند که:

امام صادق علیه السلام به امام کاظم علیه السلام فرمود: «ای پسر جان من! به درستی که برادرت می نشیند به جای من و ادعا می کند امامت را بعد از من، با او منازعه نکن با کلمه ای، زیرا که او اول کسی است از اهل بیت من که به من ملحق می شود»، (4) چنانکه گذشت عبدالله بعد از پدر بزرگوارش مدت هفتاد روز زنده بود و وفات کرد.

از این روایت بدست می آید که جناب عبدالله به امر پدر بزرگوارش ادعای امامت کرده تا جان برادرش موسی بن جعفر علیه السلام از گزند دشمن محفوظ بماند، لذا امام صادق علیه السلام فرموده اند: «با او منازعه نکنید» و دیگر اینکه فرمودند: «او اول کسی است از اهل بیت من که به من ملحق می شود» که دلالت بر جلالت قدر و منزلت عبدالله دارد که به پدر بزرگوارش امام صادق علیه السلام ملحق شده است.

از دیگر اتهاماتی که بنی العباس به خاندان امام صادق علیه السلام می زنند اینست که: جناب عبدالله بن جعفر علیه السلام در اعتقادات مخالف پدر بزرگوارش بوده و با حشویه، خلط و آمیزش داشته و میل به مذهب مرجئه داشته و چون پسر بزرگتر امام صادق علیه السلام بوده، ادعای امامت نیز کرده است. (5)

ص: 320

1- بحار الأنوار، ج 44، ص 385.

2- شرح الأخبار، ج 3، ص 310؛ من لا يحضره الفقيه، ج 4، ص 542.

3- الإرشاد، ج 2، ص 209.

4- من لا يحضره الفقيه، ج 4، ص 542.

5- الإرشاد، ج 2، ص 210.

محقق بصیر هنگامی که به تاریخ رجوع می کند به وضوح درمییابد که دشمنان اهل بیت علیهم السلام بالاخص بنی العباس از هر طریقی به خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام ضربه می زدند، از جمله اینکه به بعضی از فرزندان ائمه معصومین علیهم السلام تهمت ها و اتهام های ناروا نسبت می دادند که نباید آنها را باور کرد، زیرا چگونه می شود جناب عبدالله که فرزند بزرگ امام صادق علیه السلام است و تحت تربیت چنین پدری واقع شده، از علوم و حکمت های پدر بی بهره باشد و آن را نزد فرقه های باطل طلب کند؟!

- و دیگر اینکه حضرت امام جعفر صادق علیه السلام را به نام او کنیه داده اند «ابوعبدالله» که دلالت بر جلالت قدرش دارد چون فرزند بزرگتر آن حضرت اسماعیل بوده و جای داشته به نام وی یا یکی دیگر از فرزندان ایشان کنیه بدهند.

- و دیگر اینکه چرا امام صادق علیه السلام او را به عنوان جانشین خود معرفی نمودند؟! این نبوده مگر برای حفظ جان امام کاظم علیه السلام از طاغوت های زمان.

لذا بر فرض صحت، ادعای امامت جناب عبدالله می تواند برای حفظ جان برادرش بوده باشد نه اینکه در باطن و واقع امر، خود را امام می دانستند، چنانچه این اتهام را به جناب جعفر طاهر فرزند امام هادی علیه السلام نیز زده اند که ما آنها را رد کردیم. (1)

- و دیگر اینکه او چندان عمر ننمود، چگونه در این مدت کوتاه عمر خود موفق به جمع پیروانی برای خود گردیده است؟!

امام جعفر صادق علیه السلام قبل از شهادتشان پنج نفر را وصی خویش قرار دادند: 1. منصور دوانیقی، 2. محمد بن سلیمان (والی مدینه) 3. همسرشان حمیده 4. فرزندشان عبدالله 5. فرزند دیگرشان موسی علیه السلام؛ چون خبر رحلت امام صادق علیه السلام به منصور رسید به والی مدینه امر کرد، اگر آن حضرت کسی را به خصوص وصی خود قرار داده، گردن او را بزنید. بعد از چند روز، والی مدینه نوشت که پنج نفر را وصی کرده است، چون نامه به منصور رسید گفت: اینها را نمی توان کشت. (2)

امام صادق علیه السلام اینگونه وصی واقعی خود یعنی امام کاظم علیه السلام را حفظ نمودند و نگذاشتند آن حضرت به دست منصور عباسی مورد آزار قرار بگیرد.

در اینجا این سؤال پیش می آید که اگر واقعاً جناب عبدالله ادعای امامت کرده، پس چرا امام صادق علیه السلام که عالم به غیب بودند عبدالله را به عنوان یکی از جانشینان خود معرفی نمودند تا زمینه

ص: 321

1- به تاریخ 23 ربیع الثانی رجوع شود.

2- مهج الدعوات، ص 312.

ادعای امامت را برای عبدالله فراهم سازند؟! بنابراین برای محقق بصیر و آگاه پر واضح است که جناب عبدالله هرگز ادعای امامت نکرده مگر اینکه به امر پدر بزرگوارش از روی تقیّه ادعا نموده تا جان برادرش موسی بن جعفر علیه السلام را از گزند منصور دوانیقی حفظ کند.

ابوحزمه ثمالی وقتی وصیت امام صادق علیه السلام را شنید فرمود: این وصیت از روی تقیّه است تا وصی حقیقی آن حضرت به قتل نرسد و سپس فرمود: «دَلَّ عَلَى الصَّغِيرِ وَبَيْنَ عَلِيٍّ الْكَبِيرِ وَ سَتَرَ الْأَمْرَ الْعَظِيمَ» (1).

در روایت دیگری آمده است حضرت موسی بن جعفر علیه السلام همراه برادرش عبدالله بن جعفر پس از شهادت پدر بزرگوارشان در مجلسی که شیعیان و پیروان پدرشان را جمع کرده بودند با یکدیگر تبانی کرده و عملاً امام بحق را معرفی کردند و حکایت آن این است که: امام کاظم علیه السلام به غلامشان دستور دادند تا مقداری هیزم در وسط حیاط جمع کنند، آنگاه شخصی را فرستادند تا عبدالله را به خانه دعوت کند. او آمد، امام کاظم علیه السلام نیز در حالی که بزرگان از شیعیان و پیروانشان حضور داشتند دستور دادند هیزمها را آتش زدند تا خوب سرخ شد، آنگاه برخاستند و با لباس هایشان خود را در وسط آتش قرار دادند و رو به گروه شیعیان کردند و ساعتی با آنان سخن گفتند، سپس برخاستند و لباس هایشان را تکان دادند و به جایگاه خود برگشتند و رو به برادرشان عبدالله کرده و فرمودند:

«إِنْ كُنْتَ تَزْعُمُ أَنَّكَ الْإِمَامُ بَعْدَ أَبِيكَ فَاجْلِسْ فِي ذَلِكَ الْمَجْلِسِ!» یعنی: «اگر تو گمان می کنی که پس از پدرت امام هستی برخیز و در وسط آتش بنشین!»

مفضل که از جمله حاضران بود می گوید: رنگ جناب عبدالله دگرگون شد و برخاست و درحالی که ردایش را بر زمین می کشید از خانه خارج شد (و اینگونه به حاضران فهماند که من امام نیستم و این برادرم موسی علیه السلام است که امام شما می باشد). (2)

محدث قمی رحمه الله می نویسد: «در تحفة الأزهار آمده: عبدالله، پسر امام جعفر صادق علیه السلام وفات کرد در بلدة بسطام و قبرش معروف است در آنجا مقابل قبر علی بن عیسی بن آدم بسطامی. فقیر (محدث قمی) گوید: آنچه برای من نقل شده، آن است که قبری که در بسطام است قبر محمد پسر عبدالله مذکور است نه قبر پدرش والله العالم» (3).

جای دارد اهل شاهرود و بسطام به این مرقد منور بیشتر اهمیت بدهند و در تعظیم و تکریم آن بیشتر بکوشند.

ص: 322

1- الخرائج و الجرائح، ج 1، ص 329.

2- الثاقب فی المناقب، ص 137؛ الخرائج و الجرائح، ج 1، ص 308.

3- منتهی الآمال، ج 2، ص 297.



در صحن امامزاده محمد عليه السلام در بسطام قبری است که مشهور به «بايزيد بسطامي صوفی» می باشد، در حالی که این قبر هیچ ربطی به بايزيد بسطامي صوفی ندارد و این قبر از یک فرد و شخص عادی و محلی بوده که به سبب تشابه اسمی، بسیاری تصور کرده اند این قبر «بايزيد صوفی» است، چنانچه روزی به زیارت امامزاده محمد عليه السلام در بسطام رفته بودم و با جناب آية الله حسنی که از علما و بزرگان بسطام بوده و حدود 90 سال داشتند، ملاقات کردم و از ایشان راجع به «بايزيد بسطامي» سؤال کردم؛ معظم له فرمودند: «قبری که در صحن امامزاده محمد عليه السلام است هیچ ربطی به بايزيد صوفی ندارد چون «بايزيد صوفی» در یکی از سفرها و سیاحتش به طرف بغداد، فوت کرد و قبری برایش در تاریخ ثبت نشده است و بعدها صوفیانی که مرید وی بودند به جهت تشابه اسمی، این قبر را به وی نسبت دادند و سنگ قبرش را با القابی جدید تغییر دادند».

بايزيد نامش طيفور(1) و از صوفیان اهل سنت و حنفی مذهب بوده(2) و اعتقادی به دوازده امام شیعه نداشته است، وی در قرن دوم در بسطام به دنیا آمد و بخشی از عمرش را در شام گذرانیده و در سفری که به سوی بغداد داشته، فوت می کند و از تاریخ فوت و محل آن خبری قطعی در دست نیست و هر چه هست حدسی می باشد.

بايزيد اعتقادی تمام به حلول و وحدت وجود داشته و می گفته: در زیر عباي من به جز خدا نیست و هیچ خدایی بجز من وجود ندارد «لا اله الا أنا» همچنین می گفته: «والله لوای من از لوای محمد صلی الله علیه و آله و سلم در قیامت عظیمتر است».(3)

شرح حال این صوفی سنی مذهب را در کتابی که در شرح عرفای اصطلاحی است نوشته ام، به آنجا مراجعه نمایید.

### 5 محرم الحرام

#### فرستادن شبت بن ربعی به کربلا، توسط ابن زیاد

در این روز ابن زیاد ملعون افرادی را سراغ «شبت بن ربعی» از مشاهیر کوفه فرستاد و دعوت نمود که به کربلا برود و با امام حسین علیه السلام بجنگد،(4) ابن ربعی در ابتدا قبول نکرد اما وقتی ابن زیاد به او گفت

ص: 323

1- وفيات الأعيان، ج 2، ص 531.

2- از کوی صوفیان تا حضور عارفان، واحدی، ص 67.

3- رجوع شود به: تذكرة الاولیاء عطار، ذکر بايزيد بسطامي.

4- وقایع الأيام فی تنمة محرم الحرام، تبریزی خیابانی، ج 1، ص 333.

«اگر مطیع مایی به جنگ دشمن ما برو» پذیرفت و راهی کربلا شد. (1)

او کسی است که به امام حسین علیه السلام نامه نوشته بود و حضرتش را به کوفه دعوت کرده بود که در قسمتی از آن نوشته بود: «صحراها سبز شده و میوه های ما رسیده و منتظر قدم شما هستیم». (2)

شبث در کربلا سرکرده پیاده نظام بود (3) و آن حضرت را تیرباران و سنگ باران کرد و از آب فرات منع نمود. او از چنگال شیر مرد کوفه، مختار ثقفی، فرار کرد و به بصره رفته و به مصعب بن زبیر ملحق شد و نهایتاً به مصداق «اللهم اشغل الظالمین بالظالمین» به دست نیروهای مصعب بن زبیر کشته و به هلاکت رسید.

## 6 محرم الحرام

### بزرگداشت مظلومیت و مصائب جناب قاسم بن الحسن المجتبی علیه السلام

شیعیان شب و روز ششم ماه محرم الحرام، یاد جناب قاسم فرزند دلبنده امام حسن مجتبی علیه السلام را گرامی می دارند و مجالس عزا و ماتم را به نام آن بزرگوار برپا می نمایند. جنابش بنا بر گزارش بعضی از مقتلهای، حدود سیزده ساله بوده (4) و مادر گرامیشان جناب رمله است که در کربلا حضور داشته است. (5)

جناب شیخ مفید رحمه الله می نویسد: حمید بن مسلم گوید: در این گیر و دار بودیم که دیدیم پسرکی به سوی ما آمد که رویش همانند پاره ماه بود و در دستش شمشیری بود و پیراهنی به تن داشت و ازار و نعلینی داشت که بند یکی از آن دو نعلین پاره شده بود.

عمر بن سعد بن نفیل ازدی گفت: به خدا من به این پسر حمله خواهم کرد، گفتم: سبحان الله، تو از این کار چه بهره ای خواهی برد، او را به حال خود واگذار، این مردم سنگدل که هیچکس از اینان باقی نگذارند، کار او را نیز خواهند ساخت! گفت: به خدا من بر او حمله خواهم کرد، پس حمله کرد، رو برنگردانده بود که سر آن پسرک را چنان به شمشیر برد که آن را از هم شکافت و آن پسر برو به زمین افتاده و فریاد زد: ای عمو جان!

(امام) حسین علیه السلام مانند باز شکاری لشکر را شکافت، سپس همانند شیر خشمناک حمله کرد، شمشیری به عمر بن سعد بن نفیل زد، عمر شانه را سپر آن شمشیر کرد، شمشیر دستش را تا نزدیک آرنج جدا ساخت، چنان فریادی زد که لشکریان شنیدند. آنگاه حسین علیه السلام از او دور شد، سواران کوفه هجوم

ص: 324

1- بحار الأنوار، ج 44، ص 386.

2- وقعة الطف، ص 208؛ الإرشاد، ج 2، ص 38.

3- وقعة الطف، ص 204.

4- مقتل الحسين علیه السلام، خوارزمی، ج 2، ص 31.

5- إِبصار العین، ص 69 و ص 195.

آوردند که او را از معرکه بیرون ببرند، پس بدن نحسش را اسبان لگدکوب کردند تا به دوزخ شتافت.

گرد و خاک که بر طرف شد، دیدم حسین علیه السلام بالای سر آن پسر بچه ایستاده و او پای به زمین می زند و جان می داد. حسین علیه السلام می فرمود: «دور باشند از رحمت خدا آنان که تو را کشتند، و از دشمنان اینان در روز قیامت، جدت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می باشد». سپس فرمود: «به خدا بر عمویت دشوار است که تو او را به آواز بخوانی و او پاسخت ندهد یا پاسخت دهد و به تو سودی ندهد، آوازی که به خدا ترساننده و ستمکارش بسیار و یار او اندک است»، سپس حسین علیه السلام او را به سینه گرفته و از خاک برداشت، گویا من می نگرم به پاهای آن پسر بچه که به زمین کشیده می شد. او را آورد و در کنار فرزندش علی بن الحسین علیه السلام و کشته های دیگر از خاندان خود به زمین نهاد، من پرسیدم این پسر که بود؟ گفتند: او قاسم بن حسن بن علی بن ابیطالب علیهم السلام بود. (1)

هر ساله در چنین روزی در میان محبتین و موالین اهل بیت علیهم السلام همایشی به نام «أحلی من العسل» به نام حضرت قاسم بن الحسن علیه السلام در مساجد و حسینیه ها با ذکر مناقب و مصائب آن حضرت اقامه می شود و مقام آن حضرت را گرامی می دارند.

### یاری طلبیدن حبیب بن مظاهر از بنی اسد

در چنین روزی حبیب بن مظاهر اسدی برای دعوت قوم خود جهت یاری امام حسین علیه السلام به سوی قبیله خود رفت (2) و جمعی را همراه خود نمود ولی جاسوسان به عمر سعد خبر دادند و او عده ای را فرستاد تا مانع آنها شوند، لذا درگیری رخ داد و در این میان جمعی از بنی اسد شهید و جمعی زخمی شدند و بقیه ناگزیر به فرار شدند و حبیب به خدمت امام حسین علیه السلام رسید و جریان را عرض نمود. (3)

### رحلت امامزاده جعفر یزد

در روز ششم محرم الحرام سال 424 هجری قمری امامزاده سید جعفر یزد دعوت حق را لبیک گفت. (4)

### 7 محرم الحرام

#### بزرگداشت مظلومیت حضرت علی اصغر علیه السلام

شیعیان در شب و روز هفتم ماه محرم الحرام به یاد طفل صغیر امام حسین علیه السلام جلسات عزا و ماتم برپا می کنند و در کربلا جایگاهی است که امام حسین علیه السلام طفلشان را به دست گرفته و فرمودند: طفل را

ص: 325

1- الإرشاد، ج 2، ص 107 - 108.

2- وقایع الايام فی تتمه محرم الحرام، ج 1، ص 337؛ الوقایع والحوادث، ج 2، ص 149.

3- بحار الأنوار، ج 44، ص 386.

4- تاریخ جدید یزد، کاتب، ص 154؛ تاریخ یزد، جعفری، ص 108؛ کلمه ششم محرم روی سنگ قبر آن بزرگوار حک شده است.

از من بگیرید و سیراب سازید که حرمله ملعون با تیر سه شعبه آن کودک را مورد هدف قرارداد و شهید نمود.

لب و رخساره اش دید آن شه فرد \*\*\* شده از تشنگی چون کهر با زرد

نه مادر شیر دارد و نه پدر آب \*\*\* نبود آن طفل را از تشنگی تاب

همی بوسید روی چون گل او \*\*\* همی بوئید مشکین سنبل او

بناگه حرمله آن شوم و گمراه \*\*\* بدید آن ماه در آغوش آن شاه

بیاض گردنش چون لمعه نور \*\*\* بود رخشنده و پیداست از دور

سه پهلو تیری از گوش تا گوش \*\*\* خوش الحان مرغ شه گردید خاموش

شیعیان روز هفتم محرم که به نام بزرگداشت حضرت علی اصغر علیه السلام است، همایش شیرخوارگان در سراسر جهان برپا می کنند و کودکان خود را ملبّس می کنند به لباس حضرت علی اصغر علیه السلام و در مکانی وسیع گردهم می آیند، آنگاه در حالیکه کودکان خود را سر دست بلند کرده فریاد لبیک یا مهدی و لبیک یا حسین سر می دهند و مشغول عزاداری و ماتم برای آن حضرت می گردند. (1)

### بستن شریعه فرات بر امام حسین علیه السلام

در این روز عمر سعد ملعون دستور داد شریعه فرات را بر امام حسین علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام و اصحابش ببندند و نگذارند آب به آنان برسد و عمرو بن حجاج با چهار هزار تیرانداز مأمور منع آب فرات شدند تا قطره ای آب به خیمه گاه امام حسین علیه السلام نرسد. (2)

### ملاقات امام حسین علیه السلام با عمر سعد

در هفتم محرم (شب هشتم) امام حسین علیه السلام برای اتمام حجت بر عمر سعد درخواست ملاقات نمودند. (3) او چادری در میان دو لشکر برپا نمود (هم اکنون در کوچه های کربلا جایگاه این چادر مشخص و معلوم است)، امام حسین علیه السلام همراه بیست نفر به طرف آن خیمه حرکت کردند و سپس فرمودند: فقط برادرم عباس علیه السلام و فرزندم علی اکبر علیه السلام همراه من وارد خیمه شوند و دیگر افراد خارج خیمه منتظر بمانند. (4)

امام حسین علیه السلام عمر سعد را نصیحت نموده و تذکراتی به او دادند، ولی عمر سعد سر باز زد و از آزاد گذاشتن امام حسین علیه السلام تمرد نمود، امام علیه السلام به او فرمودند: «مرا می کشی و گمان می کنی که عیب‌الله ولایت ری و گرگان را به تو خواهد داد؟! به خدا سوگند که گوارای تو نخواهد بود و این عهدی

ص: 326

2- الإرشاد، ج 2، ص 86؛ منتخب طريحي، ص 306.

3- وقايع الأيام في تنمة محرم الحرام، ج 1، ص 424.

4- بحار الأنوار، ج 44، ص 388.

است که با من بسته شده است و تو هرگز به این آرزوی دیرینه خود نخواهی رسید! پس هر کاری که می توانی انجام ده که بعد از من روی شادی را در دنیا و آخرت نخواهی دید، و می بینم که سر تو را در کوفه بر سر نی می گردانند و کودکان سر تو را هدف قرار داده و به طرف تو سنگ پرتاب می کنند» (1).

## 8 محرم الحرام

### بزرگداشت مصائب حضرت علی اکبر علیه السلام

در این روز شیعیان مجالس عزا و ماتم بر مصائب حضرت علی اکبر علیه السلام فرزند دلبنده امام حسین علیه السلام بر پا می کنند و در کربلا به محل شهادت آن حضرت که میان راه حرم و شریعه فرات است، می روند و اشک می ریزند.

جناب شیخ مفید رحمه الله می نویسد: همچنان یک یک از یاران سیدالشهداء پیش می آمدند و کشته می شدند تا باقی نماند از همراهان حسین علیه السلام جز خاندان آن بزرگوار، پس فرزندش علی اکبر علیه السلام پیش آمد، وی مادرش لیلی دختر ابی مرثد بن عروه بن مسعود ثقفی و از زیباترین مردم آن زمان بود و در آن روز نوزده سال داشت، او حمله می کرد و می گفت:

«منم علی فرزند حسین بن علی علیه السلام، به خانه خدا سوگند! ما سزاوارتر به پیغمبر هستیم. به خدا سوگند! پسر زنا زاده دربار ما حکومت نخواهد کرد، با شمشیر شما را می زنم و از پدر خویش دفاع می کنم».

پس چند بار چنین حمله کرد و مردم کوفه از کشتن او خودداری می کردند، مرثد بن منقذ عبیدی گفت: «گناه عرب به گردن من باشد، اگر این جوان بر من بگذرد و چنین حمله کند و من داغ مرگش را بر دل پدرش نهم». پس همچنان که حمله می کرد، مرثد بن منقذ سر راه او را گرفت و با نیزه او را زد، آن جناب به زمین افتاد و مردم پیشرم دور او را گرفته و با شمشیرهای خود پاره پاره اش کردند، حسین علیه السلام آمد تا بر سر آن جوان ایستاد، فرمود: «خدا بکشد مردمی که تو را کشتند پسر، چه بسیار این مردم بر خدا و دریدن حرمت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بیباک گشته اند» و اشک از دیدگان حق بینش سرازیر شد. سپس فرمود: «پس از تو خاک بر سر دنیا!»

در این حال زینب خواهر حسین علیه السلام از خیمه بیرون دویده، فریاد می زد: ای برادرم و ای فرزند برادرم! و شتابان آمد تا خود را بر پیکر آن جوان انداخت. حسین علیه السلام خواهر را بلند کرد و او را به خیمه بازگرداند و به جوانان خود فریاد زد: برادرتان را بردارید، پس جوانان آمده و او را برداشتند تا

ص: 327

جلوی خیمه که پیش روی آن جنگ می کردند، بر زمین نهادند. (1)

## آوردن آب توسط حضرت علی اکبر علیه السلام

روز هشتم محرم امام حسین علیه السلام جمعی از اصحاب خود را فرا خواند و حضرت علی اکبر علیه السلام را فرمانده آنان قرار داد، سپس با سپردن مشک های آب به آنان دستور داد تا تلاشی برای به دست آوردن آب به انجام رسانند. سی نفره سواره و بیست نفر پیاده با فرماندهی حضرت علی اکبر علیه السلام سراغ شریعه فرات رفتند و محاصره را شکستند و توانستند مشک هایی پر از آب را بر در خیمه حاضر نمایند. امام حسین علیه السلام فرمودند برخیزید و آب بنوشید که آخرین توشه شما از دنیاست. بنا بر برخی از گزارش ها این واقعه در شب عاشورا بوده است. (2)

## 9 محرم الحرام

### بزرگداشت دلاوری ها و مصائب حضرت عباس علیه السلام

شیعیان در شب و روز تاسوعا با اقامه مجالس عزا و ماتم، مصائب حضرت ابا الفضل العباس علیه السلام را بزرگ می شمارند و به آن حضرت متوسل می شوند و در کربلا شیعیان به حرم منور و دو جایگاه دو دست قطع شده آن حضرت رفته و به سر و سینه می زنند.

روزی جناب عبیدالله بن عباس نزد امام زین العابدین علیه السلام رفت، وقتی امام نظر مبارکش بر او افتاد گریست و فرمود: روزی بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سخت تر از روز احد نبود که عموی او حمزة بن عبدالمطلب، اسدالله و اسد رسول را کشتند و سپس جنگ موته بر آن حضرت شدید بود که عموزاده آن حضرت جناب جعفر بن ابیطالب به شهادت رسید.

اما «و لا یوم کیوم الحسین علیه السلام از دلف علیه ثلاثون ألف رجل»، هیچ روزی مانند روز عاشورا نبوده که سی هزار مرد که همه دعوی مسلمانانی می کردند به قتل او مصمم بودند و حمله می آوردند و «کل یتقرب الی الله بدمه» و همه بدان عمل به خدا تقرب می جستند و امام علیه السلام پیوسته موعظه و نصیحت فرموده و خدا را به یادشان می آورد و هیچ متعظ نگشته و به ناحق خون مطهرش را ریختند. سپس فرمودند:

«رحم الله العباس علیه السلام فلقد آثر و أبلی و فدی أخاه بنفسه حتی قطعت یداه فأبدله الله عز و جل بهما جناحین یطیر بهما مع الملائكة فی الجنة كما جعل لجعفر بن أبی طالب علیه السلام» ؛

یعنی: «خدا رحمت کند (عمویم) عباس را که به جان و تن خود مواسات کرد و فدا نمود نفسش را برای برادرش

ص: 328

1- الإرشاد، ج 2، ص 106 - 107.

2- کتاب زندگانی حضرت علی اکبر علیه السلام، علامه مقرر، ص 103 ؛ الأمالی للصدوق، ص 156.

تا اینکه دو دستش قطع شد و خداوند به جای آن دو دست، دو بال به او عطا می کند که با آنها همراه ملائکه در بهشت پرواز می نماید، همچنانکه به جناب جعفر فرزند ابوطالب عطا می شود».

و باز فرمود: «و ان للعباس عندالله تبارک و تعالی منزلهً یغبطه بها جمیع الشهداء یوم القیامة»؛

یعنی: «و البته برای عباس علیه السلام نزد خداوند تبارک و تعالی منزلتی است که به آن جمیع شهداء در روز قیامت غبطه می خورند». (1)

### آوردن امان نامه از طرف ابن زیاد برای حضرت عباس علیه السلام

در چنین روزی ابن زیاد و شمر ملعون چون از حضرت ابالفضل العباس علیه السلام بیم و هراس داشتند با نقشه ای از پیش طراحی شده خواستند حضرت عباس علیه السلام را از لشکر امام حسین علیه السلام جدا سازند، چون از شجاعت و جنگاوری های او خبر داشتند و می دانستند جمع بیشماری به دست عباس علیه السلام کشته خواهند شد، لذا مکر و حيله ای بکار بردند و در چنین روزی امان نامه ای برای جناب عباس علیه السلام بردند. (2)

شمر جمعی از لشکریانش را برداشت و نزدیک خیمه گاه شد و فریاد می زد: «کجایند فرزندان خاله ما»، منظور او از این جمله عباس و برادرانش محمد، جعفر و عثمان بودند زیرا مادرشان ام البنین علیها السلام از قبیله کلابیه و مادر شمر نیز از همان قبیله بوده؛ حضرت ابالفضل علیه السلام به امر امام حسین علیه السلام خارج شد، شمر گفت: «به جهت اینکه با من نسبت فامیلی داری برایت از ابن زیاد اماننامه آورده ام»، تا این جمله را گفت عباس علیه السلام با هیبت و غضب حیدری فرمود: «من برادرم و امام زمانم فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را رها کنم و به شما ملحق شوم؟! اماننامه خدا بهتر است از اماننامه ابن سمیه (ابن زیاد)». (3)

### قطعی شدن جنگ علیه امام حسین علیه السلام و شدت یافتن ترس بر اطفال ایشان

در چنین روزی جنگ علیه امام حسین علیه السلام قطعی شد و لشکر عمرسعد ملعون آهنگ قتال کردند و روی به سوی خیمه گاه امام حسین علیه السلام آوردند و اطفال و اهل بیت امام حسین علیه السلام به شدت ترسیده و مضطرب گردیدند. (4)

ص: 329

1- الأمالی للصدوق، ص 462.

2- الإرشاد، ج 2، ص 89.

3- وقعة الطف، ص 190؛ الكامل فی التاریخ، ج 4، ص 56؛ اللهوف، ص 88.

4- الإرشاد، ج 2، ص 89.



## درخواست حضرت عباس علیه السلام از عمر سعد برای تأخیر در جنگ

در شب عاشورا امام حسین علیه السلام سفیر و امیر لشکر خود حضرت عباس علیه السلام را به سوی عمر سعد فرستادند و فرمودند: «إرکب بنفسی أنت»، جانم به فدای تو عباس! برو به سوی لشکر عمر سعد تا امشب را مهلت دهند تا قدری نماز، دعا، قرآن و ... بجای آوریم. (1)

امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید: «تاسوعا روزی بود که جناب امام حسین علیه السلام و اصحابش را در کربلا محاصره کردند و سپاه شام بر قتال آن حضرت اجتماع کردند و ابن مرجانه و عمر سعد خوشحال شدند به سبب کثرت سپاه و بسیاری لشکر که برای آنها جمع شده بود و جناب امام حسین علیه السلام و اصحابش را ضعیف شمردند و یقین کردند که یآوری از برای آن حضرت نخواهد آمد و اهل عراق او را مدد نخواهند کرد» سپس فرمودند: «پدرم فدای آن ضعیف غریب». (2)

## 10 محرم الحرام

### روز عاشورا، روز شهادت امام حسین علیه السلام و اصحاب باوفایش

#### آخرین نماز جماعت امام حسین علیه السلام

در چنین روزی به سال 61 هجری قمری امام حسین علیه السلام و فرزندانش و برادرانش و جمعی از بنی هاشم و اصحاب با وفایش با فجیعترین شکل به امر یزید بن معاویه به شهادت رسیدند و جهان تا ظهور مهدی موعود عجل الله فرجه به ظلمت و تاریکی کشانده شد، لذا این روز، روز حزن و غم بزرگ شیعیان است.

امام رضا علیه السلام می فرماید: «هر کس در روز عاشورا سعی در حوائج خود را ترک کند و پی کاری نرود، حقتعالی حوائج دنیا و آخرت او را بر آورده سازد و هر کس روز عاشورا روز مصیبت و اندوه و گریه او باشد، حقتعالی روز قیامت را روز فرح و سرور و شادی او گرداند و دیده اش در بهشت به ما روشن گردد و هر کس روز عاشورا را روز برکت نامد و برای منزل خود چیزی تهیه و ذخیره کند، خدای تعالی آن را برای او مبارک نگرداند و در روز قیامت با یزید و ابن زیاد و عمر سعد علیهم اللعنة محشور گردد». (3)

محدث قمی رحمه الله می فرماید: «شایسته است که شیعیان در این روز مشغول کاری از کارهای دنیا نگردند و از برای خانه خود چیزی ذخیره نکنند و مشغول گریه و نوحه و مصیبت باشند و تعزیت حضرت امام حسین علیه السلام را اقامه کنند و به ماتم اشتغال نمایند به نحوی که در ماتم عزیزترین اولاد و اقارب خود اشتغال می نمایند و سعی کنند در لعنت قاتلان آن حضرت و شایسته است مقتل بخوانند و

ص: 330

1- الإرشاد، ج 2، ص 90.

2- الکافی، ج 4، ص 147.

3- علل الشرایع، ج 1، ص 227.

یکدیگر را بگریانند و زیارت عاشورا بخوانند»<sup>(1)</sup>.

بسیار نیکوست شیعیان و محبین آن حضرت در کوچه و بازار به سر و سینه زنند و ندای مظلومیت آن حضرت را به جهانیان برسانند و به یاد آخرین نماز جماعت آن امام همام، همه زنان و مردان مؤمن نماز ظهر عاشورا را با شکوهی بینظیر با جماعت اقامه کنند.

### روز ظهور امام زمان علیه السلام

در این روز مستحب است دعا برای فرج امام زمان علیه السلام که منتقم حقیقی شهدای کربلا می باشد، چنانکه امام صادق علیه السلام در زیارت امام حسین علیه السلام در روز عاشورا برای ظهور مهدی موعود عجل الله فرجه چنین دعا کرده اند: «... اللهم وعجل فرج آل محمد و اجعل صلواتک علیه و علیهم»<sup>(2)</sup> چنانکه در دعای ندبه آمده است: «این الطالب بدم المقتول بکربلاء» و در خبری آمده است روز عاشورا آن حضرت ظهور خواهند کرد،<sup>(3)</sup> پس شایسته است مؤمنین و مؤمنات توجه به امام زمان علیه السلام بنمایند و از خدای تعالی ظهور حضرتش را طلب کنند.

### 11 محرم الحرام

#### به اسارت بردن اهل بیت امام حسین علیه السلام

عمر سعد ملعون روز یازدهم تا وقت ظهر در کربلا ماند و بر کشتگان سپاه خود نماز خواند و آنها را به خاک سپرد و بدن های مبارک امام حسین علیه السلام و اصحابشان را زیر آسمان رها کرد و اهل بیت امام حسین علیهم السلام را همانند اسیران ترک و روم روان داشت و بر شتران بیجهاز سوار کرد و سیدالساجدین علیه السلام را با غل جامعه بر شتری بلند سوار نمود، هنگامی که آنان را از قتلگاه عبور دادند و نظر بانوان بر جسم مبارک امام حسین علیه السلام افتاد لطمه ها بر صورت زدند و صدا به صیحه و ندبه بلند کردند.<sup>(4)</sup>

امام زین العابدین علیه السلام فرمودند: «بانوان و کودکان ما را سوار شترها کردند و به اسارت بردند، چون از کنار بدن های در خاک و خون آغشته عبور دادند، بر من سخت گران آمد و سینه من تنگی گرفت و حالتی مرا عارض شد که می خواست جان از تنم پرواز کند، عمه ام زینب علیها السلام چون مرا به این حالت دید فرمود: این چه حالتی است که در تو می بینم، ای یادگار جد و پدر و برادرانم! می نگرم تو را که می خواهی جان تسلیم کنی! جزع مکن و آرام باش، به خدا قسم که این عهدی بود از رسول

ص: 331

1- مفاتیح الجنان، اعمال روز عاشورا.

2- مصباح المتعبد، ص 783.

3- الغیبة للطوسی، ص 274.

4- وقعة الطف، ص 259؛ الأملی للشیخ المفید، ص 321؛ اللهوف، ص 142.

خدا صلی الله علیه و آله و سلم و آن حضرت مصائب هر یک را خبر داده بودند و به تحقیق حقتعالی در این امت از جماعتی که آنان در نزد اهل آسمان معروفند، پیمان گرفت که بر قبر پدرت سیدالشهداء علیه السلام علامتی نصب کنند که اثر آن هرگز محو نشود و به مرور ایام و لیالی نابود نگردد و هر چه سلاطین کفر و اعوان ظلمه در محو آن سعی و کوشش کنند ظهورش و نقشش بیشتر گردد، آنان دسته دسته به زیارتش آیند و مصائب و یادش را گرامی دارند» (1).

### وفات ابوالبشر حضرت آدم علی نبینا و آله و علیه السلام

حضرت آدم و حوا در بهشتی که روی همین کره زمین وجود داشته (2) از هر نعمتی که اراده می کردند بهره مند بودند تا اینکه در اثر امتحان الهی و اغوای شیطان از آن رانده شدند و پس از سالیانی دراز که دارای فرزندان شدند جناب آدم بیمار شده و به سبب تب شدید در چنین روزی وفات می یابد. (3)

حضرت آدم علیه السلام توسط فرزندانش در کوه «ابوقیس» مکه دفن شد، سپس حضرت نوح علیه السلام پیکر او را به کوه «غری» (نجف اشرف) منتقل نمود و در آنجا دفن کرد. (4) بعدها نوح پیامبر و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نیز در کنار او به خاک سپرده شدند، چنانکه در زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است: «السلام علیک یا امیرالمؤمنین و علی ضجیعیک آدم و نوح» (5) یعنی: «سلام بر تو ای امیر مؤمنان و بر حضرت آدم و نوح پیامبر که در کنار تو آرمیده اند».

لازم به تذکر است که حضرت بقیة الله که جانهایمان فدای خاک پایش باد، هنگامی که ظهور نمایند همه مردمی را که حضرتش را پذیرفتند داخل آن بهشت می کنند و آن بهشت با تمامی خصوصیاتش به امر پروردگار برای آن حضرت و پیروانش برگردانده می شود. (6)

### 12 محرم الحرام

#### بنابر قولی شهادت امام زین العابدین علیه السلام

بنا بر نقل قولی در چنین روزی شهادت امام زین العابدین علیه السلام پس از قریب سی و پنج سال از گذشت عاشورای حسینی در سنه 95 قمری واقع شده (7) که به دستور و فرمان «ولید بن عبدالملک» آن حضرت را مسموم کردند. (8)

ص: 332

- 
- 1- کامل الزیارات، ص 260.
  - 2- علل الشرایع، ج 2، ص 600.
  - 3- سعد السعود، ص 37.
  - 4- اثبات الوصیة، ص 23؛ تهذیب الأحکام، ج 6، ص 23.
  - 5- المزار الکبیر، ابن مشهدی، ص 192.
  - 6- قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «... و تثبت نباتها کما کانت علی عهد آدم»؛ التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن، سیدین طاووس، ص 174.
  - 7- إعلام الوری، ج 1، ص 481؛ الدروس، ج 2، ص 12.

8- دلائل الإمامة، ص 192 ؛ مناقب آل أبي طالب عليهم السلام ، ج 4، ص 176.

اقوی در نزد حقیر 25 این ماه روز شهادت امام زین العابدین علیه السلام است.

## 12 محرم الحرام

### ورود اسیران از اهل بیت علیهم السلام به کوفه و مجلس ابن زیاد

اسیران اهل بیت علیهم السلام را در روز یازدهم محرم به طرف کوفه حرکت دادند و شب تا صبح اسیران را پشت دروازه کوفه نگه داشتند، آنگاه صبح روز دوازدهم آنها را به کوفه وارد کردند که شیون از زن و مرد بلند شد، سپس اسیران از اهل بیت علیهم السلام را به مجلس ابن زیاد در کوفه وارد کردند و ابن زیاد ملعون به آنها جسارت ها نمود. (1)

### خطبه غزاء حضرت زینب علیها السلام

بنا بر نقل «احتجاج» و «لهوف» حضرت زینب علیها السلام خطبه غزاء و تاریخی خود را - که افشاگری از نیت شوم یزید و امویان می نمود - در روز ورود اسرا به کوفه بیان فرمودند. (2)

روایت شده است که چون اسیران کربلا را آوردند، زنان اهل کوفه گریبان چاک زده و زاری می کردند و مردان هم با آنها می گریستند. امام زین العابدین علیه السلام که بیمار بودند با صدایی ضعیف و آهسته فرمودند: «اینان بر ما گریه می کنند! پس چه کسی ما را کشته است؟!»!

آن گاه حضرت زینب علیها السلام خطبه غرائی ایراد نمودند و قبل از آن به اشاره و معجزه آن حضرت نفس ها در سینه ها حبس شد و حتی شترها و استرها از صدا خاموش شدند و زنگوله شترها از کارافتاد و صدای آن بی بی مظلومه به همه رسید و بنی امیه را رسوا نموده و بی وفایی اهل کوفه را یادآور شده و آنان را مذمت نمودند.

امام زین العابدین علیه السلام پس از پایان خطبه به حضرت زینب علیها السلام فرمودند: «أنت بحمد الله عالمة غیر معلمة فهمة غیر مفهمة». (3)

### شهادت عبدالله عقیف

عبدالله بن عقیف از اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام بود که در جنگ های جمل و صفین چشمانش را در رکاب حضرت علی علیه السلام از دست داده بود. وی پس از واقعه عاشورا، به سخنان ابن زیاد در نکوهش اهل بیت علیهم السلام در مسجد کوفه اعتراض کرد و خطاب به ابن زیاد گفت: «ای پسر مرجانه! دروغگو پسر دروغگو تو و پدرت هستی و نیز کسی است که به تو حکومت داد و پدرش. ای ابن مرجانه!»

ص: 333

1- الإرشاد، ج 2، ص 114؛ قلاند النحور، ج محرم و صفر، ص 204؛ الوقایع و الحوادث، ج محرم، ص 25.

2- الإحتجاج للطبرسی، ج 2، ص 303؛ اللهوف، ص 146.

3- الإحتجاج للطبرسی، ج 2، ص 304.

آیا پسران پیامبران را می کشید و سخن صدیقان را بر زبان می آورید؟!!

پس از این سخنان، ابن زیاد دستور داد دستگیرش کنند و نهایتاً سر از تنش جدا نمودند و بدنش را در کناسه کوفه به دار آویختند. (1)

### 13 محرم الحرام

#### خاکسپاری شهدای کربلا

پس از سه روز از عاشورای حسینی علیه السلام، امام زین العابدین علیه السلام به صورت معجزه به کربلا آمدند و با همیاری قبیله بنی اسد بدن های مطهر امام حسین علیه السلام و سایر شهدا علیهم السلام را به خاک سپردند و با انگشت سبابه روی قبر امام حسین علیه السلام نوشتند: «هذا قبر الحسين بن علي بن أبي طالب الذي قتلوه عطشاناً غريباً» سپس سر بر قبر مطهر گذاشت و بسیار گریست. (2)

### 14 محرم الحرام

#### حرکت کاروان اسرای اهل بیت علیهم السلام به امر ابن زیاد از کوفه به شام

ابن زیاد از ترس شورش اهل کوفه، دو روز پس از رسیدن اسرا به کوفه، سرهای مطهر شهدای کربلا و اسیران از اهل بیت علیهم السلام را راهی شام نمود. (3)

### 17 محرم الحرام

#### نزول عذاب الهی بر اصحاب فیل

در چنین روزی ابرهه و اصحابش که سوار فیل بودند و به اصحاب فیل معروف شدند، قصد تخریب کعبه را داشتند (4) که خبر به حضرت عبدالمطلب، جد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و کلیددار کعبه رسید؛ عبدالمطلب که توان مقابله با لشکر عظیم ابرهه را نداشت، فرمود: «أنا ربّ الإبل و لهذا البيت ربّ» (5) و با این جمله رساندند که از دست من کاری بر نمی آید و خدای تبارک و تعالی باید کعبه را حفظ کند، در حقیقت عبدالمطلب با این جمله هم توکل به خدا کرده و هم دعا نموده است که نشانگر ایمان و توحید عبدالمطلب می باشد.

لذا ابرهه و اصحابش دچار عذاب الهی و توسط پرندگان به نام ابابیل سنگباران شدند و به هلاکت رسیدند و در نزد عرب آن زمان، این سال مبدأ تاریخ گردید و معروف شد به سال «عام الفیل». سوره ای

ص: 334

1- تاریخ الطبری، ج 4، 351؛ اللهوف، ص 164.

2- مقتل الحسين علیه السلام، علامه مقرر، ص 335-337.

3- تذکرة الخواص، ص 234.

4- مسار الشيعة، ص 25؛ مصباح المتهجد، ص 787.



## 20 محرم الحرام

### خاکسپاری بدن «جون»، غلام ابی ذر غفاری رحمه الله

بعد از ده روز از واقعه جانسوز عاشورا جمعی از بنی اسد بدن شریف جون، غلام ابی ذر غفاری را پیدا کردند و در حالی که صورتش نورانی و بدش معطر بود او را دفن کردند. (1)

امیرالمؤمنین علیه السلام «جون» را از فضل بن عباس خریداری و به ابوذر هدیه کرد. وی تا هنگام تبعید ابوذر و در تبعیدگاه ربنه در کنار او بود. پس از وفات ابوذر در سال 32 هجری، جون به مدینه برگشت و در خدمت امام حسین علیه السلام قرار گرفت. او همراه امام حسین علیه السلام و اهل بیتش از مدینه به سوی کربلا روانه شد (2) و روز عاشورا از امام حسین علیه السلام اذن میدان خواست، امام علیه السلام فرمودند: «تواز جانب من مأذون هستی که بروی و خود را از این معرکه نجات دهی و تو نزد ما آمدی که در عافیت باشی، پس خود را به هلاکت نیانداز».

جون عرض کرد: «سرور من! در روزهای خوش و خرم در سایه الطاف شما بودم و عمری را در ناز و نعمت گذراندم چگونه شما را در میان این کافران بیچاره و یاور گذارم؟! به خدا قسم بدن من بوی تعفن می دهد و حسب من دون و پست و رنگ سیاه است، پس به وسیله شهادت در رکابتان بهشت را از من دریغ مدارید تا بوی من نیکو و حسب من شریف و روی من سفید گردد».

سپس جون با اشک و آه خود را بر روی قدم های امام حسین علیه السلام انداخت و امام علیه السلام در حالی که اشک می ریختند به او اذن میدان دادند، جون وارد میدان شد و رجز خواند و خود را به قلب دشمن انداخت و حمله سختی کرد تا اینکه به شهادت رسید، (3) امام حسین علیه السلام بر سر بالین او آمدند و فرمودند: «اللهم بیض وجهه و طیب ریحته و احشره مع الأبرار و عرّف بینه و بین محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم» یعنی: «پروردگارا! رویش را سفید کن و بویش را نیکو گردان و او را با ابرار محشور نما و در میان او و محمد و آل محمد علیهم السلام شناسایی ده و دوستی بیفکن».

امام محمد باقر علیه السلام می فرمایند: «جسد جون را بعد از ده روز یافتند که از بدنش بوی مشک ساطع بود (به برکت دعای امام حسین علیه السلام)». (4)

ص: 335

- 1- بحار الأنوار، ج 45، ص 23؛ عوالم العلوم، ج 17، ص 266.
- 2- تنقیح المقال، ج 16، ص 317.
- 3- مشیر الأحزان، ص 63؛ اللهوف، ص 108.
- 4- بحار الأنوار، ج 45، ص 23؛ عوالم العلوم، ج 17، ص 266.



بنا بر اعلام آستان مقدسه بی بی فاطمه شریفه دختر امام حسن مجتبی علیهما السلام، شهادت ایشان در روز بیستم محرم الحرام سال 61 هجری، هنگام عبور اسرای اهل بیت علیهم السلام از منطقه «طهمازیه» واقع شده است. این بانوی جلیل القدر دارای کرامات بیشماری است که به تأیید تولیت آن آستان مقدسه رسیده است.

بنا بر گزارش شیخ مفید رحمه الله امام حسن مجتبی علیه السلام مجموعاً پانزده فرزند دختر و پسر از همسران متعدد داشته اند که عبارتند از:

- از بانو امّ بشیر: زید، امّ الحسن، امّ الحسین؛ - از بانو خوله: حسن بن الحسن؛

- از امّ ولد: عمرو، قاسم، عبدالله؛ - از امّ ولد دیگر: عبدالرحمن؛

- از امّ اسحاق: حسین بن الحسن، طلحه (اسحاق)، فاطمه؛

و چهار دختر دیگر به نام های امّ عبدالله، فاطمه (شریفه)، امّ سلمه و رقیه که از این بانوان گزارشی نقل نشده است. (1) به احتمال زیاد این فاطمه، همان فاطمه شریفه باشد که در اثر ظلم و خفقان بنی امیه بر اهل بیت علیهم السلام گزارشی از زندگی وی نقل نشده است.

مرقد بی بی فاطمه شریفه علیها السلام

مرقد مطهر بی بی فاطمه شریفه علیها السلام در منطقه «طهمازیه» حدود ده کیلومتری شهر حله واقع شده است و جناب محمد حرز الدین در کتاب «مراقد المعارف» بنای مزار بی بی شریفه علیها السلام را قدیمی توصیف کرده است. (2)

قدیمی ترین سند تاریخی مرقد مطهر بی بی شریفه علیها السلام پنج نقشه استان بابل عراق است که قدمت آنها حدوداً به هشتصد سال قبل باز می گردد، همچنین سندی دستنوشته که از دیوان دولت عثمانی به دست آمده و در آن مرقد بی بی شریفه علیها السلام ذکر شده است که به حدود هفتصد سال پیش بر می گردد و نیز رسید قبض های زمینه ای مرقد که به حدود صد سال قبل تعلق دارد. (3)

ص: 336

1- الإرشاد، ج 2، ص 20.

2- مراقد المعارف، ج 1، ص 384.

3- مزار شریفه بنت الحسن قرائات تحقیقیه، سید محمد علی الحلو، صص 137-139.

### وفات علامه حلی رحمه الله

حسن بن یوسف مطهر حلی، معروف به «علامه حلی» از فقها و عالمان بزرگ جهان تشیع در شب جمعه 29 رمضان سال 648 هجری قمری در شهر حله دیده به جهان گشود. (1) از ایشان آثار و خدمات ارزشمندی به جای مانده است، از جمله کتاب های کشف المراد، باب حادی عشر، منهاج الكرامة، الألفین فی إمامة امیرالمؤمنین علیه السلام، تذکرة الفقهاء و... همچنین در اثر یک مناظره علمی باعث تشیع شاه محمد خدابنده و ایرانیان می شود.

آخرالامر در چنین روزی به سال 726 هجری قمری، علامه حلی وفات می یابد (2) و بدن مطهرش را به نجف حمل نموده و در حرم امیرالمؤمنین علیه السلام زیر گلدسته راست درب ورودی حرم مطهر به خاک می سپارند.

ایشان دو تشریف به خدمت امام زمان علیه السلام داشته است که زبانزد خاص و عام است. (3)

### وفات شیخ طوسی رحمه الله

محمد بن حسن طوسی مشهور به «شیخ طوسی» از علما و فقیهان جهان تشیع در رمضان سال 385 هجری قمری در شهر طوس از توابع خراسان به دنیا آمد. وی در 23 سالگی از خراسان به عراق آمد و از محضر شیخ مفید و سید مرتضی استفاده نمود.

شیخ طوسی بر اثر حمله به بغداد و آتش زدن کتابخانه و خانه اش، به سوی نجف اشرف هجرت نمود و حوزه علمیه جهان تشیع را در نجف اشرف تأسیس کرد. او منشأ خدمات بسیاری به جهان تشیع بود، از جمله آثار او می توان به کتاب های الإستبصار، تهذیب الأحکام، التبیان فی تفسیر القرآن، مصباح المتعجد و... اشاره نمود.

ایشان آخرالامر در چنین روزی به سال 460 هجری قمری وفات نمود و در خانه خود - که هم اکنون معروف به مسجد شیخ طوسی است - کنار مرقد مطهر امیرالمؤمنین علیه السلام به خاک سپرده شد. (4)

ص: 337

1- أمل الآمل، ج 2، ص 84.

2- روضات الجنات، ج 2، ص 282.

3- مجالس المؤمنین، شوشتری، ج 1، ص 571؛ قصص العلماء، تنکابنی، ص 882.

4- روضات الجنات، ج 6، ص 216.

## خروج جناب زید بن علی بن الحسین علیه السلام

بنا بر گزارش «مقاتل الطالبین» هفت روز مانده به ماه صفر سنه 121 هجری قمری جناب زید فرزند امام زین العابدین علیه السلام در کوفه قیام نمود و در اول ماه صفر جنگ سختی با لشکریان هشام نمود و در سوم ماه صفر به شهادت رسید. (1)

جناب زید فرزند امام زین العابدین علیه السلام و مادرش کنیزی بوده است که مختار ثقفی او را به سی هزار درهم خرید و به امام سجاد علیه السلام هدیه کرد. (2) زید بعد از برادر بزرگوارش امام محمد باقر علیه السلام از بقیه برادران خویش افضل و اشرف بوده و به عبادت، ورع، تقوا، فقه، سخاوت و شجاعت معروف و موصوف بود، وی با شمشیر خروج کرد و بسیاری از مردم در حق او اعتقاد به امامت داشتند و چنین گمان می کردند که خروج او با شمشیر به جهت ادعای امامت است و حال آنکه غرض او امر به معروف و طلب خون حضرت امام حسین علیه السلام و خواندن مردم به سوی آل محمد علیهم السلام بوده، (3) لذا زید شأنش اجلّ بوده از آنکه ادعای امامت کرده باشد و روایات بسیاری در مدح آن جناب وارد شده از جمله اینکه روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نظر نمودند به زید بن حارثه و فرمودند: «هم نام این است آن شهیدی که در راه خدا کشته می شود و به دار کشیده شود، او مظلوم و از اهل بیت من می باشد». پس به زید اشاره فرمودند که: «نزدیک بیا، همانا اسم تو زیاد کرده نزد من محبت تو را، زیرا تو همانم حبیب اهل بیت من هستی!» (4)

و سبب خروج زید بن علی علیه السلام گذشته از خونخواهی حضرت سید الشهداء علیه السلام این بود که آن جناب نزد هشام بن عبد الملک در شام رفت و هشام مردم شام را برای ورود او به مجلس گرد آورده بود و دستور داده بود جای نشستن را چنان بر او تنگ کنند که نتواند نزدیک هشام برود، پس زید (چون بر او درآمد) به او فرمود: «کسی در تقوای الهی تکبر ندارد و کوچک نمی شود هرگاه تقوای الهی داشته باشد».

هشام گفت: «ساکت باش! تویی آنکه به خیال خلافت افتاده ای و حال آنکه تو فرزند کنیزی می باشی»، زید فرمود: من کسی را در مرتبه و منزلت پیش خدا بالاتر از پیغمبری که برانگیخته، ندانم و او فرزند کنیزی بود، و اگر پسر کنیز بودن موجب کم شدن رتبه و مقام بود برانگیخته نمی شد، و آن کس اسماعیل فرزند ابراهیم علیهما السلام است (که فرزند هاجر بود و او کنیزی بیش نبود)، پس پیغمبری و

ص: 338

1- مقاتل الطالبین، ص 92 - 98.

2- مقاتل الطالبین، ص 82.

3- الإرشاد، ج 2، ص 171 - 172.

4- السرائر الحاوی، ج 3، ص 638.

نبوت مرتبه اش نزد خدا بالاتر است یا خلافت ای هشام؟ و از این گذشته چگونه کم رتبه است مردی که پدرش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است و فرزند علی بن ابی طالب علیهما السلام می باشد؟

پس هشام از مجلس برخاسته و به پیشکار مخصوص خود گفت: این مرد نباید در شام شب را به روز در آورد، پس زید از شام بیرون آمد و چون به کوفه رسید، مردم کوفه گردش جمع شدند و پیوسته با او بودند تا اینکه برای جنگ با او بیعت کردند (و آماده جنگ با بنی امیه گشتند) ولی پس از آن (که جنگ در گرفت) گروهی بیعتشان را شکسته و او را واگذارند، پس آن جناب کشته شد و چهار سال در میان آن مردم به دار آویخته بود. (1)

## 25 محرم الحرام

### شهادت امام زین العابدین علیه السلام

در این روز به سال 95 هجری قمری بنا بر قول اقوی حضرت امام زین العابدین علیه السلام به مکر و حيله «ولید بن عبدالملک» به شهادت رسید و در بقیع کنار قبر مطهر عموی بزرگوارشان امام حسن مجتبی علیه السلام به خاک سپرده شد، (2) امام زین العابدین علیه السلام پس از واقعه جانسوز کربلا قریب 35 سال زندگی کرد.

حضرتش در زمانی بود که بنی امیه در امر حکومت قوت پیدا کرده بودند و حضرتش در تقیه شدید به سر می بردند، به این ملاحظه از معاشرت با مردم کناره گرفته و کمتر بین مردم ظاهر می شدند و بعضی از امور را به عمویشان محمد حنفیه علیه السلام واگذار نمودند تا دشمن متوجه حضرتش نشود، چنانکه در روایتی آمده است که فرمودند: «عموجان! اگر یک بندهای از زنگبار به حمایت ما برخیزد، بر مردم واجب است او را یاری نمایند و من تو را در این امر نماینده قرار دادم، پس آنچه به صلاح است، انجام بده» (3) بدین جهت آن حضرت به زهد و عبادت پرداختند و با لسان دعا بسیاری از حقایق و معارف را به جهانیان رساندند که به «صحیفه سجادیه» شهرت یافت.

آن حضرت پس از سفر کربلا صدمات و مشقت های فراوانی دیده بودند، لذا بسیار ضعیف و ناتوان گردیده بودند به نحوی که هرگاه طعام یا آب یا طفل و یا جوانی می دیدند می گریستند تا جایی که از «بگائین عالم» یعنی گریه کنندگان جهان محسوب شدند، (4) با این حال روزی هزار رکعت نماز

ص: 339

1- الإرشاد، ج 2، ص 172.

2- مسار الشیعة، ص 26؛ مصباح المتهدجد، ص 787؛ المصباح للکفعمی، ص 509.

3- بحار الأنوار، ج 45، ص 365.

4- الخصال، ج 1، ص 272.

می گذاشتند و بیش از صد خانوار را کفالت می نمودند و روایت شده که: چون بدن مبارک حضرتش را برای غسل برهنه کردند بر شانه مبارکش اثری دیدند مثل زانوی شتر که پینه بسته بود و آن به جهت حمل انبان های طعام و سایر مایحتاج برای فقرا و ایتام و بیوه زنان بود. (1)

امام علیه السلام حج و عمره بسیاری انجام داده بودند که بیست و دو مرتبه با ناقه ای بجا آورده بودند که هرگز یک تازیانه بر او نزده بودند، آن شتر بعد از شهادت آن حضرت از مکان خود بیرون می آمد و نزدیک قبر آن حضرت رفته بی آنکه کسی او را نزد آن قبر برده باشد، سینه خود را بر آن قبر می گذاشت و فریاد و ناله سر می داد و آب از دیدگان خود می ریخت و تا سه روز چنین بود تا اینکه هلاک شد. (2)

## 26 محرم الحرام

### رحلت حضرت حوّا، مادر بشریت

بنا بر گزارش سید بن طاووس رحمه الله، حضرت حوّا علیها السلام مادر بشریت پس از پانزده روز بیماری در چنین روزی وفات یافت. (3)

### شهادت علی بن الحسن المثلث علیهم السلام

در چنین روزی به سال 146 هجری علی بن حسن بن حسن بن علی علیه السلام در سن 45 سالگی در زندان منصور دوانیقی که شب و روز در آن تشخیص داده نمی شد، در حال سجده و در حالیکه غل و زنجیر بر دست و پایش بود به شهادت رسید. (4) و «مقاتل الطالیین» روز بیست و سوم محرم را ذکر کرده است. (5)

محدث قمی رحمه الله می فرماید: «اما حسن بن الحسن که او را حسن مثلث گویند به واسطه آنکه پسر سوم است که بلاواسطه حسن نام دارد. منصور دوانیقی در سنه 140 هجری، حسن مثلث و پسرش علی العابد و عموهایش: عبدالله، ابراهیم، ابوبکر با عباس برادرش و محمد و اسحاق پسران عمّش و ابراهیم، سلیمان، عبدالله، علی و عباس پسران عمّ دیگرش و داود بن الحسن با بعضی دیگر از سادات که قریب بیست نفر می شدند را در مدینه به زندان انداخت و تا سه سال در قید و بند بودند تا در سنه 144 که منصور حج کرد و در مراجعت از مکه داخل مدینه نشد و به ربه رفت. آنگاه دستور داد بنی الحسن را که در زندان بودند با کمال شدت و سختی در سلاسل و اغلال کرده به ربه حرکت دهند، امام جعفر

ص: 340

- 1- الخصال، ج 2، ص 518.
- 2- بصائر الدرجات، ج 1، ص 483؛ الکافی، ج 1، ص 467.
- 3- سعد السعود، ص 37.
- 4- وقایع الأيام، ص 294؛ مستدرک سفینه البحار، ج 6، ص 295.
- 5- مقاتل الطالیین، ص 130 - 132.

صادق علیه السلام از پشت پرده ای ایشان را نگریست و سخت گریست و بر طایفه انصار نفرین کرد که وفا نکردند به شرایط بیعت با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در حفظ و حمایت فرزندان حضرتش، پس داخل خانه شد و تب کرد و تا بیست شب در تب و تاب بود. آنان با سختی شکنجه های هولناک در زندان، یکی پس از دیگری جان دادند و به شهادت رسیدند» (1).

## 28 محرم الحرام

### ورود اسرای کربلا به بعلبک

بنا بر نقلی در چنین روزی اسرای کربلا وارد شهر بعلبک شدند و مردم آن زمان شهر بعلبک با یزیدیان ملاقات گرمی کردند و از آنها با شربت و غذا پذیرایی کردند که حضرت زینب صغری (ام کلثوم علیها السلام) با دیدن این منظره در حق آنان نفرین کردند (2) و فرمودند: «کثرت شما را خداوند به فنا دهد و ظالمین را بر شما مسلط گرداند» (3).

از آن تاریخ شهر بعلبک روی خوش ندید و دچار حکام ظلم و جور شد تا اینکه جمعیت مخالفین اهل بیت علیهم السلام در این شهر به قتل گرایید و به مرور زمان شیعیان اهل بیت علیهم السلام به این شهر هجرت کردند تا جاییکه یکی از شهرهای مهم شیعه نشین جبل عامل گردید.

همچنین در این شهر جناب «خوله علیها السلام» که گویند دختر امام حسین علیه السلام است، پس از تحمل مصائب و رنج اسارت به شهادت رسید. به مرور زمان شیعیان بارگاهی باشکوه برای جناب خوله بپا نمودند که زیارتگاه دوستداران اهل بیت علیهم السلام است و هر ساله در این ایام مجالس سوگواری باشکوهی بر پا می کنند.

### تبعید امام جواد علیه السلام

در بیست و هشتم محرم الحرام به سال 220 هجری قمری حضرت امام محمد الجواد علیه السلام به امر معتصم عباسی از مدینه طیبه به بغداد تبعید شدند (4).

### رحلت حدیفة بن یمان

حدیفة بن یمان یکی از اصحاب بزرگوار رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و از خواص اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام بود. او سالها والی مدائن بود و چهل روز پس از آنکه امیرالمؤمنین علیه السلام به

ص: 341

1- وقایع الایام، ص 255.

2- قلائد النحور، ج محرم و صفر، ص 332.

3- بحار الأنوار، ج 45، ص 126.

4- الإرشاد، ج 2، ص 295.

خلافت رسیدند، در چنین روزی به سال 36 هجری قمری در آن شهر رحلت کرد و به خاک سپرده شد. (1) قبل از رحلت به دو فرزندش، صفوان و سعید وصیت کرد که همیشه ملازم امیر مؤمنان علیه السلام باشند و ایشان هم به وصیت پدر عمل نمودند و در جنگ صفین به شهادت رسیدند. (2)

حذیفه یکی از هفت نفری بود که بر جنازه مطهر حضرت صدیقه طاهره، فاطمه زهرا علیها السلام نماز خواند که بدین جهت نزد خدای تعالی منزلت خاصی پیدا کرده بود. (3)

در جریان توطئه قتل رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که منافقان پس از واقعه غدیر خم چیدند و می خواستند در بازگشت از غدیر خم در مسیر راهی که از میان کوه می گذشت، شتر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را بترسانند تا برمد و حضرت به دره سقوط کند که جبرئیل این نقشه را به اطلاع رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رسانید، پیامبر چون به محل مورد نظر رسید، منافقان با چهره های بسته، هر کدام ظرفی که داخل آن پر از سنگریزه بود، رها کردند و شروع به سر و صدا و فریاد نمودند، اما عمار مهار ناقة رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را محکم گرفته و حذیفه هم در کنار آن حضرت بود که سرانجام توطئه پلید آن منافقان نقش بر آب شد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم منافقان را یک یک به جناب حذیفه معرفی کردند که معروف ترین آنها از سه منبع مهم تاریخی (کتاب سلیم بن قیس هلالی، الخصال شیخ صدوق و إرشاد القلوب دیلمی) عبارت بودند از: ابالشورور (4)، ابوالدواهی (5)، ابوالمعازف (6)، معاذ بن جبل، سالم، معاویه، عمرو عاص، طلحه، سعد بن ابی وقاص، عبدالرحمن بن عوف، ابوموسی اشعری، مغیره بن شعبه، خالد بن ولید و ابوهریره که جناب حذیفه همه را به خاطر سپرد و به همین خاطر غاصبان از حذیفه می ترسیدند که مبادا آنها را به مسلمانان معرفی کند. (7)

در کتاب «فیضانات بغداد» آمده است: «بر کرانه نهر دجله قبر دو تن از اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام به اسامی حذیفه بن یمان و عبدالله انصاری قرار داشت که در اثر پیشروی آب و فروریختن کرانه غربی دجله، اجساد این دو صحابی جلیل القدر به سال 1350 هجری بعد از 1300 سال تر و تازه ظاهر گردید و بدن مطهرشان توسط دولت وقت عراق به فرمان مراجع عظام نجف اشرف به صدارت سید محمد صدر به فاصله کمی عقبتر به کنار قبر مطهر سلمان فارسی رحمه الله انتقال یافت». (8)

ص: 342

- 1- رجال الطوسی، ص 35؛ رجال الکشی، ج 1، ص 159.
- 2- الکامب فی التاریخ، ج 3، ص 287.
- 3- الخصال، ج 2، ص 361.
- 4- تاریخ الطبری، ج 2، ص 110.
- 5- برای مثال رجوع شود به: فتوح البلدان، ص 72؛ تاریخ اصفهان، ابی نعیم، ج 1، ص 52.
- 6- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 145.
- 7- کتاب سلیم بن قیس هلالی، ج 2، ص 730؛ الخصال، ج 2، ص 499؛ إرشاد القلوب، ج 2، ص 332.
- 8- فیضانات بغداد، ج 1، ص 296.

## انقراض دولت عباسیان به دست هلاکوخان به ملازمت علمای شیعه از جمله خواجه نصیرالدین طوسی

به گزارش «ابن کثیر» هلاکوخان کشتار سختی در بغداد نمود و آخرین خلیفه عباسی را که مستعصم بالله نام داشت، به طرز فجیعی کشت و سلسله عباسیان را منقرض نمود. (1)

سید بن طاووس رحمه الله در کتاب «اقبال الأعمال» می فرماید: «هنگام حمله هلاکو به بغداد، من نیز در بغداد در خانه خودم در مفیدیه بودم و ما آن شب را که شب خوف و وحشت بود، بیتوته کردیم و خداوند ما را سالم نگاه داشت و از آن هولها پیوسته در حمایت خداوند بودیم تا آنکه سلطان در ماه صفر مرا طلبید و مرا بر علویان و علما و زهاد والی گردانید و با من هزار نفر از جانب خود همراه کرد تا از ما پاسداری کنند تا به شهر حله برسیم، سپس ما را به سلامت به حله رسانیدند و من قرار دادم برخودم که در هر سال مثل چنین روزی را دو رکعت نماز شکر بجا آورم به جهت سلامتی از این محذور و به جهت تصدیق جدّ ما حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم که در اخبار خود از متجددات دهور خبر داده است، و دعا کنم برای سلطان به دعای مبرور».

سپس می فرماید: «در این روز (28 محرم سال 656 قمری) دولت بنی العباس زائل شد، همچنانکه مولای ما علی علیه السلام خبر داده از زوال آن، در اخباری که بین مردم شایع است». (2)

ص: 343

---

1- البدایة و النهایة، ج 13، ص 234.

2- اقبال الأعمال، ج 2، ص 586.



ماه صفر المظفر

اشاره

ص: 344

### ورود اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و سرهای شهدای کربلا به شام

در این روز سر مبارک سیدالشهداء علیه السلام را وارد دمشق کردند و بنی امیه آن روز را عید قرار دادند و جشن گرفتند. (1) در چنین روزی اهل بیت امام حسین علیه السلام را به عنوان اسیر وارد شام کردند (2) و آنها را پشت «دروازه ساعات» که معبر و گذرگاه اصلی شهر شام بوده، سه روز نگه داشتند سپس وارد شهر کردند تا جمعیت بیشتری از شامیان به تماشا آیند و شادی کنند، لذا شامیان در این روز شهر را آذین بندی کردند و بیرق های رنگارنگ برافراشتند و با ساز و آواز به طرف دروازه ساعات رفتند و با ناسزاگویی و ایذاء و اذیت، از اسیران خاندان نبوت استقبال کردند و به رقص و پایکوبی پرداختند، (3) آنگاه اهل بیت علیهم السلام را در ویرانه ای بی سقف معروف به «خرابه شام» اسکان دادند. (4)

### جنگ صفین

جنگ صفین در اول ماه صفر به سال 37 هجری قمری شروع شد (5) و به پیروزی لشکر امیرالمؤمنین علیه السلام منتهی شد که با نیرنگ عمرو و عاص و معاویه بن ابی سفیان قرآنها را سر نیزه کردند و منافقینی مثل اشعث که در لشکر امیرالمؤمنین علیه السلام بودند، لشکریان آن حضرت را فریب داده و دست از جنگ کشیدند. مالک اشتر که این صحنه را دید، فریاد می زد که این نیرنگ است، فریب نخورید، ما در آستانه پیروزی هستیم و قرآن حقیقی، علی بن ابی طالب علیه السلام است؛ ولی منافقین به حرف او گوش ندادند و جنگ متوقف و به حکمیت کشیده شد.

### ورود اهل بیت علیهم السلام به مجلس منحوس یزید

پس از اینکه اهل بیت علیهم السلام را در خرابه ای اسکان دادند در چنین روزی اهل بیت علیهم السلام را وارد مجلس منحوس یزید کردند (6) و در همان ایام امام زین العابدین علیه السلام خطبه تاریخی خود را ایراد فرمودند. (7)

ص: 345

- 1- آثار الباقية، ابوریحان بیرونی، ص 422؛ المصباح للكفعمی، ص 510.
- 2- مستدرک سفینة البحار، ج 6، ص 294.
- 3- معالی السبطين، ص 557.
- 4- الأمالی للصدوق، ص 167.
- 5- تاریخ الطبری، ج 5، ص 12؛ الكامل فی التاریخ، ج 3، ص 294.
- 6- قلاند النحور، ج محرم و صفر، ص 353.
- 7- مقتل الحسین علیه السلام، خوارزمی، ج 2، ص 76؛ الإحتجاج للطبرسی، ج 2، ص 310.

## شهادت جناب زید بن علی بن الحسین علیه السلام

در چنین روزی به سال 121 هجری قمری جناب زید بن علی بن الحسین علیهم السلام پس از سه روز نبرد سخت با بنی امیه به شهادت رسید. (1)

حضرت زید فرزند امام زین العابدین علیه السلام که از جور بنی امیه و مروانیان به تنگ آمده بود، وقتی با برادرش امام محمد باقر علیه السلام مشورت کرد، امام علیه السلام فرمودند: «... همانا من می ترسم بر تو ای برادر که تو را در کناسه کوفه به دار کشند»، سپس با وی وداع کردند و خبر دادند که دیگر همدیگر را ملاقات نخواهیم کرد. (2)

زید به کوفه رفت و کوفیان با وی بیعت کردند و سپس خروج کرد، یوسف بن عمر عامل هشام به مقابله با جناب زید پرداخت و جنگ سختی درگرفت، کوفیان از اصحاب جناب زید نقض بیعت کردند و فرار نمودند، لذا زید با یاران اندکی جنگ سختی کرد و زخم بسیاری برداشت تا اینکه شب داخل شد و تیری به پیشانی حضرتش اصابت نمود. چون تیر به پیشانی زید اصابت کرده و نزدیک بود از اسب سقوط کند فریاد زد: «کجاست آن کسی که راجع به ابوبکر و عمر از من پرسش می کرد. آنان مرا به این روز و حال کشاندند. (3)

حجّامی از یکی از قراء نزدیک آوردند که پیکان را از پیشانی آن حضرت بیرون آورد، هنگامی که حجّام پیکان را بیرون کشید، جناب زید جان به جان آفرین تسلیم کرد و در سال 121 هجری قمری در کناسه کوفه به شهادت رسید، یارانش جسد پاکش را در میان نهر آبی دفن کردند و از حجّام پیمان گرفتند که این مطلب را آشکار نسازد. همین که صبح شد حجّام نزد «یوسف بن عمر» رفت و موضع قبر حضرت زید علیه السلام را نشان داد، یوسف بن عمر قبر را شکافت و بدن زید را بیرون آورد و سر مبارکش را جدا کرد و برای هشام فرستاد، سپس بدن را به دار آویخت که تا زمان مرگ هشام بر دار ماند و پس از آن به امر ولید بن یزید، جنازه را از دار پایین آوردند و سوزاندند و خاکسترش را بر باد دادند. (4)

حضرت امام رضا علیه السلام از امام جعفر صادق علیه السلام نقل فرمودند: «خدا رحمت کند عمویم زید را، همانا او مردم را به رضای آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم فرا می خواند و اگر پیروز می شد به آنچه به آن فرا خوانده بود وفا می کرد، وی با من در امر قیام خود مشورت کرده بود ... وای بر آن کسی که فریاد او را

ص: 346

1- عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج 1، ص 252؛ مقاتل الطالبیین، صص 92 - 98.

2- مروج الذهب، ج 3، ص 206.

3- تقریب المعارف، ص 250.

4- تاریخ الطبری، ج 7، ص 186 - 189.

هم اکنون بارگاه باشکوه ایشان در 30 کیلومتری شهر کوفه محل زیارت شیعیان است که هر ساله در چنین روزی با پای پیاده به زیارتش می روند. (سلام الله علیه یوم ولد و یوم مات شهیدا)

## 5 صفر المظفر

### شهادت حضرت رقیه بنت الحسین علیها السلام

در چنین روزی حضرت رقیه بنت الحسین علیها السلام در خرابه شام در حال اسارت به شهادت رسید. (2)

مورخ گرامی جناب حاج شیخ علی فلسفی رحمه الله مینویسد: «روز شهادت این بی بی (رقیه خاتون) پنجم ماه صفر در حالی که به اسارت به شام برده شده بود، می باشد». (3)

مادر گرانقدرش «ام اسحاق» است که ابتدا زوجه امام حسن مجتبی علیها السلام بود و به وصیت آن حضرت، امام حسین علیها السلام او را به عقد خود درآورد. بدن مقدس و رنج دیده اش را در خرابه شام که الآن زیارتگاه خاص و عام است و ملجأ و پناهگاه عالمیان می باشد به خاک سپردند.

در طول راه اسارت این نازدانه یاد بابا می کرد و اشک می ریخت که یکی از موکلین لشکر یزید غضب کرد و آن طفل را از روی شتر به زمین انداخت، آن طفل اسیر بر اثر اصابت به زمین غش کرد، هنگام شب حضرت زینب علیها السلام دید یکی از اطفال نیست، سراسیمه اشک می ریخت و دنبال آن نازدانه می گشت تا اینکه در دل شب که به عقب قافله برگشته بود، دید بانویی نشسته و آن طفل را در آغوش گرفته و در دامان آن بانو راحت آرمیده است، وقتی نزدیک شد عرضه داشت شما کیستی؟ فرمود: «أنا امک فاطمة الزهراء»، منم مادرت فاطمه زهرا علیها السلام. (در آن وقت چه حالی پیدا کرد زینب علیها السلام نمی دانم). (4)

در «منتخب التواریخ» می نویسد: سید ابراهیم دمشقی که از نوادگان سید مرتضی علم الهدی است، در خواب می بیند حضرت رقیه خاتون علیها السلام می فرماید: «به والی دمشق بگو در میان قبر من آب افتاده و قبر مرا تعمیر کنید»، بعضی نقل نموده اند چند شب پشت سر هم این خواب را دیده است، وقتی خبر به والی دمشق می رسد، می پذیرد و دستور می دهد که با حضور علما و صلحا از سنی و شیعه قبر را شکافته و تعمیر کنند، سپس سید ابراهیم دمشقی را مأمور نبش قبر می کند و سید خود غسل نموده و قبر را شکافته و وارد قبر می شود. او می بیند میان قبر آب افتاده و جسد مبارک حضرت رقیه علیها السلام

ص: 347

1- عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج 1، ص 249.

2- وقایع الشهور، ص 47.

3- کتاب حضرت رقیه علیها السلام، فلسفی، ص 10.

4- کتاب حضرت رقیه علیها السلام، فلسفی، ص 24.

میان قبر در آب قرار گرفته، بدن مطهر را در آغوش می گیرد و بیرون می آید و سه شبانه روز آن بدن مطهر را در بغل می گیرد تا قبر را تعمیر کرده و آبها را خارج می سازند و فقط موقع نماز آن بدن مطهر را روی زمین می گذاشت و سپس به آغوش می گرفت.

از کرامت آن بانوی کوچک در این مدت سه شبانه روز این بود که سید ابراهیم نه گرسنه و نه تشنه و نه به خواب می رود تا اینکه قبر آماده می شود و موقعی که می خواست بدن مبارک را در میان قبر بگذارد، عرض می کند: «خداوندا! در این سن پیری به من پسری عنایت کن!» پس از آن خداوند به او پسری عنایت نمود که او را سید جواد نام نهاد و والی دمشق تولیت آن حرم مطهر را به سید ابراهیم و فرزندش سید جواد داد. (1)

جناب حاج شیخ علی فلسفی از «معالی السبطين» نقل نموده که آثار زخم و کبودی بر بدن آن کودک امام حسین علیه السلام هویدا بود که سید ابراهیم با دیدن آن اشک می ریخته و به یاد مظلومیت های امام حسین علیه السلام و اهل بیتش می افتاده. (2)

## 7 صفر المظفر

### شهادت امام حسن مجتبی علیه السلام

روز هفتم ماه صفر به سال 50 هجری قمری بنا بر قول شهید اول، کفعمی، شیخ بهایی و ... شهادت حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام بوده (3) و برخی دیگر از محدثین روز 28 ماه صفر را ذکر کرده اند.

جناده بن امیه می گوید در آن بیماری که امام حسن مجتبی علیه السلام بر اثر زهر به شهادت رسیدند به عیادت آن حضرت رفتم، دیدم طشتی در نزد آن حضرت است و خون گلوی مبارکش در آن ریخته و لخته های جگر مبارکش در آن بود، گفتم: «ای مولای من چرا معالجه نمی کنید؟»

فرمودند: «ای بنده خدا مرگ را به چه چیز معالجه کنم؟» سپس به حضرتش عرض کردم: «مرا موعظه کنید».

فرمودند: «استعد سفرک و حصل زادک قبل حلول اجلک واعلم انک تطلب الدنيا والموت یطلبک...» ؛

یعنی: «ای جناده! آماده سفر آخرت باش و قبل از پایان عمر توشه سفر آخرت را به دست آور و بدان که تو در طلب دنیا هستی و مرگ در طلب توست و هیچگاه غم و دلهره فردا که نیامده را امروز نخور...».

جناده می گوید: «ناگاه امام حسین علیه السلام وارد حجره شد در حالی که رنگ رخسار امام

ص: 348

1- منتخب التواریخ، ص 388.

2- کتاب حضرت رقیه علیها السلام به نقل از معالی السبطين، ص 586.

3- الدروس، ج 2، ص 7؛ المصباح للكفعمی، ص 510؛ توضیح المقاصد، ص 564؛ وصول الأخیار، ص 42.

حسن علیه السلام زرد شده بود و نفسش قطع می شد، امام حسین علیه السلام خود را بر روی بدن برادر انداخت و سر و چشم او را می بوسید و اشک می ریخت و ساعتی نزد او نشست و با یکدیگر راز می گفتند تا اینکه امام حسن مجتبی علیه السلام جان به جان آفرین تسلیم کرد» (1).

امام حسین علیه السلام بعد از غسل و کفن و نماز، خواست برادرش را کنار قبر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دفن کند که عایشه نگذاشت و جماعتی به طرفداری از عایشه نعلش امام حسن مجتبی علیه السلام را تیر باران کردند، امام حسین علیه السلام بنا به وصیت برادرش از درگیری بنی هاشم با آنان جلوگیری نمود و آن بدن مظلوم را در بقیع نزدیک قبر مادرش فاطمه بنت اسد علیها السلام به خاک سپرد. (2)

### فوت پدر مؤلف

در چنین روزی که مصادف با 26 بهمن 1386 شمسی بود، پدر عزیز و بزرگوارم در اثر ناراحتی قلبی دار فانی را وداع گفت و فرزندانش را به سوگ نشانید.

پدرم حاج سید جواد رفیعی از سراینندگان شعر برای اهل بیت علیهم السلام و متخصص به «رفیع» بود که هم اکنون دیوان خطی ایشان موجود می باشد و الحمدلله به چاپ نیز رسیده است.

معظم له از سادات علویجه اصفهان و پنجمین پشت ایشان مرحوم سلاله الاطیاب حاج سید محمد باقر نجل سید حسین معروف به امامزاده «سید عابد» می باشد که اولین کسی است که در حدود قرن دوازدهم از حجاز وارد ایران شد و به زواره سپس به خراسگان اصفهان رفته و نهایتاً به علت نامعلومی علویجه را برای سکونت خود برمیگزیند و سادات رفیعی علویجه همگی به آن جناب منتهی می شوند.

پدرم می فرمود: پدرم مرحوم حجة الاسلام سید اسماعیل رفیعی از علویجه به نجف اشرف هجرت می کند و پس از مدتی که بین ایران و عتبات عراق تردد داشت، هنگام برگشتن در حال عبور از شط العرب آبادان به طور مرموزی غرق شده و کنار آن شط مدفون می گردد که هم اکنون دارای مزاری است به نام «سید غریق».

پدرم پس از سالیان دراز سکونت در نجف اشرف توسط حزب منفور بعث عراق به ایران تسفیر می شود و در چنین روزی به سال 1429 قمری وفات می یابد، جهت شادی روحش صلواتی نثار کنید.

این قصیده در فراق حضرت بقیةالله ارواحنا فداه از آن معظم له می باشد:

ص: 349

1- کفایة الأثر، ج 1، ص 226.

2- مناقب آل أیطالب علیهم السلام، ج 4، ص 44.

کی می شود که آیت حق را نظر کنیم \*\*\* گردی ز خاک پای وجودش بصر کنیم

او غایب است به ظاهر و مائیم در انتظار \*\*\* هر روز و شب که دیده به کویش گذر کنیم

گویند به سهله آید و گر او به جمکران \*\*\* یا رب مدد نما که به سویش سفر کنیم

سهله کجا و وادی شهر نجف کجا \*\*\* جان را فدای قامت دُرّ و گوهر کنیم

فانوس دل که شمع وجودش طلب کند \*\*\* آموخته ایم ز مادر و سوز جگر کنیم

سعیم بجز دعای فرج، اشک چشم من! \*\*\* بر پرده دار کعبه و سنگ حجر کنیم

ظاهر زکعبه می شود و گیرد چو ذوالفقار \*\*\* بر دشمنان آل علی ما ظفر کنیم

برگیر رفیع تو دامن مهدی فاطمه \*\*\* شاید رسد زعشق وجودش به سر کنیم

## 8 صفر المظفر

### رحلت جناب سلمان فارسی رحمه الله

جناب سلمان فارسی در شهر مدائن در روز هشتم صفر المظفر به سال 35 هجری قمری وفات نمود. (1) امیرالمؤمنین علیه السلام به طّی الارض برای تکفین، نماز و خاک سپاری سلمان به مدائن تشریف بردند. (2) و از افتخارات سلمان این است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در حقش فرمودند: «السلمان متّاهل البيت» (3) و امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «سلمان از کسانی است که بر حضرت زهرا علیها السلام نماز خواند». (4)

امام صادق علیه السلام فرمودند: «سلمان علم اول و آخر را درک کرد و او دریایی است که هر کسی را بهره ای از آن نیست و او از ما اهل بیت است». (5)

در روایتی آمده است که امیرالمؤمنین علیه السلام به مسجد آمده و فرمودند: امشب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را در خواب دیدم که فرمود: سلمان وفات کرد و مرا سفارش نمود که او را غسل و کفن نمایم و بر او نماز بخوانم و به خاکش بسپارم، من اینک به مدائن می روم، عمر گفت: کفنش را از بیت المال بردارید، امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: او از کفن بیت المال بی نیاز است، سپس به سوی خارج مدینه حرکت فرمود و جمعی از اصحاب برای بدرقهشان روانه شدند، علی علیه السلام مدینه را ترک گفت و مردم برگشتند، امیرالمؤمنین علیه السلام قبل از ظهر همان روز مراجعت نمود و فرمود: سلمان را به خاک سپردم بیشتر مردم باور نکردند تا پس از مدتی نامه ای از مدائن به مدینه رسید که تاریخ درگذشت

ص: 350

2- الخرائج و الجرائح، ج 2، ص 562 ؛ الفضائل لابن شاذان القمي، ص 91.

3- الإختصاص، ص 341.

4- الخصال، ج 2، ص 361.

5- الإختصاص، ص 11.



سلمان را ذکر کرده بود و نوشته بود که عربی آمد و او را غسل و کفن نمود و به او نماز خواند و دفنش کرد و رفت، مردم از این معجزه آن حضرت که با طی الارض رفته بودند در شگفتی فرو رفتند. (1)

## وفات آیه الله سید ابوالقاسم خویی رحمه الله

آیه الله سید ابوالقاسم فرزند سید علی اکبر خویی در 15 ماه رجب 1317 قمری به دنیا آمد، «سلمان خان» یکی از شاگردان سید علی اکبر، به استاد خود می گوید: «دیشب در مورد شما خوابی دیدم و حامل پیامی هستم، دیشب در عالم رؤیا حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را دیدم که می فرمود: به سید علی اکبر بگو: حمل عیالش پسر است و اسم او را ابوالقاسم گذاشتم و له شأن».

سید ابوالقاسم پس از گذراندن مقدمات دروس در 13 سالگی به همراه پدر به نجف اشرف کوچ می کند و در سن 21 سالگی با تمام نمودن سطوح متوسطه و عالیه در بحث خارج شیخ فتح الله شریعت اصفهانی حضور می یابد و از محضر شیخ محمدحسین اصفهانی کمپانی و شیخ محمدحسین نائینی بهره ها می برد.

آیه الله خویی در کنار تحصیل علم فقه و اصول به تهذیب و تزکیه نفس پرداخت و از محضر شیخ مرتضی طالقانی، آقا سید عبدالغفار مازندرانی و میرزا علی آقا قاضی استفاده نمود که در سیر معنوی و عرفانی آیه الله خویی نقش بسزایی داشتند، آیه الله خویی رحمه الله از آن دوران چنین می گوید:

«من در ایامی که در نجف اشرف مشغول تحصیل علوم دینی بودم، بیشتر مقید به آداب و سنن و اوراد و اذکار بودم و گاهی در مجلس پر فیض سید علی قاضی شرکت می کردم. روزی به ایشان عرض کردم: چیزی به من تعلیم دهید و دستور العملی بگویید که من انجام دهم، ایشان دستور العملی دادند و گفتند چهل روز به این دستور عمل کن و من مشغول انجام آن عمل شدم و چون روز چهلم شد برای من حالت مکاشفه ای رخ داد و من همه حوادث و چگونگی زندگی و آینده خود را مشاهده کردم و دیدم در بالای منبر درس می گویم و در منزل نشسته ام و مردم می آیند و می روند، نماز جماعت و مراجعات مردم و حالات گوناگون خودم را مانند آینه ای که در پیش رویم باشد، تماشا کردم تا اینکه رسید به جایی که یک مرتبه شنیدم کسی بالای گلدسته امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: انا لله و انا الیه راجعون، ایها الناس با کمال تأسف آیه الله خویی از دنیا رفت و در این جا، آن حالت از من برطرف شد و به حالت عادی برگشتم» (2).

آیت الله خویی که مرجعیت و زعامت شیعه در نجف به ایشان منتقل شده بود، سرانجام در 8 صفر 1413 مطابق با 17 مرداد 1371 دارفانی را وداع گفت و در کنار مسجد الخضراء در صحن حرم

ص: 351

1- الخرائج و الجرائح، ج 2، ص 562.

2- گلشن ابرار، ج 3، ص 429.

## 9 صفر المظفر

### جنگ نهروان

در چنین روزی به سال 38 هجری قمری جنگ نهروان میان امیرالمؤمنین علیه السلام و خوارج واقع شد که امیرالمؤمنین علیه السلام آنان را شکست سختی دادند. (1)

پس از جنگ صفین و مسئله حکمیت و خیانتی که ابوموسی اشعری و عمروعاص مرتکب شدند چهار هزار نفر از پیروان حضرت علی علیه السلام و شرکت کنندگان در صفین از آن حضرت فاصله گرفتند و به نهروان (مکانی بین بغداد و واسط) رفتند. آنها در آنجا اردو زدند و در مخالفت با امیرالمؤمنین علیه السلام هرچه توانستند کوشیدند، با این حال امیرالمؤمنین علیه السلام آنان را از آزادی و دریافت حقوق و مزایا محرومشان نکردند و فرمودند: ما آنان را از فیء محروم نمی کنیم و از وارد شدنشان به مساجد جلوگیری نمی نماییم و تا هنگامی که خونی نریخته اند متعرض آنان نمی شویم».

ولی آنان دست به شرارت زدند و اقدام به ریختن خون بیگناهان کردند، از جمله گروهی از آنان زمانی که دیدند عبدالله بن خباب (یار وفادار امیرالمؤمنین علیه السلام که مدتی ولایت مدائن را به عهده داشت) همسر خود را بر الاغ سوار نموده و از آنجا می گذرد، دستانش را از پشت بستند و در جلو چشم همسرش سر او را از پشت بردند و شکم همسرش را که باردار بود دریدند، پس از آن تعدادی بیگناه دیگر را نیز کشتند.

لذا امیرالمؤمنین علیه السلام ناچار شدند علیه آنان اقدام کنند، از این رو حارث بن مرّه را ابتدا برای تحقیق در مورد قتل عبدالله بن خباب فرستادند که او را نیز کشتند، پس از وی قیس بن سعد با خوارج سخن گفت ولی اثری نبخشید. پس از قیس، ابوایوب انصاری صحابی معروف پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با آنان سخن گفت و موعظه و نصیحت کرد، باز هم مؤثر واقع نشد.

امام علیه السلام که چنین دیدند پرچم امان را به دست ایوب دادند و فرمودند: هر کس زیر این پرچم درآید در امان خواهد بود، پس دو هزار و دویست نفر از آنان جدا شدند و از گذشته خود اظهار ندامت کردند و یک هزار و هشتصد نفر دیگر تحت فرماندهی «عبدالله بن وهب» باقی ماندند. امیرالمؤمنین علیه السلام با آنها جنگیدند، همگی جز نه نفر کشته شدند و از یاران آن حضرت تنها هفت نفر کشته شدند. (2)

ص: 352

1- أنساب الأشراف، ج 2، ص 362؛ مناقب آل أئطالب علیهم السلام، ج 3، ص 190.

2- الکامل فی التاریخ، ج 3، ص 334 - 348.

آن نه نفر فراری جان سالم به در بردند و فتنه ها به وجود آوردند که از جمله آنها واقعه نوزدهم ماه مبارک رمضان است. (1)

### شهادت عمار یاسر، خدیمة بن ثابت و اویس قرنی در جنگ صفین

چنانچه گذشت جنگ صفین در اول ماه صفر به سال 37 هجری اتفاق افتاده و در چنین روزی عمار یاسر، خدیمة بن ثابت از یاران و خواص امیرالمؤمنین علیه السلام به شهادت رسیدند. (2) همچنین در این جنگ، جمعی دیگر که عبارتند از: اویس قرنی (3) هاشم مرقال و پسر هاشم، عبدالله بن بدیل و برادرش عبدالرحمن، (4) صفوان بن حذیفه، (5) عبدالله بن حارث برادر مالک اشتر (6) و ... به شهادت رسیدند.

نهایتاً در حالی که پیروزی از آن لشکر امیرالمؤمنین علیه السلام بود، به حيله و مکر عمر و عاص، لشکر معاویه قرآنها را سرنیزه کردند و جمع کثیری به خاطر نفاق عده ای مثل اشعث بن قیس فریب خوردند و جنگ متوقف شد و کار به حکمیت کشید.

### 10 صفر المظفر

#### فوت مادر مؤلف

در چنین روزی به سال 1384 شمسی مادر عزیزم حاجیه خاتون عزیزی وفات یافت. ایشان از طرف مادر به سلسله جلیله سادات می رسند، چون مادرشان «سیده زهرا حسنی حسینی» دارای دو شجره نامه هستند که از طرف پدر به امام حسین علیه السلام و از طرف مادر به امام حسن مجتبی علیه السلام منتهی می شوند، ناگفته نماند که مادر عزیزم دختر عمه پدر عزیزم می باشند و از یک شجره هستند.

حاجیه خاتون عزیزی از بانوان پارسا و خادم قرآن و اهل بیت علیهم السلام بود که پس از تسفیر حزب منفور بعث عراق همراه پدرم (که رحمت خدا بر روانشان باد) به ایران آمده و جلسات تعلیم قرآن و ارشاد و احکام بانوان برگزار می کند و به بسیاری از بستگان و بانوان خواندن قرآن و احکام می آموزد.

معظم لها روزی در اهمیت حجاب و دوری از نامحرم می فرمود: «در ایام جوانی همراه پدرتان به زیارت حضرت رضا علیه السلام مشرف شدم، آن زمان محل زیارت خانمها از آقایان جدا و تفکیک نشده بود، وقتی وارد حرم شدم دیدم نمی توانم نزدیک ضریح مقدس بروم، چون دور تا دور ضریح مقدس زن و مرد مخلوط بودند، به همین جهت که تماس با نامحرم پیدا نکنم، کناری ایستادم و زیارت خواندم و دلم شکست که

ص: 353

1- الطبقات الكبرى، ج 3، ص 25.

2- تذكرة الخواص، ج 1، ص 89؛ الكامل فی التاريخ، ج 3، ص 303.

3- الكامل فی التاريخ، ج 3، ص 325.

4- الإصابة، ج 4، ص 21 و ج 6، ص 515.

5- الكامل، ج 3، ص 287.

6- تاریخ مسعودی، ج 1، ص 584.

نمی توانم ضریح مطهر را ببوسم، بسیار اشک ریختم و برگشتم، هنگامی که به مسافرخانه برگشتم بعد از ظهر همان روز در عالم رؤیا دیدم حضرت امام رضا علیه السلام روی کرسی نشسته اند و دور تا دور آن حضرت را زنبورها گرفته اند و آن حضرت بسیار ناراحت و در اذیت بودند، سراسیمه جلو رفتم و عرض کردم: دایی امام (چون مادرشان سیده بوده) این زنبورها از کجا آمدند؟ و می خواستم آن حضرت را یاری دهم، حضرت فرمودند: اینها زوآر من هستند که با گناه کردنشان مرا می آزارند، آن حضرت از این طریق به من فهماندند که خوب کردی جلونیامدی و مرا آزار ندادی». روحش شاد (نثار روح این مادر پارسا صلوات).

### 13 صفر المظفر

#### وفات میرزا حبیب الله خوبی رحمه الله

علامه میرزا حبیب الله موسوی خوبی از علمای بنام و شارح نهج البلاغه و مقلب به «امین الرعايا» در چنین روزی بدرود حیات گفت. وی در سن 25 سالگی راهی حوزه علمیه نجف اشرف شد و از محضر علمایی مانند: محمد حسین کوه کمری و میرزا خلیل تهرانی به مدت پنج سال بهره برد، سپس به زادگاهش خوی برگشت و مشغول تدریس و تألیف گردید. از جمله تألیفات وی، کتاب «منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه» می باشد که بالغ بر 14 مجلد می باشد و شرح بسیار بلیغ و جامعی است، کتاب های اربعین حدیث، تحفة الصائمین و رسال های در رد صوفیه از دیگر تألیفات ایشان است.

سرانجام ایشان در 13 ماه صفر به سال 1324 قمری در تهران بدرود حیات گفت و در بارگاه ملکوتی حضرت عبدالعظیم علیه السلام به خاک سپرده شد. حقیر در عالم رؤیا قبر مطهر این عالم وارسته را دیدم که در ضریح مطهر امام رضا علیه السلام است و بر تابلویی بزرگ نام این عالم نوشته و به دنباله آن نوشته بود: «شارح نهج البلاغه» که علامت مقام بلند این عالم وارسته و پذیرفتن زحماتش در شرح نهج البلاغه می باشد.

### 14 صفر المظفر

#### شهادت جناب محمد بن ابی بکر

در چنین روزی به سال 38 هجری قمری جناب محمد بن ابی بکر از یاران با وفای امیرالمؤمنین علیه السلام در سن 28 سالگی به دستور معاویه بن ابی سفیان به شهادت رسید. (1)

جناب محمد بن ابی بکر که مادرش اسماء بنت عمیس است، با حکمی از جانب امیرالمؤمنین علیه السلام در تاریخ اول رمضان سال 36 هجری قمری به عنوان فرماندار مصر منصوب شد. (2)

ص: 354

1- کتاب الولاية و کتاب القضاة، محمد بن یوسف کندی، ص 26.

2- تاریخ الطبری، ج 3، ص 556.

معاویة بن ابی سفیان پس از جریان صفین عمروعاص را سمت مصر فرستاد که محمد بن ابی بکر متوجه شد و برای مقابله با او به موضعی معروف به «المسناة» رسید و با لشکر عمروعاص که داعی ولایت مصر بود برخورد کرد و محاربه ای صورت گرفت و همراهیان محمد دست از یاری او برداشتند مگر اندکی از یاران با وفایش، لذا محمد در موضعی از شهر مصر مخفی گشت، نهایتاً مخفیگاه او را یافتند. محمد بیرون آمد و به جنگ پرداخت که آخر الامر او را گرفته و اسیر نمودند و او را در موضعی به نام «کوم شریک» به شهادت رساندند و سپس در پوست حماری آتش زدند. (1)

چون خبر شهادت محمد و اصحابش به معاویه رسید اظهار فرح و شادی نمود و چون خبر به امیرالمؤمنین علیه السلام رسید، بسیار غمزه شدند و فرمودند: «جزع و حزن ما بر محمد بن ابیبکر به قدر سرور معاویه است» و فرمودند: «از زمانی که من داخل در این حرب یعنی جنگ با معاویه شدم از برای هیچ کشته ای این قدر محزون نشدم که برای محمد محزون گشتم، همانا محمد ربیب من بود و من او را به جای فرزند خود گرفته بودم و او نیز با من با برّ و نیکویی رفتار نمود». (2)

محدث قمی رحمه الله می فرماید: «اینک در مصر قبر محمد - که مدفن بقیه اعضای آن ولی صالح یا موضع قتل اوست - مهجور است و عادت اهل سنت چنان است که چون به قبر او برسند پشت به جانب قبر او می کنند و فاتحه برای پدرش ابوبکر می خوانند». (3)

## 15 صفر المظفر

### بیمار شدن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در اثر خوراندن سم

در روز پانزدهم ماه صفر به سال 11 هجری قمری، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در اثر وجع و دردی که به آن حضرت وارد شده بود بیمار گردیده (4) و در اثر این بیماری به شهادت می رسند، چنانکه مرحوم برقی و کلینی روایت نموده اند که امام محمد باقر علیه السلام فرمودند: «زن یهودیه با مسموم نمودن ذراع گوسفند در مجلسی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را مسموم کرده است». (5) این سم چنان مهلک بوده که باعث شهادت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در روز 28 ماه صفر می گردد.

ص: 355

1- انساب الأشراف، ج 2، ص 402؛ مروج الذهب، ج 2، ص 409.

2- مروج الذهب، ج 2، ص 409.

3- وقایع الایام، ص 373.

4- تفسیر القمی، ج 1، ص 175.

5- المحاسن، ج 2، ص 470؛ الکافی، ج 6، ص 315.

## اربعین حسینی علیه السلام

- بازگشت اهل بیت علیهم السلام به کربلا (1)

- جابر اولین زائر کربلا (2)

- ملحق نمودن سرهای مطهر به دست مبارک امام زین العابدین علیه السلام (3)

- پیاده روی شیعیان به سوی قتلگاه امام حسین علیه السلام.

روز اربعین روزی است که چهل روز از شهادت مظلومانه امام حسین علیه السلام و فرزندان و اصحاب با وفایش می گذرد. در چنین روزی به سال شصت و یک هجری قمری، اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که به اسارت به شام برده شده بودند، به مدینه عودت شدند و در راه و مسیر برگشت راه کربلا را انتخاب کردند و بر سر مزار عزیزانشان رفتند و به نوحه و عزا پرداختند.

در این بین جناب جابر بن عبدالله انصاری که از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود وارد کربلا شده بود، عطیه که همراه جابر بوده، می گوید: در بیستم ماه صفر همراه جابر بن عبدالله انصاری بودم چون به کربلا رسیدیم، در آب فرات غسل کرد و پیراهن طاهری که با خود داشت پوشید و روانه شد تا ایستاد نزد سر مبارک قبر مطهر و سه مرتبه گفت: «الله اکبر» و افتاد روی زمین و بیهوش شد، سپس به هوش آمد و گفت: «یا حسین، یا حسین، یا حسین»، سپس گفت: «حبیب جواب حبیبش را نمی دهد...» (4) و اشک می ریخت و ناله می کرد که از دور متوجه سپاهی شدیم که به طرف ما می آمدند، جابر گفت: برو نزدیک بین دوستاند یا دشمن؟ وقتی نزدیک رفتم دیدم کاروان امام زین العابدین علیه السلام است، امام علیه السلام به جابر فرمودند: «ای جابر به خدا سوگند در این مکان کشتند مردانمان و اطفالمان را...» (5). آنگاه امام زین العابدین علیه السلام سرهای مبارک را به بدن های مطهر ملحق نمودند و همراه اهل بیت علیهم السلام مجلس عزا برپا کردند.

شیعیان هر ساله از اطراف و اکناف عالم با پای پیاده از خانه و دیار خود راهی کربلا می شوند و در این روز به فیض زیارت اربعین می رسند.

ص: 356

1- اللهوف، ص 196؛ إقبال الأعمال، ج 3، ص 100؛ آثار الباقية، ص 422؛ توضیح المقاصد، ص 76.

2- مسار الشیعة، ص 26؛ مصباح المتعجب، ص 787.

3- مناقب آل أیطالب علیهم السلام، ج 4، ص 77؛ آثار الباقية، ص 422؛ الإتحاف بحب الأشراف، ج 1، ص 180؛ بحار الأنوار، ج 44، ص 199.

4- بشارة المصطفی، ص 74.

5- أعیان الشیعة، ج 4، ص 47.

## وفات فاطمة بنت أسد، مادر امیرالمؤمنین علیهما السلام

پس از نزول آیه 12 سوره ممتحنه بعد از فتح مکه به سال 8 هجری، (1) فاطمه بنت اسد اولین بانویی بود که با پیامبر اسلام بیعت کرده، (2) بنابراین رحلت این بانوی بزرگوار در سال هشتم هجرت یا بعد از آن واقع شده است؛ آنچه مشهور است در برخی از بلاد عرب، در چنین روزی مراسم سوگواری برای این بانوی بزرگوار اسلام بر پا می کنند.

فاطمه بنت أسد، از دودمان هاشم جد رسول خداست. او نخستین زن از دودمان هاشم بود که همسرش نیز هاشمی بوده و فرزندانش را از هر دو سوی هاشمی به دنیا آورده است؛ (3) برای این بانو، فضایل بسیاری در منابع ذکر شده است که برخی از آنها عبارتند از:

- سرپرستی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم؛

- حمایت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم؛

- مادر امیرالمؤمنین علیه السلام؛

- ولادت فرزند در کعبه؛

- دومین زن مسلمان پس از خدیجه کبری علیها السلام (4)؛

- از نخستین بانوانی که به مدینه هجرت نمود (5)؛

- اولین زن بیعتکننده با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پس از هجرت (6).

از آنجا که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در کودکی، پدر، مادر و جدش را از دست داد، از هشت سالگی تحت سرپرستی عمویش ابوطالب درآمد. (7) فاطمه بنت اسد به عنوان همسر ابوطالب در سرپرستی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شریک بود. مهربانی فاطمه بنت اسد نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چنان بود که پس از درگذشت وی، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «امروز مادرم وفات کرد» و او را در پیراهن خویش کفن کرد و در قبرش فرود آمد و در لحد او خوابید، و فرمود: «جبرئیل به من خبر داد

ص: 357

1- الکافی، ج 5، ص 527.

2- مقاتل الطالبیین، ص 16؛ کشف الغمة، ج 1، ص 306، المناقب للخوارزمی، ص 278.

3- الکافی، ج 1، ص 452.

4- شرح نهج البلاغة لابن أبی الحدید، ج 1، ص 14؛ إحقاق الحق، ج 33، ص 230.

5- الکافی، ج 1، ص 453.

6- مقاتل الطالبين، ص 16 ؛ كشف الغمة، ج 1، ص 306 ، المناقب للخوارزمي، ص 278.

7- الإستيعاب، ج 1، ص 34.



که او اهل بهشت است و خداوند به هفتاد هزار فرشته امر کرده که بر او دعا بخوانند». (1)

و چون به پیامبر گفتند: «ای رسول خدا! برای فاطمه سخت بیتاب گشته ای!» گفت: «او به راستی مادرم بود، چه کودکان خود را گرسنه می داشت و مرا سیر می کرد، و آنان را گردآلود می گذاشت و مرا شسته و آراسته می داشت، راستی که مادرم بود». (2) همچنین نقل است که فرمود: «پس از ابوطالب، کسی چون فاطمه به من نیکی نکرد». (3)

## 24 صفر المظفر

### درگذشت صاحب بن عباد

ابوالقاسم اسماعیل بن عباد فرزند عباس معروف به «صاحب بن عباد رحمه الله» دانشمند شیعی و شاعر اهل بیت علیهم السلام و وزیر دیلمیان در اصفهان بوده که از عوامل مهم ترویج تشیع در اصفهان به شمار می آید و مردم اصفهان تشیع خود را مرهون این شخصیت بزرگ هستند.

از جمله باقیات الصالحات که از خود به یادگار گذاشته، ده هزار بیت در فضایل و منقبت اهل بیت علیهم السلام و تبری از دشمنانشان می باشد.

محدث قمی رحمه الله از صاحب روضات نقل نموده: «قبر صاحب بن عباد در اصفهان در محله ای است معروف به باب طوقچی، قبه و بارگاهی دارد و در زمان ما چون منهدم شده بود، جناب شیخ علامه حاج محمد ابراهیم کرباسی امر به تجدید عمارت آن نمود و به زیارت آن مداومت داشت، عامه مردم تجربه کرده اند که هر کس به زیارت قبر صاحب بن عباد برود یک هفته نمی گذرد که خیر عاجل نصیب او می گردد». (4)

آن جناب در چنین روزی به سال 385 هجری قمری وفات یافت (5) و در محله طوقچی اصفهان به خاک سپرده شد.

## 24 صفر المظفر

### کاغذ و قلم طلب نمودن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای نوشتن وصیت مهم

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در اثر زهر و سمی که زن یهودیه به آن حضرت خورانیده بود، بیمار بودند و در اثر شدت بیماری به فراش افتاده بودند و همه اصحاب را امر نموده بودند که به جیش و

ص: 358

1- الکافی، ج 1، ص 453؛ الأمالی للصدوق، ص 391.

2- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 14.

3- الإستیعاب، ج 4، ص 1891.

4- وقایع الایام، ص 273؛ روضات الجنات، ج 2، ص 41.

5- وفيات الأعیان، ج 1، ص 231.

لشکر اسامه که خارج از شهر مدینه جایگاهی زده بود، پیوندند و کسی از مردان در مدینه نباشد مگر امیرالمؤمنین علیه السلام، ولی بعضی به بهانه های مختلف از این فرمان تخلف کردند و به مدینه برگشتند.

وقتی خبر تخلف از جیش اسامه به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رسید، آن حضرت سخت آزرده خاطر شدند و در چنین روزی در حالی که زیر بغل های حضرت را امیرالمؤمنین علیه السلام و فضل بن عباس گرفته بودند، به مسجد تشریف آوردند، ابوبکر را کنار زدند و خود نماز را به جماعت برگزار کردند. آنگاه به منزل تشریف بردند و جماعتی از اصحاب را طلب نمودند و با غضب و ناراحتی فرمودند چرا به لشکر اسامه نیوستید؟! سپس فرمودند: «کاغذ و دوات بیاورید که مطلبی را برایتان بنویسم و وصیتی کنم که هرگز گمراه نشوید» و آن خلافت و جانشینی امیرالمؤمنین علیه السلام بود.

عمر بن الخطاب از آوردن لوازم نوشتن به شدت منع کرد و گفت: «ان الرجل ليهجر» این مرد هذیان می گوید و به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم گفت: «حسبنا كتاب الله» و سر و صدای حضار بلند شد و در حضور آن حضرت مشاجره درگرفت، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ناراحت شده و غضب نمود و فرمودند: «بلند شوید بروید، سزاوار نیست در محضر من صدا بلند کنید»<sup>(1)</sup> و این گونه از نوشتن وصیت و جانشینی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ممانعت کردند، ولی آن حضرت با این نوشتن بر صفحه تاریخ نوشته اند که خلافت بلافصل، از آن علی بن ابی طالب علیه السلام است.

به گزارش ابن عباس که می گوید: «بزرگترین مصیبت در روز پنج شنبه بود»<sup>(2)</sup> و بنا بر منابع فریقین خاصه و عامه که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در روز دوشنبه رحلت نمودند، چنین استنباط می شود که واقعه طلب کاغذ و قلم در روز 24 صفر رخ داده است.

## 26 صفر المظفر

### امر نمودن مکرر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم به ملحق شدن به سپاه اسامه

پس از اینکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در محرم سال یازده هجری فرمان تشکیل جیش اسامه را برای جنگ با روم صادر فرمودند،<sup>(3)</sup> بعضی از اصحاب منافق تخطی کرده و به جیش اسامه ملحق نشدند و باعث ناراحتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم گردیدند، ولی باز پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم برای چندمین بار اصحاب را امر نمودند که به لشکر اسامه هیجده ساله برای جنگ با رومیان

ص: 359

1- السقیفة و فدک، ص 73؛ الإرشاد، ج 1، ص 183.

2- «يوم الخميس و ما يوم الخميس، الرزية كل الرزية ما حال بين رسول الله صلی الله علیه و آله و بین كتابه»، صحیح بخاری، ج 4، ص 69؛ الطرائف، ج 2، ص 433.

3- تاریخ الطبری، ج 3، ص 184.

پیوندند، (1) چنانچه ذکر شد تخلف بعضی از ملحق شدن به لشکر مانع از حرکت لشکر شده بود و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آنان را لعنت کردند و فرمودند: «خداوند لعنت کند کسی را که از لشکر اسامه تخلف کند» (2) با این همه عمر و ابوبکر و عثمان تخلف کردند و بازگشتند. (3)

## 27 صفر المظفر

### شدت بیماری رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و وصیت مکرر به امیرالمؤمنین علیه السلام

در این روز بیماری و ضعف بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم شدت یافت و رو کردند به امیرالمؤمنین علیه السلام و فرمودند: ای برادر آیا تو وصیت مرا می پذیری و وعده های مرا وفا می کنی و دین مرا ادا می کنی؟ و آیا پس از من به کار خاندان من رسیدگی خواهی کرد؟

امیرالمؤمنین علیه السلام عرض کردند: بلی، ای رسول خدا.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: پس نزدیک من بیا، علی علیه السلام پیش رفت، حضرت او را به خود چسبانده، انگشتری خویش را از دستش بیرون کردند و فرمودند: این را بگیر و به دست خود کن، سپس شمشیر و زره و همه لباس جنگ خود را خواسته و به او دادند، و دستمالی را که هنگام جنگ به شکم خود می بستند آن را نیز خواسته و چون آوردند به امیرالمؤمنین علیه السلام دادند و به او فرمودند: به نام خدا به خانه خویش باز گرد. (4)

### مسمومیت امام رضا علیه السلام توسط مأمون عباسی

در چنین روزی مأمون عباسی، امام رضا علیه السلام را مسموم نمود و پس از سه روز آن حضرت به شهادت رسیدند. (5)

## 28 صفر المظفر

### شهادت مظلومانه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم

در چنین روزی (6) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در اثر غذای مسموم به شهادت رسیدند.

بنا بر روایت امام محمد باقر علیه السلام، زن یهودی های به وسیله غذای مسموم که با زهر آغشته کرده بود (و

ص: 360

1- بحار الأنوار، ج 21، ص 410 و ج 30، ص 428؛ مستدرک سفینة البحار، ج 6، ص 295.

2- تاریخ الطبری، ج 3، ص 186؛ الملل و النحل، ج 1، ص 23؛ شرح نهج البلاغة لابن أبی الحدید، ج 6، ص 52.

3- الطبقات الكبرى، ج 2، ص 146؛ الإرشاد، ج 1، ص 183؛ الجمل و النصره، ص 97؛ ارشاد القلوب، ج 2، ص 338.

4- الإرشاد، ج 1، ص 183.

5- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 453.

6- الإرشاد، ج 2، ص 189 ؛ تهذيب الأحكام، ج 6، ص 2 ؛ روضة الواعظين، ج 1، ص 71.

آن از دست گوسفند تهیه شده بود) آن حضرت را مسموم کرد،(1) و بنا بر روایت امام جعفر صادق علیه السلام، آن دو نفر پیامبر را مسموم نمودند(2) و آن غذای مسموم در بدن شریف پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اثر گذاشت و آن حضرت را بستری نمود تا اینکه در بیست و هشتم ماه صفر به سال 11 هجری قمری به شهادت رسیدند.

بدن شریفشان را حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام با بعضی از اصحاب خاص، غسل و کفن نمود و در حجرة خاص خودشان به خاک سپردند. هم اکنون بارگاه باشکوه و گنبد سبز آن حضرت روشنی چشم هر مسلمان است، خداوند زیارت آن مرقد شریف را روزیمان گرداند.

### تجمع در سقیفه بنی ساعده

پس از رحلت و شهادت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برخی از اصحاب آن حضرت در سقیفه بنی ساعده برای تعیین خلیفه گرد آمدند(3) و برای نماز و تدفین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم حاضر نشدند تا اینکه امیرالمؤمنین علیه السلام کار تغسیل، تکفین و تدفین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را به اتمام رسانید.

تمام مصائبی که بر اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وارد شد از سقیفه بنی ساعده نشأت گرفته که یک نمونه از آن را مرحوم آیت الله محمد حسین کمپانی رحمه الله اینچنین سروده است:

فما رماه إذ رماه حرمة \*\*\* و آثما رماه من مهّد له

سَهْم آتی من جانب السقیفة \*\*\* وقوسه علی ید الخلیفة

و ما أصاب سهمه نحر الصبّی \*\*\* بل کبد الدین و مهجة النّبّی(4)

یعنی: «حرمله نبود که تیر انداخت بلکه کسی تیر را رها کرد که زمینه ساز آن بود، تیری از سوی سقیفه آمد که کمان آن به دست خلیفه بود و تیر او نه بر گلوی کودک، بلکه بر قلب دین و جان پیامبر نشست».

### به نقلی شهادت مظلومانه امام حسن مجتبی علیه السلام

و نیز در چنین روزی طبق نقلی شهادت جانگداز امام حسن مجتبی علیه السلام به سال 50 هجری قمری واقع شده(5) و قبلاً ذکر نمودیم که در روز هفتم صفر نیز نقل شده و اکثر بلاد عرب و عجم آن روز یعنی هفتم صفر را بزرگ می شمارند و مجلس عزا و ماتم برپا می کنند.

شهادت امام حسن علیه السلام به حيله و نیرنگ معاویه به دست جعده، همسر آن حضرت صورت

ص: 361

1- المحاسن، ج 2، ص 470؛ الکافی، ج 6، ص 315.

2- تفسیر العیاشی، ج 1، ص 200.

- 3- الكامل فى التاريخ، ج 2، ص 325.
- 4- الأنوار القدسية، محمد حسين غروى اصفهانى، ص 99.
- 5- مسار الشيعة، ص 47؛ مصباح المتهد، ص 790.

گرفت، بدین صورت که زهر کشنده ای همراه با صد هزار درهم برای وی فرستاد و وعده داد که او را به عقد یزید درآورد که پس از ارتکاب این جنایت معاویه به وعده اش عمل نکرد. (1) (جعه دختر اشعث بن قیس بود).

## آخر صفر المظفر

### دفن بدن مطهر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

در شب آخر ماه صفر به سال 11 هجری قمری بدن پاک و مطهر پیامبر اسلام، حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم توسط امیرالمؤمنین علیه السلام به خاک سپرده شد.

با توجه به گزارش بسیاری از محدثین بر اینکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روز دوشنبه (28 صفر) به شهادت رسیدند و با توجه به گزارش ابن کثیر که می نویسد: «... و الصحيح انه مكث بقية يوم الإثنين و يوم الثلاثاء بكماله و دفن ليلة الأربعاء» (2) یعنی: «... و صحيح آن است که بدن مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دو روز یعنی روز دوشنبه و روز سه شنبه بر روی زمین باقی بود و در شب چهارشنبه به خاک سپرده شده است» و بر اساس اینکه ماه صفر سی روزه بوده، چنین به دست می آید که بدن مبارک آن حضرت در شب آخر ماه صفر به سال 11 هجری قمری توسط امیرالمؤمنین علیه السلام به خاک سپرده شده است.

مصیبت و فاجعه غم انگیز رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از یک سو و بیاحترامی و بیتوجهی مردم به مراسم تدفین آن حضرت، بلکه مناظره و اختلافشان بر سر جانشینی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از طرف دیگر، دل حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و امیرالمؤمنین علیه السلام را سخت آزرده بود.

اعمش می گوید: «پیامبرشان از دنیا رفت و مردم هم و غمی جز انتخاب خلیفه نداشتند، عده ای می گفتند: خلیفه از ما باشد و عده ای دیگر نیز می گفتند: خلیفه از ما باید باشد». (3)

امام محمد باقر علیه السلام می فرماید: «مردم روز دوشنبه و شب سه شنبه را بر بدن آن حضرت نماز می خواندند، و عموم مردم حتی خواص و نزدیکان حضرت بر بدن مبارک نماز خواندند، اما هیچیک از اهل سقیفه بر غسل و کفن و دفن حضرت حاضر نشدند. امیرالمؤمنین علیه السلام بریده اسلمی را برای خبر دادن نزد آنان فرستاد، ولی اعتنایی نکردند و بعد از دفن آن حضرت بیعت آنان هم تمام شد». (4)

ص: 362

1- الإرشاد، ج 2، ص 16؛ الإستیعاب، ج 1، ص 389.

2- السيرة النبوية، ج 4، ص 540.

3- تقریب المعارف، ص 256.

4- مناقب آل أبي طالب عليهم السلام، ج 1، ص 239.

در چنین روزی به سال 203 هجری قمری، امام رضا علیه السلام توسط مأمون عباسی مسموماً به شهادت رسیدند. (1)

مأمون عباسی که حضرت امام رضا علیه السلام را به عنوان ولیعهد خود به مرو آورده بود، از شهرت و اقبال مردم به آن حضرت بسیار هراسناک شده بود و آخرالامر تصمیم بر قتل آن حضرت گرفت و در روز بیست و هفتم صفر حضرتش را با آب انگور زهرآلود و به گزارش برخی با انار زهرآلود مسموم نمود که در این روز منجر به شهادت آن حضرت شد و امام جواد علیه السلام به اعجاز از مدینه به مرو تشریف فرما شدند و بدن پدر را غسل و کفن کرده و نماز خواندند. (2)

سپس مأمون برای فریب دیگران تظاهر به حزن نموده و بر بدن آن حضرت نماز خواند (3) و حضرتش را خواستند پهلوی هارون الرشید دفن کنند که زمین شکافته نشد تا اینکه بالای سر هارون رسیدند، دیدند قبری آماده و مهیا می باشد و حضرت را در میان آن قبر به خاک سپردند. (4)

ص: 363

- 
- 1- تاریخ خلیفه بن خیاط، ص 312؛ المقالات و الفرق، ص 94؛ إعلام الوری، ج 2، ص 41؛ كشف الغمّة، ج 2، ص 267.
  - 2- عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 243 و ص 245.
  - 3- عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 244؛ تاریخ الطبری، ج 8، ص 568.
  - 4- عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 244.



فروز

اشاره

عيد غدیر شمسی

ص: 364

روز عید باستانی ایرانیان یکی از موضوعات کهنی است که مورد توجه مورخان بوده و راجع به پیدایش و تاریخچه آن مطالبی نقل کرده اند که از حوصله این نوشتار خارج است و ما مختصراً آن را نقل می کنیم. بعضی نقل کرده اند که: در زمان گشتاسب نوروز در اول حمل بوده و چون سی سال از پادشاهی او گذشت، زرتشت بیرون آمد و گشتاسب آیین زرتشت را پذیرفت، زرتشت نوروز را در اول سرطان قرار داد، بنابراین «اول حمل» نوروز یزدانی و «اول سرطان» نوروز زرتشتی است.

«تاریخ و تعالیم زرتشت» می نویسد: «زرتشتیان به عید نوروز اهمیت بسیاری می دادند و آن را طی آیینی ای مخصوصی مانند دعا و نیایش، مراسم عشای ربانی، نذر، قربانی و غذا دادن گرامی می داشتند و پادشاهان نیز با انجام تشریفات و مراسم خاصی این عید را بزرگ می داشتند». (1)

«تاریخ کامل ایران» می نویسد: «یکی از مهمترین اعیاد ایام ساسانیان نوروز بوده که جشن بزرگی بوده و اولین روز سال محسوب می شده است (سپس می نویسد) باید دانست که گرچه اولین ماه سال فروردین نام داشته ولی مانند امروز این ماه از اول بهار شروع نمی شده بلکه ابتدای آن در اول تابستان بوده است و نوروز در اول تیر تقویم کنونی آغاز می شده است» (2) و در زمان سلجوقیان از ابتدای بهار سال شمسی محاسبه گردید. (3)

بعضی گفته اند: «جمشید در دوره خود این روز را نوروز نامید و عید گرفت و به مردم بخشش ها نمود»؛ وی پسر طهمورث، برادر و یا برادرزاده طهمورث بوده و می گویند: «در روز تحویل آفتاب به حمل تاجی مکمل به جواهر بر سر خود نهاد و بر سریری که بر سر ستون ها بوده نشست و آن روز را نوروز خواند». (4)

لذا نوروز از همان دوره های باستان در نزد پادشاهان گرامی و بزرگ بوده و بعد از اسلام خلفای عباسی بیش از همه به آن بهاء دادند و در چنین روزی جلوس می کردند و جمیع طبقات لشکری و کشوری در مجلس خلیفه حاضر می شدند و به خلیفه تبریک می گفتند و هدایا می آوردند.

آنچه درخور تأمل است این است که از زمانیکه بنی امیه و بنی العباس خلافت را به سلطنت تبدیل کردند، نوروز را نیز احیا نمودند و برای اینکه با قیام های گوشه و کنار ایران مقابله کنند، حکومت خویش

ص: 365

1- تاریخ و تعالیم زرتشت، ص 95.

2- تاریخ کامل ایران، عبدالله رازی، ص 126.

3- تاریخ اسلامی ایران، جعفریان، ج 2، ص 163.

4- نوروز نامه، خیام، بخش دوم، آغاز کتاب.

را ملّی اسلامی جلوه می دادند و خود را مروج و مدافع آداب و سنن متروک باستانی معرفی می کردند و از طرفی خلفای بنی امیه و بنی العباس تشریفات سلطنتی و تجملات درباری به شیوه سلاطین ایران را پسندیده و همانند آنها بر تخت می نشستند و بار عام می دادند تا دربار خود را بهتر از دربارهای امپراطوری روم و ایران جلوه دهند.

البته نفوذ وزرای ایرانی در دربار خلفای بنی العباس بیتأثیر نبوده است، ولی بعضی برآند که آل بویه و دیلمیان که شیعه بودند آغاز سال را اول فروردین قرار دادند، و سلجوقیان به تبع دیلمیان این تاریخ را انتخاب نمودند و این کار آنها به جهت این بوده که 18 ذیحجه الحرام سال دهم هجری قمری که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم علی علیه السلام را به خلافت و جانشینی منصوب و معرفی نمودند با اول فروردین مطابق بوده، لذا در میان تواریخ سال شمسی را که اول سال ایرانیان قبل از اسلام بوده پذیرفته و ابتدای آن را از تیر ماه به اول فروردین برگرداندند و آن را به عنوان اول سال شمسی هجری اختیار کردند و این تا زمان ما باقی مانده است.

### نوروز در روایات

ابن شهر آشوب نقل می کند: «روزی منصور عباسی به امام موسی بن جعفر علیه السلام پیشنهاد کرد که روز نوروز برای تبریک به جای خلیفه جلوس کند و هر چه نزد او آوردند، دریافت نمایند.

امام علیه السلام فرمودند: «من اخباری را که از جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رسیده، بررسی کردم و از این عید خبری ندیدم، این روش فارسیان (ایرانیان قبل از اسلام) بوده و اسلام آن را محو نموده و معاذالله آنچه را که اسلام محو کرده من زنده کنم».

منصور گفت: «ما اینکار را برای سیاست لشکر خود می کنیم، به خدای علی العظیم باید جلوس کنی!»

حضرت جلوس کردند و ملوک و امرا و لشکریان نزد حضرتش آمده و تبریک می گفتند، بعضی از ابهت و جلال آن حضرت به شغف آمده و اشک می ریختند و هدایا و تحف بسیاری برای حضرتش آوردند و خادم منصور که بالای سر آن حضرت ایستاده بود آنچه را می آوردند زیر نظر داشت و می شمرد و می نوشت. در میان مردم، مرد بسیار پیری آمد و عرض کرد: «یا بن رسول الله! من مردی بیچاره ام و مالی ندارم ولی سه بیت شعر را که جدم دربار جدم امام حسین علیه السلام سروده است برایتان تحفه آورده ام» و سپس آنها را سرود و خواند.

حضرت فرمودند: «هدیه تو را پذیرفتم، بنشین بارک الله فیک!» سپس سر برداشتند و به خادم خود

فرمودند: «نزد خلیفه برو و این اموال را به او معرفی کن و بگو با آنها چه باید کرد»؟ خادم رفت و برگشت و گفت: «منصور می گوید: همه را به امام موسی بن جعفر علیه السلام بخشیدم، هرچه خواهد با آنها عمل کند». امام علیه السلام رو به آن پیرمرد کردند و فرمودند: «من تمام این اموال را به تو بخشیدم».(1)

در روایت دیگری معلی بن خنیس می گوید: روز نوروز خدمت امام جعفر صادق علیه السلام رسیدم، آن حضرت به من فرمودند: «ایا می دانی نوروز چه روزی است»؟ عرض کردم: «فدایت شوم! این روزی است که ایرانیان آن را گرامی می دارند و در آن به یکدیگر هدیه و عیدی می دهند». امام علیه السلام فرمودند: «سوگند به این خانه کهن که در مکه است این روز ریشه ای کهن دارد که برای توضیح می دهم تا آن را بدانی». عرض کردم: «ای آقای من آموختن آن از شما نزد من محبوبتر است از زنده شدن مردگانم و مرگ دشمنانم»! آنگاه امام علیه السلام فرمودند: ای معلی! روز نوروز، همان روزی است که:

- خداوند در آن از بندگان پیمان گرفت که او را بپرستند و هیچ شریکی برایش نگیرند و به پیامبران و حجت های او و امامان علیهم السلام ایمان بیاورند.

- «نوروز» نخستین روزی است که خورشید در آن طلوع کرد و بادهای وزیدن گرفت و گلها و شکوفه های زمین آفریده شدند.

- «نوروز» روزی می باشد که کشتی نوح علیه السلام بعد از طوفان به کوه جودی نشست.

- «نوروز» روزی است که حقتعالی گروهی را که هزاران نفر بودند و از خانه های خود از ترس مرگ فرار کردند و (در بیابان) مردند دوباره زنده کرد.(2)

- «نوروز» روزی است که جبرئیل در آن بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد.(روز مبعث)

- «نوروز» روزی است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، علی علیه السلام را بر دوش خود بلند کرد تا توانست بت های قریش را از فراز بیت الحرام (کعبه) به زیر افکند و بشکند.

- «نوروز» روزی است که حضرت ابراهیم علیه السلام بت های نمرودیان را شکست.

- «نوروز» روزی است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اصحاب خود را امر کرد تا با علی علیه السلام به عنوان امیر مؤمنان بیعت کنند.(روز غدیر)

- «نوروز» روزی است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم امیرالمؤمنین علیه السلام را به سوی جنیان فرستاد تا از آنان برای او بیعت گیرد.

ص: 367

1- مناقب آل ائمه علیهم السلام، ج 4، ص 318.

2- اشاره به آیه 244 سوره بقره.

- «نوروز» روزی است که با امیرالمؤمنین علیه السلام برای بار دوم بیعت شد.

- «نوروز» روزی است که امیرالمؤمنین علیه السلام بر خوارج نهروان ظفر یافت و سرکرده آنان ذوالثدیه را کشت.

- «نوروز» روزی است که قائم ما عجل الله فرجه ظاهر گردد و امامان دیگر نیز رجعت خواهند کرد.

- «نوروز» روزی است که قائم ما عجل الله فرجه بر دجال پیروز گردد و او را در میدان کناسه کوفه به دار آویزد.

- و روز نوروزی نیست مگر اینکه ما توقع فرج را در آن داریم، زیرا آن از روزهای ما و شیعیان ماست، مردمان عجم احترام آن را نگهداشتند و شما آن را ضایع کردید. (1)

در روایتی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «برای علی علیه السلام هفده اسم است، نام او نزد عرب، علی؛ نزد مادرش، حیدر؛ در تورات، الیا؛ در انجیل، بریا؛ در زبور، قریا؛ نزد رومیان، بطرسیا و نزد اهل فارس نوروز است...» (2). در «مناقب» نیز در باب عید غدیر از ابن عباس روایت می کند که: «در روز غدیر پنج عید جمع شد: جمعه و غدیر و عید یهود و عید نصاری و عید مجوس (نوروز) و پیش از آن شنیده نشده بود که این اعیاد با هم در یک روز جمع شوند» (3).

گرچه روایات متعددی در مورد نوروز وجود دارد که در کتب دینی و احادیث ذکر شده ولی از جهت سندی تضعیف شده اند، لذا ما نمی توانیم «نوروز را به عنوان نوروز» عید مذهبی و دینی بدانیم، بدین جهت علامه مجلسی رحمه الله پس از نقل روایات نوروز می فرماید: «این اخبار با خبر معلی ناسازگار است و نشان می دهد که نوروز اعتبار شرعی ندارد، چون خبر معلی سندش قوی تر و شهرتش در میان اصحاب بیشتر است و می توان آن را حمل بر تقیه کرد زیرا در خبر معلی نکاتی وجود دارد که حاکی از تقیه است» (4).

بنابراین با صرف نظر از صحت سندی روایات ذکر شده می گوئیم: اگر در روایات، «نوروز» ذکر شده در آنها اشاره به وقایع دینی مثل «انتصاب علی بن ابیطالب علیه السلام به خلافت» عنوان شده که در این روز بوده و چه بسا بدین وسیله امامان بزرگوار می خواسته اند ما را از رسوم جاهلی قبل از اسلام برهانند و متوجه حقایق دینی بگردانند نه اینکه نوروز را به عنوان عید نوروز تأیید کرده باشند، لذا به نظر ما هر دو دسته از اخبار فاقد شرایط حجیت هستند و همانگونه که امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: «نوروز ما هر روز است» (5) و «هر روزی که در آن نافرمانی خدا نشود، آن روز عید است» (6) البته دید و بازدید همچنانکه در ایران سنت است، اشکال ندارد.

ص: 368

1- بحار الأنوار، ج 56، ص 91.

2- الفضائل، ابن شاذان، ص 175.

3- مناقب آل ابیطالب علیهم السلام، ج 3، ص 24.

4- مناقب آل ابیطالب علیهم السلام، ج 3، ص 100.

5- من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 300.

6- روضة الواعظین، ج 2، ص 354.

## مصادف بودن نوروز با هجدهم ذیحجه الحرام و عید غدیر خم

«دکتر ذبیح الله صفا» می نویسد: «نوروز با زمان جلوس حضرت علی علیه السلام به ولایت و خلافت توافق داشته است به این معنی که «غدیر خم» در سال دهم هجری مطابق با 29 حوت و روز چهاردهم از خمسۀ مستترقه و بالاخره نزدیک به فروردین ماه و اول نوروز بوده است و نیز برخی جلوس حضرت علی علیه السلام به خلافت را که در 18 ذیحجه سال 35 هجری قمری اتفاق افتاده است با نوروز جمشیدی مصادف می دانند» (1).

همچنین جناب آقای «دکتر ابوالفضل نبی» در کتاب «گاهشمارى در تاریخ» می نویسد: «با تعبیر تشیّع از نوروز این عید در فرهنگ امروزی اجتماع ما غیر از عید ملی و جشن آغاز تحویل سال است بلکه از اعیاد و یا مجموعه ای از اعیاد مقدس اسلامی و مذهبی به شمار آمده و از زمانی که نفوذ تشیّع در ایران روی به فزونی نهاد و به خصوص از زمان صفویه که دولت شیعی به حاکمیت رسید و از آن تاریخ به بعد مذهب تشیّع مذهب رسمی ایران شناخته شد، نویسندگان و گویندگان در اعصار مختلف در نثر و نظم خویش این روز را با روز «عید غدیر» و همچنین آغاز خلافت حضرت علی علیه السلام یکی گرفتند» (2).

شاعران دوره های مختلف چون «قآنی شیرازی» و «سید احمد هائف اصفهانی» اشعار نغز و غزایی دارند که عید غدیر خم را با عید نوروز باستانی هم زمان می دانند.

«قآنی شیرازی» در منقبت مظهر العجائب، اسدالله الغالب، حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام می گوید:

رساند باد صبا مژده بهار امروز \*\*\* ز توبه توبه نمودم هزار بار امروز

بدیع نیست دلا، گر جهانیان مستند \*\*\* بدیع آنکه نشسته است هوشیار امروز!

به کام اهل سعادت دمید گل، از شاخ \*\*\* به چشم اهل شقاوت، خلید خار امروز

رسد به گوش دل این مژده ام زهاتف غیب \*\*\* که گشت شیر خداوند، شهریار امروز

به جای خاتم پیغمبران باستحقاق \*\*\* گرفت خواجه کروبیان قرار امروز

بر غم دشمن ابلیس خو پدید آمد \*\*\* ز آستین خفا دست کردگار امروز

نشست صاحب مسند، فراز مسند حق \*\*\* شکفت فخر و بپژمرد، عیب و عار امروز

به گرد نقطه ایمان کشید بار دگر \*\*\* مهندس ازلی آهنین حصار امروز

ز کاربندی معمار کار خانه غیب \*\*\* بنای دین خدا گشت استوار امروز

---

1- «جشن نوروزی»، ذبیح الله صفا، مجله مهر، ص 168.

2- گاهشماری در تاریخ، ابوالفضل نبی، ص 135.

رسید با خطر موج، کشتی اسلام \*\*\* به بادبانی لطف تو، بر کنار امروز

به ممکنات ز آغاز دهر تا انجام \*\*\* جلال بار خدا گردد آشکار امروز

همچنین سید احمد هاتف اصفهانی در ابیاتی چنین سروده است:

نسیم صبح، عنبر بیز شد بر توده غبرا \*\*\* زمین، سر سبز، سرین خیر شد چون گنبد خضراء

ز فیض ابر آزادی زمین مرده شد زنده \*\*\* ز لطف باد نوری، جهان پیر شد برنا

به پاسخ نارون گفتش: کز اطفال چمن بگذر \*\*\* که امروز امهات از شوق در رقصند با آبا!

همایون روز (نوروز) است امروز و به فیروزی \*\*\* بر او رنگ خلافت کرده (شاه لافتی)، مأوا

همانطور قبلاً ذکر کردیم، در روایات آمده است: «نوروز روزی بوده که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، امیرالمؤمنین علیه السلام را به جانشینی و خلافت منصوب نمودند و به جهانیان معرفی کردند» لذا با تأمل در این روایات چنین بر می آید که نوروز با ولایت اهل بیت علیهم السلام پیوندی دارد که متأسفانه به فراموشی سپرده شده است و چه نیکوست مؤمنین در این روز به حقیقت ولایت اهل بیت علیهم السلام توجه کنند و این سنت فراموش شده (عید ولایت شمسی) را زنده کنند و آن را به نام «عید غدیر شمسی» پاس بدارند و چنانکه در روایات ذکر شده که: «در این روز قائم آل محمد علیه السلام ظاهر خواهد شد و امامان دیگر نیز رجعت خواهند کرد» چه نیکوست هر روزی از دوازده روز ایام نوروز را به نام نامی یکی از امامان معصوم علیهم السلام گذاشته و در آن روز به بزرگداشت ولایت آن امام علیه السلام همت گماریم و هنگام دید و بازدید و مصافحه این جمله را بگوییم: «الحمد لله الذی جعلنا من المتمسکین بولایة امیرالمؤمنین و الائمة المعصومین علیهم السلام».

در این صورت است که نوروز نماد اتحاد کلمه همه مسلمانان می شود که در کنار یکدیگر بودن و لذت بردن از طراوت طبیعت با توجه به ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام و فرزندان معصومش، منتظر ظهور موفور السرور آخرین حجت الهی گردند.

باید این نکته را تذکر دهیم که: در روایات نوروز کلمه «عید» بر عنوان «نوروز» به کار نرفته و این روز را به عنوان نوروز فارس ها، عید دینی و اسلامی معرفی نکرده اند، ولی با توجه به احادیثی که می فرماید، روز



انتصاب امیرالمؤمنین علیه السلام به خلافت و ولایت توسط پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در روز غدیر خم منطبق با نوروز بوده، می توان آن را «عید غدیرشمسی» نامید که متأسفانه به علت عدم آگاهی دادن و فرهنگ سازی نمودن، این حقیقت به فراموشی سپرده شده است.

## یک مکاشفه

اول فروردین در تهران منزل یکی از نزدیکان و دوستان قدیمی مهمان بودم، میزبان و دیگر اعضای خانواده میزبان - چون اول فروردین بود و ایرانیان برای اول فروردین و روز تحویل سال شمسی مراسم ویژه ای دارند - دور هم جمع شده بودند و مختصر جشنی گرفته بودند، من نیز به تبع آنان کنارشان در مجلسشان شرکت کردم.

میزبان سفره هفت سین پهن کرده بود و همه لباس های نو پوشیده و بخور روشن کرده بودند و چون میزبان شخص مقدسی بود مشغول خواندن قرآن و دعا و منتظر تحویل سال بود و من که دیشب آن روز کم خوابیده بودم و احساس خستگی می کردم از میزبان اجازه گرفتم و در اطاق دیگری قدری به استراحت پرداختم که در عالم مکاشفه دیدم:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و همراهانشان از مکه خارج شدند در حالیکه جمع بسیار زیادی همراه آن حضرت بودند تا اینکه رسیدند به مکان گودی که درختان پراکنده داشت، آن حضرت زیر درختی نزول اجلال نمودند و دستور دادند همه مسلمانان جمع شوند تا برایشان خطبه ای بخوانند، من که از بالا نظاره گر بودم، دیدم مردم مثل سیل از هر طرف راهی آن مکان گود که سرایشی بزرگی داشت شدند، سپس برای حضرتش منبری تهیه کردند و همه حلقه وار دور آن منبر نشستند. آنقدر جمعیت زیاد بود که آن گودال بزرگ پر شد و مردم در سرایشی های آن گودال تا بالای آن نشستند (درست مثل زمین فوتبال که تماشاچیان دور تا دور زمین می نشینند و همه اشراف بر وسط زمین دارند).

من نیز به همراه جمعیت دیگری که به مراتب از مسلمانانی که گرداگرد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم جمع شده بودند، بیشتر بودیم از عالم ذر همراه ملائکه و طایفه جن به سوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم حرکت کردیم، شور و غوغای شگفت آوری برپا بود، وقتی به نزدیکی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم رسیدیم، ما در بالای سر آن حضرت گرداگرد حضرتش حلقه زدیم، سپس بالای سر ما طایفه جن حلقه زدند و فوق آنها ملائکه بودند، آنگاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شروع به خطبه کردند. از هیچ موجودی اعم از انسان و غیر انسان صدایی بلند نمی شد، حتی سرفه و عطسه از شخصی سر نمی زد و

حتی حیوانات و احشامی که همراه حاجیان بودند سکوت کرده بودند و همه خلایق گوش فرا داده و مبهوت فرمایشات حکمت آمیز آن حضرت شده بودند که ناگهان صدایی مانند تیک تاک ساعت به گوشم رسید، آهسته و با اشاره به فردی که کنارم بود گفتم: این صدای چیست؟!

او آرام و آهسته گفت: صدای تحویل سال است که بر ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام می گردد، یادم آمد که امروز اول فروردین است و نزد بعضی از اقوام مثل ایرانیان اول سال شمسی است و این روز را عید می گیرند و یادم آمد من میهمان آقای «ح» هستم و اینجا چه می کنم؟! که ناگهان صدای تیک تاک ساعت قطع شد و درست در لحظه ای که به اصطلاح سال تحویل شد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم علی بن ابیطالب علیه السلام را با دست مبارکشان بلند کردند و به همه خلایق نشان دادند و فرمودند: «این آقا خلیفه من و جانشین و وصی من است».

«من كنت مولاه فهذا علي مولاه، اللهم وال من والاه و عاد من عاداه و انصر من نصره و اخذل من خذله»

تمام این مدت که در آن عالم بودم و زمان بسیاری گذشته بود، علی بن ابیطالب علیه السلام روی دست پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم قرار داشت و من از قدرت و صلابت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در شگفت بودم که چگونه این همه مدت حضرت علی علیه السلام را سر دست بلند کرده و خطبه ایراد می کنند!!! سپس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم امر نمودند همه خلایق اعم از جن و انس و ملک، کوچک و بزرگ، زن و مرد، همه و همه با علی علیه السلام بیعت کنند در حالی که همگی برای بیعت با آن حضرت سبقت می گرفتیم و فریاد می زدیم: «لیبیک یا امیرالمؤمنین، لیبیک یا امیرالمؤمنین ...».

ناگهان از سر و صدا و شادی اهل خانه که پای تلویزیون نشسته بودند و برنامه تحویل سال را دنبال می کردند، به خود آمدم و گفتم: «الحمد لله الذی جعلنا من المتمسکین بولاية امیرالمؤمنین و الائمة المعصومین علیهم السلام». بعدها که به تاریخ مراجعه کردم دیدم عید غدیر خم سال دهم هجری منطبق با اول فروردین بوده، یعنی اول سال شمسی هجری روز عید سعید غدیر خم بوده است و در حقیقت این ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام است که باعث گردش زمین و طراوتش می گردد و جان تازه ای به زمین می بخشد، لذا دقیقاً زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دست علی علیه السلام را به عنوان خلیفه خود بلند کردند سال تحویل می گردد و این ساعت در هر سالی در اول فروردین بر حسب محاسبات نجومی به گردش در می آید و چه نیکو بوده و هست که مؤمنان ابتدای سال هجری شمسی خود را از هیجدهم ذی الحجه سال دهم هجری قمری شروع کنند و هنگام تحویل سال به یاد تحویل ولایت به امیرالمؤمنین علیه السلام

بیفتند و ایمان به ولایت آن حضرت را به یکدیگر تبریک گویند.

و پر واضح است این دعا که می فرماید: هنگام تحویل سال بگویند: «یا محول الحول و الأحوال حوّل حالنا إلى أحسن الحال» (1) یعنی: «ای دگرگون کننده زمان و حالات، دگرگون کن حال ما را به نیکوترین حال» این نیکویی حال فقط و فقط زیر سایه ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام و فرزندان معصومش ایجاد می شود که بشریت زیر بار آن نرفت و خلائق را دچار ظلمت و غیبت و دوری از امام معصوم علیه السلام کردند و به محرومیت ها مبتلا شدند، پس همه باید برای ظهور موفورالسرور آخرین فرزند معصوم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم یعنی امام زمان علیه السلام دعا کنیم، چنانکه در خبری نیز آمده است نوروز، روز ظهور امام زمان علیه السلام است، تا با ظهور آن حضرت حال مادی و معنوی ما به بهترین و نیکوترین حال برسد.

و به جهت توجه به ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام و دعا برای فرج فرزند دلبنده بقیه الله ارواحنا فداه، امید است که خدای تعالی در آستانه سال نو و شکوفایی شگفت انگیز طبیعت، زندگی سال جدید ما را به بهترین وجه نیکو گرداند و با دیدن تحوّل شگفت انگیز بهاری، یادآور آن تحول بزرگ ظهور امام زمان علیه السلام شویم و خود را با زندگی صحیح برای یاری آن حجت خدا مهیا نماییم.

اکنون وقت آن رسیده که مردان مؤمن و زنان مؤمنه دست از رسومات جاهلی قبل از اسلام بردارند و با توجه به درس و نوید بهار به بهار ظهور موفورالسرور امام زمان علیه السلام، شادی هایشان را در جهت رضا و خشنودی آن حضرت قرار دهند.

## یک خاطره

روزی هنگامی که در مشهد مقدس ساکن بودم، موضوع «عید غدیر شمس» را برای یکی از دوستان افغانم که از علما بود شرح دادم، او این موضوع را پسندید و بسیار شگفت زده شد و گفت: تا به حال هیچ کس این موضوع را مطرح نکرده است و چه زیبا می توانیم مؤمنان را در «نوروز» متوجه ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام کنیم!!! و عجیب اینکه ما در کشورمان خراسان (افغانستان) همه ساله در مزار شریف که منسوب به علی بن ابیطالب علیه السلام است هنگام تحویل سال در اول فروردین جمع می شویم و فریاد «یا علی» سر می دهیم، چه بسا این سنت در مزار شریف به همین جهت باشد که غدیرخم در اول فروردین بوده است.

ماه ها بعد، این دوست گرامی با من تماس گرفت و به دیدنم آمد و فرمود من این موضوع را در «نوروز»

ص: 373

هنگامی که مردم در مسجد جمع شده بودند، تبلیغ کردم و گفتم: «در چنین روزی (اول فروردین) از سال شمسی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم علی بن ابیطالب علیه السلام را به جانشینی و خلافت خود برگزید و به جهانیان معرفی نمود» سپس مطالبی پیرامون «غدیر خم» بیان کردم و گفتم: «بیاید در این روز و در این ساعت تحویل سال به امر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که فرمود: زنان و مردان مؤمن با امیرشان علی بن ابیطالب علیه السلام بیعت کنند، ما نیز با گفتن «لیک» با آن حضرت بیعت کنیم».

لذا در لحظات تحویل سال سکوت کردم تا اینکه صدای ثانیه های ساعت از سال گذشته از بلندگوی مسجد پخش شد و هنگامی که صدای تیک تاک ساعت جهت تحویل سال قطع شد، همه جمعیت از زن و مرد فریاد زدیم:

یا علی، یا علی، یا علی، ...

لیک یا امیرالمؤمنین، لیک یا امیرالمؤمنین، لیک یا امیرالمؤمنین، ...

الحمد لله الذي جعلنا من المتمسكين بولاية امير المؤمنين و الائمة عليهم السلام

يا محول الحول و الأحوال حول حالنا إلى أحسن الحال

شور عجیبی در میان شیعیان برپا شد، شعر و سرود در مدح آن حضرت خوانده شد و پس از آن همه یکدیگر را در آغوش گرفته و مصافحه و روبوسی نمودیم و ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام را به یکدیگر تبریک گفتیم، آن قدر فضا روحانی شده بود که چند مریض صعب العلاج شفا یافتند و گفت: در سال های آتیه هر کجا باشم در لحظه تحویل سال جدید (اول فروردین) با گرمی داشتن ولایت مولایم امیرالمؤمنین علیه السلام با آن حضرت بیعت کرده و دوازده روز به نام دوازده امام معصوم شاد بوده و خدای تعالی را بر این نعمت بینظیر شکر و سپاس می گویم و به همه مؤمنان تبریک گفته و این رسالت را می رسانم.

این دوست عزیز، این لطف و عنایت معنوی را که شرح داد از تذکر این حقیر می دانست که «عید غدیر شمسی» را به او معرفی کرده بودم.

### خرافه پردازی هایی از جاهلیت قبل از اسلام

یکی از خرافه هایی که قبل از اسلام بین مردم ایران و بعضی از ممالک همجوار رایج بوده و هست «روز چهارشنبه سوری» است که به چهارشنبه آخر سال شمسی می گویند. در حالی که همه قبول دارند که ریشه تاریخی چهارشنبه سوری از عقاید مجوسه ای قبل از اسلام بوده ولی در عین حال برخی از مسلمانان به آن پایبند بوده و خود را برای عمل به مراسم آن ملزم می دانند، از جمله آتش روشن کرده و

هفت مرتبه از روی آتش می پرند و درخواست سلامتی از آتش می کنند و هفتمرتبه به آتش می گویند: زردی من از تو، سرخی تو از من... و یا در مراسم قاشق زنی، ظرفی را با یک قاشق برداشته و شبانه در حالی که سر و صورت خود را پوشانده اند، به در خانه یکدیگر می روند و با زدن قاشق به کف ظرف تقاضای خوراکی می کنند و اینقدر قاشق را به کف ظرف می زنند که صاحب خانه را منزجر کرده و صاحب خانه برای رهایی از سر و صدای آنها مجبوراً به آنها چیزی می دهد و این گدایی را نوعی تبرک و برکت به شمار می آورند و در این بین چه سرقت ها و تجاوزها به حریم شخصی افراد که نمی شود.

باید به این حقیقت توجه داشت که بیشتر مردم ناآگاهانه دست به این اعمال خرافی می زنند که در اثر آن چه آسیب های جبران ناپذیری به خود و دیگران وارد می کنند از قبیل: دزدی ها، آتش سوزی ها، نقص عضوها و تخریب چهره شهر و مزاحمت و اذیت رساندن به دیگران و ...

لذا فقهای عظام و علمای بزرگ اسلام، بزرگداشت بعضی از مراسم جشن نوروز مثل پریدن بر آتش و تقاضای سلامتی از آتش و چهارشنبه سوری را به هر نحوی که باشد، حرام می دانند، زیرا زنده کردن آئین جاهلیت و مجوس حرام می باشد.

از دیگر خرافات شایع، نحس دانستن سیزدهم فروردین است که می گویند با پختن سمنو از نحوست خارج می گردند و یا اینکه در روز سیزدهم با خارج شدن از خانه و شهر، نحوست را بیرون می برند و یا اینکه سبزه ای که از قبل در ظرفهایی کاشته اند، در روز سیزدهم به بیرون از خانه پرتاب می کنند که با پرتاب آن نحوست از آنها دور می شود.

اینها یک سلسله موهومات و خرافاتی است که باید با آنها مبارزه فرهنگی کرد و مردم باید قبل از هر چیزی این باورهای غلط را با تصحیح عقاید از روی بینش و عقل از خود دور کنند و بدانند هیچ چیز در عالم طبیعت نداریم که نحس باشد، بلکه هر روزی در جای خود خوب است و همه روزهای خداوند خوب هستند، بلکه این ما هستیم که در اثر عمل خود، آن روز یا آن ساعت و یا ماه و سال را خوب می بینیم و با اعمال و کردارمان آن را به بدی تبدیل می کنیم. لذا باید با برنامه ای قاطع و فراگیر، خرافی بودن این موضوعات را به مردم رساند و از طریق سخنرانان و کانون های تربیتی اعم از دانشگاه، مدارس و رسانه های جمعی، آگاهی و حقیقت را به مردم رساند تا از این اعمال خرافی پرهیز کنند.

## یک پیشنهاد

برای هدایت مردم به صراط مستقیم دین و همچنین مبارزه با خرافه گرایی که در این ایام انجام

می شود، مثل پریدن بر آتش و مراسم چهارشنبه سوری و یا اهمیت دادن به تحویل سال و یا بیرون رفتن سیزدهم فروردین از خانه، یک پیشنهاد در تعظیم نوروز می دهیم که هم با روز طبیعت و نوروز منافاتی نداشته باشد و هم مردم بتوانند به دور از خرافات جاهلیت با شادی و سرور به استقبال روزهای زیبای بهار و طبیعت بروند و آن پیشنهاد این است که:

همانگونه که در روایت معلی بن خنیس آمده که امام علیه السلام فرمودند: «إِنَّهُ مِنْ أَيَّامِنَا وَأَيَّامِ شِيعَتِنَا حَفِظْتَهُ الْعَجْمُ وَضِيعْتُمُوهُ أَنْتُمْ...»؛

و با توجه به روایت دیگری که آمده است: روز عید غدیر خم مصادف با اول فروردین بوده؛

و در روایت دیگری آمده است که: حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) در این روز ظهور خواهد نمود؛

روز اول فروردین را روز عید غدیر شمسی بنامیم و این روز را به نام نامی امیرالمؤمنین علیه السلام و ولایتش عید گرفته و بزرگ شماریم، همچنین روزهای بعد را به نام ائمه معصومین علیهم السلام و خلفای بحق رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نامگذاری نماییم و روز دوم را بنام امام حسن علیه السلام و روز سوم را به نام امام حسین علیه السلام و ... روز دوازدهم را به نام مقدس امام زمان علیه السلام بنامیم تا هم مردم سرور و شادی خود را داشته باشند و هم توجه به ولایت اهل بیت علیهم السلام نمایند و استفاده دینی نیز ببرند و روز سیزدهم را روز تبرّی جستن از مخالفان نبوت و امامت (برائت از کفار و مشرکین) نام گذاری کنیم.

نام گذاری ایام نوروز به امامان معصوم از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام که مصادف با اولین روز انتصاب آشکار امیرالمؤمنین علیه السلام به خلافت و ولایت در هیجدهم ذیحجه بوده، هم با روز طبیعت منافاتی ندارد و هم با خرافه ها نیز مبارزه ای مثبت صورت خواهد گرفت و به اضافه اینکه روزهای اول بهار که سرشار از طراوت و نسیم بهاری است، یادآور ولایت و امامت ائمه معصومین علیهم السلام نیز است که در این روز ابلاغ شده و تأثیرگذار در طراوت و نسیم بهار بوده است و اگر مردم آن را پذیرفته بودند، همه در بزرگترین نعمت های مادی و معنوی الهی فرو می رفتند و برای همیشه در رفاه و آسایش به سر می بردند و نهایتاً به بهشت دنیا و آخرت می رسیدند.

در این صورت شادی و سرور مردم جنبه معنوی پیدا خواهد کرد و از منکرات و اعمال خلاف عقل و خرافهگری دور بوده و به صراط مستقیم دین رفته و منتظر ظهور آخرین منجی بشریت می گردند که نوید ظهورش در نوروز نیز داده شده است، آن منجی که بهار دین و دنیا را برای ما به ارمغان خواهد آورد و کل بشریت را به کمال آسایش و طراوت و سعادت مادی و معنوی خواهد رساند.

اینگونه به استقبال نوروز رفتن، نه فقط مردم را از محرمات و خرافات دور نگه می‌دارد، بلکه باعث رشد فکری و ثواب اخروی نیز می‌گردد و خانواده‌ها در آغاز سال جدید با تقویت روحیه دینی وارد طبیعت می‌شوند و با پشتکار و علاقه‌ای خاص و پر از نشاط و شادی برای مهیا نمودن آینده‌ای بهتر و زمینه‌ساز برای ظهور موفور السرور آخرین حجت الهی وارد جامعه می‌شوند و متوجه این حقیقت می‌گردند که نوروز و بهار نماد و نویدی از ایام ظهور است.

\* پر واضح است که اگر عید غدیر شمس‌ی یعنی ایام نوروز مصادف شد با ایام حزن اهل بیت علیهم السلام در مناسبت‌های قمری، بزرگداشت مناسبت‌های قمری مقدم هستند چون در شرع مقدس اسلام ماه قمری اصل است و بعد به ماه‌های شمسی توجه شده است.

## اول فروردین، عید سعید غدیر خم شمسی

### اشاره

در اینجا به مناسبت هر روز جهت یاد و بزرگداشت هر امام علیه السلام یک روایت ذکر می‌شود.

### بزرگداشت خلافت و امامت امیرالمؤمنین، علی بن ابیطالب علیه السلام

در چنین روزی اول فروردین (که مصادف با 18 ماه ذیحجه الحرام سال دهم هجری بوده) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که از حجة الوداع بر می‌گشتند به سرزمین غدیر خم رسیدند و به امر پروردگار، امیرالمؤمنین علیه السلام را به عنوان جانشین خود معرفی کردند. پس چه نیکوست تا تحویل سال شد، به یاد تحویل ولایت به امیرالمؤمنین علیه السلام بیفتیم و آن را به یکدیگر تبریک گوئیم.

شیخ مفید رحمه الله در مورد این روز می‌فرماید: چون رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مناسک حج را بجا آورد، علی علیه السلام را در قربانی خود شریک ساخت و با مسلمانانی که همراهش آمده بودند به سوی مدینه بازگشت تا رسید بجایی که معروف به غدیر خم است و آنجا، جای منزل کردن نیست، زیرا آب و چراگاه ندارد، پس آن حضرت در آنجا فرود آمد و مسلمانان نیز با او در همانجا فرود آمدند و سبب آن این بود که دستوری از خدای تعالی درباره نصب خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام و جانشینان او در میان امت پس از او نازل شده بود، پس خدای عزوجل اراده فرمود که مردم را برای شنیدن فرمان جانشینی آن حضرت گرد آورد و خواست تا حجت را در این مورد بر همگی تمام کند.

پس خداوند این آیه را نازل فرمود:

«يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ» (1)؛

ص: 377

یعنی: «ای پیامبر آنچه را بر تو نازل شده از طرف پروردگارت، (یعنی جانشینی حضرت علی علیه السلام و تصریح امامت او) به مردم ابلاغ کن، و اگر نکنی پس پیام او را نرسانده ای و خدا تو را از مردم نگه می دارد».

پس خدای تعالی در این دستور واجب (یعنی جانشینی حضرت علی علیه السلام) تأکید فرمود و از تأخیر انداختن آن او را ترساند و نگهداشتن آن حضرت را از آزار مردم ضمانت کرده و به عهده گرفت، پس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به خاطر دستور خدا، در آن سرزمین فرود آمدند و مردم و مسلمانان هم گرد او فرود آمدند و آن روز روزی بسیار گرم و طاقت فرسا بود، پس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دستور داد زیر درخت هایی را که در آنجا بود، پاک کنند و جهاز شتران را روی هم بچینند، پس به منادی خویش دستور داد در میان مردم فریاد زند و آنان را گرد آورد، پس همگی گرد آمدند و بیشتر آن مردم از شدت حرارت و گرمی هوا عباهای خود را به ساق پاهای خود پیچیده بودند، سپس حضرت بر جهاز شترها بالا رفت تا به بلندترین آنها رسید و امیرالمؤمنین علیه السلام را نیز پیش خود خوانده و آن حضرت در طرف راست رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ایستاد، سپس خطبه ای برای مردم خواند و سپاس خدای را بجا آورد و مردم را تا آنجا که در خور فهم و استعداد آنان بود موعظه فرمود و خبر ناگوار رحلت خویش را به آنان داده و فرمود: من به سوی خدا خوانده شده ام و نزدیک است که دعوت حق را اجابت کنم و از میان شما بروم، من در میان شما بجا می گذارم دو چیزی را که اگر به آن چنگ زنید، هرگز گمراه نشوید: کتاب خدا (قرآن) و عترت من، همانا این دو هرگز از هم جدا نشوند تا اینکه نزد حوض کوثر بر من درآیند، پس به بلندترین آوازش فرمود: آیا من سزاوارتر از شما به خودتان نیستم؟

عرض کردند: خدا گواه است، چرا تو از ما به خودمان سزاوارتری! سپس حضرت پشت سر آن سخن در حالیکه بازوی امیرالمؤمنین علیه السلام را به دست گرفته بود، به طوری که زیر بغل های آن حضرت پیدا بود، فرمود: پس هر کس من مولایش بوده ام، این علی مولای اوست، خدایا دوست بدار هر که او را دوست دارد و دشمن بدار هر که او را دشمن می دارد، یاری کن هر که او را یاری کند و واگذار هرکس او را واگذارد و دست از یاریش بردارد. سپس پایین آمد در حالیکه نزدیک ظهر بود، پس حضرت دو رکعت نماز بجا آورد و اذان گوی حضرت برای نماز ظهر اذان گفت، حضرت با آنها نماز ظهر را خوانده و درخیمه و چادر خود نشست و به حضرت علی علیه السلام دستور فرمود: در چادری، برابر چادر او بنشیند، پس به مسلمانان دستور فرمود: دسته دسته نزد او بروند و به حضرت تبریک گویند و به عنوان امارت و فرمانروایی، مؤمنین بر او سلام گویند و بیعت کنند. پس مردم این کار را کردند سپس به همسران خود و زنان دیگر مسلمانان که همراه او بودند دستور فرمود: پیش او بروند و به عنوان امارت، مؤمنین بر او سلام



کنند، آنها نیز انجام دادند. از جمله کسانی که در بشارت، سخن را به درازا کشاند و بیش از دیگران اظهار شادمانی کرد عمر بن الخطاب بود و از جمله سخنان او این بود که گفت: به به، ای علی، امروز دیگر تو فرمانروای من و فرمانروای هر مرد مؤمن و زن مؤمنه ای شدی.

حسان بن ثابت نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمده و عرض کرد: ای رسول خدا! آیا به من اذن می دهی در اینجا شعری بگویم که خدا را خشنود سازد؟ فرمود: بگو ای حسان بنام خدا! پس حسان در جای بلندی ایستاد و مسلمانان برای شنیدن سخنان و اشعارش گردن ها را کشیدند و او این اشعار را انشاء کرد:

ینادیهم یوم الغدیر نبیهم \*\*\* بخمّ و اسمع بالرسول منادیاً

وقال فمّن مولاکم و ولیکم؟ \*\*\* فقالوا و لم یبدوا هناک التعدادیا

الهک مولانا و انت ولینا \*\*\* ولنتجدن منّا لک الیوم عاصیاً

فقال له: قم یا علی فآئی \*\*\* رضیتک من بعدیاماماً و هادیاً

فمّن کنت مولاه فهذا ولیه \*\*\* فکونوا له انصار صدق موالیاً

هناک دعی اللهم وال ولیه \*\*\* و کن للذی عادى علیاً معادیاً

فقال له رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: لا تزال یا حسان مؤیداً بروح القدس ما نصرتنا بلسانک و انما اشترط رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فی الدعاء له لعلمه علیه السلام بعاقبة أمره فی الخلاف، و لو علم سلامته فی مستقبل الاحوال دعا له علی الاطلاق.

یعنی: پیغمبرشان در روز غدیر آنها را آواز داد و با چه آواز رسائی فرمود که همگی شنیدند.

فرمود: کیست فرمانروا و صاحب اختیار شما؟ همگی بدون اظهار دشمنی و اختلاف گفتند: خدای تو فرمانروای ماست و تو صاحب اختیار مائی، امروز در میان ما نافرمان و مخالفی نخواهی یافت. پس فرمود: ای علی برخیز که من تو را برای امامت و راهنمایی بعد از خودم برگزیدم. پس هرکه من فرمانروای اویم، این علی فرمانروا و صاحب اختیار اوست، شما برای او یاران باوفا و دوستدار او باشید. و در اینجا دعا کرد که: خدایا دوست بدار دوستان او را، و با آنکس که با علی دشمنی کند، دشمن باش.

پس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به او فرمود: ای حسان! تا ما را به زبان یاری می کنی همیشه مؤید بروح القدس باشی، و اینکه حضرت دعای مشروط به او فرمود، برای آن بود که می دانست در پایان کارش مخالفت با علی علیه السلام خواهد کرد، و اگر آن حضرت می دانست که در آینده هم زندگی خود را به درستی و سلامت در عقیده و مرام سپری می کند دعا را مشروط نمی فرمود (تا آنگاه که ما را به زبان یاری کنی) بلکه به طور اطلاق دعا می فرمود.

و همانند این، آن شرطی است که خداوند در ستایش از همسران پیامبر فرمود و بدون شرط آنان را نستوده، زیرا می دانسته که برخی از آنان در آینده تغییر حالت داده و دگرگون می شوند و از شایستگی ستایش و ارجمندی بیرون می روند و اینگونه فرمود: «ای زنان پیامبر شما همانند دیگر زنان نیستید اگر بترسید از خدا» و آنان را در این باره چون خاندان پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم مورد ستایش قرار نداده آنگاه که آن خاندان ارجمند خوراک روزانهی خود را به یتیم و مسکین و اسیر بخشش نمودند و خدای سبحان درباره علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و حسن و حسین علیهما السلام که با شدت نیازی که به آن خوراک و قوت روزانه داشتند، دیگری را بر خود مقدم داشتند، این آیات را فرستاد: «و به خاطر محبت به خدا، مسکین و یتیم و اسیر را اطعام می کنند، جز این نیست که ما به خاطر خدا شما را اطعام کرده ایم، از شما جزا و شکر نمی خواهیم؛ قطعاً ما از پروردگاران روزی که سخت و در هم پیچیده و هولناک است، می ترسیم؛ پس خدا آنها را از شر آن روز نگه داشته و به آنها طراوت و شادمانی می بخشد و جزای صبری که کرده اند بهشت و حریر خواهد بود. پس پاداش آنها را بطور قطع و بدون قید و شرط فرمود و مانند دیگران به زمان و حال مقید نفرمود. (1)

در مورد ولایت چهارده معصوم در سوره نساء می فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ...» (2)

یعنی: «ای کسانی که ایمان آورده اید، خداوند و پیامبر را اطاعت کنید و اولی الامر را نیز اطاعت کنید...».

در روایات متعددی وارد شده است که «اولی الامر» دوازده امام معصوم علیهم السلام و فاطمه زهرا علیها السلام می باشند که اولین آنها امیرالمؤمنین علیه السلام و آخرین آنها حجت بن الحسن علیه السلام می باشند.

و در کتب اهل سنت، در منابع متعددی آورده اند که بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دوازده امیر خواهند بود و همه از قریش می باشند که منطبق با امامان معصوم علیهم السلام شیعیان است.

در صحاح ششگانه اهل سنت در «باب امارات» آمده است: جابر بن سمره از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل نموده که فرمود: «پس از من دوازده امیر خواهند بود که همه از قریش می باشند». این حدیث در اکثر کتب روایی اهل سنت به طرق متعددی نقل شده که برای استفاده خوانندگان گرامی بعضی از آنها را نقل می کنیم:

- صحیح بخاری، جلد 9، صفحه 101، کتاب الأحکام.

- صحیح مسلم، جلد 3، صفحه 151، کتاب الإمارة، باب «الناس تبع لقریش» (مردم تابع قریشند).

ص: 380

1- الإرشاد، ج 1، ص 174 - 178.

2- سوره نساء، آیه 59.

- صحیح ترمذی، جلد 4، صفحه 501، حدیث 2223.

- سنن ابی داوود، کتاب المهدی، جلد 4، صفحه 106.

- مسند أحمد بن حنبل، جلد 1، صفحه 657، حدیث 3772.

این احادیث علمای اهل سنت را به مشکل بزرگی انداخته که از آن نمی توانند خارج شوند و برای تعیین امامان دوازده گانه، راه حلی نیافتند مگر اینکه به مکتب شیعیان و پیروان اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رجوع کنند که معروف به شیعیان «اثنی عشری» می باشند و این به معنای همان «أولی الامر» می باشد که در آیه 59 سوره نساء آمده است.

در اینجا توجه شما را به روایتی از اهل سنت جلب می کنم که در آن نام دوازده امیر و جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ذکر شده است: کتاب ینابیع المودة قندوزی حنفی در باب مناقب، به سندش از جابر بن عبدالله انصاری آورده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«ای جابر! اوصیای من و امامان امت مسلمان بعد از من، نخستین آنها علی است، و بعد از او حسن و بعد از او حسین و سپس علی بن الحسین و بعد محمد بن علی معروف به باقر که تو ای جابر او را خواهی دید، پس هرگاه با او روبرو شدی، از من به وی سلام برسان، سپس جعفر بن محمد و بعد موسی بن جعفر و سپس علی بن موسی الرضا و بعد محمد بن علی و سپس علی بن محمد و بعد حسن بن علی و سپس قائم است که نامش نام من و کنیه اش کنیه من است، «م ح م د» بن الحسن بن علی، «مهدی» همان کسی است که خداوند تبارک و تعالی شرق و غرب زمین را به دست او فتح خواهد کرد» (1).

## دوم فروردین، عید سعید غدیر خم شمس

### بزرگداشت خلافت و امامت حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام

شیخ مفید رحمه الله می فرماید: حسن بن علی علیه السلام وصی پدرش امیرالمؤمنین علیه السلام بر خاندان و فرزندان و یاران آن حضرت بود، و او را به نظارت در آنچه وقف کرده بود، سفارش فرمود و در اینباره عهدنامه برایش نوشت که مشهور است و وصیت او به امام حسن علیه السلام، ظهور در معالم دین و چشمه های حکمت و آداب دارد و بیشتر دانشمندان و بسیاری از خردمندان از آن در دین و دنیای خود استفاده کرده اند که موجب بینایی آنان گشته است.

چون امیرالمؤمنین علیه السلام از دنیا رفت، امام حسن علیه السلام خطبه خواند و حق خود را در آن خطبه بیان فرمود، پس یاران پدرش علی علیه السلام با او بیعت کردند که بجنگند با آنکه با او بجنگد و در صلح

ص: 381

باشند، با هر که با او در صلح باشد.

و ابومخنف از ابی اسحاق سبعی و دیگران روایت کرده که گفتند: امام حسن علیه السلام در بامداد آن شبی که امیرالمؤمنین علیه السلام در آن شب از دنیا رفت خطبه خواند و حمد و ثنای خدا را بجا آورد و بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درود فرستاد، آنگاه فرمود: به حقیقت در این شب مردی از دنیا رفت که پیشینیان در کردار از او پیشی نجستند و آیندگان نیز در کردار به او نرسند، همانا با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم جهاد کرد، و با جان خویش از آن حضرت دفاع نمود، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم او را با پرچم خود به جنگها می فرستاد و جبرئیل از سمت راستش و میکائیل از سمت چپش، او را در میان می گرفتند و از جنگ باز نمی گشت تا به دست توانای او، خداوند جنگ را فتح می کرد، و در شبی از دنیا رفت که عیسی بن مریم در آن شب به آسمان رفت، و یوشع بن نون وصی حضرت موسی علیه السلام در آن شب از دنیا رفت و هیچ درهم و دیناری از خود بجا نگذاشت جز هفتصد درهم، که آن هم، از بهره ای (که از بیت المال داشت) زیاد آمده، و می خواست با آن پول برای خانواده خود خادمی خریداری کند.

سپس گریه گلویش را گرفت و گریست، مردم نیز با آن حضرت گریه کردند، آنگاه فرمود: منم فرزند بشیر (مژده دهنده به بهشت یعنی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که از نام های آسمانی او بشیر است) منم فرزند نذیر (ترساننده از جهنم) منم فرزند آنکس که به اذن خدا، مردم را به سوی او می خواند، منم پسر چراغ تابناک هدایت، من از خاندانی هستم که خدای تعالی پلیدی را از ایشان دور کرده و به خوبی پاکیزه شان فرموده، من از آن خاندانی هستم که خداوند دوستی ایشان را در کتاب خویش (قرآن) فرض و واجب دانسته و فرموده:

«قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَن يَعْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا» (1)

یعنی: «بگو نمی خواهم از شما مزدی، جز دوستی خویشاوندانم، و آنکه فراهم کند نیکی را و نیکویی را در آن بیفزائیم».

پس نیکی در این آیه دوستی ما خاندان است. سپس نشست، آنگاه عبدالله بن عباس پیش روی او پیا خاسته و گفت: ای گروه مردم! این فرزند پیغمبر شما و وصی و امامتان می باشد، پس با او بیعت کنید، مردم سخن او را پذیرفته و گفتند: چه اندازه محبوب است نزد ما، و چقدر حق او بر ما واجب است و با آن حضرت علیه السلام به خلافت بیعت کردند و این جریان در روز بیست و یکم ماه رمضان سال چهارم هجری بود. (2)

ص: 382

1- سوره شوری، آیه 23.

2- الإرشاد، ج 2، ص 7-9.

## بزرگداشت ولایت و امامت حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام

شیخ مفید رحمه الله در امامت امام حسین علیه السلام می فرماید: صرف نظر از آنچه در داستان مباحله گذشت (که در خردسالی، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آن دورا برای مباحله همراه خود بردند) این بود که پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم با آن دو بیعت کرد و در ظاهر با هیچ کودکی جز آن دو بیعت نکرد و دیگر اینکه قرآن، پاداش بهشت را در برابر کردار نیکشان قرار داد، با اینکه آن دو در آن زمان کودک بودند و مانند این آیه درباره کودکان دیگر که مانند آنان بودند نازل نگشت که خدای تعالی در سوره هل آتی می فرماید:

«وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا \* إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا \* إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا \* فَوَقَاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا» (1).

یعنی: «و به خاطر محبت به خدا مسکین و یتیم و اسیر را اطعام می کنند، جز این نیست که ما به خاطر خدا شما را اطعام کرده ایم، از شما جزا و شکری نمی خواهیم، قطعاً ما از پروردگارانمان، روزی که سخت و درهم پیچیده و هولناک است، می ترسیم؛ پس خدا آنها را از شر آن روز نگه داشته و به آنها طراوت و شادمانی می بخشد و جزای صبری که کرده اند بهشت و حریر خواهد بود».

و این گفتار خداوند آن دورا نیز به همراه پدر و مادرشان دربرگرفت، و ضمناً خبر از گفتار ایشان و آنچه در دل داشتند نیز می دهد و این دو چیز هر دو نشانه امامت و حجت بزرگی بر مردم در آن دو می باشد، چنانچه قرآن داستان سخن گفتن مسیح علیه السلام را در گهواره بیان می کند و همان حجت بر پیغمبری او بود و نشانه خصوصیتش در پیش خدا گشت به آن کرامتی که راهنمای کرامت و برتریش بود، و همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پیش از این داستان، تصریح به امامت او و امامت برادرش امام حسن علیه السلام، قبل از او فرموده بود که فرمود: «ابنای هذان امامان قاما او قعدا...» یعنی: این دو فرزند من، امام هستند بپا خیزند (جنگ کنند) یا بنشینند، (دست از حق خود برداشته و صلح کنند).

و وصیت امام حسن علیه السلام، به آن حضرت نیز دلالت بر امامت او می کند؛ چنانچه وصیت امیرالمؤمنین علیه السلام به حسن علیه السلام دلالت بر امامت حسن علیه السلام می کند، همچنانکه وصیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، به امیرالمؤمنین علیه السلام نشانه امامت آن حضرت، پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است. (2)

ص: 383

1- سوره انسان (دهر)، آیات 11 - 8.

2- الإرشاد، ج 2، ص 29-30.

### بزرگداشت ولایت و امامت حضرت امام زین العابدین علیه السلام

شیخ مفید رحمه الله می فرماید: امام پس از حسین بن علی علیه السلام، فرزندش ابو محمد علی بن الحسین زین العابدین علیه السلام بود و کنیه دیگرش ابالحسن است و مادرش شاه زنان (شهربانو)، دختر یزدجرد پادشاه ایران بود؛ امیرالمؤمنین علیه السلام حریث بن جابر حنفی را در سمت مشرق حکومت داد، پس حریث دو تن از دختران یزدجرد را برای آن حضرت فرستاد، پس آن جناب شاه زنان را به پسرش حسین علیه السلام بخشید و آن زن زین العابدین علیه السلام را برای امام حسین علیه السلام به دنیا آورد و دیگری را به محمد بن ابی بکر بخشید و آن زن قاسم پسر محمد بن ابی بکر را بزائید، پس قاسم و علی بن الحسین علیه السلام پسر خاله بودند.

ولادت علی بن الحسین علیه السلام، در مدینه سال سی و هشت هجری بود، پس با جدش امیرالمؤمنین علیه السلام دو سال بود، و با عمویش حسن علیه السلام دوازده سال، و با پدرش امام حسین علیه السلام بیست و سه سال، و پس از پدرش سی و چهار سال زنده بود و در سال نود و پنج هجری در مدینه از دنیا رفت و در آن روز 57 سال از عمر شریفش گذشته بود، امامت آن جناب سی و چهار سال بود و در بقیع کنار قبر عمویش حسن بن علی علیه السلام به خاک سپرده شد و امامت برای او به راه هایی ثابت شد: (از جمله) به اینکه آن حضرت، پس از پدر بزرگوارش در علم و عمل برترین مردمان بود، و امامت برای چنین کسی است که برتر از دیگران باشد نه برای آنکس که دیگری از او برتر باشد و گواه بر این سخن خردهای مردم خردمند است. (1)

### بزرگداشت ولایت و امامت حضرت امام محمد باقر علیه السلام

شیخ مفید رحمه الله می فرماید: میمون قدّاح از امام صادق علیه السلام از پدرش حدیث می کند که فرمود: وارد شدم بر جابر بن عبدالله انصاری، پس بر او سلام کردم و او جواب سلام مرا داد، سپس به من گفت: تو کیستی؟ من گفتم محمد بن علی بن الحسین (علیهم السلام) می باشم.

جابر گفت: پسر جان پیش بیا! پس من نزدیک او رفتم و او دست مرا بوسید، آنگاه خم شد که پای مرا ببوسد من به کناری رفته و نگذاشتم این کار را بکنند، سپس به من گفت: همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

تورا سلام رسانده. من گفتم: درود و رحمت و برکات خدا بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم باد.

ای جابر! چگونه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به من سلام رساند؟ گفت: روزی خدمت آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم بودم، پس به من فرمود: ای جابر تو زنده میمانی تا مردی از فرزندان مرا دیدار کنی که نامش محمد بن علی بن الحسین است، که خدا نور و حکمت به او ببخشد، پس ای جابر سلام مرا به او برسان.

و در وصیت امیرالمؤمنین علیه السلام به فرزندان خود نام محمد بن علی بن الحسین را برد و درباره اش سفارش فرمود و چنانچه اهل آثار و حدیث روایت کرده اند، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم او را به باقرالعلوم نامگذاری و معرفی فرمود. (1)

### ششم فروردین، عید سعید غدیر خم شمسی

#### بزرگداشت ولایت و امامت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

شیخ مفید رحمه الله می فرماید: بدانکه حضرت امام جعفر صادق علیه السلام از میان برادران خویش جانشین پدرش حضرت امام باقر علیه السلام بود و وصی آن جناب بود که پس از او به امر امامت قیام کرد، و در فضل و دانش سرآمد همه آنان، نام آورتر، و در قدر و منزلت بالاتر، و در میان شیعه و سنی مقامش ارجمندتر بود و به اندازه ای مردم از علوم آن حضرت نقل کرده اند که سخنانش توشه راه کاروانیان و مسافران، و نام نامیش، در هر شهر و دیار زبانزد مردم گشته و از هیچیک از این خاندان، علما و دانشمندان به آن اندازه که از آن حضرت حدیث نقل کرده اند از دیگری نقل نکرده اند و هیچیک از اهل آثار و ناقلان اخبار به آن اندازه که از آن حضرت بهره برده اند از دیگران بهره گیری نکردند، زیرا اصحاب حدیث که نام راویان ثقات آن بزرگوار را جمع کرده اند با اختلاف در عقیده و گفتار شماره آنان به چهار هزار نفر می رسد. و دلیل های روشن درباره امامت آن حضرت به اندازه ای است که دلها را حیران کرده و زبان دشمن را از خرده گیری گنگ و لال ساخته.

ولادت آن حضرت در شهر مدینه سال هشتاد و سه بود و در ماه شوال در سال صد و چهل و هشت در سن شصت و پنج سالگی از دنیا رفت و در قبرستان بقیع در کنار پدر و جد و عمویش امام حسن علیه السلام به خاک سپرده شد.

مادرش أم فروة دختر قاسم بن محمد بن ابی بکر (و به قولی ابی سمره) است و پدرش حضرت ابوجعفر علیه السلام، به طور آشکار و صریح درباره ای امامتش وصیت و تصریح فرمود. (2)

ص: 385

1- الإرشاد، ج 2، ص 158.

2- الإرشاد، ج 2، ص 179 - 180.

امام جعفر صادق علیه السلام طلیعه دار علم و تمدن ناب بودند، حضرتش در روزگاری می زیست که حکام و پادشاهان زمان برای تصاحب قدرت به نزاع و ستیز سختی برخاسته بودند و از آن جناب غافل گردیده بودند. لذا حضرت توانست برحسب فرصت و آزادی بیان، نیاز علمی بشریت را برآورده سازد و حدود چهارهزار شاگرد در رشته های متعدد علمی از حضرتش بهره مند گردند.

حضرت امام صادق علیه السلام توانست با تشکیل گردهمایی ها و جلسات متعدد و طاقت فرسا به مشکلات علمی، در هر زمینه ای پاسخ دهد و مجهولات و شبهات دانشمندان و متفکران جهان اعم از یهود و نصاری و ملحدان و طرفداران ادیان و مذاهب دیگر جهان را برطرف نماید و بین اقشار مختلف فرهنگی جوامع، وحدت ایجاد کند، لذا بجاست این روز که منسوب به آن حضرت است، روز «علم و گفتگوی تمدن‌ها» نیز نامیده شود.

به امید اینکه تمامی مجامع بشریت با تمدنهایشان پای گفتگو و تفاهم علمی بنشینند و زمینه جامعه واحد جهانی را زیر سایه پدر الهی، حضرت بقیه الله ارواحنا فداه فراهم سازند.

### هفتم فروردین، عید سعید غدیر خم شمسی

#### بزرگداشت ولایت و امامت حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام

شیخ مفید رحمه الله می فرماید: محمد بن سنان از یعقوب بن سراج روایت می کند که گفت: بر امام صادق علیه السلام وارد شدم، دیدم بالای سر حضرت کاظم علیه السلام که در گهواره بود ایستاده و زمانی دراز با او راز می گفت، پس من نشستم تا فارغ شد، آنگاه از نزد او برخاستم، حضرت به من فرمود: نزد مولایت برو و به او سلام کن. من نزدیک گهواره رفته و سلام کردم، با زبانی فصیح سلام مرا جواب داد، آنگاه به من فرمود: برو نامی که دیروز برای دختری گذاردی تغییر بده، زیرا نامی است که خدا آن را بد می دارد. گوید، من دختری داشتم که نامش را حمیرا گذارده بودم، پس حضرت صادق علیه السلام فرمود: به دستور او رفتار کن تا هدایت شوی، من رفتم و نام دختر را عوض کردم.

ابن مسکان از سلیمان بن خالد روایت می کند که گفت: امام صادق علیه السلام روزی حضرت موسی بن جعفر علیه السلام را پیش خواند و ما در خدمتش بودیم و به ما فرمود: پس از من ملازم این فرزندم باشید زیرا به خدا او پس از من امام شماس است. (1)

ص: 386



### بزرگداشت ولایت و امامت حضرت امام رضا علیه السلام

شیخ مفید رحمه الله می فرماید: محمد بن سنان روایت کرده که گفت: یکسال پیش از آنکه حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام را به عراق ببرند، خدمت آن حضرت شرفیاب شدم و علی بن موسی علیهما السلام پیش روی آن حضرت نشسته بود، پس آن حضرت به من نگاه کرد و فرمود: ای محمد بزودی در این سال سفری برای من پیش می آید، پس مبادا برای آن بیتابی کنی. عرض کردم: قربانت گردم چه پیش آمدی خواهد بود همانا این سخن مرا پریشان کرد! فرمود: به نزد این سرکش می روم ولی از خود او به من بدی نرسد و نه آنکه پس از اوست.

(مجلسی رحمه الله می گوید: مقصود از این سرکش، مهدی عباسی و آنکه پس از اوست «هادی» است). (1)

محمد بن سنان گوید: عرض کردم: پس از آن چه می شود قربانت گردم؟ فرمود: خدا ستمکاران را گمراه کند و آنچه خدا خواهد انجام دهد. عرض کردم: قربانت شوم! آنچه خدا خواهد چه باشد؟! فرمود: هر کس در حق این پسر ستم کند و امامتش را پس از من انکار کند، مانند کسی است که درباره امامت علی بن ابیطالب علیه السلام ستم کرده و حق او را پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم انکار نموده است. عرض کردم: اگر خدا به من عمری داد به خدا قسم، حق او را به وی تسلیم کنم و به امامتش اقرار نمایم! فرمود: راست گفتی ای محمد! خدا به تو عمر دهد و حق او را تسلیم خواهی کرد، عرض کردم: پس از او کیست؟ فرمود: پسرش «محمد»؛ عرض کردم نسبت به او هم راضی و تسلیمم. (2)

### بزرگداشت ولایت و امامت حضرت امام محمد الجواد علیه السلام

شیخ مفید رحمه الله می فرماید: خیرانی از پدرش روایت کرده که گفت: در خراسان خدمت حضرت رضا علیه السلام ایستاده بودم، پس شخصی به آن حضرت عرض کرد: ای آقای من اگر پیش آمدی کرد به چه کسی پناه ببریم و امام پس از شما کیست؟ حضرت فرمود: به سوی ابی جعفر فرزندم. پس گویا آن شخص سن ابوجعفر علیه السلام را کم دانست و تعجب کرد!

حضرت رضا علیه السلام فرمود: همانا خدای سبحان عیسی بن مریم را به رسالت و نبوت برانگیخت و صاحب شریعت و دین تازه بود و سن او کمتر از سنی بود که ابو جعفر علیه السلام در آن است. (3)

ص: 387

1- مرآة العقول، ج 3، ص 371.

2- الإرشاد، ج 2، ص 252 - 253.

3- الإرشاد، ج 2، ص 279.

## بزرگداشت ولایت و امامت حضرت امام هادی علیه السلام

شیخ مفید رحمه الله می فرماید: خیرانی از پدرش روایت کرده که گفت: من گماشته و ملازم در خانه حضرت جواد علیه السلام بودم و احمد بن محمد عیسی اشعری هر شب هنگام سحر می آمد تا وضع بیماری حضرت را بداند و هرگاه فرستاده حضرت جواد علیه السلام که میان آن حضرت و میان خیرانی پیغام می آورد و می برد، پیش خیرانی می آمد احمد بن محمد بر می خاست و می رفت و آن فرستاده با خیرانی خلوت می کرد، خیرانی گوید: شبی آن فرستاده بیرون آمد و احمد بن محمد بن عیسی برخاست و فرستاده با من خلوت کرد، و احمد کمی راه رفته و به عقب برگشت و در جایی که سخن ما را می شنید ایستاد. پس آن فرستاده گفت: آفایت تو را سلام می رساند و می فرماید: من از دنیا می روم و امر امامت به فرزندانم علی منتقل می شود و او پس از من بر شما همان حقی را دارد که من پس از پدرم بر شما داشتم، پس فرستاده برفت و احمد نیز به نزد خیرانی بازگشت و به من گفت: چه به تو گفت؟ گفتم خیر بود!

احمد گفت: من که شنیدم آنچه را به تو گفت و آن را بازگو کرد، من گفتم: این کاری که تو کردی خدا بر تو حرام کرده بود زیرا خدا می فرماید: «و لا تجسسوا» (1) یعنی: «تجسس نکنید».

حال که شنیدی پس بر این سخن گواه باش، شاید روزی به آن محتاج و نیازمند شویم و مبادا تا آن وقت به کسی اظهار کنی!

خیرانی گوید: چون بامداد آن شب شد من عین آن پیغام را که فرستاده حضرت به من گفته بود در ده نسخه کاغذ نوشتم و آنها را مهر زده و به ده نفر از بزرگان و وجوه شیعه سپردم و به آنان گفتم: اگر پیش از آنکه من این کاغذها را از شما بخواهم، مرگ من فرارسد شما آنها را باز کنید و بدانچه در آن نوشته شده رفتار کنید.

چون حضرت جواد علیه السلام از دنیا رفت، من از خانه خود بیرون رفتم تا آگاه شدم که بزرگان شیعه در خانه محمد بن فرج انجمن کرده و در امر امامت به گفتگو پرداخته اند، پس محمد بن فرج نامه ای به من نوشت و مرا از جمع شدن آنان در منزلش آگاه کرد و نوشته بود: اگر ترس فاش شدن مطلب نبود من با این گروه به نزد تو می آمدم و من میل دارم که تو سوار شده پیش من بیایی.

من سوار شده نزد او رفتم و دیدم مردم پیش او گرد آمده اند، پس من درباره امامت حضرت هادی علیه السلام با آنان به گفتگو پرداختم، دیدم بیشتر آنان شک دارند، من به آن ده نفر که کاغذها

ص: 388

نزدشان بود و همه در آن مجلس حاضر بودند، گفتم: کاغذها را بیرون آورید، چون بیرون آوردند به آنان گفتم: این است آنچه من بدان مأمور گشته‌ام که به شما برسانم. برخی از آنها گفتند: ما دوست داشتیم که دیگری نیز بر آنچه تو گفتی گواهی می‌داد تا گفته‌تو را تأیید کند! گفتم: خدا خواسته شما را به شما داده، این احمد بن محمد اشعری است که گواه است به اینکه این پیغام را شنیده، پس از او پرسید. مردم از او پرسیدند و او از شهادت دادن خودداری کرد و حاضر نشد، پس او را به مباحله دعوت کردم (مباحله یعنی نفرین کردن به یکدیگر و آن در جایی است که دو نفر بر سخنی یا مطلبی با هم اختلاف کنند، پس هر کدام به طرز مخصوص و کلمات معینی برای اثبات گفته خود بر دیگری نفرین کند) احمد بن محمد از مباحله ترسید و گفت: من آن را شنیدم ولی می‌خواستم این افتخار نصیب یک مرد عرب شده باشد و من یک مرد عجمی هستم و اکنون که پای مباحله به میان آمد، راهی بر پوشاندن و کتمان شهادت ندارم، پس همگی آن مردم در همان انجمن و مجلس که بودند معتقد به امامت حضرت هادی علیه السلام شدند و از جا برخاستند. (1)

### یازدهم فروردین، عید سعید غدیر خم شمسی

#### بزرگداشت ولایت و امامت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام

شیخ مفید رحمه الله می‌فرماید: ابوبکر فهفکی گوید: حضرت هادی علیه السلام به من نوشت ابو محمد فرزند من از نظر خلقت و آفرینش سالم ترین افراد آل محمد علیهم السلام و حجتش از همه محکمتر و بزرگترین فرزندان من بوده و اوست جانشین من، ورشته امامت و احکام ما نزد اوست و تو آنچه از من می‌پرسیدی از او پرس که هر چه بدان نیازمند باشی نزد اوست.

از داوود بن قاسم جعفری نیز روایت شده که گفت: شنیدم حضرت هادی علیه السلام می‌فرمود: جانشین پس از من حسن است و چگونه خواهد بود حال شما نسبت به جانشین پس از این جانشین؟ من عرض کردم: برای چه قربانت گردم؟ فرمود: شخص او را نمی‌بینید و برای شما روا نیست نامش را به زبان ببرید. گفتم: پس چگونه از او یاد کنیم؟ فرمود: بگوئید: حجّت آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم. (2)

### دوازدهم فروردین، عید سعید غدیر خم شمسی

#### بزرگداشت ولایت و امامت امام زمان علیه السلام

شیخ مفید رحمه الله می‌فرماید: ابی هاشم جعفری روایت کرده که گوید: به حضرت امام حسن

ص: 389

1- الإرشاد، ج 2، ص 298 - 300.

2- الإرشاد، ج 2، ص 319 - 320.

عسکری علیه السلام عرض کردم: جلالت و بزرگواریت مرا از پرسش کردن از شما باز می دارد، اجازه می فرمایید پرسیم؟ فرمود: پرس. عرض کردم: ای آقای من! آیا شما پسری دارید؟ فرمود: آری.

عرض کردم: اگر برای شما پیش آمد کرد کجا از او پرسیم؟ فرمود: در مدینه.

عمرو اهوازی روایت می کند که گفت: حضرت امام حسن عسکری علیه السلام فرزندش را به من نشان داد و فرمود: این است صاحب و امام شما پس از من. (1)

## سیزدهم فروردین، عید سعید غدیر خم شمسی

### روز برائت از کفار و مشرکین

\*\* قال الامام ابوالحسن الرضا علیه السلام: «کمال الدین ولایتنا و البرائة من عدونا». (2)

یعنی: کامل بودن دین، ولایت ما اهل بیت علیهم السلام، و بیزاری از دشمنان ماست.

\*\* قيل للصادق علیه السلام: «ان فلاناً یوالیکم إلا أنه یضعف عن البرائة من عدوکم. فقال علیه السلام: هیهات کذب من ادعی محبتنا و لم یتبرأ من عدونا». (3)

به امام صادق علیه السلام عرض کردند: همانا فلانی شما را دوست دارد ولی در بیزاری از دشمنان شما ضعیف است؛ آن حضرت فرمودند: هیهات دروغ می گوید کسی که ادعای محبت ما را نماید و از دشمنان ما بیزاری نجوید.

\*\* قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: «من تأثم أن یلعن من یلعنه الله فعليه لعنة الله». (4)

فرمود: هرکس از لعن نمودن کسی که خداوند او را لعنت نموده خودداری نماید، لعنت خداوند بر او باد.

\*\* امام زین العابدین علیه السلام فرمود: هر کس جبت و طاغوت را هر روز یک مرتبه لعن کند خدای تعالی هفتاد هزار هزار (هفتاد میلیون) حسنه برای او بنویسد و هفتاد هزار هزار گناه از او محو کند و هفتاد هزار هزار درجه او را رفعت بخشد و هر کس در شب یک مرتبه آن دو (جبت و طاغوت) را لعن کند همین ثواب در نامه عملش نوشته شود. (5)

## سال ولایت شمسی

چنانکه قبلاً نیز گفتیم: با کاوش در تاریخ در می یابیم که: بعد از ظهور اسلام و استیلای آن بر خطه ایران، نوروز از اعتبار افتاد، ولی بعد از روی کار آمدن خلفا بالاخص عباسیان و نفوذ ایرانیان در دربارشان، نوروز رونق دوباره یافت و هر سال طی تشریفات خاصی در دربار حاکمان برگزار می شد، در

ص: 390

2- السرائر، ج 3، ص 640؛ بحار الأنوار، ج 27، ص 58.

3- بحار الأنوار ج 27 ص 59.

4- رجال الكشي، ص 529.

5- شفاء الصدور، طهراني، ص 608.

ابتدا از آنجا که مسلمانان احساس نیاز به یک تقویم برای تنظیم امور مالی و اقتصادی خویش کردند، تقویم قمری را از روی ماه های قمری که قرآن تعیین نموده بود، اخذ کردند، چنانکه در مسائل مذهبی و دینی خود به کار می بردند.

ولی بعضی از مسلمانان مانند ایرانیان تقویم شمسی را برای امور مالی و اقتصادی و اداری خویش به کار بردند و در ضمن آن، جشن آغاز سال نوروزی را هم برگزار کردند، تا اینکه در نیمه دوم قرن پنجم در زمان سلطان ملکشاه سلجوقی، اصلاحاتی در تقویم شمسی و تعیین و تثبیت محل نوروز توسط عمر خیام و منجمین زمان صورت گرفت و نوروز آن را «سلطانی» و تقویم آن را «جلالی» خواندند که امروز هم از آن استفاده می شود.

حقیر، کاتب این نوشته عرض می کند: چه خوب بود مسلمانان که می خواستند تقویم شمسی برای امور اداری و اقتصادی خود داشته باشند، همان سالی که عید غدیر خم با اول فروردین منطبق بوده (یعنی عید غدیر خم سال دهم هجری قمری که مطابق با بیست و نه حوت و اول فروردین سال شمسی بوده) را ابتدا برای سال شمسی خود قرار می دادند و می گفتند: «سال ولایت شمسی»،

به عبارت واضحتر همان روزی که امیرالمؤمنین علیه السلام توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به جانشینی و خلافت رسید که اول فروردین بوده، مبدأ سال شمسی مسلمانان واقع می گردید، که هم حساب و شمارش به سال شمسی می داشتند و هم توجه به امر بسیار بزرگ خدای تعالی، مبنی بر تعیین ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام می نمودند. همچنین در سال قمری به امر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، اول هجرت حضرتش، یعنی اول ماه ربیع الاول را مبدأ سال قمری خود قرار می دادند که چنانچه گذشت در روایاتی امیرالمؤمنین علیه السلام نیز این مبدأ تاریخ قمری اسلامی را تأیید و تثبیت نموده اند. (1)

## عدد 12 نماد دوازده شخصیت والا مقام در نزد زرتشتیان

حدود سال های 65 و 66 شمسی با جمعی از دوستان به آتشکده معروف زرتشتیان به نام «چک چک» در چهل کیلومتری یزد رفتم؛ از پله های بسیاری که از سنگ و آجر ساخته بودند به طرف بالا و آتشکده حرکت کردیم و پس از مسافت بسیار زیادی که کمتر از کوهنوردی نبود، رسیدیم به مکانی که دارای ساختمان و غرفه های متعدد بود و در آن لولهکشی جهت آب آشامیدنی تعبیه شده بود. پس از قدری استراحت باز به طرف بالا- حرکت کردیم که پیرمردی حدود 80 ساله به پیشوا زمان آمد و از ما به گرمی استقبال نمود، او پدر معنوی زرتشتیان و متولی آتشکده بود که سالیان درازی تنها در این آتشکده زندگی می کرد.

ص: 391

---

1- به ابتدای کتاب، بخش «مبدأ تاریخ اسلام» رجوع شود.

او ما را به طرف معبد و آتشکده راهنمایی کرد که داخل غاری بود و دربی بسیار زیبا داشت که با نقوش طلاکاری شده آذین شده بود و بیشتر شباهت به درب حرم های امامزاده ها داشت. وقتی درب را باز کرد میان فضایی نسبتاً وسیع داخل غار شدیم، در میان فضای غار کاسه مسی که قطرش حدود یک متر بود و پر از روغن و میانش یک فیتیله بود که می سوخت، وجود داشت و در کنار غار حوضی از سنگ و سیمان ساخته بودند که قطرات آب قطره قطره داخل آن حوض می ریخت و جمع می شد و صدای چک چک آن را می شنیدیم و به همین مناسبت نام این آتشکده را چک چک گذاشته بودند.

آن پدر روحانی زرتشتیان می گفت: زیر این حوض جهانشاه دختر یزدگرد مدفون است، زرتشتیان آب این حوض را به عنوان تبرک می نوشیدند و همچنین می گفت: این کاسه مسی همان آتشی است که به اعتقاد زرتشتیان چند هزار سال است که خاموش نشده است و نباید خاموش گردد و می گفت که اگر خاموش شود آن سال سال عذاب و قحطی خواهد بود و دنیا به آخر می رسد.

با تعجب به او گفتم: چند هزار سال است که خاموش نشده است؟! گفت: چرا؟! از نیای گذشته به ما رسیده است که حدود هزار سال پیش یک دفعه تمام آتشکده ها خاموش گردید.

به او گفتم: اتفاقاً در تاریخ اسلام آمده است که هنگامی که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم به دنیا آمد، ناگهان تمام آتشکده ها خاموش گردیده، او در این مورد اظهار نظری نکرد و با سکوت از کنار این مطلب گذشت. سپس ما را متوجه تابلویی نمود که شعار زرتشتیان بر آن نوشته شده بود: «پندار نیک، گفتار نیک، کردار نیک» و می گفت: ما بشریت را دعوت می کنیم که این سه اصل را در زندگی شان پیاده کنند تا به آسایش برسند. گفتم: اتفاقاً پیامبر اسلام و فرزندان پاکش نیز این سه مطلب را با عبارات گوناگون عربی به مسلمانان بلکه به تمام جهانیان رسانده اند و تأکید کرده اند که نجات انسان در راستگویی و درست عمل کردن و درست اندیشیدن است، در قرآن و روایات ما این سه اصل با عبارات و واژه های متعدد بیان شده است و بشریت را به سوی آن فرا خوانده اند.

آن پدر روحانی زرتشتیان با جامی از آب حوض که داخل در معبد بود به عنوان تبرک از ما پذیرایی کرد و ما نیز به جهت احترام به او آب را گرفتیم و نوشیدیم، سپس به او گفتم: شما معتقد هستید که جهانشاه زیر این حوض مدفون است؟ گفت: آری، این مطلب را نیز من از نیای خودم که سینه به سینه نقل شده است شنیدم. گفتم: آیا می دانید که این بانو خواهر دیگری نیز به نام شهربانو داشته که به اسارت مسلمانان در می آید؟ گفت: بله، اسارت شهربانو را می دانم.

به او گفتم: آیا می دانید که شهربانو با سبط پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم یعنی امام حسین علیه السلام که یکی از پیشوایان جهان اسلام بعد از جد بزرگوارش است، ازدواج نمود و ثمره این ازدواج فرزند پسری است که او نیز مقام ارجمندی نزد ما مسلمانان دارد و به عنوان پیشوا و خلیفه رسول خدا مورد احترام خاصی است؟

گفت: بله ... شخصیتی که به او «زین العابدین» و «سجاد» و «علی» می گویند، به همین جهت من به ایشان ارادت دارم و ایشان را دوست می دارم و گهگاهی ترجمه کتاب صحیفه ایشان را مطالعه می کنم و لذت می برم و ایشان را از خودمان می دانیم.

من دیدم پدر روحانی زرتشتیان اطلاعات خوبی از امام زین العابدین علیه السلام دارد، گفتم: آیا می دانید امام زین العابدین علیه السلام زرتشت و یزدگرد را مدح نموده؟ با تعجب گفت: چگونه مدح نموده؟!

گفتم: در روایتی آمده است که امام سجاد علیه السلام مدام می فرمود: «أنا ابن الخیرتین»<sup>(1)</sup> یعنی: «من فرزند دو برگزیده هستم»، چنانکه از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز نقل شده که فرمودند: «لله من عباده خیرتان فخرته من العرب قریش و من العجم فارس» و زمخشری در تفسیر این جمله پیامبر می نویسد: «علی بن الحسین (امام سجاد علیه السلام) می فرمود من فرزند دو برگزیده ام، زیرا جدشان رسول الله و مادرشان دختر یزدگرد پادشاه فارس بوده است»<sup>(2)</sup>.

و لذا از اجدادشان «قریش و فارس» با واژه «خیرتین» یاد می کنند، این جمله آن حضرت می رساند که آنان موحد بودند و هرگز مشرک نبودند و بر همین اساس نیز فقهای شیعه زرتشتیان را جزء اهل کتاب می دانند و حساب آنها را از کافران جدا نموده اند و بر ایشان احکام خاصی قائلند. او به من گفت: ممنون می شوم اگر این جمله امام زین العابدین علیه السلام را در تابلویی نوشته به من بدهید تا در این معبد بگذارم و از مقام آن حضرت تجلیلی بکنم. من به دوستانم سفارش کردم که آنها بعد از این ملاقات تابلویی را از این روایت آماده کنند و به او بدهند.

از جمله مطالبی که از آن پیر روحانی زرتشتی سؤال کردم این بود که: اعمال عبادی شما زرتشتیان در این معبد چیست؟ او گفت: زرتشتیان سعی می کنند سه روز در خرداد ماه به این مکان مقدس بیایند و پس از تعظیم به آتش داخل در معبد، صبحها هنگام طلوع خورشید بیدار باشند و به طرف مشرق که خورشید طلوع می کند بایستند و یا زانو بزنند و دعا کنند و خواسته هایشان را عرضه کنند و از اهریمن به

ص: 393

1- الکافی، ج 1، ص 467.

2- ربیع الأبرار و نصوص الأخبار، ج 1، ص 334.



یزدان پناه ببرند و همچنين شها حتماً بايد زير آسمان بخوابند تا نور مهتاب بر آنها بتابد و از خير آن بهره مند شوند.

گفتم: آيا واقعاً شما آتش را مي پرستيد؟ گفت: نه هرگز!! ما آتش را نمادی از حيات و زندگانی می دانيم و خورشيد و ماه را نمادی از زن و مرد کمال يافته می دانيم که به دنبال آن دو در زمين دوازده درخت سبز که نماد خير و خوبانند، به نام های فروردین، اردیبهشت، خرداد، تیر، مرداد، شهریور، مهر، آبان، آذر، دی، بهمن و اسفند امتداد یافته است که از آن درخت ها اثری نیست و این درخت ها نیز نماد دوازده شخصیت والا بوده، نه اینکه آنها را پرستيم و خدای خود بدانيم. لذا در ابتدای اول سال شمسی دوازده روز به یاد این دوازده شخصیت شادی می کنيم و روز سیزدهم که خارج از این دوازده نماد است بیرون می رويم و با شيطان ستيز می کنيم و نحوست را از منزلمان خارج می بريم که هر چه خارج از این دوازده نماد باشد نحوست و شرّ است و تمام برج های کل سال را نیز به نام این دوازده نماد، نام نهاده ايم که يعنی تمام سال در پناه این نمادها و به یاد آنها هستيم تا تمام سال را زير سایه خير این نمادها قرار بگيريم.

سپس افزود: ما معتقدیم می آید روزی که شخصیت اول يعنی «فروردین» که نام ديگرش «بهرام» «پرويز» و «بندۀ یزدان» است طلوع و خروج می کند و تمام جهان بلکه تمام سال و زمان را بهار مطلق که مملو از سبزی و گل و آسایش و راحتی و لذت است، پر می کند.

من و دوستانم شگفت زده به صحبت های پير روحانی زرتشتی گوش می داديم و اشک در چشمان دوستان حلقه زده بود و کنترل خود را از دست داده و گريه می کردند، پير روحانی از عکس العمل ما تعجب کرده بود و برایش سؤال پيش آمده بود که چرا ما اينگونه تحت تأثیر صحبت ها و ارشادهایش قرار گرفته ايم؟!

در جواب گفتم: شما زرتشتيان با ما مسلمانان پيرو مکتب اهل بيت عليهم السلام مشترکات زيادی داريد، چون شما آتش را نمی پرستيد بلکه آن را نمادی از «حيات و زندگانی» می دانيد و اين همان است که ما می گوييم، حيات و زندگانی قائم به «علم و دانش» است، شما «خورشيد و ماه» را دو نمادی از دو شخصیت بينظير کمال يافته می دانيد و در قرآن و روايات ما خورشيد و ماه به پيامبر صلی الله عليه و آله و سلم و دختر گرانقدرش فاطمه زهرا عليها السلام و اميرالمؤمنين عليه السلام تفسير شده است، شما معتقد به دوازده نماد خير و خوبی هستيد و ما نیز دارای دوازده امام معصوم عليهم السلام که همگی خير و خوبی و زیبایی هستند می باشيم و شما منتظر «فروردین» هستيد که قيام کند و دنيا را به سبزی و خرمی کامل و بشریت را به سعادت کامل برساند و ما نیز منتظر «مهدی موعود عجل الله فرجه» که تمام ادیان از جمله دين شما از او خبر داده است

هستیم که با ظهورش عدالت واقعی و آسایش و رفاه واقعی را برای کل بشریت به ارمغان می آورد.

او گفت: «فروردین» از تبار اردشیر و یزدگرد است، گفتم: مگر نگفتی «زین العابدین علیه السلام» را دوست می داری چون از فرزندان یزدگرد است؟ مهدی موعود یا همان «فروردین» که می گویی نیز از فرزندان زین العابدین علیه السلام است که جهان را از شرّ و بدی نجات خواهد داد.

آن روز با دوستان در بالای کوه های سر به فلک کشیده چک چک به یاد امام زمان روحی فدای ندبه خواندیم و اشعاری در فراق آن حضرت خوانده شد، آن روز برایمان بسیار پر بار و معنوی بود. هنگام خداحافظی با پیر روحانی وی از من تقاضا کرد پیرامون مهدی موعود علیه السلام کتاب هایی برایش بفرستم که من هنگامی که به قم برگشتم کتاب هایی در موضوع «مهدی موعود در ادیان آسمانی» برایش فرستادم، پس از مدتی یکی از دوستان که به دیدن این پیر رفته بود، بشارت داد که این پیر روحانی گفته است شما با آمدنتان محبت و عشق «فروردین» یا همان «مهدی موعود» را در روح من شعله‌ور کردید و از آن تاریخ من نیز مانند شما قلباً مرید خورشید و ماه و دوازده امام و مهدی موعود شدم و در سال های بعد که باز در سفر دیگری که به یزد رفته بودم خواستیم با دوستان به دیدنش به چکچک برویم که خبر درگذشت او را آوردند و گفتند چند ماهی است که به رحمت ایزدی پیوسته است.

در اینجا قسمتی از کتاب «زند» را که کتاب زرتشتیان است و نوید ظهور را داده است، می آوریم:

«لشکر اهریمنان با ایزدان، دائم در روی خاک محاربه و کشمکش دارند و غالباً پیروزی با اهریمنان باشد، اما نه به طوری که ایزدان را محو و منقرض سازند که در هنگام تنگی از جانب اورمزد که خدای آسمان است به ایزدان که فرزندان اویند، یاری می رسد و محاربه ایشان نه هزار سال طول می کشد، آنگاه پیروزی از طرف ایزدان می شود و اهریمنان را منقرض می سازند. تمام اقتدار اهریمنان در زمین است و در آسمان راه ندارند و بعد از پیروزی ایزدان و برانداختن تبار اهریمنان عالم کیهان به سعادت اصلی خود رسیده و بنی آدم بر تخت نیک بختی خواهند نشست» (1).

### اعمال عید غدیر شمس

چه نیکوست مؤمنان در ایام نوروز، آغاز سال نو را به جهت نصب امامت و ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام به شادی و سرور پردازند و خود و خانیشان را زینت کنند و به دید و بازدید یکدیگر روند و اعمال روز غدیر خم را به امید رجاء و ثواب به جای آورند که عبارتند از:

ص: 395

1. روزه که کفاره شصت سال گناه است.

2. غسل.

3. زیارت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و سزاوار است که انسان هر کجا باشد سعی کند خودش را به قبر آن حضرت برساند و بخواند زیارت امین الله را.

4. خواندن تعویذی که از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده (به مفاتیح الجنان مراجعه شود).

5. دو رکعت نماز بخواند و به سجده رود و صد مرتبه شکر خدا کند و بعد از سجده دعایی را که وارد شده، بخواند: «اللهم انی استلک بأن لک الحمد و حدک لا شریک لک...».

پس باز به سجده رود و صد مرتبه الحمد لله و صد مرتبه شکر الله بگوید و روایت شده هر که این عمل را به جا آورد ثواب کسی را داشته باشد که در روز عید غدیر نزد حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم حاضر شده باشد و با آن حضرت بیعت کرده باشد بر ولایت.

6. غسل کند و دو رکعت نماز پیش از زوال بخواند و در هر رکعت حمد یک مرتبه و توحید و آیه الکرسی و سوره قدر هر کدام ده مرتبه، که مقابل صد هزار حج و صد هزار عمره و باعث برآورده شدن حوائج دنیا و آخرت او به آسانی و عافیت است.

7. خواندن دعای ندبه.

8. خواندن دعایی که سید بن طاووس رحمه الله از شیخ مفید رحمه الله نقل کرده: «اللهم انی استلک بحق محمد نبیک و علی ولیک و...».

9. چون مؤمنی را ملاقات کند این تهنیت را بگوید: «الحمد لله الذی جعلنا من المتمسکین بولایة امیرالمؤمنین و الأئمة المعصومین علیهم السلام».

10. صد مرتبه بگوید: «الحمد لله الذی جعل کمال دینه و تمام نعمته بولایة امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام».

سایر اعمال این روز شریف عبارتند از: پوشیدن لباس های نیکو، زینت کردن، بوی خوش استعمال نمودن، شادی کردن و شاد نمودن شیعیان، عفو و گذشت از تقصیرات دوستان اهل بیت علیهم السلام، برآوردن حاجات مؤمنان، صله ارحام نمودن، دید و بازدید رفتن، توسعه بر عیال دادن، مسرور و شاد نمودن مؤمنان، اطعام دادن مؤمنان، تبریک گفتن و مصافحه کردن با یکدیگر، شکر خدا نمودن به جهت نعمت ولایت، بسیار صلوات فرستادن، دادن یک درهم به برادر مؤمن که برابر است با دادن هزار

درهم در اوقات دیگر، به یکدیگر احسان نمودن و گذشت کردن، هدیه دادن به اطفال و شاد نمودن آنها، تلقین نمودن ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام به آنها، اطعام مؤمنان که مثل اطعام دادن به پیامبران و صدیقان است، تبسم نمودن به روی یکدیگر، افطار دادن به روزه داران مؤمن که مثل آن است که ده فنام افطار داده باشد و فنام صد هزار پیغمبر و صدیق و شهید است، تبری جستن از دشمنان اهل بیت علیهم السلام، رفتن به زیارت علما و سادات و ذریه فاطمه زهرا علیها السلام که نسب شریفشان به آن حضرت می رسد (که زیارتشان به منزله زیارت اجداد طاهریشان است)، قرض دادن و رفع هم و غم مؤمنان، قضای حاجات مؤمنان و سادات.

و این روز، روز قبولی اعمال شیعیان و روز برطرف شدن غم های ایشان است. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «کسی که در این روز جمعی از مؤمنین و مؤمنات را کفایت کند من ضامنم برای او، امان از کفر، و فقر را».

## اصحاب الرّس

حضرت رضا علیه السلام به نقل از پدران بزرگوارشان فرمودند: سه روز پیش از شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام شخصی مقابل منبر حضرت بلند شد و گفت: یا علی! در قرآن و در سوره فرقان از «اصحاب الرّس» نام برده شده است، اینان کیانند؟ و در چه زمانی بودند؟ و در چه محلی زندگی می کردند؟ پادشاه آنان که بود؟ و پیامبرشان که بود؟

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: پرسشی نمودی که پیش از تو کسی از من سؤال ننموده و بعد از من نیز کسی خبر ایشان را به تو نخواهد گفت مگر آنکه از من حدیث کند. بدان ای مرد در کتاب خدا هیچ آیه ای نیست مگر آنکه تفسیر آن را می دانم و موقع نزول و شأن نزول آن را مطلع هستم؛ سپس به سینه مبارک اشاره نموده و فرمودند: در اینجا علم و دانش بی پایانی است اما جویندگان و طالبانش بسیار کم است و بزودی وقتی که دیگر مرا در بین خود نبینند پشیمان خواهند شد.

ای تمیمی اصحاب رس مردمی بودند که درخت صنوبر را پرستش می کردند و آن را در فارسی «شاه درخت» می نامیدند و آن درختی بود که یافث بن نوح پس از طوفان در کنار چشمه آبی به نام «روشناب» کاشته است، قوم مزبور بعد از عصر حضرت سلیمان در روی زمین می زیستند و دوازده شهر در کنار رود ارس در بلاد مشرق زمین بنا کرده بودند و به همین مناسبت آنها را اصحاب رس نامیده اند در آن زمان در روی زمین نهی بهتر و پر آب تر و گوارتر از رود ارس وجود نداشت و هیچ شهر و دیاری معمورتر و بهتر

از شهرهای ایشان نبود نام دوازده شهر مزبور عبارت بود از:

آبان، آذر، دی، بهمن، اسفندار، فروردین، اردیبهشت، خرداد، تیر، مرداد، شهریور، مهر.

مرکز کشور و سلطنت آنها شهر بزرگ اسفندار و نام پادشاهان ایشان ترکوژ بن غابور بن یارش بن ساذ بن نمرود بن کنعان بود.

چشمه روشناب و اولین صنوبر در شهر اسفندار بود و اهالی یازده شهرستان دیگر از دانه های صنوبر مزبور گرفته و به شهرهای خود برده و غرس کرده بودند و درخت های بسیاری از آن صنوبر پیدا شده بود، مردم شهر اسفندار آب چشمه روشناب را ویژه صنوبر معبود خود دانسته و بر خود و چهارپایان حرام کرده بودند و اگر کسی جرعه ای از آن می آشامید محکوم به قتل می شد و به قتل می رسانیدند و عقیده داشتند این آب حیات خداوندان ما است و نباید از آن آشامید. اصحاب رس در هر ماه عیدی داشتند که در پیرامون درخت صنوبر اجتماع نموده و درخت را به انواع حلیه ها و زیورها می آراستند و گاو و گوسفند بسیاری قربانی می کردند و آتش افروخته قربانی ها را در آتش می افکندند و چون دود قربانی ها بلند می شد همگی به سجده افتاده و به نیایش خدای خود مشغول می شدند و می گفتند خدای ما از ما راضی شو، در این وقت شیطان درخت صنوبر را می جنبانید و از ساق درخت صدائی مانند آوای کودک بر می خاست که ای بندگان من از شما خشنود شدم، مردم از شنیدن صدای مزبور خرم و خوشحال شده به لهو و لعب و شرب خمر مشغول و یک شب و یک روز در آن مکان توقف کرده و روز دیگر به جایگاه خود باز می گشتند و عید هر شهری منسوب به آن شهر بوده و ایرانیان نام دوازده ماه سال خود را از نام دوازده شهر مذکور اقتباس کرده بودند.

در هر سال یک مرتبه اهالی دوازده شهر به سوی شهر اسفندار که مرکز کشور و جایگاه چشمه روشناب و صنوبر اصلی بوده می رفتند و عید بزرگ خود را در آن جا برگزار می نمودند، بدین ترتیب که در کنار صنوبر سرپرده مجلل و رفیعی از دیبا که به انواع صورت های مزین شده بود می زدند و به آن سرپرده دوازده درب تعبیه کرده بودند که اهالی هر شهری از درب مخصوص وارد می شدند و خارج سرا پرده به نیایش صنوبر پرداخته و قربانی ها برای آن درخت خیلی بیش از سایر درخت ها می آوردند، آنگاه شیطان درخت را به شدت تکان می داد و از میان درخت به آواز بلند صدایی بلند می شد و مردم را وعده ها و امیدواری ها می داد، مردم سر از سجده برداشته و به لهو و لعب و شرب خمر مشغول و مدت دوازده شبانه روز بعد تمام عیدهای سال به عیاشی و باده گساری می پرداختند و روز سیزدهم جشن پایان یافته

و به شهرها و خانه های خود باز می گشتند. پیغمبر آنان هر چه سفارش کرد که این کارها درست نیست و خداوند از این رفتارتان ناخوشنود است، خدای شما این درختان صنوبر نیستند، فایده ای نداشت، پس پیامبر خدا آنها را نفرین کرد و درخت بزرگ صنوبر خشکید. مردم دو نظر داشتند: گروهی می گفتند: این جادوگر است، خدای ما را جادو کرده است، دسته دیگر نیز می گفتند:

خدایان (درختان صنوبر) بر ما به خاطر این که ما را به کفر دعوت می کند غضب کرده اند، پس چاره ای جز قتل او نیست. به دنبال این تصمیم یهودای پیامبر را داخل چاهی انداختند، صدای ناله و زاری او را می شنیدند و می گفتند: خدایان از صدای ناله و زاری او خشنود می گردند.

یهودا، پیامبر آن قوم و گروه در چاه جان سپرد، پس خداوند بر ایشان غضب نمود و عذاب خود را نازل فرمود، عذاب و قهر الهی، باد شدیدی بود که بر آنان وزیدن گرفت، زمین نیز مانند مس گداخته، همه آنان را بلعید و به هلاکت رسانید. [\(1\)](#)

«ربنا تقبل منا»

ص: 399

---

1- عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج 1، ص 205. الدرجات الرفیعة فی وقایع الشیعه

\* منشور سعادت 1: برنامه عملی برای خوشبختی فرزندان 10 تا 21 سال

منشور سعادت برنامه ای است عملی برای سعادت‌مندی و موفقیت در زندگی یک نوجوانی که به سنینی رسیده است که در گرداب و تلاطم های زندگی بسیار مورد هجومه های شیاطین قرار می گیرد. این برنامه با بیانی کوتاه و مختصر، یک دستورالعمل در نهایت شیوایی و روشن‌گر مسیر سعادت فرزندان است که تلاش پدران و مادران و مربیان را می طلبد تا با بکارگیری این منشور در تربیت فرزندان خود، زمینه سعادت آنان را چه در جنبه امور مادی و دنیایی و چه در جنبه روحی و آخرتی فراهم آورند.

\* منشور سعادت 2: آیا من چنین بانویی هستم؟

در این اثر سعی شده راهکارهایی عملی با بیانی بسیار ساده و کارشناسی شده، به منظور تحکیم پیوند زناشویی ارائه گردد. این «منشور» مخاطبش خانمها هستند و در آن رهنمودهایی در خصوص زن نسبت به شوهر و فرزندانش بیان شده و وظایف تحت قالب "راهکار" تعریف شده است که با عمل به آن شیرینی زندگی دوچندان می شود. ما در این اثر سعی کردیم این آموزه ها را با بیانی بسیار ساده و رسا هماهنگ با دو منبع گرانسنگ «قرآن و عترت» استخراج کنیم و در اختیار زوج های جوان قرار دهیم تا هم خود از زندگی خود خشنود باشند و هم خدای تعالی را از خود خشنود سازند.

\* منشور سعادت 3: شخصیت مرد موفق در خانواده

مخاطب این منشور مردان می باشند و سعی شده است راهکارهای عملی در تعلیم و تعلم مردها برای تحکیم خانواده و ایجاد صفا و صمیمیت بین خود و همسر و فرزندانشان، ارائه شود. آنچه در این اثر می خوانید چیزی جز الفبای اولیه زندگی سعادت‌مندان نیست که با الهام از مکتب وحی و تعالیم قرآن و عترت آمده است که می سزد آنها را بیاموزیم و به کار بندیم.

\* تربیت فرزند

یکی از نگرانی های همیشگی والدین، تربیت صحیح فرزندان و داشتن فرزندی صالح و شایسته است. در این اثر آموزه هایی برگرفته از معارف قرآن و اهل بیت علیهم السلام، برای تربیت صحیح فرزندان، از همان ابتدای انعقاد نطفه فرزند تا زمانی که وی به سنین هفت سالگی، نوجوانی (چهارده سالگی) و جوانی (بیست و یک سالگی) می رسد، ارائه شده است.

\* واجب فراموش شده، در اثبات وجوب دعا برای فرج امام زمان ارواحنا فدا

آیا می دانید دعا برای حضرت ولی عصر ارواحنا فدا واجب است ولی به فراموشی سپرده شده است؟!؟

هدف اصلی این کتاب توجه دادن عوام و خواص شیعه به مسأله فقهی دعا برای فرج امام زمان علیه السلام است و در آن با ادله نقلی، عقلی و «دلیل انتظار» ثابت شده است که بر شیعیان واجب است همچون نماز و

روزه، هر روز برای فرج امام زمان علیه السلام دعا کنند، مسأله واجبی که به فراموشی سپرده شده است و عمل به آن در توجه شیعیان به امام زمانشان و تعجیل در فرج ایشان بسیار مؤثر خواهد بود.

\* نور علوی در عید غدیر شمسی و قمری

انطباق اول فروردین (عید غدیر شمسی) با 18 ذیحجه سال 10 قمری است، زیرا شکوفایی گلها و نباتات و بطور کلی حیات کره زمین به برکت ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام است که ادله آن را در این کتاب می خوانید.

\* طهر مطهر در تبرئه جناب جعفر، عموی امام زمان علیه السلام

جناب جعفر طاهر فرزند امام هادی علیه السلام یکی از بزرگترین مظلومین جهان اسلام است که مورد اهانت و تحقیر جامعه مسلمین قرار گرفته و حال آنکه آن حضرت از فرزندان پاک و مطهر امام هادی علیه السلام بوده و از روی تقیه خود را پیش مرگ امام زمانش قرار داد و دشمن از این عمل او کمال سوء استفاده را کرده و با روایات جعلی در مقام ضربه زدن به آن حضرت برآمده است.

شما با مطالعه این کتاب کاملاً به مقام بلند و پاک و منزّه این امام زاده واجب التعظیم پی خواهید برد.

\* فرمانده کل قوا، از لشکر حسینی تا لشکر مهدوی

در ذکر معجزات و مناقب و در اثبات ولایت کلیه حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام.

\* ترجمه مزجی قرآن کریم، مفاتیح الجنان و صحیفه سجادیه

این ترجمه به صورت کلمه به کلمه بوده و برای خواننده این امکان را فراهم می کند تا ترجمه هر کلمه عربی را در زیر همان کلمه مشاهده کند و معنای تحت اللفظی آن را فرا گیرد. همچنین برای واضح شدن معنای عبارات، شرحی در داخل پرانتز آورده شده است.

\* طب الزهراء سلام الله علیها

این اثر در شرح روایاتی است که درباره خوردنی ها و آشامیدنی ها از زبان مبارک حجت خدا، حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها صادر شده است. همچنین آثار و فوائد آن خوردنی ها و آشامیدنی ها در علم طب جدید و طب سنتی آورده شده است.

« اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ وَ آيِّهَا وَ بَعْلِهَا وَ بَنِيهَا

وَ سِرِّ الْمُسْتَوْدَعِ فِيهَا بَعْدَ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ »



## فهرست مطالب

مبدأ تاریخ اسلام

مقدمه.....5

چرا هجرت؟! 11

چرا اسلام ماه های قمری را تعیین نموده نه ماه های شمسی را؟! 13

نام ماه های قمری 15

عام الفیل چیست؟ 17

ماه ربیع الاول

1 ربیع الاول 19

مبدأ سال هجری 19

شادی و سرور مؤمنان به جهت ابتدای سال 19

لیلة المبیت 19

بیماری امام حسن عسکری علیه السلام در اثر سم 20

2 ربیع الاول 20

وفات سید شفتی رحمة الله 20

تشرف سید شفتی رحمة الله به جزیره خضراء 21

3 ربیع الاول 22

آتش کشیدن مکه به امر یزید بن معاویه 22

4 ربیع الاول 23

خروج پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از غار ثور و حرکت به سوی یترب (مدینه) 23

مصاحب پیامبر صلی الله علیه و آله در غار 23

وفات محدث جلیل القدر شیخ یوسف بحرانی رحمه الله 24

5 ربیع الاول 25

خروج امیرالمؤمنین علیه السلام از خانه بعد از جمع آوری قرآن کریم 25

رحلت حضرت سکینه خاتون علیها السلام 25

شهادت شهید ثانی رحمه الله 26

8 ربیع الاول 27

ولادت یا شهادت امام حسن عسکری علیه السلام !!! 27

9 ربیع الاول 28

عید بقر 28

کشته شدن عمر بن الخطاب 29

کشته شدن عمر بن سعد 29

10 ربیع الاول 30

ترویج پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با حضرت خدیجه ام المؤمنین علیها السلام 30

مرگ داوود بن علی حاکم ظالم مدینه 31

11 ربیع الاول 32

مرگ مالک بن انس 32

ولادت جناب نفیسه خاتون 32

12 ربیع الاول 32

ولادت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بنا بر قولی ضعیف 32

ورود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به قریه قبا 32

مرگ احمد بن حنبل 33

13 ربیع الاول 33

به حکومت رسیدن سفّاح، اولین خلیفه عباسی 33

14 ربیع الاول 34

به درک واصل شدن یزید بن معاویه 34

وفات آیه الله حاج آقا حسین قمی رحمة الله 34

رحلت آیت الله شیخ محمد کوهستانی رحمة الله 35

15 ربیع الاول 36

بنای مسجد قبا، اولین مسجد در اسلام 36

مرگ ولید بن عبدالملک بن مروان، قاتل امام زین العابدین علیه السلام 36

مرگ موسی خلیفه عباسی، قاتل شهدای فَحّ 36

فوت عبیدالله مهدی، اولین خلیفه فاطمیون 37

16 ربیع الاول 38

اولین نماز جمعه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله 38

17 ربیع الاول 38

ص: 402

ولادت با سعادت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله 38

ولادت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام 40

18 ربیع الاول 43

به درک واصل شدن معتصم عباسی، قاتل امام جواد علیه السلام 43

تأسیس مسجد النبی صلی الله علیه و آله و روز ساخت و احیای مساجد 44

20 ربیع الاول 44

صدور فتوای تاریخی میرزا محمد تقی شیرازی 44

22 ربیع الاول 45

غصب فدک از فاطمه زهرا علیها السلام 45

غزوه بنی النضیر 46

23 ربیع الاول 47

تشریف فرمایی حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به قم 47

وفات آیه الله میرزا جواد تهرانی رحمة الله 47

25 ربیع الاول 47

غزوه دومة الجندل 47

وفات سیّد مرتضی علم الهدی رحمة الله 48

26 ربیع الاول 48

صلح امام حسن مجتبی علیه السلام با معاویه 48

علت صلح و مواد صلح نامه 48

27 ربیع الاول 51

وفات آیه الله سیّد محسن حکیم رحمة الله 51

28 ربیع الاول 52

فتح شهر بغداد توسط شاه عباس صفوی 52

29 ربیع الاول 52

شهادت طفلان مسلم علیهما السلام 52

ماه ربیع الثانی

1 ربیع الثانی 55

قیام توّابین در کوفه بر ضد حکومت بنی اُمّیه 55

3 ربیع الثانی 55

سفر امام حسن عسکری علیه السلام به جرجان 55

4 ربیع الثانی 57

ولادت حضرت شاه عبدالعظیم حسنی علیه السلام 57

5 ربیع الثانی 58

فوت منتصر بالله عباسی 58

6 ربیع الثانی 58

هلاکت هشام بن عبدالملک (قاتل امام محمد باقر علیه السلام) 58

8 ربیع الثانی 59

شهادت یا ولادت امام حسن عسکری علیه السلام !!! 59

9 ربیع الثانی 61

شهادت حضرت زهرا علیها السلام به روایت 40 روز 61

وفات شاعر گران قدر شیعه، سید حیدر حلّی 62

وفات هلاکوخان 63

10 ربيع الثاني 63

شهادت جانگداز حضرت فاطمه معصومه عليها السلام 63

11 ربيع الثاني 64

حملة روس به حریم سلطان طوس عليه السلام 64

12 ربيع الثاني 66

واجب شدن نماز 66

14 ربيع الثاني 67

قیام مختار ثقفی رحمة الله 67

17 ربيع الثاني 67

وفات معزّ الدوله از سلاطین دیالمه 67

18 ربيع الثاني 68

هجوم به بیت فاطمه زهرا عليها السلام 68

شهادت حضرت محسن عليه السلام 69

19 ربيع الثاني 70

ورود حضرت امام رضا عليه السلام به استان یزد 70

20 ربيع الثاني 70

ساخت مسجد الأقصى 70

22 ربيع الثاني 71

رحلت جناب موسى مُبرِّق عليه السلام 71

وفات مولوی قندهاری رحمة الله 71

23 ربيع الثاني 73



بزرگداشت جناب جعفر طاهر (پاک) فرزند امام هادی علیه السلام 73

25 ربیع الثانی 79

کناره گیری معاویه بن یزید از خلافت و انتقال سلطنت از آل ابوسفیان به آل مروان 79

27 ربیع الثانی 80

وفات آیه الله سیّد احمد خوانساری رحمة الله 80

28 ربیع الثانی 80

رحلت علامه امینی رحمة الله 80

مرگ ابن عربی 80

30 ربیع الثانی 81

به درک رفتن خالد بن ولید 81

ماه جمادی الاول

1 جمادی الاول 83

صدور حکم تحریم تنباکو توسط میرزای شیرازی 83

2 جمادی الاول 84

وفات علامه نهاوندی رحمة الله 84

5 جمادی الاول 85

ولادت حضرت زینب علیها السلام به قولی 85

6 جمادی الاول 85

جنگ موته و شهادت جناب جعفر، برادر امیرالمؤمنین علیه السلام 85

7 جمادی الاول 87

ورود امام رضا علیه السلام به نیشابور 87



9 جمادى الاول 89

شهادت «شهيد اول» 89

10 جمادى الاول 89

حضرت زهرا عليها السلام، پيراهن ابراهيم عليه السلام را به حضرت زينب عليها السلام دادند 89

جنگ جمل با ناكثين 89

شهادت زيد بن صوحان 90

11 جمادى الاول 90

ولادت خواجه نصير الدين طوسى رحمة الله 90

13 جمادى الاول 91

شهادت جانسوز فاطمه زهرا عليها السلام 91

14 جمادى الاول 91

شهادت ابراهيم، فرزند مالك اشتر 91

15 جمادى الاول 94

فتح بصره توسط اميرالمؤمنين عليه السلام 94

قتل مصعب بن زبير 94

16 جمادى الاول 94

غزوه ذات الرقاع 94

درگذشت على عمادالدوله، مؤسس آل بويه 94

17 جمادى الاول 95

رحلت حضرت عبدالله بن عبدالمطلب عليهما السلام 95

18 جمادى الاول 96

هجوم به بيت فاطمه زهرا عليها السلام 96

ولادت جناب ذوالقرنين 96

22 جمادى الاول 99

تزيج حضرت اميرالمؤمنين عليه السلام با امامه 99

رحلت جناب قاسم بن الإمام موسى بن جعفر عليه السلام 100

23 جمادى الاول 100

شهادت جناب مالك اشتر 100

24 جمادى الاول 101

وفات شاه عباس اول صفوى 101

27 جمادى الاول 101

رحلت حضرت عبد المطلب عليه السلام 101

شهادت ابوسلمه اسدى 102

28 جمادى الاول 102

روز حديث كساء و نزول آيه تطهير 102

كيفية نزول آيه تطهير و حديث كساء 102

آخر جمادى الاول 103

رحلت دومين سفير خاص امام زمان عليه السلام 103

ص: 404

ماه جمادى الثانى

1 جمادى الثانى 106

هلاكت هارون الرشيد، قاتل حضرت موسى بن جعفر عليه السلام 106

3 جمادى الثانى 106

شهادت حضرت زهرا عليها السلام 106

5 جمادى الثانى 107

مرگ ملای رومی معروف به مولوی 107

8 جمادى الثانى 109

رحلت علامه سيد شرف الدين موسى عاملى 109

10 جمادى الثانى 109

ورود سر مبارک زيد بن على عليهما السلام به مصر 109

مرگ فرید الدین عطار نیشابوری 110

13 جمادى الثانى 111

شهادت جناب ام البنين عليها السلام 111

15 جمادى الثانى 111

وفات بی بی شهربانو عليها السلام 111

18 جمادى الثانى 113

مرگ عبدالله بن زبير 113

18 جمادى الثانى 114

تزويج جناب عبدالله عليه السلام با آمنه بنت وَهَب عليها السلام 114

19 جمادى الثانى 115

روز غبارروبی حرم امام زادگان 115

«روز کوثر» و تجلیل از ذریه فاطمه زهرا علیها السلام 115

20 جمادی الثانی 115

ولادت با سعادت بانوی بانوان، سرور جهانیان، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و روز مادر 115

شب یلدا، شب ولادت فاطمه زهرا علیها السلام 115

کیفیت خلقت فاطمه زهرا علیها السلام 116

کیفیت حمل خدیجه علیها السلام 117

کیفیت ولادت فاطمه زهرا علیها السلام 119

21 جمادی الثانی 121

روز دوم ولادت فاطمه زهرا علیها السلام، روز زن 121

22 جمادی الثانی 122

روز سوم ولادت فاطمه زهرا علیها السلام، روز حجاب و کرامت زن 122

حقیقت حجاب 122

اهمیت حجاب 123

مردن ابوبکر پسر ابوقحافه 124

23 جمادی الثانی 126

وفات جناب محقق جلی رحمة الله 126

27 جمادی الثانی 126

شهادت امام هادی علیه السلام 126

شهادت سلطان علی بن محمد الباقر علیه السلام 127

وفات میرزا حسین نوری رحمة الله 128

28 جمادى الثاني 128

به درك رفتن وليد بن يزيد 128

قيام محمد نفس زكيه 129

29 جمادى الثاني 129

شهادت حضرت أم كلثوم، دخت اميرالمؤمنين عليهما السلام 129

آخر جمادى الثاني 131

شهادت جناب سيد محمد فرزند امام هادى عليه السلام 131

وفات سيف الدوله 132

ماه رجب المرجب

1 رجب المرجب 134

ولادت با سعادت امام محمد باقر عليه السلام 134

فضيلت زيارت امام حسين عليه السلام و امام رضا عليه السلام 135

سوار شدن حضرت نوح عليه السلام بر كشتى 136

3 رجب المرجب 136

ولادت با سعادت امام هادى عليه السلام 136

5 رجب المرجب 138

ولادت با سعادت امام موسى بن جعفر عليه السلام 138

يك خاطره 141

شهادت ابن سكيت رحمة الله 143

ص: 405

8 رجب المرجب 143

هلاکت مأمون عباسی، قاتل امام رضا علیه السلام 143

9 رجب المرجب 144

ولادت با سعادت حضرت علی اصغر علیه السلام 144

10 رجب المرجب 145

ولادت با سعادت امام محمد جواد علیه السلام 145

11 رجب المرجب 146

ولادت مرجع عالیقدر شیعه، آیت الله وحید خراسانی... 146

12 رجب المرجب 147

شکافته شدن دیوار کعبه برای فاطمه بنت آسد علیها السلام .... 147

13 رجب المرجب 148

روز اول: ولادت با سعادت امیرالمؤمنین علیه السلام 148

14 رجب المرجب 148

روز دوم: ولادت با سعادت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام 148

15 رجب المرجب 149

روز سوم: ولادت با سعادت امیرالمؤمنین علیه السلام از کعبه..... 149

شهادت حضرت زینب کبری علیها السلام دهم ماه مبارک رمضان است 151

تغییر قبله مسلمین 152

18 رجب المرجب 153

رحلت جناب ابراهیم، فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله 153

19 رجب المرجب 154

به درك واصل شدن معتمد عباسی، قاتل امام حسن عسكری علیه السلام 154

وفات شاه اسماعیل صفوی 154

20 رجب المرجّب 155

رحلت عارف و سالک الی الله حاج محمود عتیق، معروف به حاج ملا آقا جان زنجانی 155

22 رجب المرجّب 156

به درك رفتن معاویة بن ابوسفیان 156

23 رجب المرجّب 157

مجروح شدن امام حسن مجتبی علیه السلام 157

مسموم شدن امام موسی بن جعفر علیه السلام 157

ابتدای «هفته کاظمیه» 158

24 رجب المرجّب 158

فتح خیبر به دست امیرالمؤمنین علیه السلام 158

وفات سید محمد مهدی بحرالعلوم رحمة الله 159

25 رجب المرجّب 160

شهادت امام موسی بن جعفر علیهما السلام 160

26 رجب المرجّب 160

شهادت حضرت ابوطالب علیه السلام 160

27 رجب المرجّب 162

عید مبعث 162

28 رجب المرجّب 162

روز سوم شهادت امام موسی بن جعفر علیه السلام 162

وفات جناب ام ایمن 162

29 رجب المرجب 163

شهادت حضرت خدیجه کبری علیها السلام 163

مختصری از شرح حال حضرت خدیجه علیها السلام 164

حرکت امام حسین علیه السلام به سوی کربلا 165

مرگ شافعی 165

ماه شعبان المعظم

1 شعبان المعظم 167

تولد حضرت زینب کبری علیها السلام 167

2 شعبان المعظم 169

به هلاکت رسیدن معتز عباسی، قاتل امام هادی علیه السلام 169

3 شعبان المعظم 169

ولادت با سعادت امام حسین علیه السلام 169

4 شعبان المعظم 170

ولادت با سعادت حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام 170

5 شعبان المعظم 171

ولادت با سعادت امام زین العابدین علیه السلام 171

ص: 406



6 شعبان المعظم 173

وفات ثقة الواعظين حاج شيخ عبدالله يزدي رحمة الله 173

8 شعبان المعظم 174

شروع غيبت صغرى 174

10 شعبان المعظم 175

صدور آخرين توقيع از ناحيه مقدس امام زمان عليه السلام و خبر از وقوع غيبت كبرى 175

11 شعبان المعظم 176

ولادت با سعادت حضرت على اكبر عليه السلام 176

15 شعبان المعظم 177

ولادت با سعادت يكتا منجى عالم بشرية حضرت بقية الله ارواحنا فداه 177

احياء شب نيمه شعبان 179

رحلت آخرين وكيل و سفير خاص امام زمان عليه السلام جناب على بن محمد سمري رحمة الله 180

17 شعبان المعظم 181

وفات زاهد عالم، مرحوم حاج شيخ حسنعلى اصفهانى مشهور به نخودكى 181

18 شعبان المعظم 182

رحلت سومين وكيل و سفير خاص امام زمان عليه السلام، جناب حسين بن روح رحمة الله 182

19 شعبان المعظم 183

رحلت آيت الله حاج شيخ حسنعلى مرواريد رحمة الله 183

20 شعبان المعظم 183

وفات آية الله الاكبر، جناب آقاى سلطان الواعظين شيرازى رحمة الله 183

22 شعبان المعظم 183

ولادت رقيه خاتون عليها السلام 183

سفره حضرت رقيه عليها السلام 184

23 شعبان المعظم 185

وفات جناب ناصر كبير 185

24 شعبان المعظم 186

وفات ميرزا محمد حسن شيرازى رحمة الله 186

25 شعبان المعظم 186

هلاکت ابو مسلم خراسانى 186

27 شعبان المعظم 188

شهادت سعيد بن جبیر از اصحاب خاص امير المؤمنين عليه السلام 188

28 شعبان المعظم 189

به درک واصل شدن على محمد باب 189

آخر شعبان المعظم 190

واجب شدن روزه ماه مبارک رمضان 190

ماه مبارک رمضان

1 ماه مبارک رمضان 192

نزول صحف ابراهيم 192

غزوه تبوک 192

وفات جناب نفيسه خاتون عليها السلام 192

3 ماه مبارک رمضان 193

رحلت جناب شيخ مفيد رحمة الله 193

4 ماه مبارك رمضان 194

به درك واصل شدن زياد بن ابيہ 194

5 ماه مبارك رمضان 195

وفات سفير اول امام زمان عليه السلام ، جناب عثمان بن سعيد رحمة الله 195

6 ماه مبارك رمضان 196

بيعت مأمون با امام رضا عليه السلام 196

نزول تورات 197

10 ماه مبارك رمضان 197

رحلت و شهادت حضرت خديجه كبرى عليها السلام در 29 رجب مي باشد 197

رحلت و شهادت حضرت زينب عليها السلام 198

رسيدن دعوتنامه اهل كوفه به امام حسين عليه السلام 199

12 ماه مبارك رمضان 199

عقد اخوت بين اصحاب پيامبر صلى الله عليه وآله 199

13 ماه مبارك رمضان 200

ص: 407

هلاکت حجاج ثقفی قاتل سفّاک و بیرحم شیعیان 200

نزول انجیل 201

14 ماه مبارک رمضان 201

شهادت سیّد جلال الدین اشرف، فرزند امام کاظم علیه السلام 201

شهادت جناب مختار ثقفی رحمة الله 202

کیفیت شهادت مختار رحمة الله 206

15 ماه مبارک رمضان 207

ولادت با سعادت امام حسن مجتبی علیه السلام 207

حرکت جناب مسلم بن عقیل علیه السلام به سوی کوفه 207

16 ماه مبارک رمضان 207

رحلت آیت الله سید محمود مجتهدی سیستانی رحمة الله ... 207

17 ماه مبارک رمضان 208

معراج پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله 208

جنگ بدر 209

مرگ ابوجهل 209

فرمان امام زمان علیه السلام بر ساختن مسجد مقدس جمکران 209

18 ماه مبارک رمضان 213

نزول زبور 213

19 ماه مبارک رمضان 213

لیلة القدر، ضربت خوردن حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام 213

نزول آیه خمس 214

20 ماه مبارك رمضان 215

شدت بیماری امیرالمؤمنین علیه السلام 215

فتح مکه و شکستن بت های کعبه توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام 216

21 ماه مبارك رمضان 216

لیلة القدر 216

شهادت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام 216

بیعت مسلمانان با امام حسن مجتبی علیه السلام به جهت خلافت 217

رحلت حضرت موسی کلیم الله علیه السلام 217

شهادت یوشع بن نون علیه السلام 217

عروج حضرت عیسی علیه السلام به آسمان 218

وفات شیخ حر عاملی رحمة الله 218

23 ماه مبارك رمضان 219

لیلة القدر، شب سوم شهادت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام 219

نزول دفعی قرآن 219

25 ماه مبارك رمضان 220

شهادت میرزا محمد تقی موسوی اصفهانی، صاحب «مکیال المکارم» 220

26 ماه مبارك رمضان 221

میلاذ مسعود علیا مخدره، زینب صغری، ام کلثوم علیها السلام .. 221

27 ماه مبارك رمضان 223

شب قدر نزد عامه 223

به درک واصل شدن ابن ملجم، قاتل امیرالمؤمنین علیه السلام . 223

رحلت علامه مجلسی رحمه الله 224

30 ماه مبارک رمضان 224

وفات الجایتو سلطان محمد خدابنده 224

تشیع محمد خدابنده 225

ماه شوال المکرم

1 شوال المکرم 228

روز عید فطر 228

به درک واصل شدن عمرو بن العاص 228

3 شوال المکرم 229

به درک واصل شدن متوکل عباسی 229

5 شوال المکرم 230

ورود مسلم بن عقیل علیه السلام به کوفه 230

6 شوال المکرم 231

معجزه ردّ الشمس برای بار دوم 231

صدر اولین توقیع از امام زمان علیه السلام در تأیید جناب حسین بن روح رحمه الله 231

ص: 408

7 شوال المکرم 231

شهادت جناب فاطمه معروف به «خواهر امام» 231

8 شوال المکرم 232

روز مصیبت بقیع 232

درگذشت عضدالدوله دیلمی 233

13 شوال المکرم 233

رحلت آیه الله سید حسین بروجردی رحمة الله 233

14 شوال المکرم 235

به درک واصل شدن عبدالملک مروان 235

15 شوال المکرم 235

روز بازگشت خورشید برای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام .... 235

غزوة أحد 236

شهادت حمزه سیدالشهداء علیه السلام 236

بانویی در جنگ احد 238

شهادت جناب عبدالعظیم حسنی رحمة الله 238

18 شوال المکرم 239

وفات فخر الملة و شیخ الفقهاء، جناب محمد بن احمد ادريس حلی 239

20 شوال المکرم 239

تبعید امام کاظم علیه السلام توسط هارون الرشید عباسی 239

22 شوال المکرم 239

شهادت حضرت یحیی بن زکریا علیه السلام و وفات یعقوب نبی علیه السلام 239

23 شوال المكرم 240

شهادت جناب حمزه، فرزند امام موسى بن جعفر عليهم السلام 240

24 شوال المكرم 241

وفات اباصلت هروى رحمة الله 241

25 شوال المكرم 242

شهادت جانگداز امام جعفر صادق عليه السلام 242

28 شوال المكرم 243

رحلت آية الله روح الله الموسوى الخمينى رحمة الله 243

ماه ذى القعدة الحرام

1 ذى القعدة الحرام 245

ولادت با سعادت حضرت فاطمه معصومه عليها السلام 245

مرگ اشعث بن قيس 246

اخراج حضرت آدم عليه السلام از بهشت 246

2 ذى القعدة الحرام 247

تزويج پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله با زينب بنت جحش 247

5 ذى القعدة الحرام 248

رحلت سيد بن طاووس رحمة الله 248

6 ذى القعدة الحرام 248

ولادت احمد بن موسى عليه السلام (شاه چراغ) 248

8 ذى القعدة الحرام 249

غزوة خندق (احزاب) و كشته شدن عمرو بن عبدود..... 249



11 ذی القعدة الحرام 250

ولادت با سعادت سلطان دین و دنیا، امام رضا علیه السلام 250

15 ذی القعدة الحرام 251

23 ذی القعدة الحرام 251

روز زیارتی امام رضا علیه السلام 251

شهادت ارمیا پیامبر 251

24 ذی القعدة الحرام 252

قتل منصور حلاج 252

25 ذی القعدة الحرام 253

روز دحو الأرض 253

خروج امام رضا علیه السلام به سوی مرو 254

ساختن کعبه برای اولین بار 254

26 ذی القعدة الحرام 254

خروج حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، برای حجّة الوداع و غدیر خم 254

27 ذی القعدة الحرام 255

رحلت و شهادت ابوذر غفاری 255

28 ذی القعدة الحرام 256

شهادت حضرت احمد بن موسی، شاهچراغ علیه السلام 256

سفر حضرت به شیراز 257

شهادت حضرت 258

یافتن بدن شریف حضرت 258

چرا شاهچراغ؟ 260

29 ذی القعدة الحرام 261

شهادت سید علاء الدین حسین علیه السلام 261

آخر ذی القعدة الحرام 261

شهادت حضرت امام جواد علیه السلام 261

ماه ذی الحجة الحرام

1 ذی الحجة الحرام 264

عزل ابوبکر از ابلاغ برائت (سوره توبه) و فرستادن امیرالمؤمنین علیه السلام 264

2 ذی الحجة الحرام 266

درگذشت آیه الله نمازی شاهرودی رحمة الله 266

4 ذی الحجة الحرام 266

«یوم الزینة»، غلبه حضرت موسی علیه السلام بر ساحران 266

6 ذی الحجة الحرام 266

مرگ منصور دوانیقی، قاتل امام جعفر صادق علیه السلام 266

7 ذی الحجة الحرام 267

شهادت امام محمد باقر علیه السلام 267

8 ذی الحجة الحرام 268

روز ترویبه 268

روز خروج امام حسین علیه السلام از مکه 268

خطبه تاریخی حضرت عباس علیه السلام 268

خروج مسلم بن عقیل علیه السلام در کوفه 269

9 ذی الحجة الحرام 269

روز عرفه 269

شهادت مسلم بن عقیل و هانی بن عروه 270

روز سدّ ابواب در مسجد مدینه 271

رحلت سید ابوالحسن اصفهانی رحمة الله 271

10 ذی الحجة الحرام 272

عید سعید قربان 272

شهادت عبدالله بن حسن مثنی علیه السلام 272

13 ذی الحجة الحرام 273

معجزة شقّ القمر 273

14 ذی الحجة الحرام 273

بخشش فدک به فاطمه زهرا علیها السلام 273

افشاء سرّ رسول خدا صلی الله علیه و آله توسط عایشه و حفصه 274

15 ذی الحجة الحرام 275

محاصره خانه عثمان بن عفان 275

ولادت امام هادی علیه السلام بنا بر نقلی 275

16 ذی الحجة الحرام 275

ولادت با سعادت ابراهیم، فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله 275

17 ذی الحجة الحرام 276

نازل شدن جبرئیل و آوردن لقب «امیرالمؤمنین» برای علی بن ابیطالب علیه السلام 276

قتل عثمان بن عفان 276

چگونگی خلافت عثمان 278

18 ذی الحجة الحرام 278

عید بزرگ غدیر خم و عید با شرافت جهان اسلام 278

اعمال این روز شریف 279

نماز عید غدیر با جماعت خوانده می شود!!! 280

کتاب فقهی «اللمعة الدمشقية» و نماز جماعت عید غدیر 281

شیخ مفید رحمة الله و نماز جماعت عید غدیر 282

کیفیت نماز عید غدیر که همانند بیعت با امیرالمؤمنین علیه السلام می باشد 283

تذکر مهم 283

توجه دادن امام زمان علیه السلام به روز هجدهم و 11 روز بعد از آن در هر ماه 284

بیعت بر خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام پس از 25 سال خانهنشینی 285

19 ذی الحجة الحرام 286

عید غدیر خم بزرگداشت امامت و ولایت امام حسن مجتبی علیه السلام 286

وفات دانشمند بزرگ جهان تشیع و مؤسس مکتب تفکیک آیه الله میرزا مهدی اصفهانی رحمة الله 287

20 ذی الحجة الحرام 288

ص: 410

عید غدیر خم و بزرگداشت خلافت و امامت امام حسین، حضرت سیدالشهدا علیه السلام 288

ولادت امام کاظم علیه السلام 289

21 ذی الحجۃ الحرام 289

عید غدیر خم، بزرگداشت امامت و خلافت امام زین العابدین علیه السلام 289

روز مباحله 290

22 ذی الحجۃ الحرام 291

عید غدیر خم، بزرگداشت امامت و ولایت امام محمد باقر علیه السلام 291

شہادت جناب میثم تمار رحمۃ اللہ 292

خروج ابراہیم بن مالک اشتر برای جنگ با ابن زیاد..... 293

23 ذی الحجۃ الحرام 294

عید غدیر خم، بزرگداشت امامت و ولایت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام 294

شرف صدور توقیع به افتخار شیخ مفید رحمۃ اللہ 295

رحلت حاج شیخ عباس قمی رحمۃ اللہ .. 295

24 ذی الحجۃ الحرام 296

عید غدیر، بزرگداشت ولایت و امامت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام 296

خاتم بخشى امیرالمؤمنین علیه السلام 297

25 ذی الحجۃ الحرام 298

عید غدیر، بزرگداشت ولایت و امامت حضرت رضا علیه السلام ... 298

ترویج حضرت زهرا علیها السلام با حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام 299

نزول سوره «هل أتى» 300

26 ذی الحجۃ الحرام 300

عید غدیر خم، بزرگداشت ولایت و امامت حضرت امام جواد علیه السلام 300

دومین روز عروسی فاطمه زهرا علیها السلام با امیرالمؤمنین علیه السلام . 302

زخم برداشتن عمر بن الخطاب 302

27 ذی الحجة الحرام 302

عید غدیر خم، بزرگداشت ولایت و امامت حضرت امام هادی علیه السلام 302

روز سوم عروسی فاطمه زهرا علیها السلام و ولیمه عروسی آن حضرت 304

نزول آیه اطاعت از اولوا الأمر 304

به درک واصل شدن مروان 305

28 ذی الحجة الحرام 305

عید غدیر خم، بزرگداشت ولایت و امامت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام 305

واقعه حرّه 306

29 ذی الحجة الحرام 307

عید غدیر خم، بزرگداشت ولایت و امامت حضرت بقیة الله ارواحنا فداه 307

آخر ذی الحجة الحرام 309

مرگ هند جگرخوار 309

مردن عایشه 309

کیفیت مردن عایشه 311

مرگ سهروردی، شیخ اشراق 312

ماه محرم الحرام

1 محرم الحرام 315

آغاز دهه عاشورای حسینی 315

اقامه مجالس ماتم برای سيد شباب اهل الجنة حضرت اباعبدالله الحسين عليه السلام 315

آغاز محاصره پيامبر صلى الله عليه وآله و همراهمش در شعب أبى طالب، چهار سال قبل از هجرت 315

وفات جناب محمد بن حنفیه، فرزند برومند اميرالمؤمنين عليه السلام 316

2 محرم الحرام 318

ورود امام حسين عليه السلام به صحراى كربلا 318

3 محرم الحرام 319

ورود عمر سعد ملعون به كربلا 319

خریداری زمین كربلا توسط امام حسين عليه السلام 319

4 محرم الحرام 319

خطبه ابن زياد 319

رحلت جناب عبدالله افطح فرزند امام صادق عليه السلام 320

ص: 411

الكلام يجزّ الكلام، بايزيد بسطامى 323

5 محرم الحرام 323

فرستادن شبت بن ربعى به كربلا، توسط ابن زياد 323

6 محرم الحرام 324

بزرگداشت مظلوميت و مصائب جناب قاسم بن الحسن المجتبى عليه السلام 324

يارى طلييدن حبيب بن مظاهر از بنى اسد 325

رحلت امامزاده جعفر يزد 325

7 محرم الحرام 325

بزرگداشت مظلوميت حضرت على اصغر عليه السلام 325

بستن شريعه فوات بر امام حسين عليه السلام 326

ملاقات امام حسين عليه السلام با عمر سعد 326

8 محرم الحرام 327

بزرگداشت مصائب حضرت على اكبر عليه السلام 327

آوردن آب توسط حضرت على اكبر عليه السلام 328

9 محرم الحرام 328

بزرگداشت دلاورى ها و مصائب حضرت عباس عليه السلام... 328

آوردن امان نامه از طرف ابن زياد براى حضرت عباس عليه السلام 329

قطعى شدن جنگ عليه امام حسين عليه السلام و شدت يافتن ترس بر اطفال ايشان 329

درخواست حضرت عباس عليه السلام از عمر سعد براى تأخير در جنگ 330

10 محرم الحرام 330

روز عاشورا، روز شهادت امام حسين عليه السلام و اصحاب باوفائش 330



آخرین نماز جماعت امام حسین علیه السلام 330

روز ظهور امام زمان علیه السلام 331

11 محرم الحرام 331

به اسارت بردن اهل بیت امام حسین علیه السلام 331

وفات ابوالبشر حضرت آدم... 332

12 محرم الحرام 332

بنابر قولی شهادت امام زین العابدین علیه السلام 332

12 محرم الحرام 333

ورود اسیران از اهل بیت علیهم السلام به کوفه و مجلس ابن زیاد 333

خطبه غزّاء حضرت زینب علیها السلام 333

شهادت عبدالله عقیف 333

13 محرم الحرام 334

خاکسپاری شهدای کربلا 334

14 محرم الحرام 334

حرکت کاروان اسرای اهل بیت علیهم السلام به امر ابن زیاد از کوفه به شام 334

17 محرم الحرام 334

نزول عذاب الهی بر اصحاب فیل 334

20 محرم الحرام 335

شهادت بی بی فاطمه شریفه علیها السلام 335

خاکسپاری بدن «جون»، غلام ابی ذر غفاری رحمة الله 336

21 محرم الحرام 337

وفات علامه حلی رحمة الله 337

22 محرم الحرام 337

وفات شیخ طوسی رحمة الله 337

23 محرم الحرام 338

خروج جناب زید بن علی بن الحسین علیه السلام 338

25 محرم الحرام 339

شهادت امام زین العابدین علیه السلام 339

26 محرم الحرام 340

رحلت حضرت حوّا، مادر بشریت 340

شهادت علی بن الحسن المثلث علیهم السلام 340

28 محرم الحرام 341

ورود اسرای کربلا به بعلبک 341

تبعید امام جواد علیه السلام 341

رحلت حذیفة بن یمان 341

انقراض دولت عباسیان به دست هلاکوخان 343

ماه صفر المظفر

1 صفر المظفر 345

ورود اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و سرهای شهدای کربلا به شام 345

جنگ صفین 345

ص: 412

2 صفر المظفر 345

ورود اهل بيت عليهم السلام به مجلس منحوس يزيد.....345

3 صفر المظفر 346

شهادت جناب زيد بن على بن الحسين عليه السلام 346

5 صفر المظفر 347

شهادت حضرت رقیه بنت الحسين عليها السلام 347

7 صفر المظفر 348

شهادت امام حسن مجتبی عليه السلام 348

فوت پدر مؤلف 349

8 صفر المظفر 350

رحلت جناب سلمان فارسی رحمة الله 350

وفات آية الله سيد ابوالقاسم خويى رحمة الله 351

9 صفر المظفر 352

جنگ نهر وان 352

شهادت عمار ياسر ، خديمة بن ثابت و اويس قرنى در جنگ صفين 353

10 صفر المظفر 353

فوت مادر مؤلف 353

13 صفر المظفر 354

وفات ميرزا حبيب الله خويى رحمة الله 354

14 صفر المظفر 354

شهادت جناب محمد بن ابى بكر 354

15 صفر المظفر 355

بیمار شدن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در اثر خوراندن سم. 355

20 صفر المظفر 356

اربعین حسینی علیه السلام 356

23 صفر المظفر 357

وفات فاطمة بنت أسد، مادر امیرالمؤمنین علیهما السلام 357

24 صفر المظفر 358

درگذشت صاحب بن عبّاد 358

24 صفر المظفر 358

کاغذ و قلم طلب نمودن پیامبر صلی الله علیه و آله برای نوشتن وصیت مهم 358

26 صفر المظفر 359

امر نمودن مکرر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به ملحق شدن به سپاه اسامه 359

27 صفر المظفر 360

شدت بیماری رسول خدا صلی الله علیه و آله و وصیت مکرر به امیرالمؤمنین علیه السلام 360

مسمومیت امام رضا علیه السلام توسط مأمون عباسی 360

28 صفر المظفر 360

شهادت مظلومانه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله 360

تجمع در سقیفه بنی ساعده 361

به نقلی شهادت مظلومانه امام حسن مجتبی علیه السلام 361

آخر صفر المظفر 362

دفن بدن مطهر رسول خدا صلی الله علیه و آله 362

شهادت مظلومانه امام رضا علیه السلام 363

نوروز

ریشه نوروز قبل از اسلام 365

نوروز در روایات 366

نوروز و عید غدیر شمسی 369

مصادف بودن نوروز با هجدهم ذیحجه الحرام و عید غدیر خم 369

یک مکاشفه 371

یک خاطره 372

خرافه پردازی هایی از جاهلیت قبل از اسلام 374

یک پیشنهاد 375

اول فروردین، عید سعید غدیر خم شمسی 377

بزرگداشت خلافت و امامت امیرالمؤمنین، علی بن ابیطالب علیه السلام 377

دوم فروردین، عید سعید غدیر خم شمسی 381

بزرگداشت خلافت و امامت حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام 381

سوم فروردین، عید سعید غدیر خم شمسی 383

بزرگداشت ولایت و امامت حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام 383

ص: 413

چهارم فروردین، عید سعید غدیر خم شمسی 384

بزرگداشت ولایت و امامت حضرت امام زین العابدین علیه السلام 384

پنجم فروردین، عید سعید غدیر خم شمسی 384

بزرگداشت ولایت و امامت حضرت امام محمد باقر علیه السلام .. 384

ششم فروردین، عید سعید غدیر خم شمسی 385

بزرگداشت ولایت و امامت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام . 385

روز علم و گفتگوی تمدنها 386

هفتم فروردین، عید سعید غدیر خم شمسی 386

بزرگداشت ولایت و امامت حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام 386

هشتم فروردین، عید سعید غدیر خم شمسی 387

بزرگداشت ولایت و امامت حضرت امام رضا علیه السلام 387

نهم فروردین، عید سعید غدیر خم شمسی 387

بزرگداشت ولایت و امامت حضرت امام محمد الجواد علیه السلام 387

دهم فروردین، عید سعید غدیر خم شمسی 388

بزرگداشت ولایت و امامت حضرت امام هادی علیه السلام 388

یازدهم فروردین، عید سعید غدیر خم شمسی 389

بزرگداشت ولایت و امامت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام 389

دوازدهم فروردین، عید سعید غدیر خم شمسی 389

بزرگداشت ولایت و امامت امام زمان علیه السلام 389

سیزدهم فروردین، عید سعید غدیر خم شمسی 390

روز برائت از کفار و مشرکین 390

سال ولایت شمسی 390

عدد 12 نماد دوازده شخصیت والا مقام در نزد زرتشتیان 391

اعمال عید غدیر شمسی 395

اصحاب الرّس 397

اللّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ

ص: 414

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارك امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : ( موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه )

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبا ده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109





مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

